

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مسجد کودک و نوجوان

فروغ مسجد ۹





عنوان کتاب: مسجد، کودک و نوجوان، فروغ مسجد ۹/ کتاب سال مرکز رسیدگی به امور مساجد
تهیه: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ویراستار: مهدیه اکبریان مهر

طراح جلد: محمدجواد زهادت

صفحه آرایی: سیدمهدی حسینی

نوبت چاپ: اول، مرداد ماه ۹۳

ناشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

نشانی: قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام پلاک ۱۰۳

کد پستی: ۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۳۸۳۵ - ۳۶

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۳۸۳۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه فرهنگی هنری نجوا

نشانی اینترنتی: www.masjed.ir

مراکز پخش:

۱. قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

۲. تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان سعدی شمالی، کوچه صفامنش

مجتمع محراب مرکز رسیدگی به امور مساجد / تلفن: ۰۲۱-۶۶۳۴۶۹۴۱-۴

فهرست

- ۹ بررسی تحلیلی نظام تربیتی مسجد محور
 اکرم حسینی مجرد
- ۴۳ نقش مساجد در شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان
 ابراهیم اخوی
- ۸۳ نقش خانواده و امام جماعت، در تشویق کودک و نوجوان به نماز جماعت و حضور در مسجد
 عسکری اسلام پورکریمی
- ۱۳۳ تربیت مسجدی کودک در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)
 مهدی محمدی قناتگستانی
- ۱۶۳ حکم فقهی آوردن کودکان به مسجد
 سید مصطفی بهشتی
- ۱۹۹ بررسی جاذبه رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ کودکان و نوجوانان
 ابراهیم نعیمی
- ۲۳۹ الزامات نرم افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد
 محمد حسین شریفی نیا
- ۲۸۳ روش‌های تعلیم مفاهیم و آموزه‌های دینی به کودکان و نوجوانان
 حسن خلجی
- ۳۲۵ تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه: با تأکید بر نقش محوری مسجد
 جواد آقامحمدی

□ ورزش نوجوانان و جوانان در مساجد باید‌ها و نبایدها

۳۵۹..... محمود رضا قاسمی

□ بازی کودکان در مسجد

۳۸۹ فرشته روح افزا

□ مسجد به مثابه یک رسانه و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

۴۲۳..... امید نیک داد

□ مسجد مجازی و نقش آن در تربیت دینی کودکان و نوجوانان

۴۵۷..... رحیم دهقان سیمکانی

□ طرح صالحین، دستاوردها و پیشنهادهای

۴۹۳..... روح‌الله حریرزوی

مقدمه

هو العليم

«آن قدر آدم سازی و پرورش انسان های والا و با ایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار بسازد کار بزرگی را انجام داده است.»^۱

پرورش و تربیت انسان ها کار مقدس عظیمی است، تا آنجا که خداوند بزرگ وظیفه اصلی همه پیامبران علیهم السلام و ائمه معصومین علیهم السلام را تعلیم و راهنمایی انسان ها می داند.^۲ اهمیت این مسئله زمانی روشن تر می شود که خداوند خود را نیز معلم و رب انسان ها معرفی می کند.^۳ مقام ربوبیت بندگان ذاتاً متعلق به خداوند متعال بوده و تنها رب واقعی اوست. وظیفه پرورش انسان ها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در طول مقام ربوبیت الهی است که از طرف خداوند بر عهده ایشان گذارده و تفویض شده است. چنانچه می بینیم این وظیفه بعد از ائمه معصومین علیهم السلام به عهده علمای امت اسلام گزارده شده و همواره بزرگان دینی ما از صدر اسلام تا کنون به این مهم توجه ویژه داشتند. نقل است از مرحوم آیت الله خوشوقت پرسیدند چرا کتاب نمی نویسید و مکتوبات ندارید، ایشان اظهار می دارند: من آدم نویسی را مهم تر می دانم. نوشتن کتاب خوب است و برکت دارد اما خیلی از کتاب ها خوانده نمی شوند و خاک می خورند؛ در حالی که اگر آدم ها تربیت شدند نه تنها خیانت نمی کنند بلکه خدمت های فراوانی می کنند و استاد نیز در همه آنها شریک است. اینها همه نشان از اهمیت و جایگاه ویژه تربیت انسان ها در چهارچوب نظام معرفتی اسلامی است.

از طرفی، باید توجه داشت که تعلیم و تربیت چنانچه در اسلام نیز به آن اشاره شده سن مشخصی ندارد و انسان در تمام طول زندگی می تواند همواره در حال تعلیم و تربیت باشد؛ لیکن میزان تأثیر پذیری در سنین مختلف متفاوت است و همه روانشناسان اسلامی و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید، فضلاء و طلاب حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۹.

۲. بقره/۱۵۱.

۳. بقره/۳۱؛ الرحمن/۲ تا ۴.

غیراسلامی بر این مهم تأکید دارند که در دوران کودکی و نوجوانی، روح و روان انسان، شکل اصلی خود را پیدامی کند و شخصیت کودک و نوجوان در این دوران همانند موم نرم قابل شکل دادن است. لذا این قابلیت را در این برهه باید غنیمت شمرد تا بتوان انسانی در طراز اسلامی آن پرورش داد. از آنجا که وظیفه تربیت و تعلیم به عهده عالمان دین می باشد شاید سخن گزافی نباشد اگر بگوییم بهترین و مقدس ترین مکان برای تربیت کودک و نوجوان مسجد است. تجربه تاریخی صدر اسلام تاکنون نیز به همین مهم اشاره دارد که همواره از ابتدای بعثت پیامبر تاکنون انسان های پاک، باتقوا و تأثیرگذار در دین و در جهت تعالی پرچم اسلام، در مسجد پرورش یافته و رشد نموده اند. چه اینکه محل پرورش انسان ها در زمان رسول خدا ﷺ مسجد بود و اساساً مسجد مبنای هر حرکت آموزشی و تربیتی بوده است. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز، با اندک تأمل در سیره بنیان و پیشتازان آن درمی یابیم که همه پرورش یافته مساجد بودند و شهدای گرانقدر انقلاب نیز از خانه خدا مسیر عروج به ملکوت را آغاز کردند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به این موضوع پر اهمیت و البته با علم به تلاش همه جانبه نظام سلطه و دشمنان قسم خورده در به انحراف کشاندن نسل آینده فرزندان انقلاب، سال ۱۳۹۳ را سال مسجد و کودک و نوجوان نام گذاری نموده و در تلاش است با مجموعه ای از برنامه ها و اقدامات فرهنگی، متولیان و اثرگذاران و دغدغه مندان حوزه تربیت را به اهمیت و حساسیت این موضوع رهنمون سازد. امید است مساجد، این خانه های امید همچون گذشته مهد تربیت و اعتلاء فرهیختگان و آینده سازان فردای روشن ایران و جهان اسلام باشند و خادمان و خدمت گزاران مساجد بیش از پیش در این راه قدم بردارند.

این مجموعه نیز حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه است که با هدف ارائه تحلیل ها و راهکارهای علمی و عملی برای جذب و رشد و پرورش همه جانبه شخصیت کودکان و نوجوانان، به رشته تحریر درآمده است.

ضمن سپاس از نویسندگان خوش ذوق و دغدغه مند و همکاران گرانقدر در دفتر مطالعات و پژوهش ها، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرمیابان به ویژه ائمه جمعه و جماعات مقبول افتاده و پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش را از خادمان خویش در معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

جعلنا الله من عامری مساجد الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی



بررسی تحلیلی نظام تربیتی مسجد محور

اکرم حسینی مجرد^۱

چکیده

مسجد به عنوان یک نهاد اجتماعی مؤثر در جامعه اسلامی، اهداف، اصول و روش‌های معینی دارد. در صورتی که ارکان نظام تربیتی، با ارکان نهاد مسجد منطبق باشد، آن را نظام تربیتی مسجد محور می‌نامیم. بر اساس آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هدف بنیادی مسجد، ارتباط و اتصال با خداوند عالم است. اهداف دیگر مسجد، اهداف واسطی هستند و مسجد نقش واسطه را در نیل انسان به آنها دارد. هدایت، طهارت و قرب از جمله اهداف واسطی هستند. اصول حاکم بر مسجد نیز صبغه تربیتی دارند و مبتنی بر هر یک از آنها، تعدادی روش تربیتی تعریف می‌شود. ۱- اصل عبادت و معنویت: روش‌های بهره‌گیری از فرصت حضور، پرهیز از لغو و روش طهارت. ۲- اصل اجتماع و جماعت: روش‌های رعایت حال ضعیفان، نظم، رعایت آداب معاشرت. ۳- اصل امام‌محوری: روش‌های دقت در انتخاب امام صالح، شناخت و رعایت حق امام، تبعیت کامل از امام، رعایت سلسله مراتب در صف نماز. ۴- اصل عدالت: روش تقوا و ادای حقوق دیگران. بر اساس این اصول و روش‌های تربیتی، فضای مسجد، فضایی جذاب برای حضور کودکان و نوجوانان آماده و کارآمد برای تربیت همه جانبه آنان خواهد بود.

واژگان کلیدی: تربیت، مسجد، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی، نظام تربیتی مسجد محور.

مقدمه

تربیت یکی از علوم کاربردی است و براساس چارچوب و تعاریف نظری که پشتوانه آن است، قرار است به صحنه عمل وارد شود. از هر زاویه که به موضوع خود نگاه کند و طبق همان اهدافی که، چشم‌انداز خود ساخته، به همان صورت عمل می‌کند. وقتی سخن از نظام تربیتی به میان می‌آید، انتظار می‌رود مطابق واژه «نظام» (سیستم)، اجزائی برای آن تعریف شود و نقطه ورود و خروج تعیین گردد. در حقیقت هر نظام تربیتی حداقل نیازمند تعریف سه رکن خویش است: اهداف تربیتی، اصول تربیتی و روش‌های تربیتی.

پیش از آن، نظام تربیتی باید نوع نگاه خود را به مقوله تربیت، روشن سازد. نخله‌ها و مکاتب تربیتی هیچ‌گاه خود را فارغ از چارچوب‌های بنیادین و اصول نظری معرفی نمی‌کنند. حتی مکتب‌هایی چون رفتارگرایی، که بر رفتار تأکید می‌کنند و اهداف کلی و آرمانی را چندان قابل مطالعه و تحقیق نمی‌دانند نیز، هرگز ادعایی در شکستن حصر قواعد و اصول کلی حاکم بر رفتار ندارند؛ چرا که پذیرش همین قواعد و اصول کلی سبب امتیاز و تشخیص مکاتب تربیتی و جدایی آنها از یکدیگر می‌شود. آنچه همه، بر سر آن اتفاق نظر دارند داشتن هدف و روش‌های متناسب با آن است. انتخاب هدف‌های تربیتی در نوع انسان‌شناسی مختلف ریشه دارد و هدف‌ها، تعیین‌کننده نوع روش‌های تربیتی هستند. (مشایخی راد، ۱۳۸۱، ص ۵۰ تا ۸۰) نگاه متفکرین مسلمان به تربیت چنین است: «تربیت با صنعت فرق دارد. با توجه به همین تفاوت، انسان می‌تواند جهت تربیت را بشناسد. صنعت، «ساختن» است به این معنی که شیء، یا اشیاء را تحت نوعی پیراستن و آراستن قرار می‌دهند؛ میان اشیاء و قوای آنها

ارتباط برقرار می‌کنند. قطع و وصل‌هایی در جهت مطلوب انسان صورت می‌گیرد و آن‌گاه این شیء می‌شود مصنوعی از مصنوع‌های انسان. فرض کنید که از گل یک حلقه انگشتر یا یک زیور دیگری می‌سازیم، آن را شکل می‌دهیم یا به قول معروف پرداخت می‌کنیم؛ وضع مخصوصی به آن می‌دهیم و می‌شود یک مصنوع برای ما، ولی تربیت، پرورش دادن است؛ یعنی استعداد‌های درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن، لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور بکند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد. (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص: ۵۵۲)

حال سؤال این است که در این فرآیند پرورش و شکوفا سازی استعدادها، مسجد به عنوان یک نهاد دینی - اجتماعی چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟ اگر یک نظام تربیتی بخواهد با محوریت مسجد تعریف شود، چینی‌ش ارکان اصلی خود (اهداف، اصول، روش‌ها) را چگونه قرار دهد؟

مقاله حاضر کوشش می‌کند تا با نگاه تازه‌ای به نهاد مسجد، به سؤالات فوق پاسخ دهد. در این نگاه تازه، مسجد نهادی است که اهداف خاصی را دنبال می‌کند و برای تحقق آنها، اصول و روش‌های خاص خود را دارد. اما از آنجا که مخاطب مسجد «انسان» است؛ همه آن چه گفته شد «از اهداف و اصول و روش‌ها» ناظر به پرورش و تربیت انسانی است. بنابراین نظام تربیتی مسجد محور، ارکان خود را با ارکان مسجد تطبیق می‌دهد.

برای شناخت ارکان و اصول مسجد، مبنا را آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام قرار دادیم و بر اساس آنها، چهار چوب نظام مسجد و نظام تربیتی مسجد محور را استخراج نمودیم. همین مسئله، نوآوری و نقطه امتیاز این نوشتار است.

الف) معنای محوریت مسجد در نظام تربیتی

معنای محوریت مسجد در تربیت یا یک نظام تربیتی را، بر اساس این که مسجد در کدام عرصه و کدام رکن از ارکان نظام تربیتی دخیل باشد و محوری دیده شود، می توان از چند جهت لحاظ کرد: ۱. نظام تربیتی ما همان اهدافی را دنبال نماید که نهاد مسجد، در پی آنهاست. در واقع تقدس و نگاه الهی مسجد را، در تربیت مدنظر قرار دهیم.

۲. نظام تربیتی مسجد محور، در معنای دوم، می تواند به نظامی تربیتی اطلاق شود که اصول خود را بر گرد اصول مسجد چینش کرده است. به عبارتی قواعد و دستورالعمل های کلی آن با محور اصول و ارکان اساسی مسجد صادر می شود.

۳. وجه سوم از معانی محور بودن مسجد در تربیت، این است که نظام تربیتی، از همه روش ها و دستورالعمل های جزئی مسجد در حیطه های مختلف، برای تحقق اهداف تربیتی خود، بهره می گیرد. پس نظام تربیتی مسجد محور به معنای سوم، نظامی است که روش های مسجدی، در محوریت روش های آن قرار دارد.

۴. وجه چهارم، با نگاهی حداکثری، جمع همه موارد پیشین است. در وجه سه گانه ای که ذکر شد، به حضور حداقلی مسجد یا به تعبیری کمترین بهره تربیتی از ارکان مسجد در نظام تربیتی بسنده شده بود. به گونه ای که یا تطابق در اهداف، یا تطابق در اصول و یا تطابق در روش، کافی بود تا یک نظام تربیتی را نظام تربیتی مسجد محور بنامیم.

اما معنایی که نوشتار حاضر برای تعریف نظام تربیتی مسجد محور در نظر دارد، محوریت در یک یا دو عرصه را کافی نمی داند. در این معنا لازم است که در همه ارکان نظام تربیتی «اهداف، اصول و روش ها» تناظر و تطابق با ارکان مسجد به وجود آید.

ب) شناخت نهاد مسجد

برای استنباط این معنا که تربیت مسجد محور چیست و چه تمایزی با دیگر نظام‌های تربیتی دارد، شناخت دقیق نهاد مسجد ضروری است. مسجد را نباید تنها ساختمانی پنداشت که با ندای اذان، مسلمانان را برای ادای فریضه نمازهای پنج‌گانه در خود جمع می‌کند و نقشی جز یک ظرف مکانی ندارد؛ مسجد صرف‌نظر از بنای ظاهری - که البته همین بنای ظاهری از جنبه‌های دیگر موضوعیت و اهمیت دارد - یک نهاد اثرگذار و تعیین‌کننده اجتماعی در جامعه اسلامی است.

نهاد مسجد، تعاملی دوسویه با مخاطبان خود دارد به این معنا که مخاطبان مسجد - که در عرف به جهت آن که کارکرد اول و مهم مسجد نماز است، «نمازگزاران» خوانده می‌شوند - علاوه بر تأثیرات مثبت عمیق و ماندگاری که از حضور مستمر در مسجد می‌گیرند، و یا آثاری منفی که به دلیل بی‌اعتنایی به مسجد و ترک حضور در آن خواهند دید، می‌توانند در کارکردهای مختلف نهاد مسجد به صورت مثبت و منفی نقش ایفا کنند.

رسول گرامی اسلام ﷺ برای کمترین ارتباط با مسجد یعنی تنها، نشستن در مسجد چنین آثاری را برای مؤمنان پیش‌بینی فرمودند: «ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته‌ای خداوند متعال به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه در بهشت به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می‌کشی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از تو پاک می‌گردد.» (مجلسی، ۷۷/۸۵/۳)

همسایه مسجد بودن و به راحتی از کنار آن گذشتن، ممکن است برای اعضای جامعه اسلامی

۱- يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسْتَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ، وَ تُصَلِّي عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ، وَ تُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسْتَ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ تُمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ.

گران تمام شود. این یکی از نقاطی است که اثبات می‌کند مسجد یک موجود زنده و اثرگذار است، نه ساختمانی آجری یا سنگی؛ چرا که شکایت او از همسایگان بی‌اعتنا، از سوی پروردگار چنین پاسخی دارد: از امام صادق (ع) روایت است: «مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خداوند متعال شکایت کردند. خداوند عزّ و جلّ به آنها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و در بهشت، همسایه من نشوند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۸۵، ح ۷۷)

روشن است تأثیر منفی که با بیان روایت فوق به عنوان نمونه‌ای از آثار تعامل با مسجد ذکر شد، نتیجه عملکرد خود افراد است و تأثیری است که خودشان با بی‌اعتنایی یا غفلت و عدم حضور در مسجد بر زندگی خود می‌گذارند.

اما در این سوی ارتباط، یعنی نقشی که مخاطبان مسجد می‌توانند ایفا کنند: یکی از نقش‌هایی که در منابع اسلامی بیان شده، عمارت و آباد کردن مساجد است. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (توبه / ۱۸) (جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگذارد و زکات پردازد و جز از خدا ترسد. امید است که اینان از رهیافتگان باشند).

«پیامبر اسلام (ص) در پاسخ به سؤال ابوذر از چگونگی آباد کردن مساجد فرمود: [به این گونه که] در آنها صداها بلند نشود، به سخنان و کارهای نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آنها خرید و فروش صورت نگیرد و تازمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکش. اگر چنین نکنی در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۳۶۶۱)

آن گونه که آیه شریفه فوق اشاره می‌کند، آباد کردن مساجد تنها از کسانی برمی‌آید که چهار ویژگی داشته باشند: ایمان به خدا (مبدأ)، ایمان به روز واپسین (معاد)، برپایی نماز، پرداخت زکات.

۱ - «شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ بِهَا مِنْ جِيرَانِهَا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبِيلَتْ لَهُمْ صَلَاةٌ وَاجِدَةٌ، وَلَا أَظْهَرَتْ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةٌ، وَلَا نَالَتْهُمْ رَحْمَتِي، وَلَا جَاوَزُونِي فِي جَنَّتِي.»

۲ - «وَقَدْ سَأَلَهُ أَبُو ذَرٍّ عَنْ كَيْفِيَّةِ عِمَارَةِ الْمَسَاجِدِ: لَا تُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ، وَلَا يُخَاصُّ فِيهَا بِالْبَاطِلِ، وَلَا يُشْتَرَى فِيهَا وَلَا يُبَاعُ، وَاتِّزَاكُ اللَّعْوِ مَا دُمْتَ فِيهَا، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ.»

ج) اهداف مسجد؛ اهداف تربیتی

۱. پرستش و ارتباط با خدا

هدف بنیادی مسجد، ارتباط و اتصال با خداوند عالم است و مهم‌ترین رکن مسجد یعنی نماز، در راستای این هدف بنا شده است.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «هرگاه به در مسجد رسیدی بدان که توبه آستان خانه پادشاهی بزرگ و پر شکوه آمده‌ای، که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازه نشستن در مجلس او، جز به صدیقان داده نشود... تو برای پرستش و همدمی با او آمده‌ای.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۷۳، ح ۸۳)

بر اساس فرمایش حضرت صادق (علیه السلام) هدف از حضور در مسجد، عبادت، و مؤانست با خدای متعال است.

پس اگر نظام تربیتی، بر مبنای انسان‌شناسی اسلامی و قرآنی، نقطه‌نهایی سیر تربیتی را برای انسان، لقاء حضرت حق قرار دهد، در حقیقت هدف نهاد مسجد را، در محوریت اهداف خود قرار داده؛ و این می‌تواند اولین وجه از مفهوم محوریت مسجد در نظام تربیتی باشد. این هدف، با هدفی که قرآن کریم از خلقت انسان بیان می‌کند، مطابقت کامل دارد: «و من جن وانس را نیافریدم مگر برای این که مرا (به یکتایی) پرستش کنند.»^۱ اما عبادت چیست؟ «ظاهر عبادت، به انجام پاره‌ای از اعمال ظاهری (مانند رکوع، سجده، طواف و...) اشاره دارد. اما حقیقت عبادت، عبارت از آن است که انسان خود را در برابر رب خویش، در مقام مملوکیت و مربوطیت قرار دهد.

۱- «إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ فَاعْلَمْ أَنَّكَ قَصَدْتَ بَابَ بَيْتِ مَلِكٍ عَظِيمٍ لَا يَطَأُ بِسَاطِلِهِ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ وَلَا يُؤَدَّرُنْ بِمُجَالَسَةِ مَجْلِسِهِ إِلَّا الصَّادِقُونَ... فَإِنَّكَ قَدْ تَوَجَّهْتَ لِلْعِبَادَةِ لَهُ، وَالْمُؤَانَسَةِ...»

۲- «و ما خلقت الجن والإنس إلا ليعبدون» ذاریات: ۵۶

پس حقیقت عبادت، عبودیت است. پس به یک معنی می‌توان گفت که هدف خلقت، عبودیت است نه عبادت؛ و هدف تربیت، ساختن «عبد» است نه «عابد». زیرا می‌توان عابد بود و عبد نبود؛ چنان که شیطان، شش هزار سال عبادت نمود اما تنها عابد بود نه عبد. «(باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۵)

نکته‌ای لازم به توضیح است؛ و آن اینکه پرستش و عبودیت که به عنوان یکی از اهداف بنا نمودن نهاد مسجد از آن یاد کردیم، یکی از اصول مسجد نیز هست که در قسمت اصول مسجد، از زاویه‌ای دیگر به آن خواهیم پرداخت. یعنی انجام عبادات (ذکر، نماز، تلاوت قرآن، و حتی پرداختن به مسائل علمی) به عنوان دستورالعمل‌های کلی (اصول) در ارتباط با مسجد، از سوی شارع مقدس، امر شده است. پس تکرار عبادت در دو بخش اهداف و اصول مسجد، آگاهانه و با توجه به دو نوع نگاه است. پرستش و ارتباط و همدمی با خالق عالم (بنابر فرمایش معصوم علیه السلام) از طرفی یکی از مهم‌ترین اهداف بنای مسجد و حضور در مسجد است، و از سوی دیگر، یک اصل و دستور است.

۲) اهداف واسطی مسجد

ذیل این عنوان، می‌خواهیم به اهدافی اشاره کنیم، که نهاد مسجد واسطه می‌شود تا انسان مؤمن به آنها نائل شود. در حقیقت همانند انجام عبادت و پرستش نیستند که مسجد به طور مستقیم به قصد انجام آن کار ساخته شده باشد؛ بلکه اهدافی هستند که به گونه‌ای غیر مستقیم و به واسطه همان عبادت و عبودیت، انسان به آنها می‌رسد؛ و در این میان، نهاد مسجد، نقش واسطی پررنگ و مهمی دارد، و نیل به این اهداف را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند. به همین سبب آنها را اهداف واسطی مسجد نامیدیم.

۲-۱. هدایت‌ورشد

خداوند خلقت را با هدایت همراه نمود؛ «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰) در رابطه با انسان، هدایت در دو مرحله انجام می‌پذیرد. در نخستین مرحله، هدایت به معنی نمودن راه است. این هدایت شامل هدایت رسولان و نیز هدایت فطری خواهد بود، زیرا در هر دو «نمودن» راه انجام می‌پذیرد.

در نوع دیگر از هدایت، تنها نمودن راه در نظر نیست، بلکه «پیمودن» آن مطمح نظر است. هادی در این معنی، کسی نیست که راه را نشان دهد؛ بلکه کسی است که راه را برود و هدایت شونده را به دنبال خود ببرد. (ایصال الی المطلوب) هدایت، گاه در قرآن با واژه «رشد» بیان می‌شود. «رشد» در فرهنگ قرآن به معنای توسعه یا نمو به کار نرفته، بلکه به مفهوم

هدایت استعمال شده است. راغب اصفهانی در مفردات می گوید: «الرَّشْدُ والرُّشْدُ: خلاف الغي، يستعمل استعمال الهداية» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۴) پس معنای مقابل آن «غی» به معنای گمراهی است. (باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۵)

در تربیت مسجد محور، هر دو نوع هدایت محقق می شود و متربی پس از شناخت راه، با هدایت گری مسجد، راه را نیز طی می کند.

۲-۲. طهارت و حیات طیبه

در اسلام کلیه معارف و اصول اخلاقی و احکام، به مسئله طهارت و نجاست ناظر هستند. اصل توحید، طهارت کبری معرفی شده و مشرک کسی است که طهارت وجودی خود را از دست داده است. طهارت به این معنای وسیع، که شامل اعتقادات و اخلاق و اعمال می گردد، یک هدف غایی در تربیت اسلامی است. از این هدف با عنوان حیات طیبه نیز یاد شده است. (همان) «من عمل صالحاً من ذكراً و أنثى و هو مؤمنٌ فلنحیینه حیاة طيبة» (نحل / ۹۷) آیه بر این دلالت دارد که خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می کند. این حیات، حیاتی است خالص، که خبثاتی در آن نیست که فاسدش کند یا آثارش را تباہ سازد. (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، ص ۴۹۳)

طهارت نیز مفهومی است که علاوه بر جنبه هدف بودن، یکی از دستورالعمل های جزئی نیز محسوب می شود. لذا در بخشی دیگر تحت عنوان یکی از روش ها بدان می پردازیم.

۲-۳. قرب الهی

خدای متعال به همه بندگان خود نزدیک است؛ آن هم نهایت قرب و نزدیکی: «ما انسان را آفریدیم... و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم.»^۱ پس دور بودن و نزدیک شدن برای او معنا ندارد؛ اما این بندگان هستند که به فراخور حالشان و به نسبت تلاششان، به خالق خویش تقرب می جویند. «قرب الهی» برای انسان، یک هدف عالی است. زندگی بنده، با تلاش برای هر چه نزدیک تر شدن به معبودش معنا پیدا می کند و اگر چنین تلاش و چنین مقصدی نباشد، زندگی شبیه مرگ می شود. امام علی علیه السلام در بخشی از دعایی که آن را به نوف بکالی تعلیم نمود، فرمود: «خدا یا! کسی که ولع یاد تو، او را به خود مشغول نسا زد و به جوار قرب تو رخت سفر برنبدند، زندگیش برای او مرگ است و مرگش مایه حسرت او.»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۹۵، ح ۱۹۴)

۱- «ونحن اقرب الیه من حبل الوريد» ق: ۱۶

۲- إلهی إئت من لم یسغله الولوع یدک، ولم یزوه السفیر یقریک کانت حیاته علیه میتة، و میتته علیه حسرة.

اما نیل به این هدف چگونه برای انسان حاصل می‌شود؟ یکی از راه‌ها، انس با سجده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا قسم زیانکار نباشد هر که حتی در تمام عمر یک بار حقیقت سجده را به جای آورد، و رستگار نباشد هر که در چنین حالتی (سجده) با پروردگارش خلوت کند، اما چونان کسی باشد که خود را می‌فریبد و از خوشی دنیا و آسایش آخرت که خداوند برای سجده کنندگان آماده کرده غافل و بی‌خبر است. کسی که در سجود، به خدا خوب تقرّب جست، هرگز از او دور نشد و هر که به ساحت خدا بی‌ادبی کرد و حرمت او را ننگه نداشت و در حال سجودش به جز او دل بست، هرگز به خدا نزدیک نشد. پس، چونان کسی سجده کن که در برابر خدا خاکسار و ذلیل است و می‌داند که از خاکی آفریده شده، که مردمان آن را پایمال می‌کنند و تو را از نطفه‌ای بر آورده، که همگان آن را نجس می‌دانند و از نیستی، هست شده است. خداوند معنای سجود را وسیله تقرّب دل و درون و روح [بنده] به خود قرار داده است. پس هر که به او نزدیک شود، از غیر او دور گردد. مگر نمی‌بینی که در ظاهر نیز حالت سجده جز با کنار گذاشتن همه چیز و چشم پوشیدن از هر آنچه دیدگان می‌بینند تحقق نمی‌یابد. خدا باطن کار را نیز چنین خواسته است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۳۶، ج ۸۵)

راه دیگری را نیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی معرفی فرمود: فردی به نام مجاشع عرض کرد: ای رسول خدا! راه نزدیک شدن به حق چیست؟ حضرت فرمود: دور شدن از نفس. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۷۲، ج ۷)

از فرمایش امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز راه دیگری برای تقرّب جستن به حضرت حق فهمیده می‌شود: «پرهیزگاری، در زمان حیات مایه عصمت و نگهداری تو [از گناه] است و بعد از مرگ موجب قرب منزلت تو می‌شود.» (محمدی ری شهبازی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۴۱۹)

۱- «فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَكَيْفَ الطَّرِيقُ إِلَى قُرْبِ الْحَقِّ؟ قَالَ: التَّبَاعُ مِنَ النَّفْسِ»

۲- «إِنَّ التَّقْوَى عَصْمَةٌ لَكَ فِي حَيَاتِكَ، وَوُلْفَى لَكَ بَعْدَ مَمَاتِكَ.»

د) اصول حاکم بر نهاد مسجد؛ اصول تربیتی

هر جا سخن از اصل و اصول به میان می‌آید، معنای پایه و اساس به ذهن متبادر می‌شود. اما کاربردهای وسیعی که این واژه در علوم و فنون مختلف دارد، ایجاب می‌کند که در هر مبحث، منظور دقیق از «اصل» روشن شود تا تفاوت‌های ظریف معنایی، سبب اختلاط و اشتباه نشود. مثلاً هنگامی که در حیطه علوم تجربی از اصول فیزیک یا اصول روان‌شناسی سخن می‌گوییم، نظر به مجموعه یافته‌هایی از این علوم داریم که به منزله قانون‌مندی‌های شناخته شده در باب موجودات مورد مطالعه، در نظر گرفته شده‌اند. در علوم کاربردی مانند علوم تربیتی نیز متناسب با ویژگی این علوم، اصل، معنای معینی خواهد داشت. ویژگی بارز علوم کاربردی در این است که این علوم، در پی ایجاد تغییرات مطلوب در عرصه‌های مختلف، وبدست آوردن قواعد کلی برای تعیین و هدایت تغییرات مورد نظر هستند. پس معنای «اصل» در علوم کاربردی، قاعده عامه‌ای خواهد بود که می‌توان آن را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل استفاده کرد. اما رابطه اصول و روش‌های تربیتی؛ اصول و روش‌ها از یک سنخ هستند زیرا هر دو دستورالعمل هستند با این تفاوت که اصول، دستورالعمل‌های کلی، و روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌تر هستند. روش‌ها بر اصول مبتنی هستند بنابراین روش‌ها را بر اساس همان اصولی که در دامنه آنها قرار گرفته‌اند، به صورت زیرمجموعه هر اصل، دسته‌بندی می‌کنیم. (باقری، ص ۶۶-۶۳)

۱. اصل عبادت و معنویت

«مسجد خانه خداست»؛ این مهم‌ترین تعریفی است که از مسجد ارائه می‌شود و ارتباط مستقیم آن را با عالم ملکوت ثابت می‌کند. قرآن کریم صریحاً مساجد را به خدا نسبت می‌دهد

و از آن اومی داند: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن ۱۸) همانا مساجد (سجده گاهها) از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید. پیامبر خدا ﷺ در روایتی فرموده اند: «در تورات نوشته شده است که: خانه های من در روی زمین مسجدهایند. پس، خوشا بنده ای که در خانه اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانه من، به دیدارم بیاید. بدانید! بر میزبان است که میهمان را گرمی دارد. هان! آنان را که در تاریکی های شب به مساجد می روند، بشارت باد به نور در خشان در روز رستاخیز.»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۳۷۳، ح ۸۳)

پس بر اساس فرمایش رسول اکرم ﷺ مؤمنین با حضور در مسجد به ملاقات خدای سبحان می روند و میهمان او می شوند. اتفاقی که در هیچ جایگاه دیگری در زمین رخ نخواهد داد و مسجد به واسطه این ویژگی منحصر به فرد، بر هر مکانی ممتاز است. روایتی از امام صادق (ع) نیز مؤید این مطلب است:

«بر شما باد رفتن به مساجد؛ زیرا مساجد خانه های خدا در روی زمینند. هر که پاک و پاکیزه وارد آنها شود خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره زائران خود قلمدادش کند. پس، در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۸۴، ح ۴۴۰) بنابراین معنویت اصیل اسلامی و ارتباط با خدای متعال، یک اصل اساسی در نهاد مسجد است.

۱-۱. روش بهره گیری از فرصت حضور

اهل مسجد باید از همه لحظات حضور در خانه خدا، بیشترین استفاده و بهره معنوی را ببرند. لذا پیامبر اکرم ﷺ آنها را به انجام سه کار ویژه در مسجد دعوت می کند. «هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر نشستن سه کس: نماز گزاری که [قرآن] قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد.»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۸۶، ح ۷۷) این نشان از طلایی بودن همه لحظات در مسجد بودن است. بر اساس کلام رسول خدا ﷺ تنها کاری که ارتباط و اتصال با خالق را محکم کند، ارزش انجام دادن در مسجد دارد. کار علمی در کنار قرائت قرآن و ذکر خدا قرار داده شده و اهمیت بسیار آن جای تأمل دارد.

۱ - فی الثَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ أَنْ يُبُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ، فَطُوبَى لِمَنْ لَعِبِدَ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي، الْأَيْنَ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةُ الزَّائِرِ، أَلَا تَبْشُرُ الْمَشَائِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۲ - «عَلَيْكُمْ بِاتِّبَانِ الْمَسَاجِدِ، فَإِنَّهَا يُبُوتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ، وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا ظَهَرَ اللَّهُ مِنْ دُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُؤَارِهِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالذُّعَاءِ»

۳ - كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوْ إِلَّا ثَلَاثَةً: قِرَاءَةُ مُضَلٍّ، أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ، أَوْ سَأَلٌ عَنْ عِلْمٍ.

۲-۱. روش پرهیز از لغو

گذران وقت گران بها به سخنان بیهوده و بی ثمر، با فضای معنوی مسجد بلکه در مجموع، با سبک زندگی اسلامی در تضاد است. اجتناب از کارهای بی فایده و باطل، دستورالعمل دیگری بر پایه اصل عبادت و معنویت مسجد است. در این باره حدیثی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که آن را در تفسیر آباد کردن مساجد آوردیم اما به جهت آن که تناسب زیادی با این بحث دارد، مجدداً ذکر می کنیم. «پیامبر خدا ﷺ - در پاسخ به سؤال ابوذر از چگونگی آباد کردن مساجد - فرمود: [به این گونه که] در آنها صداها بلند نشود، به سخنان و کارهای نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آنها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکش. اگر چنین نکنی در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی.» (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۳۷۴، ج ۲۶۶۱)

۳-۱. روش طهارت

خانه خدا باید همواره طاهر و پاک باشد به همین سبب حفظ طهارت مسجد از دستورات اکید احکام اسلامی است. «اگر مکلف ببیند که مسجدی آلوده به نجاست شده واجب است آن را از آله کند و این وظیفه مخصوص کف مسجد نیست بلکه شامل همه اجزاء آن از زمین، دیوارها و سقفش و حتی بنا بر احتیاط شامل سمت بیرون دیوارهایش می شود. و خوب تطهیر آنچه گفته شد کفائی است و این تکلیف اختصاص به کسی که آنها را نجس کرده ندارد همچنان که این تکلیف در صورت امکان تطهیر فوری است و اگر انجام این وظیفه نیازمند به دادن مال باشد دادن مال نیز واجب است و اگر تطهیر مسجد مستلزم کندن آن و یا خراب کردن مقداری از ساختمان آن باشد جائز و بلکه واجب است و اگر مکلف نجاستی را مثلاً در مسجد ببیند و وقت نماز هم رسیده باشد واجب است قبل از نماز مسجد را تطهیر کند البته این صورتی است که وقت نماز وسیع باشد. در مساجد فرقی بین آباد و خرابه و مترو که آنها نیست.» (امام خمینی رحمته، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۱۳)

علاوه بر آن، مؤمنان اهل مسجد نیز برای حضور در مسجد به وضو و طهارت توصیه شده اند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «همانا خداوند به سه کس وعده داده، بدون حساب وارد بهشت شوند، و هر یک هشتاد هزار نفر را شفاعت کنند: ۱- مؤذن ۲- امام جماعت ۳- کسی که وضو بگیرد، سپس به مسجد رفته و نماز را به جماعت بخواند.»^۱ (نوری، بی تا، ج ۱، ص ۴۸۸)

۱- إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ ثَلَاثَةِ نَفُورٍ يَغْتَبِرُ حِسَابٍ وَيَشْفَعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي ثَمَانِينَ آفَافاً. الْمُؤَذِّنُ وَالْإِمَامُ، وَرَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي فِي الْجَمَاعَةِ.

بها دادن به معنویت و ایجاد گرایش‌های الهی و قدسی در نوجوانان و جوانان، بهترین و مؤثرترین ابزار تربیتی است که می‌تواند آنها را با جذبه‌های توحیدی و لذت‌های معنوی، از جاذبه‌های پوچ مادی و لذت‌های زودگذر منصرف کند.

سه روش ذکر شده در اصل عبادت و معنویت، روش‌هایی هستند که تنها در تربیت مسجدمحور می‌توان آنها را بدین شکل یافت. حتی والدین در بهترین شرایط تربیتی یا بهترین مربیان، منهای فضای مسجد قادر به چنین تربیتی نخواهند بود. مسجد با ایجاد فرصت ذکر، قرائت قرآن و علم‌آموزی و از همه مهم‌تر تفکر و بصیرت‌افزایی، عالی‌ترین فرصت تربیتی را در اختیار جوانان قرار می‌دهد. در تربیت مسجدمحور باید در ایجاد این فضا توسط مربی تلاش شود تا نوجوان این فرصت را از دست ندهد. لذت و جاذبه این فراگیری، خود به جذب بیشتر این قشر کمک خواهد کرد. از سوی دیگر، خویشتن‌داری و پرهیز از امور لغو، یعنی سخن بیهوده، رفتار مغایر با قداست مسجد، تمرینی است برای اصلاح اخلاق و رفتار نوجوانان که با تکرار و تداوم، برایشان ملکه و شاکله شخصیتی می‌شود و بالاخره، روش تربیتی حفظ طهارت در مسجد، نوجوان را به طهارت ظاهر و باطن دعوت می‌کند. طهارتی که نوجوان از حضور در مسجد کسب می‌کند، ضمانتی است برای داشتن یک زندگی مطهر و به دور از آلودگی.

۲. اصل اجتماع و جماعت

برپایی نماز جماعت از ابتدای تأسیس نهاد مسجد به دست رسول خدا ﷺ، یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر مسجد بوده است. اگر چه نماز فرادی و انجام عبادت فردی هم در مسجد بی‌مانع است، اما آن چه که اصالت داشته و دارد، جماعت‌محوری است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه در جانش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عبادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تازمانی که برانگیخته شود برایش آمرزش طلبند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۶/۳۳۶/۱)

اصل جماعت، تنها در مورد نماز جماعت صادق نیست بلکه به معنایی عام‌تر، به این حقیقت اشاره دارد که همه شئون اصلی مسجد و اموری که در آن صورت می‌گیرد،

۱- «من مشی إلى مسجدٍ یطلبُ فیهِ الجماعةَ کانَ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ یُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَإِنْ ماتَ وَهُوَ عَلٰی ذَلِكَ وَکَلَّ اللهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ یُعَوِّدُونَهُ فِی قَبْرِهِ، وَ یُؤْنِسُونَهُ فِی وَحْدَتِهِ، وَ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى یُبْعَثَ.»

در زمره کارهای گروهی و جمعی است. علاوه بر نماز جماعت پنج‌گانه، کارهایی مانند آموزش معارف اسلامی و مسائل دینی، خطابه و وعظ و روشن‌گری، تلاش برای رسیدگی به معیشت مؤمنان نیازمند و جلسات مشورتی و تصمیم‌گیری، با مشارکت جمعی مؤمنان و اهالی مسجد انجام می‌گیرد. به طور کلی مسجد جایگاه گردآمدن و حلقه‌زدن اعضای جامعه اسلامی است.

۱-۲. کارکردهای اجتماع مؤمنین در مسجد

اجتماع مؤمنان در مسجد چند بُعد یا چند کارکرد مهم دارد که آنها را بر اساس منابع اسلامی البته به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۲. دیدار با برادران ایمانی

همان‌طور که گفته شد صرف حضور در مسجد و نشستن در آن، نتایجی چون درجات بهشتی و حسنات دارد، صرف گردهم‌آیی مؤمنین و ملاقات با یکدیگر در مسجد، اثرات شگرف و گران‌سنگی دارد. امام علی علیه السلام «دیدار برادران، گرچه اندک باشند، غنیمت بزرگی است.» (کلینی، ۲/۱۷۹/۱۶) رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از ثمرات رفت و آمد به مسجد را، پیدا کردن برادران ایمانی می‌دانند که در راه خدا دوستی می‌کنند. «شخص مسجد رو، دست کم یکی از این سه چیز نصیبش می‌شود: یا دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند با آن او را به بهشت می‌برد، یا دعایی که به سبب آن خداوند بالای دنیا را از او برمی‌گرداند و یا برادری که به خاطر خداوند عز و جل به دست می‌آورد.»^۲ (طوسی، ۴۷/۵۷)

دیدار با برادران ایمانی ثمرات ارزش‌مند و بی‌بدیلی دارد که تعدادی از آنها را برمی‌شمریم.

۱-۱-۲. شادی و آبادانی دل‌ها

این تجمع مؤمنانه در فضایی که معنویت، اساس آن است و هدف، یک امر متعالی و بی‌زنگار است، کمترین فایده‌اش، آرامش روحی - روانی برای فرد است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مؤمن با مؤمن آرام می‌گیرد، چنان که جگر تشنه با آب سرد.»^۳ (راوندی، ۱۰۰/۵۸) احساس باهم بودن، با جمعی هم‌هدف و هم‌مسو، هماهنگ و همراه شدن، دیدار چهره به

۱ - «لقاء الإخوان معنم جسیم وإن قلوا.»

۲ - لا یرجع صاحب المسجد بأقل من إحدى ثلاث: إما دعاء یدعو به یدخله الله به الجنة، وإما دعاء یدعو به لیصرف الله به عنه بلاء الدنيا، وإما أخ یستفیذه فی الله عز وجل.

۳ - إن المؤمن لیتسكن إلى المؤمن كما یتسكن قلب الظمان إلى الماء البارد.

چهره با کسانی که در فرهنگ اسلام، باهم برادرند^۱، (حجرات / ۱۰) فرد را زنده دل و با نشاط می‌کند. در بیان رسول اکرم ﷺ، دیدار برادران ایمانی یکی از سه چیزی است که سبب شادی مؤمن می‌شود: پیامبر خدا ﷺ - به علی ﷺ - فرمود: «ای علی! مؤمن از سه چیز شاد می‌شود: دیدار برادران، افطار کردن روزه، و عبادت آخر شب.»^۲ (مجلسی، ۲۲/۳۵۳/۷۴) و در روایتی از امام علی ﷺ آمده است: «دیدار نیکان، مایه آبادانی دل است.»^۳ (مجلسی، ۱/۲۰۸/۷۷) از ویژگی‌های جوانی، نشاط و شادابی و مطالبه شادی است. جماعت محوری در مساجد و اجتماع گروه‌های سنی مختلف در فضایی مطبوع و معنوی، پاسخ مناسبی است به این نیاز نوجوانان و جوانان. یافتن همسالان مؤمن و ارتباطی سالم با آنان در مسجد، یکی از مهم‌ترین و البته آسیب‌پذیرترین نیازهای دوران نوجوانی را به خوبی برطرف می‌کند. نقش مسجد و به ویژه امام جماعت و بزرگان، در این خصوص جدی و حیاتی است. باید عوامل ایجاد نشاط معنوی و ظاهری این قشر را، در مسجد فراهم کرده و موانع آن را رفع سازند و تحمل و ظرفیت مجموعه مسجد را برای حضور نوجوانان بالا ببرند.

۲-۱-۲. رویش محبت

محبت در مناسبات افراد جامعه اسلامی حرف اول را می‌زند. کاربرد واژه برادری برای بیان این روابط، نشان دهنده جایگاه ویژه محبت است. یکی از کارهایی که محبت و مودت را افزون می‌کند، دیدار و ملاقات با یکدیگر است. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: دید و بازدید بذر محبت را می‌رویند.^۴ (مجلسی، ۳۶/۳۵۵/۷۴)

۳-۱-۲. زنده نگه داشتن احادیث اهل بیت

دیدار و زیارت مؤمنان، که یکی از ثمرات حضور جماعت مسلمین در مسجد است، موجب احیای یاد و نام و فرهنگ متعالی اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ می‌شود. امام صادق ﷺ فرمودند: دید و بازدید کنید که دیدار شما از یکدیگر موجب زنده شدن دل‌های شما و یاد کرد احادیث ما می‌شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می‌کند. اگر به آنها عمل کنید، کمال و نجات می‌یابید و اگر رهایشان کنید، گمراه و هلاک می‌شوید. پس به احادیث ما عمل کنید

۱ - «انما المؤمنون اخوة» .

۲ - «یا علی، ثلاث فرحات للمؤمن: لقی الإخوان، والإفطار من الصیام، والتَّهَجُّدُ من آخر اللَّیْلِ.»

۳ - «لقاء أهل الخیر القلب.»

۴ - «الزَّیَارَةُ تُنِيبُ الْمَوَدَّةَ.»

که در این صورت من ضامن نجات شما هستم.^۱ (کلینی، ۲/۱۸۶/۲) در این فرمایش حضرت صادق علیه السلام به دیدار و دید و بازدید، امر می‌کنند - تَزَاوَرُوا - این صیغه امر، خود حکایت از اهمیت مسئله دارد. سپس دو نتیجه را بر این دیدار مترتب می‌دانند: زنده شدن دل‌ها و ذکر احادیث اهل بیت علیهم السلام، ذکر احادیث نیز نتیجه‌ای در بردارد و آن مهربان شدن مؤمنان نسبت به یکدیگر است. و سرانجام، مقصد نهایی یعنی سعادت و نجات، با عمل به احادیث ائمه معصومین علیهم السلام به دست می‌آید.

نکته قابل تأمل این است که این مسیر اشاره شده در روایت، با دیدار برادران ایمانی آغاز می‌شود و این مسئله، ارتباط تنگاتنگی نیز با اصل عبادت و معنویت نهاد مسجد دارد. زیرا نجات و رستگاری انسان که در گرو اتصال به معبود یگانه است، از هیچ راهی غیر از مسیر اولیای معصوم خدا امکان‌پذیر نیست. «من اراد الله بدأ بکم ومن وحده قبل عنکم ومن قصده توجه بکم»^۲ هر که خدا را اراده کند، از شما شروع کند و هر کس خدا را به یگانگی شناخت، از تعلیم شما پذیرفت و هر کس خدا را طلب کرد، از راه توجه به شما طلب کرد.

۲-۱-۲. هم‌افزایی فکرو اندیشه

یکی دیگر از ثمرات اجتماع و گردآمدن مؤمنان در مسجد، هم‌افزایی اندیشه‌ها و عقل‌هاست. سُور و مشورتی که قرآن بر آن تأکید می‌کند،^۳ در مسجد می‌تواند به شکلی ایده‌آل صورت بگیرد. زیرا مؤمنانی که در مسجد حاضر می‌شوند، از هر قشر و لباس و شخصیتی هستند و تخصص‌های گوناگونی دارند. از عالم دین و آگاه به منابع دینی تا متخصصین فنی و پزشکی، و افرادی با مهارت‌های مختلف زندگی. اشخاص مسن و دنیا دیده، تا جوانان پرنرزی و به اصطلاح امروزی. از سوی دیگر، جماعتی که در این خانه خدا گردآمده‌اند، نسبت به برادران ایمانی خود دلسوزند و غالباً منافع دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند. امیرالمؤمنین به کمیل فرمود: ای کمیل! مؤمنان با هم برادرند و برای برادر چیزی مقدم‌تر از برادر نیست.^۴ (مجلسی، ۷۷/۲۶۹/۱) پس جمع مشورتی با مؤمنان مسجدی، می‌تواند بسیار غنی و راه‌گشا باشد. ضمن

۱ - تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ إِخِيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ، وَذِكْرَ الْأَحَادِيثِ، وَأَحَادِيثُنَا تُغَطِّفُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَإِنْ أَخَذْتُمْ بِهَذَا شَدْتُمْ وَتَجَوَّعْتُمْ، وَإِنْ تَرَكْتُمُوهَا ضَلَلْتُمْ وَهَلَكْتُمْ، فَخُذُوا بِهَا وَأَنَا بِتَجَاتِكُمْ زَعِيمٌ.

۲ - زیارت جامعه‌ی کبیره.

۳ - «و مشاورهم فی الأمر.» و در کارها با آنان مشورت کن. (آل عمران، ۱۵۹) // «و أمرهم شوری بینهم» و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست. (شوری، ۳۸).

۴ - «يَا كَمِيلُ، الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، وَلَا شَيْءَ أَوْلَىٰ أَوْلَىٰ مِنْ أَخِيهِ.»

این که در روایتی از حضرت جواد الائمه علیه السلام باروری و شکوفایی عقل، به عنوان یکی از نتایج دیدار با برادران ایمانی بر شمرده می شود: «ملاقات با برادران، موجب رفع دلنگی و سبب باروری عقل می شود، هر چند اندک و کوتاه باشد.» (کلینی، ج ۲، ص ۳۵۳)

این ظرفیت مغتنم مسجد، می تواند نمود و جلوه بسیار مثبتی در نهاد خانواده داشته باشد. رفع نیازهای مشاوره‌ای برای حل اختلافات، در مسجد به خوبی می تواند محقق شود. طبیعی است امام جماعت به تنهایی قادر به پاسخگویی نخواهد بود و ضروری است واحدهای مشاوره‌ای منظم و کارآمدی در موضوعات مبتلا به مردم، مثل مشاوره تربیتی، مشاوره تحصیلی، مشاوره ازدواج و حتی مشاوره‌های اقتصادی تشکیل شود.

ظرفیت مهم دیگری که نهاد مسجد برای اجرایی نمودن روش هم‌افزایی فکری دارد، اندیشه پویا و نوآورانه نوجوانان و جوانان است. مسجد بستر امنی است برای بروز استعدادها و فکری نوجوان که از سوی دیگر، خود، بهره‌های فراوانی هم می برد. کمک به بروز این استعداد، به تکامل شخصیتی نوجوان نیز کمک شایانی می کند و روح امید را برای ساختن آینده روشن در آنها می دمد. یکی از راه‌های تحقق این امر، تأسیس اتاق فکر جوان در مساجد است تا با حمایت و هدایت جمعی از فرهیختگان مسجدی، از این ظرفیت طلایی استفاده شود.

۳-۱-۲. تعاون در بر و تقوا

علاوه بر هم‌افزایی فکری و مشورت، همکاری و مساعدت عملی مؤمنین در امور خیر از آثار و برکات حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت است. «تعاون» که در لفظ خود (باب مفاعله) مفهوم همکاری دوجانبه را مستتر دارد، بی شک محتاج حضور جماعت است و در محیط انفرادی محقق نمی شود. تعاون واژه‌ای قرآنی است. قرآن تعاون را در دو جهت تعریف می کند:

اول تعاون در بر و تقوا. که به آن امر و سفارش می کند: «و تعاونوا علی البر و التقوی» و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید. (مائده/۲)

دوم تعاون در گناه و تعدی که از آن نهی می کند: «ولا تعاونوا علی الإثم و العداون» و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. (مائده/۲)

اهالی مسجد می توانند در رعایت تقوا و حفظ حدود الهی، باری گر همدیگر باشند. در کنار انسانهای باتقوا نشستن و معاشرت با آنان، آگاه یا ناخودآگاه، فرد را به حفظ حریم و حدود تشویق می کند.

امام رضا علیه السلام در روایتی فلسفه نماز جماعت و سپس آثار آن را برمی شمرد که از جمله آنها، تعاون مؤمنان در امور خیر و پیشگیری از معاصی است: «نماز جماعت از آن رو وضع شده است تا اخلاص و توحید و اسلام و عبادت خداوند آشکار و هویدا باشند و شهرت یابند؛ زیرا اظهار این امور، حجتی است برای خدای یگانه بر مردمان شرق و غرب عالم؛ و نیز، تا منافق و سبک شمارنده [نماز و دین] آنچه را اقرار کرده و پذیرفته است به جای آورد و اسلام [خود] را هویدا سازد و بر آن مواظبت نماید، و نیز تا شهادت دادن های مردم به مسلمان بودن یکدیگر، روا و ممکن باشد. علاوه بر این ها، نماز جماعت موجب کمک کردن به یکدیگر در راه نیکی و تقوا و باز داشتن از بسیاری از معاصی خداوند عزّ و جلّ است.» (حر عاملی، ۵/ ۳۷۲، ۹)

نهاد مسجد که یکی از پایگاه های اجتماعی مسلمین است، یک فرصت و ظرفیت مغتنم است برای مشارکت اعضای جامعه اسلامی در حل مشکلات اجتماعی و نیز در دخالت بجای و مشروع در امور سیاسی - حکومتی. از نظر امام خمینی علیه السلام «این مسجد الحرام و مساجد دیگر در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرکز جنگ ها و سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده؛ این طور نبوده است در مسجد پیامبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی اش بیش تر بوده. اسلام می خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمین در آن جا فعالیت کنند.» (امام خمینی، ۱۳۷، ج ۱، ۶۷)

تعاون در برّ و تقوا، یکی از بهترین شرایط تربیتی را فراهم می کند تا انرژی فراوان نوجوانی در خدمت اهداف عالی انسانی و اسلامی قرار گیرد. شور و حرارت نوجوان، به دنبال عرصه ای برای ظهور است و همین ویژگی، دست فرصت طلبان را به نعمت بی نظیر جوانی دراز می کند. مسجد با ساماندهی کارهای جمعی مفید و ضروری در حیطه های اجتماعی و سیاسی، بالحاظ توانایی های سنین مختلف حتی کودکان نقش بی بدیلی در این خصوص دارد.

بیشتر آثاری که حاصل از اجتماع مسلمین در مسجد است، در صدر اسلام یعنی در اولین مساجد هم مصادیق تامی داشته است. بیشتر امور اجتماعی مردم در مسجد رتق و فتق می شده است. آموزش مسائل دین و تبیین آیات وحی، مسائل مدیریت جامعه اسلامی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد به انجام می رسیده است که پرداختن تفصیلی به آنها، خارج از موضوع نوشتار ماست.

۱ - «إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَالتَّوْحِيدُ وَالْإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا؛ لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْقَرْبِ لِلَّهِ وَوَحْدَةً، وَلِيَكُونَ الْمُنَافِقُ وَالْمُسْتَحْفُفُ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقْرَبَهُ يَظْهَرُ الْإِسْلَامَ وَالْمُرَاقِبَةَ، وَلِيَكُونَ شَهَادَاتِ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ جَائِزَةً مُمَكِّنَةً، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، وَالزَّجْرِ عَنِ كَثِيرٍ مِنَ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»

۲-۲. روش‌های مبتنی بر اصل اجتماع و جماعت

دستورالعمل‌هایی که مربوط به حضور در جمع مؤمنان در مسجد، چه هنگام نماز جماعت چه در سایر اوقات وارد شده است، همه در شمار روش‌های تربیتی اسلامی هستند. تعدادی از روش‌های خاص مسجد در بعد جماعت بدین تربیت است:

۲-۲-۱. روش رعایت حال ضعیفان

امام علی علیه السلام در نامه خود به اشتر نوشت: «و چون برای مردم به امامت نماز ایستادی، نه چندان با طول و تفصیل برگزار کن که مردم از نماز جماعت خسته و گریزان شوند و نه [با فرو گذاردن واجبات و آدایش] آن را ضایع گردان؛ زیرا در میان کسانی که با تو نماز می‌خوانند، افراد بیمار و گرفتار نیز هستند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا به یمن فرستاد از ایشان پرسیدم که چگونه با آنها نماز بگذارم؟ فرمود: هم‌چون ناتوان‌ترین آنان نماز بگذار، و با مؤمنان مهربان باش.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

این روش در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و حفظ ارتباط آنان با مسجد، بسیار مؤثر است. اگرچه نوجوان با انرژی سرشارش، قاعدتاً در زمره ضعیفان محسوب نمی‌شود اما روحیه خاص او در این سنین، سبب می‌شود که برگزاری نماز به صورتی مختصر و کوتاه، او را در مسجد پایدارتر نگه دارد.

۲-۲-۲. روش نظم و ترتیب در صفوف جماعت

یکی از جلوه‌های وحدت مسلمانان که برای هر ناظر و شاهدهی جذبه خاص و دوست‌داشتنی دارد، صفوف منظم و فشرده مسلمانان در نمازهای جماعت است، این جلوه حتی برای غیر مسلمانان هم جذبه خاصی دارد، و یکی از عوامل جلب دیگران به اسلام همین شکوه عظمت، ترتیب و ترکیب مسلمانان است.

با کمال تأسف باید گفت که این موضوع مهم آن چنان که باید در مساجد رعایت نمی‌شود و مردم به نظم و ترتیب عادت نکرده‌اند؛ در صورتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً پیش از نماز صف‌ها را منظم می‌کردند و توصیه‌ها و دستورالعمل‌های فراوان برای رعایت این موضوع مهم صادر می‌فرمودند. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸) ابن مسعود می‌گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دستان مبارکش،

۱- و إذا قمت في صلاتك للناس فلا تكونن متفراً ولا مضطرباً؛ فإن في الناس من به العلة وله الحاجة، وقد سألت رسول الله صلى الله عليه وآله حين وجهني إلى اليمن: كيف أصلي بهم؟ فقال: صل بهم كصلاة أضعفهم وكن بالمؤمنين رحيماً.

شانه‌های ما را در نماز منظم می‌کردند و می‌فرمودند: «مرتب بایستید، پراکنده نباشید، چون در میان قلب‌ها و دل‌های شما پراکندگی ایجاد می‌شود.»^۱ (نوری، ۱۲/۵۰۷/۶) در جای دیگر می‌فرماید: «صف‌های خود را منظم کنید و شانه‌های خود را در کنار هم قرار دهید، تا اینکه شیطان بین شما رخنه نکند.»^۲ (نوری، ۱۲/۵۰۷/۶)

از امام علی (علیه السلام) روایت شده است که فرموده‌اند: «خألهای میان صف‌ها را پر کنید. این کار باید از صف اول شروع شود و صف‌ها به ترتیب تکمیل شوند، که این گونه ایستادن در نماز، نزد پیامبر گرامیتان محبوبتر است. صف‌ها را تکمیل کنید، بدانید که خداوند و فرشتگان بر کسانی که صف‌های نماز جماعت را تکمیل و منظم می‌کنند درود می‌فرستند.»^۳ (نوری، ۶/۵۰۵/۶)

در چند حدیث وحدت صفوف با وحدت قلوب هم‌سنگ و همراه دانسته شده است. (حر عاملی، باب ۷۰، ح ۹ و ۱۰) این مسئله حکایت از رازهای پنهان و فلسفه نماز جماعت دارد چون وحدت قلوب بزرگ‌ترین نیاز انسان‌هاست. یکی از عواملی که می‌تواند وحدت آفرین باشد، عمل به احکام و دستور العمل‌های اسلام و توصیه‌های مکرر مبنی بر حضور در جماعت مسلمانان و اقامه نماز جماعت به شکل صحیح و درست آن است. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸)

حالت صف‌های منظم و متراکم، علاوه بر زیبایی و شکوهی که دارد، روحیه اقتدار و هماهنگی را در نماز گزاران به ویژه نوجوانان تقویت می‌کند. ضمن این که این روش تربیتی در مسجد، کودک و نوجوان را برای نظم در امور فردی نیز ترغیب می‌نماید.

۲-۲-۳. روش رعایت آداب معاشرت

حضور در هر جمعی، رعایت یک سری از آداب اجتماعی را اقتضا می‌کند. اسلام بسته کاملی از آداب معاشرت و ظرایف ارتباطات انسانی را ارائه می‌کند. نکات دقیقی که در اخلاق اجتماعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) بدان اشاره شده، هر یک حکمت‌های آشکار و نهفته بسیار دارند و در تربیت انسان متعالی مؤثرند. آراستگی ظاهری و خوشبو بودن، یکی از آدابی است که برای حضور در مسجد، به طور ویژه به آن تأکید شده است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر که این سبزی بدبو (سیر) را بخورد به مسجد ما نزدیک نشود، اما اگر کسی آن را بخورد ولی به مسجد نیاید اشکالی ندارد.» (مجلسی، ۸۴/۹/۸۳)

۱- «استوا، ولا تختلفوا، فتختلف قلوبکم.»

۲- «سوا صفوفکم، و حاذوا بین مناکبکم، لئلا يستحوذ علیکم الشیطان.»

۳- «سدوا فرج الصفوف، من استطاع ان یتیم الصف الاول والذی یلیه، فلیفعل، فان ذالکم احب الی نبیکم، و اتموا الصفوف، فان الله و ملائکته یصلون علی الذین یتمون الصفوف.»

این روش تربیتی، روش‌ها و دستورالعمل‌های جزئی‌تر فراوانی دارد که همه ذیل آداب معاشرت با مردم چه آداب کلامی چه آداب ظاهری و رفتاری قرار می‌گیرند. تبلیغ این نکات رفتاری، به خصوص تبلیغ غیر زبانی و عملی، آثار تربیتی عمیق و ماندگاری بر کودکان و نوجوانان دارد. رعایت این نکات به ظاهر ساده، شخصیتی محبوب و جذاب از انسان می‌سازد که در جذب و تأثیرگذاری مثبت بر نوجوانان بسیار نقش دارد.

۳. اصل امام‌محوری

گفته شد که یکی از مصادیق کارهای جمعی در مسجد و شاید محوری‌ترین و مهم‌ترین آنها، نماز جماعت است. دور کن اساسی نماز جماعت، امام است و مأموم. تبعیت کامل از امام در همه افعال نماز، بر مأموم واجب است. اقتدا کردن به امامی که حائز شرایط است، درسی است که مأموم از نماز جماعت، برای زندگی خود برمی‌گیرد. علاوه بر نماز، معمولاً مدیریت سایر امور مسجد، زیر نظر همان امام است و اهالی مسجد، باز در کارها تابع کسی خواهند بود که معیارهای اسلامی را برای امامت جماعت داراست.

تبعیت از امام جماعت، تمرین ولایت‌مداری است. ولایت که به فرموده اهل بیت عصمت علیهم‌السلام از پایه‌های اصلی بنای اسلام است و اطاعت از آن بر مسلمین واجب، در نهاد مسجد در سطحی پایین‌تر و در نمونه‌ای کوچک‌تر به ظهور می‌رسد.

نکته دیگر آن است که از توصیه‌هایی که به طور دقیق در اسلام به امام جماعت می‌شود، نقش محوری و مهم امامت جماعت روشن می‌گردد. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در سفارش به محمد بن ابی بکر هنگام گماردن او به فرمانداری مصر نوشت: «به نمازت بنگر که چگونه است؛ زیرا تو امام [جماعت] مردم خود هستی. [سزاوار است] که نماز را کامل به جای آوری و سبک و ناقص بر گزارش نکنی؛ زیرا هر پیش‌نمازی که برای مردمی نماز گزارد و در نماز آنها کم و کاستی باشد، گناهش به گردن اوست و از نماز آنها چیزی کم نمی‌شود. نماز را کامل به جای آر و بر آن مراقبت نما، تا تو نیز همانند پاداش همه آنها را داشته باشی و این [پاداش تو] چیزی از ثواب آنها نمی‌کاهد.» (طوسی، ۲۹ / ۳۱)

۱ - فی وصیته لمحمد بن ابی بکر حین ولّاه مصر: وانظر الی صلاتک کیف هی فانک امام لقومک (تبعی لک) ان تبتها ولا تحقها، فلیس من امام یصلی بقوم ینکون فی صلاتهم نقصان الا کان علیه، لا ینقص من صلاتهم شیء، وتبتمها وتحفظ فیها یکن لک مثل اجرهم ولا ینقص ذلك من اجرهم شیئا.

۳-۱. روش دقت در انتخاب امام اصلح

شایستگی‌های امام جماعت تأثیر فوق العاده‌ای بر مومنین دارد. تأکید اسلام همیشه بر انتخاب اصلح است و تا وقتی با معیارهای دقیق اسلامی، و نه بر اساس سلیقه شخصی، گزینه بهتری برای انتخاب وجود دارد، دین اجازه انتخاب سطح پایین‌تر را نمی‌دهد. لذا در خصوص انتخاب امام جماعت که نمونه و جلوه‌ای از امامت مسلمین است، هشدارهای اکیدی در بیانات ائمه معصوم و وجود دارد.

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «امامان قافله سالاران، راهنمایان شما به سوی خداوند هستند بنابراین دقت کنید که چه کسی می‌خواهد راهبری شما را در دین و نمازتان عهده دار باشد.»^۱ (حر عاملی، ج ۵، باب ۲۶، ح ۴) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر دوست دارید نماز شما خوب و بی‌آلایش باشد بکوشید بهترین فرد را به امامت برگزینید.»^۲ (حر عاملی، ج ۵، باب ۱۱، ح ۷)

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که چه کسی برای امامت جماعت شایسته‌تر است از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پیش‌نمازی مردم را کسی به عهده گیرد که قاری تر (قرآن خوان تر یا قرائتش بهتر) باشد؛ اگر در قرائت یکسان بودند آن که در هجرت مقدم‌تر است، پیش‌نماز شود و اگر در هجرت نیز یکسان بودند آنکه سنش بیشتر است به عهده گیرد؛ اگر هم‌سن بودند آن که به سنت داناتر و در دین فقیه‌تر است، امامت کند. هیچ یک از شما در خانه کسی بر صاحب خانه مقدم [در پیش‌نمازی] نشود و نه بر صاحب نفوذی در قلمرو نفوذش.»^۳ (کلینی، ۳/۳۷۶/ح ۱) فردی از امام دهم علیه السلام سؤال کرد: آیا می‌توانم به کسی اقتدا کنم که نسبت به او شناخت ندارم؟ امام، پاسخ دادند: «نماز نخوان، مگر پشت سر کسی که به دین او اعتماد داشته باشی.»^۴ (حر عاملی، ج ۵، باب ۱۲، ح ۱)

۳-۲. روش شناخت و رعایت حق امام

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «حق پیش‌نماز این است که بدانی چه مسئولیت‌های بزرگی

۱ - «ائمتمکم و افدکم الی الله فانظروا من توفدون فی دینکم و صلاتکم .»

۲ - «ان سرکم ان تزکوا صلاتکم فقدموا خیارکم .»

۳ - لَمَّا سئِلَ عَمَّنْ أَحَقُّ أَنْ يَوْمَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَتَقَدَّمُ الْقَوْمُ أَقْرَبُهُمْ لِلْقُرْآنِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرُهُمْ سِنًا، فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيَوْمُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَأَفْقَهُهُمْ فِي الدِّينِ، وَلَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمْ الرَّجُلَ فِي مَنْزِلِهِ، وَلَا صَاحِبَ (ال) سُلْطَانٍ فِي سُلْطَانِيهِ.

۴ - «لا تصل الا خلف من تتق بدینه .»

را به خاطر تو تحمل کرده است. او کاروان داری میان تو و خداوند و نماینده و سخن‌گویی است که از سوی تو سخن می‌گوید، برای تو دعا می‌کند و خواهش می‌نماید، در صورتی که تونه از جانب او سخن می‌گویی و نه دعا می‌کنی، نه تقاضایی را مطرح می‌سازی! اگر او با مشکلی مواجه شد و گناهی کرد با او شریک نیستی ولی اگر کوتاهی و کم‌توجهی از او سرزند گناهش به گردن اوست. تو در قبال عملکرد او مسئول نیستی ولی او مسئولیت تو را پذیرفته و خود را آماج بلایت قرار داده و نمازش را سپر نماز تو کرده است، پس قدرش را بدان و حقوق او را رعایت کن.» (حرانی، ۱۴۰۴، ۲۶۶)

۳-۳. روش تبعیت کامل از امام

همان‌گونه که نماز، مجموعه‌ای از آداب، اذکار، مقدمات، موخرات و شرایط خاصی است که انسان را به عبودیت راهنمایی می‌کند و در واقع دانشگاهی برای تعلیم و تربیت است، نماز جماعت نیز چنین است؛ چون راه و رسم زندگی، حضور در جامعه، رفتار با برادران دینی، رابطه امام و مأموم و... نیز طی آن آموخته می‌شود و مؤمنان درس تبعیت از امام و در یک صف و کنار هم بودن را تمرین می‌کنند درست همانند سربازان که با انجام دادن عملیاتی چون رژه، پوشیدن لباس متحد و فرم خاص و سایر حرکات و برنامه‌ها در عمل نظم‌پذیری، تبعیت، سلسله‌مراتب و... را تمرین می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «امام، امام شده است تا مأمومان از او پیروی و به دنبال او حرکت کنند.»^۲ (فیض کاشانی، ج ۲، ص ۱۰) بنابراین در تمامی حرکات و سکنات باید پشت سر امام بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز گزاران در صفوف جماعت سه دسته اند: دسته اول کسانی که نماز آنها با اشکال مواجه است. دوم: کسانی که فقط ثواب و بهره جماعت به آنها نصیب آنها می‌شود. سوم: کسانی که به اندازه هر رکعت ثواب تعیین شده در نماز جماعت به آنها عطا می‌شود. جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! توضیح بیشتری برای ما بدهید! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: گروه اول کسانی هستند که قبل از امام سر خود را در سجود و رکوع بلند می‌کنند و یا پایین می‌آورند. دوم: کسانی که همزمان با امام به رکوع و سجده می‌روند. سوم: کسانی که پس از امام رکوع و سجده می‌کنند و تنها همین گروه از ثواب جماعت بهره مند می‌شوند.» (نوری، ج ۶، ص ۴۹۲)

۱- «وَأَمَّا حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ قَدْ تَقَلَّدَ السِّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ وَالْإِقَادَةَ إِلَى رَبِّكَ وَتَكَلَّمْتَ عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَدَعَا لَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ» ۵ «وَطَلَبَ فَيْكَ وَلَمْ تَطْلُبْ فِيهِ وَكَفَاكَ هَمَّ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَالْمُسَاءَلَةَ لَهُ فَيْكَ وَلَمْ تُكْفِهِ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ تَقْصِيرٌ كَانَ بِهٖ دُونَكَ وَإِنْ كَانَ أَمَامَكَ تَكُنْ شَرِيكُهُ فِيهِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوْقَ نَفْسِكَ يَنْفُسِهِ وَوَقَى صَلَاتَكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرْ لَهُ عَلَى ذَلِكَ.»

۲- «انما جعل الامام اماما ليوتم به.»

۳-۴. روش رعایت سلسله مراتب در صف نماز

در فرهنگ اسلام، هر گاه برای کاری، امام یا فرماندهی تعیین می شود، برای جانشینی و جبران خلأ احتمالی پیش بینی لازم صورت می پذیرد؛ به همین رو در نماز جماعت که یکی از صحنه های حرکت جمعی است، صف اول و نزدیک ترین جایگاه به امام با فضایل و ثواب فوق العاده اش، اختصاص به کس یا کسانی دارد که صاحب علم و کمال باشند و در صورت نیاز و بروز هر مشکلی برای امام، نماز را ادامه دهند. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۸)

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «کسانی که نزدیک امام می ایستند باید از صاحبان خرد، اندیشه، دانش و تقوا باشند، اگر امام در خواندن نماز، یا آیه های قرآن اشتباه کرد، یا آن را فراموش نمود، یا به هر دلیلی در ادامه نماز با مشکلی مواجه شد او را یاری دهند.»^۱

در رتبه بندی موقعیت های دارای فضیلت، این حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «بهترین موقعیت در نماز جماعت صف اول است و بهترین نقطه، جایگاهی است که به امام نزدیکتر است. پس اگر پشت سر امام قرار گرفتید تا زمانی که امکان پیدا کردن جایگاه نماز در صف اول وجود دارد در صف دوم قرار نگیرید.»^۲ (نوری، ج ۶)

۴. اصل عدالت

از اصول مسجد، اقتدا کردن مؤمنان به فردی است که باید حائز شرط عدالت باشد. تعریف عدالت در کتب فقهی چنین آمده است: «عدالت حالتی نفسانی است که انسان را بر ملازمت تقوا و ادا می کند و مانع از این می شود که انسان گناهان کبیره بلکه بنا بر اقوا، صغیره هارا هم انجام دهد؛ تا چه رسد به اصرار بر آنها که از گناهان کبیره حساب شده است، و مانع می شود از این که انسان کارهایی بکند که عرفاً حاکی از لایابالی بودن او نسبت به دین است و احتیاط آن است که اجتناب از کارهایی که منافات با مروت دارد، معتبر باشد، اگر چه بنا بر اقوا، معتبر نیست. و اما گناهان کبیره، هر معصیتی است که نسبت به آن وعده و تهدید به آتش یا عقاب داده شده است، یا شدیداً با آن برخورد شده است، یا دلیلی دلالت می کند که آن گناه از بعضی از کبائر بزرگتر یا مانند آن است، یا عقل حکم می کند که کبیره است،

۱ - «لیکن الذین یلون الامام منکم اولو الاحلام منکم و النهی، فان نسی الامام او نغایا قوموه.»

۲ - «افضل الصفوف اولها، و افضل اولها ما قرب من الامام - فان كنت خلف الامام، فلاتقم فی الثانی، ان وجدت فی الاول موضعا»

یا در اذهان اهل شریعت و تدین مسلماً چنین است یا نصی (از وحی) وارد شده که کبیره است. (امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۹۹)

شرایط و نصاب حدّ اقلی برای امام جماعت، همان‌هایی است که در کتب فقهی و رساله‌های عملیه ذکر شده است. (امام خمینی، ۱۳۶۳، ص ۲۹۱) اما این سقف تعالی برای امام نیست؛ امام جماعت می‌تواند در مسیر رشد معنوی، احراز شرایط باطنی و تزکیه خویش گام بردارد و مأموم خود را نیز دستگیری کند.

ملاً محمد مهدی نراقی پیرامون شرایط باطنی امام جماعت می‌گوید: «سزاوار است امام جماعت در میان مردم به فزونی صفای دل و رو آوردن به خدا و خشوع و خضوع و دیگر شرائط باطنی ویژگی و امتیاز داشته باشد؛ زیرا او پیشوای ایشان است و نفوس آن جماعت را به سوی خدا می‌کشاند پس بسیار زشت است که دل او در نماز غافل یا در وادی وسوسه‌های باطل باشد و از این بدتر و زشت‌تر و ناپسندتر آن که التفات دل او به کسانی که در پشت او هستند بیشتر از التفات دل به صاحب مملکتی باشد که بر همه احاطه دارد. آیا از دانای نهانی‌ها شرم نمی‌کند که خود را به عنوان پیشوای امت می‌گمارد و در جای رسولان خدا و اوصیای راشدین او می‌ایستد و از ایشان نیابت می‌کند، در حالی که دل او از عموم مردمی که به او اقتدا نموده‌اند بیشتر از عظمت و جلال الهی دگرگون می‌شود. پس هر امام جماعتی باید خود را بیازماید اگر این صفات پلید در او نبود امامت کند و گرنه ترک نماید و خود را به هلاکت نیفکند.» (نراقی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۵۲)

اصل عدالت، اگر برای امام جماعت، شرط است، برای مأمومین هم الگوی زندگی است. عدالتی را که به معنا و تعریف دقیق فقهی آن ذکر شد، می‌تواند در معنای عام‌تر و وسیع‌تری در نظر گرفته شود و مثلاً عدالت اجتماعی را هم لحاظ کرد.

۴-۱. روش تقوا

تقوا روشی است که بر اساس اصل عدالت استخراج می‌شود. تقوا یعنی حفظ حریم و مرزهای الهی. با حفظ حدود است که می‌توان از گناهان کبیره و صغیره دور ماند و حالت نفسانی عدالت را بدست آورد. با تقواست که راه خروج از هر تنگی نفسانی یا مادی گشوده می‌شود: «و من یتق الله یجعل له مخرجاً» (طلاق/ ۲)

تقوا امام و مأموم را در حیطة عدالت حفظ می‌کند. «التَّقَى رَئِيسُ الْأَخْلَاقِ؛ تقوا در رأس

۱- «امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند، و نیز اگر مأموم مرد است امام او هم باید مرد باشد و اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را می‌فهمد به بچه ممیز دیگر جایز نیست. و احتیاط واجب آن است که امام زن نیز مرد باشد.»

همه ارزش‌های اخلاقی است.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۰) پس روش تقوا شایسته است که در نظام تربیتی مسجد محور، در رأس همه روش‌های تربیتی نیز قرار گیرد. امام علیه السلام فرمود: «بر تقوا و راستی مواظبت کن، که دین در این دو جمع است.»^۱ (محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۱۷۶) روش تقوا، در زیرمجموعه خود روش‌های دیگری را اقتضا می‌کند. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «آدمی در زمره تقوا پیشگان نباشد مگر آنگاه که سخت‌تر از حسابرسی شریک از شریکش، از خود حساب کشد تا بداند که از کجا خورده است، از کجا آشامیده است، از کجا پوشیده است، از حلال یا از حرام؟»^۲ (محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۸۳) محاسبه یکی از روش‌های ذیل تقواست. امام علیه السلام «کسی را که تقوا بلند مرتبه اش کرده است، پست شمارید و کسی را که دنیا بالا برده است، بزرگ ندانید.»^۳ (نهج البلاغه / خطبه ۱۹۱)

۴-۲. روش ادای حقوق دیگران

از شعبه‌های عدالت، چه عدالت فقهی و چه عدالت اجتماعی، رعایت حقوقی است که فرد مسلمان نسبت به دیگران بر گردن دارد. هر قدمی که انسان بر خلاف اصل عدالت و رعایت حقوق غیر، بردارد، حکم ظلم را دارد؛ و ظلم عواقب گرانی دارد. یکی از نتایج به گردن داشتن مظلومه، نهی الهی از ورود به مسجد است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند به من وحی فرمود که: ای از تبار پیامبران! ای از تبار هشدار دهندگان! به قوم خود هشدار ده که هر گاه یکی از آنان نسبت به یکی از بندگان من مظلومه‌ای به گردن داشته باشد، به هیچ‌یک از خانه‌های من وارد نشود؛ زیرا تا زمانی که در برابر من به نماز ایستاده او را لعنت کنم مگر این که آن مظلومه را رد کند. در این صورت گوش شنوا و چشم بینای او شوم و از دوستان و برگزیدگان من باشد؛ و در بهشت، همراه پیامبران و صدیقان و شهیدان، همسایه من شود.»^۴ (مجلسی، ۸۴/ ۲۵۷/ ۵)

۱ - «الإمام علیُّ علیه السلام: عَلِيكَ بِالتَّقْوَى وَالصِّدْقِ، فَهَمَا جَمَاعُ الدِّينِ.»

۲ - «لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكُهُ، فَيَعْلَمُ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ؟ وَمِنْ أَيْنَ مَشْرَبُهُ؟ وَمِنْ أَيْنَ مَلْبَسُهُ؟ أَمِنْ جِلِّ أُمَّ مِنْ حَرَامٍ.»

۳ - «لَا تَصْعَوْا مَن رَفَعْتَهُ التَّقْوَى، وَلَا تَرَفُّعُوا مَن رَفَعْتَهُ الدُّنْيَا.»

۴ - «أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ أَنْ يَا أَخَا الْمُتَّقِينَ يَا أَخَا الْمُؤْمِنِينَ أَنْذِرْ قَوْمَكَ لَا تَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي وَلَا تَدْخُلُوا مِنْ عِبَادِي عِنْدَ أَحَدِهِمْ مَظْلَمَةً، فَإِنِّي أَلْعَنُهُ مَا دَامَ قَائِمًا يُصَلِّي بَيْنَ يَدَيْ حَتَّى يَرُدَّ تِلْكَ الْمَظْلَمَةَ، فَأَكُونُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَأَكُونُ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَكُونُ مِنْ أَوْلِيَائِي وَأَصْفِيَائِي، وَيَكُونُ جَارِي مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ.»

نتیجه

باید مسجد را از نو شناخت. نگاه تازه مسئله محور و ناظر به مشکلات پیرامونی به نهاد مسجد به عنوان یک پایگاه مهم در اجتماع مسلمانان، نقش خاص آن را بیش از پیش معرفی می‌کند. این نوشتار، سعی نمود نگاه تحلیلی و نظام‌مندی به مسجد داشته باشد و از تک تک زوایای نظام مسجد، برای نظام تربیتی اسلامی توشه برگیرد. با این نگاه و با توجه به فلسفه وجودی مسجد و فلسفه ارسال دین برای بشر، این نتیجه حاصل شد که اهداف مسجد، تربیتی، و اصول و روش‌های حاکم بر آن نیز، اصول و روش‌هایی تربیتی هستند. اگرچه از منظر اسلام، امر تربیت، هیچ‌گاه برای انسان تعطیل نمی‌شود؛ اما بهترین و طلایی‌ترین فرصت برای بهترین و مؤثرترین تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است. لذا هر یک از اصول و روش‌های تربیتی مسجد، برای قشر کودک و نوجوان، اهمیت خاص دارد و برنامه‌ریزی ویژه می‌طلبد.

حاصل آن که نظام تربیتی مسجد محور که با اهداف و اصول و روش‌هایش تا حد امکان و وسع، معرفی شد، ثابت می‌کند که کارآمدی و نتیجه‌بخشی بسیار بیشتر و سریع‌تری نسبت به نظام‌های تربیتی دیگر دارد و برای جامعه اسلامی کنونی، بهترین انتخاب است.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۴. ابوالقاسمی، محمدجواد، امام و مأموم در جلوه گاه حضور، تهران، یاس کبود، چاپ دوم، زمستان، ۱۳۷۸.
۵. امام خمینی رحمته، رساله الأحكام (رسالة توضیح المسائل)، انتشارات رشیدی، ۱۳۶۳.
۶. امام خمینی رحمته، سید روح الله، تحریر الوسيلة، ترجمه قاضی زاده اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
۷. امام خمینی رحمته، سید روح الله، تحریر الوسيلة، ترجمه قاضی زاده اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
۸. امام خمینی رحمته، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۹. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الإسلامی، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۲. راغب أصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق، دارالقلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر (للاوندی)، قم، دارالکتاب، چاپ اول، بیتا.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

۱۶. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی للطوسی، قم، دارالثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۷. فیض کاشانی، محجه البيضاء، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۱۸. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشه ای، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مؤسسه علمی- فرهنگی دارالحديث، ۱۳۷۹.
۲۲. مشایخی راد، شهاب الدین، اصول تربیت از دیدگاه اسلام، «روش شناسی علوم انسانی»، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۳۲، ص ۵۰ تا ۶۸.
۲۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، بی تا.
۲۴. نراقی، ملامهدی، علم اخلاق اسلامی، (ترجمه جامع السعادات) ترجمه سید جلال الدین مجتوی، قم، انتشارات حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
۲۵. نوری، حسین بن محمد تقی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، بی تا.
۲۶. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.



نقش مساجد در شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان

ابراهیم اخوی^۱

چکیده

هویت دینی همانند دیگر ابعاد هویتی هر انسانی، نیازمند زمان و برنامه‌ریزی درست تربیتی برای شکل‌گیری صحیح می‌باشد. در رویکرد تربیت دینی، توجه به مکان و فضای روان‌شناختی حاکم بر آن، از عناصر مهم شمرده می‌شود. مسجد، به عنوان نهاد و نماد دینی، سهمی بسزادر شکل‌گیری هویت دینی مثبت یا آشفستگی هویتی دارد. از این رو، در مقاله حاضر بر آنیم تا راهبردها و راهکارهای هویت‌بخشی مسجد به گروه سنی کودک و نوجوان و نیز آسیب‌های فراروی آن بررسی شده و زوایای گوناگون این مسئله گردد.

کلیدواژه‌ها: هویت، مسجد، هویت دینی، کودک، نوجوان، تربیت دینی.

مقدمه

هویت دارای ابعاد گوناگون و تعریف‌های متنوعی است. ساده‌ترین راه درک این مفهوم این است که آن را با واژه خودیابی معادل بدانیم. با توجه به این، ابعاد آن هم قابل درک خواهد بود. به عنوان مثال در هویت دینی، فرد نسبت به عقاید و باورهای مذهبی خود به نوعی شناخت و ثبات می‌رسد. دستیابی به این خودیابی دینی، نیازمند پیمودن مسیری صحیح و بهره‌گیری از همه منابعی است که چنین شناخت عمیقی را به او ارزانی می‌کنند. ابتدایی‌ترین منبع دستیابی به دین، والدین و سپس محیط‌های مرتبند. مدارس مذهبی، دوستان، منابع مطالعاتی، سبک زندگی والدین و برنامه‌های معنوی که در طول زندگی فرد رخ می‌نماید، همگی در این شکل‌گیری سهیم است. مساجد، یکی از مراکزی است که سهم شایسته‌ای در رسیدن افراد به چنین بینش ژرفی دارند. مساجد، در ابعاد آموزشی، احساسی و نیز زمینه‌سازی برای تولید رفتارهای دینی، سبب بروز و شکل‌گیری هویتی در مخاطبان می‌گردد که از آن به هویت دینی یاد می‌کنند. زمانی که از هویت یاد می‌کنیم، از پروسه‌ای یاد می‌کنیم که جرقه‌های اولیه آن در سال‌های نخستین زندگی پدید آمده، در نوجوانی نیرو می‌یابد و در جوانی به یک انتخاب و منش تبدیل می‌شود. از این رو، همانند یک ساختمان بلند که از آجرهای متعددی تشکیل شده است، نظام شکل‌گیری هویت دینی نیز مدیون رخدادهای فکری، احساسی و رفتاری در طول زندگی است که با تکمیل آن هویت دینی پدیدار گشته و با پایبندی به آن، با یک شخصیت دینی ماندگار روبرو خواهیم شد. به تعبیر دیگر، هویت مسئله‌ای تحول‌نگر است به طوری که تمام دوره‌های زندگی از خردسالی تا کودکی و نوجوانی در رسیدن به وضعیتی شفاف و مشخص و یا آسیب‌دیدگی در شکل‌گیری هویت در هر یک

از ابعاد آن، نقش دارند. از این رو، زمانی که به عنوان مثال از نقش مکان‌های مذهبی در شکل‌گیری هویت دینی سخن به میان می‌آید، این نقش در سراسر مدت زندگی بزرگسال امروز و خردسال دیروز سهم داشته و مؤثر بوده است.

آنچه مهم به نظر می‌رسد، توجه به ظرافت‌هایی است که به واسطه مسجد در شکل‌گیری این هویت نقش دارند و بی‌توجهی به آن، ممکن است سبب بروز آسیب‌هایی در مرتبطان با مسجد گردد و نه تنها هویت دینی محکمی را به آنها نبخشد، بلکه با بروز مسائلی چون دلزدگی، بداخلاقی‌ها و مانند آن شاهد مسجدگریزی و حتی دین‌گریزی کسانی باشیم که دوره‌ای از سن خود را با این مکان مقدس مأنوس بوده و اکنون به سویی دیگر کشیده شده‌اند که تناسبی با فضای فکری و معنوی پیش از آن ندارد.

الف) تعریف هویت و اقسام آن

تعریف هویت با واژه‌ها و اصطلاحات گوناگونی همراه گردیده است و تفاوت‌هایی از جهت زاویه نگاه به این مسئله وجود داشته است. به نظر دکتر محمد رضا شرفی، روان‌شناس و نویسنده کتاب جوان و بحران هویت، از جهت تعریف عملیاتی هویت، می‌توان چنین گفت که اگر آدمی برای پرسش‌های زیر پاسخ‌های مطمئن و متقاعدکننده‌ای بیابد، در حقیقت هویت خویش را باز یافته است:

بداند جایگاه، منزلت و مرتبت او دقیقاً چیست و چه تعریفی دارد؛

آگاه باشد که چه پیوندها، رشته‌ها و ارتباط‌هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می‌سازد؛

درک کند که چه نقش‌ها، وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال خود و دیگران بر عهده دارد؛

شناخت واقع‌بینانه‌ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگران به دست آورد و نسبت خود را به گذشته، حال و آینده به درستی بداند. (محمد رضا شرفی، ۱۳۸۰، ص) همچنین ایشان هویت را به فردی (شخصی)، خانوادگی، ملی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و تمدنی تقسیم می‌کند.

برخی دیگر از محققان معتقدند در اصل هویت امری چند لایه یا چند سطحی است و بر پایه تعدد قرار دارد. این لایه‌ها و سطوح هویت زندگی انسانی از هستی درونی فرد تا هستی جهانی وی را در بر می‌گیرد. بنابراین مفهوم هویت دارای پیچیدگی زیادی می‌باشد و این امر باعث شده است که این مفهوم دارای ابعاد متفاوت باشد؛ از جمله هویت اجتماعی، هویت فردی، هویت شغلی، هویت خانوادگی، هویت قومی و هویت دینی. (خدیجه سفیری و زهرا نعمت‌الهی؛ ۱۳۹۱، ص ۳۹-۷۰) در مقاله حاضر، درصدد تبیین هویت دینی و نقش مسجد در شکل‌گیری این هویت هستیم.

ب) تعریف و اهمیت هویت دینی

بر اساس نظر پژوهشگران، هویت دینی را می‌توان مجموعه‌ای شناختی، اعتقادی و روانی شامل ارزش‌ها، هنجارها، باورها، احساسات، نمادها، طرز تلقی‌ها و آگاهی‌های مختص به یک خود فردی-اجتماعی دانست که حول یک محور غایی (مفهوم مقدس) سازمان یافته است با اثرگذاری بر کنش‌های اجتماعی، از یک سو سبب همبستگی و انسجام درون گروهی (درون دینی) در میان اعضای گروه (دینداران) می‌شود و از سوی دیگر موجبات تمایزات برون گروهی (برون دینی) را با دیگر افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورد. همچنین هویت دینی را به سبب اهمیت فوق العاده و جایگاه والای آن می‌توان مهم‌ترین بعد هویت دانست که نقش بسزایی در هویت بخشی به افراد جامعه ایفا می‌کند. (رئوفی، محمود؛ ۱۳۸۹، ص ۹۱-۱۱۲) اهمیت این مسئله تا جایی است که گفته‌اند برای کودک دنیایی ارزش دارد که بتوان از راه مذهب آن را شناخت. (پورشه، سوزانه؛ ۱۳۸۶، ص ۷۰).

ج) ابعاد هویت دینی

خود هویت دینی هم دارای سطوح و لایه‌های گوناگونی است که در روان‌شناسی دین از آن صحبت به میان آمده است که با توجه به موضوعات مرتبط با آن مانند محیط‌های تربیت دینی، والدین و دیگر عناصر شکل‌گیری هویت دینی می‌تواند متفاوت باشد. بر اساس پژوهشی، هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی است که متضمن سطحی از دینداری است که با «مای جمعی» یا همان اجتماع دینی مقارن است. در واقع هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. هویت دینی در واقع همان آثار و عوارض ناشی از حمل وصف دین بر فرد دیندار است. به تعبیر بهتر با پذیرش دین به عنوان یک اصل اعتقادی، در زندگی فرد مؤمن تغییرات و نتایج مهمی در وجوه مختلف حیات حاصل می‌شود. با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های هویت، ابعاد چندگانه آن است، هویت دینی نیز دارای ابعاد مختلفی است که موارد زیر شامل می‌شود.

۱. بعد دینداری و نگرش به نفس دین

«دینی بودن» عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دین در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را می‌توان در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او شناسایی کرد. فرد متدین از یک سو، خود را ملزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی، او را به انسانی متفاوت با دیگران مبدل می‌سازد. بدین طریق می‌توان با دو نشانه او را از دیگران باز شناخت؛ یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری پیامد دینداری و

آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. پس دینداری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. گلارک و استارک ویژگی‌های مرتبط با دینداری را حول پنج بعد زیر جمع‌بندی کرده‌اند که در این بررسی بدان استناد شده است. این پنج بعد به شرح زیر است.

- بعد اعتقادی یا باوردینی که نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی است که درباره حقانیت اصول دینی به فرد بینش خاص می‌دهد. در واقع این بعد در برگیرنده باورهایی است که انتظار می‌رود یک فرد با توجه به دین خاص خود به آن‌ها اعتقاد داشته باشد.

- بعد مناسکی و اعمال دینی که مشتمل بر دو دسته می‌باشد؛ یکی تحت عنوان شعائر و مناسک مطرح است و عبارت است از آداب و رسوم و مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که بدانها عمل شود؛ دیگری پرستش و دعا که اعمال دینی و خصوصی و غیر رسمی است که فرد آن‌ها را فقط با رضایت خاطر و بدون هیچ‌گونه اجباری انجام می‌دهد. - بعد عاطفی یا تجربی که ناظر به عواطف، تصورات و احساسات پیروان یک دین به وجودی ربوبی، همچون خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی است.

- بعد فکری یا دانش دینی که مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های بنیادی در مورد معتقدات هر دین است.

- بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر بر اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزانه است و به عبارت دیگر تأثیر و انعکاس دین در رفتارهای روزمره است.

۲. بعد فرهنگی (تعهدی)

تعهد دینی مجموعه‌ای از عناصر شناختی نمادین و عملی است که میراث سنتی خاص را تشکیل می‌دهد. مثل آموزه‌ها، کتابها، رفتارها و آیین‌ها، تاریخ اندیشه‌ها و شیوه‌های اندیشه‌ورزی که ریشه در فعالیت‌های اجتماعی اجتماعات دارد، عادات غذاخوردن، لباس پوشیدن، امور بهداشتی و نظایر آن که با نظام اعتقادات مرتبط‌اند، هنر و آموزه‌های زیباشناختی که به طور عملی توسعه یافته است و با این اعتقادات ارتباط دارد و نظایر آن عناصر بعد فرهنگی هویت است. در واقع، بعد فرهنگی، نگرش مثبت به میراث فرهنگی-مذهبی مسلمانان و تلاش برای حفظ و نگهداری آن است.

۳. بعد تاریخی (تعلقی)

منظور از آن آگاهی و کسب دانش نسبت به پیشینه تاریخی دین و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان است. این بعد به آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی دین خود و احساس دلبستگی به آن و اهتمام به حفظ و زنده نگهداشتن آن دلالت می‌کند. (سفیری و نعمت الهی ۱۳۹۱، ص ۳۹-۷۰)

هویت دینی و سلامت روانی

پژوهش‌ها حاکی از آن است که دستیابی به هویت دینی محکم و صحیح، نقش بسزایی در سلامت روحی و روانی افراد هم‌ایفا می‌کند. در پژوهش علیخانی تحت عنوان «رابطه هویت دینی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی» نتایج به دست آمده نشان داد که بین هویت دینی و سلامت روان رابطه وجود دارد. افراد دارای هویت دینی موفق، از تعاملات و کنش اجتماعی مطلوب برخوردار بوده، سطح اضطراب و افسردگی آنها پایین است. افراد دارای هویت دینی آشفته و دیررس، دارای سطح اضطراب و افسردگی بالا و از لحاظ کنش اجتماعی افرادی ناموفق می‌باشند. همچنین در پژوهشی که توسط کز دیا و همکاران، تحت عنوان «تردیدهای مذهبی و سلامت روان در نوجوانان و جوانان» صورت گرفت، نتایج حاصل از آن همبستگی مثبتی را بین تردیدهای مذهبی در سطوح مختلف ایمان مذهبی، با اضطراب و افسردگی نشان داد. در واقع هر چه افراد از لحاظ اعتقاد دینی خود را قوی کنند، سلامت روانی بهتری دارند. در پژوهشی، که توسط کاویکالنا در خصوص محل عبادت، سازگاری، سلامت روانی در میان مردم اهل پلینزی در روز مقدس، صورت گرفت، نشان داد که شرکت در مجالس مذهبی، سازگاری جمعی و سلامت روانی را بهبود می‌بخشد، زیرا در این مجالس، افراد با اصلاح سبک سازگاری جمعی و افزایش میزان امیدواری، سلامت روانی بهتری را کسب می‌کنند.

نتیجه نهایی این پژوهش چنین گزارش شده است: هر چه افراد هویت دینی خود را بسازند، سلامت روان آنها تضمین می‌شود و برای زندگی خود هدف و معنای لازم را کسب می‌کنند. (حمید، گلستانی پور و کریم نژاد ۱۳۹۲، ص ۷۹-۹۳) معنای مقابل این پژوهش چنین می‌شود که اگر عناصر دست‌اندرکار در شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان، مانند مبلغان دینی و مسئولان مساجد با لحاظ نکردن ظرافت‌های کاری متناسب با گروه هدف و رفتارهای ناصواب گریبانگیر باشند، در پدیدآیی هویتی نامطمئن و آسیب‌زا از جهت دینی نقش داشته‌اند و پیامدهای مادی و معنوی آن را درک خواهند کرد.

د) هویت دینی و آسیب‌های فراروی آن

در زمانه کنونی بیش از هر وقت دیگری، مزاحم‌هایی برای شکل‌گیری هویت دینی وجود دارند. با توجه به رشد اطلاعات و دسترسی افراد حتی از سنین پایین به ابزارهای جهانی مانند اینترنت و ماهواره، روند شکل‌گیری هویت دینی نیز دستخوش نوساناتی است. از آنجا که وسایل ارتباط جمعی از جمله عوامل مهم در جریان جامعه‌پذیر شدن و تشکیل هویت افراد است و با توجه به اینکه تماشاگران پرمصرف، حس‌خطر و ناامنی‌شدیدتری از تلویزیون دریافت می‌کنند، بدین ترتیب ارتباط آنان با جمع کاهش یافته و در نتیجه میزان فردگرایی‌شان افزایش می‌یابد و همین امر تأثیراتی بر هویت دینی آن‌ها دارد. وسایل ارتباط جمعی از جمله عوامل مهم در جریان جامعه‌پذیر شدن و تشکیل هویت افراد است و جهانی‌سازی فرهنگی، فرهنگ‌ها و هویت‌های موجود را در کنار هم قرار می‌دهد که نتیجه آن نوعی نسبی‌شدن، همزیستی و رقابتی روزافزون است. بدین ترتیب با افزایش استفاده از وسایل ارتباطی، نسبی‌گرایی مردم افزایش می‌یابد و همین امر بر هویت دینی آن‌ها تأثیراتی می‌گذارد. از این رو، توجه به دست‌اندازهای مسیر پدیدآیی هویت دینی، می‌تواند در عبور موفق و سالم از آن مؤثر باشد. بنابراین، توجه به برخی از پژوهش‌های انجام شده لازم است. آخوندی (۱۳۷۷) در تحقیقی با عنوان «هویت ملی و مذهبی جوانان مشهدی و تأثیر روابط اجتماعی بر آن» ادعان می‌کند که شرکت در مراسم مذهبی و ملی از عوامل تعیین‌کننده هویت ملی و مذهبی است و تماشای فیلم از طریق ویدئو از عوامل تضعیف‌کننده این رابطه است. سیدرضا عاملی (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین» آورده است که مذهب نقش تعیین‌کننده‌ای در قوت و ضعف شهروندی یک کشور و هویت

فردی و اجتماعی آن جامعه دارد. به عبارت دیگر هنگامی که فرد خود را متعهد به دین بداند، نسبت به انجام تعهدات فردی و اجتماعی دیگر نیز متعهد می‌شود. حسین لطف‌آبادی و وحیده نوروزی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی چگونگی نگرش دانش آموزان دبیرستان و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آن‌ها» بیان می‌کنند که پذیرش جهانی‌سازی (نگرش منفعل) بیشتر از همه متأثر از ضعف هویت ملی و دینی است. نگرش فعال به پدیده جهانی شدن و نگرش مخالف آن ناشی از نیرومندی هویت دفاع از سرزمین و قدرت هویت اعتقادی و عملکردی است. بهزاد دوران (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «تأثیر اینترنت بر هویت همسالان» ابراز می‌کند که وجود رابطه میان کاربری اینترنت و هویت همسالان تأیید نشده و میان هویت همسالان زن و مرد تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است و دیگر اینکه هویت همسالان با متوسط وقت صرف شده در روز برای تماشای فیلم‌های ویدئویی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد.

دستاوردهای نهایی این پژوهش در چند جمله بدین شرح گزارش شده است:

- میزان استفاده زمانی اینترنت به طور مستقیم با میزان هویت دینی رابطه معنی‌دار معکوسی به میزان ۰/۱۱- درصد دارد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده زمانی اینترنت، هویت دینی مردم کاهش می‌یابد.

- بین میزان مصرف‌گرایی مردم با میزان هویت دینی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه مردم مصرف‌گراتر باشند میزان هویت دینی آن‌ها کاهش می‌یابد.

- میزان استفاده زمانی ماهواره، به طور مستقیم با میزان هویت دینی رابطه معنی‌دار معکوسی به میزان ۰/۳۰- درصد دارد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده زمانی ماهواره، هویت دینی مردم کاهش می‌یابد.

- میزان استفاده برنامه‌ای ماهواره، به طور مستقیم با میزان هویت دینی رابطه معنی‌داری به میزان ۰/۲۷- درصد دارد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده برنامه‌ای ماهواره، هویت دینی مردم کاهش می‌یابد.

- افزایش ارتباطات جهانی و جهانی شدن، موجب ایجاد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع مختلف شده است. رواج ارزش‌های گوناگون از جمله لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی، نسبی‌گرایی و فردگرایی عوامل تهدیدکننده تعلق خاطر به هویت دینی به خصوص در میان جوانان است. در واقع، هویت فرهنگی و دینی از تهاجم فرهنگی تهدید می‌شود. همان‌طور

که کاستلز نیز جهان آینده را صحنه کارزار دو قدرت معتبر یعنی جهانی شدن و هویت می‌داند. (سفیری و نعمت‌الهی ۱۳۹۱، صفحه ۳۹-۷۰) مهم‌ترین یافته این تحقیق نشان می‌دهد که هر قدر میزان استفاده افراد از اینترنت و ماهواره بیشتر شود میزان هویت دینی آن‌ها کاهش می‌یابد. (همان)

ه) رابطه تلویزیون و هویت دینی

برخی گمان دارند استفاده از رسانه تلویزیون به عنوان ابزاری برای تبلیغ و شکل‌گیری هویت دینی تا جایی است که حتی می‌تواند جایگزین مناسبی برای تربیت دینی مستقیم والدین، مربیان و مبلغان گردد و پدیدآیی هویت دینی را سبب شود. برای بررسی این گمانه، پژوهشی علمی و میدانی توسط آقای خیری انجام شد که نتایج حاکی از آن است که تلویزیون در سطح هویت فردی نمی‌تواند ابزار مناسبی برای تبلیغ دینی باشد؛ چه در این سطح احساسات غرایز غلبه داشته و در تلویزیون زمینه بهره‌گیری از سرگرمی و امور ملایم با طبع زیستی او فراهم است و حال و هوای آن با حال و هوای مسجد که آدمی خود را در فضایی معنوی احساس می‌کند و احساس تکلیف در او تبلور می‌یابد، متفاوت است. پس باید تلاش کرد افراد با مراکز تبلیغ سنتی از جمله مسجد ارتباط برقرار کنند؛ چه اینکه در این فضا زمینه شکوفایی استعدادهای فطری و ادراکی فراهم می‌گردد. نهایت تأثیر تبلیغ تلویزیونی در سطح هویت فردی، تأثیر اقلی است. این تأثیر با تأثیر ارشادی و افزایش دهنده شناخت و انگیزش فاصله بسیار دارد. برای ترویج دین باید در مقام تربیت برآمد و تربیت فضا و شرایط مناسب خود را می‌طلبد. در مسجد است که هم فضای مناسب برای هویت‌پذیری دینی فراهم می‌شود و هم از توده‌ای شدن افراد در جامعه ماشینی و صنعتی امروز جلوگیری به عمل می‌آید و مسجد است که سازنده افراد آماده فداکاری برای دین و کشور می‌باشد. تلویزیون ممکن است به این امور پردازد اما با تغییر کانال حال و هوای مخاطب عوض می‌شود ولی حال و هوای مسجد همواره ثابت است. (خیری ۱۳۸۷، ص ۳۹-۵۴)

۹) بحران هویت؛ تفسیر، بررسی عوامل و نشانه‌های آن

بیشترین تلاش برای دستیابی به هویتی جامع و مشخص از دوران نوجوانی آغاز می‌شود. البته زمینه‌های آن پیش از نوجوانی وجود داشته‌اند. دکتر دن فونتل، روان‌شناس کودک و نوجوان معتقد است که در دوران بلوغ، سطح فکر افراد گسترش پیدا کرده و تعالی می‌یابد. نوجوانان همزمان با شناختن هویت خود، قادر به تفکر انتزاعی هستند. آنها درباره مسائل کاملاً جدی فکر می‌کنند، سوالاتی چون من چه کسی هستم، چه چیزهایی اهمیت دارند، معنی و مفهوم زندگی چیست و به چه اموری باید معتقد بود، دارند. نوجوانان بر اساس پاسخ‌هایی که در برابر پرسش‌های خود می‌یابند، درباره جهانی که در آن به سر می‌برند، قضاوت می‌کنند. آنها می‌توانند به گونه‌ای بنیادین و تندروانه، آرمان‌گرا شوند و رو در رو با ارزش‌ها و سبک زندگی والدین خود که به طور معمول محافظه کارانه و واقع‌گرایانه است، قرار گیرند. (دن فونتل، ۱۳۸۵، ص ۲۸)

بر اساس نظر دکتر شرفی، نوجوانان می‌توانند نقش‌های مختلفی را تجربه کنند، آنها را کاملاً بیازمایند، برگزینند و دوست بدارند. کسانی که در نوجوانی با هویت‌های متعارض درست روبرو می‌شوند، به احساس جدیدی از خود دست پیدا می‌کنند که هم تقویت‌کننده و نشاط‌آور است و هم قابل قبول. نوجوانی که در حل بحران هویت ناموفق است، احساس گم‌گشتگی و رنج می‌کند. در این حالت فرد ممکن است از همسالان و خانواده‌اش منزوی شود یا هویت خود را در هویت جمع گم کند. تعداد زیادی از کارهای غیرعادی نوجوانان ممکن است به دلیل سرگردانی نقش باشد. در اواخر نوجوانی، امکانات شغلی برای رشد هویت مسئله‌ای اساسی به شمار می‌رود. اعمال جنسی، سیاسی، مذهب و ارزش‌های

اخلاقی نیز موضوعات مهمی برای تصمیم‌گیری‌های نوجوان هستند. باورهای مذهبی والدین به بسیاری از نوجوانان تلقین می‌شود، ولی آنها در اواخر نوجوانی متوجه می‌شوند که می‌توانند خودشان درباره مذهب تصمیم بگیرند. در مورد هویت سیاسی نیز بیشتر نوجوانان انتخاب‌های سیاسی والدین را منعکس می‌سازند، ولی در اواخر نوجوانی، به رأی خود عمل می‌کنند. متأسفانه برخی از نوجوانان برای کسب استقلال، همیشه تصمیم‌هایی مخالف نظر والدین‌شان اتخاذ می‌کنند. چنین رفتاری نه فقط ملاک موفقیت در رشد خودکفایی یا هویت نیست، بلکه نماینده نوعی هویت منفی نیز می‌باشد. (شرفی ۱۳۸۰، ص ۱۷)

ز) بحران هویت از نگاه اسلام

نوجوان در حقیقت نوعی بحران شناختی - عملی را تجربه می کند که او را به سوی یافتن حقایق جهان هستی و سپس عمل مناسب با آن فرامی خواند. به طور کلی می توان این مرحله را جستجو برای جهان بینی صحیح به منظور راه یابی به اهداف زندگی نامید. در تعدادی از روایات، پرداختن به این امر برای جوانان ضروری دانسته شده و گفته شده است که جوان باید در حال آموختن باشد و یا به دانش صحیح دست یافته باشد. امام علی (ع) به انگیزه انسان در پیگیری و حل بحران هویت بدین صورت اشاره می کنند که انسان دارای عطشی است که فقط با پیمودن راه خدا و لقای او فرو می نشیند. ایشان در جای دیگر انسان فرزانه و شایسته لطف خدا را کسی می داند که به حل سه سؤال درباره خود راه یافته باشد: از کجا آمده است؟ در کجاست؟ به سوی چه مقصدی راه می پوید؟ این سه شناخت در حقیقت دستیابی به نوعی معرفت درباره نفس است که لازمه اش شناخت مبدأ نفس یعنی خدای متعال، مقصد و منتهای نفس و شناخت نفس در این عالم است. از نظر اسلام آنچه در بحران هویت اهمیت اساسی دارد، مسائل اصیل جهان بینی است که در چگونگی شکل گیری نیروهای بالقوه فرد تأثیری عمیق به جای می گذارد. بنابراین می توان گفت حل صحیح مسائل اساسی در جهان بینی می تواند راه را برای حل مسائل دیگر باز کند. کسی که نسبت به خدای متعال شناخت پیدا کرده و به هدف و فلسفه وجودی انسان در این جهان پی برده است، با کسی که به این معرفت دست نیافته، در رفتارها و جهت گیری ها بسیار متفاوت است. (بی ریا و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۹۹۷)

ح) پیامدهای فقدان هویت

یکی از راه‌های شناخت اهمیت هویت بخشی دینی و دیگر ابعاد هویتی، توجه کردن به پیامدهای فقدان آن است. زمانی که فرد پس از سال‌ها هنوز به وضعیت مشخصی درباره مسائل اصلی زندگی خود مانند مذهب دسترسی پیدا نکرده باشد، با آسیب‌هایی روبرو می‌شود. برخی از این آسیب‌ها از منظر متخصصان تربیتی چنین تبیین شده‌اند که تحول بلوغ، تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوان را تهدید می‌کند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و قبول تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند. حتی مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان آنها در برابر ارزش‌ها و قدرت‌ها و دخالت‌های دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن هویت خویش از سایرین است.

معمولاً والدین با این وضعیت بحرانی نوجوانان برخورد خوبی ندارند و اغلب این وضعیت را درک نمی‌کنند. در خانواده‌ها نوجوانان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و در مواقعی که نیاز شدید به دوستی و تفاهم متقابل دارند، مورد هجوم و انتقاد قرار می‌گیرند. در هنگام بحران هویت، نوجوان دچار تضادها و کشمکش‌های ضد و نقیض است. به پدر و مادر خود علاقه دارد و از طرفی به خاطر امر و نهی‌های مکرر آنان تنفر هم دارد. هم وابسته به آنان از نظر اقتصادی است و هم می‌خواهد مستقل عمل کند و با آنها مخالفت می‌کند. این تضادهای درونی به رفتارهای متضاد می‌انجامد و باعث رفتارهای خصمانه والدین می‌شود. اگر والدین این بحران درونی و تضادها را درک نکنند و نتوانند تفاهم مشترکی داشته باشند، این تضادها به عصیان و سرکشی تبدیل می‌شود. در بحران هویت نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است. به صورتی که نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خود را در یک

خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد. به هنگام بحران هویت نوجوان در سه مورد یا بیشتر از موارد زیر دچار تردید و شک است: اهداف بلند مدت؛ انتخاب شغل آینده؛ الگوهای رفاقت؛ رفتار و تمایل جنسی؛ تشخیص مذهبی؛ نظام ارزش‌های اخلاقی و تعهد گروهی. این علائم حداقل سه ماه وجود دارند و باعث اشکال در عملکرد اجتماعی می‌شوند بحران هویت نوجوان را به ابهام و سردرگمی می‌کشاند و دارای عوارضی مانند اختلال در احساس زمان و وقت، احساس شدید نسبت به خویش و شکل‌گیری هویت منفی است. (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۰) مسئولیت‌گریزی، از دست دادن توان و استعداد، دلمشغولی‌های بی‌هدف، ناتوانی در مهار هیجانات و داشتن شخصیتی منفعل نیز از عوارض ناکامی در شکل‌دهی هویت برای نوجوان است. (شرفی، ۱۳۸۰، ص ۲۰-۲۴) برای کمک به نوجوانی که هویت خویش را باز نیافته و خود را نشناخته و در نقش خود ابهام دارد باید روابط باز و صمیمانه‌ای به وجود آورد و با تکیه بر نقاط مثبت وی او را به تجربه ارزش شخصی رهنمون شد. مشاوره فردی با نوجوانی که دچار بحران هویت است باید متوجه تأمین شرایطی باشد که تهدید را در فرد تقلیل دهد و موانع ادراکات وی از خویش را برطرف نماید. در برخورد مشاوره‌ای با چنین نوجوانی تفاهم توأم با همدلی و احترام مثبت نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. در این صورت نوجوان از خویشتن بیشتر آگاه می‌شود و برای زندگی خود معنایی می‌یابد و مسئولیت انتخاب‌ها و تصمیم‌های زندگی خویش را بر عهده می‌گیرد. مشاوره گروهی نیز به شناخت هویت و توجه به علایق و کسب مهارت‌ها مخصوصاً ارتباطات اجتماعی به نوجوانان کمک می‌کند. نوجوانان در مشاوره گروهی فرامی‌گیرند که: همسالان آنان نیز مشکلاتی دارند، علی‌رغم اشتباهاتی که دارند اعضای گروه آنها را می‌پذیرند، قادر به درک دیگران هستند، می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، وقتی احساسات خود را بیان کنند خود را بهتر می‌شناسند، با تبادل نظر در مشاوره گروهی افراد گروه هویت خود را درک می‌کنند و به ارزش خویشتن پی می‌برند و اهداف قابل وصولی را دنبال می‌کنند و مهارت‌های اجتماعی را رشد می‌دهند. (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۰) خودشناسی، تعیین هدف برای زندگی، پرورش خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، تصحیح برداشت‌های شخصی، پذیرش جنسیت، الگوگرایی متعادل، بازآفرینی خاطرات دوران کودکی، تحلیل صحیح رویدادهای زندگی، مثبت‌گرایی، پرورش توانایی‌های فردی، تعدیل انتظارات دیگران و مانند آن، از دیگر پیشنهادها برای شناسان برای دستیابی به هویت فردی است. (شرفی، ۱۳۸۰، ص ۲۰-۲۴)

ط) شکل‌گیری هویت دینی با تکیه بر مسجد

۱. کودک و مسجد

«ایریس یاب» از کسانی است که مطالعات زیادی درباره مسائل معنوی کودکان و نوجوانان داشته است. وی درباره کودک و ارتباط او با مسجد می‌نویسد: «حضور در مسجد و دیگر مکان‌های مذهبی، زمینه‌ساز رشد معنوی کودکان است. مکان‌های مقدسی همچون مسجد به خدا اشاره دارند؛ از این رو، در اسلام برای مسجد قداست و اهمیت خاصی بیان شده و مسلمانان به استفاده از این مکان معنوی تشویق شده‌اند.» (یاب، ایریس، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹)

همچنین در آموزه‌های دینی فرهنگ ارتباط با مسجد حتی در ریزترین مسائل آن مانند نحوه ورود و خروج به مسجد، توصیه به معطر و آراسته بودن، تمیز نگهداشتن مسجد، حفظ توجه معنوی در مسجد و پرهیز از جلوه‌های دنیاخواهی، اقامه نماز در مسجد و... مطرح شده است. در کنار این سفارش‌های معنوی، لازم به یادآوری است که معماری یک مکان مقدس هم ممکن است بتواند عظمت خدا را به یاد بیننده بیاورد یا احساس حضور خدا را در انسان زنده کند. این مکان‌ها معمولاً دارای اهمیت تاریخی-مذهبی هستند. مکان‌های مقدس و معماری‌هایی که بیانگر حضور خداوند هستند، روح کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این فضاهای معنوی، زمینه روانی انس با مسائل دینی را در کودکان ایجاد می‌کنند. از ویژگی‌های عمده مساجد و مکان‌های مذهبی مانند زیارت‌گاه‌ها و حرم امامان معصوم علیهم‌السلام امکان برقراری ارتباط با خداوند است. کودکان به همراه والدین خود در مراسم معنوی متعددی مانند شب‌های قدر، جشن میلاد معصومین و نیز مراسم شهادت آنان، مراسم دعا و نیایش‌های هفتگی، برگزاری مراسم نماز جماعت و دیگر عبادت‌ها که اکثراً در مسجد برگزار می‌شود،

شرکت می‌جویند و گام‌های اولیه رشد معنوی خود را در چنین فضایی بر می‌دارند. بهره‌وری معنوی از این روش، منوط به مراعات شرایط آن و در نظر گرفتن پاره‌ای از محدودیت‌هایی است که کودک با آن روبروست. از این رو در این نوشته برآنیم تا نخست برداشت کودکان از این مکان مقدس و سپس راهکارهای بهره‌مند ساختن کودک و استفاده از مسجد به عنوان یک پایگاه خدانشناسی را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. آمادگی کودکان برای بهره‌وری از مسجد

آمادگی روانی کودکان درباره حضور در مساجد متفاوت است. به گونه‌ای که خردسالان تا ۱۰ سالگی، نسبت به کودکان سنین بالاتر از چنین مکان‌هایی لذت کمتری می‌برند و این عدم علاقه در سن ۸ سالگی به اوج خود می‌رسد. در حالیکه که کودکان سنین ۱۰ تا ۱۳ سالگی، احساس می‌کنند که مساجد باعث می‌شوند شخصیت اخلاقی و معنوی بهتری پیدا کنند. رفتن به مساجد لذت بخش می‌شود. لذت‌های عقلانی از داستان‌ها و مراسم دینی فزونی می‌یابد. همچنین دیدار دوستان و روابط دوستانه با بزرگترها آنان را متوجه لذت اجتماعی می‌کند. از نظر فرزندان ۱۳ ساله و بالاتر، عامل اعتقاد و ایمان است که بزرگسالان را به این مراکز می‌کشاند و به این محیط‌ها بیشتر به عنوان محل اجتماع مؤمنان و معتقدان به دین نگر بسته می‌شود تا به یک ساختمان یا یک مؤسسه. به اعتقاد این گروه سنی، مشارکت در مراسم عبادی محیط‌های مقدسی چون مساجد، مایه تقویت ایمان و نزدیک‌تر شدن آنان به حالت معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌گردد.

۳. راهکارهای بهره‌مندسازی کودکان از مسجد

ایریس یاب و دیگر فعالان حوزه معنوی سازی کودکان، برای استفاده بهتر از مکان‌های مذهبی به ویژه مساجد، به والدین و مربیان مذهبی پیشنهادهایی دارند که می‌تواند در مسیر معنوی کودک از طریق ارتباط با این مکان‌های و اتفاقات خوب و بدی که در آن می‌افتد، اثربخش‌تر باشد. و گام‌های نخستین و حیاتی شکل‌گیری هویت دینی را در آنها تقویت کند:

- از برداشت کودکان نسبت به مکان‌های مذهبی همانند مسجد آگاهی داشته باشید تا

بتوانید پاسخ‌گوی احساسات و پرسش‌های آنان در این زمینه باشید.

- برای شرکت کودکان خود در مراسم مذهبی برنامه‌ریزی کنید.

- با توجه به شرایط سنی و توانایی فرزند خود، او را تشویق کنید تا در فعالیت‌های گروه‌های مذهبی مانند هیئت‌ها شرکت کند.
- زمینه آشنایی فرزند خود را با اعضای گروه‌های مذهبی فراهم آورید. آنها را در برنامه‌های مخصوص کودکان شرکت دهید و تشویق‌شان کنید تا در کلاس‌ها یا برنامه‌های آمادگی برای عضویت در گروه شرکت کنند. حضور آنها در این جلسات و فعالیت‌ها می‌بایستی منظم باشد.
- فرزند خود را به تنهایی برای شرکت در مراسم مذهبی نفرستید بلکه او را همراهی کنید تا به او نشان دهید که به ارزش‌های دینی و مذهبی احترام می‌گذارد.
- نوع رفتار در مراسم مذهبی و اماکن مقدس را به فرزند خود بیاموزید.
- قبل از شرکت در مراسم، ماهیت آن را به زبانی ساده و قابل درک برای فرزند خود شرح دهید و علت شرکت خود را برایش توضیح دهید.
- فرزندتان را با مراسم و تشریفات مذهبی آشنا سازید.
- فلسفه و جزئیات مراسم مذهبی را برای فرزندتان توضیح دهید تا حضور او در این مراسم آگاهانه باشد.
- به فرزندتان بیاموزید که هنگام دعا کردن چگونه باید دست‌ها را نگاه داشت. همچنین حرکات نماز را به او بیاموزید.
- قبل از برگزاری مراسم، در صورت امکان فرزند خود را به دیدن مکان برگزاری مراسم ببرید و کارهایی را که باید انجام بدهد، برایش توضیح دهید.
- رفتارهای شایسته را برایش توضیح دهید و سعی نمایید که او را به تمرین آنها تشویق کنید.
- رعایت حقوق و احترام به دیگران را در تمامی موقعیت‌های زندگی، به فرزندتان بیاموزید. اگر در طول روز، برخوردی آموزشی با او نداشته باشید، انتظار رعایت حقوق دیگران در مراسمی مذهبی یا رسمی، کاری بیهوده خواهد بود.
- در صورت بی‌فایده بودن تمهیدات یاد شده، هنگام شرکت در مراسم، وسایل بازی مورد علاقه او را با خود ببرید تا خسته‌کنندگی مراسم باعث بروز رفتارهای ناهنجار در فرزندتان نشود. در این خصوص از بردن اسباب بازی‌های پُرسر و صدا خودداری کنید. کتاب‌های داستان به ویژه کتاب‌هایی که موضوع مذهبی دارند، مناسب به نظر می‌رسد. در طول هفته این کتاب‌ها را از دسترس او دور نگهدارید تا هنگامی که آنها را به او می‌دهید، برایش تازه و جذاب باشد.

- مکان مناسبی را برای نشستن انتخاب کنید. مکانی را انتخاب کنید که هر لحظه بتوانید بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران، فرزندان را به بیرون ببرید.

- به فرزندان بگویید ترک محل مراسم در هنگام برگزاری سخنرانی‌ها و اعمال عبادی، کاری پسندیده نیست و اگر مجبور به ترک محل است، حتما باید به سرعت برگردد.

- در محافل مذهبی به جای اعتراض به سر و صدای کودکان، به پدر و مادر آنها کمک کنید تا مشکل فرزندان را حل کنند.

- شما می‌توانید خردسالان ناآرام را در آغوش گرفته و مدتی کوتاه به خارج از محل مراسم ببرید.

- خانواده کودکان ناآرام، به درک متقابل شرکت کنندگان در مراسم نیاز دارند. در این زمینه خانواده‌هایی که چنین مشکلی ندارند، می‌توانند با کمک کردن به آنها، الگویی مناسب در زمینه توجه و دلسوزی برای دیگران باشند.

- فعالیت‌های ویژه‌ای را برای کودکان ناآرام برنامه‌ریزی کنید.

- بسیاری از گروه‌های مذهبی، برنامه‌های خاصی را برای کودکان در نظر می‌گیرند، هر چند که شرکت بچه‌ها دست کم در بخشی از مراسم عبادی، بسیار سودمند است و آنها خود را عضوی از جامعه‌ای بزرگتر حس خواهند کرد و هویت مذهبی به تدریج در آنها شکل خواهد گرفت.

- اگر نمی‌توان مراسم خاص کودکان برگزار کرد، دست کم بخشی از مراسم اصلی را می‌توان به کودکان اختصاص داد مثلاً قرائت آیات الهی را به آنها سپرد، نصب پوستر و پرچم‌ها را به آنها محول کرد و یا گروه سرود یا شعرخوانی مذهبی تشکیل داد.

- جلسات آموزش مذهبی را برگزار کنید. بعضی از گروه‌های مذهبی، اقدام به برگزاری کلاس‌های مخصوص کودکان می‌کنند. اگر چه بهتر است این کلاس‌ها توسط افراد خبره و کارشناس برگزار شود، اما خود شما به عنوان عضو گروه، داوطلب اداره و برگزاری این کلاس‌ها شوید. می‌توانید متون آموزشی دارای محتوای مناسب را از مراکز مذهبی تهیه کنید.

- از فرزند خود بخواهید چشمانش را ببندد. سپس از او بپرسید هنگامی که مشغول دعاست یا درباره خودش فکر می‌کند، دوست دارد در کجا باشد؟

- فرزند خود را به مسجد و مکان مذهبی ببرید و هنرهای نمادینی را که در این بناها به کار رفته است، برای او توضیح دهید. مثلاً می‌توانید به آیاتی که برای محراب در نظر گرفته می‌شود یا نمادهای هنری که در مکان مذهبی استفاده می‌شود و معمولاً طرحی متعالی و صعودی دارد، اشاره کنید.

- فرزندان را تشویق کنید تا به مکان‌های مقدس دیگران احترام بگذارد. در این مکان‌ها آهسته سخن بگویید، به زائران خیره نشود و با مراسمی که برگزار می‌کنند، همراهی کند.

- اختصار در برنامه‌های مذهبی و میزان حضور کودک در مسجد را رعایت کنید. اگر شما بین بهره‌مند شدن از تکمیل یک دعای طولانی و رعایت حوصله کودکی که اکنون کنار شما نشسته است، مخیر شدید، حتما شرایط کودک خود را در نظر بگیرید؛ زیرا با این کار برای معنوی شدن یک انسان در آینده نزدیک سرمایه‌گذاری کرده‌اید.

- کودکان را مجبور به شرکت در مراسم مذهبی نکنید.

- مقدمات حضور در مسجد و نیز برنامه‌های زمان‌بندی بودن در مسجد را به گونه‌ای متنوع کنید که فرزند شما همیشه مایل به این حضور باشد. خرید مقداری خوراکی قبل از حضور و در مسیر رسیدن به مسجد به همراه توجه عاطفی پس از خروج از مسجد می‌تواند نقش بسزایی در تشویق فرزندان داشته باشد.

- هوا و دمای نامناسب مسجد، سر و صدای زیاد، نامنظم بودن برنامه‌ها، طولانی و دشوار بودن مسیر رسیدن به مسجد، سخت‌گیری والدین در انجام همه مستحبات و برنامه‌های مسجد، توجیه نبودن کودک نسبت به زمان و طول برگزاری مراسم، سرگرم نشدن کودک با فعالیت‌های آرام و مناسب و نیز برخورد مسئولان مسجد، از آسیب‌هایی است که لازم است والدین قبل از بردن کودکان به مسجد در نظر داشته باشند. یادمان باشد که ناخوشایندسازی حضور در مسجد، ممکن است فرزندمان را با انبوهی از خاطرات بد نسبت به این مکان مقدس روبرو کند که آثار منفی بسیاری در دینداری کودک امروز و بزرگسال فردا به جا خواهد گذاشت. (اخوی ۱۳۹۰، تک‌نگاره)

- اعتقاد به یاوران و محافظ‌های نادیدنی، با وقایع به ظاهر بی‌محتوایی شروع می‌شود. با الگوهای سرشار از عشقی که بزرگترها بی‌منظور و ساده‌انگارانه در اختیار کودک قرار می‌دهند. مثلاً کودکی که در زمین بازی، در یک پارک سرگرم بازی است و از روی حصار کم ارتفاع می‌افتد و مجروح می‌شود. مادر او را از زمین بلند می‌کند و به شوخی به او می‌گوید: خوب شد که یک فرشته مواظبت بود! این حرف برای کودک یک پیام جدی به شمار می‌رود. او باور می‌کند کسی که نمی‌تواند او را ببیند، از او محافظت می‌کند و به همین دلیل آرامش می‌گیرد. برای کودکان مهم است که تا جای امکان، هر چه بیشتر محافظ داشته باشند. دانستن این که یک نفر هست که از من محافظت می‌کند، به کودک جسارت و نیرو

می‌بخشد و او را از ترس ناشی از تنها گذاشته شدن حفظ می‌کند. شاید اشاره به داشتن یک فرشته محافظ در طول روز و زندگی روزمره را نتوان تربیت مذهبی به شمار آورد ولی هدف از آن باز کردن فضای دنیای کودک است. باز کردن دنیایی که بیشتر دریافت کردنی است تا مصرفی. باید برای ارضای نیازهای خود تلاش کرد و تنها نباید به حاصل تلاش دیگران اکتفا نمود. دنیایی ارزش دارد که بتوان از راه مذهب آن را شناخت. آنتوان گزوپری، نویسنده فرانسوی می‌گوید: «اگر خواستی یک کشتی بسازی، مردم را برای جمع‌آوری چوب و تهبیه وسایل لازم دور هم جمع نکن، وظیفه هر یک را مشخص و کار را بین آنها تقسیم نکن، بلکه حسرت رفتن و رسیدن به دریای وسیع و بی‌انتها را در دل آنها بیدار کن. یک نظریه پرداز به نام «آنجلام. ت. رانیدرز» یقین دارد که هر کودکی این حسرت رسیدن به دریا یا همان زندگی نامحسوس را حس می‌کند. از نگاه او، تربیت مذهبی فضای خالی زندگی هر کودکی را پر می‌کند.» (سوزانه پورشه، ۱۳۸۶ ص ۷۱) بر این اساس، زمانی که قرار است مسجد در شکل‌گیری احساسات مذهبی کودکان نقش داشته باشد، باید راهکارهای رغبت برانگیز معنوی (مانند معرفی مسجد به عنوان مکان اجتماع فرشته‌ها) و مادی (مانند نکته‌هایی که درباره ایجاد علاقه به مسجد گفته شد)، به کار گرفته شوند.

ی (نوجوان و مسجد

۱. چند واقعیت روان شناختی درباره نوجوان

۱-۱. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، شرایط خارجی متعددی می‌توانند تأثیراتی مثبت یا منفی در رشد معنوی نوجوانان ایجاد کنند. نحوه برخورد دوستان یک نوجوان با او و ارزش‌هایی که به آن پایبندند، در تصویری که او از خدا و مکان‌های منسوب به خداوند مانند مسجد به دست می‌آورد، و نیز باورهای همسو با این گرایش‌ها، بسیار مؤثر خواهند بود. اگر محیط نوجوان سرشار از خوبی‌ها، حقیقت و زیبایی باشد، تصویر او از خودش، از دیگران و از جهان پیرامونش، خوب و حقیقی و زیبا خواهد بود. ایمان، تحت تأثیر تجارب شخصی، متحول می‌شود.

۲-۱. نوجوانان در خارج از خانواده ارتباطات متعددی ایجاد می‌کنند. دوستان صمیمی، فعالیت‌های ورزشی، هنری، مذهبی و سیاسی، در مرکز توجهات نوجوانان قرار دارند. کثرت فعالیت و ارتباط کودکان در سنین نوجوانی، فرصت کمی برای آنها باقی می‌گذارد تا با خانواده خود همراهی کنند. شما قادر نیستید نوع دوستان فرزندتان را انتخاب و یا دوستانی را به او تحمیل کنید، اما قادرید شرایط را به گونه‌ای آماده کنید که ارتباط او با نوجوانان مورد علاقه بیشتر شود. اگر فرد مذهبی فعالی هستید، رفت و آمد خانوادگی خود را با دوستان مذهبی‌تان افزایش دهید تا فرزندان شما فرصت و موقعیت‌های بیشتری برای برقراری ارتباط با هم داشته باشند. یا او را به مسجدی که در آن دوستان هم سن و فعال با فرزند نوجوان شما وجود دارد، هدایت کنید.

۳-۱. دوستی‌های صمیمانه اهمیت زیادی در زندگی نوجوانان دارند. یک نوجوان به

دوست یا دوستان صمیمی نیاز دارد تا رازهای خود را با آنها مطرح کرده و به درد دل بپردازد. برخی از محققان این حالت را «نیاز به آینه» نامیده‌اند، زیرا نوجوان در پی یافتن کسی است که شخصیت و هویت او را منعکس سازد. نیاز متقابل نوجوانان به آینه شدن برای یکدیگر، به طرق مختلفی ابراز می‌شود. آنها سعی می‌کنند نوع پوشیدن لباس، آرایش موی سر، نحوه صحبت کردن و حتی راه رفتن خود را مشابه دوستان خود کرده و با رفتارهای والدین خود مرزبندی کنند، به همین جهت دچار نوعی گيجی و پریشانی می‌شوند. بر این اساس، با نگاهی درون دینی درمی‌یابیم که نیاز به آینه با مصداقی از روایت همسان است که می‌فرماید: «اهل ایمان، آینه یکدیگرند که در آن کاستی‌ها و نقصان‌ها دیده می‌شوند و جبران می‌شوند».^۱ در کنار این روایت، به آدابی که درباره مسجد گفته شده نیز نگاهی می‌اندازیم که از اهالی مسجد خواسته شده تا با ظاهری آراسته و متناسب با مسجد حضور یابند. نتیجه‌ای که از این دستاورد روان‌شناختی و آموزه‌های دینی می‌گیریم، این است که نوجوان از طریق انس با مسجد، نه تنها به نیازهای فکری خود پاسخ می‌دهد، بلکه جهت عاطفی و نیاز به گروه هم تأمین می‌گردد و مهم‌تر اینکه در جهت تطبیق با گروه هدف که اهل مسجد می‌باشند، ظاهری پسندیده‌تر و مقبول‌تر را برمی‌گزیند؛ زیرا هنگامی که نوجوانان طرز لباس پوشیدن و یا رفتار خاصی را می‌پذیرند، مانند پذیرش ظاهر بچه‌های مذهبی که با مسجد تعامل دارند، سعی می‌کنند تا خود را با سنت‌ها و آداب و رسوم رایج در بین دوستان‌شان تطبیق دهند. آنها مایل نیستند به دلیل داشتن هویتی متفاوت از دوستان خود، از سوی آنها طرد و منزوی شوند. نوجوانان اگر بلندتر از دوستان‌شان باشند، کمی قوز می‌کنند و اگر دوستان‌شان در فعالیتی شرکت نکنند، آنها نیز شرکت نخواهند کرد و اگر دوستان‌شان دو چرخه داشته باشند، آنها هم باید دو چرخه داشته باشند. این نوع تطبیق‌پذیری، در ارتباط با انتخاب دین و مذهب نیز صادق است. نوجوانان، مذهبی را می‌پذیرند که در جمع دوستان آنها ارزشمند است. اگر فرزند نوجوانان گفت که می‌خواهد فعالانه در یک جمع مذهبی یا گروه سیاسی شرکت کند متعجب نشوید. سعی کنید فرزندتان را در فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی یا سیاسی مشارکت دهید، زیرا آنها در سن نوجوانی مستعد ابراز وجود و پابندی به تعهدات هستند. (ایریس یاب ۱۳۸۶، ص ۱۲۶)

۱. قال رسول الله ﷺ: «المؤمن مرآة لأخيه المؤمن، يَنْصَحُهُ إِذَا غَابَ عَنْهُ، وَ يُمِيطُ عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ؛ مؤمن آینه برادر مؤمن خویش است. در غیابش برای او خیرخواهی می‌کند و در حضورش، ناخوشایندی‌ها (باورهای نادرست) را از او دور می‌گرداند.» (بخارا الأتوار، ج ۷۴، ص ۲۳۳، ح ۲۹)

۴-۱. یکی از مسائل نگران کننده درباره نوجوان، تمایل بیش از حد او به دوستان خود است. دوستی‌های صمیمانه اهمیت زیادی در زندگی نوجوانان دارند. یک نوجوان به دوست یا دوستان صمیمی نیاز دارد تا رازهای خود را با آنها مطرح کرده و به درد دل پردازد. نوجوان مایل است بیشتر وقت خود را در گروه همسالان خود بگذراند، در مهمانی‌ها و جشن تولدشان شرکت کرده و پایبندی خود به دوستی‌ها را اثبات کند. دوستی‌هایی که در فضای مسجد ایجاد می‌شود، زمینه بروز دوستی‌های حرام و نادرست را از بین برده و عزت نفس معنوی همراه با آن و نیز شخصیت مسجدی بودن، سبب سلامت روانی و معنوی فرد می‌گردد. با پذیرش نیاز نوجوان به رشد اجتماعی و گروه همسالان، این نیاز او را با سوق دادن وی به دوستان مناسب و گروه‌های دینی مطلوب فراهم کنند. از این رو در سخنی از امام علی علیه السلام، یکی از مزایای ارتباط با مسجد، به دست آوردن دوستان خوب و همراهی با آنان دانسته شده است. حضرت در سخنی والا می‌فرماید: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِي: أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرِّفًا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَزِدُّهُ عَنْ زَدِي، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ يَتَرُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً؛ هَر كَه بَه مَسْجِدٍ أَمَد وَ شَد كَنَد، بَه يَكِي از این هشت چیز دست یابد: یافتن برادری به خاطر خدا، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم، یا رحمتی که آن را چشم به راه بود، یا سخنی که او را از هلاکت برهاند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به هدایت رهنمون شود، یا آنکه گناهی را از ترس و یا شرم ترک گوید.»^۱ اثرپذیری نوجوان از همسالان، مسئله‌ای است که همه کارشناسان به آن باور دارند. بخش مهمی از دانسته‌ها و باورهای نوجوان از طریق دوستان و محیط رفاقت تبادل می‌شود. در کلام حضرت هم این نکته برجسته شده است که همراهی با اهل مسجد، سبب ترک بسیاری از گناهان است و مانعی به نام حیا از دوستان مسجدی، به عنوان عاملی بازدارنده از خطاهای فکری و رفتاری است. با توجه به این قانون روان‌شناختی، می‌توان از چنین روحیه‌ای برای انتقال مفاهیم دینی و انس با مسجد به نوجوانان بهره گرفت. به عنوان مثال، با تشکیل حلقه‌های انس در مسجد و فراهم‌سازی زمینه‌هایی برای فعالیت گروهی نوجوان در این مکان مقدس، به شکلی غیرمستقیم، بسیاری از پیام‌ها را به او منتقل کرد.

۵-۱. نوجوان نیازمند فراهم شدن زمینه‌ای برای اندیشیدن و خلوت کردن با خود است. یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های مسجد برای نوجوان، فراهم شدن شرایطی برای اندیشیدن

درباره خود، زندگی و آینده است. وقتی نوجوان احساس می‌کند که در کنار بهترین‌ها نشسته است، آمادگی ایجاد تغییرات جدید را هم در خود می‌بیند و این به وی قدرتی می‌دهد که درباره مسیر زندگی خود یک دیده‌بان تازه شود، اشتباهات احتمالی را پیدا کنید، کمبودها را شناسایی کرده و از همان جا برای هجرت و کوچ کردن به سمت بهتر شدن خود را آماده کند. بعضی از دانشمندان هم برای حل مسائل علمی خود گاهی به مسجد پناهنده می‌شدند تا در سایه حمایت‌های معنوی خداوند و فضای روشن مسجد بتوانند به روشنایی علمی تازه‌ای دست یابند. نوجوان با حضور در مسجد می‌تواند افکار پراکنده خود را با مهمان شدن در خانه خدا جمع‌بندی کرده و برای تصمیم‌گیری و پرواز معنوی خود را آماده می‌کند.

۱-۶. نوجوانان می‌خواهند با کمک خدا دنیا را اصلاح کنند. تا حدود ۱۲ سالگی، تصور نوجوان از خدا یک تصور مثبت است. سپس امکان تفکر منطقی در او به وجود می‌آید و نوجوان می‌فهمد که خوبی و بدی با همه سایه‌ها و ضمائم آنها در دنیا وجود دارند. دعای نوجوان در این مرحله زندگی، بیشتر شامل خواسته‌های فوری و بی‌درنگ است تا کم‌کم در سن جوانی این ارتباط رشد می‌یابد و به ارتباط خاصی میان خدا و انسان تبدیل می‌شود. نوجوانان بزرگتر، نگرانی‌ها و آرزوهایی دارند که آنها را کاملاً راک و راست در دعاهای خود بیان می‌کنند. نیاز پذیرفته شدن در جامعه نیز از جمله خواسته‌های آنهاست. به کمک خدا دنیا را اصلاح کردن، براندازی ظلم و انجام کارهای خارق‌العاده، آرزوی بیشتر نوجوانان است که عملی شدن آنها را به کمک خدا امکان‌پذیر می‌دانند. به این ترتیب نوجوان به ارزش‌هایی مانند آمادگی کمک به دیگران و همدردی با انسان‌های دیگر نزدیک می‌شود. (سوزانه پورشه؛ ۱۳۸۶، ص ۷۲)

۲. ارتباط، رکن شکل‌گیری هویت دینی نوجوان

ارتباط، زمینه تأثیرگذاری و انتقال پیام است. زمانی که ارتباطی صحیح و دوطرفه شکل می‌گیرد، سفره‌ای گسترده می‌شود که بهره‌های مادی و معنوی سرشاری را با خود همراه می‌کند. اگر این ارتباط با رویکردی دینی و هدفمند آغاز و مدیریت شود، نتایج بهتری از زانی دو طرف آن خواهد شد و آنگاه که این ارتباط، با مؤلفه‌ای به نام استمرار همراه باشد، این نتایج ماندگاری و اثربخشی بیشتری خواهد داشت. در موضوع کنونی، هر دو عنصر به خوبی دیده می‌شود. به عبارتی دیگر، زمانی که امام جماعت مسجد و دیگر مسئولان مرتبط با

مسجد، به قصد انتقال پیام‌های دینی با نوجوان ارتباط می‌گیرند، عنصر هدفمندی وجود دارد و آنگاه که در طول سال به مناسبت‌های مختلف و شیوه‌های گوناگون این ارتباط را ادامه می‌دهد، از استمرار هم بهره‌جسته‌اند. نتیجه این تعامل، گرایش نوجوانان به نماد دینی یعنی روحانی و به دنبال آن، قرار دادن برنامه‌های معنوی مسجد در فهرست کارهای روزانه در طول سال خواهد شد.

۳. توجه به نماد و نهاد

لباس روحانیت، نمادی از دین و دین‌داری است و روحانی فردی است که رفتارها و منش او برای دیگران حجت به شمار می‌آید. در مهارت ارتباط نیز تصریح شده است که عمده تأثیرگذاری مادر ارتباط به عوامل ظاهری و زبان بدن بر می‌گردد. در روان‌شناسی دین نیز بر این مسئله تأکید شده است که تحول دینداری در افراد با حرکت از نماد و سمبل آغاز و به سوی نهادینه شدن سرازیر می‌شود. برای توجه بیشتر به این مسئله، تمثیل زیر می‌تواند یاری رسان خوبی باشد:

«پیرمردی به قصد آزمایش سطح فکر سه فرزند خود، از آنها خواست تا هر کدام به شیوه‌ای که مناسب می‌دانند، انبار خانه را پر سازند و به آنها گفت که برنده کسی است که در زمان کمتر و با هزینه کمتری بتواند از عهده پر کردن همه جای انباری بر آید. فرزند اول موفق شد انبار را پر از شن و ماسه کند و حتی در پیچه‌های نور را هم مسدود نماید. روز بعد، فرزند دوم توانست در مدت کمتری انباری را با کاه پر سازد. نوبت به فرزند سوم رسید. او لحظه‌ای به داخل انباری رفت و برگشت و اعلام کرد که کارش تمام شده است. همگی با شگفتی وارد انباری شدند ولی آن را خالی یافتند. تنها شمعی در آن روشن شده بود. پیرمرد از فرزندش خواست تا برایشان توضیح دهد. فرزند گفت من شمعی روشن کرده‌ام و با نور آن همه جای این مکان را پر کرده‌ام. اکنون همه روزه‌های این انباری از نور شمع پر شده است.»

پر کردن روح و جان نوجوان از خاطرات خوب نسبت به روحانی، نقش برجسته‌ای در آینده دینی او خواهد داشت. نوجوان امروز با ارتباطی که از سوی روحانی با او گرفته می‌شود، می‌تواند احساس خوش بودن با روحانی را تجربه کند و می‌تواند در اثر ناکارآمدی ارتباط، برداشتی نامناسب از دین و دینداری در روان او شکل بگیرد که پاک‌سازی این برداشت

به زمان زیاد و شرایطی متفاوت بستگی دارد. بر این اساس، بخشی از اثرگذاری ارتباط با نوجوانان در این مهم نهفته است و تمام برخوردهای امام جماعت با نوجوان، جایگاه ویژه خود را خواهد داشت.

۴. تنوع بخشی به ارتباط

یکی از اسرار جذابیت دوستی‌ها در دنیای نوجوانان و جوانان، متنوع بودن آن است. زمانی که نوجوان با دوست خود در قالب‌های گوناگون تحصیلی، علمی، ورزشی، مذهبی و عاطفی ارتباط می‌گیرد، گوناگونی ارتباط او را به سمت تداوم و تعامل بیشتر می‌کشد. حال اگر این ارتباط فقط یک بعد و جنبه داشته باشد، به مراتب از میزان و مؤثر بودن آن کاسته خواهد شد. بر پایه تحقیقات انجام شده، بیشتر یادگیری‌ها به شکل غیررسمی و غیرمستقیم انجام می‌شود و حضور ارتباط گیرنده در موقعیت‌های گوناگون، سبب انتقال پیام‌ها در قالب‌های غیررسمی آن خواهد شد. بر این اساس، یکی از قوانین ارتباط‌گیری امام جماعت با نوجوانان، توجه به ایجاد تنوع در این رابطه و فراهم‌سازی زمینه برای آن است. اگر ارتباط با نوجوان تنها در قالب نماز جماعت و سخنرانی خلاصه شود، ارتباطی یک‌سویه و کم‌تنوع خواهد بود که نتیجه آن کمرغبندی به تداوم در ارتباط است ولی زمانی که شکل‌های ارتباط گستره بیشتری می‌یابد، به همان میزان برداشت‌های معنوی و فرهنگی فزون‌تری بر آن بار خواهد شد.

۵. پیش‌نیازهای ارتباط

مهارت ارتباط همانند دیگر مهارت‌های فردی و اجتماعی، نیازمند فراهم شدن مقدماتی است تا نتایج سودمند را به دنبال داشته باشد. یکی از این زمینه‌ها، خصوصیات فردی امام جماعت است. روحانیانی که از روحیه برون‌گرایی و مردم‌آمیزی برخوردارند، به اثربخشی ارتباط ایمان‌دارند، سطح تحمل و حوصله مطلوبی در آنها وجود دارد، از اطلاعات موجود در دنیای نوجوان مانند اطلاعات ورزشی، فناوری و مانند آن، بی‌اطلاع نیستند، مخاطب‌شناسی خوبی دارند، از نیازهای فکری و عاطفی کنونی دانش‌آموزان به خوبی باخبرند و در محتوا و شیوه ارائه آن به مخاطبان از خلاقیت خوبی برخوردارند، در ارتباط و میزان تأثیرگذاری آن موفق‌تر خواهند بود.

۶. راهکارهای ارتباط

۶-۱. ارتباط عاطفی

از آنجا که عاطفه در دنیای روانی انسان‌ها به ویژه نوجوانان، عاملی مهم در ارتباط‌گیری است، اولین نکته در راهکارها نیز به این مسئله اختصاص دارد. معنای دیگر جمله این است که لازم است امام جماعت حضور عاطفی بیشتری در دنیای نوجوان داشته باشد و بستری را فراهم سازد تا اصل روان‌شناختی «خوشایندسازی» شکل بگیرد و دانش‌آموزان از یادآوری نام و شخصیت امام جماعت، احساس خوبی پیدا کنند و خاطرهای خوش را تداعی نمایند. این اصل، سبب تکرار و تمایل به بیشتر شدن ارتباط خواهد شد. در نقطه مقابل نیز، چنانچه نوجوان از حضور روحانی محل در مدرسه، احساس ناخوشایندی مانند خستگی، یکنواختی، سخنان مغایر با نیازهای کنونی نوجوان و مانند آن را تجربه کند، به شدت از ایجاد رابطه با روحانی و مکان‌ها و برنامه‌هایی که وی در آنها نقش دارد، گریزان خواهد شد و نوعی دلزدگی در وجود وی پدید می‌آید. به عنوان پیشنهاد می‌توان موارد زیر را در تقویت بعد عاطفی ارتباط امام جماعت و دیگر عناصر مسجد با نوجوان مورد توجه قرار داد:

- حضور روحانی یا یکی از دست‌اندرکاران مسجد به عنوان بیننده برخی از مسابقات ورزشی نوجوان در مدرسه یا محیط‌های ورزشی مناسب با شئون روحانیت
- نقش روحانی و رابطان مسجد در پذیرش و اهدای جوایز برترین‌های علمی، ورزشی، پرورشی و ...
- پیشنهاد و پذیرش برخی از مسابقات فرهنگی مانند کتاب‌خوانی از سوی مسجد
- تعیین ملاک‌های دانش‌آموز برتر اخلاقی از سوی مسجد و اهدای جایزه ویژه به فرد
- تقدیر از برترین‌های علمی، ورزشی و پرورشی در مسجد
- ارتباط امام جماعت و مربیان مسجد در قالب مشاور مذهبی با دانش‌آموزان در مدرسه
- حضور پررنگ امام جماعت و مربیان در مناسبت‌های مذهبی به ویژه روزهای تولد معصومین علیهم‌السلام

۶-۲. ارتباط آموزشی

دانش‌آموزی از نگاه دین، یک امتیاز به شمار می‌آید و روحانی محل به عنوان نماد دین،

می‌تواند مشوق و یاری‌دهنده این فضیلت باشد. زمانی که زمینه بهره‌وری از دانش دینی و علوم مرتبط با آن، برای دانش‌آموزان نوجوان فراهم می‌گردد و توان استفاده از سفره علمی یک دین‌شناس به وجود می‌آید، می‌توان از آن به عنوان روشی مهم در اثربخشی و ماندگاری ارتباط نام‌برد. احسان علمی امام‌جماعت و آموزش مسائلی که نیازهای فکری اکنون و آینده نوجوان و دانش‌آموز را تأمین می‌کند، هیچ‌گاه از حافظه فراگیرنده پاک نخواهد شد و خود زمینه‌ای برای ارتباط با دیگر عالمان دینی خواهد شد. البته یادآوری این نکته ضروری است که در این بخش هم، توجه به ذائقه و توان مخاطب در یادگیری و بهره‌وری از روش‌های ساده، فعال و جذاب، سودمندتر خواهد بود.

در این بخش می‌توان به روش‌های زیراندیشید:

برگزاری کلاس‌های تقویتی در مسجد: برخی از این کلاس‌ها می‌تواند توسط خود روحانی تدریس شود مانند عربی و برخی دیگر توسط نیروهای مسجد اداره می‌شوند.

آموزش مسائل دینی: علاقه به دین در نوجوان همگام با جهش در رشد فیزیکی، با برجستگی بیشتری اتفاق می‌افتد و نیاز به دانستن آنچه حدود الهی معرفی شده‌اند، در این سن از شدت و رغبت بیشتری برخوردار است.

آموزش اخلاق: تمایل به کامل شدن و دور شدن از خصوصیات منفی، نیازی روان‌شناختی است و مانند جوی روان در دل و جان دانش‌آموزان طراوت ایجاد می‌کند. چنانچه امام‌جماعت به صورت منظم جلسات اخلاقی را با عنوان‌هایی چون آداب معاشرت، مهارت‌های زندگی و شیوه‌های موفقیت در تحصیل و زندگی، می‌تواند زمینه را برای شکوفایی همه جانبه دانش‌آموزان فراهم کرده و یادگیری روشن و لذت‌بخش از یک روحانی را در دل و جان آنها برای همیشه باقی بگذارد.

طرح سؤال‌های مهم درباره دین همراه با معرفی منابع و تعیین زمان مشخص برای پاسخگویی به آنها، بخشی از حضور فکری روحانی در ذهن و جان دانش‌آموز است.

۷. بایسته‌های همراه‌سازی دانش‌آموزان

جذب، مقدمه همراه ساختن مخاطبان با محتوای خوب شماسست. در قرآن، محبت بر تبعیت مقدم شده است و ثمره این همراهی، دریافت محبت بیشتر است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» بگو اگر خدا را دوست می‌دارید (که باید هم بدارید) باید مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد و گناهانتان بیامرزد که

خدا آمرزگار و مهربان است». زمانی که شما با رفتارها و گفتارهای خود، بذر محبت را در دل مخاطبان می‌پاشید، می‌توانید با استقبال آنها و تأثیرپذیری بیشتر روبرو شوید. بر این اساس، لازم است افرادی که به نمایندگی از مسجد با مخاطبان کار تربیتی انجام می‌دهند، به چند نکته کاربردی توجه داشته باشند:

- شرط اساسی موفقیت شما در کار، آشنایی با دنیای روان‌شناختی مخاطبان است.
- حالت مربی بودن را حداقل برای شروع یک ارتباط خوب کنار بگذارید.
- خودتان را برای روبرو شدن با رفتارهای عجیب و غریب برخی از مراجعان مسجد آماده کنید.
- صداقت را از همه چیز مهم‌تر بدانید و برای پاسخ به سؤالات سخت از آنها فرصت بگیرید.
- به هیچ وجه اسرار نوجوان همراه خود را فاش نکنید؛ حتی به صورت شوخی یا کنایه
- با آرامش خود، به نوجوان ناآرام کمک کنید.
- از سر و وضع ظاهری آنها تعجب نکنید و آنها را همانگونه که هستند، بپذیرید.
- توجه داشته باشید که در رقابت فرهنگی شما فقط یک پیشنهاد دهنده هستید نه تحمیل کننده؛ پس سعی کنید جذابیت سخن و رفتارتان را بالا ببرید و به او حق انتخاب بدهید.
- شکل‌گیری شخصیت، نیازمند فرصت است. به اندازه کافی به او فرصت تفکر، تغییر و تجربه کردن بدهید.
- هر نوجوان را یک دین‌آموز متفاوت با دیگران در نظر بگیرید و برای هر کدام وقت مجزایی اختصاص دهید.
- از عصبانی شدن پرهیزید و با رفتار خود الگوی یک متدین کامل را برای او داشته باشید.
- نوجوان به رفتار شما و میزان تأثیر دینداری در شما بیشتر از سخنان‌تان توجه می‌کند.
- رفاقت را جایگزین رقابت ساخته و در برابر برخی از ادعاهایی که از نوجوانان می‌شنوید، آرام، متین و ساکت باشید.

- همیشه به خود یادآور شوید که من کار ظریف و سختی را پذیرفته‌ام و چنانچه با موفقیت از عهده این کار برآیم، پاداش معنوی بسیاری دریافت خواهیم کرد.
- از تعریف‌های بی‌مورد درباره توانمندی‌های خود پرهیزید؛ زیرا با مقاومت روانی مخاطبان خود روبرو خواهید شد.
- در استفاده از کلمات حساس، خوش سلیقه باشید. برای نوجوان، احترام قائل شدن شما به شخصیت او بسیار مهم است.
- احترام به نظر نوجوان را در عمل نیز نشان دهید.
- هدف اصلی کنترل مخاطب نیست، بلکه هدف تغذیه فکری درست او و تأثیر گذاری بر خلوت‌های آن است.
- پل ارتباطی خود را قوی کنید و زمینه ارتباطات بعدی نوجوان را با خودتان فراهم آورید.
- در موضع‌گیری‌های خود حساسیت‌های روانی مخاطبان‌تان را در نظر بگیرید.
- به مخاطب خود در شکل‌گیری هویت دینی کمک کنید.
- احساسات او را جریحه‌دار نکنید.
- تکیه گاه نوجوان خود باشید ولی ایجاد وابستگی نکنید.
- سعی کنید دینداری او را با ملاک‌های درست پیوند بزنید نه با افراد.
- برای درک حقایق عجله نکنید.
- نیاز او به تجربه کردن آموزش‌های شما را بپذیرید.
- احساساتی نشوید و بر احساسات خود مدیریت همراه با اعتدال را حاکم کنید.
- گفتگوهای خود را دو طرفه کنید تا گفتگوی ثمربخشی داشته باشید.
- پاسخی بدون قضاوت در گفتگوهای خود داشته باشید.
- به مخاطب خود مارک و برچسب‌های منفی نزنید.
- از تناقض گویی پرهیزید زیرا مخاطب شما از حرف‌های متناقض می‌رنجد.
- همدردی صادقانه داشته باشید.
- فرصت ارائه نظر و ابراز وجود در مسائل گوناگون را به نوجوان بدهید.
- خانواده بزرگترین پناهگاه است. نوجوان خود را به اعتماد و ارتباط بیشتر با خانواده تشویق کنید. توجه داشته باشید که پیوند محکم با خانواده سبب کاهش آسیب‌هاست.

- توجه به جنبه‌های مثبت و تشویق و ترغیب آنها، سبب افزایش اعتماد به نفس نوجوانان است.
- سلیقه‌های ورزشی، هنری و علمی نوجوان را تخریب نکنید. اگر الگوهای نامناسبی دارد، به تدریج درباره ملاک‌های صحیح ذهن او را آماده تغییر کنید.
- صبور باشید. صبوری شما بیشترین کمک را به راه‌یابی نوجوانان به سوی دینداری خواهد کرد.
- او را تشویق کنید که در میان خواسته‌های خود چارچوب‌ها، حقوق و احترام دیگران را رعایت کند، اما از انتقادات مکرر خودداری کنید.
- حتی دشوارترین نوجوانان هم با زبان نرم و منطق شما می‌توانند تبدیل به افرادی متعادل شوند.
- برخورد‌های شما باید متناسب با توانایی‌ها و روحیات در حال رشد مخاطب‌تان باشد.

۸. آسیب‌شناسی ارتباط

ارتباط تربیتی از سوی امام جماعت و مربیان مسجد به منظور زمینه‌سازی برای انتقال پیام دین، معنا می‌یابد. این ارتباط، می‌تواند هم در آغاز و هم در تداوم، دستخوش آسیب‌هایی شود که آشنایی با آنها، مقدمه‌ای برای پیشگیری و ارتقای سطح ارتباط سازنده و هدفمند است. در این نوشتار به برخی از آسیب‌های ارتباط توجه بیشتری می‌کنیم.

۹. ارتباط یک‌سویه

واژه ارتباط به رابطه‌ای دو طرفه اشاره دارد. زمانی، رابطه سودمند و تأثیرگذار می‌شود که در آن تعامل وجود داشته باشد. چنانچه مربی، برای مدت زیاد به صورت یک طرفه ارتباطش را ادامه دهد، نتیجه‌ای از آن نصیبش نمی‌شود. لازم است مربی با کاستن از سطح ارتباط از طرف خود، فرد را به فعال‌سازی دامنه ارتباط با خود ترغیب نماید و زمینه آن را نیز فراهم سازد. چنانچه شما پیوسته ارتباطی یک طرفه را دنبال کنید و فرد مقابل تمایلی به این رابطه نداشته باشد، چنین ارتباطی بی‌هدف و بی‌فایده خواهد بود و به شخصیت تربیتی شما آسیب می‌زند.

۱۰. افراط و تفریط در ارتباط

زیاده‌روی و کم‌کاری، هر دو آسیب ارتباط سازنده هستند. زمانی که مربی مسجد، دامنه

ارتباط با مخاطب را به جزئی‌ترین مسائل زندگی او بکشاند و در چنین ارتباطی غرق شود، دیگر نمی‌تواند نقش تبلیغی خود را به خوبی ایفا کند. تصور کنید فردی در باتلاق گیر افتاده و شما از راه رسیده‌اید و قصد کمک به او را دارید. آیا درست است که در کنار او قرار بگیرید و نزدیک شدن خود را به این حد برسانید، یا لازم است که از فرد گرفتار و نیازمند کمک، کمی فاصله بگیرید و در زمان و با تدارک شرایط لازم، او را یاری رسانید. زمانی که مربی دینی ارتباطی بی‌حد را دامن بزند، طبیعی است که از هنر تأثیرگذاری خود دور می‌شود. در مقابل نیز، تفریط در این زمینه ناپسند است؛ مانند فردی که همیشه منتظر اقدام اولیه از سوی مخاطبان برای ارتباط می‌ماند و خود گامی بر نمی‌دارد.

۱۱. شوخی‌های نامناسب

شوخی در سخن، مانند نمک در غذاست. این جمله حکیمانه را به یاد داشته باشید. زمانی که شوخی از استاندارد خود بگذرد، به رابطه مفید و هدفمند شما آسیب می‌زند. خصوصاً اگر شوخی بدون حد و مرز صحیحی اتفاق بیفتد. مربی مذهبی که هر نوع طنز و لطیفه را صرفاً با هدف خنداندن یا به بهانه جذب مخاطبان به کار می‌گیرد، دیگر نمی‌تواند یک الگوی اخلاقی متفاوت و سازنده باشد. تنزیل شخصیت در این حد، نه تنها کمکی به سودمندی ارتباط نمی‌کند، بلکه شما را در نگاه مخاطبان به فردی ساده و فاقد مهارت‌های کافی تبدیل می‌کند. در این باره، مراقبت بیشتر درباره شوخی‌ها و جوک‌های جنسی است که به هیچ وجه نباید از زبان مبلغ گفته شود. همچنین شوخی‌هایی که توهین به قومیت‌هاست و بنا بر فتاوی‌ای مراجع محترم، حرمت دارد. شوخی درباره مقدسات و با کلیدواژه‌هایی چون خدا، پیامبران، مناسک دینی و مانند آن نیز، مراقبت ویژه‌ای را می‌طلبد.

۱۲. تماس‌های تلفنی، پیامکی و اینترنتی

برخی به بهانه ارتباط هر چه بیشتر با مخاطبان، از روش‌های نوین ارتباط بهره می‌گیرند. اصل مسئله خوب و مفید است ولی مشکل در شکل اجرای آن است. چنانچه مربی یک مسجد تمام وقت و فوری پاسخگوی پیامک‌های ارسالی باشد یا وقت زیادی را پای رایانه به بهانه مشارکت در اتاق‌های گفتگوی مجازی سپری کند و یا مشغول تبادل فایل‌ها، کلیپ‌ها و نیز نامه‌های الکترونیکی باشد، دیگر فرصتی برای اندیشیدن و استفاده بهینه از زمان نخواهد داشت. تبلیغ سنتی و چهره به چهره، اقتضائات خود را دارد و کار اصلی تربیت در

ارتباط حضوری و هدفمند تعریف می‌شود نه ارتباطات مجازی. برای ارتباطات غیر حضوری خود، زمان مشخصی را اعلام کنید تا مخاطبان توان هماهنگی با شما را پیدا کنند و خود شما نیز قادر به پاسخگویی باشید.

۱۳. لحاظ نکردن جنسیت در ارتباط

مراعات حریم‌های فقهی در ارتباط بسیار مهم است. شما به عنوان یک نماینده از دین، چهره‌ای معنوی به شمار می‌آیید و انتظار مخاطبان این است که در تمام جنبه‌ها، آموزه‌های دین را پیاده کنید. از طرف دیگر، به دلیل زیبایی پیام‌هایی که منتقل می‌کنید، محبوبیت خاصی نصیب شما می‌شود و این محبوبیت می‌تواند در ارتباط با جنس مخالف، گاهی آسیب زننده باشد. یادمان باشد که انتقال عاطفی به صورت ناخواسته و خودکار در این مسیر جریان می‌یابد؛ از این رو، لازم است مربی ترجیحاً همجنس مخاطبان باشد. چنانچه این زمینه وجود نداشته باشد، از همسر تان بخواهید در جلسات شما شرکت کند. تلاش کنید جلسات به شکل گروهی برگزار شود و از دادن مشاوره حضوری به جنس مخالف بپرهیزید و اجازه تماس با همراه تان را به او ندهید. هر نوع شوخی فردی در جلساتی که با مخاطبان غیر همجنس دارید، می‌تواند در دسر ساز شود.

۱۴. مهار نکردن احساسات

یادمان باشد که قرار است با ابزار ارتباط، مخاطبان را به سوی دین و پیام‌های آن جذب کنیم نه به سمت خودمان. پس لازم است احساسات خود را مهار کرده و از هزینه کردن بیهوده و نامناسب آن پرهیز کنیم. گاهی به دلیل مهار نشدن چنین سرمایه‌ای، ارتباط به نزدیک‌ترین حد ممکن توسعه می‌یابد و کار به جایی می‌رسد که مربی احساس دل‌تنگی و وابستگی به مخاطب را در خود مشاهده می‌کند که بروز چنین حالتی، نشان از مهار نشدن احساسات در طول ارتباط است. شما دوستی محدودی را برای ایفای بهتر نقش تبلیغی ایجاد کرده‌اید و بس، ممکن است این وابستگی در طرف مقابل شما هم پدید آید که پدیده خوشایندی نیست؛ به ویژه زمانی که مخاطبان شما نوجوان و جوان باشند، احتمال بروز این آسیب، قوت بیشتری می‌یابد. استانداردار ارتباط این است که مخاطبان، به کمک شما به منبع عاطفی اصلی یعنی خداوند و معصومین علیهم‌السلام وصل شوند.

منابع

کتاب:

۱. احمدی، سید احمد، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، تهران، نشر نخستین، چ ۸، ۱۳۷۸.
۲. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ ۲، ۱۳۸۰.
۳. بی‌ریا و همکاران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۲، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۴. پورشه، سوزانه، چگونه ارزشها را به فرزندانمان منتقل کنیم، ترجمه سپیده خلیلی، تهران، نشرینجره، چ ۱، ۱۳۸۶.
۵. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۸۰.
۶. فونتیل، دن، کلیدهای رفتار با نوجوانان، ترجمه مسعود حاجی‌زاده-اکرم قسطاسی، تهران، صابرین، چ ۱۱، ۱۳۸۵.
۷. یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، مترجم: دکتر مسعود حاجی‌زاده، تهران، کتاب‌های دانه از مؤسسه انتشارات صابرین، چ ۳، ۱۳۸۱.

مقالات:

۸. اخوی، ابراهیم، تک‌نگاره‌های کودک‌خداشناس، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، ۱۳۹۰.
۹. حمید، نجمه، گلستانی پور، مرتضی؛ کریم نژاد، فرزاد؛ «رابطه ساده و چندگانه هویت دینی، سلامت روان و خوش‌بینی»، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی و دین: بهار ۱۳۹۲، شماره ۲۱، ص ۷۹-۹۳.
۱۰. خیری، حسن، «مقایسه فضای تبلیغی تلویزیون و مسجد»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، آبان ۱۳۸۷، شماره ۱۳۱، ص ۳۹-۵۴.
۱۱. رئوفی، محمود؛ دو فصلنامه دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره اول و دوم (پیاپی ۳۷-۳۸)، بهار-تابستان، پاییز-زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۱-۱۱۲.
۱۲. سفیری، خدیجه؛ زهرانعمت الهی؛ «رابطه ابزارهای جهانی شدن و هویت دینی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۳۹-۷۰.



نقش خانواده و امام جماعت، در تشویق کودک و نوجوان به نماز جماعت و حضور در مسجد

عسکری اسلام پور کریمی^۱

چکیده

این نوشتار، با روش توصیفی (Descriptive) و کتابخانه‌ای، به تبیین جایگاه و نقش خانواده در تربیت و آموزش مسائل دینی کودکان و نوجوانان و روش‌های جذب آنان به مسجد و نماز جماعت می‌پردازد.

مقاله حاضر در سه فصل به شرح ذیل تدوین گردید: در فصل اول به تعریف مهم‌ترین مفاهیم مورد کاربرد در این تحقیق پرداخته شد، که عبارت‌اند از: مفهوم خانواده، امام جماعت، مسجد، نماز، نماز جماعت.

در فصل دوم به نقش خانواده در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد پرداخته شد؛ در این راستا ابتدا وظیفه خانواده در تربیت فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. سپس، سن شروع پرورش و آموزش کودکان و نوجوانان و اصول و روش‌های آموزش احکام و مسائل دینی به آنان تبیین گردید، در پایان این فصل، مهم‌ترین روش‌های جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد توسط خانواده مورد بررسی قرار گرفت.

در فصل آخر (سوم) نقش امام جماعت در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد مورد بحث قرار گرفت و به نقش ممتاز و ویژه امام جماعت به عنوان مدیر طبیعی مسجد در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و نماز جماعت، به طور مشروح پرداخته شد.

واژگان کلیدی: نماز، مسجد، نماز جماعت، خانواده، امام جماعت، اصول آموزش، روش‌های جذب کودک و نوجوان.

مقدمه

دوران کودکی و نوجوانی، سرشار از عطوفت و نشاط و لبریز از شادی هاست، در این دوره، والدین شاهد احساسات پاک و بی‌آلایش کودکان هستند. کودکان امانت‌های الهی در نزد ما بزرگسالان به حساب می‌آیند و غنچه‌های باطراوت بوستان زندگی هستند.

ظرافت، شکنندگی و انعطاف‌پذیری شخصیت کودک و نوجوان، پیچیدگی و حساسیت تربیت آنان را آشکار می‌کند. در تربیت کودکان اولاً باید روانشناسی خاص آنان را شناخت، ثانیاً با احتیاط و ظرافت هر چه تمام‌تر در جهت رشد و شکوفایی شخصیت آنان قدم برداشت. یکی از ابعاد بسیار مهم تربیت کودکان، تربیت مذهبی آنان است. تقویت نیروی ایمان و باورهای مذهبی کودکان تأثیر به‌سزایی در جلوگیری از خطاها و لغزشهای آنان دارد. این سخن حقیقتی انکارناپذیر است و در میان خانواده‌ها از دیرباز امری مسلم و پذیرفته شده می‌باشد. تاریخ و تجربه نشان داده است افرادی که از اعتقادات عمیق مذهبی برخوردار بوده‌اند و به اصول و ارزش‌های آن پایبندی خود را نشان داده‌اند، معمولاً افرادی صالح و به دور از خطاها و مفسدات اجتماعی و انحرافات اخلاقی هستند. آنان که به آیات قرآن، ایمان عمیق دارند و خود را در حضور خداوند عالمیان حس می‌کنند و به پیام‌های آسمانی آن گوش دل می‌سپارند کمتر در معرض آلودگی‌ها و اشتباهات هستند.

اگر تربیت مذهبی با رعایت اصول، روش‌ها و اندیشه‌ای درست استوار گردد، موجب رشد و پیشرفت می‌شود و فرد را از سقوط می‌رهاند، برای زحمات کودک پاداشی از درون تهیه می‌شود، آلودگی‌ها در او روی به کاهش می‌گذارد، اضطراب و وسوسه‌ها که مخصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی عارض فرد می‌شود، از میان می‌رود و آرامش نسبی برای او حاصل می‌آید.

یکی از بهترین راه‌های تقویت ایمان مذهبی، ایجاد جوّی مذهبی و فضائی جذاب در محیط زندگی کودک و نوجوان است و مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه برای جذب کودکان و نوجوانان نقش به‌سزایی در تقویت ایمان و روح معنوی آنان ایفا می‌کند، البته به این شرط که محیط مسجد نیز برای کودک جذاب و بانشاط باشد. بر این اساس، ترغیب کودکان و نوجوانان به حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت، یکی از اهداف تربیتی اسلام است؛ زیرا شرکت مداوم در جمع مسلمانان، علاوه بر آنچه بیان شد، سبب تعالی روح انسان و استحکام عقیده و فکر می‌گردد. حال سخن این است که: نقش خانواده و امام جماعت مسجد در جذب تشویق کودکان و نوجوانان به مسجد و نماز جماعت چیست؟ به طور کلی زمان آموزش نماز در چه سنّی است؟ چه اصول و روش‌هایی را در آموزش مسائل دینی به کودک و نوجوان باید رعایت کرد تا به نتیجه مطلوب دست یافت؟ خانواده به عنوان اولین نهاد متصدّی تربیت کودک و امام جماعت به عنوان مدیر فرهنگی مسجد با چه شیوه‌هایی می‌توانند کودکان و نوجوانان را با مسجد و نماز جماعت مأنوس کنند. در این نوشتار نسبتاً مفصّل برآنیم تا با مطالعه در آموزه‌های دینی و نظرات کارشناسان خبره، پاسخی درخور توجه و قانع‌کننده‌ای برای سوالات یاد شده بیابیم.

الف) تعریف مفاهیم

۱. خانواده

خانواده،^۱ یک واحد زیستی (بیولوژیکی) است که تشکیل آن مبتنی بر پیوند زناشویی است و براساس آن افراد دارای رابطه سببی یا نسبی بوده و با یکدیگر خویشاوند هستند. محققان علوم اجتماعی، خانواده را به «گروهی از افراد که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب می‌شوند،» تعریف کرده بودند. گروهی دیگر از جامعه‌شناسان، برای تعمیم خانواده، به گونه‌ای که افزون بر روابط هم‌خونی، مواردی همچون فرزندپذیری و پذیرش‌های اجتماعی و قراردادی را نیز دربرگیرد، خانواده را این‌گونه تعریف کردند: «گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش، با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند.» (ساروخانی، ۱۳۷۹، ۱۳۵)

۲. امام جماعت

واژه «امام» در لغت به معنای پیشوا است. امام، کسی است که از او پیروی می‌کنند و به وی اقتدا می‌شود، خواه انسان باشد یا کتاب یا غیر آن، حق باشد یا باطل. (قریشی ۱۴۱۲ق، ذیل واژه «امام»)

جماعت به معنای گروهی است که گرد هم آمده‌اند. امام جماعت در اصطلاح، فردی است که در بین گروهی که می‌خواهند نماز اقامه کنند، جلوتر از همه بایستد و دیگران به او اقتدا کنند. برای امام جماعت شرایطی وجود که در منابع فقهی مطرح شده است.

1 -Family.

عنوان «امام جماعت مسجد» در میان جامعهٔ مسلمانان از گذشته‌های دور تا کنون بسیار مورد استفاده قرار گرفته و به کارگیری این واژه در ادبیات ما مرسوم و معمول است. اگر چه استفاده از این واژه از نظر حقوقی و عرفی عاری از اشکال اساسی و مبنایی است؛ ولی با توجه به مفهوم محدودی که از این ترکیب به ذهن متبادر می‌شود، وظایف و مسئولیت‌اندکی برای آن متصور می‌شود. امام از نظر لغوی به معنای پیشوا، پیش‌نماز، خلیفه، فرماندهٔ سپاه، راهنمای مسافران است. مفهوم «امام مسجد»، بالاتر از امام جماعت است، وقتی می‌گوییم امام، هم نماز جماعت را شامل می‌شود و هم نماز جمعه را؛ چون در مسجد هم نماز جماعت خوانده می‌شود و هم نماز جمعه. به هر حال، منظور از امام جماعت، شخصی با تحصیلات عالی دینی است که آشنایی کافی و وافعی در حوزه‌های فقهی و احکام و مسائل شریعت اسلامی دارد. وی شرایط و الزامات ذکر شده در منابع دینی را برای امامت مسجد (در عصر غیبت امام زمان علیه السلام) و در حاکمیت ولی امر حاضر مسلمین) داراست.

۳. مسجد

واژه «مَسْجِد» اسم مکان است که از «سَجَدَ» اشتقاق یافته، به معنای سجده‌گاه و محل عبادت بوده و با کلماتی چون «سَجْدَه» و «سُجُود» هم‌خانواده است. واژه مسجد، در مجموع ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده است.

در تعریف لغوی مسجد در معاجم و فرهنگ‌های لغت تعابیر گوناگون وجود دارد که در واقع، تمامی آنها به یک معنا بازگشت می‌کند. زجاج در تعریف مسجد می‌گوید: «المَسْجِدُ والمَسْجِدُ، الذی یُسْجَدُ فیهِ، وَکُلُّ مَوْضِعٍ یَتَعَبَّدُ فیهِ فَهُوَ مَسْجِدٌ» مسجد یا مسجد، جایی است که در آن سجده می‌شود و هر جایگاهی که در آن عبادت شود، آنجا مسجد است. (الزبیدی، ج ۲، ۳۷۱) و ابن اعرابی گفته است: «المَسْجِدُ یَفْتَحُ الجِیمَ، مَحْرَابُ البیوتِ وَمَصَلَّى الجَمَاعَاتِ» (همان) همچنین در مفردات راغب اصفهانی آمده است: «المَسْجِدُ مَوْضِعُ الصَّلَاةِ اِعْتِبَارًا بِالسُّجُودِ» (راغب اصفهانی، ۲۷۱)

در لغت‌نامه‌های فارسی نیز «مسجد» به معنای سر به زمین نهادن، جای عبادت مسلمانان، خانهٔ خدا و محل سجود آمده است. (دهخدا ۱۳۳۲ ش، ج ۴۳، ۳۸۴) همچنین مسجد، به معنای محل و موضعی که در آنها سجده کنند و هر محلی که آن عبادت کنند نیز آمده است و از طرفی مسجد، اسم است برای محل عبادت، خواه در آن سجده بکند و خواه اینکه سجده نکنند. (همان)

جای خواندن نماز، نمازگاه (عبادتخانه، خانه‌ای که برای گزاردن نماز می‌سازند، نیز از دیگر استعمالات لغت مسجد است. (همان)
 در اصطلاح شرعی، مسجد به مکان معین و موقوف برای نماز اطلاق شده است. (نجفی ۱۳۹۲ ق، ج ۱۴، ۶۱)

۴. نماز

واژه فارسی «نماز» از واژه پهلوی «نِماک» گرفته شده و آن هم به نوبه خود از ریشه باستانی «نِم» به معنای «خم شدن و تعظیم کردن» مأخوذ است که به تدریج بر معنی «صلاة» یعنی عبادت ویژه مسلمانان منطبق شده است. (خزائلی ۱۳۵۸ ش، ۳۳۸)
 بر اساس برخی اسناد تاریخی، گروهی از ایرانیان تازه مسلمان در سال‌های حکومت اعراب بر ایران، به جای واژه «صلوة» از کلمه «نِماک» استفاده می‌کرده‌اند و هنگام فراخواندن مردم به سوی نماز به جای «الصلوة» واژه «النِماک» و به جای «حَى عَلَى الصَّلَاة» عبارت «بشتابید به سوی نِماک» را به کار می‌برده‌اند. (راشدی ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ۶۵)
با توجه به موارد کاربرد واژه نماز می‌توان برای آن سه معنای کلی در نظر گرفت:

۱-۴. خدمت و خدمتکاری، اطاعت و فرمانبرداری، سرفروود آوری و تعظیم، سر به زمین نهادن، کرنش و تکریم، اظهار طاعت و بندگی. (همان)
 واژه‌های نماز بردن، در نماز آمدن، به نماز آمدن، در نماز آوردن، به معنای پرستش کردن، عاجزی نمودن، خم شدن، به علامت تعظیم و بندگی و به خاک افتادن به قصد تعظیم در برابر پادشاهی یا بزرگی دیگر به کار رفته است.

۲-۴. کلمه نماز به معنای پرستش و ادای طاعت ایزد متعال و عرض نیاز به سوی خدای عالمیان است؛ به طریقی که در شریعت پیامبران وارد شده است که در این معنا معاد کلمه «صلوة» است. (همان، ۶۷)

۳-۴. چون شرط نماز طهارت است و کلمه نماز مفهوم طهارت و پاکیزگی را تداعی می‌کند، کلمه «نمازی» منسوب به نماز و به معنای دوستدار نماز است؛ هم چنین به معنای پاک و طاهر نیز به کار رفته است. در تعبیر دیگر، نمازی کردن به معنا پاک کردن، شستن، آب کشیدن و غسل دادن است و «نماز کن» به معنای شست و شو کننده به کار می‌رفته است. (همان، ۷۱)

فرهنگ عمید نماز را چنین معنا کرده است: «پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرایض دین، عبادت مخصوص و واجب مسلمانان که پنج بار در شبانه روز به جا می آورند.» (عمید ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ۱۹۱۹)

صلوة، از لفظ عربی «صلوها» مشتق شده است و در منابع سریانی الفاضلی مشابه و معادل با اقامه صلوة به چشم می خورد. (راشدی ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ۷۳)

برخی از متأخران ریشه آن را «آرامی» پنداشته اند و با پژوهش هایی که به تازگی عمل آمده است، این احتمال قوت گرفته که اصل «صلوة» سریانی است و سپس با جاری شدن آن در زبان جنوب عربستان شاعران آن را در اشعار خود به کار برده اند و بعد از آن اعراب شمالی، لفظ «صلوة» را از آنها گرفته اند.

نماز فعالیتی عبادی و مشروط به طهارت است که مشتمل بر نیت، قیام، قرائت، رکوع و سجود و تشهد و سلام است و در صورت حضور قلب فضایل اخلاقی را در پی دارد و با تأکید بر درون انسان خود حقیقی او را به سوی کمال مطلوب سوق می دهد و بیانگر جهان بینی اسلامی است.

۵. نماز جماعت

در دین اسلام، نمازی که به صورت گروهی خوانده شود و در آن به امام اقتدا شود، «نماز جماعت» نامیده می شود.

در نماز جماعت، شخصی که امام جماعت است جلوتر از همه و رو به قبله می ایستد و سایر نماز گزاران به وی اقتدا می کنند. نمازهایی که می توان به صورت جماعت خواند، شامل نمازهای یومیّه (نماز صبح، نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب و نماز عشا) و نماز میّت، نماز جمعه، نماز عید فطر و نماز عید قربان می باشند. به شخصی که در نماز جمعه به عنوان امام جماعت می ایستد، «امام جمعه» گفته می شود. (دهخدا ۱۳۳۲ ش، ۷۷۲)

ب) نقش خانواده در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

۱. وظیفه خانواده در تربیت فرزندان

نقش خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، مسئله‌ای غیر قابل تردید است. تأثیر خانواده در فرزندان از نظر فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی بسیار مهم و با ارزش است؛ زیرا آنان، مبانی زندگی را در آنجا فرامی‌گیرند و خوب و بد را از آنجا می‌آموزند. از این رو، بیشتر «بایدها» و «نبایدها» «خوبی‌ها» و «زشتی‌ها» و روحیات کودک در خانواده پایه‌گذاری می‌شود.

خانواده، اولین کلاس درس و نخستین بستر شکفتن است و کودک دروس اولیه زندگی را از پدر و مادر و اطرافیانش فرامی‌گیرد. از این رو، اگر زبان والدین عربی باشد، کودک به زبان عربی آشنا می‌شود، و اگر فارسی باشد، به زبان فارسی و اگر ترک باشد به زبان ترکی ... اگر خانواده اهل ساز و دهل و ترانه و تصنیف باشند، کودک از همان خردسالی به طور نهادی آنها را می‌آموزد. اگر والدین اهل مسجد و نماز و دعا و عبادت باشند باز روی قانون تبعیت کوچکتر از بزرگتر، مهر را از مقابل والدین برداشته و به تقلید از آنها خم و راست می‌شود و می‌بوسد.

خلاصه، چشمان درخشان کودکان شب و روز حرکات اهل خانه (پدر و مادر) و اعمال آنها را می‌نگرند و گوش‌های حساس آنان، مانند یک دستگاه گیرنده قوی و مجهز، مواظب حرکات و سکنتات آنهاست. «ویژگی‌های رفتاری والدین، طرز فکرها، آداب و رسوم، تقلیدها، تعصبات، سطح اندیشه و فرهنگ آنها، امکانات مادی و معنوی آنان و همچنین کسانی که آدمی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تحت تأثیر آنهاست در کودک اثر می‌گذارند. (جهانگرد ۱۳۷۲ش، ۱۴) خانواده به ویژه والدین، تأثیرات پایداری بر روی شخصیت کودک

و نوجوان دارند و این به‌ویژه از دو جهت مهم می‌باشد؛ یکی اینکه اولین کسانی که کودک با آنها روبه‌رو می‌شود والدین هستند و دیگر اینکه والدین به نحوی تا آخر عمر با فرزندان می‌باشند و هر دو، تأثیر و تأثر متقابل بر روی هم دارند. مرحوم فلسفی می‌نویسد: «اول معلمی که درس زندگی به کودک می‌آموزد و در دل پاک او نقش‌های خوب و بد ترسیم می‌کند، پدر و مادر است.» (فلسفی ۱۳۴۴ ش، ج ۱، ۲۶۹)

آموزه‌های دینی، بزرگ‌ترین مسؤلیت والدین را تربیت صحیح فرزندان می‌داند. بر این اساس، در نظام تربیتی اسلام، تربیت خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ خداوند تعالی در آیه ۱۳۲ طاهرا درباره مسؤلیت والدین در تربیت عبادی اهل خانواده به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود در آن کار پایداری کن.» (طه/۱۳۲)

همچنین قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند، نگه دارید.» (تحریم/۶) در حدیثی امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که این آیه شریفه نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله! چگونه ما خودمان و اهل و عیالمان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ حضرت فرمود: خودتان کارهای خیر انجام بدهید؛ خانواده خود را به کارهای نیک تذکر بدهید؛ آنها را بر اطاعت و عبادت خداوند تأدیب و تربیت نمایید. سپس امام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِنَبِيِّهِ ﷺ وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش!» (طه/۱۳۲) وَقَالَ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (مریم/۵۴) و در این کتاب (آسمانی) از اسماعیل (نیز) یاد کن، که او در وعده‌هایش صادق، و رسول و پیامبری (بزرگ) بود؛ و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.» (نوری، ج ۱۲، ۲۰۱، باب ۸، ح ۵)

ابوسعید خدری می‌گوید: وقتی آیه ۱۳۲ سوره مبارکه «طه» نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ تا نه ماه، وقت نماز به درب خانه حضرت فاطمه (ع) و امام علی (ع) می‌آمد و دستگیره در خانه را می‌گرفت و پس از سلام بر اهل خانه، به دستور آیه عمل می‌نمود و می‌فرمود: «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ؛ بشتابید به سوی نماز، بشتابید به سوی نماز، خداوند رحمتش را شامل حالتان کند.» (مجلسی ۱۴۰۴ ق، ج ۱۶، ۲۰۳) و سپس آیه تطهیر را تلاوت می‌فرمود. قندوزی

حنفی پس از ذکر این حدیث می گوید: «این حدیث از ۳۰۰ نفر از صحابه و باران پیامبر ﷺ روایت شده است.» (قندوزی حنفی، ۱۷۴)

با توجه به این که نگاه داشت خود و خانواده از آتش دوزخ، جز از راه عمل به دستورهای خداوند متعال حاصل نمی شود و از سوی دیگر، عمل به دستورهای خداوند نیز متوقف بر تربیت دینی صحیح است، این آیه شریفه دلالت بر این دارد که خداوند متعال، والدین را مسئول تربیت دینی فرزندان می داند. روایاتی که در ذیل این آیه آمده نیز همگی بیانگر این موضوع است. به عنوان مثال، در روایتی آمده است: زمانی که این آیه نازل شد، یکی از مسلمانان نشست و مشغول به گریه شد و گفت: من از دست خودم عاجز بودم، اکنون مسئول خانواده خود نیز شدم. در این هنگام پیامبر ﷺ به ایشان فرمودند: همین که آنان را به آنچه خود را امر می کنی، امر کنی و از آنچه خود را از آن نهی می کنی، نهی کنی [برای انجام مسئولیت] کفایت می کند. (کلینی ۱۴۰۵، ج ۵، ۶۲، ح ۱)

با تأمل در آموزه های دینی، ضرورت تربیت فرزندان در محیط خانواده به خوبی روشن می شود، به نحوی که سعادت و خوشبختی جامعه بسته به آن است و اگر کودک و نوجوان درست تربیت شود، به تدریج زمینه رشد و تکامل مادی و معنوی جامعه فراهم می گردد. اسلام به مسئله تربیت و آموزش فرزندان تا آن حد اهمیت داده که آن را حق مسلم فرزندان بر پدر دانسته است. امام سجاد علیه السلام نیز در «رساله حقوق» بدین وظیفه خطیر چنین اشاره می فرماید: «عمل کن درباره فرزند خویش، چون عمل کسی که می داند اگر به فرزند خود احسان کند پاداش داده می شود و اگر بدرفتاری کرد مؤاخذه و عقاب می گردد.» (نوری ۱۴۰۸، ج ۱۵، ۱۶۸)

در جای دیگر، امام با تفصیل بیشتری می فرماید: «اما حق فرزند تو این است که بدانی او پاره ای از وجود توست و در نیکی و بدی خود در این دنیا به تو وابستگی دارد و تو در تربیت و ادب آموزی و خدانشناسی او مسئولیت داری و باید او را در اطاعت فرمان خدا، در آنچه مربوط به تو و اوست، کمک رسانی. در احسان به او پاداش می گیری و در بدی به او کیفر می بینی. عمل تو درباره او مانند کسی است که یقین دارد به کارهای نیکوی او در دنیا آرایش می یابد و به واسطه حسن قیام به وظایف و مسئولیت ها در پیشگاه خداوند معذور است.» (مجلسی ۱۴۰۴، ج ۱۵، ۷۴)

امام سجاد علیه السلام در این حدیث شریف به مسئولیت پدران در تربیت فرزندان تصریح فرموده است. امام علیه السلام پرورش های اخلاقی و ایمانی فرزندان را از وظایف مسلم مذهبی آنان (پدران)

دانسته و خاطر نشان نموده است که تربیت‌های پسندیده پدران، مانند ادای یک فریضهٔ مذهبی موجب اجر و پاداش در پیشگاه خداوند است و پرورش‌های ناپسند مانند ترک واجب یا ارتکاب گناه، پدران را مستحق عقاب و کیفر الهی خواهد کرد.

در آموزه‌های دینی «عاق والدین» و «عاق فرزندان» هر دو مطرح است که بر اساس آن، همچنان که فرزندان در اثر ترک حقوق والدین به آثار وخیمه عقوق والدین مبتلا می‌شوند، والدین نیز در صورت ترک حقوق فرزندان به آثار وخیمهٔ آن مبتلا می‌شوند. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن سفارش‌هایی به امام علی علیه السلام فرمود: «ای علی علیه السلام! خدا لعنت کند پدر و مادری را که فرزندان خویش را بد تربیت کنند و موجبات عاق خود را فراهم نمایند. ای علی علیه السلام! همان گونه که فرزند عاق والدین می‌شود، والدین نیز عاق فرزند خواهند شد.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ۱۲۳)

۲. سن شروع پرورش و آموزش کودکان و نوجوانان

از نظر اسلام، تربیت و آموزش از گهواره آغاز می‌شود و در خانواده شکل می‌گیرد. مقدمات و پایه‌گذاری آن از مرحلهٔ تشکیل جنین و حتی قبل از آن است. ولی آنچه که صورت رسمی دارد از لحظه تولد است و با ذکر اذان و اقامه در دو گوش کودک شروع می‌شود.

بعدها و به تدریج در مراحل مختلف زندگی، والدین وظایفی در قبال کودک دارند که به عنوان مربی باید به ادای آن بپردازند. بدون شک تا حدود هفت سالگی، اعمال قدرت و فشار مطرح نیست؛ حتی رفتار مذهبی کودک صورت بازی و سرگرمی دارد. سعی و تلاش والدین باید بر این باشد که تکالیف مذهبی بر کودک سنگین نیاید و او را خسته نکند. در طول مدت تربیت در هفت سال اول، کوشش بر این است که مصداق‌ها و مدل‌هایی عرضه و ارائه شوند که برای کودک درس آموز باشند و شیوهٔ تربیت به گونه‌ای باشد که نیازی به اصلاح و تجدید نظر در آن ضرورت پیدا نکند که بسیاری از لغزش‌های مذهبی افراد در این رابطه است.

از وقتی که دستگاه ادراکی طفل شروع به فعالیت می‌کند، و حس کنجکاوی بیدار می‌شود، پیوسته از منشأ و علل اشیاء سؤال می‌کند و روانش برای پذیرش خالق جهان به عنوان علت حقیقی همه پدیده‌ها آماده است. بنابراین، قبل از آن که عقل کودک به خوبی شکوفا شود و در راه تحصیل علم و درک حقایق عقلانی قدم بردارد، طفلی پاک نهاد و با ایمان و خوش اخلاق بار آمده باشد، چون بشر قبل از آن که در راه اثبات وجود خدا از نیروی عقلش کمک بگیرد، فطرتاً

به خداوند جهان متوجه است، (روم/۳۰) و برای ایجاد حس ایمان در کودک، استدلال‌های عقلی ضرورت ندارد و همان نیروی فطری برای پرورش ایمان کافی است.

«ایمان به خدا از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که باید در دل و جان کودک بذر آن را بارور کرد؛ این ایمان، در آینده به او امید به زندگی و اعتماد به خالق را خواهد بخشید و در او مانعی دینی پدید خواهد آمد که از ارتکاب گناهان بازش خواهد داشت.» (رفعت ۱۹۹۱م، ۲۴۹)

تعلیم و تربیت در این مرحله باید به دور از شتابزدگی و ضمن یک روش مداوم و متناسب با رشد عقلی و میزان پختگی زبانی او صورت گیرد. در منابع روایی حضرات معصومان علیهم‌السلام این پیوستگی و تداوم در آموزش را در سنین کودکی، به ویژه از سه چهار سالگی به بالا چنین معرفی فرموده‌اند:

عبدالله بن فضالی از امام باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «هرگاه کودک به سه سالگی رسید، هفت مرتبه کلمه توحید را بگوید. وقتی سه سال و هفت ماه و بیست روز وی تمام شد، هفت بار بگوید محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرستاده خداست؛ هنگامی که چهار سالش کامل شد، هفت بار درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل پیامبر بفرستد. زمانی که پنج سالش به پایان رسید، به او گفته شود که دست راست و چپش کدام است. پس از آن او را رو به قبله نشانده و به او گفته شود سجده کن. شش ساله که شد، شستن دست و صورت را به او بیاموزند، آن گاه امر به نماز کنند. هر زمان نه سالش تمام شد، وضو را به وی بیاموزند و اگر انجام نداد، تنبیه بدنی کنند و همچنین نماز را به او یاد دهند و اگر اطاعت نکرد، کتک بزنند. وقتی وضو و نماز را آموخت، خداوند پدر و مادرش را می‌بخشد.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، کتاب النکاح، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۲، ۱۹۳، ح ۳)

همچنین امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «ما کودکان خود را وقتی پنج ساله‌اند، به نماز امر می‌کنیم؛ ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید. ما کودکان خود را وقتی هفت ساله‌اند، به روزه و امی داریم؛ به اندازه‌ای که توان دارند، چه تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار می‌کنند تا اینکه به روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند؛ ولی شما کودکانتان را وقتی نه ساله شدند، به اندازه‌ای که توان دارند، به روزه و اذیت‌ها و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند.» (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ۱۸۲، ح ۸۶۱)

درستی چنین شیوه تربیتی را دانش روانشناسی جدید نیز به اثبات رسانده است: کودک در سن دو تا سه سالگی از جنبه کلامی قادر خواهد بود ادراک خود را درباره بسیاری

از اشیا و روابط [بین آنها] بیان کند و در پایان سه سالگی می‌تواند جملات را بر اساس قواعد زبانی رایج به کار گیرد و این آمادگی، امکان ساخت جملات ابتدایی و صحیح را برای وی فراهم می‌آورد. (منصور ۱۴۰۷، ج ۲، ۱۳۲)

عمق بخشی ایمان کودک به خدا، در تربیت وی ضروری است. کودک در این مرحله، از جهت‌های مختلف، که از جمله آنها ایمان به خداست، مقلد پدر و مادر است. دکتر بنیامین اسپاک، روانپزشک آمریکایی می‌گوید: «زمینه عشق و ایمان به خدا در کودک، همان زمینه عشق و ایمان والدین به خداست.»

سپس می‌افزاید: «میان سه تا شش سالگی، کودک تلاش می‌کند تا در همه چیز از والدینش تقلید کند، پس اگر آنان از خدا برای او سخن بگویند، ایمان کودک به خدا نیز دقیقاً به گونه‌ای خواهد بود که در ضمن کلماتشان به او آموخته‌اند.» (اسپاک ۱۹۸۰م، ۲۴۸) کودک در این مرحله پیوسته به روابط محبت‌آمیز و دوستانه گرایش دارد تا آن که محبوب واقع و یک سر و گردن از دیگران برتر و بالاتر محسوب شود.

«تأکید ورزیدن بر صفات خاصی، چون رحمت و دوستی و گذشت تا حد اعلای آن، و تا حد ممکن عدم یاد کردن صفاتی چون عقاب و انتقام الهی.» (همان، ۲۵۱)

در نتیجه، تصویری که کودک در اندیشه خود از خدای تعالی خواهد داشت، تصویری زیبا خواهد بود که دوستدار اوست، از این رو تعلق خاطرش به ذات مقدس الهی افزایش یافته و او را بخشنده دوستی و رحمت به خود خواهد پنداشت.

در دو روایت مزبور به نکات بسیار دقیقی اشاره شده است که رعایت آنها کفایت می‌کند: وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار عبارت «لا اله الا الله» را بگوید.

سپس، او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و ۲۰ روز برسد. در این هنگام، به او آموزش دهید که هفت بار بگوید: «محمد رسول الله»

سپس، تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید. در آن هنگام، از وی بخواهید که هفت مرتبه عبارت: «صلی الله علیه و آله» را تکرار نماید.

سپس تا پنج سالگی او را آزاد بگذارید. در این وقت، اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید.

در سن شش سالگی، رکوع، سجده و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید.

وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویند که دست و صورت خود را بشوید (در مورد وضو نیز بتدریج وضو گرفتن را بیاموزید) سپس، به او بگویند که نماز بخواند. آنگاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود... در این هنگام، وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز خواندن وادارید.

والدین باید با پیروی از سیره اهل بیت علیهم السلام دستورات الهی را به صورت گام به گام و با فاصله مناسب زمانی به کودکان تعلیم دهند تا آنها هم از یادگیری خسته نشوند و هم بتوانند آنچه را فرامی گیرند، تمرین کنند. نحوه آموزش معارف به کودکان نیز باید این گونه باشد که ابتدا خداشناسی، توحید و نبوت را آموزش دهند و سپس به سراغ احکام عملی بروند. همچنین از آموزش امور زندگی مانند شناخت دست راست و چپ نباید غفلت کرد. استفاده از تنبیه به عنوان یک روش در تربیت کودک نیز از روایت نخست فهمیده می شود.

به هر حال، باید کودکان را در خردسالی به فراگیری و اقامه نماز و گرفتن روزه تمرین داد تا به تدریج برای آنان عادت و ملکه شود، و هنگام سن تکلیف، به خوبی آماده باشند. حتی با توجه به اینکه کودکان از تنبیه بدنی منع شده اند، اما در مورد زمینه سازی و تحریک وادار کردن آنان به نماز، گاهی ائمه علیهم السلام امر به تنبیه فرموده اند. فقهای عظام نیز معتقدند در تمرین دادن کودک به نماز، در صورت لزوم، به مقداری که دیه واجب نشود، می توان او را تنبیه کرد. از روایات استفاده می شود که اگر کودکان در خواندن نماز سستی کنند، می توان آنان را با رعایت موازین شرعی، تنبیه (از زبانی تا عملی) کرد. البته در روایات، از نظر زمان و سن بازخواست اختلاف وجود دارد. از این رو، نمی توان دقیقاً مشخص کرد که در چه سنی می توان آنان را با تنبیه به نماز واداشت. در تعدادی از روایات زمان بازخواست و تنبیه از شش یا هفت سالگی آمده است. برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند؛ وقتی هفت ساله شدند، (در صورت لزوم) می توانید آنها را بزینید.» (نوری مازندرانی ۱۴۰۸ق، ج ۳، ۱۹)

۳. اصول آموزش احکام و مسائل دینی به کودکان و نوجوانان

آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش های آموزشی متناسب با آن است. بنابراین روش ها و شیوه های آموزش نماز در کودکان و نوجوانان بر اصولی استوار است، که به ذکر مهم ترین آنها می پردازیم:

۳-۱. اصل فطری بودن مسائل دینی

از جمله مهم‌ترین نکاتی که در خصوص آموزش دینی کودکان در روایات آمده است، مسئله فطری بودن توجه به دین و خداست. طبق نص صریح دین اسلام، میل به پرستش، نیایش، کمال طلبی، حقیقت‌جویی و... در کودک امری فطری و درونی است. این موضوع را شواهد تاریخی همچون: پرستش بت، خورشید و گاو و ساختن بهترین مکان‌ها برای معابد و آیات (روم/۳۰) و روایات تأیید می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر فرزندی بر فطرت توحید و خداپرستی متولد می‌شود، و این پدر و مادر او هستند که او را به دین یهودی یا مسیحی و یا زردشتی سوق می‌دهند. (و او را از راه فطرت دور می‌سازند)» (بخاری ۱۴۱۹ق، جزء ۲، باب الجنائز، ۱۱۸)

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: پرودگارا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم و اگر آنان را بمیرانم با رحمتم داخل بهشت می‌گردانم.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۱، ۷-۹)

در بررسی تاریخی، این موضوع ثابت شده که پرستش، جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. گاهی که میل و روح پرستش از سوی انبیا در مسیر صحیحی قرار گرفته، به خداپرستی ختم شده است و گاهی بر اثر جهل، انحراف و لجاجت، موجودات و اشیای گوناگون پرستش شده‌اند. شهید مطهری رحمته الله در این باره می‌فرماید: «یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان‌ها حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است؛ از نظر شکل، از رقص‌ها و حرکات دسته جمعی موزون همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته تا عالی‌ترین خضوع‌ها و خشوع‌ها.» (مطهری ۱۳۸۰، ۱۰۵)

۳-۲. اصل تدریجی بودن آموزش مسائل دینی

یکی از اصولی که رعایت آن آموزش لازم است، آموزش گام به گام مسائل دینی و عبادی به فرزندان است. تربیت کردن و تربیت‌پذیری، امری تدریجی است و بارعایت توانایی و قدرت افراد

ممکن می‌شود. هیچ انسانی جز بر اساس تواناییش و جز با حرکت تدریجی و درست، به کمال دلخواه نمی‌رسد. تربیت باید هماهنگ با طاقت، توان و گنجایش افراد و به صورت تدریجی صورت گیرد. منظور از پرورش تدریجی، هماهنگی روند تربیت با رشد تدریجی فرزندان است. انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد، بلکه در هر دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شود.

قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد. خداوند در آیه ۱۰۶ از سوره «اسراء» به این نکته اشاره می‌فرماید: «و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.»

برای اینکه فرزندان با نشاط در زمینه عبادت و مسائل دینی پرورش دهیم، لازم است تکالیف دینی را در نظر آنها آسان جلوه داده و یادگیری و انجام آن را در طول زمان و چند سال توزیع کنیم. چنان که در روایات آمده است: «وقتی کودک سه ساله شد، کلمه «لا اله الا الله» را یادش بدهید. سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آنگاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید. سپس تا سن چهار سالگی رهایش کنید و در سن چهار سالگی صلوات بر محمد را یادش بدهید.» (شیخ حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ۱۹۴-۱۹۳)

دانشمندان تعلیم و تربیت نیز با توجه به توانایی‌های ویژه دوران کودکی در آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج را مسئله مهمی دانسته‌اند که غفلت از آن نتیجه‌های جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.

به نظر «پستالوزی»، مربی بزرگ تعلیم و تربیت سوئیسی، با توجه به اصل تدریج در آموزش، سرعت و شتاب‌زدگی را زیان‌آور دانسته است و می‌گوید: «طبیعت، شایستگی‌های برتر آدمی را که همانند گوهری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوهری ناقص خواهید یافت.» (نقیب زاده ۱۳۷۵، ۱۴۷)

غزالی می‌گوید: «یکی دیگر از وظایف معلم این است که به قدر فهم فراگیر سخن گوید و یکباره در تربیت نخست، آنان را از امور آشکار به موارد دقیق، و از ظاهر و علنی به پنهان و خفی منتقل نکند.» (غزالی ۱۳۷۶، ۱۳۸)

بنابراین، باید آموزش احکام و مسائل دینی، متناسب با سطح درک و قوای ذهنی و روانی متعلمان باشد. والدین و بزرگسالان نباید انتظار داشته باشند، که کودکان به یکباره اهل عبادت و مسجد و نماز جماعت شوند. برنامه عادت دادن او به نماز و آموزش و انس با مسجد

و محراب، باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یکباره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند، و خود را به انجام دادن آن موظف بداند.

۳.۳. اصل تسهیل در آموزش مسائل دینی

در برنامه‌های جمعی و عبادات اجتماعی اسلام، روی موضوع خودداری از تندروی و سخت‌گیری و خسته کردن افراد عنایت خاصی مبذول گردیده و اولیای گرامی علیهم‌السلام توصیه‌های فراوانی نموده‌اند که مبادا از رعایت حال و حفظ نشاط افراد غفلت شود و در عبادات و مراسم اسلامی، به جای جاذبه و علاقه و سازندگی، تنفر و دافعه صورت گیرد. به همین دلیل، در احادیث متعددی، توصیه شده است که نمازهای جمعه و جماعات به گونه‌ای نباشد که به سبب طولانی شدن و سنگین بودن، حقوق ضعیفان و سالمندان و کودکان ضایع گردد.

معاذ بن جبل که در یکی از مساجد مدینه پیش نماز بود، روزی در نماز جماعت سوره بزرگی را تلاوت کرد و نماز را آن قدر طول داد که مردی در اثر خستگی و ناتوانی طاقت نیاورد و نتوانست نماز خود را با جماعت به پایان برساند؛ در میان نماز، قصد فرادا کرد، نماز خود را تمام نمود و به سراغ کار خود رفت. وقتی این خبر به اطلاع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید، آن حضرت بسیار ناراحت شدند و دستور دادند معاذ را حاضر کنند. آن گاه با ناراحتی به او فرمودند: «ای معاذ! این طور نباشد که مردم را از نماز جماعت فراری بدهی. بلکه در نماز جماعت سوره‌های کوتاه را بخوان.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۵، ۴۷)

تسهیل در آموزش مسائل دینی کودکان و نوجوانان، از اهمیت مضاعف و به‌سزایی برخوردار است. در دوران خردسالی، در نماز باید به گونه‌ای عمل کنیم که کودک احساس خستگی نکند. نباید نماز را برای او سنگین و کسل‌کننده بسازیم. به مصلحت اوست که نمازها را با ذکرهای طولانی و رکوع و سجده‌های خسته‌کننده، طولانی نکنیم. حتی سفارش شده است به خاطر چند کودک که با شما به نماز ایستاده‌اند، آن را سریع‌تر بخوانید، از برخی کارهای مستحبی صرف نظر کنید، هشیار باشید که او کودک است و حال و روحیه‌اش را ندارد، به ویژه که از حالات و رفتار شما سردر نمی‌آورد و معنای عبارات شما را نمی‌فهمد.» (قائمی ۱۳۷۵، ۳۵)

امام سجاد علیه‌السلام کودکانشان را دستور می‌داد تا نماز مغرب و عشا را با هم بخوانند و نماز ظهر و عصر را نیز با هم بخوانند و در مورد این که هر نمازی را در وقت فضیلت و مخصوص خودش بخوانند بر آنان سخت نمی‌گرفت؛ به آن حضرت عرض شد: آنها نماز را در غیر وقت

فضیلتش می خوانند. فرمود: این کار برای آنان بهتر است از این که بخوابند و نماز نخوانند. (کلینی ۱۴۰۵ق، ج ۲، ۴۰۹)

بعضی والدین و مربیان که اصرار دارند از روی جبر و اکراه و بدون توجه به حال و روحیه کودک او را نماز خوان بار آورند، آنان ناخودآگاه لامذهب‌های آینده و افرادی عقده‌ای می‌پروراند. چنین افرادی، در نخستین فرصتی که به قدرت و استقلالی دست یابند، دین و عبادت را ترک خواهند کرد. طبیعی است، مسئولیت چنین وضعی بر عهده کسانی است، که چنین زمینه‌ای را فراهم کرده‌اند. (قائمی ۱۳۷۵، ۳۶)

فرزند امام علیه السلام در مصاحبه‌ای نیز نقل کرده است: یادم می‌آید زمانی همسرم از روی عادت خانوادگی، صبح‌ها دخترم را از خواب شیرین بیدار می‌کرد که نماز بخواند، امام علیه السلام که در جریان قرار گرفتند، برایش پیغام فرستاد: «شیرینی اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن!» و چقدر این حرف به جا بود و تأثیر عمیقی بر روحیه دخترم گذاشت، به طوری که بعد از آن، خودش سفارش می‌کرد که برای نماز صبح حتماً بیدارش کنیم. (کریمی نیا ۱۳۸۶، ۲۰۴)

والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که، کاربرد خشونت و شدت عمل آخرین راه حلی است که باید مورد استفاده قرار گیرد؛ تجربه نشان می‌دهد فرزندان از پدران خشن که تنها با خشونت و تنبیه، آنها را وادار به انجام تکالیف دینی می‌کرده‌اند، در بزرگسالی از دین فاصله گرفته و علت جز کینه و نفرتی که نسبت به خشونت والدین در دل داشته‌اند نبوده است. (سادات ۱۳۷۸، ۱۲۷)

۳-۴. اصل اعتدال و میانه‌روی در آموزش مسائل دینی

اعتدال و میانه‌روی، همان گونه که از نامش پیداست، به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دو طرف افراط و تفریط است.

قرآن کریم، امت اسلام را امت میانه و وسط می‌نامد. (بقره/۱۴۳) براین اساس، در آیین اسلام، هیچ‌گونه افراط و تفریطی وجود ندارد و مسلمانان بر خلاف سایر فرقه‌ها، از مقرراتی پیروی می‌کنند که قانون‌گذار آن، به تمام نیازهای فطری بشر آگاه بوده و همه جهات زندگی جسمی و روحی او را در نظر گرفته است.

رعایت اعتدال در زندگی حضرات معصومان علیهم السلام به ویژه در زندگی پر برکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کلیه اعمال و رفتارشان به روشنی دیده می‌شود. امام علی علیه السلام درباره پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «سیره‌اش تعادل و میانه‌روی بود.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۶۷)

پرهیز از افراط و تفریط، قاعده‌آسای زندگی است. از طریق رعایت میانه‌روی به معنای واقعی کلمه می‌توان بهتر به هدف رسید. در تربیت دینی و آموزش نماز نیز از این اصل باید پیروی نمود. «درست است که توصیه‌ها و تشویق‌های پیشوایان دین، هر انسان محبّ پروردگار را به انجام دادن عبادات راغب می‌گرداند، اما توانایی‌ها و آمادگی‌های روحی او نیز شرط است. اگر او با تحمیل عبادت بر خود، لذت عبادت را از خویش سلب کند و خود را در آن امر به مشقت اندازد، نه عبادت او عبادتی سالم محسوب می‌شود، و نه خود او از عبادتش بهره‌مندی می‌برد.» (مظلومی ۱۳۶۶، ش، ۱۴۲)

ظرفیت انسان برای عبادت، یک ظرفیت محدود است. بنابراین، باید سعی شود عبادت با نشاط باشد. اگر نشاط از بین برود، عبادت تحمیلی می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «به راستی این دین، متین و استوار (حکیمانه و دور از افراط و تفریط) است، با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل نکنید و آن را در نظر آنان، ناپسند جلوه ندهید تا همچون سوار کار افراط جویی شوید که نه سفر را به پایان برده و نه مرکبی باقی گذاشته است.» (کلینی ۱۴۰۵، ج ۲، ۸۷)

در دستگاه الهی، کمیّت بر کیفیت، سیطره ندارد. امام صادق ﷺ فرمود: «من در طواف کعبه بودم که پدرم بر من گذشت. در آن موقع من جوان بودم و شور و تلاشی در عبادت داشتم. پدرم دید که عرق از سر و رویم می‌ریزد، به من فرمودند: فرزندم! (زیاد خود را خسته مساز) هر گاه خداوند بنده خود را دوست بدارد، او را وارد بهشت می‌کند، و با طاعت کم و ناچیز از او راضی و خشنود می‌شود.» (کلینی ۱۴۰۵، ج ۲، ۸۶)

متأسفانه عده‌ای از والدین، مبلغان و مربیان به دلیل ناآگاهی از مراحل رشد و تحوّل روانی کودکان و نوجوانان و همچنین بی‌اطلاعی از شیوه و روش‌های برخورد حضرات معصومان ﷺ در این باره، با اتکا به دانسته‌ها و تجربیات غیر علمی و نادرست خویش، اعمالی را مرتکب می‌شوند، که در برخی موارد بسیار مضرّ به حال کودکان و نوجوانان است

۳-۵. اصل تکرار و مداومت در آموزش مسائل دینی

یکی از اصول آموزش مسائل دینی به کودکان و نوجوانان، اصل «تکرار و مداومت» است. بدون تردید تربیت و آموزش با اقدامات قطعی و گسسته از هم و بدون تکرار تحقق پیدا نمی‌کند. خداوند آدمی را طوری آفریده است که باید اقدامات تربیتی به طور مرتب و مستمر و مکرّر بر او اعمال شود تا در مرتبی نهادینه گردد. علت تکرار انجام دستورات دینی در طول

روزها و ماه‌ها و سال‌ها نیز در این ویژگی آدمی نهفته است؛ از این رو خانواده‌ها برای آموزش مسائل دینی و تقویت روحیه نماز خوانی در فرزند باید برنامه داشته باشند و این برنامه به طور مداوم و مکرر اجرا شود. البته معنای مداومت، آن نیست که با تکرار ملال آور خواسته‌های خود، روح او را آزرده کنند و شیرینی عبادت و نماز را در کام وی تلخ نمایند. بسیاری از جنبه‌های مداومت می‌تواند نامرئی و غیر مستقیم باشد. به طور مثال هر بار سجاده نماز را جلوی دیدگان فرزند خردسال پهن می‌کنیم تا او را نسبت به نماز علاقه‌مند کنیم. اگر این عمل را به برنامه هر روز خود تبدیل کنیم خواهیم دید که اثر خود را خواهد داشت اصولاً اتصال و ارتباط با روح و روان کودک را نباید رها کرد.

بسیاری از افکار و اعمال، در سایه تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت می‌شوند. حتی ایمان آدمی هم، نوعی تثبیت در سایه عمل است؛ «لَا يَثْبُتُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِعَمَلٍ؛ هر قدر عمل مکرر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود.» (کلینی ۱۴۰۵، ج ۲، ۳۸)

گفته‌اند: «روزی پیامبر ﷺ قصد خواندن نماز داشتند و امام حسین ﷺ در کنار جد بزرگوارشان در صدد همراهی با آن حضرت بودند، پیامبر ﷺ تکبیر گفتند، ولی امام حسین ﷺ نتوانستند آن را تکرار کنند، پیامبر تکبیر دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم را گفتند، در نهایت برای هفتمین بار، تکبیر امام ﷺ صحیح ادا شد و نماز آغاز گردید.» (مجلسی ۱۴۰۴، ج ۴۳، ۳۰۷)

والدین و مربیان باید از این شیوه رفتار پیامبر ﷺ به عنوان الگو و سرمشق در امور تربیتی بهره‌گیرند. آنان باید همانند آن حضرت، مراحل رشد کودک را در نظر بگیرند و سعی کنند با صبر و حوصله، به نیاز فطری کودکان پاسخ مناسب دهند. هنر بزرگ والدین و مربیان این است که دنیای کودک را درک نمایند و بدانند که برخی از مسائل که ممکن است برای بزرگسالان خسته‌کننده باشد، برای کودکان لذت‌بخش است. کودک از تکرار مکررات همچون خواندن و ذکر مکرر قصه‌ها و داستان‌ها اصلاً خسته نمی‌شود. اگر بیان این داستان‌ها با صوت خوش و ریتم و آهنگ مطلوب باشد، کودک کاملاً مجذوب و علاقه‌مند می‌شود. در این باره، مادران به خوبی می‌دانند که بعضی قصه‌ها را صدها بار تکرار کرده‌اند، ولی باز هم کودک به آن علاقه نشان داده است. از این رو سفارش می‌شود که والدین، نماز و آیات قرآن را با حال مناسب و صوت و آهنگ موزون قرائت کنند، تا کودکان بیشتر به کلام الهی جذب شوند. در این باره، والدین می‌توانند به قرائت نمازهای علمای ربّانی گوش دهند و آنها را ضبط کنند تا هم خودشان و هم کودکانشان، بهره‌مند شوند.

۳-۶. ایجاد هماهنگی میان خانواده و مسجد در آموزش مسائل دینی

یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت علمی، معنوی و جسمی کودک و نوجوان، ایجاد هماهنگی و همکاری مثبت و سازنده بین خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌ها و غیره است. برای رسیدن به اهداف تربیت دینی و ترویج فرهنگ نماز، همکاری همه نهادها، به ویژه نهادهای فرهنگی و تربیتی، ضرورت تام دارد.

خانواده، مدرسه و مساجد در انجام دادن وظایف تربیتی و پرورش مسائل دینی، مکمل یکدیگرند. پیوند و ارتباط نزدیک خانواده، مدرسه و مسجد و دیگر متصدیان امور فرهنگی و تربیتی با یکدیگر، در واقع پیوند استوانه‌های تربیت صحیح و منطقی است. امروزه، لازم است مدارس یک علاقه واقعی و باطنی، برای حضور مستمر و ارتباط نزدیک دانش آموزان با مساجد، در آنان ایجاد کنند. البته، مدارس نباید فقط به ساختن نمازخانه‌ها اکتفا کنند. هر چند ساخت و توسعه نمازخانه‌ها اقدامی مثبت و ارزنده برای رسیدن به ارزش‌ها و مقدّسات والای دینی است، اما هیچ‌گاه جای مسجد و آثار سازنده آن را نمی‌گیرد.

باید همه تلاش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، بر این باشد که پیوندی واقعی - نه ظاهری و صوری - بین خانه، مدرسه و مسجد ایجاد کنند. با این گونه پیوند، هم خانه به فضایی اسلامی و آکنده از ارزش‌های معنوی تبدیل می‌شود و هم، مسجد و مدرسه نقش سازنده و هدایتگری در زمینه ارزش‌های دینی ایفا می‌کنند. از این رو، با هماهنگی و یکسانی فضای حاکم و ارزش‌های معنوی و دینی در خانه، مدرسه و مسجد، بسیاری از تعارضات و مشکلاتی که ممکن است برای کودکان در نتیجه ناهماهنگی بین این نهادهای تربیتی ایجاد شود، بر طرف می‌گردد.

فرهنگ انس گرفتن با مسجد و در رأس آن نماز جماعت به عنوان یک حرکت ارادی، آگاهانه و مستمر، باید از آغاز دوران کودکی در نظام تربیتی خانواده، مدرسه و جامعه به عنوان یک اصل مهم تربیتی مدنظر قرار بگیرد تا فطرت خداجوی کودک به گونه‌ای رشد و پرورش یابد، که هیچ عامل و شرایطی نتواند موجبات انحراف او را فراهم سازد. امروزه اگر خانواده، مدرسه و مسجد و دیگر متصدیان امور فرهنگی و تربیتی، نسل جدید را به سوی یک هدف و روش واحدی سوق ندهند، نمی‌توان امید به پیشرفت دینی جامعه داشت. اگر این متصدیان اصلی تربیتی در برنامه‌ها و روش‌ها هماهنگی لازم را نداشته باشند، در روند رشد دینی کودک و نوجوان اختلال به وجود خواهد آمد؛ که اولین عارضه آن، تعارض و دوگانگی ارزشی است. متأسفانه، باید اذعان کرد که فعالیت‌ها در این راستا،

هماهنگ، هم‌جهت و هم‌خوان نیست. حتی در مواردی، ممکن است با فعالیت‌های موازی و گاهی مغایر، انرژی و توان یکدیگر را خنثی و کاهش دهند. به عنوان مثال، بعضی خانواده‌ها اطلاعات چندانی از دین و نحوه آموزش مسائل دینی به فرزندان خود ندارند. از طرفی، مدرسه تکالیف سختی بر بچه‌های این‌گونه خانواده‌ها تحمیل می‌کند. این تعارض باعث می‌شود که نوعی دوگانگی در کودکان و نوجوانان به وجود آید. مثال دیگر این‌که، برخی خانواده‌ها که به مذهب توجه دقیق و لازم ندارند، در محافل و میهمانی‌ها - بدون توجه به مسائل شرعی - برای بچه‌هایشان لباس‌هایی انتخاب می‌کنند که با آن مجالس تناسب داشته باشند از سویی، اصرار مدارس بر این است که دانش‌آموزان پوشش و لباس مناسب با شرع بپوشند. در اینجا، برای بچه‌ها این تعارض به وجود می‌آید که مدرسه راست می‌گوید یا خانواده؟ حرف مدرسه را بپذیرد یا خانه را؛ تابع کدام یک باشد؟

و مثال دیگر، بسیاری از خانواده‌های مذهبی تلاش می‌کنند فرزندان‌شان را با مسجد و نماز جماعت مانوس کنند، ولی بعضی از متولیان مسجد، مانع حضور کودکان به مسجد و نماز می‌شوند و می‌گویند: مسجد جای کودکان نیست.

۴. خانواده و روش‌های جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

هر جا سخن از مسائل تربیتی است، اولین و مهم‌ترین پایگاهی که باید بدان توجه کرد، خانواده است؛ زیرا منش، شخصیت، ایمان مذهبی و بسیاری از رفتارهای آدمی در خانواده شکل می‌گیرد.

مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه برای جذب کودکان نقش به‌سزایی در تقویت ایمان و روح معنوی آنان ایفا می‌کند. بر این اساس، یکی از مسائل مهم در خانواده‌های مذهبی، آگاهی از روش‌های صحیح ایجاد علاقه و گرایش فرزندان نسبت به حضور در مسجد و نماز جماعت است. برخی از خانواده‌ها با وجود تلاش‌های بسیار، موفق به ایجاد انس و علاقه نمی‌شوند و گروهی دیگر پرداختن به این مسائل را با رفتارهایی نامناسب همراه می‌کنند. در اینجا، به مهم‌ترین روش‌هایی که توسط خانواده در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد، مفید است اشاره می‌کنیم:

۴-۱. جذب و آموزش، سپس رفتار

پیامبر اکرم می‌فرماید: «کودکانتان را گرمی بدارید و با آداب و روش پسندیده با آنها

معاشرت نمایند.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ۱۱۴) یکی از اصول تربیت دینی، ایجاد علاقه مندی کودکان به انس و ارتباط با مسجد و محراب است. کودکی که از همان اوان طفولیت خود را در کنار عبادت والدین و در جمع‌های معنوی و اماکن مقدس می‌یابد، زمینه بیشتری برای آموزش و انس دین و پرورشگری درباره دین و امور دینی در او شکل می‌گیرد. از این رو بر والدین لازم است شرایطی فراهم کنند که کودک با کارشناس دین، یعنی امام جماعت و مسجد مانوس گردد تا با مسائل دینی بیشتر آشنا شود و به پاسخ بسیاری از پرسش‌های خود که والدین نتوانستند او را قانع کنند، دست یابد. البته والدین باید خود را برای پاسخگویی به سؤالات دینی کودک آماده سازند؛ آگاهی کودکان از چگونگی انجام فرایض دینی و نیز دانستن فلسفه انجام آن به گونه‌ای محدود، می‌تواند مشوق خوبی برای انجام این کار و استمرار آن باشد؛ مثلاً درباره نماز خواندن کودکان و فضیلت رفتن به مسجد، اگر در سن مطالعه هستند کتاب‌های مناسب تهیه شود و در مناسبت‌هایی به آنان هدیه داده شود.

۴-۲. رفتار محبت‌آمیز با کودکان و نوجوانان

یکی از شیوه‌های نفوذ در روح کودک و نوجوان خو گرفتن با او و رفتارهای جذّاب و عاطفی است. تحقیقات روانشناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیت، عامل صمیمیت تأثیری قوی‌تر بر جای می‌گذارد. ایجاد صمیمیت و رابطه محبت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و در خواسته‌های آنان پیروی کنند، زیرا می‌ترسند که در غیر این صورت، عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. بنابراین با استفاده از علائق خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی نیز استفاده توأمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار ثمربخش باشد.

بدون تردید، «راه سالم پیوند با جهان، راه عشق است.» (شولتس، دوآن، ۸۲) اریک فروم، روانشناس آلمانی، با بیان این مطلب، حدّ و مرز عشق و محبت را از ارتباط انسان‌ها با یکدیگر فراتر برده، آن را نوعی رابطه با جهان تلقی می‌کند، خانواده‌ای که رنگ الهی یابد، عاطفه اعضای خانواده در آن بسیار مشهودتر خواهد بود، و عاطفه، صمیمیت و همدلی را در پی خواهد داشت. بنابراین، بهترین ابزار تمرین کودک بر فرمان‌پذیری، آن است که احساس عشق و محبت کند.

دکتر «یسری عبدالمحسن» می‌گوید: «مهم‌ترین عواملی که کودک و نوجوان را بر طاعت

و فرمانبرداری مساعدت می‌کند، دوستی و محبتی است که از جانب تمام افراد خانواده احساس می‌کند.» (رفعت ۱۹۹۱م، ۳۲۸)

وسایلی که در کودک و نوجوان، روحیه اطاعت‌پذیری را پدید می‌آورد، عبارت‌اند از: امنیت، محبت، منزلت، آزادی و نیاز به نیروی کنترل‌کننده.

دکتر «فاخر» این نیازها را به گونه زیر معرفی کرده است:

«نیاز به تثبیت ذاتی یا منزلت [فردی و اجتماعی]، این که به موجودیت و مقام او معترف باشند

و به وی توجه نشان دهند... و نیاز به امنیت، محبت و استقلال.» (فاخر ۱۹۸۵م، ۱۰۰-۱۰۱)

بنابراین، اگر کودک یا نوجوان از جانب والدین محبت، دوستی و جایگاه ویژه‌ای را احساس کند، خواهد کوشید که این جایگاه را به منظور فراهم ساختن رضایت آنان، حفظ کند؛ و مهم‌ترین مصداق رضا، اطاعت از آنان است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

«خدا رحمت کند پدر و مادری را که فرزندشان را بر نیکی به پدر و مادر مساعدت

کنند.» (مجلسی ۱۴۰۴ ج ۷۴، ۶۰)

روش مساعدت نیز به گونه‌ای باید باشد که پیامبر اکرم ﷺ مشخص کرده است:

«خدا رحمت کند بنده‌ای را که فرزندش را بر کارهای نیک یاری دهد، به سبب احسان،

مدارا، آموزش و ادب آموزی به وی.» (نوری ۱۴۰۸ق، ج ۲، ۶۲۶)

کودکی که [در خانواده] از محبت و منزلت لازم برخوردار باشد، در انجام فرامین پدر و مادر، با آن که استقلال طلبی را دوست دارد، هیچ احساس کوچکی و خواری نخواهد کرد. همچنین به واسطه همین محبتی که از آن برخوردار است، آمادگی تقلید و پیروی از رفتار پدر و مادر در وجودش ریشه می‌دواند، در نتیجه رفتار آنان بر او بازتاب پیدا خواهد کرد و به خواسته‌های آنان پاسخ مثبت خواهد داد.

۴-۳. الگو بودن والدین در محافظت بر شعایر دینی، به ویژه نماز

مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای است. بر همین اساس، یکی از روش‌های تربیت، تربیت به وسیله الگو است، که می‌توان آن را «روش الگویی» نامید. انسان‌ها به الگو نیازمندند. در خانواده، پدر و مادر می‌توانند بهترین الگوی کودکان و نوجوانان باشند و اگر چنین شود، در شکل‌گیری رفتار آنها بسیار مؤثر خواهند بود. کودکان و نوجوانانی که شاهد حرکت سپندگونه والدین هنگام نماز هستند، به‌طور قطع به این نکته توجه بیشتری خواهند داشت. البته هرچه رابطه والدین با فرزندشان عاطفی‌تر باشد، آنها بیشتر

تأثیر می‌گیرند. هر چند پند و نصیحت هم اثرهایی دارد؛ اما رفتار الگویی مؤثرتر است. شاید بر همین اساس گفته‌اند که صدای عمل بلندتر است.

اولین الگوهای رفتاری برای کودکان، والدین هستند و رفتار آنان مورد تقلید و همانندسازی کودکان قرار می‌گیرد. دختر از رفتار مادر و پسر از رفتار پدر - بیشتر متأثر می‌شود.

کودکان به قدری باهوش هستند که حتی می‌توانند احساس والدین را از انجام یک کار درک کنند. مثلاً اگر پدر و مادری در خواندن نماز سستی کنند یا آن را کاری خسته کننده بدانند، با این کار به فرزندان خود آموخته‌اند که نماز عملی خسته کننده و تکراری است؛ ولی اگر برای نماز خود ارزش قائل شدند و خصوصاً بعد از به جا آوردن نماز، نشاط بیشتری پیدا کردند و اخلاقیان نسبت به قبل از آن تغییر بهتری داشت، کودک می‌آموزد که نماز شادی آفرین و محبت‌بخش است.

پدر و مادر که الگوی فرزندان هستند، باید این امور را در همه ابعاد آن پیاده کنند. دستورات دینی می‌گویند که انسان‌ها باید چگونه زندگی کنند، چگونه رشد کنند. مبادا به کودکانمان بگوییم نماز بخوان، ولی خودمان دروغ بگوییم و کارهایی که نباید انجام دهیم، مرتکب شویم. اگر فضای خانه آمیخته با ارزش‌های معنوی باشد و پدر و مادر خود ارزش‌های الهی و تکالیف دینی را در زندگی خویش جدی بگیرند، کودکان به طور غیر مستقیم و به صورت مشاهده‌ای از این فضای معنوی متأثر می‌شوند و علائق دینی در آنها به طور طبیعی پرورش می‌یابد.

اگر والدین در قالب الگوهای رفتاری کودک و نوجوان، نگرشی مطلوب و مثبتی به مسجد و نماز جماعت داشته باشند و آموزش دینی فرزندان خود را در قالب وظیفه‌ای اساسی تلقی کنند، به یقین این گونه برخورد تأثیر بسیاری در رفتار کودک و نوجوان خواهد داشت. پدر و مادری که به مسجد می‌روند و فرزندان خویش را از همان دوران کودکی در مجالس و محافل مذهبی همراهی می‌کنند سبب تقویت احساس پرورش مذهبی در آینده‌سازان جامعه می‌شوند.

الگو شدن در اخلاق و عمل و نقش اساسی آن در تربیت، دایره‌ای وسیع دارد. از کانون خانواده و تأثیر سرنوشت‌ساز رفتار پدر و مادر، بر فرزندان، تا معلمان و مربیان آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت و رؤسای ادارات و نهادها و عالمان دین (مانند امام جماعت مسجد) و در نهایت مسئولان عالی رتبه نظام را شامل می‌شود.

نکته شایان توجه این که: باید والدین و همه دست‌اندرکاران در امر تربیت، عملاً الگو باشند و تنها دعوت‌گر زبانی نباشند.

در احادیث آمده است: «به وسیله کردار شایسته و اعمال نیک خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۱۹۵، ح ۱۹)

بنابراین، والدین و مربیان باید از نخستین دوران کودکی، هم خود به عنوان الگوی مناسب برای کودکان و نوجوانان بوده و هم افراد دیگری را که اهل نماز هستند به عنوان الگو معرفی نمایند و بالطبع کودکان و نوجوانان و جوانان هر چه از الگوهای مناسب‌تر و والاتری بهره‌مند شوند، کمتر دچار آسیب نمازگریزی و مسجدگریزی می‌شوند. درباره تأثیر نقش الگوی مطلوب و محبوب در شکل‌گیری شخصیت انسان، سخن فراوان گفته شده است. ذکر خاطرهای از یکی از عارفان بزرگ می‌تواند شاهد نیکویی بر اثبات مدعا باشد:

روزی از «سهل شوشتی» که از عرفای بزرگ و اهل کرامات بود، پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ گفت: در کودکی نزدایی‌ام زندگی می‌کردم. وقتی ۷ ساله بودم، نیمه شبی از خواب برخاستم. دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته، عیابی به دوش کشیده، عمّامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن‌گاه از من پرسید: پسر، چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب.

گفتم: از کار شما خوشم آمده، می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه، برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. وقتی از دستشویی برگشتم، باز هم دایی مشغول نماز خواندن بود. کنارش نشستم. به من گفت: برو بخواب. گفتم: دوست دارم هر چه شما می‌گویید، من هم تکرار کنم.

دایی‌ام مرا رو به قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو «یا حاضر یا ناظر» من هم تکرار کردم. سپس دایی گفت: برای امشب کافی است. حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت «یا حاضر و یا ناظر» را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضو گرفتن را هم آموختم. در نهایت کار به جایی رسید که من بدون این که نزدایی بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته تکرار می‌کردم: «یا حاضر و یا ناظر» و از این کار حظ روحانی می‌بردم تا این که به این مقام و مرتبه رسیدم. (دستغیب شیرازی ۱۳۷۰، ۱۸)

۴.۴. تشویق و ترغیب کودکان به حضور در مسجد و نماز جماعت

تشویق و ترغیب، یکی از مهم‌ترین ابزار تربیتی است که برای برانگیختگی و شکوفاسازی استعدادهای انسان برای رسیدن به کمال قابل بهره‌گیری است. قرآن کریم به شیوه‌های

گوناهگونی به تشویق و ترغیب پرداخته است. آیاتی که نعمت‌های بهشتی را بیان می‌کنند و آیاتی که از بشارت سخن می‌گویند، از این دسته آیات هستند.^۱ یکی از راه‌های جذب فرزندان به حضور در مسجد و نماز جماعت، تشویق و ترغیب است. آنان برای مشتاق شدن به کاری بیش از هر چیز به تشویق و تأیید نیاز دارند، زمانی که کودک صورتش را به مهر می‌چسباند، بجای این که حالتش را به سجده بزرگسالان در آورید، باید همان رفتار کودکانه را تحسین کنید، این سبب می‌شود رفتار بارها تکرار شود و بارشده ذهنی و حرکتی، زمینه یادگیری سجده درست نیز فراهم می‌شود؛ با گذشت زمان هنگامی که کودک به نوجوانی می‌رسد، با عبادت انس می‌گیرد؛ او را به عنوان کودک نماز خوان به همه معرفی کرده و کارهای او را به اسم نماز بستانید؛ همچنین نوجوانانی که به سن تکلیف نرسیده‌اند هم تشویق و تأییدشان لازم است. تشویق اگر به گونه‌ای پسندیده و بجا باشد، بسیار کارساز است. تأثیر تربیتی تشویق، گاهی چنان است که جهت زندگی افراد را دگرگون می‌سازد.

اگر تشویق قبل از انجام عملی پسندیده باشد، موجب شوق و رغبت شخص می‌شود، و اگر پس از انجام آن عمل باشد؛ سبب تقویت و پایداری این رفتار در او می‌گردد؛ بنابراین والدین محترم می‌توانند در دو مرحله فرزندانشان را به عبادت و حضور اماکن مذهبی دعوت کنند. ابتدا آنها را ترغیب به نماز خواندن و آن هم در مسجد کنند و در صورت انجام، به تشویق آنها بپردازند. با توجه به اینکه تشویق فرزندان نوعی توجه و شخصیت دادن به آنها است، سعی می‌کنند خود را از کانون توجه و محبت والدین دور نسازند. از این طریق به تکرار عمل یا رفتار مورد نظر پرداخته، تا جایی که جزئی از شخصیت رفتاری آنها می‌گردد.

تشویق کودک، می‌تواند یک تشویق مادی یا معنوی باشد. پاداش و تشویق مادی حتی می‌تواند با خرید یک شکلات، اسباب بازی، یا یک گردش تفریحی، و بازی و سرگرمی صورت گیرد. تهیه وسایلی که موجب تشویق کودک می‌شود مثلاً سجاده، چادر نماز برای دختر یا قبله نما برای پسر و... البته، هر چند این نوع پاداش‌ها خوب است، اما نباید از پاداش‌های معنوی و روحی نیز غفلت کرد.

در سرگذشت بزرگانی می‌خوانیم زمانی که کودک بوده‌اند از پدرانشان بابت شرکت در نماز جماعت صبح جایزه دریافت داشته‌اند و آن ابتکار را شیرین و مؤثر و به یاد ماندنی قلمداد

۱- نساء، آیه ۱۶۵؛ حدید، آیه ۷ و ۱۸؛ انشقاق، آیه ۲۵؛ مائده، آیه ۹؛ رعد، آیه ۲۲ و ۲۴؛ اراف، آیه ۴۲ و... نمونه‌هایی از آیات بشارت‌آمیز قرآن کریم‌اند که به تشویق و ترغیب بندگان برای انجام کارهای نیک می‌پردازند.

می‌کنند. گاهی یک آفرین و نوازش تأثیر بیشتری دارد.

نقل شده است که پسر بچه‌ای در نزد پیامبر ﷺ عطسه کرد و سپس گفت: «الحمد لله» پیامبر ﷺ به او فرمود: «بارک الله فیك؛ آفرین بر تو.» (کلینی ۱۳۴۴ ش، ج ۴، ۴۷۴) همین ابراز محبت از سوی والدین به فرزند، می‌تواند بهترین پاداش برای آنها تلقی شود. پدر و مادر گرامی باید توجه داشته باشند که تشویق و پاداش نقش مؤثری در تربیت فرزندشان دارد، البته به گونه‌ای که بداند چرا مورد تشویق واقع شده‌اند. تشویق باید متناسب با رفتار نیک فرزند باشد، نه بیشتر و نه کمتر از آنچه شایستگی دارد. دوری از افراط و تفریط، و رعایت تعادل نیز از ضروریات تشویق است.

۴-۵. عادت دهی کودک به نماز و مسجد

وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کرد به تدریج با آن خومی گیرد و حالتی در نفس به وجود می‌آید که اصطلاحاً عادت نامیده می‌شود. (امینی ۱۳۷۳، ۸۸)

یکی از خصوصیات مهم دوره کودکی، عادت‌پذیری است. در این دوره در کودکان از طریق حضور در مساجد و نماز خانه دبستان و مشاهده نماز جماعت بزرگترها، عادت و استمرار ایجاد می‌شود.

دکتر قائمی در این باره می‌نویسد: «باید کودک را به مظاهر عمل و تکرار در ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل گیرد. تجارب و تعالیم علمی نشان داده‌اند، که حتی عمل ریایی در صورت تکرار در فردی تثبیت می‌شود. پس از تثبیت، می‌توان یک عمل ریایی را به صورت واقعی و بی‌ریا در آورد؛ به شرط این که نیت عمل را تغییر دهد. این روش، به ویژه درباره کودکان در دوره ابتدائی مؤثر است. مثلاً، ممکن است کودک یا نوجوانی از طرف امام جماعت تشویق شود و خاطره خوشی در ذهنش شکل بگیرد. وی مدتی به خاطر همین تشویق، به مسجد می‌رود. پس از مدتی، جاذبه‌های معنوی مسجد و حالات نماز گزاران به هنگام نماز، این فرد را مجذوب خود می‌کند و او را فردی مذهبی بار می‌آورد. این گونه، ما کودک را به تکرار ظاهر در عبادت سوق می‌دهیم، تا زمینه برای انس به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت، در او فراهم آید.» (قائمی ۱۳۷۵ ش، ۳۶ و ۳۷)

بنابراین، یکی از روش‌های جذب کودکان، نوجوانان و جوانان به مسجد و نماز جماعت، عادت دادن به آن است.

امام علی علیه السلام یکی از روش‌های تربیتی را عادت می‌داند که از آن به عنوان طبیعت دوم یاد

می‌کند و می‌فرماید: «نفس را به انجام مکارم و تحمّل بار گران عادت ده، تا شرف نفس پیدا کرده، آخرت آباد، وستایش کنندگان زیاد شوند.» (آمدی ۱۳۶۶، ج ۱، ۱۸) بر این اساس، اسلام سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقیّد به فرائض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد. (حرّ عاملی ۱۴۰۹، ج ۷، ۱۶۸)

اگر والدین، فرزندان خود را از کودکی و نوجوانی به حضور در مسجد و خواندن نماز و عبادات عادت دهند، این سنت پسندیده به تدریج در ذهن آنان نقش بسته و با آن مأنوس می‌گردند.

۴-۶. ارتباط کودکان با مسجد و اماکن مذهبی

مشاهدات انسان یکی از عوامل مؤثر در تربیت وی است. قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را به «دیدن» و «فکر کردن» دعوت می‌کند. بین «دیدن» و «باور کردن» رابطه مستقیم وجود دارد. والدین باید کاری کنند که فرزندان با صحنه‌های گوناگون اقامه نماز و آماده شدن برای اقامه نماز مواجه شوند. شرکت در نمازهای جماعت مسجد محله، شرکت در نماز جمعه و موارد مشابه به آن می‌تواند در تقویت روحیه نمازگزاردن و انس با مسجد و محراب فرزندان مؤثر باشد.

حضور کودکان در مسجد و اماکن و برنامه‌های مذهبی، به ویژه نماز جماعت مسجد، اگر با تشویق همراه باشد، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. شهید مطهری با توجه به نقش مسجد در تشویق کودکان به عبادت معتقد است: «بچه را باید در محیط نماز خواندن برد. اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود. چون اصلاً حضور در جمع مشوّق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند، کودک که بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مساجد و مجالس دینی و این که کودکان کم‌تر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که این‌ها از ابتداء رغبت به عبادت پیدا نکنند، ولی این برای شما (والدین) وظیفه است... باید ما با بچه‌های خودمان برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا بچه‌ها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم در این اوضاع و احوال امروز چه قدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت ساله شده‌اند به دبستان و بعد به دبیرستان بعد به دانشگاه رفته‌اند، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است، بروند... خوب، این‌ها قهراً از مسجدها فراری می‌شوند.» (مطهری ۱۳۷۳، ۹۹-۱۰۰)

البته برای موفقیت در این کار لازم است برای کودکان و نوجوانان، در کنار عبادت و نماز برنامه‌های متنوع و جذابی وجود داشته باشد؛ مانند اهدای جوایز، کارت تشویق، بخش شیرینی و شکلات در بین کودکان که زمینه جذب آنان را به عبادت و مسجد فراهم می‌کند. از امام حسن علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

نماز ظهر یا عصر را در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله خواندم؛ همین که حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جای‌تان بمانید و آن‌گاه برای تقسیم ظرف حلوایی در میان نمازگزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری حلوا می‌خوراندند تا اینکه به من رسیدند؛ من کودک بودم، آن حضرت قدری حلوا به من خوراندند، سپس فرمودند باز هم بدهم؟ عرض کردم آری، آن حضرت به خاطر خردسال بودنم باز هم مقداری به من خورانیدند و بدین حال بودند تا آنکه به همگان حلوا خوراندند. (فقیهی ۱۳۸۴، ۵۹)

دکتر شرفی نقل می‌کند: در وقف‌نامه یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می‌زیسته آمده است که فرمود: آنچه از من بجا مانده آن را گردو بخرید و در مسجد نگهداری نمایید تا آن‌گاه که کودکانی همراه با والدینشان به مسجد می‌آیند، به آنها هدیه دهید، تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منبر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند. (شرفی ۱۳۶۸، ۲۱۶)

متأسفانه در برخی موارد رفتار و برخوردهای دور از انتظار بعضی از مؤمنان نمازگزار نسبت به کودکان و نوجوانانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب سرخوردگی و شاید انحراف آنان از مسیر دین و خواندن نماز شود. شخصی می‌گوید: «در کوچکی همیشه سعی می‌کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت: نمازت درست نیست و سپس با سخنان نیشدار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هر گاه می‌خواستم از او بپرسم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی‌داد و پیوسته می‌گفت: نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام بود» (فقیهی ۱۳۸۴، ۸۱)

این در حالی است که سیره حضرات معصومان علیهم السلام کاملاً با این شیوه برخورد مخالف

است. جابر بن عبدالله می گوید^۱: از امام باقر علیه السلام در مورد کودکانی که برای نماز واجب در صف جماعت شرکت می کنند، سؤال کردم؛ امام علیه السلام فرمود: آنان را در آخر صف های نماز جماعت با هم نگذارید، بلکه در بین بزرگسالان پراکنده سازید. «(طوسی ۱۴۰۶ ق، ۳۸۰)

از این حدیث شریف استفاده می شود: باید نسبت به کودکان و نوجوانانی که در نماز جماعت شرکت می کنند، طوری رفتار شود که احساس بی توجهی و بی احترامی نکنند؛ زیرا با این شیوه، هم احترام آنان حفظ شده و هم به آنان شخصیت داده ایم و هم انگیزه حضور آنان در مسجد و نماز جماعت بیشتر شده و در عین حال به نماز جماعت نیز نظم خاصی بخشیده ایم.

۱- «سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَّانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ. قَالَ: لَا تُؤَخِّرُهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ».

ج) نقش امام جماعت در جذب کودک و نوجوان به نماز جماعت و مساجد

یکی از ارکان اصلی هر مسجد که از متولیان فرهنگی اثرگذار مساجد محسوب می‌شود، امام جماعت است که در آموزه‌های اسلامی دارای منزلتی ارزشمند است. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «خداوند وعده داده است که سه نفر را بدون حساب وارد بهشت نماید و هر یک از آنها شفاعت هشتاد هزار را بنماید؛ مؤذن، امام جماعت و کسی که وضو بگیرد و وارد مسجد شود و در جماعت نماز بخواند.» (نوری ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ۴۴۹) در میان تمام کسانی که به گونه‌ای در اداره امور مسجد دخالت دارند، امام جماعت به عنوان مدیر طبیعی مسجد دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ به طوری که صلاحیت‌ها، شایستگی‌ها، عملکرد، شخصیت و چگونگی برخورد و رفتار او با مردم، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان به طور مستقیم بر مسجد و جذب افراد اثر می‌گذارد.

در ادامه به مهم‌ترین نقش‌های امام جماعت در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و نماز جماعت اشاره می‌شود:

۱. رعایت نظافت و آراستگی ظاهر

خداوند متعال به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می‌شود دستور فرموده: «ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.» (اعراف / ۳۱)

از آنجایی که امام جماعت به عنوان روحانی و رهبر معنوی در مسجد و اجتماع در قالب الگو و نمونه خوبی‌ها مطرح است، اگر به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محاسن

مرتب داشته باشد و از عطر و بوی خوش استفاده کند، مواظب نظافت دهان و دندان و احياناً بوی بد دهان خود باشد و در نظافت و آراستگی ظاهری خود کوشا باشد، می تواند در جذب کودکان و نوجوانان که طبع پاک و آرام دارند، نقش به سزایی داشته باشد.

۲. رعایت احکام شرعی و اخلاقیات

امام جماعت باید دارای اخلاق نیکو و شایسته‌ای باشد و با مردم، به‌ویژه کودکان و نوجوانان به خوبی مدارا کند. امام جماعتی موفق است که مؤمن و عامل به باورها و احکام شرعی و اخلاقیات باشد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «به وسیله کردار شایسته و اعمال نیک خود راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت‌ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۱۹۸، ح ۱۹)

وقتی کودکان و نوجوانان مشاهده می‌کنند که امام جماعت آنچه را می‌گوید، خود عامل به آن است، به توصیه‌های او بیشتر توجه نموده و عمل می‌کنند. وقتی کودکان و نوجوانان مشاهده کنند، امام جماعت، زودتر از دیگران به طور منظم و سر وقت در مسجد حاضر می‌شود و بعد از نماز و مراسم برای پاسخ به سؤالات آماده است و... آنان نیز به حضور در مسجد و شرکت در نماز جاعت رغبت پیدا می‌کنند.

۳. تشویق کودکان و نوجوانان به حضور در مساجد و نماز جماعت

یکی از عوامل و ابزارهای جذب کودکان و نوجوانان در زمینه‌های گوناگون از جمله حضور در مساجد و نماز جماعت، تشویق امام جماعت است.

همه انسان‌ها، حتی بزرگسالان، تا آخر عمر نیاز به تشویق دارند. تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرک می‌شود و انسان را به جدیت وادار می‌کند. انسانی که مورد تشویق قرار گیرد و احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس می‌کند و برای جدیت بیشتری و تحمل دشواری‌ها آماده گردد. برعکس، اگر مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت، دل‌سرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند، به گونه‌ای که توان خویش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند حتی از استعدادهای موجود خویش نیز استفاده کند. (امینی ۱۳۷۳ش، ۱۳۵) تشویق کودکان و نوجوانان نمی‌تواند منحصر به افراد یا نهاد خاصی باشد. یعنی اگر

فقط خانواده چنین کاری را انجام دهد، تأثیر مطلوب و کامل را نخواهد داشت؛ بلکه باید همه عواملی که به نوعی با آنان مرتبط هستند، به این نکته اساسی توجه داشته باشند. تشویق را نمی‌توان منحصر به دادن جایزه دانست، بلکه برخوردها و فضای ایجاد شده توسط دیگران نیز مشوق خوبی برای کودکان و نوجوانان است. البته لازم است در تشویق افراد به گونه‌ای عمل کرد که تأثیر مطلوب و ماندگاری داشته باشد.

تشویق کودک و نوجوانی که در مسجد حاضر شده به گونه‌ای که با شخصیت و روحیات او موافق باشد، پاسخی است به خواسته‌های درونی او در زمینه ذهن و عاطفه‌اش که دوام حضور او و آغاز حضور دیگر افراد هم‌سن و سال او را نوید می‌دهد. با توجه به روحیات این گروه سنی، این تشویق نباید طوری باشد که نتیجه عکس داشته باشد؛ زیرا تشویق مستقیم این توهّم را ایجاد می‌کند که نوجوان و جوان در مقابل ارزش‌های مادی واکنش می‌دهند و جذب می‌شوند. بنابراین، تشویق‌ها باید غیر مستقیم و حتی الامکان در مقابل انجام کاری باشد. **باتوجه به روحیات این گروه سنی، راه‌های زیر برای تشویق آنان به حضور در مسجد و نماز جماعت توصیه می‌شود:**

۱-۳. معرفی کودک و نوجوان نمونه

مناسب است جوان نمونه در طول هفته یا ماه یا فصل یا سال، توسط امام جماعت، برگزیده و معرفی گردد. البته، این معرفی به شکل اعلام در تابلو اعلانات یا در ضمن برنامه‌های مسجد در مناسبت‌های مذهبی امکان‌پذیر است. پسندیده است که قبل از اعلام، امام جماعت در مورد اهمیت استفاده از دوره نوجوانی و جوانی در اسلام سخن بگوید و از نوجوانی و جوانی حضرات معصومان (ع) یا علما و عرفا، حکایتی را نقل نماید. سپس هدیه‌ای به رسم یادبود به او داده شود.

۲-۳. جایزه ویژه

برخی نوجوانان و جوانان در مدّت خاصی پا به مسجد گذاشته و در آن ثابت قدم می‌شوند. بهتر است امام جماعت این فرصت را غنیمت شمرده و برای تداوم حضور او جایزه ویژه‌ای را تهیه کند. مثلاً کودک و یا نوجوانی در ماه رمضان، در مراسم نماز جماعت، سخنرانی دینی، دعا، نیایش و مراسم شب‌های قدر به طور منظم و فعال حضور داشته است! بهتر است چنین فردی در عید فطر در میان نمازگزاران نماز عید، مورد تشویق و تمجید قرار گیرد و به عنوان کودک، نوجوان یا جوان نمونه، معرفی گردد.

۴. ارتباط عاطفی با کودکان و نوجوانان

کودکان، نوجوانان و جوانان، امام جماعت را به عنوان آیینۀ تمام‌نمای خوبی‌ها و مکرمت‌های انسانی و سمبل پاکی، صداقت، صفا، شجاعت، مروّت، انسانیت، شکیبایی، ایثار و گذشت می‌شناسند. بنابراین برای جذب آنان به مسجد، امام جماعت باید با آنها دوست شده، در غم و شادی آنان شریک شود، از آنان احوال‌پرسی کند، با آنان به اردورود، حتّی در صورت امکان در میادین ورزشی آنان حضور یافته و آنان را مورد تشویق قرار دهد. و از فرصت‌های مناسب به منظور بیان مقصود استفاده کند؛ در حالی که بعضی از روحانیان، ائمّه جماعات با اتخاذ تدابیر نامناسب و حالت‌های عالمانه به خود گرفتن، سنگین و رنگین حرکت کردن بی‌حد، هم کلام نشدن با دیگران، به ویژه کودکان و نوجوانان و ...، بین خود و آنان فاصله می‌اندازند.

بنابراین، روابط و احترام‌های امام جماعت و کودکان و نوجوانان نباید در چارچوبی خشک و رسمی باقی بماند؛ بلکه می‌بایست به برقراری روابط عاطفی منجر شود، یعنی کودکان و نوجوانان و جوان، امام جماعت را به عنوان یکی از دوستان خود بپذیرد.

امام جماعت برای این که سطح روابط خود با آنان را به این حد برساند، باید به نکات متعدّدی توجّه داشته باشد و در امور گوناگونی، همراه آنان باشد؛ در مشکلات به آنها کمک کند؛ موفقیت‌هایشان را به آنها تبریک بگوید؛ از غم‌ها و ناراحتی‌های آنها ابراز تأسّف و اندوه کند، هدایای کوچکی مثل عطر، تسییح و انگشتر به عنوان یادگاری به آنها تقدیم کند؛ در صورت امکان، کمی در مسائل خصوصی آنها وارد شود، مثلاً روز تولّدشان، به آنها تبریک بگوید و سایر اقداماتی از این قبیل که با توجّه به شرایط امام جماعت و فرهنگ و روحیات اهالی محل در برقراری و تداوم ارتباطی دوستانه و محبّت‌آمیز مؤثر است.

بهتر است ارتباط امام جماعت کودکان و نوجوانان و جوانان به روابط حضوری محدود نگردد و ارتباط کتبی بین آنان و امام جماعت نیز بسیار مفید است. در این صورت کودکان و نوجوانان و جوانان از این که امام جماعت به آنها احترام گذاشته و به طور خصوصی، مطلبی را برای آنها بیان کرده، احساس شخصیت کرده و به امام جماعت نزدیک شده و مطالبی را که حضوری نمی‌توانند، بیان کنند، به صورت کتبی با امام جماعت در میان می‌گذارند. امام جماعت باید هم با نوجوانان و جوانان داخل مسجد به گرمی برخورد کند تا حضور آنها در مسجد تداوم یابد و هم با کودکان، نوجوانان و جوانان بیرون از مسجد، تازمینه حضور آنان در مسجد فراهم شود.

۵. تکریم و احترام

امام جماعتی که به رفتار، ارزش‌ها، گفتار و نظریات کودکان، نوجوانان و جوانان احترام می‌گذارد، در جلب و جذب آنان به مسجد بسیار مؤثر است. وقتی جوان احساس کند، امام جماعت در صدد این نیست که نظریات خودش را به او تحمیل کند و به نظریات او احترام می‌گذارد، احساس شخصیت می‌کند و از این روابط و آشنایی، خوشحال می‌گردد. البته احترام امام جماعت به کودکان، نوجوانان و جوانان به معنای پذیرفتن تام و تمام نظریات آنها بدون دلیل نیست، بلکه به معنای شنیدن و تحمل کردن آنها و تعیین راهی حساب شده و مدبرانه جهت هدایت آنهاست.

بهتر است به کودکان، نوجوانان و جوانان در حد امکان فرصت داده شود تا آنان خود را بروز دهند و نظریات و افکارشان را مطرح نمایند، آن‌گاه به اصلاح آنها پرداخته شود. به هر حال، در آیین اسلام بر تکریم کودکان، نوجوانان و جوانان تأکید بسیار شده است. خانواده، مدرسه، اجتماع همه و همه باید فضایی برای تکریم و احترام آنها باشد، به ویژه مسجد که از تقدس و موقعیتی خاص برخوردار است. ارضای نیاز به احترام و عزت نفس به احساساتی نظیر اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، موفقیت، کفایت، شایستگی، کسب اعتبار و حیثیت و مثمر بودن در جامعه منتهی خواهد شد که البته همه این‌ها مبتنی بر رفتار مسئولانه این گروه‌های سنی است که استحقاق احترام را داشته باشند و نه بر اساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی‌مورد. اگر امام جماعت و دیگر متولیان مساجد به این نکته توجه نمایند، گامی بزرگ در مسیر جذب کودکان و نوجوانان و جوانان برداشته‌اند. فضای توأم با احترام و تکریم، انسان را به سوی خود می‌کشد. حتی گاهی در مسجد خطاهایی از نوجوان سر می‌زند که باید با تذکرات صمیمانه و در خفا او را متوجه اشتباهش کرد تا به مقاومت و عناد کشیده نشود. به ویژه درباره کودکان و جوانان که حساسیت دارند و موعظه باید کوتاه و بلیغ و سنجیده و با اوضاع و شرایط فکر او مناسب باشد و همچنین در عین نرمی و مدارا، گام به گام باشد.

۶. بهادادن به کودکان و نوجوانان

ستایش‌خواهی و جلب توجه، دو نوع از خواسته‌های این گروه‌های سنی در عرصه ذهن و عاطفه است. بنابراین بهادادن به آنان، عامل مهمی در راستای تأمین خواسته و جلب توجه

آنها به مسجد و نماز جماعت است. البته این به معنای اختیارات زیاد و غیر منطقی کودکان، نوجوانان و جوانان و یا پذیرش هر نوع نظر و سلیقه آنها نیست.

به هر حال، احترام و بهادادن به شخصیت جوان و مسئولیت سپاری به این گروه‌های سنی، از شیوه‌های مهم تربیتی شمرده می‌شود. نوجوانان و جوانان، با همه مشکلات و واقعیات این دوران، برای ایفای نقش و انجام مسئولیت‌های مختلف توانایی بسیار دارند. عدم اعتماد به آنان و بی‌توجهی به توانایی‌هایشان، مانع شکوفایی استعدادهای آنهاست و در نتیجه به عدم رشد مطلوب آنان می‌انجامد. به طور کلی علاوه بر مطالب فوق، دیگر مصادیق احترام و بهادادن به نوجوانان و جوانان عبارت‌اند از:

۶-۱. عضویت در هیئت امنای مسجد

عضویت یکی از نوجوانان و جوانان متعهد و مؤمن مسجدی در هیئت امناء، به نوعی بهادادن به وی است. این اقدام باید سبب ایجاد رقابت سازنده میان آنان، برای به دست آوردن این پست باشد.

۶-۲. مشورت و نظرخواهی از کودکان، نوجوانان و جوانان

شایسته است امام جماعت و اعضای هیئت امناء، برای فعالیت‌های گوناگون مسجد، نظر کودکان، نوجوانان و جوانان را جویا شوند و در صورت امکان، پیشنهادهایشان را اجرا کنند. این اقدام سبب خودباوری و احساس شخصیت در آنان می‌شود. آنان از این که می‌بینند با آنان مشورت می‌شود و نظرهایشان در تصمیم‌گیری‌های مسجد اثر دارد، خوشحال می‌شوند و مسجد را از خود می‌دانند. در نتیجه، پیوسته در مسجد و برنامه‌های آن حاضر خواهند شد.

۶-۳. مسئولیت سپاری

با توجه به این که کودکان، نوجوانان و جوانان مشتاقند در فعالیت‌های گروهی و جمعی شرکت نمایند و به آنان در این ارتباط بهاداده شود، لازم است از آنان در انجام کارهای مسجد، نظیر پیگیری فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی، دعوت به عمل آمده و آنان را در این ارتباط ترغیب و تشویق کنند. به عنوان مثال پیگیری انجام برنامه اعتکاف در یک مسجد توسط نوجوانان و جوانان صورت گیرد. موضوع ثبت نام را به آنان واگذار کرده و در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها نظرات آنان نیز خواسته شود، یا آنان را برای پیگیری نیازهای فرهنگی مسجد به ادارات تبلیغات اسلامی و اوقاف و امور خیریه روانه سازند. یا برای مثال در یک مراسم، برنامه پذیرایی بر عهده کودکان و نوجوانان و جوانان باشد. در هر صورت باید به آنها

مسئولیت داده شود و همچون بزرگان از مشارکت‌های آنان در فعالیت‌های مسجد استفاده گردد. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط نوجوان و جوان تناسب دارد و سبب ایجاد وابستگی آنان به مسجد می‌شود.

۷. برقراری جلسات و برنامه‌های ویژه برای کودکان، نوجوانان و جوانان

امام جماعت باید برای هر سلیقه و جمعیتی برنامه مناسب داشته باشد. مساجد باید برای کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و...، برنامه خاصی داشته باشند. برای آنها که اهل دعا هستند برنامه دعا، برای آنها که اهل کتاب و مطالعه هستند، کتابخانه و سالن مطالعه و برای کودکان و نوجوانان آنچه مناسب سلیقه آنان است، برنامه ریزی شود. امام جماعت ضمن احاطه علمی، باید بداند چه مسائلی را در این دوره باید برای نوجوانان و جوانان گفت که از دین زده نشوند و در عین حال باید آن مسائل را با زندگی تطبیق داد. کودکان، نوجوانان و جوانان نیازهای مخصوص به خود دارند؛ روحیات و علایق آنها با بزرگسالان متفاوت است. امام جماعت می‌بایست بعد از مخاطب‌شناسی دقیق و آگاهی از نیازها و علایق آنان، جلساتی را ویژه آنها تشکیل دهد و مفاهیمی از دین اسلام را برایشان بیان کند که با علایق، روحیات و نیازهای آنان متناسب باشد.

موارد زیر موضوعات مناسبی برای گفتگو با جوانان است: «از دواج در اسلام»، «عشق مجازی یا حقیقی؟»، «زیبایی»، «نیایش»، «روابط دختر و پسر»، «آثار نماز در زندگی زوج‌های جوان»، «اخلاق جنسی»، «آثار نماز»، «انحراف جنسی»، «چشم چرانی»، «مسائل روان‌شناسی جوانان مثل اعتماد به نفس و امید». البته بهتر است برای ارائه هر موضوع به نکات روان‌شناسی جوانی، روحیات جوانان و اصول جذابیت و اثرگذاری توجه شود؛ مثلاً در هر موضوع، عنوان زیبا و جذابی انتخاب شود تا توجه جوانان را بیشتر جلب کند، مثلاً صحبت در موضوع روابط دختر و پسر با عناوینی همچون «دختری با کفشهای کتانی» و صحبت در موضوع آثار نماز در زندگی زوج‌های جوان با عنوان «مرد و زن معراجی» انجام شود.

جلسه نباید حالت سخنرانی و خطاب مستقیم داشته باشد؛ بلکه باید به صورت گفت‌وگو بر گزار گردد تا کودکان، نوجوانان و جوانان بتوانند نظر و سؤال‌های خود را بیان کنند. مطالب در قالب مناظره، داستان، خاطره و پرسش و پاسخ بهتر قابل ارائه است. بهتر است قالب‌های گوناگونی انتخاب شود تا جلسات متنوع و جذاب گردد.

متنوع نبودن برنامه‌ها، کسالت‌آور و خسته‌کننده است. به عبارت دیگر، همان‌گونه که بدن انسان از خوردن غذاهای یکنواخت افسرده و بی‌اشتها می‌شود، طرح مباحث تکراری نیز اسباب خستگی و افسردگی اهل مسجد، کودکان، نوجوانان و جوانان را فراهم نموده، روح و جان آنان را که از لطافت و ظرافت خاصی برخوردار است، ملول و آزرده می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «این قلوب آدمیان همچون بدن آنها گاه، خسته می‌شود؛ پس [برای رفع خستگی آن] از حکمت‌های نو و تازه بهره‌جویید.» (نهج البلاغه، حکمت ۹۱)

۸. دعوت شخصیت‌های موجه و محبوب کودکان و نوجوانان

انسان در مراحل گوناگون زندگی خویش به الگو نیاز دارد؛ زیرا با افزایش سن و تجربه‌های ذهنی، تقلید به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد و در حیطه اراده قرار می‌گیرد در این حال، فرد می‌کوشد خود را با شخص یا اشخاصی که افرادی قابل قبول هستند همسان کند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سر مشق قرار دهد. (اسحاقی ۱۳۸۱ش، ۶۷-۶۸)

یکی از خواسته‌های اجتماعی جوانان الگوپذیری است. او در جامعه، خواستار کسانی است که در رفتار و گفتار برای او الگو باشند. (قائمی ۱۳۷۹ش، ۴۵)

امام جماعت و دیگر متولیان مسجد باید شخصیت‌های محبوب و مورد پسند نوجوان و جوان را در سطح شهر شناسایی کرده و آنان را به مسجد دعوت کنند تا در جمع نمازگزاران حاضر شوند یا این که اگر شخصیت برجسته و توانایی است، مراسم سخنرانی برای او تشکیل دهند. این کار با مشورت و همکاری خود نوجوانان و جوانان امکان‌پذیر است. برای مثال معلمان و مدیران به مسجد فراخوانده شوند. این کار باید از نظر تبلیغاتی و فرهنگی به خوبی پوشش داده شود. برای مثال با نصب پلاکارد در مقابل در مسجد به مدیر دبیرستان خیر مقدم گفته شود. به طور کلی دعوت از هنرمندان، ورزشکاران و دیگر شخصیت‌های محبوب این قشر، برای حضور در میان نمازگزاران، حرکت مثبتی است که چگونگی آن را موقعیت جغرافیایی مسجد و سطح فرهنگی محل تعیین می‌کند.

۹. رعایت حال نمازگزاران، به ویژه کودکان و نوجوانان در نماز جماعت

کسانی که در نماز جماعت شرکت می‌کنند از گروه‌ها و اصناف مختلف تشکیل می‌شوند

و هر کدام دارای حوصله و ظرفیت مخصوصی هستند که رعایت و اهتمام به آن بر امام جماعت لازم است.

انس بن مالک می گوید: «هیچ گاه پشت سر هیچ امامی نماز نگزاردم که نمازش از پیامبر کوتاه تر و کامل تر باشد.» (بخاری ۴۱۹، ق، ج ۱، ۱۷۳)

در روایت آمده است: مرد نابینایی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من مرد نابینایی هستم، و چه بسا صدای اذان را می شنوم، اما کسی نمی یابم که مرا برای خواندن نماز جماعت با شما به مسجد بیاورد، پیامبر ﷺ فرمود: «طنابی از منزلت به مسجد ببرد و بدین وسیله در نماز جماعت مسلمانان شرکت کن.» (حرّ عاملی ۴۰۹، ق، ج ۵، ۳۷۷)

از این روایت استفاده می شود که در عصر پیامبر اسلام ﷺ تمامی مسلمانان، حتی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می کردند، و به این ترتیب مساجد آن روز گار، به ویژه مسجد پیامبر از جهت برگزاری آیین جماعت بسیار فعال بوده است. با توجه به روایاتی از پیامبر ﷺ نقل شده است، آن حضرت سعی می کرد که نماز جماعت ایشان طول نکشد که باعث خستگی افراد نماز گزار شود و حتی از امامان جماعتی که رعایت حال نماز گزاران نیز به شدت اعتراض کرده است. در کتاب «معالم القربه» از بخاری نقل شده که ابومسعود گفته است: «مردی به پیامبر ﷺ عرض کرد: من به لحاظ ضعف و ناتوانی از حضور در نماز جماعت فلان کس خودداری می کنم؛ زیرا او نماز را خیلی طول می دهد. ابومسعود گفته است: پیامبر اعظم ﷺ در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر ﷺ را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بود.» آن حضرت خطاب به حاضران فرمود: «برخی از شما، مردم را گریزان می سازند. اگر کسی امامت گروهی را بر عهده بگیرد، باید از طولانی کردن نماز پرهیز کند؛ چون در نماز جماعت افراد ناتوان، سالمند و نیز کسانی که کار و پیشه دارند، یافت می شوند.» (این آخوه ۱۳۶۷ ش، باب ۴۷، ۲۶۶)

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشستن و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش مورد پذیرش نخواهد بود و از کتف های او تجاوز نمی کند و جایگاه چنین امام جماعتی نزد خداوند همچون جایگاه سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای اصلاح رعیت خود تلاش نموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است...»

(حرّ عاملی ۴۰۹، ق، ج ۸، ۴۲۰)

متأسفانه در برخی مساجد، مستحبات بین نماز به اندازه‌ای طولانی می‌شود که عده‌ای نماز دوم را فرادا خوانده و گاهی به همین دلیل در مسجد حاضر نمی‌شوند و از فیض جماعت محروم می‌مانند. به یقین ثواب نماز جماعت با انجام حداقل مستحبات همراه با جمعیت بیشتر بسیار بهتر از نماز طولانی با انجام همه مستحبات خواهد بود. آمار نشان می‌دهد که آنچه مردم، به ویژه اقشار نوجوان و جوان را از مسجد گریزان می‌سازد، طولانی کردن نماز و فاصله بین دو نماز است. (قرائتی ۱۳۸۷ ش، ۷۹) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يُنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ تَكُونَ صَلَاتُهُ عَلَى صَلَاةٍ أضعفَ مَنْ خَلْفَهُ؛ بر امام جماعت سزاوار است که در نمازش رعایت حال ضعیف‌ترین افراد پشت سرش را بکند.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۸، ۴۲۰)

امام صادق علیه السلام درباره سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نماز جماعت، از پدر گرامیش نقل می‌کند که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ۴۷۰)

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «آخرین سخن پیامبر صلی الله علیه و آله با من این بود که: علی جان! در نماز جماعت حال ضعیف‌ترین مأوموم را مراعات کن.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ۴۴۷) این حدیث شریف گویای آن است که یکی از راه‌های جلب و جذب مسلمانان به کانون مسجد و نماز جماعت، کوتاه برگزار نمودن نماز جماعت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اقامه نماز جماعت و ایراد سخن، رعایت حال همه مردم را می‌نمود و به اختصار ولی جامع و کامل نماز می‌خواند. کوتاه سخن می‌گفت و در تبیین راز آن می‌فرمود: «خداوند همان گونه که مرا به اقامه فرائض و واجبات فراخوانده، مرا به مدارا و نرمی با مردم فرمان داده است.» (کلینی ۱۴۰۵، ج ۲، ۱۱۷، ح ۴، باب المداراة) آن حضرت به مبلغان اعزامی نیز همین روش را توصیه می‌نمود.

به هر حال، از سیره نورانی پیامبر اکرم و روایات و سخنان حضرات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود که می‌توان نماز را کامل خواند یعنی تمامی اذکار و اجزاء و ارکان و رکوع و سجود نماز را باطمینان و به صورت کامل انجام داد و از آنها چیزی کم نکرد، ولی در عین حال آن را مختصر و کوتاه خواند؛ مثلاً سوره‌های کوتاه در نماز خواند و اذکار رکوع و سجود را یکبار و با قرائت کامل اداء کرد و یا حتی بعضی ذکرهای مستحبی را در نماز ترک کرد. بنابراین، در برنامه‌های جمعی و عبادات اجتماعی اسلام، روی موضوع خودداری از تندروی و سخت‌گیری و خسته نکردن افراد، عنایت خاصی شده است.

۱۰. حضور امام جماعت در جمع کودکان و نوجوانان

همه کودکان و نوجوانان در مسجد حاضر نمی‌شوند و امام جماعت نیز نمی‌تواند در برخورد های گذری در بیرون از مسجد با همه افراد محل، ارتباط برقرار کند؛ به همین دلیل برای برقراری ارتباط کامل با گروه‌های سنی یاد شده، می‌بایست در مکان‌هایی که آنان در آن اجتماع دارند، حاضر گردد.

دبستان‌ها، مدارس، دبیرستان‌ها، کتابخانه‌ها، میادین ورزشی، کافی‌نت و پارک‌ها، مکان‌هایی هستند که معمولاً کودکان و نوجوانان و جوانان در آن حضور دارند. برخورد با آنان و برقراری ارتباط با آنها در هر کدام از این مکان‌ها، ظرافت و حساسیت مخصوص به خود دارد و شیوه مناسب با آن را می‌طلبند.

این اقدام امام جماعت، سبب جلب توجه آنان شده و زمینه مناسبی را برای حضور جوانان در مسجد فراهم می‌کند.

۱۱. سرکشی امام جماعت از خانواده‌های شهدا و جانبازان

همه فعالیت‌های امام جماعت باید با محوریت خانواده صورت گیرد تا جذب خانواده‌ها به مساجد تسهیل شود. سرکشی امام جماعت از خانواده‌های شهدا و جانبازان، یکی از فعالیت‌هایی است که وی می‌تواند انجام دهد. در برخی مساجد این برنامه با اعلام قبلی و با حضور نماز گزاران مسجد انجام می‌پذیرد که آثار مثبت بسیاری را به همراه داشته است. چنین برنامه مستمر و هفتگی می‌تواند به گونه‌ای تنظیم شود که این سرکشی هر شش ماه یا سالی یکبار تکرار شود. توجه به خانواده‌های شهدا و جانبازان را می‌توان در سیره پیامبر ﷺ مشاهده نمود؛ روزی آن حضرت همراه با گروهی از اصحاب بعد از نماز، از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده «سعد بن ربیع» که از شهدای جنگ احد بود، رفتند و اعضای خانواده را مورد محبت و رحمت خویش قرار دادند. (همدانی رفیع الدین ۱۳۸۳ ش، ۳۲۱-۳۴۵)

پیامبر ﷺ پس از شهادت جعفر بن ابی طالب در جنگ موته، به خانه او رفت و با حضور خویش موجب تسلی دل خاندان او گردید. (بلاذری، ج ۲، ۲۹۸)

امام جمعه و جماعت باید از پیامبر اسلام ﷺ تأسی بجویند. نماز گزارانی که به دلایل مختلف، خود یا خانواده آنها مورد محبت امام جماعت و نماز گزاران قرار می‌گیرند، این تفقد را از برکت معنوی و اجتماعی مسجد تلقی می‌کنند. این عمل آثار مثبت بسیاری را به همراه خواهد

داشت که مهم‌ترین آن ترغیب نمودن خانواده‌ها و فرزندان آنها به حضور در مساجد است.

۱۲. ارائه مشاوره روانشناسی بانگرش مذهبی

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان‌ها، در چند دهه قبل به صورتی فزاینده توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی و اخلاقی را به خود جلب نموده است. فلسفه امانیستی و علم پوزیتیویستی غرب در قرون اخیر مانند دو لبه یک قیچی و با روش‌های گوناگون سعی نمودند تا گفتمان الهی و معنوی را از صفحه روزگار و از زندگی بشریت حذف نمایند. در حالی که در قرن ۲۱ ضمن اظهار عجز از این خواسته، به دین و معنویت عروج کردند.

دین کامل اسلام برای همه ابعاد و شئون زندگی بشر دستورات مؤثری ارائه کرده است. برخی از این دستورات باید توسط متخصصان دینی از منابع مربوط استخراج و تشریح شوند. از طرفی عصر کنونی، با توسعه همه جانبه تکنولوژی‌های ارتباط جمعی، عصر انفجار اطلاعات نام‌گذاری شده است و مفاهیمی چون دهکده جهانی و جهانی شدن مطرح است. این موضوع آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی نو پدید و مشکلات رفتاری و اعتقادی جدیدی را به وجود آورده است. تحقیقات انجام شده حتی در کشورهایی که دین رسمی آنها اسلام نیست، نشان داد که گرایش نوجوانان و جوانان و نونهالان به مذهب و انجام فعالیت‌های مرتبط با دین یا انجام تشریفات مذهبی به صورت کلی در کاهش ناهنجاری رفتاری آنها مؤثر است. بر اساس این تحقیقات رفتار باریسک بالا (مانند رفتار پُر خطر جنسی و مصرف مواد مخدر و...) در جوانانی که به کلیسا و معابد و خصوصاً مساجد گرایش دارند، بسیار کمتر است. (والس و فورمن، ۱۹۹۸، ۷۴۱-۷۲۱)

روانشناسی دینی یا همان روانشناسی مذهبی از مباحث جدیدی است که باید در راستای فعالیت‌های فرهنگی مساجد به آن توجه شود و اساس مشاوره‌های مذهبی قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶ ش.
۴. حرّعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ ق.
۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۶. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۶ ق.
۷. صدوق، ابی جعفر، محمد بن علی بن حسین بن باویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵ ق.
۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، امام درسنگر نماز، قم، ستاد اقامه نماز و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، دفتر هفتم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. کریمی نیا، محمدعلی، الگوی های تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. جهانگرد، یدالله، نحوه رفتار والدین با فرزندانش، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۳ ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول و فروع الکافی، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق / ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۴۴ ش.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۴۹ ش.
۱۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، قم، دارالاسوه، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۱۶. حسام الدین هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، نشر معارف اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۴۴.

۱۸. نوایی نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار و نابهنجار، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۱۹. شولتس، دوآن، روانشناسی کمال، الگوهای شخصیت سالم، ترجمه گیتی خوشدل، نشر نو ۸۲، ۱۹۷۷ م.
۲۰. نقیب زاده، میر عبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش پرورش، تهران، طهوری، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ ش.
۲۱. غزالی، محمد، میزان العمل، ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران، سروش، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. عزیزی تهرانی، علی اصغر، ترک نماز چرا، دارالصادقین، پاییز ۷۷.
۲۳. جرجانی، سید شریف علی بن محمد، التعريفات، المطبعة الخيرية المنشأة، الطبعة الاولى، ۱۳۰۶ ش، صص ۶۳-۶۴.
۲۴. فاخر، عاقل، علم النفس التربوي، بيروت، دارالعلم للملایین، چاپ یازدهم، ۱۹۸۵ م.
۲۵. رفعت، محمد، قاموس الطفل الطبی، بيروت، دارالمکتبة الهلال، ۱۹۹۱ م.
۲۶. امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان، کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۲۷. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان چاپ دوم، سال ۱۳۷۳ ش.
۲۸. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. دستغیب، عبدالحسین، توحید و نبوت در داستانهای شهید، تهران، نشر بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ش.
۳۰. منصور، علی، علم النفس التربوي، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۳۱. اسپاک، بنیامین، مشاكل الآباء فی تربية الابناء، بیروت، مؤسسة العربية للدراسة والنشر، چاپ سوم، ۱۹۸۰ م.
۳۲. فقیهی، علی نقی، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری مهتابان، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۳۳. شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.
۳۴. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. اسحاقی، سید حسین، سلوک علوی، قم، انتشارات بوستان کتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
۳۶. حیدری، غلامحسین، روش های دعوت کودکان و نوجوانان به نماز در خانواده، مجله پیوند، ۱۳۸۶، شماره ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴، صص ۳۳۰-۳۳۱.

۳۷. شرفی، محمدرضا و محرم آقازاده و منوچهر فضلی خانی، بلوغ و نوجوانی، تهران، مؤسسه فرهنگی منادیان تربیت، ۱۳۷۹ ش.
۳۸. شرفی، محمدرضا، مبانی و آثار روانشناختی نماز، مجله تربیت، ۱۳۸۰، سال ۱۶، شماره اردیبهشت، ۱۷.
۳۹. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، شیوه‌های برخورد با کودکان، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۴۰. سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، تهران، اولیا و مربیان، چاپ ششم، ۱۳۸۰ ش.
۴۱. دیلمی، حسن، هزارویک نکته درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸ ش.
۴۲. واعظی نژاد، حسین، طهارت روح، قم، نشر ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۴ ش.
۴۳. قائمی، علی، اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی، تهران، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ ش.
۴۴. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، تهران، دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، ۱۳۷۹ ش.
۴۵. احمدی، مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور، ۱۹۴.
۴۶. مطهری، مرتضی، احیای تفکر اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. مظلومی، رجبعلی، با تربیت مکتبی آشنا شویم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ ش.
۴۸. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۴۹. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۵۰. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرين (فرهنگ لغت)، تحقیق: حسینی اشکوری، احمد، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۵۱. الخوزی الشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشواره، بیروت، المکتب الحجازیة.
۵۲. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المکتب الحیة.
۵۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، قم، مکتب الرضویة.
۵۴. دهخدا، علی اکبر (علامه دهخدا)، لغتنامه، تهران، چاپ مجلس، ۱۳۳۲ ش.
۵۵. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد با حکام المساجد، تحقیق ابوالوفاء مصطفی المراغی، دارالکتب المصریة، قاهره، ۱۴۰۳ ق.
۵۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۲ ق.

۵۷. راشدی، حسن، نمازشناسی، تهران، نشرستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۵۸. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
۵۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
۶۰. خزائی، محمد، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۸ ش.
۶۱. قندوزی حنفی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، قم، انتشارات اسوه.
۶۲. قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، قم، مؤسسه مسجد، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۶۳. بشار عواد معروف و همکاران، المسند الجامع، بیروت، دارالجيل، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م.
۶۴. ابن اُخُوّه، ضیاء الدین محمد بن محمد بن احمد بن ابی زید قرشی، معالم القربة فی احکام الحسبة، مترجم جعفر شعار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷ ش.
۶۵. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، دارالمعارف، قاهره.
۶۶. همدانی رفیع الدین، اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله (به روایت عبدالملک ابن هشام)، ترجمه مدرس صادقی، جعفر، تهران، نشرمرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.

67. John M. Wallace Jr, Tyrone A. Forman (۱۹۹۸), Religion's Role in Promoting Health and Reducing Risk Among American Youth, Health Education & Behavior.



تربیت مسجدی کودک در سیره اهل بیت علیهم السلام

مهدی محمدی فناغستانی^۱

چکیده

مسجد در تمدن اسلامی، جایگاه ویژه‌ای داشته است. دستورات اسلام در قبال مسجد به گونه‌ای است که باعث ایجاد رفتار خاصی در فرد مسجدی می‌شود. این رفتار منجر به آن می‌شود که فردی مولّد برای اسلام تربیت گردد. از این رو تربیت افراد از بدو کودکی می‌تواند نسلی مسجدی با اخلاق خاص مسجد، به جامعه ارائه نماید. در این پژوهش با تکیه بر میراث روایی معصومین علیهم‌السلام سعی شده روش منظمی برای تربیت مسجدی مبتنی بر دلایل درونی و علل بیرونی مؤثر بر کودک ارائه گردد. در فصول دلایل، وراثت و شکل‌گیری شخصیت و اعتماد سازی کودک به مسجد بررسی شده و در فصول علل، تأثیر تشکیل گروه‌های همسالان، الگوهای مسجدی و کیفیت اقامه نماز بر تربیت کودک بررسی می‌گردد. چهارچوب نظری این پژوهش بر اساس کتاب تربیت کودک استاد صفائی حائری قالب بندی شده و غالب منابع از منابع حدیثی دست اول شیعی هستند و عنوانی با نام نکته و اشاره در نظر گرفته شده تا مفهوم احادیث را به شرایط زمان حاضر نزدیک کرده و موارد استثناء را بیان دارد.

واژگان کلیدی: مسجد، تربیت کودک، اهل بیت، تمدن اسلامی، مراحل رشد کودک.

مسجد مهم‌ترین پایگاه اسلام و اصلی‌ترین جایگاه تمدن‌سازی انسان است. از آن رو که مسیر اصلی حرکت انسان به سوی خدا در بعد مکانی است. در تاریخ اسلام بیشتر دستاوردهای تمدنی و فرهنگی پیوستگی تامی با مسجد دارند. آنچه که اهمیت زیادی دارد تربیت نیروی انسانی پیوسته و همراه با مسجد است به گونه‌ای که علاوه بر آن اخلاق مسجدی را نیز اکتساب نماید. ثمربخش‌ترین تربیت برای نیل به این هدف، تربیت کودک مسجدی است؛ چرا که تربیت از کودکی، تلازم در بزرگسالی را به دنبال خواهد داشت زیرا شالوده فرد در هنگامی که پذیرای اهداف و عقاید است در دوران کودکی شکل می‌گیرد. از این رو اهل بیت علیهم‌السلام برای تربیت کودک مسجدی اهمیت زیادی قائل بودند. این امر در گذشته جوامع اسلامی چنان رایج بوده که فصلی جداگانه برای این امر در احادیث و متون اسلامی قرار داده شده است. چرا که پیوند میان مسجد و نهادهای اجتماعی چنان عمیق بود که خواه ناخواه زندگی فرد با مسجد گره می‌خورد. با ورود سبک زندگی مدرن به جهان اسلام و کم‌رنگ شدن دین در زندگی مسلمانان، مساجد نیز کارکردهای فعال خود را از دست دادند. تا جایی که نقش مسجد به صورت مهجور به نمازهای جماعت و مناسبت‌های مذهبی محدود شد و پیوند عمیق خود را با نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، اقتصاد، آموزش و ... را از دست داد. در چنین شرایطی که ته‌اجم فرهنگی از نسل نونهال، تبلیغات خود را آغاز می‌کند، این سؤال برای ما مطرح می‌شود که تربیت مسجدی کودکان برای بار آوردن مسجدی‌های ثابت قدم چگونه باید باشد؟

مسئله اولین گام برای پاسخ به این سؤال مراجعه به میراث تمدن اسلامی است. مهم‌ترین

این میراث قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام است که در وهله اول باید به آنها مراجعه نمود. اما پیچیدگی مطلب آن است که احادیث صریح در مورد تربیت مسجدی کودک در دست نیست، چرا که این نیاز اکنون ایجاد شده و در گذشته، کودک در پروسه جامعه‌پذیری مسجدی می‌شد. در حالیکه اکنون مسجد برای کودکان ما و حتی خود ما غریب و نا آشنا است. از این رو برای استخراج مفاهیم تربیتی مسجدی در سیره اهل بیت علیهم السلام باید در گام اول به تقریرات معصومین علیهم السلام توجه نمود، سپس متغیرهای بحث را مورد توجه قرار داد. این متغیرها عبارتند از احادیث مربوط به تربیت کودک و احادیث مربوط به مسجد. گام دوم آن است که با استفاده از ابزار عقل این منبع روایی را مطابق با زمینه‌های اجتماعی زمانه خود به کار بگیریم. یعنی طبق نیاز زمانه خود شرح دهیم. این مطلب هر چه بر اساس تجربه شخصی نبوده و متکی بر نظریات علمی باشد نتیجه بهتری خواهد داشت.

فصول این پژوهش به سه بخش کلی تقسیم می‌شود: بخش اول تربیت در اسلام بر اساس احادیث و چهارچوب نظری است. بخش دوم به عوامل درونی که کودک را به مسجد جذب نموده و یا از آمدن به مسجد باز می‌دارد، می‌پردازد و از این رو تحت عنوان «دلایل» به معنی عوامل درونی آمده است. بخش سوم به عوامل خارجی مؤثر در تربیت مسجدی کودک می‌پردازد و از این رو تحت عنوان «علل» به معنی عوامل خارجی آمده است. در انتهای هر فصل نیز مطلبی تحت عنوان نکته و اشاره آمده تا هم متن احادیث را به زمان حاضر نزدیک کند و هم نکات استثناء و موانع هر مبحث بر شمرده شود.

الف) تربیت کودک در اسلام

تربیت در اسلام، پیش از تولد آغاز می‌گردد و تا حدود بیست سالگی ادامه دارد در تمامی این مسیر دستورات خاصی مطابق با شرایط سنی و اجتماعی فرزند آمده است. اما بی شک مؤثرترین دوران تربیت، سنین کودکی یعنی تا حدود ۱۲ سالگی است. در این زمان والدین بیشترین سهم را در تربیت فرزند خود دارند.

دین تربیتی والدین نسبت به فرزندان شان زمانی ادامه می‌شود که وظایف الهی خود را در تربیت نسل موفق به جا آورند. یکی از اینها وظایف والدین در قبال مسجد است. چنان که در حدیث شریف از امام صادق (ع) آمده:

«ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَمُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ.» (کلینی ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ۶۱۳)

سه چیز نزد خداوند عزوجل شکایت کنند: مسجد خرابی که اهالی [اطراف] آن در آن نماز نخوانند، و دانشمندی که در میان عده‌ای نادان قرار گرفته باشد، و قرآنی که در کنار طاقچه‌ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند.

در بیانی دیگر از امیر المؤمنین (ع) آمد:

«لَيْسَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ صَلَاةٌ إِذَا لَمْ يَشْهَدْ الْمَكْتُوبَةَ فِي الْمَسْجِدِ، إِذَا كَانَ فَارِغًا صَاحِحًا.» (حمیری ۱۴۱۳ ق، ۱۴۵)

اگر همسایه مسجد، فارغ و سالم باشد و برای گزاردن نماز واجب در آن حاضر نشود، نمازش پذیرفته نیست.

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: نماز آن کسی که از

همسایگان مسجد باشد و در نماز جماعت حاضر نشود، نماز نیست یا نمازش درست نیست، مگر کسی که بیمار یا گرفتار و درگیر کاری ضروری باشد.

رسول خدا ﷺ به جمعی فرمود: «حتماً باید به نماز جماعت در مسجد حاضر شوید، در غیر این صورت بدون تردید خانه‌هایتان را آتش خواهیم زد.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ص ۲۸)

با این ترتیب اگر فردی در تربیت فرزند خود نکوشد و آن را مسجدی بار نیاورد بی گمان مسئولیت کم‌شدن افراد غیر مسجدی از نسلش بر گردن وی خواهد بود. در احادیث تربیتی به صراحت بیان شده که وظیفه پدر و مادر، تربیت صحیح و حسن کودک است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَا حَلَّ وَالِدٌ وَوَلَدٌ مُّحَلًّا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ.» (نوری، ۱۴۰۸، ق، ۱۶۵)

پدر ارثی را برای فرزندش باقی نمی‌گذارد که بهتر از ادب و تربیت نیک باشد.

در بعضی از روایات، این تربیت به صورت مصداقی ولی دارای مفهومی کلی بیان شده: «به کودکان مطالب سودمند بیاموزید، عقاید شیعه را به آنها تعلیم دهید تا مخالفان بر

آنها غالب نشوند.» (حرانی، ۱۳۸۲، ۱۵۹)

انجام این مهم برای والدین هم فریضه است و هم می‌تواند مایه سعادتی یا شقاوت آنها گردد، «حق فرزند این است که بدانی جزئی از وجود تو است، در دنیا با هر خیر و شری که دارد به تو منسوب است، در حسن تربیت، راهنمایی به خدا، و کمک به او در اطاعت از تو، و ایجاد روح فرمان برداری در او، مسئولی و در این باره پاداش یا کیفر داری؛ پس با وی چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیتت زیب و زیور (و مایه سرفرازی) تو باشد، و (در آخرت) بر اثر انجام وظیفه در پیشگاه خدا معذور باشی، و لا قوة الا بالله.» (حرانی، ۱۳۸۲، ۴۱۷)

همان طور که مشخص شد وظیفه سنگین تربیت بر گردن والدین است اما این تربیت راهکارهای خاص خود را دارد در بیان‌های معروفی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده:

«الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَالَالَ وَالْحُرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ۴۷)

کودک هفت سال بازی می‌کند، هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام یاد می‌گیرد.

«الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعَ سِنِينَ، وَعَبْدُ سَبْعَ سِنِينَ، وَوَزِيرُ سَبْعَ سِنِينَ.» (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۷، ۳۳۴)

فرزند تا هفت سال سید و آقا است و هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر و کمک است.

حال به طور اخص، تربیت کودک برای حضور در مسجد باید چگونه باشد تا نسل

نخواسته عضو ثابت مسجد باشند؟

کسی که می‌خواهد کودکی را به هدفی، به مکتبی، به عقیده‌ای پایبند سازد، نباید اینها را به او تزریق کند و تحمیل کند و با جایزه‌ها و کف‌زدن‌ها او را حرکت بدهد و با شعارها او را داغ نماید. ما می‌بینیم آنها که در خانواده مذهبی و در دامن روحانی تربیت شده‌اند مادامی که در محیط سنتی بودند با همان سنت‌ها مأنوس بوده‌اند. اگر از این محیط بیرون نمی‌رفتند شاید تا آخر عمر هم معتقد و جدی می‌ماندند، اما اینها هنگامی که به محیط‌های باز و آزاد می‌رسند و با ضدسنت‌ها روبرو می‌شوند، ناچار از گذشته می‌برند و به نفرت و انزجار می‌رسند. (صفائی حائری ۱۳۸۷، ۳۸) البته در جامعه‌های بسته و یا در جامعه‌های متضادی که رو به حرکت گذاشته‌اند، مانند جامعه اصیل اسلامی می‌توان افراد را با مذهب آشنا کرد و می‌توان آنها را با سنت‌ها آشتی داد، بدون آنکه این آشنایی و سنت نتیجه بد بدهد، چون در این جامعه سنت‌ها متحرکند و زیر بنا دارند و مشکلی ایجاد نمی‌کنند و لذا می‌بینیم پیشوایان دستور می‌دهند که کودک را با قرآن و با مذهب آشنا کنید، و تمرینش دهید، زیرا در جامعه اسلامی تضادهای اجتماعی به حرکت در آمده‌اند و تضاد از بیرون به درون افراد کشیده شده و در سطح جامعه تضادی نیست، بلکه آنچه باعث تشنج و تزلزل افکار و سد حرکت باشد از آن جلوگیری می‌شود و از میان می‌رود. (صفائی حائری ۱۳۸۷، ۴۴)

نیل به این امر نیاز به آن دارد که مربی کودک - اعم از والدین و معلمان - سه ویژگی را در وی بارور کند:

- ۱. شخصیت و استقلال
- ۲. حریت و آزادمنشی
- ۳. تفکر و تحلیل

هنگامی که کودک شخصیت داشته باشد، تقلید نمی‌کند و تحت تأثیر هر حرفی و هر مکتبی قرار نمی‌گیرد. حریت و آزادمنشی کودک را می‌سازند تا اگر روزی به اشتباهی پی ببرد، پیگیری نکند و لجاجت نوزد و عقیده‌ای را بر عقیده‌ای ترجیح ندهد؛ مگر آنکه از رجحان و امتیازی برخوردار باشد. تفکر ر کوردها را می‌شکند و هر گونه عقیده سنتی مهاجم را مهار می‌کند و تحلیل می‌برد. تفکر و تحلیل آن هم در زمینه حریت و آزادی و با خصوصیت شخصیت و استقلال، به نتیجه‌ای بزرگ خواهد رسید. این امر وقتی محقق می‌گردد که مربی سه روش در قبال کودک پیش گیرد. تزکیه، تعلیم و تذکر (عادت).

طبق چهار چوب نظری، این مبحث به دلایل داخلی و علل بیرونی تقسیم می‌شود تا

درک بهتری از آن به دست آید. اولین دلیل داخلی و متقدم بر علل که سازنده شخصیت است. وراثت و امتزاجیست که با رفتار مسجدی همراه باشد. دیگر دلیل بررسی شده عوامل جذب روانی کودک است که قسمی از تفکر وی را شکل می دهد. در بخش علل به دو علت الگوهای مسجدی و گروه های همسالان پرداخته می شود. الگوهای مسجدی به عنوان مربی دو وظیفه تزکیه و تعلیم را به صراحت به دوش می کشند و گروه همسالان تقریباً در هر سه قسم تربیت کودک، شخصیت، حریت و تفکر مؤثرند. در فصل آخر نحوه جذب کودک و عوامل دافعه وی به صورت مصداقی در نماز جماعت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب) دلایل داخلی

۱. وراثت

در تفکر اسلامی بخش قابل توجهی از تربیت مربوط به پیش از به دنیا آمدن کودک می باشد. ممکن است علم مدرن تا جایی با این نظر همراه باشد که تربیت به توارث و ژنتیک مربوط شود اما آنچه که در اسلام مطرح است، چندین گام فراتر از ژنتیک است. در بعضی از احادیث آمده که سعادت و شقاوت فرد از زمانی مشخص می گردد که در شکم مادر است. رسول خدا ﷺ فرموده است خوشبخت در شکم مادرش خوشبخت است. (کلینی ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۵۲) یا در حدیثی دیگر آمده: «الشقی من شقی فی بطن امه» (کلینی ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۵۲) این امر بسته به آن است که والدین قبل و هنگام امتزاج نطفه چه میزان روحیه الهی داشته باشند. روایت است که امام زین العابدین علیه السلام گدایی را در روز عرفه دید که از مردم در خواست کمک می کرد، به او فرمود: «وای بر تو! آیا در این روز از غیر خدا در خواست می کنی؟! همانا که در این روز برای آنچه در شکم های زنان باردار وجود دارد، امید می رود که سعید باشند». (ابن بابویه ۱۳۶۷، ج ۳، ۴۰) در جای دیگر آمده که اسحاق بن عمار گوید: «بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: نزد مردی می روم و بعضی از سخنم را می گویم او تمام مقصود مرا می فهمد و مردی دیگر نزد او می روم و تمام سخنم را به او می گویم او طبق گفته من جواب می دهد و مردی دیگر نزد او می روم و سخنم را می گویم او (چون مقصود مرا نمی فهمد) می گوید دوباره بگو. فرمود: ای اسحاق میدانی چرا چنین است؟ گفتم: نه، فرمود: آنکه تمام سخن تو را از بعض گفتارت می فهمد، کسی است که نطفه اش با عقلش خمیر شده است و آنکه پس از اتمام سخنت جوابت را می گوید کسی است که عقلش در شکم مادر با او آمیخته

است و آنکه چون سخنش گوئی گوید: دوباره بگو کسی است که پس از بزرگ شدن عقلش به او آمیخته شده او است که می گوید دوباره بگو.» (کلینی ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰)

با توجه به این روایات مسجّل است که تربیت مسجدی کودک تا حدّ قابل توجهی به رفتار والدین قبل از به دنیا آمدن کودک بستگی دارد. هر شخص در قبال مسجد وظیفه‌ای دارد. هنگامی که در قبال این وظیفه قصور ورزد احتمال این مطلب که فرزند وی مسجدی شود کمتر می‌گردد.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده: «هر نوزادی به فطرت خداشناسی و مسلمانی زائیده می‌شود جز آنکه پدر و مادرش هم آن کسانی هستند که او را منحرف می‌سازند و یهودیش می‌کنند، نصرانیش بار می‌آورند، کیش گبران به او می‌آموزند.» (ابن بابویه ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵) طبق این روایت مسجّل است که نخستین گام تربیت کودک، از والدین آغاز می‌گردد. حال به تعدادی از روایات می‌پردازیم که اهمّیت مسجد را بیان می‌دارند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ» (نوری ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۲) هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می‌کند وی را مؤمن بدانید. خداوند متعال می‌فرماید: تنها آنان که ایمان به خداوند دارند مساجد خدا را آباد می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که پیاده به سوی مسجدها رود، پای خویش را بر هیچ خشک و تری نهد جز آنکه این زمین تا زمین هفتم برای او خدا را تسبیح گویند و به پاکی یاد کنند. بالعکس آن نیز در مورد محجوریت مسجد از امام صادق علیه السلام روایت شده: «سَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى) الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا، فَأَوْحَى اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) إِلَيْهَا: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبِلْتُ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً، وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً، وَلَا نَالَتُهُمْ رَحْمَتِي، وَلَا جَاوَزُونِي فِي جَنَّتِي» مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خداوند متعال شکایت کردند. خداوند عزّوجلّ به آنها وحی فرمود: به عزّت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و در بهشت، همسایه من نشوند. (طوسی ۱۴۱۴، ص ۶۹۶)

اینها و بسیاری موارد دیگر از احادیث که تأکید زیادی بر رفت و آمد به مسجد دارند نشانگر آنند که رفت و آمد به مسجد بر نطفه و فرزند تأثیر می‌گذارد.

نکته و اشاره: این امر مسلم است که وراثت موجب تأثیر در ادب کودک می‌گردد، پس

نخستین گام برای تربیت کودک مسجدی را باید از پیش از تولد وی آغاز کرد و آن نیز با پدرانی مسجدی است. هر گام پیشتر یعنی یک راه محکم تر برای نسلی مسجدی.

۲. شخصیت سازی برای کودک

دین اسلام برای تربیت کودک در دوره اول رشد اهمیت زیادی قائل شده و دستوراتی که در این باره وارد شده است بیشتر متضمن آن است که فردی فعال، متفکر و مستقل بار آید تا فردی مذهبی. چرا که مذهبی شدن به راحتی ممکن است ولی عواقب نامطلوب زیادی دارد. کودکی که تربیت مذهبی بدون تفکر داشته باشد در معرض خطرات گوناگونی است. از جمله تفکرات خشک مذهبی که بروز آن در اندیشه های سلفی مشهود است. اما کودکی که تفکری مستقل داشته باشد و شخصیتی محترم برای وی به وجود آورده باشند این چالش ها را ندارد زیرا هم از مناعت طبع برخوردار است هم با تعقل می تواند راه درست از راه نادرست را تشخیص دهد. روش های تربیتی اسلام برای کودک از بدو تولد آغاز می شود از پیامبر ﷺ روایت شده: روزی رسول خدا ﷺ جهت خواندن نماز از خانه بیرون شد. (یا جهت نماز عید از شهر بیرون رفت). در آن زمان امام حسین ﷺ که طفلی خردسال بود هنوز به سخن گفتن در نیامده بود. (به اصطلاح هنوز زبان باز نکرده بود) تا آنجا که نگران بودند، مبادا هرگز زبان به سخن گفتن باز نکند و بی زبان (لال) باشد، رسول خدا ﷺ امام حسین ﷺ را در حالی که بر گردن یا بر دوش خود گرفته بود بیرون آورد، و مردم پشت سر آن حضرت صف کشیده بودند، پیامبر ﷺ آن حضرت را در سمت راست خود قرار داده و آهنگ نماز کرد و تکبیر گفت، امام حسین ﷺ نیز گفت: «الله أكبر» رسول خدا ﷺ چون آواز تکبیر او را شنید دوباره تکبیر گفت، و امام حسین ﷺ نیز بار دیگر گفت: «الله أكبر» و این عمل تکرار شد تا اینکه رسول خدا ﷺ هفت بار تکبیر گفت، و امام حسین ﷺ نیز تکبیر گفت، و سنت بر گفتن هفت تکبیر افتتاحیه جاری گشت. این عمل در مرحله رشد روانی-اجتماعی با نام اعتماد در برابر بی اعتمادی شناخته می شود این مرحله مهم ترین و تأثیر گذارترین مرحله در رشد کودک است. آنچه از سنت پیامبر ﷺ برای ما باقی ماند، آن است که کودک در سنین ابتدایی با مسجدانس داشته باشد آن هم به گونه ای که هویت و جهان بینی پیوسته با مسجد، داشته باشد. همچنین از رسول خدا ﷺ درباره احترام به شخصیت کودک نقل شده که فرمود: پنج چیز است که تا بمیرم ترک نکنم... سلام بر کودکان، تا روش پس از من باشد.

با این نگاه، کودک دارای هویتی مستقل شناخته می‌شود و از آسیب‌های بی‌توجهی در امان است. این روش در روان‌شناسی رشد اریکسون، در مرحله دوم رشد، تحت عنوان خودگردانی و اتکاء به نفس در برابر شرم و شک آمده است. این رفتار با ترکیبی از رفتار رحمانی همراهی چند برابر دارد. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «بوی فرزند از بوی بهشت است و چون پدر به فرزند خویش بنگردد او را خشنود کند، برای او پاداش آزاد کردن برده‌ای است»^۱ و ایشان همچنین می‌فرمایند: «فرزندانتان را بسیار ببوسید که برای شما در قبال هر سه بوسه درجه‌ای در بهشت است که اندازه آن پانصد سال راه است.»

و گفته شده است که پیامبر ﷺ، امام حسن علیه السلام را می‌بوسید، اقرع بن حابس^۲ گفت: من ده پسر دارم و هیچ کدام را نبوسیده‌ام. پیامبر فرمودند: «آن کس که رحم و مهربانی نکند به او مهربانی نمی‌شود.» (نیشابوری ۱۳۶۶، ۵۸۸)

محبت هم‌ثمره دنیوی دارد هم‌ثمره اخروی و تأثیری معجزه‌آسا دارد، چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «لأن الإنسان عبید الإحسان» (مجلسی ۱۴۰۴، ج ۸، ۳۶۸) حال انسان عاقل این حالت را برای کودک متصور شود که محبت از سوی اعضای مسجد چه تأثیری می‌تواند داشته باشد. مرحله بعد، شخصیت‌دهی به کودک است. این امر از طریق واگذاری مسئولیت‌هایی به کودک میسر است که بتواند از پس آنها برآید و او را در جمع مطرح نماید. از امام صادق علیه السلام روایت شده: «در طواف کعبه، کودکان خود را همراه ببرید و در سنگ زدن بر سر شیطان از آنان نیابت کنید.» (کلینی ۱۳۶۳، ج ۴، ۳۳) اذان و اقامه گفتن کودکان در مسجد انجام امور مذهبی و فعالیت‌های مسجدی در ایجاد شخصیت مذهبی و مسجدی برای کودک بسیار مؤثر است. مطلب مهم آن است که هر چه این مراحل به صورت غیر مستقیم یا به قول استاد صفایی غیر تزییقی باشد، (صفائی حائری ۱۳۸۷، ۳۸) در این صورت است که فرزند تریبیت خواهد شد چرا که خود تحلیل‌گر است و در هر سنی تعاملات خود با دیگران را در ارتباط با خدا می‌بیند. از صفوان جمال روایت شده: از امام صادق علیه السلام درباره صاحب امر امامت پرسیدم، فرمود: صاحب این امر بازی و بیهوده‌گری نکند، آنگاه ابو الحسن موسی که کودک بود و بزغاله‌ای مکی همراه داشت و به او می‌گفت: «پروردگارت را سجده کن» آمد، امام صادق علیه السلام او را در آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم فدای کسی که بازی و بیهوده‌گری نکند. (پس امام علیه السلام

۱. مرحوم مجلسی هم در بحار الانوار، ص ۸۰، ج ۷۴، چاپ جدید، این دو روایت را از همین منبع نقل کرده است.

۲. پس از فتح مکه مسلمان شده است. برای اطلاع بیشتر از شرح حال و بعضی فرومایگی‌های او می‌توان به اسد الغابه، ابن اثیر، ص ۱۰۷، ج ۱، مراجعه کرد.

اگر چه کودک باشد، از بزغاله‌ای هم که وسیله بازی کودکان است، استفاده ذکر خدا و یاد ربوبیت او و خضوع در پیشگاه مقدسش می‌کند. (کلینی ۱۳۶۲، ج ۲، ۸۷)

نکته و اشاره: در حال حاضر چه میزان حضور اطفال در مساجد قابل تحمل است؟ سنت نبی اکرم ﷺ بر آن بود که حسنین را از نوزادی با خود به مسجد می‌بردند ولی اکنون اگر کودکی موقع نماز باعث حواس پرتی عده‌ای گردد با وی چه برخوردی خواهد شد؟ همان گونه که در بالا بیان شد این سنین حساس‌ترین موقع برای تربیت یک انسان است. بنا به نظر اریکسون اگر اعتماد به نحو موفقیت‌آمیزی در کودک رشد یابد، او در دنیا احساس امنیت خواهد کرد. اگر پرستار (در اینجا اعضای مسجد) ناسازگار، پس‌زنده یا از نظر عاطفی غیر قابل دسترس باشد، به رشد حس بی‌اعتمادی در کودک کمک می‌کند. عدم توفیق در رشد اعتماد، به ترس و باور این که دنیا ناسازگار و غیر قابل پیش‌بینی است منجر می‌گردد، گاهی قداست ناممکن است یک نسل را از مسجد و نماز جماعت زده کند. شاید نهیب پیرمرد مسجدی بر سر کودک چندان در آن لحظه مهم نباشد، اما عوامل جاذبه‌ای هستند که به راحتی کودکی را که از مسجد بریده شده به خود جذب کنند. آن هم با وجود روایاتی از معصوم که می‌فرماید: «وهر خلافتی که از خردسال سرزند کفارهای ندارد.» (حرانی ۱۳۷۶، ۴۶۸)

راه درمان این مطلب نیز کمی تاب‌آوری و بردباری است که سیره عملی حضرت رسول ﷺ مالا مال از آن است از امام صادق (ع) روایت شده: جدم رسول خدا ﷺ با مردم نماز ظهر می‌خواند و دو رکعت آخر نماز را سریع و خفیف ادا کرد. موقعی که رسول خدا ﷺ نماز خود را سلام داد، پرسیدند آیا دستور جدیدی درباره نماز صادر شده است؟ رسول خدا ﷺ گفت: از چه جهت؟ گفتند: شما دو رکعت آخر نماز را بسیار سریع و خفیف ادا کردید. رسول خدا ﷺ به آنان گفت: آیا فریاد کودک را نشنیدید؟ (کلینی ۱۳۶۳، ج ۵، ۲۰۴)

این رفتار را با عملکرد مسجدی‌های اکنون مقایسه کنیم حجت الاسلام قرائتی در کتاب خاطر اتشان آورده‌اند که هفت ساله بودم که به یکی از مساجد کاشان رفتم، در صف اول نماز جماعت ایستاده بودم که پیرمردی مرا گرفت و مثل گربه به عقب پرتاب کرد و گفت: بچه صف اول نمی‌ایستد! و این در حالی بود که با بی‌احترامی هم جایی را غصب کرد و هم ذهن کودکی را نسبت به نماز و مسجد مکدر کرد پس از گذشت سال‌ها هنوز آن خاطره تلخ در ذهنم مانده است. (بهشتی بی‌تا، جلد ۱، ۷)

ج (علل

۱. گروه همسالان

«فإن يد الله مع الجماعة، وإياكم والفرقة! فإن الشاذ من الناس للشيطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب» (شریف الرضی ۱۴۱۴، ۳۱) همواره با گروه و جماعت باشید که دست قدرت الهی، همواره پشت سر جماعت است. از هر گونه تفرقه پرهیزید که گروه اندک از مردم، طعمه شیطان هستند؛ همان گونه که گوسفندان جدا شده از گله، طعمه گرگ هستند.

این سخن امیر المؤمنین علیه السلام به خوبی اهمیت گروه اجتماعی را از منظر دینی بیان می‌فرماید. گروه‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل سلامت یا ناسالمی جامعه‌اند، چرا که به میزان قابل توجهی از تأثیرات اجتماعی افراد، از این گروه‌ها می‌باشد. این اهمیت برای گروه‌های نونهالان و کودکان اهمیتی چند جانبه دارد. در گام اول ایجاد گروه‌های همسالان باعث تقویت واکنش صحیح و به موقع اجتماعی شده و کودک از سطح آگاهی اجتماعی بالایی برخوردار می‌شود. در گام بعدی باعث افزایش نشاط وی از طریق تعاملات با سایر افراد گروه می‌شود و در گام آخر روند جامعه‌پذیری را برای وی تسریع می‌کند. حال اگر این سه گام در مسجد برداشته شود بسیاری از هزینه‌های تربیتی، درمانی و امنیتی کم خواهد شد چرا که کودک به طور غیرمستقیم در تعامل با گروه همسالان در فضایی معنوی رشد مذهبی می‌یابد و از آفاتی چون تنهایی عدم جامعه‌پذیری و یا جذب در گروه‌های ناسالم اجتماعی به دور می‌ماند. این شرایط مانند آن نیست که کودک در فضایی کاملاً استریل و به دور از آلودگی باشد و با تماس با ناهنجاری‌های جامعه و فرهنگ غربی راه خود را عوض کند، بلکه آموزش گروه همسالان روندی بسته نیست، آموزشی غیر مستقیم و عمقی در رفتار فردی است که در زمینه‌ای مذهبی صورت گرفته و فرد را هم با شرایط بیرونی و هم با ارزش‌های دینی آشنا می‌سازد.

حال نکته مهم این است که تشکیل این گروه‌های هم‌سن چه گونه مقدور است؟

در زمان اهل بیت معصومین علیهم‌السلام به چند صورت این امر محقق می‌شد:

مساجد همواره برای عموم مردم باز بود و چون مرکز توجه و از مهم‌ترین اماکن شهر محسوب می‌شد این امکان فراهم می‌آمد تا به عنوان محل بازی کودکان یا به اصطلاح پاتوق آنها قرار گیرد. برعکس زمان حاضر که مساجد فقط در وقت نماز باز هستند. همراهی کودکان با والدین برای حضور در نماز باعث می‌شد که زمینه‌های آشنایی فراهم شود.

به علت اینکه در گذشته نهاد خانواده بسیط بود و روابط صله ارحام شیوع داشت عموماً کودکان روابطی محکم از جنس خویشاوندی داشتند و ظهور این امر در مسجد، گروه‌های منسجم کودکانی بود که به نماز، یادگیری قرآن و بازی می‌پرداختند.

اجتماعات درسی و قرائت قرآن در قالب مکتب‌خانه آن هم به صورت بسیار وسیع امری مهم در ایجاد گروه‌های همسالان بود. در مورد ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم هلالی نقل شده: وی از تابعین و مفسر قرآن بود. اصلش از کوفه بود ولی در بلخ و مرو و بخارا زندگی می‌کرد و از اصحاب امام علی بن الحسین علیهم‌السلام نیز بود. وی نویسنده التفسیر الکبیر و التفسیر الصغیر است. روایت شده معلم اطفال بود و در مکتب‌خانه‌اش سه هزار کودک درس می‌خواندند و او به سبب ناتوانی خود و کثرت شاگردان سوار بر خر، میان ایشان می‌گشت. (ثقفی ۱۳۷۴، ۲۴۰) اذان و اقامه و اموری از مسجد که به این قشر سنی واگذار می‌شد تا حد زیادی در ایجاد هویت آنها مؤثر بود و به آنها شخصیت می‌داد.

نکات یاد شده از نوع علت و معلول نیستند بلکه از نوع کنش و واکنش هستند، یعنی هر یک از عوامل یاد شده مقوم دیگری است و در یک راستا نتیجه مشترکی دارند و آن نیز ایجاد گروه‌های صمیمانه همسالان است. مجموع این عوامل باعث می‌گردد که مسجدی بودن برای جوامع اسلامی به صورت پایدار باقی بماند.

با ورود مدرنیته به جهان اسلام این گروه‌های همسالان به جاهای دیگر نقل مکان کرد مانند مدارس و گروه‌های دوستی که پاتوقشان در پارک‌ها بود. با کم شدن جذابیت مساجد و جدایی نسل‌ها از یکدیگر موجب گردید کم‌کم گروه‌های همسالان در مسجد هویت خود را از دست بدهند و تنها به صورت غیر منسجم ندرتاً در بعضی مساجد آن هم در قالب کلاس‌های تابستانی، کودکان را جذب مسجد نمایند. در صورتی که در گذشته جهان اسلام، گروه

همسالان با مسجد پیوندی اجتماعی و هویتی داشتند لذا در آن زمان این سؤال اصلاً مطرح نبود که چگونه کودکان را به مسجد جذب کنیم؟ کودک در مسجد و محلات با همسالان خود بزرگ می‌شد. هر محله، مسجد خود را داشت که با مسجدی‌های خویشاوند پر می‌شد زیرا هر یک فرزندان خود را به مسجد می‌آوردند. در واقع پیوند گروه‌های همسالان در مسجد از طرق مختلف آن هم با پیوندهای بسیار محکمی مانند نهاد خانواده بود.

نکته و اشاره: مسلماً شرایط فعلی قابل برگشت به قالب زندگی گذشته نیست و باید راهکارهای مطابق زمان خود اتخاذ گردد. اما می‌توان از تاریخ و سیره معصومین علیهم‌السلام الهام گرفت. شاید نتوان حدیثی در رابطه با افزایش آگاهی اجتماعی از طریق گروه‌های همسالان یافت اما می‌توان با ترکیب اصول دینی نسخه‌ای مطابق با شرایط زمانه یافت. به عنوان مثال صلهٔ رحم مسجدی‌ها فقط پیوند دو دوست نیست بلکه پیوند خانواده‌ها هم هست. این پیوند از طریق دید و بازدید در مسجد به همراه فرزندان تثبیت می‌گردد. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «هر که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از این هشت چیز را به دست آورد: برادری که در راه خدا از او بهره‌مند گردد، دانشی برگزیده، نشانه‌ای استوار، رحمتی مورد انتظار، سخنی که او را از تباهی باز دارد، سخنی که بشنود و او را بر راه هدایت رهنمون شود و یا گناهی را به سبب بیم یا آزرم ترک کند.» (ابن بابویه ۱۳۸۲، ۷۵)

متأسفانه یادمان رفته که بچهٔ سالم کسی است که شور کودکی داشته باشد، انرژی داشته باشد و هنگامی که کودک آن به هم می‌رسند چه نشاطی از خود بروز می‌دهند. این امر کاملاً طبیعی و دال بر صحت روانی است. اگر خواسته باشیم کودکی موقر و ساکت مانند پیرمردی مسجدی که ۵۰ سال به عبادت پرداخته، داشته باشیم، تنها یک نتیجه بیشتر ندارد. از دست دادن نسلی که مسجدی‌های حال و آینده‌اند. این نکته را هم فراموش نکنیم، هنگامی که تعداد غیر مسجدی‌ها زیاد شد اقبال عمومی نیز با آنها می‌گردد چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «انما الطاعة مع الجماعة» یعنی بیشتر مردم پیرو جمعیت‌ها هستند. (کلینی ۱۳۸۲، ج ۲، ۱۱)

۲. الگوهای شخصیتی مسجد، قهرمانان دینی

از هنگامی که تمدن اسلامی پا به عرصهٔ مدنیّت گذاشت، مسجد اساس این مدنیّت شد و غالب امور مهم از خانوادگی گرفته تا مسائل سیاسی و نظامی در مسجد تصمیم‌گیری می‌شد. از این رو افرادی که آمد و شدی به مسجد داشتند، (نماز گزاران) و مسئولین مسجد (سازنده،

مؤذن و امام جماعت) هم از لحاظ اجتماعی جایگاه ویژه داشتند و هم دستورات اسلام بر اهمیت نقش آنها تأکید می کرد. این امر که نخبگان جامعه در مسجد جمع شوند و از اعتبار اجتماعی زیادی نیز برخوردار باشند موجب می گردید تا مسجد مرکز توجهات قرار گیرد و طبعاً کودک تمام الگوها و حتی فانتزی های ذهنی خود را از این افراد می گرفت. حال با بررسی این الگوها در دو قسمت امام جماعت و نماز گزاران، تا حدی ابعاد الگو برداری و جذب کودک به مسجد را شرح می دهیم.

۲-۱. امام جماعت:

عالی ترین مقامی که تنها مسلمانان شایسته، برای آن در مسجد برگزیده اند، امامت جماعت است. از این رو پیش نماز باید شروط خاصی داشته باشد تا مسلمانان و مؤمنان بتوانند به وی اقتدا نمایند. رسول خدا ﷺ در این باره می فرماید: «پیش نماز جماعت به منزله شخصی است که به نمایندگی نزد پادشاه یا بزرگی گسیل می گردد، پس برترین و شایسته ترین شخص را در نماز پیش بدارید و به امامت گمارید.» باز آن حضرت فرمود: «اگر شما را خوش می آید یا خوش می دارید که نمازتان نیکو شود پس خوبان و برگزیدگان را به امامت در نماز پیش اندازید.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۱)

این برگزیدگی در کتاب شیخ صدوق به صورت واضح شرح داده شده است: «... سزاوارترین افراد به پیش ایستادن (امامت جماعت یا پیش نمازی) کسی است که قرآن را بهتر بداند و بخواند، یا در قرائت بهتر باشد، و اگر چند تن همه در قرائت قرآن و جودت قرائت مساوی باشند پس آگاه ترین آنان به مسائل فقه و علوم شرعی، و اگر همه از جهت فقاقت برابر باشند، هر کدام از ایشان که زودتر هجرت کرده باشد، (یعنی از بلاد کفار به بلاد اسلام هجرت کرده و قهراً به مسائل دینی آگاهی بیشتری پیدا نموده است) و اگر از حیث هجرت همه برابر باشند پس سالمندترین آنان (مراد سال های اسلام آوردن است آنکه سابقه بیشتری با اسلام دارد) و اگر در سن همه مساوی باشند پس نکوروی ترین و خوشروی ترین آنان شایسته است که جلو بایستد، و صاحب مسجد (که در آنجا امامت می کند) در مسجد خود سزاوارتر از دیگران به امامت است، و کسانی که نزدیک به امام در جماعت می ایستند باید صاحبان خرد و پرهیز کاران باشند تا اگر امام دچار سهوی شود، یا در موردی درماند و نداند راه صواب چیست یا نتواند آنچه را فراموش کرده به خاطر آورد او را راهنمایی و اعلام کنند، که چه باید انجام دهد، و با فضیلت ترین صفها، صف های اول است و با فضیلت ترین جاها در صف های اول

جای کسی است که به امام نزدیکتر است.» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۲، ۳۱)

طبق مطلب فوق امام جماعت باید از چند جهت بر سایر مردم برتری داشته باشد. این برتری‌ها موجب می‌شود که در امر نماز رهبری مسلمانان را به دست گیرد و از اعتبار اجتماعی زیاد برخوردار باشد. آنچه برای کودک اهمیت دارد محبوبیت و مرکز توجه بودن است. در تمدن گذشته اسلامی هنگامی که کودک خردسال وارد مسجد می‌شد خواه ناخواه متوجه می‌شد که از مهم‌ترین افراد در مسجد پیش نماز است، این امر خود به خود باعث پر رنگ شدن این جایگاه و صفات آن فرد برای کودک می‌شد و تبعاً اثرات تربیتی خاص خود را هم داشت، چنانکه فقیه، قاری، افراد مسن، خیرین و ... که امامت جماعت را داشتند مورد احترام قرار می‌گرفتند.

اما مهم‌ترین ویژگی تثبیت و پذیرش این الگو خوش رفتاری و نرم‌خویی پیش نماز و صورت و ظاهر پاکیزه آن بود. وجود صفات برگزیده دینی با رفتار و ظاهر جذاب موجب می‌گردید که اولاً کودک به مسجد جذب شده و ثانیاً از مهم‌ترین فرد مسجد الگوبرداری نماید. اگر امام جماعت این توانایی را داشته باشد که مخاطب خردسال خود را شیفته خود نماید بی‌شک کودکان از نماز گزاران همیشگی مسجد خواهند شد، چرا که اکنون به وضوح شاهد هستیم کودکی که شیفته شخصیتی مجازی در تلویزیون می‌شود و رفتارهای وی را موبه موانجام می‌دهد و سعی می‌کند یک قسمت از مجموعه شخصیت مورد علاقه‌اش را از دست ندهد.

نکته و اشاره: بعضی از نکات زمینه‌ واحدی برای جوامع مختلفی دارد و همیشه جواب مثبت می‌دهد مانند پاکیزگی ظاهری و آراسته بودن. از امام رضا علیه السلام سؤال شد در مورد فرمایش خدای عز و جل: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» یعنی زینت خود را بردارید و خویشتن را بیارایید نزد هر مسجدی یعنی هنگام هر نمازی، آن حضرت فرمود: «از جمله آن زینت‌ها، شانه زدن بر موی برای هر نمازی است.» (ابن بابویه ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۷۴)

اما بعضی از ویژگی‌ها باید نسبت به شرایط جامعه، عرضه گردد تا جایگزین مناسبی برای الگوهای غیر اسلامی باشد. متأسفانه بعضاً خلط مباحث اخلاقی با مسائل عرفی موجب گردیده که از مسیر سیره معصومین علیهم السلام دور شویم. به عنوان مثال شأنیت روحانیت طبق بعضی از تعاریف عرفی به گونه‌ای بیان می‌گردد که روحانی را از بدنه جامعه جدا کرده، چه رسد به اینکه مجاز بدانند مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله با کودکان بازی نماید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این

باره می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ.» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۶)

همچنین در داستان معروفی از رسول خدا ﷺ آمده که روزی پیامبر ﷺ برای نماز، به مسجد می‌رفت، در راه، گروهی از کودکان انصاری، بازی می‌کردند، تا آن حضرت را دیدند، دور آن حضرت آمدند، و به لباس او خود را آویخته ... هر یک می‌گفت: «کن جملی» شتر من باش! آن حضرت نمی‌خواست به مسجد دیر برسد. بلال حبشی از مسجد بیرون آمد و به جستجوی پیامبر ﷺ پرداخت، آن حضرت را در کنار جمعی از کودکان یافت، جریان را فهمید، بلال قصد کرد که کودکان را گوشمالی دهد، تا ایشان را آزاد کنند. آن حضرت، بلال را از اجرای تصمیم خود، نهی کرد و فرمود: تنگ شدن وقت نماز برای من محبوب‌تر از رنجاندن این کودکان است، سپس به بلال فرمود: برو حجره‌های خانه را جستجو کن و آنچه (از گردو و یا خرما و...) یافتی بیاور، تا خود را از این کودکان بخرم. بلال رفت و پس از جستجو، هشت دانه گردو یافت به حضور پیامبر ﷺ آورد، پیامبر به کودکان فرمود: «اتبعون جملکم بهذه الجوزيات» آیا شما شتر خود را به این گردوها می‌فروشید؟ کودکان به این داد و ستد راضی شدند، و گردوها را گرفتند و آن حضرت را آزاد نمودند، پیامبر ﷺ به راه خود به طرف مسجد ادامه داد، در حالی که می‌فرمود: «رحم الله اخی یوسف باعوده بثمان بحس درهم معدود» ... خداوند برادرم، یوسف را رحمت کند، که او را (برادرانش) به چند درهم اندک فروختند اما این کودکان، مرا به هشت دانه گردو فروختند، با این فرق که برادران یوسف، وی را از روی دشمنی فروختند، ولی این کودکان از روی نادانی فروختند. وقتی بلال این همه محبت را دید، تحت تأثیر قرار گرفت، و به پای مبارک آن حضرت افتاد، و به اظهار تواضع کرد و گفت: «الله اعلم حیث يجعل رسالته» خداوند می‌داند که مقام رسالت را در وجود چه کسی قرار دهد؟^۱

امامت جماعت با کمی دقت در انتخاب، بهترین الگو برای کودکان است که البته این امر نیز شرایط خود را دارد چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «پشت سر سه کس نباید نماز جماعت خواند کسی که عقیده اش و مذهبش برای تو نامعلوم است و کسی که درباره ائمه غلو کند، گرچه شیعه باشد! و کسی که آشکارا مرتکب گناه شود، گرچه در عقیده اش میانه رو باشد.» (ابن بابویه ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۷۲) قسمی از این فرمایش جنبه الگو پذیری دارد تا افراد ناصالح به عنوان امام و الگو در مسجد قرار نگیرند.

۱. مولف به کتاب نفائس الاخبار که این خبر متواتر از این کتاب نقل شده دسترسی نداشت و لذا آن را از سایت زیر نقل نموده است.

۲-۲. نمازگزاران:

مؤمنانی که در گذشته جماعت مسجدی را تشکیل می دادند از اقشار مختلف بودند و اگر رفتار اسلامی را رعایت می نمودند موارد زیادی برای نسل نونهال وجود داشت تا بتواند از آنها پیروی نماید. از جمله این طبقات و اقشار می توان به غازیان و رزمندگان، علماء و دانشمندان، خیرین، رؤسای اصناف و ... اشاره نمود. در موقعیت های خاص که هر یک از این افراد در مسجد به امور اسلامی تخصصی خود می پرداختند به الگویی مناسب برای کودکان بدل می گردیدند، به عنوان مثال، غازیان و رزمندگان.

گروه های نظامی به علت دفاع از سرزمین، عقیده و جانبازی در این راه و نیز بر خور داری از غرور و آزادگی و جسمی نیرومند، همواره محبوب ترین و مهم ترین طبقه اجتماعی پس از حاکمان و علمای دینی در تمامی جوامع بشری را تشکیل می دادند. این گروه ها غالباً منشأ ایدئولوژیک نیز داشتند. تحسین همگانی موجب می گردید تعداد قابل توجهی از نوجوانان و حتی در بعضی جوامع کودکان به این گروه ها پیوسته تا جنگجویان فردا شوند.

در تاریخ اسلام حرکت های جهادی از مساجد شروع می شد تا گروه های مطوعه برای شروع اهداف مقدس خود از خانه خدا کار خود را آغاز نمایند. این امر حالتی کلی در تاریخ اسلام بود و جهاد چه در زمان پیامبر ﷺ چه در زمان امیر المؤمنین علیه السلام و چه در سایر زمان ها و مکان ها مانند مرزهای هند، روم، شمال آفریقا، شمال آندلس، ماوراءالنهر و قفقاز، اجتماع غازیان ابتدا در مسجد بود.

رسم بر این قرار بود تا جنگجویان در مسجد اجتماع می کردند و مردم شهر نیز حاضر شده و برای رفتن آنها دعا می نمودند. مسلماً هیبت نظامیان و کار قدسی آنها، آن هم در جوی به شدت احساسی موجب می گردید که توجه نسل جوان به مبدأ حرکت آنها جلب شود؛ و چه بسیار در تاریخ اسلام رخ داده که علماء رهبری حرکت های جهادی را بر عهده گرفته اند آن هم با تکیه بر نیروی جهادی کودکانی که خود تربیت نموده و به حد نوجوانی رسانده اند، مثال آن در زمان حاضر، امام خمینی علیه السلام بود.

رزمندگانی که در مساجد حضور دارند و کوله باری از خاطره هستند، هم الگوهای مناسبی برای گروه های نونهالند و هم می توانند مسجدی های پایدار تربیت نمایند. این امر مستلزم برقراری جلسات خاطره و معرفی این قشر به کودکان است.

نکته و اشاره: در زمان حال این امر مختص به رزمندگان دفاع مقدس نیست بلکه سایر نظامیان نیز می‌توانند به عنوان الگو معرفی شوند. سرگرد نیروی انتظامی می‌تواند در مسائل امنیّت شهری به تربیت این نسل بپردازد و از درگیری‌های خود با اشرار برای این نسل الگو بسازد. نیروی سپاه پاسداران می‌تواند دید جهانی کودکان را گشوده و برای آنان الگو شود. متأسفانه اقشار نمازگزار معمولاً از حرفه خود سخن نمی‌گویند و امام جماعت نیز سعی نمی‌کند تا از این جمع مؤمنان به عنوان ابزار جذب نونهالان استفاده نماید.

نکته آخر آنکه «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ» (شریف الرضی ۱۴۱۴، ۳۹۳) جز این نیست که دل نوجوان همچون زمین میان تهنی است؛ هر چه در آن افشاند شود، همان را می‌پذیرد. آنچه که برای ما شاید دور از ذهن و کم‌اثر باشد در فضای ذهنی کودک اثربخش است اگر خوراک از مسجد و مسجدها تأمین نشود برای خود، خوراک دیگری خواهد یافت. شاید به خاطر عدم ریا و خلوص، توانایی‌های خود را پنهان کنیم، اما در این صورت آنکه خود را می‌نمایند طاغوت و دشمن است.

۳. کیفیت اقامه نماز در مسجد

معاذ بن جبل از صحابه رسول خدا و از انصار بود وی از بزرگان قراء عصر خود محسوب می‌شد. وی به خواندن قرآن علاقه زیادی داشت و هنگامی که به نماز می‌ایستاد سوره‌های بلند می‌خواند. معاذ بن جبل در زمان رسول خدا ﷺ در مسجدی امام جماعت بود. وی در نماز خویش قرائت را طولانی می‌کرد. روزی شخصی از کنار مسجد می‌گذشت و قصد کرد نماز را به جماعت بخواند. معاذ طبق معمول شروع به خواندن سوره طولانی کرد. آن شخص که برای رفتن عجله داشت، قصد انفراد کرد و نماز را به پایان برد و بر مرکب خویش نشست و رفت. این خبر به گوش رسول خدا ﷺ رسید. حضرت، شخصی را نزد معاذ فرستاد و فرمود: «معاذ! زنه‌ار از اینکه فتنه‌ساز باشی و کاری کنی که مردم نماز جماعت را ترک کنند، تو را سفارش می‌کنم که سوره‌های کوتاه مثل «و الشمس» و مانند آن را بخوانی.» (ابن بابویه ۱۳۷۶، ج ۱، ۱۶۸)

در روایتی دیگر از امیر المؤمنین (علیه السلام) آمده که خدا می‌فرماید: به هنگام امامت، نماز را چندان طول مده، نماز جماعت نه باید نفرت آور باشد، نه دست و پا شکسته؛ در صفوف مأمومین، گروهی بیمارند و جمعی گرفتار کار (و رعایت آنها لازم است). موقعی که پیغمبر ﷺ مرا بسوی

یمن می فرستاد پرسیدم چگونه برای آنها نماز بگزارم؟ فرمود: «مثل ضعیف ترین فرد آنان نماز بخوان و با مؤمنان مهربان باش.» (حرانی ۱۳۸۲، ۲۱۷)

طولانی شدن نماز برای افراد بزرگسال نیز بعضاً دشوار است چه رسد به کودکان. این امر می تواند کسالت زیادی برای کودکی باشد که در اوج انرژی خود است. به دید افراد کهنسال که امروزه غالب مسجدی ها را تشکیل می دهند، نمازی دلچسب است که مدت زیادی انسان را به خدا مشغول دارد اما این برای افرادی در همان سن شایسته است نه تمامی سنین. آفت این اطالۀ نماز جماعت آن قدر زیاد است که رسول خدا ﷺ از آن به فتنه یاد نموده است. در روایات متعددی آمده که نماز را برای کودکان سبک بدارید تا از نماز زده نشوند.

استحباب در این است که نمازها هر یک در وقت خود و با فاصله خوانده شوند. این امر در زمان معصومین علیهم السلام امری جاری و مورد تأکید بود اما اهل بیت علیهم السلام برای اینکه این امر بر کودکان دشواری ایجاد نکند اجازه داده بودند که دو نماز را در یک وقت بخوانند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده: ... تا کودکان، نماز مغرب و عشاء را یک جا بخوانند. ابو محمد علیه السلام می گفت: زود خواندن نماز عشاء بهتر از آن است که بخوابند و نماز عشاء را نخوانند. (کلینی ۱۳۶۳، ج ۲، ۳۲۰)

به تدریج با بالا رفتن سن، کودک مهیا می شود تا اعمال دینی خود را بسط دهد. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که: ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می کنیم بدان مقدار که از یک روز روزه می توانند، هر چند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد، و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد افطار می کنند تا به این ترتیب به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند، و شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند بگرفتن روزه وادارید هر چقدر از یک روز را که می توانند روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر ایشان غلبه کرد روزه خود را افطار کنند. (ابن بابویه ۱۳۶۷، ج ۱، ۴۲۶)

مسئله تدریج در تربیت کودک امری بسیار مهم است. امام علی علیه السلام درباره تدریج در امر نماز می فرماید: «علموا صبیانکم الصلوة، و خذوهم بها اذا بلغوا الحلم» منظور از حلم سن بلوغ است. (خوانساری ۱۳۶۶، ج ۴، ۳۵۳) پس تا آن زمان باید ذهن کودک را آماده کرد. اطالۀ نماز برای کودکانی که در نماز حاضرند باعث تخریب آنها نسبت به مسجد و نماز جماعت

می‌شود. در اصول تربیتی نیز مماشات با کودک به صراحت ذکر شده امام سجاد علیه السلام یکی از حقوق خردسال بر والدین آن می‌داند که از خطایش درگذرند. (حرانی ۱۳۸۲، ۴۲۷) پس به طریق اولی تحمیل آنچه که برای وی واجب نبوده و در طاقت کودک نیست، امری غیر اسلامی است. امام باقر علیه السلام بر فرزند خود که پسر بچه‌ای سه ساله بود نماز کرد و فرمود: اگر بیم آن نبود که مردم می‌گفتند: بنی هاشم بر کودکان خردسال خود نماز نمی‌گزارند، من بر او نماز نمی‌خواندم (یعنی نماز بر کسی که در این سن باشد لازم نبود). (عاملی ۱۳۶۷، ج ۱، ۴۷۲)

نکته و اشاره: بعضی از مساجد در قالب‌های گوناگون سعی کرده‌اند فضایی تلطیف شده برای نونهالان ایجاد نمایند این امر می‌تواند نوستالژی مناسبی از مسجد در ذهن کودک باقی گذارد و هم باعث می‌گردد که نماز گزاران مطابق دل خود به نماز بپردازند و هم نونهالان بر فریضه‌ای دشوار امر نشوند. اما باز این نکته مورد تأکید است که نماز جماعت باید برای همه اقشار سبک باشد زیرا به صراحت حدیث معصوم علیه السلام از ۸ سالگی باید کودک را به نماز امر کرد ولی نه نمازی که بیش از حوصله وی باشد.

نتیجه‌گیری

بهترین و آسان‌ترین زمان برای جذب افراد به مسجد دوران کودکی می‌باشد. چرا که ذهن کودک آماده پذیرش اندیشه و الگو است. اما به همان اندازه که این امر آسان می‌نماید در صورت اشتباه لطمات جبران‌ناپذیری را وارد می‌نماید تا حدی که می‌تواند شخصی را برای همیشه از دین و مسجد دور کند. متأسفانه تبلیغ برای جذب کودکان به مسجد در زمان ما بسیار اندک است و آن قدری هم که موجود است آفات خاص خود را دارد. امر پژوهش در مورد نحوه تربیت کودک مستلزم سرمایه‌گذاری زیادی است تا بتوان نسلی تمدن‌ساز ایجاد نمود. آنچه بیان شد مجموعه‌ای از احادیث بود که با چینی‌سازی خاص در پی ارائه راهکار تربیتی برای جامعه حاضر جهت جذب کودکان به مسجد است. گام اول این تربیت از پدران و مادران آغاز می‌شود تا در صلب مردان و امتزاج آن نزد مادران تأثیر داشته باشد. گام دوم ایجاد تمایل درونی برای کودک هنگام مواجهه با محیط مسجد می‌باشد. در این گام سن کودک بین ۲ تا ۶ سال در نظر گرفته شده تا نسبت به فضای مسجد مأنوس شده و در آن اطمینان خاطر پیدا کند. پس از این دو گام درونی، باید علل بیرونی مؤثر بر تربیت را بررسی نمود. از علل بسیار مؤثر در تربیت صحیح کودک چه اسلامی چه غیر اسلامی - تربیت به طور عام - گروه همسالان هستند؛ چرا که این گروه‌ها باعث افزایش آگاهی اجتماعی برای فرد شده و وی را دارای واکنش صحیح، به موقع و حتی متقدم می‌کنند و در نتیجه کودک از سلامت روانی مورد قبولی برخوردار می‌گردد. تشکیل این گروه‌های همسالان در مسجد، هم باعث جامعه‌پذیری طبیعی در میان کودکان شده، و هم فضای نوستالژیک مذهبی برای آنها به وجود می‌آورد که تا پایان عمر پیوندی درونی با مسجد برقرار می‌کنند. پیوند مسجد با نهادهای آموزشی و رابطه مسجدی‌ها از طریق صلۀ رحم، می‌تواند در تشکیل این گروه‌ها مؤثر باشد. مسلماً این اجتماع کودکان در مسجد با الگو برداری از سایر مسجدی‌ها همراه است. البته به شرطی که تخطئه و خدشه‌ای به شخصیت کودک وارد نیاورند. این الگوها امام‌جماعت و نمازگزاران هستند. این امر در صورتی که به خوبی برای کودک عرضه شود می‌تواند جایگزین مناسبی برای الگوهای غربی باشد. نحوه عرضه هم باید غیر مستقیم، در رفتار و به صورت برجسته باشد تا نقشی مؤثر داشته باشد. سرانجام تحمیل شرایط سهل بر کودک تا منجر به زده شدن وی از مسجد و نماز نشود تأثیر مهمی در مسجدی شدن کودک

دارد. افراد باید مدّ نظر داشته باشند نسل جدید بسیاری از مؤلّفه‌های تربیتی گذشته را تحمل نمی‌کند چه بسا در گذشته پدری با تنبیه بدنی یک عمر پسرش را نماز خوان می‌کرد، این کار چه خوب، چه بد در شرایط خودش مؤثر بود اما امروزه باید راه‌های جدیدی اندیشید. در پایان توصیه می‌گردد از دانش روان‌شناسان رشد، در تبیین دقیق نحوه جذب کودک به مسجد که بسیار مؤثر است، استفاده شود. دیگر آنکه منابع حدیثی تنها یکی از میراث اسلامی هستند. متون ادبی، عرفانی، فلسفی، تذکره‌ها و ... همه مطالب زیادی در این مورد دارند که می‌توان با غور در آنها، مطالب راهگشایی به مسئولین اجرایی ارائه داد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، مترجمان علی اکبر غفاری، محمد جواد غفاری، و صدر بلاغی، تهران، صدوق، ۱۳۶۷.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، مترجم صادق حسن زاده، تهران، ارمغان طوبی، ۱۳۸۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، گلچین صدوق (گزیده من لا یحضره الفقیه)، مترجم محمد حسین صفا خواه، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۶.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی الخصال، مترجم محمد باقر کمره ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۷.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، رهاورد خرد، مترجم پرویز اتابکی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۷. بهشتی، سید جواد، خاطرات حجة الاسلام قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، بیتا.
۸. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۴.
۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد النص، مصحح مؤسسه آل‌البتی، قم، مؤسسه آل‌البتی: ۱۴۱۳ق.
۱۰. خوانساری، محمد بن حسین آقا جمال، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، مصحح جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۱. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مصحح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۲. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مصحح مؤسسه آل‌البتی، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۹ق.
۱۳. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة، مصحح آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، گروه حدیث، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۴ق.
۱۴. صفائی حائری، علی، تربیت کودک، تهران، لیلۃ القدر، ۱۳۸۷.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی (للطوسی)، مصحح مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۶. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، مترجم محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۶۶.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الكافي، مترجم سيد جواد مصطفوی، تهران، اسلاميه، ۱۳۶۲.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الكافي يا گلستان آل محمد، مترجم محمد باقر كمره ای، تهران، اسلاميه، ۱۳۸۲.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده كافي، مترجم محمد باقر بهبودی، تهران، علمی فرهنگي، ۱۳۶۳.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب الكافي، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ق.
۲۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مصحح سيد هاشم رسولی محلاتي، تهران، اسلاميه، ۱۴۰۴ق.
۲۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، مصحح مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق.



حکیم فقهی آوردن کودکان به مسجد

سید مصطفی بهشتی^۱

چکیده

مسجد به عنوان مهم ترین پایگاه دینی مسلمانان، مکانی ارزشمند برای رشد معنوی تمامی اقشار جامعه به حساب می آید که در روایات فراوانی به حضور در این مکان مقدس سفارش شده است. با این وجود تعداد قابل توجهی از فقها، آوردن کودکان به مسجد را مکروه دانسته اند. اما در مقابل برخی از فقها چنین کاری را مباح و برخی دیگر آن را مستحب دانسته و تنها، آوردن کودکانی را به مسجد مکروه می دانند که در زمینه طهارت مسجد قابل اعتماد نیستند و یا برای عبادت دیگران ایجاد مزاحمت می کنند. مستند حکم به کراهت، دو روایت ضعیف السند است که دلالت آن بر کراهت آوردن همه کودکان جای تحلیل و بررسی مجزا دارد. در مقابل این دو روایت، روایات و گزارشات فراوانی از سیره پیامبر ﷺ وجود دارد که نه تنها حکایت از مباح بودن آوردن کودکان به مسجد دارد بلکه گویای اولویت و حسن چنین کاری هم هست. با این حال حتی در صورت پذیرش روایت کراهت نیز می توان راهکارهایی ارائه داد تا با «حفظ حریم عبادی و طهارت مسجد» شاهد ورود کودکان به مسجد باشیم. در دوران کنونی که شاهد هجمه فرهنگی دشمن علیه کودکان و جوانان مسلمان هستیم، مسئله ارتباط کودکان با مسجد از اهمیت بیشتری برخوردار شده که لزوم بررسی و تحلیل این موضوع را دو چندان می کند.

مقدمه

تربیت نسل دیندار و معتقد به آموزه های دینی یکی از دغدغه های آیینی ما است. انتقال آموزه های پر بار و انسان ساز اسلام عزیز به نسل بعدی کاری بس دشوار است و بنا بر روایات مختلف وظیفه ای است که بر دوش یکایک ما سنگینی می کند. از طرف دیگر برای تربیت شایسته باید عوامل مختلفی نظیر مکان و زمان را نیز تعریف کرد که با توجه به جایگاه ویژه ای که دین اسلام برای «مسجد» در نظر گرفته، می توان گفت که بهترین فضای تربیتی برای کودکان مساجد است.

اما با این وجود، سؤال این است که آیا اسلام عزیز محدودیت سنی برای ورود کودکان به مسجد در نظر گرفته است و آیا مؤمنان را از آوردن کودکان به مسجد پرهیز داده است؟ اگر چنین محدودیتی وجود دارد آیا شامل تمامی کودکان می شود و یا اینکه قید و بند و تبصره ای در این مورد وجود دارد؟

پاسخ اجمالی به این سؤال این است که برخی از فقها بر اساس روایتی از پیامبر ﷺ و امام صادق ﷺ آوردن کودکان به مسجد را مکروه دانسته اند اما در کنار چنین فتوایی، تعدادی از فقیهان شیعه این کراهت را مخصوص گروه خاصی از کودکان دانسته و آوردن دیگر کودکان را نه تنها مکروه نمی دانند بلکه دارای اولویت و یا استحباب و گاه واجب معرفی کرده اند.

الف) دیدگاه علمای گذشته و حال

۱. فتاویٰ مراجع معاصر

مراجعه به فتاویٰ مراجع معاصر نشان می‌دهد که برخی از فقها به صورت کلی فتوا به کراهت آوردن کودکان به مسجد داده‌اند و هیچ قیدی برای آن بیان نکرده‌اند. برخی دیگر، فتوای کراهت را مقید به گروه خاصی از کودکان (نظیر آنها که احتمال رود مسجد را نجس کنند و یا آداب مسجد را مراعات نکنند) می‌دانند. برخی هم در کنار چنین قیدهایی فتوا داده‌اند که آوردن دیگر کودکان مستحب و گاه واجب است.

تقریباً همه مراجع در رساله خود آورده‌اند: «راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است.» (توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۰۸) اما بعضی از فقها بعد از بیان این مسئله اضافاتی دارند که قابل بررسی است.

آیت الله بهجت، استحباب جلوگیری از ورود کودکان به مسجد را مخصوص کودکان غیر ممیزی می‌داند که مراعات آداب مسجد را نمی‌کنند.

آیت الله سیستانی، کراهت ورود کودکان به مسجد را تنها در مورد کودکانی می‌داند که موجب زحمت نماز گزاران شوند و یا احتمال رود مسجد را نجس کنند. در غیر این صورت آوردن کودکان به مسجد نه تنها مانعی ندارد بلکه اولویت دارد.

آیت الله فاضل ورود کودکان به مسجد را به شرط آنکه مزاحمتی ایجاد نکنند و باعث علاقه مندی آنها به نماز شود، مستحب می‌داند.

آیت الله مکارم نیز ورود کودکان به مسجد را با همان دو شرط یعنی مزاحمتی ایجاد نکنند و باعث علاقه مندی آنها به نماز شود، مستحب بلکه گاه واجب می‌داند.

۲. دیدگاه علمای پیشین در این زمینه (پیشینه فقهی)

با کنکاش در کتب فقهی علمای گذشته و رصد دیدگاه آنها در این موضوع می توان چنین نتیجه گرفت که سه دیدگاه در این مسئله وجود دارد. (ر.ک: مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۶، ص ۲۸۷)

۲-۱. دیدگاه اول: کراهت

بسیاری از علمای پیشین به دلیل وجود دو روایت در این باب، فتوای به کراهت آوردن کودکان به مسجد داده اند. این بزرگان عبارتند از: شیخ طوسی در النهایة (ص ۱۰۹) و المبسوط (ج ۱، ص ۱۶۱)، ابن ادریس حلی در السرائر (ج ۱، ص ۲۷۹)، محقق حلی در المعتبر (ج ۲، ص ۴۵۲)، علامه حلی در المنتهی (ج ۱، ص ۳۸۸) و نهیة الاحکام (ج ۱، ص ۳۵۶) و التذکرة (ج ۲، ص ۴۲۸)، شهید اول در الدروس (ج ۱، ص ۱۵۶)، البیان (ص ۶۷)، الذکری (ج ۳، ص ۱۲۴)، النفلية (ص ۱۴۳)، فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع (ج ۱، ص ۱۰۴)، فاضل اصفهانی (هندی) در کشف اللثام (ج ۱۰، ص ۴) و سید یزدی در العروة الوثقی (ج ۱، ص ۶۰۰).

۲-۲. دیدگاه دوم: اباحه

برخی از علما نیز با اینکه در مقام بیان مسئله بوده اند، اما حکم به کراهت نکرده و تنها ورود دیوانگان را مکروه بر شمرده اند. بنابراین از دیدگاه این دسته از علما، مانعی برای آوردن کودکان به مسجد وجود ندارد. این بزرگان عبارتند از: محقق حلی در الشرائع (ج ۱، ص ۱۲۸) و المختصر النافع (ص ۴۹)، علامه حلی در إرشاد الاذهان (ج ۱، ص ۲۵۰) و محقق سبزواری در کفایة الاحکام (ص ۱۷).

۲-۳. دیدگاه سوم:

اختصاص کراهت به گروه خاصی از کودکان و مستحب بودن آوردن مابقی کودکان به مسجد

برخی از فقها و محدثان نیز کراهت آوردن کودکان به مسجد را تنها مخصوص کودکان غیر قابل اعتمادی (ینیغی أن یراد بالصبی: من لا یوثق به) می دانند که احتمال دارد مسجد را آلوده به نجاست کنند (لمحافظته علی التنزه من النجاسات) و یا باز یگوشی آنها سبب مزاحمت برای عبادت دیگران باشد (لمحافظته علی... أداء الصلوات). اما مابقی کودکان که در این زمینه قابل اعتماد هستند نه تنها آوردنشان به مسجد مکروه نیست بلکه مستحب هم هست. چرا که آوردن آنها به مسجد تمرینی برای انجام عباداتشان به حساب می آید و داشتن آنها به

عبادت تمرینی، خود از مستحبات است. (فالظاهر أنه لا يكره تمكينه بل ينبغي القول باستحباب تمرينه على فعل الصلاة في المسجد.)

این بزرگان عبارتند از: محقق کرکی در جامع المقاصد (ج ۲، ص ۱۴۹)، شهید ثانی در مسالك الافهام (ج ۱، ص ۳۲۹) و الروضة البهية (ج ۱، ص ۵۴۶)، صاحب مدارک در المدارک (ج ۴، ص ۴۰۱)، مقدس اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان (ج ۲، ص ۱۵۳)، مجلسی اول در روضة المتقين (ج ۲، ص ۱۰۶)، علامه مجلسی در بحار الانوار (ج ۸۰، ص ۳۴۹) و محدث بحرانی در الحدائق الناضرة (ج ۷، ص ۲۸۵) که هر یک به گونه ای این مطلب را مطرح کرده اند.

ب) بررسی سندی و دلالی مستند فتوای کراهت

مستند این فتوا دو روایت هم مضمون است که در چندین کتاب کهن روایی شیعه آمده است.

۱. متن دوروایت مستند کراهت

۱-۱. روایت اول:

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَبَبُوا مَسَاجِدَكُمْ الْبَيْعَ وَالشِّرَاءَ وَالْمُجَانِينَ وَالصَّبِيَّانَ وَالْأَحْكَامَ وَالصَّلَاةَ وَالْحُدُودَ وَرَفَعَ الصَّوْتِ.»

امام صادق عليه السلام فرمودند: «مسجدهای خود را از خرید و فروش و دیوانگان و کودکان و قضاوت و جستن گمشده و اجراء حدود و فریاد کشیدن دور بدارید.»
این روایت در سه کتاب تهذیب الاحکام ج ۳، ص ۲۴۹، علل الشرائع، ص ۳۱۹ و الخصال، ص ۴۱۰، با سند یکسان آمده است.

۲-۲. روایت دوم:

«عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَبَبُوا مَسَاجِدَكُمْ صَبِيَّانَكُمْ وَمُجَانِيَكُمْ (وَرَفَعَ أَصْوَاتَكُمْ) وَشِرَاءَكُمْ وَبَيْعَكُمْ (وَالصَّلَاةَ وَالْحُدُودَ وَالْأَحْكَامَ) اجْعَلُوا مَظَاهِرَكُمْ عَلَى أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ.»

امام کاظم عليه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «مسجدهای خود را از کودکانتان و دیوانگانتان و فریاد کشیدن و خرید و فروش و جستن گمشده و اجراء حدود و قضاوت دور بدارید. دستشویی را نیز (با فاصله) در درگاه مساجدتان قرار دهید.»

این روایت نیز در چهار کتاب تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳، نوادر راوندی (به نقل از بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۴) و الجعفریات، ص ۵۱ آمده است.

با این تفاوت که قسمت های داخل پرانتز در کتاب تهذیب و قسمت پایانی یعنی «اجعلوا مطاهرکم» در کتاب من لایحضره الفقیه نیامده است. البته در کتاب جعفریات نیز عبارت «إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى» به فراز «رَفَعَ أَصْوَاتِكُمْ» اضافه شده است. شایان ذکر است که این روایت در کتاب دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۹ (بر فرض اعتبار کتاب و مؤلف) نیز آمده است.

۲. بررسی سندی روایت

بررسی اسناد این دو روایات در کتب مذکور نشان می دهد که تمامی اسناد، ضعیف هستند که به اختصار دلیل ضعف سند هر یک از آنها بیان می شود.

۲-۱. سند روایت اول:

گفتیم که این روایت در سه کتاب حدیثی و با سندی یکسان آمده است. سند این روایت در هر سه کتاب مرسل و ضعیف است. چرا که در پایان سند، «عن بعض رجاله» آمده است. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخُشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ»

۲-۲. سند روایت دوم:

سند شیخ طوسی در تهذیب الأحکام (اقلا) به دلیل ضعف عبدالله الدهقان (رجال النجاشی، ص ۲۳۱)، ضعیف می باشد. «عَنْهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي إِسْرَاهِيمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ»

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، سندی برای این روایت نقل نکرده و آن را مستقیماً به پیامبر ص نسبت داده است.

علامه مجلسی در بحار الانوار این روایت را از نوادر راوندی نقل کرده و با استناد به سند داخلی کتاب، سند را نقل نکرده است. «النوادر لراوندی بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ» اما این روایت در نوادر راوندی که اکنون در دسترس است یافت نشد. دیگر بزرگان هم نظیر محدث بحرانی در الحدائق الناضرة این روایت را به نقل از بحار مطرح کرده اند. بنابراین این روایت در دست محدثان بعد از علامه مجلسی نبوده است.

اما سندی که محدث راوندی در ابتدای کتاب النوادر، به امام کاظم ﷺ نقل کرده، به دلیل آنکه اکثر رجال آن دارای توثیق خاص نیستند، ضعیف به حساب می آید.

همین سند با اندکی تفاوت در ابتدا، در کتاب جعفریات هم آمده است که حداقل به دلیل

آنکه موسی بن اسماعیل و پدرش اسماعیل به موسی توثیق خاص ندارند، ضعیف السند به حساب می آید. «أخبرنا محمد حدثني موسى حدثنا أبي عن أبيه عن جده جعفر بن محمد عن أبيه عن علي عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم» این روایت در کتاب دعائم الاسلام هم بدون ذکر سند آمده است. بنابراین این روایت با تمامی اسناد مذکور، ضعیف السند است.

۳. بررسی دلالتی روایت

با اینکه اسناد این دو روایت ضعیف است اما بنابر قاعده تسامح در ادله سنن می توان از ضعف سندی چشم پوشید. چرا که بنابر این قاعده که بر گرفته از اخبار «من بلغ» است می توان با چشم پوشی از ضعف سندی حکم به استحباب و یا کراهت نمود. محدث بحرانی ذیل این روایت می گوید: «أصحابنا يكتفون في أدلة السنن بأمثال هذه الأخبار بل ما هو أضعف»، (الحدائق الناضرة، ج ۷، ص ۲۷۰) حال باید دید که دلالت این روایات چگونه است.

۱-۱. معنای لغوی صبیان

«الصبیان» جمع واژه «الصبی» است که در لغت به معنای کودک می باشد. اما سؤال این است که مقصود از آن، کدام دوره از دوران کودکی است؟ کودک شیر خواره، کودک خردسال، کودک ممیز، کودک نوباوه و یا نوجوان؟

بررسی لغوی نشان می دهد که «الصبی» به تمامی دوران های کودکی اطلاق می شود و نمی توان دوران خاصی را برای این واژه مشخص نمود.

گاهی به نوزاد شیر خواره تا هنگامی که از شیر گرفته نشده است، الصبی گفته می شود: الصَّبِيُّ: مَنْ لَدُنْ يُوَلَّدُ إِلَى أَنْ يُفْطَمَ. (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۴۹). صبی... یدل علی صغرا السن. (معجم مقائیس اللغة)

گاه به کودک خردسال و کم سن و سال گفته می شود: یقال: رأیته فی صباه أی فی صغره. (کتاب العین، ج ۷، ص ۱۶۸)

گاهی هم به کودک نوباوه ای که نزدیک سن بلوغ است، اطلاق می گردد: الصَّبِيُّ: مَنْ لَمْ یَبْلُغِ الحلم (مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۷۳)

و گاهی هم به نوجوان اطلاق می گردد. الصبی: الغلام. (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۴۴۹) در قرآن نیز دو بار از این واژه استفاده شده که هر کدام اشاره به دوران خاصی از کودکی دارد. این واژه در یک جا به معنای کودک شیر خوار آمده: «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ

كَانَ فِي الْمُهَدِّ صَبِيًّا» (مریم) به او (حضرت عیسی) اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟!» (سوره مریم، آیه ۲۹) و در جای دیگر به معنای کودک خردسال یا نوباوه آمده: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا». ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم! (سوره مریم، آیه ۱۲) بنابراین این واژه توسعه در مفهوم کودک دارد و به تمامی سنین کودکی اطلاق می شود.

۲-۳. روایت در مقام بیان محدوده حکم و مصادیق آن نیست

این روایت در مقام بیان حکم کلی است و در آن به جزئیات و قیودات و محدوده آن پرداخته نشده است. شاهد این مدعا، دیگر فرازهای این روایت است که هیچ محدوده ای برای آنها هم مطرح نشده است. در حالی که بنا بر نص معتبر می دانیم که برخی از مصادیق آن نه تنها مباح بلکه مستحب نیز هست.

برای نمونه یکی از فرازهای این روایت «رَفَعَ الصَّوْتِ» به معنای فریاد کشیدن و بالا بردن صدا در مسجد است. در حالی که در مورد اذان، نه تنها کراهتی وجود ندارد بلکه مستحب است که با صدای بلند گفته شود. «سَأَلَ مُعَاوِيَةَ بْنَ وَهَبٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْأَذَانِ فَقَالَ اجْهَرُوا زَفْعًا بِه صَوْتِك». (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۴)

همچنین در مورد تکبیر و صلوات نیز در روایت از تعبیر «ارفعوا اصواتکم» استفاده شده است. (الکافی، ج ۲، ص ۴۹۴)

بنابراین این روایت به صورت مجمل و کلی حکمی را بیان داشته است که برای به دست آوردن محدوده و مصادیق آن باید به دیگر روایات مرتبط مراجعه کرد. به بیان دیگر بر فرض پذیرش این روایت، علم اجمالی پیدا می کنیم که آوردن برخی از کودکان به مسجد کراهت دارد. اما برای روشن شدن این مطلب که این نهی به کدام گروه از کودکان تعلق می گیرد باید به دیگر آموزه های دینی مراجعه کرد و مصادیقی از کودکان را که یقین به اباحه یا استحباب یا وجوب آوردن آنها به مسجد داریم، از حکم این روایت خارج نماییم.

۳-۳. امکان دست برداشتن از حکم کراهت در روایت

برخی از فرازهای این روایت از اساس توسط برخی از فقها مورد پذیرش قرار نگرفته است. چراکه با استفاده از روایات معارض و یا گزارشاتی از سیره معصومان نتیجه گرفته اند که از

اساس چنین کاری کراهت نداشته است. برای نمونه یکی از فرازهای این روایت «الاحکام» به معنای قضاوت است که علامه حلی در این باره می گوید:

«مسألة: للشيخ رحمه الله قولان في الحكم في المساجد. قال في الخلاف: لا بأس به و هو اختيار ابن إدريس و كرهه في النهاية و الأقرب الأول. لنا: ان أمير المؤمنين عليه السلام حكم في جامع الكوفة و قضی فيه بين الناس و دكة القضاء مشهورة إلى الآن.» (مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، ج ۳، ص ۹)

«شیخ طوسی در مورد قضاوت در مسجد دو قول دارد. یکی جواز و دوم کراهت. اما نظر بهتر و نزدیکتر به واقع، جواز است. چراکه امیرالمؤمنین علیه السلام در جامع کوفه بین مردم قضاوت می کرد و مکان قضاوت او هم اکنون نیز به دکه القضاء مشهور است.»

البته این مطلب تازه ای نیست. چراکه در باب تعارض میان اخبار ممکن است از محتوای روایتی دست برداریم و ملتزم به روایت دیگری و یا آموزه ای قطعی از سوی شارع شویم.

بنابراین در مورد کراهت آوردن کودکان به مسجد هم چنین حکمی امکان پذیر خواهد بود. البته به شرط آنکه اولاً تعارض میان اخبار اثبات شود و ثانیاً هیچ گونه وجه جمعی نتوان برای حل آن ارائه داد.

۳-۴. مفهوم اصلی روایت با توجه به روح کلی حاکم بر آن

اگرچه ملاکی برای نهی در این روایت مطرح نشده و فلسفه حکم، بیان نگردیده است اما می توان با استفاده از قرائن موجود در دیگر روایات و همچنین بررسی فرازهای این روایت به نکاتی کلیدی دست یافت. به بیان دیگر از میان فرازهای گوناگون این روایت، مشترکاتی پدیدار می شود که در کنار روایات دیگری که در باب کاربری مسجد وجود دارد، مفهومی جامع از این روایت به ما عرضه می کند. در نتیجه با به دست آوردن این ملاک یا مفهوم جامع می توان معنای نهی از آوردن کودکان به مسجد را بهتر فهمید و مقصود روایت را درک نمود.

۳-۴-۱. مزاحمت با کاربری اصلی مسجد، ملاک نهی در روایت

کنکاش در این روایت نشان می دهد که وجه مشترک تمامی فرازهای نهی شده «ایجاد مزاحمت برای فعالیت اصلی در مسجد» است و هر یک از این موارد می تواند به نحوی کاربری اصلی مسجد را تحت الشعاع قرار دهد. روشن است که کاربری اصلی مسجد همچنان که از نام آن پیدا است و از آیات قرآن و روایات بر می آید، «عبادت و یاد خدا» است. قرآن می فرماید:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...؛ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟!» (سوره بقره، آیه ۱۱۴)

بنابراین هر چیزی که با کاربری اصلی مسجد - یعنی عبادت - در تعارض باشد و یا ایجاد مزاحمت با آن کند، مورد نکوهش قرار می گیرد و باید از آن پرهیز گردد. این دلیل - یعنی معارضه با کاربری اصلی مسجد - در برخی از روایات مرتبط با کراهت مسجد به وضوح مطرح شده است. برای نمونه امام صادق علیه السلام می فرماید:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ سَلِّ السَّيْفِ فِي الْمَسْجِدِ وَعَنْ بَرِي النَّبْلِ فِي الْمَسْجِدِ؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از شمشیر کشیدن در مسجد (برهنه کردن شمشیر از غلاف) و تراشیدن تیر (و کمان) در مسجد نهی فرمود.»

سیس امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث، دلیل این نهی پیامبر را اینگونه مطرح می کند:

«قَالَ أَنَابُنِي لِعَيْرِ ذَلِكَ؛ همانا مسجد برای غیر چنین کارهایی بنا شده است.» (الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹)

در روایت دیگری نقل شده است که:

«سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَاحِبًا يَسْأَلُ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ لَا رَدَّ اللَّهُ عَلَيْكَ صَالَتِكَ فَإِنَّهَا لِعَيْرِ هَذَا بُنِيَتْ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که شخصی در مسجد برای (حیوان یا شیء) گمشده اش فریاد می کشد. حضرت فرمود: به او بگوئید: خداوند گم شده ات را به تو نرساند. مسجد برای غیر این کارها ساخته شده است.» (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۷)

بنابراین هر کاری که با کاربری اصلی مسجد - یعنی عبادت پروردگار - در تعارض باشد، نکوهیده خواهد بود.

حال با توجه به این نکته به سراغ فرازهای این روایت می رویم تا ببینیم حقیقتاً وجه مشترک میان همه آنها همین نکته است؟

۳-۴-۲. بررسی فرازهای گوناگون روایت

در مورد خرید و فروش، که مسئله بسیار واضح است. چرا که بارزترین مصداق دنیا که می تواند انسان را از یاد خدا باز دارد، مسائل مالی است. به همین دلیل است که قرآن در هنگامه ستایش بندگان خاص خود می فرماید:

«رِجَالٌ لَا تُلْهِمُهُمْ تِجَارَةً وَلَا بَيْعًا عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا غافل نمی‌کند.» (سوره نور، آیه ۳۷)

امادر مورد صدای بلند و پیدا کردن گمشده که آن هم لازمه اش فریاد کشیدن است باید گفت که حتی صدای مناجات هم اگر بلند باشد، مزاحم عبادت دیگران خواهد بود. چه برسد به صدای بلندی که برای یافتن گمشده و یا هر قصد دیگری باشد. در روایت پیشین هم که به صراحت همین نکته مطرح شده است.

امادر مورد اجرای احکام (یا قضاوت) در مسجد باید گفت که ازدحام جمعیت و شلوغی غیر مرتبط با مسجد، کاربری اصلی مسجد را تحت الشعاع قرار می‌دهد و مزاحم عبادت دیگران خواهد شد. همچنین برای محکوم و خانواده او نیز خاطره‌ای بس دردناک و رنج‌آور به یادگار خواهد گذاشت و برای همیشه مسجد را در ذهن او نامبارک قرار خواهد داد.

ورود دیوانه به مسجد نیز ممکن است اذهان عموم مردم را به سوی خود مشغول کند و با حرکات غیر عاقلانه خود کاربری مسجد را بر هم ریزد.

۳-۴-۳. مقید کردن کراهت با توجه به ملاک به دست آمده

ورود کودک به مسجد هم گاهی ممکن است چنین وضعیتی را به همراه داشته باشد و مزاحمتی برای عبادت کنندگان ایجاد کند. اما در هر صورت روشن است که همه کودکان چنین مزاحمتی را ایجاد نمی‌کنند و ورود همه کودکان به مسجد با کاربری مسجد در تعارض نیست.

در مورد دیگر فرازهای این روایت هم ممکن است چنین احتمالی وجود داشته باشد. یعنی در هر مورد از فرازهای مذکور اگر مزاحمت جدی با کاربری اصلی مسجد پدیدار شود، نهی روایت شامل همان مورد خواهد بود. اما اگر مصادیقی از این فرازها یافت شد که نه تنها منافاتی با کاربری اصلی مسجد نداشت بلکه بر کیفیت و کمیت آن هم افزود، شامل نهی نخواهد شد.

برای مثال با اینکه خرید و فروش و تجارت، مصداقی بارز از رویکرد مردم به سوی دنیا است اما در مورد خرید و فروش کتاب، آن هم کتبی که با رویکرد معرفتی و دینی فراهم آمده، باید به گونه دیگری حکم کرد. بنابراین اگر ارائه کتب سودمند در مسجد بتواند مردم را به عبادت و یاد خدا بیش از پیش متمایل کند و آن‌ها را به کاربری اصلی مسجد نزدیک تر گرداند، می‌توان گفت که اگر اولویت نداشته باشد، مکروه هم نخواهد بود.

در مورد آوردن کودکان به مسجد هم باید به همین نکته دقیق توجه ویژه داشت. اگر چه برخی از کودکان آن هم در سنینی خاص، ممکن است مزاحمتی برای عبادت دیگران ایجاد کنند. اما بسیاری از کودکان نه تنها مزاحمتی ایجاد نمی کنند، بلکه به جهت همراهی با والدین باعث می شوند تا آنها با خیال راحت به عبادت خود پردازند.

مادرانی که با نوزاد خود به مسجد می آیند اگر مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکنند، خود با خیال راحت به عبادت خواهند پرداخت و در کنار نگهداری از کودک خود مشغول راز و نیاز خواهند شد. اما اگر ورود همه کودکان به مسجد را مکروه بدانیم، مسجد آمدن زن ها، بیشتر برای پیرزن ها مصداق پیدا خواهد کرد. چرا که هر زنی برای به دنیا آوردن هر کودکی حداقل سه سال از آمدن به مسجد محروم خواهد ماند و بر فرض کم تعداد بودن فرزندان، نگهداری هر کودکی تا رسیدن به مرز بلوغ نیز محرومیت زمانی گسترده ای را برای او ایجاد خواهد کرد. نکته دیگر اینکه در میان کودکان عده ای هستند که خود مشغول عبادت می شوند و عبادت تمرینی را در مسجد تجربه می کنند. این کودکان که معمولاً ممیز هستند حتی می توانند در امورات مسجد یاری رسان بزرگترها باشند و به طرقی دیگر امورات عبادی بزرگترها را سهل و آسان کنند.

در چنین مواردی آیا می توان گفت که اذان گفتن و تکبیر گویی کودکانی که با عشق و علاقه خود پای به خانه خدا نهاده اند و گاه با تمام وجود در صفوف نماز جماعت می ایستند، از مصادیق مخالفت با کاربری اصلی مسجد اند؟ آیا چنین کارهایی از سوی چنین کودکانی مزاحمتی برای عبادت نماز گزاران ایجاد می کند و یا اینکه بر عکس گاه مسیر عبادی آنها را هموار می نماید؟

۳-۴-۴. مخلص کلام در باب مفهوم اصلی روایت:

اولاً: کاربری اصلی مسجد بنا بر آیات و روایات گوناگون، «عبادت و یاد خدا» است. ثانیاً: با توجه به قرائن بیرونی و درونی این روایت، می توان گفت که نهی موجود در روایت در مورد مسائلی است که با کاربری اصلی مسجد یعنی «عبادت و یاد خدا» در تعارض باشد.

ثالثاً: در هر فراز از این روایت اگر مصداقی پیدا شد که با کاربری اصلی مسجد منافاتی نداشت، شامل نهی روایت نخواهد بود.

نتیجه: بر فرض آنکه این روایت دال بر کراهت آوردن کودکان باشد، تنها در مورد کودکانی خواهد بود که برای امور عبادی مسجد ایجاد مزاحمت می کنند. اما اگر خود مشغول عبادت شوند و یا به امور عبادی دیگران کمک کنند، آوردن آنها می تواند مستحب نیز باشد.

۳-۵. اختصاص روایت به کودکان غیر ممیز و غیر قابل اعتماد

در بخش پیشین با استفاده از وجه مشترکی که میان تمامی فرازهای این روایت وجود داشت، چنین برداشت شد که کراهت آوردن کودکان به مسجد، مقید به همان وجه مشترک می باشد. بدین ترتیب آوردن هر کودکی که مزاحمت جدی با کاربری اصلی مسجد یعنی «عبادت و یاد خدا» داشته باشد، مکروه است.

اما در این بخش به سراغ قرینه ای خواهیم رفت که مختص به فراز «الصبيان» است و وجه اشتراکی با کلیت فرازهای روایت ندارد.

۳-۵-۱. قرینه مشترک میان «الصبيان» و «المجانين»

توجه در این دو روایت هم مضمون، نشان دهنده آن است که در هر دو روایت «الصبيان» و «المجانين» در کنار یکدیگر آمده اند که این خود می تواند قرینه خوبی برای به دست آوردن مصادیق نهی در «الصبيان» باشد.

روشن است که نهی از آوردن «مجانين و دیوانگان» ریشه در نداشتن «قوه عاقله» و «تمییز خوب و بد از یکدیگر» دارد. کنترل و مدیریت رفتار چنین افرادی بسیار دشوار است و گاهی پیامدهای رفت و آمد چنین اشخاصی به مسجد اصلاً قابل پیش بینی نخواهد بود. با این وجود باید دانست که حتی همین افراد هم دارای مراتب گوناگونی هستند که گاه

نهی پیرامون آنها را نیز برای ما مسئله ساز می کند. در بین بیماران مبتلا به جنون و یا سندروم داون مراتب پر فراز و نشیبی وجود دارد که حقیقتاً نمی توان همه آنها را یک کاسه کرد و یک حکم کلی پیرامون همه آنها داد. چرا که برخی از بیماران مذکور به کلی از قوه عاقله محروم نبوده و از این نعمت، به میزان کمتری نسبت به افراد سالم، برخوردارند. در هر حال روشن است که ملاک تشخیص دیوانه، نداشتن «قوه عاقله» و توانایی «تمییز» است.

با این مقدمه به سراغ قرینه مذکور یعنی کنار هم قرار گرفتن «المجانين» و «الصبيان» می رویم. این مسئله می تواند قرینه ای باشد بر این مطلب که مقصود از «صبيان» در این روایت، کودکان «غیر ممیزی» است که به دلیل نداشتن «قوه عاقله» و «تمییز»، رفتارشان

قابل پیش بینی نیست و کنترل رفتار و مدیریت آنها بسیار دشوار و گاه غیر ممکن است. این نکته همان مطلبی است که برخی از علمای پیشین با عنوان «کودک غیر قابل اعتماد» به آن اشاره کرده اند. در بخش دیدگاه علمای پیشین گفته شد که بزرگانی نظیر محقق کرکی، شهید ثانی، مجلسی اول، علامه مجلسی و محدث بحرانی این حدیث را مختص به «کودکان غیر قابل اعتماد» دانسته و آوردن دیگر کودکان را به مسجد مستحب بر می شمردند. محقق کرکی می گوید:

«ینبغی أن یراد بالصبی: من لا یوثق به، أما من علم منه ما یقتضی الوثوق به لمحافظة علی التنزه من النجاسات، وأداء الصلوات، فالظاهر أنه لا یکره تمکینه، بل ینبغی القول باستحباب تمرینه علی فعل الصلوة فی المسجد.»

«شایسته است که مقصود از «الصبی» کسی باشد که به او اعتماد نمی شود. اما کودکی را که (از رفتارش) اعتماد به او فهمیده می شود (از دو جهت می توان شناخت). یا به جهت مراقبت آن کودک نسبت به «پرهیز از نجاسات» و یا به جهت مراقبت او نسبت به «برگزاری نمازها» است. بنابر این ظاهر این است که آوردن چنین کودکی به مسجد کراهت ندارد. بلکه قول به مستحب بودن (آوردن کودک به جهت) تمرین دادن او بر انجام نماز در مسجد، شایسته خواهد بود.»

۳-۵-۲. مصادیق اعتماد به کودک

اعتماد به کودک، ممکن است از راه های مختلفی برای ما اثبات شود. اما در باب مسجد باید این اعتماد به تناسب احکام مسجد باشد. بنابراین می توان گفت که مهم ترین ملاک اعتماد یا عدم اعتماد به کودک دو مسئله است:

اول اینکه: کودک در امور نجاست و پاکی قابل اعتماد باشد و خود و مسجد را آلوده نکند.
دوم اینکه: کودک واقف به اهمیت موضوع نماز بوده و مزاحمتی برای نماز و دیگر عبادات نداشته باشد. البته این همان نکته ای است که در بخش پیشین به آن اشاره شد که همان وجه مشترک میان تمامی فرازهای این روایت است.

اما در مورد طهارت مسجد و مراقبت از آلوده نشدن آن به نجاست باید گفت که این از موضوعات مهم فقهی است که تأکیدات فراوانی به آن شده است. تا آنجا که همه فقها و مراجع، نجس کردن مسجد را حرام دانسته و به وجوب بر طرف نمودن آن نجاست، آن هم به صورت فوری فتوا داده اند. (توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۰۱، مسئله ۹۰۰)

شیخ طوسی هم، نهی در این روایت را مرتبط با موضوع نجاست می داند و منع آوردن کودکان به مسجد را به دلیل اهمیت رعایت مسئله طهارت در مسجد معرفی می کند. (الخلاص، ج ۱، ص ۴۸۷)

بنابراین نهی در این روایت برای کودکانی است که قابل اعتماد نیستند و مهم ترین ملاک اعتماد به کودکان در مسجد، حفظ حریم عبادی مسجد و رعایت طهارت محیط آنجا است. نکته دیگر اینکه در باب طهارت کودکان، وضعیت موجود در جامعه کنونی ما با دوران گذشته بسیار تفاوت پیدا کرده است و با وجود وسایل و لباس های گوناگون پیش گیرنده، احتمال نجاست مسجد در اکثر کودکان وجود ندارد. بنابراین آنچه که بیش از هر چیز باید رعایت شود همان رعایت حریم عبادی مسجد است که در بخش پیش به تفصیل بیان شد.

۳-۵-۳. نتیجه:

- ۱- با توجه به قرائن، می توان گفت که مقصود روایت، کودکان غیر ممیزی است که در محیط مسجد قابل اعتماد نیستند.
- ۲- اعتماد به کودک به تناسب احکام مسجد است که در دو موضوع «رعایت طهارت» و «حفظ حریم عبادی مسجد» خود را نشان خواهد داد.
- ۳- امروزه با وجود لباس های پیش گیرنده، احتمال نجاست مسجد در اکثر کودکان وجود ندارد. بنابراین در دوران کنونی تنها مسئله «حفظ حریم عبادی مسجد» می تواند مصداق کراهت آوردن کودکان به مسجد باشد.

ج) تعارض با سیره معصومان علیهم السلام و دیگر آموزه های دینی

کنکاش در گزارشات تاریخی مرتبط با این موضوع، گویای آن است که در سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نه تنها نشانه ای از کراهت آوردن کودکان به مسجد به چشم نمی خورد؛ بلکه دقیقاً گزارشاتى وجود دارد که دقیقاً مخالف آن است.

۱. گزارش های گوناگون روایی و تاریخی آوردن کودکان به مسجد

مراجعه به سیره نشان می دهد که:

اولاً: پیامبر صلی الله علیه و آله هیچگاه از آوردن کودکان به مسجد حتی شیرخوارگان نهی نکرده و گاه به خاطر گریه کودکی نماز را سریع تر به پایان رسانده است. این روایت که با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده حاکی از تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله و به اصطلاح تقریر معصوم بر چنین عملی است. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالنَّاسِ الظُّهَرَ فَخَفَّفَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثٌ قَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ هُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاحَ الصَّبِيِّ. (الكافی، ج ۶ ص ۴۸)

ثانیاً: خود پیامبر صلی الله علیه و آله از آوردن نوادگان به مسجد پرهیز نمی کرد و به گونه های مختلف امام حسن و امام حسین علیهم السلام را مورد ملاحظت خود قرار می داد. این در حالی است که سن آن دو بزرگوار در آن دوران کمتر از ۷ سال بوده است. شواهد نشان دهنده آن است که این عمل بارها توسط پیامبر صلی الله علیه و آله تکرار شده و از سیره مداوم آن بزرگوار به حساب می آید. چنانچه این مطلب در کتب مختلف شیعه و سنی و به گونه های متفاوت مطرح شده که نشان دهنده تکرار و فراوانی قابل ملاحظه چنین عملی در سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سنین مختلف کودکان

است. گاهی پیامبر ﷺ حسنین ﷺ را بر دوش خود سوار می کرد و با شادمانی ویژه آن دورا به مسجد می برد. (امالی شیخ صدوق، ص ۴۳۷) گاهی آنها را به مسجد می برد و کنار خود می نشاند و مرتباً آن دورا می بوسید.

«حَجَّجْتُ فِي بَعْضِ السَّنِينَ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَوَجَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ جَالِسًا وَحَوْلَهُ غُلَامَانِ يَافِعَانِ وَهُوَ يُقَبِّلُ هَذَا مَرَّةً وَهَذَا أُخْرَى.» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۴)

گاهی حسنین ﷺ در هنگامه نماز، سوار بر دوش پیامبر ﷺ می شدند و وقتی دیگران می خواستند جلوگیری کنند، پیامبر ﷺ به آنها اجازه چنین کاری را نمی داد.

«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي فَسَجَدَ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ ﷺ فَرَكِبَ ظَهْرَهُ وَهُوَ سَاجِدٌ ثُمَّ جَاءَ الْحُسَيْنُ ﷺ فَرَكِبَ ظَهْرَهُ مَعَ أَخِيهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فَتُقَالُ عَلَى ظَهْرِهِ فِجْتٌ فَأَخَذَتْهُمَا عَنْ ظَهْرِهِ وَذَكَرَ كَلَامًا سَقَطَ عَلَى أَبِي يَعْلى وَمَسَحَ عَلَى رُءُوسِهِمَا.» (كشف الغمه، ج ۱، ص ۵۲۷)

گاهی در نماز جماعت، پیامبر ﷺ قدری سجده اش را طول می داد. مردم بعد از نماز علت را از پیامبر ﷺ جویا شدند. حضرت فرمود: فرزندم در حال سجده، بر پشتم سوار شد. نخواستم در سر برداشتن از سجده شتاب کنم. آنقدر صبر کردم تا کودک، خودش از پشتم پیاده شود.

«فَلَمَّا قَصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّلَاةَ قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِكَ سَجْدَةٌ أَطْلَمَتْهَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ وَأَنَّهُ يُوحَى إِلَيْكَ قَالَ كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ وَلَكِنَّ ابْنِي ائْتَحَلَنِي فَكَرِهْتُ أَنْ أُعَجِّلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ.» (السنن الكبرى، ج ۱، ص ۱۷۱)

گاهی حسنین ﷺ به مسجد می آمدند و پیامبر ﷺ بعد از نماز، آن دورا روی پای مبارک خود قرار می داد. «عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُصَلِّي فَجَاءَ الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ ﷺ فَأَزْدَفَاهُ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ أَخَذَهُمَا أَخْذًا رَفِيقًا فَلَمَّا عَادَا عَادَا فَلَمَّا انْصَرَفَ أَجْلَسَ هَذَا عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْمَنِ وَهَذَا عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْسَرِ ثُمَّ قَالَ...» (الارشاد، ج ۲، ص ۲۸)

گاهی پیامبر ﷺ با شنیدن صدای گریه حسن و حسین ﷺ از منبر فرود می آمد و به سوی آنها می شتافت.

«أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بُكَاءَ الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ فَقَامَ فِرْعَاءً...»

(المناقب، ج ۳، ص ۳۸۵)

گاهی پیامبر ﷺ در حال سجده بود و امام حسین ﷺ وارد مسجد می شد و از لابه لای جمعیت خود را به پیامبر ﷺ می رساند و بر دوش حضرت سوار می شد. پیامبر ﷺ هم در حالی که او را بر دوش خود نگه می داشت، دست مبارکش را پشت کمرش می گذاشت تا

کودک نیافتد و در همین حال نماز را ادامه می داد.

«كَانَ الْحُسَيْنُ عليه السلام يَجِيءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَهُوَ سَاجِدٌ فَيَتَخَطَّى الصُّفُوفَ حَتَّى يَأْتِيَ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَيَزَكِبُ ظَهْرَهُ فَيَقُومُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَدْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَيَدُهُ الْأُخْرَى عَلَى رُكْبَتِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ.» (کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۷۳۵) شبیه همین مطلب در مورد امام حسن عليه السلام در منابع اهل تسنن نقل شده است. (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۱۷۸)

گاهی پیامبر صلى الله عليه وآله بر فراز منبر در حال خطابه بود که امام حسن عليه السلام از او بالا می رفت و بر گردن پیامبر صلى الله عليه وآله سوار می شد و دو پای او بر روی سینه پیامبر صلى الله عليه وآله آویخته می شد. پیامبر صلى الله عليه وآله هم او را بر دوش خود نگه می داشت تا خطبه به پایان برسد.

«كَانَ الْحَسَنُ عليه السلام يَأْتِيهِ وَهُوَ عَلَى الْمُنْبَرِ يَخْطُبُ فَيَصْعَدُ إِلَيْهِ فَيَزَكِبُ عَلَى عَاتِقِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَيُدْلِي رِجْلَيْهِ عَلَى صَدْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله حَتَّى يُرَى بَرِيْقَ خَلْخَالِهِ وَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَخْطُبُ فَيُمَسِكُهُ كَذَلِكَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ خُطْبَتِهِ.» (کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۷۳۵)

گاهی پیامبر صلى الله عليه وآله بر منبر خطبه می خواند که حسن و حسین عليهما السلام وارد مسجد می شدند و پیامبر صلى الله عليه وآله خود از منبر فرود می آمد و آن دورا بلند می کرد و پیشاپیش خود قرار می داد.

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَخْطُبُ عَلَى الْمُنْبَرِ فَجَاءَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلَيْهِمَا قَيْصَانِ أَمْرَانِ يَشِيانِ وَ يَعْتِرَانِ فَنَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِنَ الْمُنْبَرِ فَحَمَلَهُمَا وَوَضَعَهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ.» (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴ و سنن نسائی، ج ۳، ص ۱۹۳)

«گاهی پیامبر صلى الله عليه وآله در هنگام سخنرانی حسنین را با خود بر روی منبر می برد و آنان را روی زانوان خویش می نشاند.» (مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۴)

روزی پیامبر صلى الله عليه وآله برای گروهی نماز می خواند و حسین عليه السلام که بسیار کوچک بود نزدیک پیامبر قرار داشت. هرگاه پیامبر صلى الله عليه وآله به سجده می رفت حسین عليه السلام سوار بر پیامبر صلى الله عليه وآله می شد و پاهای خود را تکان می داد. هنگامی که پیامبر صلى الله عليه وآله می خواست بر خیزد او را به کنار خود می گذاشت و هنگامی که دوباره به سجده می رفت همین کار تکرار می شد. شخصی به پیامبر صلى الله عليه وآله اعتراض کرد که توبه گونه ای با کودکان برخورد می کنی که ما هیچگاه چنین نکرده ایم. پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: آگاه باشید! اگر به خدا و فرستاده اش ایمان دارید، باید به کودکان ترحم کنید و برخوردی عاطفی داشته باشید. «أَمَّا لَوْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَرَحِمْتُمُ الصِّبْيَانَ.» (المناقب، ج ۴، ص ۷۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد و حسین علیه السلام در کنار او بود. پیامبر صلی الله علیه و آله هفت تکبیر گفت تا حسین علیه السلام به زبان بیاید. پیامبر صلی الله علیه و آله هفتمین تکبیر را که گفت، حسین علیه السلام آن را تکرار کرد. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ فِي الصَّلَاةِ وَإِلَى جَانِبِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ فَلَمْ يُحِرِ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ وَلَا يَزِلْ رَسُولُ اللَّهِ يُكَبِّرُونَ يُعَالِجُ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ وَلَا يُجِرْحَتِي أَكْمَلَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ فَأَحَارَ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ فِي السَّابِعَةِ.» (علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۳۱)

۲. رفت و آمد هدفمند کودکان به مسجد

دیگر گزارشات تاریخی و روایی نشان می دهد که در دورانی از سنین کودکی، رفت و آمد کودکان به مسجد بسیار هدفمند و با تدبیر ویژه انجام پذیرفته است. امام حسن علیه السلام در سن هفت سالگی در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر می شد و قرآن را می شنید و حفظ می کرد. آنگاه نزد مادرش می آمد و آنچه را که حفظ کرده بود بیان می کرد. هر وقت امام علی علیه السلام نزد حضرت فاطمه س می آمد آیات قرآن را از آن بانو می شنید. امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: یا فاطمه! این مطلب را از کجا می گوئی؟ می فرمود: پسر ت حسن برایم گفته.

«أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ كَانَ يَحْضُرُ مَجْلِسَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ فَيَسْمَعُ الْوَحْيَ فَيَحْفَظُهُ فَيَأْتِي أُمَّهُ فَيُلْقِي إِلَيْهَا مَا حَفِظَهُ كُلَّمَا دَخَلَ عَلِيُّ ﷺ وَجَدَ عِنْدَهَا عِلْمًا بِالتَّنْزِيلِ فَيَسْأَلُهَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ مِنْ وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ.» (المناقب، ج ۴، ص ۷)

۳. پاسخ به دو اشکال

ممکن است گفته شود بردن حسنین علیه السلام به مسجد به دلیل مقام عصمت آنها بوده و این مسئله نمی تواند دلیلی بر رجحان آوردن دیگر کودکان به مسجد باشد. اما پاسخ این است که این عمل را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که به تعبیر قرآن اسوه نیکو برای مردم است، بارها و بارها در پیش روی مردم انجام داده و هیچگاه خود را تافته جدا بافته معرفی نکرده و همیشه همانند دیگران عمل کرده است. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله با عمل خود حکم جواز آوردن کودکان به مسجد را صادر کرده است.

ممکن است گفته شود که برخی از این روایات از منابع اهل تسنن و برخی دیگر که از منابع شیعی نقل شده، دچار ضعف سندی است.

اما پاسخ این است که اولاً کثرت این گزارشات که تنها به بخشی از آن اشاره شد، ما را

به این اطمینان می‌رساند که رفت و آمد کودکان به مسجد در دوران پیامبر ﷺ امری عادی بوده و نهی در کار نبوده است. ثانیاً اکثر این روایات در کتب معتبر و گاه با سند صحیح نقل شده‌اند. همانند روایت اول (کوتاه کردن نماز به دلیل گریه کودک) که در کتاب شریف کافی و با سند صحیح نقل شده است.

ثالثاً اگر این روایات تنها در منابع کم‌اعتبار شیعی و با سند ضعیف نقل شده بود، احتمال جعل از سوی غالیان، متصور بود. اما بسیاری از این نقل‌ها در کتب روایی و تاریخی اهل تسنن نقل شده که هیچ‌انگیزه‌ای برای جعل در میان آنها متصور نیست.

۴. تعارض میان سیره پیامبر ﷺ با روایت نهی

باید توجه داشت که حوادثی که در قالب گزارشات و روایات تاریخی نقل شد، در سنین مختلفی رخ داده است. برخی از این رخدادها مربوط به زمانی است که کودک هنوز به زبان نیامده و حدوداً دو یا سه ساله است. برخی مربوط به زمانی از دوران کودکی است که سوار شدن بر دوش پدر بزرگ برای کودک جذابیت دارد و احتمالاً سن کودک، حداکثر چهار یا پنج ساله است. برخی از حوادث حاکی از آن است که کودک به آرامی کنار پیامبر ﷺ نشسته و از بازیگوشی کودکانه خبر چندانی نیست و یا اینکه کودک با اشتیاق به سخنان پیامبر ﷺ گوش داده و پس از حفظ، آن مطالب را برای مادر بیان می‌کند. این موارد هم می‌تواند برای سن شش یا هفت سالگی باشد.

۴-۱. تعارض جدی میان دودسته از روایات و ترجیح روایات سیره بر روایت کراهت

با این مقدمه باید گفت که ظاهراً میان سیره معصوم با روایت کراهت، تعارضی جدی وجود دارد. چراکه هیچ‌یک از ملاک‌های پیش‌گفته در روایت نهی، در سیره معصوم رعایت نشده است.

به بیان دیگر هر یک از ملاک‌هایی که در باب روایت نهی گفته شد، مربوط به سن خاصی از کودکان است که ممکن است در گروهی از آنها ظهور و بروز داشته باشد. اما در سیره معصوم، آوردن کودکان در تمامی سنین وجود دارد و هیچ محدودیتی در آن مشاهده نمی‌شود.

برای نمونه یکی از ملاک‌هایی که در بخش پیشین گفته شد، «حفظ حریم طهارت مسجد» بود که بیشترین احتمال آن در مورد نوزادان و کودکان کم‌سن و سال است. اما

همانطور که گفته شد، پیامبر ﷺ نه تنها از آوردن چنین کودکی نهی نکرده بلکه با ترحم نسبت به آنها، نماز را زودتر به پایان رسانده است.

یکی دیگر از ملاک های پیش گفته مزاحمت برای عبادت نماز گزاران بود که معمولاً در سن و سال کمتر از پنج یا شش سال صورت می گیرد. اما پیامبر ﷺ نه تنها در برابر مزاحمت های معمول کودکانه، موضع نگرفته بلکه ترحم و خویشنداری در برابر آن را سزاوار دانسته است. مزاحمت هایی که گاه از حال عادی هم خارج شده و نماز جماعت و یا سخنرانی را تحت الشعاع خود قرار داده است.

بنابراین به نظر می رسد که میان روایات سیره و روایت کراهت، تعارضی جدی وجود دارد که به راحتی قابل انحلال نیست. پس باید یک گروه از این روایات را بر دیگری ترجیح داد و گروه دیگر را به ناچار کنار نهاد.

امادر اینکه کدام گروه را بر دیگری ترجیح بدهیم روشن است که: انبوه روایات سیره، قدرت آن را دارد که دورایت ضعیف السنند نهی را کنار بزند و خود بر مسند بنشیند.

۴-۲. وجه جمع میان روایات در صورت عدم پذیرش رجحان روایات سیره

البته باید توجه داشت که دورایت کراهت اگرچه ضعیف السنند هستند اما جابر ضعف خود را که عمل فقهای پیشین به آن باشد، همراه خود دارند. با این وجود اگر اصرار بر یافتن وجه جمع هم باشد، باید گفت که اصل اولی در این موضوع، استحباب و یا اباحه آوردن کودکان به مسجد است. مگر آنکه کودک رفتار آزار دهنده ای داشته باشد و آداب مسجد و طهارت آن را آنچنان تحت الشعاع قرار دهد که باعث هتک حرمت مسجد گردد. در چنین شرایطی آوردن کودک به مسجد کراهت خواهد داشت. البته رفتار پیامبر ﷺ نشان می دهد که احراز چنین مسئله ای بسیار دشوار است و به راحتی با یک مزاحمت ساده نمی توان کودکی را از آمدن به مسجد محروم کرد. ظاهر این گزارشات حاکی از آن است که نماز گزاران باید سعه صدر بیشتری داشته باشند و رفتارهای کودکان بچه های مسجد را مزاحمتی جدی به حساب نیاورند. چنانکه پیامبر ﷺ به عنوان امام جماعت و یا سخنران، بالا رفتن کودکان از دوش خود را در حین نماز و سخنرانی، مزاحمت به حساب نمی آورده و نه تنها از آمدن کودک به مسجد پرهیز نمی کرده، بلکه با ادامه سخنرانی و نماز، چنین رفتارهایی را عادی انگاشته است.

۵. راهکارهای پیشنهادی برای برطرف نمودن کراهت احتمالی

در صورتی که اولویت روایات سیره نسبت به روایت کراهت را نپذیریم و به دنبال وجه جمع میان اخبار باشیم باید آوردن گروهی از کودکان را به مسجد مکروه بدانیم. اما با این حال می‌توان با برطرف نمودن نگرانی‌های موجود در روایت کراهت از این مانع نیز عبور کرد. برخی از آموزه‌های دینی هم موید این نکته است که به جای پرهیز از ورود کودکان به مسجد باید به فکر راه چاره و برطرف نمودن ملاک‌های مانعیت بود. جابر می‌گوید:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَّانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ قَالَ لَا تُؤَخَّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ؛ از امام باقر ع در مورد کودکانی که در نماز واجب شرکت می‌کنند، سؤال کردم، حضرت فرمودند: آنان را در قسمت عقب صفوف قرار ندهید. بلکه آنان را در میان بزرگسالان پراکنده سازید.» (تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۳۸۰)

بنابراین حتی اگر کراهت مذکور را بپذیریم می‌توان با رفع موانع موجود و یافتن چاره‌ای مناسب، مسجد را برای حضور تمامی کودکان مهیا کرد و موضوع کراهت را از اساس برطرف نماییم. به بیان دیگر حتی اگر حکم بر جای خود باقی باشد می‌توان با برطرف کردن موضوع، از قرار گرفتن در حکم خارج شد.

یکی از ملاک‌های کراهت «حفظ حریم طهارت مسجد» بود. اما همان‌طور که گفته شد در دوره کنونی زندگی بشری تقریباً چنین مسئله‌ای نگران‌کننده نیست. زیرا لباس‌های پیش‌دارنده کنونی، نگرانی نجاست مسجد را برای کودکانی که چنین احتمالی برای آنها متصور هست، برطرف می‌کند.

اما نگرانی دیگر «حفظ حریم عبادی مسجد» بود. به جز والدین که خود مأمور حفظ و نگهداری کودکان در محیط مسجد هستند می‌توان سه راهکار دیگر برای این مسئله در نظر گرفت.

۵-۱. مدیریت و آموزش کودکان در قالب فعالیت‌های فرهنگی

اول اینکه معمولاً مساجد، فعالیت‌های گوناگون فرهنگی-دینی برای سنین مختلف کودکان و نوجوانان دارند که همین مسئله می‌تواند در سازماندهی کودکان در محیط مسجد تأثیر گذار باشد. این فعالیت‌های جانبی اگر به صورت صحیح انجام شود از کودک پر جنب و جوش، یک مسجدی فعال و متدین می‌سازد. گذشته از اینکه آموزش کودکان برای حضور

در محیط مسجد و تربیت آنها برای پشتیبانی فعالیت های عبادی مسجد نیز در همین قالب میسر خواهد بود.

۵-۲. قرار دادن مسئول نظم کودکان در مسجد

دوم اینکه به صورت مجزا نیز می توان فردی خوش سیما، خوش صحبت و خوش برخورد را مسئول نظم کودکان در مسجد قرار داد تا در صورت برهم ریختن نظم مسجد، مدیریت کودکان را بر عهده بگیرد.

۵-۳. فراهم آوردن اتاق بازی برای کودکان کوچکتر

سوم اینکه برای عده ای از کودکان آن هم در سنینی خاص که در داخل مسجد راهکاری برای نگهداری آنها موجود نیست، می توان اتاقی مخصوص فراهم کرد تا در آنجا به بازی و شادمانی خود مشغول باشند. البته به نظر می رسد که این اتاق باید در نزدیک ترین مکان ممکن به صحن اصلی مسجد قرار داشته باشد تا هم والدین، نگران کودک خود نباشند و هم کودک، حس حضور در مسجد را فراموش نکند. باید مراقب بود فراهم آوردن چنین محیطی کودک را از محیط اصلی مسجد دور نکند و او را به بهانه بازی به طور دائم از عبادت دور نسازد. بنابراین چنین مکانی باید برای کودکان کم سن و سال باشد و اگر برای کودکان با سنین بالاتر هم برنامه ای تنظیم می شود، نباید در هنگامه نماز و مراسمات اصلی مسجد انجام گیرد. پس برای کودکان بزرگتر می توان محیط را ساعتی پیش یا پس از نماز جماعت فراهم کرد و به همین بهانه آنها را با محیط عبادی و نظم مخصوص آن نیز آشنا ساخت.

۶. بررسی دیگر آموزه های دینی مرتبط با موضوع

دستیابی به دیدگاه اصلی شارع در یک موضوع و یا به دست آوردن مراد جدی متکلم در یک فرع فقهی، کاری دشوار است که باید با بررسی همه جانبه آن موضوع، صورت پذیرد. برای به دست آوردن تصویری تمام نما از دیدگاه شارع در یک موضوع، نمی توان به صورت جزیره ای عمل کرد و تنها به سراغ روایات آن باب رفت و دیگر آموزه های دینی مرتبط با موضوع را به حال خود رها کرد. بنابراین، به جز بررسی روایاتی که به صورت مستقیم با موضوع بحث در ارتباط اند، باید تعالیم و آموزه های دیگر را نیز در نظر داشت و از روح حاکم بر مبانی دینی هم غافل نماند.

۱-۶. مسجد تأمین کننده وظایف والدین در برابر فرزندان

در مورد موضوع مذکور نیز با اینکه تا به اینجا تقریباً به مطلوب رسیده ایم اما توجه به دیگر آموزه های دینی بر اتقان تحلیل ما خواهد افزود.

از آیات و روایات فراوانی که پیرامون مسئله خانواده و تربیت فرزند در دست ما است، چنین بر می آید که والدین نسبت به فرزندان خود وظایف متعددی دارند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- تربیت فرزند؛

۲- آموزش مسائل مورد نیاز فرزندان؛

۳- آموزش مسائل دینی به فرزندان؛

۴- مراقبت فرزندان در برابر انحرافات اعتقادی؛

۵- تمرین دادن کودکان به عبادت پیش از دوران تکلیف؛

۶- قرآن آموزی به فرزندان از سنین کودکی؛

۷- یافتن محیطی مناسب برای فعالیت های مختلف علمی، فرهنگی، تفریحی و ...

اینها تنها بخشی از وظایف والدین و جامعه در قبال کودکان و نوجوانان مسلمان است که به صراحت در آیات و روایات متعدد مطرح گردیده است. اما جالب است که بدانیم امیر مؤمنان علی علیه السلام مسجد را دارای تربیتی تمامی این دغدغه ها معرفی کرده و این پایگاه دینی را پاسخگوی اکثر نیازهای معنوی و دینی مسلمانان دانسته است.

شیخ صدوق در روایتی صحیح السند از امیرمؤمنان علی علیه السلام چنین نقل می کند که

حضرت بارها (کان یقول) می فرمودند:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرًّا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى، أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى، أَوْ يَشْرِكُ ذَنْبًا خَشِيَةً،

أَوْ حَيَاءً؛ هر کسی که به مسجدها (پی در پی) رفت و آمد داشته باشد یکی از این هشت

(موهبت) به او می رسد: برادر مؤمنی که در راه خدا به او فایده رساند، یا دانشی ارزشمند و

تازه، یا (دلیل و) نشانه ای محکم و استوار، یا رحمتی که از حضرت حق انتظار داشته (به

او می رسد)، یا سخن حکمت آمیزی که او را از کارهای پست و نکوهیده باز دارد، یا سخن

هدایت گری که او را به کارهای خیر راهنمایی کند، می شنود، یا ترک گناه از بیم الهی و یا

ترک گناه به خاطر حیا و شرم.» (الخصال، ج ۲، ص ۴۰۹)

بنابراین مسجد بهترین محیطی است که می تواند دغدغه های گوناگون والدین در مورد فرزندانشان را لباس عمل بپوشاند و تربیتی شایسته را بر پایه مباحث دینی برای آنها فراهم کند.

۶-۲. خطر محیط های رویاروی مسجد و وجوب ارتباط کودکان با مسجد

روشن است که والدین هر چقدر هم که معتقد باشند، اگر درهای مسجد را به روی کودکانشان بسته ببینند، بالا جبار زیور زندگی خود را به محیطی دیگر می فرستند. محیط هایی که گاه ممکن است هم عرض مسجد قرار گرفته و مدعی تربیت دینی هم باشند. این نکته پراهمیت در نگاهی کلان و عمیق تر محیط هایی همچون خانقاه و عبادتکده های انحرافی را به ما نشان می دهد که در عرض مسجد اما رویاروی آن، جوانان مؤمن را به انحراف و کژی می کشاند. مسلماً غفلت ما از کودکان، حداقل در دوران کنونی پیامدی جز خسارت و از دست دادن دل های پاک آنها نخواهد داشت.

۶-۳. حکم ثانوی در مسئله، در صورت پابندی به کراهت

بنابراین حتی اگر وجوب یا استحباب آوردن کودکان به مسجد را از گزارشات سیره و روایات مذکور دریافت نکنیم، باید به تناسب شرایط کنونی به آن پابند باشیم. به بیان دیگر بر فرض آنکه حکم اولی برای آوردن کودکان به مسجد، کراهت باشد، اما هجمه سنگین فرهنگی دشمن علیه کودکان و جوانان مسلمان در دوران کنونی، حکمی ثانویه ایجاد می کند که جز بردن کودکان به مسجد ما را به وظیفه دینیمان منتهی نخواهد کرد. فراموش نکنیم که تجربه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی هم ضرورت تربیت ریشه ای جامعه را از دوران کودکی به ما گوشزد می کند. چراکه دریای خروشان انقلاب، بدون جوانان انقلابی که از رودخانه های مواج مساجد سر برآورده بودند، به هیچ وجه پدیدار نمی شد.

نتیجه گیری

- ۱- در شش کتاب حدیثی شیعه دو روایت هم مضمون آمده است که در آن از آوردن کودکان به مسجد نهی شده است.
- ۲- بررسی سندی نشان می دهد که هر دو روایت ضعیف السند هستند. اما بنا بر قاعده تسامح در ادله سنن می توان از ضعف سندی آن چشم پوشید.
- ۳- با توجه به قرائن، می توان گفت که مقصود روایت، تنها کودکان غیر ممیزی است که در مسجد قابل اعتماد نیستند.
- ۴- اعتماد به کودک به تناسب احکام مسجد تعریف می شود که در دو موضوع «رعایت طهارت» و «حفظ حریم عبادی مسجد» خود را نشان خواهد داد.
- ۵- امروزه با وجود لباس های پیش گیرنده، احتمال نجاست مسجد در اکثر کودکان وجود ندارد. بنابراین در دوران کنونی تنها مسئله «حفظ حریم عبادی مسجد» می تواند مصداق کراهت آوردن کودکان به مسجد باشد.
- ۶- در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت  هیچ گزارشی مبنی بر نهی آنها از آوردن کودکان به مسجد وجود ندارد.
- ۷- رفتار پیامبر ﷺ در مواجهه با کسانی که کودکان خود را به مسجد آورده اند، حداقل حاکی از نوعی اجازه و یا رضایت است.
- ۸- پیش قدم شدن پیامبر ﷺ در آوردن نوادگان و کودکان خود به مسجد و کثرت چنین رفتاری از سوی ایشان، اگر نگوییم نشانگر حسن انجام چنین کاری است و دلالت بر وجوب یا استحباب آن دارد، قطعاً نشان دهنده مباح بودن آن خواهد بود.
- ۹- آوردن کودکان به مسجد که توسط پیامبر ص انجام شده در سنین مختلف کودکان بوده است. بنابراین جای وجه جمعی میان این دسته از گزارشات با روایت نهی باقی نمی ماند. بنابراین حکم به استحباب یا اباحه آوردن کودکان به مسجد بر کراهت ترجیح دارد.
- ۱۰- اگر اصرار بر یافتن وجه جمع میان این دو دسته از روایات باشد، باید گفت که اصل اولی، استحباب و یا اباحه آوردن کودکان به مسجد است و حکم به کراهت مربوط به کودکانی است که حرمت «طهارت» و «روح عبادی مسجد» را حفظ نمی کنند.
- ۱۱- از سیره پیامبر ﷺ بر می آید که آن حضرت، رفتارهای معمول و مزاحمت های عادی

کودکان را مزاحمتی جدی برای حریم مسجد به حساب نمی آورده و گویا با عمل خویش دیگران را به سعه صدر بیشتر واداشته است. پس با هر مزاحمتی نمی توان حکم به کراهت کرد.

۱۲- حتی در صورت پذیرش روایت کراهت نیز می توان راهکارهایی برای بر طرف کردن این مانع ارائه داد. آموزش کودکان در قالب فعالیت های فرهنگی، قرار دادن مسئول نظم کودکان در مسجد و فراهم آوردن اتاق بازی برای کودکان کوچکتر می تواند راهکاری برای «حفظ حریم عبادی مسجد» باشد و موضوع کراهت را از اساس حل کند.

۱۳- بررسی دیگر آموزه های دینی نشان می دهد که والدین وظایف فراوانی در قبال فرزندان خود دارند که مسجد می تواند بهترین محیط برای تأمین این وظایف باشد.

۱۴- هجمه گسترده فرهنگی از سوی دشمن به سمت کودکان مسلمان و خطر محیط های هم عرض مسجد ما را بر آن می دارد تا آوردن کودکان به مسجد را لازم بدانیم. بنابراین حتی اگر به حکم اولی آوردن کودکان به مسجد مکروه باشد، به حکم ثانوی و در شرایط کنونی جامعه حکم به لزوم یا استحباب و اباحه آوردن آنها به مسجد خواهد شد.

١. قرآن كريم، ترجمه آيت الله مكارم شيرازى.
٢. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفرىات (الأشعثيات)، تهران، مكتبة النينوى الحديثة، بى تا.
٣. ابن بابويه شيخ صدوق، محمد بن على، الأمالى (للصدوق)، تهران، كتابچى، ١٣٧٦ ش.
٤. ابن بابويه شيخ صدوق، محمد بن على، الخصال، قم، جامعه مدرسين، ١٣٦٢ ش.
٥. ابن بابويه شيخ صدوق، محمد بن على، علل الشرائع، قم، كتاب فروشى داورى، ١٣٨٥ ش.
٦. ابن بابويه شيخ صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٣ ق.
٧. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربى، دعائم الإسلام، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ، ١٣٨٥ ق.
٨. ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب:، قم، علامه، ١٣٧٩ ق.
٩. ابن عساكر، على بن حسين، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤ ق.
١٠. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ ق.
١١. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤ ق.
١٢. احمد بن حسين بيهقى، السنن الكبرى، بيروت، دارالفكر، بى تا.
١٣. احمد بن حنبل، مسند احمد، بيروت، دار صادر، بى تا.
١٤. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، تبريز، بنى هاشمى، ١٣٨١ ق.
١٥. بحراني، يوسف بن احمد بن ابراهيم، الحداثق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٥ ق.
١٦. حلى، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائرالحاوى لتحرييرالفتاوى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٠ ق.
١٧. حلى، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٠ ق.
١٨. حلى، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، ١٤١٩ ق.
١٩. حلى، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٣ ق.
٢٠. حلى، علامه حسن بن يوسف بن مطهر اسدى، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، مشهد، مجمع

- البحوث الإسلامية، ١٤١٢ق.
٢١. حلى، محقق نجم الدين جعفر بن حسن، المختصر النافع في فقه الإمامية، قم، مؤسسة المطبوعات الدينية، ١٤١٨ق.
٢٢. حلى، محقق نجم الدين جعفر بن حسن، المعتبر في شرح المختصر، قم، مؤسسة سيد الشهداء عليه السلام، ١٤٠٧ق.
٢٣. حلى، محقق نجم الدين جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٤٠٨ق.
٢٤. خميني، سيد روح الله موسى، توضيح المسائل مراجع، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٢٤ق.
٢٥. راغب أصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت، دار القلم، ١٤١٢ق.
٢٦. سبزواري، محقق محمد باقر بن محمد مؤمن، كفاية الأحكام، بى تا.
٢٧. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى، البيان، قم، محقق، ١٤١٢ق.
٢٨. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٧ق.
٢٩. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى، النفلية، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ١٤٠٨ق.
٣٠. شهيد اول، محمد بن مكى عاملى، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
٣١. شهيد ثانى، زين الدين بن على بن احمد عاملى، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، كتاب فروشى داورى، ١٤١٠ق.
٣٢. شهيد ثانى، زين الدين بن على بن احمد عاملى، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ق.
٣٣. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٧ق.
٣٤. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٧ق.
٣٥. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٠ق.
٣٦. طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.

٣٧. عاملي، جواد بن محمد حسيني، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٩ق.
٣٨. عاملي، صاحب مدارك، محمد بن علي موسوي، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١١ق.
٣٩. فاضل هندي، محمد بن حسن بن محمد اصفهاني، كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق.
٤٠. فراهيدى، خليل بن أحمد، كتاب العين، قم، نشر هجرت، ١٤٠٩ق.
٤١. فيض كاشاني، محمد محسن بن شاه مرتضى، مفاتيح الشرائع، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى.
٤٢. كركي، محقق ثاني، علي بن حسين عاملي، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٤ق.
٤٣. كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٤٤. مجلسي اول، محمد تقى بن مقصود على اصفهاني، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور، ١٤٠٦ق.
٤٥. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
٤٦. محمد بن عيسى ترمذى، سنن ترمذى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٣ق.
٤٧. مقدس اردبيلي، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٣ق.
٤٨. نجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، قم، مؤسسة انتشارات اسلامي، ١٣٦٥ش.
٤٩. نسائي، احمد بن شعيب، سنن نسائي، بيروت، دارالفكر، ١٣٤٨ق.
٥٠. هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالي، قم، الهادى، ١٤٠٥ق.
٥١. يزدي، سيد محمد كاظم بن عبد العظيم طباطبائي، العروة الوثقى، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٠٩ق.



بررسی جاذبه رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ کودکان و نوجوانان

ابراهیم نعیمی^۱

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی جاذبه رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ نوجوانان است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای، همراه با حضور میدانی در تعدادی از مساجد و مصاحبه با اعضای هیئت امناء و تعدادی از نوجوانان، برای کسب اطلاعات عینی است. مسجد در شرایطی می‌تواند نقش خطیر پرورش و انسان‌سازی خود را در تربیت دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی ایفا نماید که بتواند به عنوان یک سیستم فعال و پویا در جامعه حضور زنده‌ای داشته باشد و این زنده‌بودن با حضور کودکان، نوجوانان و جوانان، اثربخشی فکری، شناختی و رفتاری خود را در عمل نشان دهد. مجموعه عوامل ده‌گانه‌ای در این خصوص مؤثرند که از بین عوامل یاد شده، عوامل مؤثر در جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد مورد بررسی و تبیین قرار گرفت. ابتدا به بررسی ابعاد و مختصات مورد نظر از نوجوان پرداخته شد و ویژگی‌هایی که فرد در این دوره دارد بیان گردید، به خصوص به شرح و بسط اجمالی نیازهای اساسی نوجوان پرداخته شد، تا با علم به این نیازها بتوان تحلیل روان‌شناختی دقیق‌تری از عوامل مؤثر در جذب نوجوانان در مسجد ارائه داد. سپس به تبیین دقیق‌تر اعتماد، راه‌کارهای ایجاد آن، مسئولیت و نحوه مسئولیت‌سپاری به نوجوانان و نیز به صورت میدانی علل عدم اعتماد هیئت امناء مساجد به نوجوانان بررسی گردید. نتایج حاصل از این تحقیق ارائه راهکارهایی برای ایجاد جاذبه رفتاری در اهالی مسجد (روحانی، هیئت امناء و سایر مسجدی‌های فعال و مؤثر) ارائه اصول تعامل صحیح با نوجوانان و مسئولیت‌سپاری به نوجوانان بود. همچنین اهالی مسجد با عنایت به نیازهای اساسی نوجوانان و تلاش در جهت رضای آن نیازها در محیط سالم امکان جذب حداکثری نوجوانان به مساجد را دارند.

کلیدواژه‌ها: مسجد، نوجوان، اعتماد، مسئولیت، ارتباط، تعامل.

مقدمه

مسجد یک نظام اجتماعی بر مبنای اعتقاد است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خویش نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند. هر مسجد دارای مرزهایی هست که چگونگی سازمان‌بندی و روابط بین افراد را در این سیستم تعیین می‌کند. مرزها عبارت از مقرراتی است که معین می‌کند چه کسی و چگونه جزء این زیر منظومه است. عملکرد یا نقش مرز، حراست از عمل متمایزسازی سیستم است.

این سیستم (مسجد) به‌عنوان اصلی‌ترین پایگاه اسلامی نقش مهمی در تربیت، آموزش و ایجاد نزدیکی بین اعضای خود که مسلمانان هستند، دارد. پایگاهی که همواره در روایات از آن به بزرگی یاد شده است. یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم ﷺ پس از دریافت وحی الهی و رسانیدن آن به مردم، ایجاد پایگاهی به نام مسجد بود تا مکانی برای عبادت و ذکر حق تعالی و تشکیل اجتماعات اسلامی و مردمی باشد. بعد از آن بود که مسلمین در صفوف وحدت‌بخش نماز جماعت که در مساجد برگزار می‌شد، روح تربیت و نشاط را در جامعه به‌وضوح مشاهده کردند. به‌طوری که اینک بعد از گذشت قرن‌های متمادی از پیدایش اسلام، مسجد نه تنها اعتبار و ارزش خود را حفظ کرده بلکه همواره در برهه‌های مختلف زمانی، نقش مهمی در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته است. در کشور ما مخصوصاً در دوران انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، مسجد مکانی برای بسیج نیروهای مردمی، آموزش، سازمان‌دهی و پشتیبانی نیروهای بسیجی و مردمی بوده، در این میان حضور جوانان در کنار سایر قشرهای مردم دیده می‌شود. حضور آنان در نمازهای جماعت و تشکیل حلقه‌های کمک‌های مردمی،

بسیج نیروهای اعزامی به جنگ، ایجاد رده‌های آموزشی و اموری مشابه، نقش مؤثرتری در رونق مساجد داشت، اما با گذشت زمان و سپری شدن آن روزهای سخت، نه تنها کارکرد مسجد در کشور تفاوت پیدا کرده، بلکه با کم‌رنگ شدن حضور جوانان در مساجد به علت‌های مختلف، رونق روزهای گذشته را ندارد. متأسفانه در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی به خاطر سهل‌انگاری، نبود برنامه‌ریزی صحیح و بی‌اعتنایی به این سنگر اسلامی، مسجد در گرایش و جذب جوانان ضعیف عمل کرده است. امروزه با تغییر نیازهای نسل جوان و تحوّل روحیات آنها، نقش بارز مسجد به‌عنوان کانون تربیت دینی جوانان به‌روشنی مشخص می‌گردد. جوانی که امروزه در قرن بیست و یکم به سر می‌برد، جوانی است که با بحران معنویت و هویت دینی و فرهنگی روبرو است و با هجوم فرهنگی بیگانگان دست و پنجه نرم می‌کند. بر همه ما لازم است تا از پیشرفت چنین ویروس خطرناکی جلوگیری کنیم. پس از اینجاست که مسجد می‌تواند به روح پرشگر و کنجکاو نوجوان، پاسخی در خور و متناسب با نیازهایش بدهد و الگوی شایسته‌ای از دین و فرهنگ ایرانی-اسلامی به او معرفی کند. (دژبانی ۱۳۸۹)

از طرف دیگر برای همه کسانی که به هر نحو در ارتباط با کودکان و نوجوانان کار می‌کنند، پاسخ به این سؤال مهم است که چه رفتاری را باید با نوجوان در پیش بگیرند که ضمن جذب نوجوان، شرایط ادامه همکاری مثبت وی را داشته باشند. برای دستیابی به اصول صحیح رفتار با نوجوانان، ابتدا نیازمند شناخت علمی و دقیق آنها هستیم. این مرحله خود، کلید حل بسیاری از معضلات دوران نوجوانی است. به‌عنوان مثال بیشتر افراد بزرگسال، تغییر و تحوّل روحی نوجوان را امری غیرعادی و نگران‌کننده توصیف می‌کنند و یا حتی اغلب والدین از منفی‌گرایی فرزندان خود رنج می‌برند و آن را یک حادثه بزرگ و صرفاً مرتبط با خود تلقی می‌کنند، حال آنکه به اقتضای سنّ بلوغ، بیشتر این امور طبیعی و مرحله‌ای گذرا و موقت است. (شرفی ۱۳۸۳) امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالرَّضِ الْحَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ» دل نوجوان مانند زمین آماده است که هر بذری در آن افشاند شود، می‌پذیرد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

فرهنگ عمومی جامعه ما الهام گرفته از مکتب روح‌بخش اسلام است و این جامعه اسلامی لازم است بتواند فرهنگ، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات خود را به نسل نوجوان و آینده‌سازان کشور منتقل نماید. یکی از مراکز بسیار مهم که می‌تواند این نقش را ایفا نماید، مسجد است. به دلیل آنکه مردم در هر روز چند نوبت با مسجد سروکار دارند. صدای اذان

و وقت نماز را از مساجد دریافت می‌کنند، برای نماز جماعت در مساجد حاضر می‌شوند، در جلسات قرآن و سخنرانی علما در مساجد حضور پیدا می‌کنند، در مراسمات مناسبتی خاصی که برگزار می‌شود و نیز در اعیاد، شهادت‌ها و در مراسم بزرگداشت در گذشتگان خود در مساجد حضور می‌یابند، لذا در صورت وجود جذابیت در بخش‌های مختلف اعم از ظاهری و معماری و نیز در اهالی مسجد، هیئت امناء و روحانی، می‌توان اثر بخشی بسیار بیشتری را در ذهن و رفتار مخاطبان بر جای گذاشت. در حال حاضر پس از ورود به مسجد، با نگاهی گذرا به جمع حاضر می‌توان به راحتی مشاهده کرد که اکثر حاضرین، افراد مسن می‌باشند و از نسل جدید و نوجوانان تعداد انگشت‌شماری در مسجد حضور دارند. این مشاهده عینی، بیانگر این واقعیت است که متولیان مسجد به عنوان یک عامل بسیار مهم - البته در کنار سایر عوامل - نتوانسته‌اند در جذب نسل جدید برای حضور در برنامه‌های عبادی و مذهبی نقش کاملی را ایفا نمایند.

با حضور مرتب در مساجد می‌توانیم به وضوح مشاهده کنیم که فراوانی حضور مردم و به ویژه کودکان و نوجوانان در ایام سال در مسجد، از یک سیر ناودیسی و طاق‌دیسی برخوردار است. یعنی در ایامی مثل ماه محرم به ویژه در دهه اول و نیز ماه مبارک رمضان به ویژه در شب‌های پر برکت قدر، شاهد حضور حداکثری مردم (طاق‌دیسی) در مساجد هستیم، ولی در سایر ایام سال، شاهد حضور جمعی از مسجدی‌های همیشه در صحنه و به یک معنا حضور ناودیسی عموم مردم در مساجد هستیم. این موضوع بیانگر این واقعیت است که مردم اعتقاد درونی و قلبی خود را با همه همه‌ها، شبیهات و مشقات همچنان حفظ کرده‌اند و این باور درونی را در روزهای خاصی در طول سال به نمایش می‌گذارند؛ ولی متولیان امور مسجد برای جذب ایشان، به خصوص کودکان و نوجوانان چه کارهایی را می‌توانند انجام دهند که شاهد حضور گسترده‌تر و همیشگی آنها در مساجد باشیم.

از طرف دیگر کودکان و نوجوانان در سنین خاص رشد و بلوغ قرار داشته و در این سنین، شاهد رفتارهای پرخطر، تمایل به تجربه کردن، آزمون و خطا نمودن، استقلال خواهی، اثبات خود و مورد توجه قرار گرفتن توسط اطرافیان از سوی ایشان هستیم و اگر این تمایلات رشدی نوجوانان از سوی یک مرکز فعال اعتقادی و فرهنگی مثل مسجد، در مسیر صحیح هدایت نشود، می‌توانیم آثار انحراف این نیروی فوق‌العاده را در جهات دیگر مشاهده کنیم، ضمن آنکه افراد و مراکزی هم هستند که به صورت سازمان یافته و در صورتی که نوجوانانمان

را جذب نکنیم، آنها جذبشان می‌کنند و به‌سوی هلاکت سوق می‌دهند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ» به آموختن حدیث به نوجوانانتان پیش از آن که منحرفین آنان را گمراه سازند، اقدام نمائید. (تهذیب الأحکام، ج ۸، ۱۱، ح ۳۰) امام خمینی رحمته الله علیه در این ارتباط فرمایش حکیمانه و مدبرانه‌ای دارند، ایشان می‌فرمایند «به نماز و مساجد اهمیت دهید که پرونده‌های دادگستری مال بی‌نماز هاست و نماز خوان‌های واقعی در دادگستری پرونده ندارند، شیطان‌ها از مساجد و نماز می‌ترسند، آنها می‌خواهند، از نماز جلوگیری کنند و بعد از خالی کردن سنگرها حمله کنند.» (صحیفه نور، جلد ۱۸)

این ضرورت‌ها موجب پیدایی این موضوع تحقیق شده است که سعی می‌کنیم در چند محور اصلی؛ بررسی و شناخت دقیق‌تر نوجوان، خصوصیات و ویژگی‌های نوجوانی و نیازهای اساسی این دوره، نقش مسئولیت‌سپاری به نوجوانان، چرایی عدم اعتماد متولیان مساجد به نوجوانان، راه‌های تعامل و ارتباط مثبت و اثربخش، صحیح و جذاب، به این موضوعات پرداخته و در نهایت به جمع‌بندی جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد برای جذب و حفظ نوجوانان خواهیم رسید.

برای اینکه بتوانیم نوجوانان را به مساجد و شرکت در برنامه‌های متعدد آن، از جمله نماز جماعت و سایر برنامه‌های فرهنگی جذب کنیم باید به مجموعه‌ای از عوامل مؤثر و مهم در این زمینه، توجه داشته باشیم که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. شناخت دقیق نوجوان، ابعاد و مختصات، ویژگی‌ها و نیازهای اساسی او و تلاش در جهت عالمانه برخورد کردن با این سن خاص و روحیات حسّاس.
۲. مسجد، ساختار کلی و معماری، محل جغرافیایی، داشتن یا نداشتن برخی امکانات جنبی مثل کتابخانه.

۳. هیئت‌امنا، ترکیب سنی، تحصیلی، اخلاقی و نحوه تعامل آنها با سایرین به‌ویژه نوجوانان.

۴. روحانی، سن، سواد و تحصیلات، اخلاق و نحوه تعامل وی با نوجوانان.

۵. مؤلفه‌های اثربخش در جذب نوجوانان که متناسب با نیازهای سن و سال و اقتضای حال ایشان است از جمله: اعتماد کردن به آنها، مسئولیت‌سپاری به نوجوانان برای اثبات وجود و نیز نحوه تعامل صحیح و جذاب که موجب گرایش ایشان با ایجاد یک احساس خوب و انگیزش درونی خواهد بود.

۶. پایگاه بسیج، ترکیب شورا و تصمیم‌گیرندگان اصلی، فعالیت‌ها و برنامه‌های جذاب که

- بخشی از روحیات هیجان خواه نوجوان را در محیطی سالم، جذب و پاسخگو باشد.
۷. برنامه‌های فرهنگی کانون‌های وابسته به مسجد از لحاظ تنوع، تکرر و پاسخگویی به نیازهای نوجوانان.
۸. نگرش خانواده به مسجد و تشویق یا ممانعت از حضور نوجوانان در مساجد.
۹. نگرش اولیای مدرسه به مسجد محل و نحوه همکاری و تعامل با آنها.
۱۰. جوّ دوستان و همسالان نوجوان، که همراه و مشوّق وی برای حضور در مسجد بوده یا مخالف و مسخره کننده وی هستند.
۱۱. نوع تبلیغات رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما.
۱۲. ماهواره، فضاهای مجازی و تلفن همراه که امروزه به سرعت در حال گسترش بوده و بیشتر نوجوانان کنجکاو را نیز جذب کرده است.
- با توجه به هدف اصلی این مقاله که بررسی جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ نوجوانان هست، سعی می‌کنیم که بیشتر به ابعاد مرتبط با این مورد بپردازیم و از بسط سایر مؤلفه‌ها خودداری خواهیم کرد.

الف) نوجوان

روان‌شناسان برای فرآیند رشد انسان مراحل را در نظر می‌گیرند که از شکل‌گیری انسان تا مرگ وی را در برمی‌گیرد. انسان در مراحل رشدی خود پس از دوران کودکی، دوره نوجوانی که در واقع دروازه ورود به دوره بزرگسالی است را تجربه می‌کند. در خصوص سن دقیق نوجوانی بین روان‌شناسان اتفاق نظر قطعی وجود ندارد اما عموماً فاصله بین سال‌های ۱۲ تا ۲۰ سالگی را دوره نوجوانی قلمداد می‌کنند. (شرفی ۱۳۸۳، سالاری فر ۱۳۹۱)

نجفی (۱۳۸۲) در پژوهش خود چنین بیان می‌کند که: نوجوانی دوره پیچیده‌ای از رشد انسان است و در واقع صرف‌نظر از دوره نوزادی، در هیچ دوره‌ای از زندگی، تغییرات به‌اندازه نوجوانی، رخ نمی‌دهد. در طی این دوره، نوجوان بلوغ را تجربه می‌کند که بر رشد جسمانی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد و تغییرات فراوانی در مفهوم خود صورت می‌گیرد، نوجوان بحران هویت را تجربه می‌کند، مسائل و مشکلات عاطفی افزایش یافته و نوجوان به دنبال تعیین نقش، جایگاه و مسئولیت خود در اداره زندگی است.

اریکسون (۱۹۵۰) اولین کسی بود که هویت را به‌عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به‌سوی تبدیل شدن به انسانی ثمربخش و خشنود، تشخیص داد. تشکیل هویت عبارت است از مشخص کردن اینکه چه کسی هستید، برای چه چیزی ارزش قائلید، چه کسانی برای شما ارزش قائلند و چه مسیری را می‌خواهید در زندگی دنبال کنید. (برک ۲۰۰۷، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۱)

مارسیا (۱۹۹۳) نوجوان را هویتی در حال رشد تعریف می‌کند، هویتی که در حال تبیین و

تثبیت ساختار «من»، ساختار درونی و خود سازمان دهنده و پویایی آرزوها، اهداف، تجربیات، مهارت‌ها، باورها و تاریخچه فرد است. (به نقل از شهرآرا ۱۳۸۴) طبق نظر برزونسکی (۱۹۹۰) هویت اساساً یک نظریه راجع به خویشتن است که شامل فرضیات، ساختارها و قیاس‌های منطقی منطبق با افراد است.

مینوچین (۱۹۷۴)، (ترجمه ثنایی، ۱۳۸۹) معتقد است هویت مبتنی بر دو رکن است؛ احساس تعلق و تمایز. گروتوانت و کوپر (۱۹۸۵) یادآور شده‌اند که چگونگی تعامل والدین، معلمان، همسالان و افراد مهم و مؤثر در زندگی فرد، پیامدهای رفتاری ویژه‌ای را به همراه دارد. گلاسر (۱۹۷۵) معتقد است که نوجوان از طریق تعامل و درگیری عاطفی با اطرافیان به توسعه هویت خود می‌پردازد، زیرا خصوصیات مشترک دارند.

حال که به اجمال دانستیم ابعاد و مختصات نوجوان چیست و با بحث هویت‌یابی که مؤلفه‌های بسیاری در گذر از این بحران هویت مؤثرند آشنا شدیم، می‌دانیم که نوجوان به دنبال کشف و تکمیل چه چیزی است، در نتیجه می‌توانیم قضاوت بهتری از شرایط او داشته باشیم تا با علم به این موارد بتوانیم سلامت روان نوجوان را در خانواده و جامعه (مسجد) تأمین کنیم. سلامت روان آینده جامعه، در گرو تأمین سلامت روان کودکان و نوجوانان آن جامعه است که بزرگسالان آینده را تشکیل می‌دهند. سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۱ مفهوم سلامت روان را شامل آسایش ذهنی، احساس خود توانمندی، خودمختاری، کفایت، درک همبستگی بین نسلی، شناخت و توانایی خود در محقق ساختن ظرفیت‌های عقلی و هیجانی خویش می‌داند. (اصغر نژاد ۱۳۷۷) تحقیقات نشان می‌دهد در بین عوامل مختلفی که در پرورش شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند؛ اعتماد، استقلال دهی و مسئولیت‌سپاری و نحوه برخورد و تعامل با نوجوانان از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل در رشد و سلامت نوجوانان به شمار می‌آید و خانواده جایی است که بذر هویت، فرهنگ و شخصیت هر فرد در آن پایه‌ریزی شده و در مدرسه و مسجد تثبیت می‌شود. (کمال نسب ۱۳۸۵)

اگرچه بین مراحل مختلف زندگی حد فاصل وجود ندارد و رشد و نمو انسان به هم پیوسته است، ولی تغییرات و تحولات دوران نوجوانی به اندازه‌ای بارز و مشخص هست که این مرحله از سن را به طور کلی از سایر مراحل متمایز می‌سازد. این تغییرات و تحولات نه تنها فیزیکی است بلکه در همه ابعاد زندگی فرد به وجود می‌آید و با مجموعه‌ای از خصائص قابل رؤیت و بررسی هست. (معمدی ۱۳۸۳)

مجموعه خصوصياتی که روان‌شناسان از لحاظ فیزیکی، روانی و اجتماعی برای دوره نوجوانی بر شمرده‌اند به صورت خلاصه شامل این موارد هست: ۱. بلوغ؛ در این دوره تغییرات و تحولات سریع و عمیقی در جسم پدید می‌آید که سبب پیدایش خلق و خو و رفتار جدیدی در فرد می‌شود. ۲. توجه خاص به پوشش و وضع ظاهری ۳. سن تکلیف و مسائل شرعی ناشی از آن ۴. دوره آرمان‌گرایی ۵. دوره انتقال برزخی ۶. دوره هویت‌یابی ۷. تخیل‌گرایی ۸. دوستی‌های افراطی ۹. بی‌ثباتی عاطفی ۱۰. خواهش‌های متضاد ۱۱. افراط در احساسات ۱۲. ماجراجویی ۱۳. توجه فزاینده به جنس مکمل ۱۴. تعارض و تنش با خانواده ۱۵. انتقاد نسبت به همه چیز و همه کس جز خودش ۱۶. مشکلات رفتاری و درسی ۱۷. زمینه ابتلا به آسیب‌های اجتماعی ۱۸. کاهش نظارت خانواده و آزادی عمل بیشتر نوجوان (شعاری نژاد ۱۳۸۲)

ب) نیازهای اساسی نوجوان

برای اینکه بتوانیم نوجوانان را در برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد جذب کنیم، لازم است که به این نکته بسیار مهم روان‌شناختی توجه داشته باشیم که نوجوانان اصولاً دارای چه نیازهای اساسی هستند، زیرا با دانستن این نیازها، به شناخت بهتری از نوجوان که متناسب با ویژگی‌های شخصیتی هست، خواهیم رسید و در فعالیت‌های مسجد توسط هیئت امناء و سایر اهالی مسجد، با علم به این شاخصه‌ها و تنظیم نحوه تعامل صحیح و جذاب با اثربخشی افزون‌تری می‌توانیم به جذب نوجوانان در برنامه‌ها و امور مسجد نائل شویم.

۱. **اثبات خود و ابراز وجود؛** نوجوان به شدت نیازمند آن است که دیگران حضور او را قدر دانسته و ارج نهند و شخصیت او را به حساب آورند. این نوعی تمرین شخصیت برای او محسوب می‌شود که می‌خواهد در آینده‌ای نزدیک، به استقلال دست یابد و اتکای خویش را از خانواده بردارد و متکی به خود شود. خانواده‌هایی که به این نیاز جامه عمل می‌پوشانند و به موقع پاسخگوی احتیاجات واقعی و اساسی شخصیت نوجوانان می‌شوند، کمتر در تقابل با نوجوانان خویش قرار می‌گیرند و این دوران را با آرامش بیشتری سپری می‌کنند. نوجوانان می‌خواهند خودی نشان دهند و به اصطلاح به اثبات ذات پردازند تا برای بزرگسالی، دارای شخصیت مستقلی گردند. خانواده‌ها نیز با شخصیت دادن به آنها و تأیید این جنبه مهم از نیازهایشان و نیز میدان را برای تجلی اثبات شخصیت ایشان فراهم کردن، به تعادل لازم دست می‌یابند. (شرفی، ۱۳۸۳)

۲. **نیاز به استقلال؛** در دوره نوجوانی وابستگی‌های عاطفی کمتر شده و به تدریج اتکای به

خود و ملحق شدن به گروه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود. در این دوره نوجوان سعی می‌کند، تصمیمات زندگی خود را به صورت مستقل گرفته و آنها را به انجام برساند. استقلال نوجوانان از ابعاد مختلفی قابل بررسی است، از جهات عاطفی، اقتصادی، فکری و فردی. (کشاوری ۱۳۸۶)

۳. نیاز به جلب توجه و احساس دیده شدن (پذیرش و مقبولیت): از جمله نیازهای اساسی یک نوجوان این است که مقبول خانواده و اطرافیانش باشد. نوجوان باید احساس کند که موقعیت مطلوب و قابل قبولی در بین افراد مهم زندگی و اطرافیانش دارد. اهالی مسجد با توجه به مراداتی که با نوجوانان برقرار می‌کنند و نیز سوابق ذهنی و تجربیات شخصی که حاصل ارتباط با نوجوانان خودشان بوده است به برنامه عملی می‌رسند که بر اساس آن نوجوانان یک مسجد از موقعیت و جایگاه یکسانی در نزد ایشان برخوردار نیستند، بلکه برخی در شرایط بهتری قرار داشته و بعضی دیگر در وضعیت نامطلوبی قرار گرفته‌اند و این احساس نامطلوب توسط نوجوان می‌تواند، منجر به کناره‌گیری و در نهایت جدایی نوجوان از مسجد شود.

ذکر چند نمونه از گفته‌های نوجوانان در این خصوص: «من خیلی در مسجد کار کردم ولی هیچ کس از من تشکر نمی‌کرد ولی همین که بلندگو از دستم به زمین افتاد و صدمه دید، مورد تحقیر همه واقع شدم و مرا بی‌دست و پا و بی‌عرضه لقب دادند.» «صورت‌م جوش‌های زیادی در آورده بود و یکی از بزرگان مسجد هر وقت که مرا می‌دید می‌گفت این جوش‌ها را تخلیه کن خیلی صورتت بدشکل شده، حالم را به هم می‌زند.» «وقتی که برای اولین و آخرین بار از بلندگو اذان گفتم، خیلی اضطراب داشتم و صدایم می‌لرزید و چند بار هم سرفه کردم، بعد از اذان چند نفر از پیرمردهای مسجد به من حمله کردند که این چه وضعی است؟ چرا اذان را مسخره کردی؟ بلد نیستی مگر مجبوری؟ کی به تو گفته بود که بروی و اذان بگویی؟»

۴. احساس بزرگ شدن؛ نوجوانان از شنیدن مکرر «بچه» خسته شده‌اند و در سیر مراحل تکاملی خود دارای عجله و شتاب بیشتری هستند تا از این واژه جدا شده و فاصله بگیرند. آنها دوست دارند به عنوان یک انسان بزرگ مورد توجه و احترام باشند و از شنیدن مکرر «اون بچه است»، «تو بچه‌ای»، «کار تو نیست»، «از پس این کار بر نمی‌آیی» ملولند.

۵. جلب اعتماد دیگران؛ نوجوان دوست دارد که مورد اعتماد واقع شود و به وی کاری سپرده شود که مهم است و در شرایط عادی این کار به افرادی بزرگتر از سن او واگذار می‌شده است. لذا تمام تلاش خود را برای نشان دادن توانش جمع می‌کند تا بتواند این اعتماد را ارزش گذاشته و تقویت نماید.

۶. نیاز به شهرت؛ یکی از نیازهایی که به خصوص در عصر حاضر با گسترش تبلیغات رسانه‌ای در بین نوجوانان گسترش بیشتری یافته است نیاز به مطرح شدن در جمع و کسب شهرت است. این نیاز برای نوجوانی که در حال استقلال خواهی هست به قدری جدی است که گاهی اوقات برای حصول به آن انواع خطرات مختلف را به جان می‌خورد. اهالی مسجد می‌توانند متناسب با این نیاز نوجوان، اقدام به ترتیب دادن برنامه‌هایی نمایند که نوجوان با نشان دادن توان و لیاقت خود، این نیاز خود را نیز در جهت درست خود ارضا نموده و جذب فعالیت‌های معنوی گردد.

۷. نیاز به تعلق به گروه؛ در جریان رشد فردی و استقلال طلبی نوجوان و با کم‌رنگ شدن وابستگی به خانواده، نوجوان وارد گروه‌های همسالان و سایر گروه‌های اجتماعی مثل کانون‌ها، انجمن‌ها، هیئت‌ها و بسیج می‌شود. نوجوان برای احساس تعلق به گروه، بیشترین فعالیت را از خود بروز می‌دهد. وارد گروه شدن و تعلق به گروه، به معنی پذیرش و قبول گروه توسط نوجوان است. هر نوع رویدادی که بر این پذیرش اثر بگذارد، نوجوان را دچار تزلزل، احساس بی‌اعتمادی به خود و احساس عدم کفایت خواهد نمود. اینجاست که گروه می‌تواند اثر نرم و خاص خود را در تغییر نوجوان نشان دهد. در مواردی نوجوان سرخورده از گروه به باندها و گروه‌های ناسالم اجتماعی می‌پیوندد تا بر تنهایی و عدم تعلق اجتماعی خویش فائق آید. (شرفی ۱۳۸۳)

۸. نیاز به هویت‌یابی و تثبیت آن؛ به نظر اریکسون، هویت عبارت است از افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. از دید او هویت یک سازه روانی-اجتماعی است که شامل طرز فکر، عقاید فرد و نحوه ارتباط او با دیگران می‌شود. هویت فردی نیز جنبه‌هایی از هویت است که کمک می‌کند فرد خودش را از دیگران جدا کند و شامل دسته‌ای از ارزش‌ها، باورها و هدف‌هایی است که فرد دارد و از دید دیگران پنهان نیست. (برقی مقدم ۱۳۸۸) هویت در کنشی دائمی با جهان فیزیکی و اجتماعی رشد می‌کند و این فرآیند رشدی در قالب ساخت‌های شناختی ظاهر می‌شود. هویت اساساً یک نظریه راجع به خویشستن است که شامل فرضیات، ساختارها و قیاس‌های منطقی منطبق با افراد است. (فیلیپس ۲۰۰۸، به نقل از انصاری ۱۳۸۸)

۹. نیاز به تجربه مسئول بودن؛ یکی از نیازهای بسیار مهم در نوجوانان این است که یک مسئولیت کاری به وی سپرده شود و آن کار با اجازه، هماهنگی، کمک و همکاری وی به انجام

برسد. این نیاز نوجوان، همزمان چند نیاز دیگر را نیز ارضاء می کند مثل نیاز به جلب اعتماد دیگران، نیاز به احساس بزرگ شدن، نیاز به کسب احترام، نیاز به تجربه اندوزی، نیاز به مورد توجه واقع شدن و نیاز به اثبات خود. (کشاورزی ۱۳۸۶)

۱۰. **نیاز به اشتغال فکری و جسمی**؛ نوجوان سرشار از انرژی است و لازم است که این انرژی در موقعیت‌های مناسب به کار گرفته شود. اگر این اتفاق نیفتد با توجه به گرایش‌های جسمانی که در فرد ایجاد می‌شود، این انرژی به مسیرهای نادرستی منحرف خواهد شد، لذا لازم است که با برنامه‌ریزی دقیق بتوان اوقات فراغت نوجوان را از طریق برنامه‌های متنوع و مفرح فکری و جسمی در جهات مقبول، هدایت نموده و به صورت بهینه از آنها استفاده مطلوب را به عمل آورد.

۱۱. **گرایش به کمال**؛ مرز تفکیک انسان از سایر موجودات، عشق به برترین‌هاست که به معنای انسانیت تجلی می‌بخشد. از این منظر، کمال‌گرایی، به منزله نیاز روحی بشر تلقی می‌شود. کمال‌گرایی به نوجوانان بیش از بزرگسالان، پویایی می‌بخشد و آرمان‌نویسی فراراه زندگی‌شان می‌آفریند. مذهب از سرچشمه‌های اصیل و منابع قابل اتکایی است که می‌تواند کمال‌گرایی نوجوان را ارضاء کند و برای پرسش‌های فطری نوجوان در خصوص ارزش‌های اخلاقی و معنوی، متصدی تدوین ساختار ارزش‌ها شود. سلوک اخلاقی انسان را بر شالوده مذهب بهتر می‌توان بنا کرد. استخراج نمونه‌های بدیع و جذّاب از فرهنگ اسلامی در زمینه کمال‌جویی و استعلا و تدوین آنها در قالبی روان و شیوا، به نحو مطلوب و مؤثری اقتاع‌کننده ذهن نوجوانان است. عرفان اسلامی، مظاهر کم‌نظیر و تکان‌دهنده‌ای از کمال‌جویان را در بردارد. نوجوان با درک دقیق و تفسیر صحیح کمال‌گرایی، به نقطه‌ای می‌رسد که به بی‌حاصلی و پوچی بسیاری از آرزوهای بشری واقف می‌شود، آنگاه با چشم‌اندازی گسترده از قلّه آگاهی به بستر حرکت‌های بشری می‌نگردد و در تکاپوی روزمره زندگی، از استعلائی روحی غافل نمی‌ماند. (شرفی ۱۳۸۳)

۱۲. **نیاز به معنویت**؛ انسان از ابتدای تولّد و در دوران طفولیت سرشار از فطرت پاک و زلال است و جوشش‌های درونی انسان را که همان بُعد اخلاقی و مذهبی است را سبب می‌شود. نوجوان با دل و روح زلال و آرمان‌طلبی که دارد به دنبال عدالت‌طلبی و حقیقت‌جویی و خداخواهی است. اعتقاد به خداوند، داشتن ایمان و الگوهای صحیح رفتاری و اعتقادی، نه تنها روش زندگی مناسب را به کودکان و نوجوانان می‌شناسانند، بلکه ارزش‌هایی را که

لازمهٔ یک زندگی سالم است به آنان معرفی می‌کنند. بی‌اعتقادی به ارزش‌های صحیح زندگی باعث می‌شود نوجوانان معیارهای بی‌ارزشی را انتخاب کنند و در نهایت به سرخوردگی و پوچی در زندگی روآورند. (حجازی ۱۳۹۱)

۱۳. نیاز به تجربه‌اندوزی؛ نوجوان نیاز دارد که در موقعیت‌هایی قرار بگیرد که بتواند زندگی اجتماعی را یاد بگیرد، با دیگران ارتباط برقرار کرده و در جهت رسیدن به یک هدف مشترک با کار جمعی و گروهی تلاش کند و سهم خود را در این تلاش جمعی ادا نماید. در این راه ممکن است با توجه به سن و سال و شرایط نوجوان اشتباهات سهوی هم رخ دهد ولی اهالی مسجد باید با دید اگماض، اجازهٔ این آزمون و خطا را برای رشد هر چه بیشتر نوجوان بدهند. اگر نوجوان الان یک اشتباهی مرتکب شود و در محیطی دوستانه توأم با رأفت و عطوفت معنوی آن اشتباه را تصحیح کند، در آینده از بسیاری از آسیب‌ها پیشگیری خواهد شد و جامعه هزینهٔ اشتباهات بزرگتر نوجوان امروز و جوان فردا را نخواهد داد.

۱۴. نیاز به تخلیهٔ هیجانات؛ دورهٔ نوجوانی اوج دورهٔ انرژی، تحرک و نشاط و نیز اوج دورهٔ هیجان خواهی و بی‌باکی فرد است. با علم به این موضوع می‌توان برنامه‌های آموزشی متناسب را از طریق پایگاه‌های بسیج مستقر در مساجد برای نوجوانان طراحی کرده و در یک محیط معنوی، کنترل شده و مورد تأیید این نیاز نوجوانان را جامه عمل پوشاند.

۱۵. نیاز به کسب احترام؛ همهٔ انسان‌ها و از جمله نوجوانان دوست دارند مورد تکریم و احترام دیگران باشند و دیگران در برخورد با آنها این احترام و ادب را در کردار، گفتار و حالات چهره و ظواهر رفتاری خود نشان دهند.

ج) مسئولیت

واژه مسئولیت از لحاظ لغوی به معنی توانایی پاسخ دادن، و در عرف عمومی به مفهوم تصمیم گیری‌های مناسب و مؤثر است. منظور از تصمیم گیری مناسب، آن است که کودک و نوجوان در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می‌رود، دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، موفقیت و آسایش خاطر وی شود. مسئولیت ارثی نیست و باید از طریق تجربه آموخته شود. (اسلامیه ۱۳۹۱)

یکی از راه‌های تربیت اجتماعی نوجوانان، نقش دادن به آنان در تصمیم‌سازی‌ها و پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای آنهاست. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین» یعنی فرزند تا هفت سالگی سروری است که باید مورد احترام و اطاعت قرار گیرد و خواسته‌های صحیح او به نحو شایسته برآورده شود و در هفت سال دوم باید تحت تعلیم و تأدیب قرار گیرد و در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای فطری او به آموزش و پرورش او همت گمارند و در هفت سال سوم وزیر است، پشتوانه و پشتیبان است یعنی کسی است که می‌تواند مسئولیتی را بپذیرد و به عنوان مشاور مورد مشورت قرار گیرد و از فکر و اندیشه او بهره برده شود. لازمه چنین نامگذاری در هفت سال سوم، تربیت و آمادگی فرزند برای پذیرش مسئولیت در دوره قبل از آن است. بنابراین لازم است کودک این آمادگی را در محیط خانه و ایام تحصیل در مدرسه کسب نماید. مشورت کردن با نوجوانان نوعی جلب مشارکت آنان بوده و موجب رشد و تعالی شخصیت آنان می‌گردد، چه با این کار احساس مفید بودن و مستقل بودن کرده و راه مبارزه با مشکلات و یافتن راه حل برای آنها

در آنان شکوفامی شود و اعتماد به نفس در ایشان تقویت می گردد. علاوه بر نظر خواهی از فرزندان نوجوان باید انجام برخی از امور را نیز به آنان واگذار کرد تا خود را بنمایانند. نشان دادن خود به خصوص در دوره نوجوانی، امری طبیعی است که اگر این نیاز به طور منطقی و صحیح ارضاء نشود، به شکل های غیر منطقی و نامعقول اشباع خواهد شد. با سپردن برخی مسئولیت های مربوط به خانواده، مدرسه، مسجد و یا امور شخصی خود فرزندان به آنها به تناسب سنشان، می توان روحیه کار و فعالیت، مؤثر بودن، نظم و انضباط را در آنها به وجود آورده و حس مسئولیت پذیری و مهارت های تصمیم گیری را در آنها تقویت نمود. (شرفی ۱۳۸۳، کشاورزی ۱۳۸۶، اسلامیه ۱۳۹۱)

د) عوامل مؤثر در پرورش احساس مسئولیت در نوجوانان

برای اینکه بتوانیم احساس مسئولیت را در نوجوانان پرورش دهیم لازم است به مجموعه نکاتی توجه داشته باشیم.

۱. باور کردن توانایی‌های یک نوجوان و اعتماد کردن به او.
۲. نوجوان در دوران کودکی یاد می‌گیرد به شما اعتماد کند. حالا قضیه بر عکس است او می‌خواهد بفهمد که شما تا چه حد به او اعتماد دارید. (جودی فورد، ترجمه شهرآرای، ۱۳۸۴)
۳. توجه کردن به یکی از نیازهای اساسی نوجوان که نیاز به اثبات وجود می‌باشد، نوجوان برای ثابت کردن خودش نیاز دارد که کاری به او سپرده شود تا او با علاقه و توان و تلاش، آن کار را به نحو احسن به انجام رسانده و برای خودش اعتبار کسب کند.
۴. مسئولیت و کار سپرده شده، به صورت عینی و دقیق مشخص شده باشد، تا امکان ذهنی شدن و اقدامات مغایر حذف شود. به طور مثال مسئولیت برگزاری جلسات قرآن که شامل؛ هماهنگی با استاد برای زمان و مکان حضور، نصب اطلاعیه و ثبت نام علاقمندان، آماده کردن کلاس و... می‌باشد به وی سپرده شود و مطابق با همان موارد اعلام شده هم، گزارش انجام کار اخذ شود.
۵. الگوگیری نوجوان در انجام مسئولیت از بزرگترها به ویژه امام جماعت مسجد، بدین منظور لازم است که بزرگان و به ویژه امام جماعت در انجام مسئولیت‌های خود دقت کافی داشته باشند تا به عنوان الگو اثر مثبتی را بر نوجوانان داشته باشند.
۶. برای انجام درست مسئولیت‌های نوجوان، پیامدها و مشوق‌های مناسب تعیین و اعلام شود.

۷. انجام امور مربوط به مسجد و تقسیم کار عامل مؤثر در تقویت احساس مسئولیت نوجوانان است.
۸. مشوق‌های کلامی متناسب به همراه احترام به نوجوان و همکاری در جهت هر چه بهتر انجام شدن کار به عهده گرفته شده
۹. توضیح خواستن در فرآیند انجام مسئولیت و بررسی چالش‌های آن برای کمک به رفع موانع (برانندن، ترجمه قراچه‌داغی، ۱۳۸۷)
۱۰. پرسش‌گری نوجوان؛ با شروع به انجام مسئولیت واگذار شده، نوجوان با مسائل متعددی روبرو می‌شود که برای حل آنها از راه‌های مختلف اقدام می‌نماید و پرسش‌های زیادی برایش مطرح می‌شود، پاسخگویی توأم با صبر و حوصله به این پرسش‌ها موجب تقویت حس مسئولیت‌پذیری نوجوان خواهد شد. (فیشر، ترجمه کیان زاده، ۱۳۸۶)
۱۱. گاهی اوقات نوجوان یک کار را با روش خودش (روشی متفاوت از آنچه که تا به حال معمول بوده) به انجام می‌رساند و به همان نتایج یا بهتر از آن نتایج و یا با کیفیتی بهتر از قبل انجام می‌شود که در این صورت ضمن دادن اجازه این کار، باید مشوق‌های کلامی و حمایت‌های عملی نیز صورت پذیرد.

هـ) الگوهای عملی نوجوانان مسئولیت‌پذیر

الگوها و نمونه‌های اخلاقی، همیشه نیروی محرکه جامعه بوده‌اند و کاروان بشریت را به اهداف متعالی و والا سوق داده‌اند. به ویژه نوجوانان که همیشه مجذوب قهرمانان و سرمشق‌های عالی انسانیت بوده‌اند، در برابر این جلوه‌های ارزشمند، بی‌اختیار می‌شوند و سر تعظیم فرود می‌آورند. (شرفی ۱۳۸۳)

۱. پیامبر اعظم ﷺ اسوه الهی

قرآن کریم با عنایت به نیاز انسان برای داشتن الگو در سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۲۱ چنین می‌فرماید: «و در شخصیت رسول خدا ﷺ برای شما الگویی الهی وجود دارد.» اگر شخصیت ارزشمند حضرت رسول ﷺ به ویژه در دوران نوجوانی ایشان به نوجوانان معرفی شود و فضائل اخلاقی ایشان که در عصر جاهلیت به عنوان «محمد امین» شناخته شده بودند تشریح شود، هاله‌ای از پاکی، قداست و حرکت، نوجوان را به وجد می‌آورد و شیفته حضرتش می‌شود. بیان ویژگی‌هایی همچون امانت، پاکی و صداقت، معصومیت و معنویت از بدو تولد و کودکی، محرک نوجوان برای تحصیل ارزش‌های الهی و معنوی می‌شود و نیروی خفته او را برای حرکت و تلاش به جریان می‌اندازد.

۲. امام علی ﷺ اولین موحد

اولین شخصیتی که به پیامبر خدا ملحق شد، نوجوان ۱۰ ساله‌ای به نام علی ﷺ بود، در عصری که همه بزرگان و اشراف قوم، پیامبر را تکذیب می‌کردند، امام علی ﷺ با تمام وجود

از پیامبر ﷺ و حقانیت اسلام دفاع می‌کرد و در حساس‌ترین و خطرناک‌ترین برهه‌ها یار و همراه رسول الله ﷺ بود، تشریح جوانمردی‌ها و مبارزات قهرمانانه ایشان، برای نوجوانی که شیفته روحیه حماسی و شجاعت است، همراه با اخلاق، تقوا و کرامت آن امام همام، برای نوجوان در برگیرنده آثار تربیتی بزرگی است.

۳. حضرت داوود علیه السلام قهرمان ۱۳ ساله

حکایت مؤثر دیگری که نوجوانان را جذب الگوهای راستین و واقعی می‌نماید، داستان حضرت داوود علیه السلام است که در پیکاری سه‌مگین، که هیچکس یارای مبارزه با جالوت را نداشت به نیروی ایمان و شهادت ذاتی و توکل بر خدا، پای در راه مبارزه با او نهاد و او را از بین برد. خداوند نیز به پاداش این امر بزرگ، او را در مقام فرمانروایی و فرزاندگی قرار داد. (شرفی ۱۳۸۳)

۴. اسامه فرمانده نوجوان

نوجوان ۱۸ ساله‌ای که در جنگ با کشور روم توسط شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مقام فرماندهی سپاه مسلمین منصوب شد.

۵. نوجوانان درخشان کربلا حضرت علی اکبر علیه السلام و قاسم علیه السلام

از جمله چهره‌های نورانی تاریخ کربلا این دو نوجوان پر افتخار هستند که شرح دلاوری‌های ایشان معمولاً در منابع ذکر می‌شود.

۶. حسین فهمیده، نوجوان ۱۳ ساله‌ای که الگوی رهبرش شد

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در تمجید از این نوجوان شجاع فرمودند: رهبر ما آن نوجوان ۱۳ ساله‌ای است که نارنجک به کمر بسته و به زیر تانک می‌رود.

۹) بررسی میدانی چرایی عدم اعتماد متولیان مدیریت مساجد به نوجوانان در اداره امور

دوره نوجوانی با مختصات و ویژگی‌هایی که بیان شد، مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌رود، این دوران همراه با تغییرات و دگرگونی‌های منحصر به فردی است که در هیچ مرحله دیگری وجود ندارد. از طرف دیگر، بسیاری از اهالی مسجد نیز که خود پدران و مادران نوجوانانی مشابه هستند، اطلاعات دقیقی نسبت به ویژگی‌های این دوره ندارند و نمی‌دانند باید با نوجوانان چگونه برخورد کنند و برخی از ایشان معتقدند که باید رفتاری را در پیش بگیرند که بزرگ‌ترهایشان و اهالی مسجد نسل قبل، در مورد آنها به کار گرفته‌اند. در حالی که با توجه به دگرگونی‌های اجتماعی و رشد علم و فناوری، فهم انسان‌ها و شناخت عقلی آنها و رفتارهایشان تغییر شکل داده و یا به کلی منسوخ شده‌اند. با توجه به مصاحبه‌هایی که با تعدادی از اعضای محترم هیئت‌امنا مساجد انجام دادم، اهم این دلایل را به شرح زیر دسته بندی و اعلام می‌شود:

۱. نوجوانان هنوز بچه هستند و زود است که کاری را به طور مستقل به آنها بسپاریم چون قطعاً از پس آن کار برنخواهند آمد و کار خراب خواهد شد.
۲. نوجوانان باهم لجبازی می‌کنند و کارها خراب می‌شود.
۳. میزان آگاهی و معلومات نوجوانان کم است و نمی‌توانند کار را به درستی به انجام برسانند.
۴. تجربه کافی برای انجام امور ندارند.
۵. ممکن است نوجوانان حرمت مسجد را در انجام کار نگه ندارند و کاری کنند که دور از شأن مسجد است.

۶. نوجوانان طهارت کافی را رعایت نمی‌کنند و بی‌احترامی به مقدسات می‌شود.
۷. نوجوانان در حین کار شوخی‌هایی می‌کنند که به بزرگ‌ترهای حاضر در مسجد بی‌ادبی می‌شود.
۸. آداب حضور در مسجد و نشستن صحیح در مسجد را رعایت نمی‌کنند.
۹. احکام شرعی را نمی‌دانند و در روند کار خلل وارد می‌شود.
۱۰. وقتی اشتباهی را به ایشان گوشزد می‌کنیم، نمی‌پذیرند.
۱۱. نوجوانان با سنت‌ها و آداب و رسوم برنامه‌های مسجد همراه نمی‌شوند.
۱۲. صبر و حوصله کمی دارند و کار را نیمه‌رها می‌کنند.

۷ اصول تعامل صحیح و جذاب با نوجوانان

انسان موجود پیچیده و شگفت‌انگیزی است که تعامل با دیگران لازمه زندگی اوست. هنگام رویارویی با یک انسان، با دنیای عظیمی روبه‌رو می‌شویم که سیر در آن و یافتن پیچ‌وخم‌های آن مهارت و آگاهی زیادی را می‌طلبد. داشتن یک ارتباط کمابیش سالم با انسان‌های اطرافمان، مستلزم آشنا شدن با ویژگی‌های عمده رفتاری آنان است. این آشنایی و مهارت علی‌رغم تصور عمومی، نه تنها از طریق تحصیل و مطالعه به دست نمی‌آید، بلکه نحوه سلوک با مردم، یک هنر است. احتمال دارد یک نانوایی بیشتر از یک پزشک در آن ظاهر باشد. داشتن تعامل با اطرافیانمان در گرو شناختی صحیح و البته نه همه جانبه، از افراد است چرا که هیچ‌گاه نمی‌توان یک انسان را از تمامی جوانب شناخت. هنگامی که یک شناخت کلی از افراد به دست می‌آوریم می‌توانیم در جهت سازگار کردن خودمان با او و همچنین او با خودمان، گام‌های مؤثری برداریم. (شعاری نژاد، ۱۳۸۲)

مسجد یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن، بر مبنای اعتقادات دینی و درونی روحانی و سایر مسئولین با مردم و از جمله کودکان و نوجوانان، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده روابط و مناسبات در این سازمان است. بدون تردید این روابط و تعاملات از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، زیرا این روابط بسترهای لازم را برای جذب کودکان و نوجوانان و اجتماعی شدن بچه‌ها و نیز سلامت جسم و روان آنان فراهم می‌کند.

در این بخش از مقاله تلاش می‌کنیم برخی از مهم‌ترین اصول تعامل صحیح با کودک و نوجوان در اختیار متولیان عزیز مسجد قرار گیرد. با امید به اینکه عزیزان متصدی، بعد از آشنا شدن با این شیوه‌های صحیح برقراری رابطه و تعامل مثبت با کودکان و نوجوانان، محیطی سالم، پر نشاط و جذاب را برای حضور و فعالیت نسل جدید در مسجد مهیا نمایند.

۱. تبسم به لب و چهره گشاده

در اولین برخورد دو انسان، نخستین چیزی که جلب توجه می‌کند حالت چهره و صورت ظاهری فرد می‌باشد. اگر صورت فرد حالتی بشاش و متبسم داشته باشد سایر افراد در خود یک احساس راحتی برای برقراری ارتباط با او احساس می‌کنند. در تعالیم اسلامی، حدیثی از امام علی علیه السلام داریم که ایشان می‌فرمایند: «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» یعنی مومن گشاده‌رویی را در صورت نشان می‌دهد و اندوه را در دل نگه می‌دارد. به یاد داشته باشیم که اولین تأثیر به یادماندنی‌ترین تأثیر است. (فرخی ۱۳۸۸)

۲. حالات ظاهری و بدنی

تحقیقات روان‌شناسان نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد پیام از طریق غیر زبانی به دیگران منتقل می‌شود و تنها حدود ۴۰ درصد پیام‌ها از طریق گفتار به مخاطبان منتقل می‌گردد. این امر بدین معنی است که نوع پوشش ظاهری، حالات بدنی مادر مکالمه با دیگران، حالات صورت و چهره، نحوه آرایش صورت، حرکات سر، نحوه ایستادن، نحوه استفاده از دست‌ها در هنگام صحبت کردن و در مجموع حالت کلی بدن و چهره بسیار بیشتر با ما سخن می‌گوید. برابر پژوهش‌های انجام گرفته، تأثیر پیام؛ ۷٪ کلامی، ۳۸٪ به تن صدا و لحن آن و ۵۵٪ غیر کلامی (زبان بدن) است. (اسماعیلی ۱۳۸۸) به نظر می‌رسد حدیث شریف که می‌فرماید: «کونوا دعاه للناس بغيرالستکم» مردم را نه با زیباتان که با اعمال و رفتار تان به کار نیک دعوت کنید، ناظر به همین بعد از تأثیر گذاری عملی، بیش از گفتارهای ظاهری باشد. (خالقی ۱۳۸۷)

۳. گوش دادن فعال

شنیدن، عملی غیر ارادی است که به توجه و دقت نیازی ندارد و ما مدام در حال شنیدن اصوات مختلفی هستیم که به گوشمان می‌رسد، اما گوش دادن عملی ارادی و با خواست و انتخاب گوش دهنده اتفاق می‌افتد. اصوات گوناگونی که ما عموماً متوجه آنها نیستیم اگر توجه و دقت ما را به خود جلب کنند و ما به آنها گوش دهیم و مثلاً بین اصواتی که به گوش ما می‌رسد تمایز قائل شویم که صدای عُمَر است یا زید و نیز چه می‌گویید، در این صورت مادر حال گوش دادن هستیم. گوش دادن فعال یکی از مهم‌ترین موارد در برقراری ارتباط و تعامل مثبت با دیگران است که فنون خردتری هم دارد که با تمرین قابل حصول است. (شفیع آبادی ۱۳۹۳)

۴. گفتار در حد فهم و درک مخاطب

برقراری رابطهٔ اثربخش با مخاطب، مستلزم مکالمه در سطح درک و فهم اوست و الا گفتاری که مخاطب آن را نمی‌فهمد، ارزشی بیش از ارضای غرور و خود بزرگ‌بینی گوینده ندارد. در حدیث شریفی به نقل از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم که می‌فرماید: «کلم الناس علی قدر عقولهم» با مردم به اندازه سطح درک و فهم ایشان سخن بگوئید، مؤید همین مطلب است.

۵. نگاه کردن به چهرهٔ مخاطب

برقراری ارتباط چهره به چهره با مخاطب یکی از اصول انکارناپذیر برای تعامل اثربخش می‌باشد چرا که مخاطب احساس مثبت دیده شدن، مورد توجه واقع شدن و محترم بودن می‌کند. لازم است گوینده در برقراری ارتباط به این موضوع مهم توجه داشته باشد. البته با توجه به قیود فرهنگی و اعتقادی ما در صورتی که گوینده و مخاطب غیر همجنس باشند، لازم است که حریم لازم را حفظ کرده و از نگاه‌های ممتد پرهیز نمایند.

۶. استفاده از کلمات تحسین‌آمیز و مشوق‌های کلامی

نوجوان در مراحل رشد خود به شدت نیازمند مورد تحسین واقع شدن است. اصولاً همه انسان‌ها از مورد تعریف و تمجید واقع شدن خرسند می‌شوند و از گوینده آن مطالب نیز، تصویر مثبت و ماندگاری در ذهن خود ترسیم می‌کنند. چقدر خوب است که در قبال انجام فعالیت‌های درست، معقول و خردمندانهٔ نوجوانان، خست به خرج نداده و از این ابزار افزایش دهنده رفتارهای مطلوب به صورت بجا و منطقی بهره‌مند گردیم. هنگامی که با نوجوان روبرو می‌شوید سعی کنید با او برخورد مثبت داشته باشید از کلمه‌ها و عبارتهای تشویق‌آمیز استفاده کنید و به دنبال نقاط مثبت او باشید نه عیب‌جویی و ایراد گرفتن. مفهوم این اصل این است که او را تشویق کنید، نکات مثبت او را ببینید و یادآور شوید، توانایی‌های او را مدنظر داشته باشید. (البرزی ۱۳۹۰)

۷. همدلی

مبنای مهم روان‌شناختی ارتباط مؤثر با نوجوانان، فرآیند همدلی است. همدلی لزوماً مستلزم آن است که نوجوان بداند والدین او را درک کرده‌اند. چنین ارتباطی فراتر از آن است که صرفاً بگوییم «من احساس شما را درک می‌کنم». برای همدلی ابتدا باید تجربهٔ عاطفی

نوجوان را دقیقاً درک کرد و سپس آنچه را والدین فهمیده‌اند در قالب کلمات یا اشارات به نوجوان منتقل کرد. طبیعی است که علایم غیر کلامی در ارتباط والدین با نوجوان نقش مهمی ایفا می‌کند. همدلی غیر از همدردی است. همدردی، نگرانی، تأسف یا ترحمی است که شخص ممکن است نسبت به دیگری احساس کند یا نشان دهد، اما همدلی عبارت است از کوشش برای هم‌احساسی با دیگری برای درک احساسات وی از دیدگاه خود اوست. همدلی مشارکت در احساس دیگران است، نه اظهار احساسات خود. ایجاد و رشد همدلی نیازمند تلاش در سه بعد مهم شناختی، عاطفی و ارتباطی است:

۱-۷. **مؤلفه شناختی همدلی**؛ والدین را ملزم می‌سازد که رفتار نوجوان را دقیقاً مشاهده کرده از معنای مشاهدات خود آگاهی یابند. همدلی نیازمند آشنایی با تجربه رفتاری نوجوان و نیز اطلاع از تأثیرات آن رفتار است؛ اطلاعاتی نظیر تأثیرات رفتار نوجوان بر افکار و عواطف او و یا هنگام رویارویی با مسائل مختلف زندگی.

۲-۷. **مؤلفه عاطفی همدلی**؛ نیازمند حساسیت به احساسات نوجوان و گوش دادن به گفته‌های او درباره احساسات خویش است. این احساسات در قالب کلام، حرکات و یا اعمال نوجوان جلوه‌گر می‌شود. این مؤلفه‌ها نیازمند هماهنگی در یافت‌های والدین از عواطف نوجوان با رفتارهای نوجوان است.

۳-۷. **مؤلفه ارتباطی همدلی**؛ متمرکز بر انتقال این نکته به نوجوان است که والدین او را درک کرده، حقایقی درباره تجارب و رفتارهای نوجوان می‌دانند و احساسات کنونی او را دقیقاً درک می‌کنند. به عبارت دیگر، همدلی مستلزم آن است که به نحوی به نوجوان منتقل شود که والدین او را درک می‌کنند. (رحیمی نیک ۱۳۸۹)

۸. ابراز عواطف مثبت

یکی دیگر از مبنای روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین و نوجوانان، ابراز عواطف مثبت است. ما عواطف مختلفی را در طول زندگی روزانه تجربه می‌کنیم و اظهار می‌نماییم. حالت عاطفی مادر هر لحظه بر ادراک، شناخت، انگیزش، تصمیم‌گیری و قضاوت‌های بین فردی مؤثر است. ابراز عواطف مثبت از دو طریق می‌تواند بر ارتباط والدین و فرزندان تأثیر گذارد:

- نخست اینکه والدین می‌توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند مایل می‌شود آنچه در ما ایجاد خوشایندی می‌کند انجام دهد.

- دوم اینکه وجود والدین به هنگام برانگیختگی عواطف مثبت نقش مهمی در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد و در واقع، به شکل گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می انجامد و زمینه را برای همکاری و پذیرش پیشنهادهای آنها فراهم می کند.

بنابراین طبق این دیدگاه، انسان از کودکی نیاز به توجه عاطفی مثبت دیگران، آن هم به طور غیرمشروط دارد. آنچه مهم است استمرار این توجه عاطفی مثبت است، زیرا والدین معمولاً به فرزند خود این توجه عاطفی مثبت را دارند، ولی به تدریج این توجه مثبت به رفتارهای خاصی از فرزند مشروط می شود و دوستی و عواطف مثبت خود را مشروط به خوب بودن رفتار کودک می کنند در آن صورت، این تلقی برای کودک شکل می گیرد که گویا تمام شخصیت او پذیرفته نشده است. بنابراین، باید والدین نسبت به کودک پذیرش کامل داشته باشند. (کمالی ۱۳۹۱)

۹. پذیرش مثبت غیرمشروط

یکی دیگر از مهم ترین مبانی روان شناختی ارتباط مؤثر با نوجوانان پذیرش غیرمشروط نسبت به نوجوانان است، بدین معنا که، نوجوان را آن گونه که هست بپذیرند، هر چند ممکن است رفتار او مورد پذیرش آنان نباشد. باید به نوجوان به عنوان یک شخص مستقل احترام گذاشت و برای او به عنوان یک انسان با توانایی ها و رغبت های خاص خود، ارج و ارزش قائل شد. والدین مؤثر باید نخست یک شنونده خوب باشند تا بتوانند در زمینه تعبیر و تفسیر اطلاعات و ارائه کمک و راهنمایی و تأثیر گذاری مطلوب اقدام ورزند. نوجوانان نیاز دارند که با تمام وجود احساس کنند مورد عشق و علاقه والدین، افراد مهم زندگی، مربیان و پذیرش غیرمشروط توسط آنان هستند، هر چند که اعمال و رفتارشان احتمالاً مورد تأیید آنان نخواهد بود. به بیان دیگر، باید مفهوم «من را دوست دارند اما از کارم خوششان نمی آید» را با تفکیک معنی در مورد والدین احساس کنند. (اون، ترجمه فهیم، ۱۳۸۹)

۱۰. لزوم آموزش و تربیت

این اصل بر این باور مبتنی است که انسان موجودی یادگیرنده است و کودک و نوجوان همان طور رفتار می کند که آموزش می بیند و تربیت می شود. زمانی که کودک رفتار نادرستی از خود بروز می دهد لازم نیست او را سرزنش کنید. در این شرایط توصیه می شود

علل بروز آن رفتار را بررسی کنید. شاید کودک در این مورد خاص، آموزش ندیده است و یا ممکن است به وسیله یادگیری مشاهده‌ای از محیط، این رفتار را آموخته باشد.

۱۱. انعطاف، اغماض و سعه صدر

با اغماض و سعه صدر با نوجوان تعامل کنید. حساسیت و عکس العمل شدید میل به تکرار آن رفتار را در کودک و نوجوان بیشتر می‌کند و به اصطلاح «جَری» می‌شود. در برخی موارد موجب می‌شود کودک احساس گناه کند. در این وضعیت تکرار رفتار نامطلوب مشاهده می‌شود. کودک مقاومت و لجبازی می‌کند و بالاخره ناامنی روانی، وسواس و ناسازگاری پدید می‌آید. شایسته است خطاهای کودک یا نوجوان را به‌طور محرمانه، صمیمانه، با محبت و به‌طور غیرمستقیم به او متذکر شوید و از خطاهای کوچک نیز چشم‌پوشی کنید.

۱۲. اصل پذیرش و احترام متقابل

کودک و نوجوان را همان‌طور که هست بپذیرید، نه آن‌طور که در رؤیاهای خود تصور می‌کنید و بدانید اگر کودک یا نوجوان در خانواده پذیرفته شود و مورد احترام قرار گیرد یاد می‌گیرد که خود را بپذیرد. کودک باید بداند که چه درسخوان باشد و چه نباشد، چه زیبا باشد و چه زشت، چه دختر باشد و چه پسر، نزد مادر و پدر پذیرفته شده و مورد احترام است.

۱۳. اصل پاسخگویی به پرسش‌های کودک و نوجوان

با پرسش‌های کودک به طرق گوناگون می‌توان روبرو شد. باید به حرف‌های کودک به‌طور فعالانه گوش داد و به پرسش‌های او با صداقت، کوتاه، ساده و با ارائه مثال‌هایی و در حد فهم او پاسخ دهید. محتوای پاسخ‌ها باید به تدریج، متناسب با سن و ظرفیت ذهنی او باشد. با سؤال‌های کودک برخورد تشویق‌آمیز داشته باشید و برای مثال بگویید: «به‌به چه سؤال خوبی!» و هنگام روبرو شدن با سؤال‌های گوناگون کودک او را دعوت به اندیشیدن کنید و بگویید: منظور از این سؤال چیست؟ می‌توانی بیشتر توضیح بدهی؟ چگونه جواب این سؤال به ذهنت آمد؟ خودت چی فکر می‌کنی؟ بیایا با هم فکر کنیم و با هم جواب درست را پیدا کنیم.... به هیچ عنوان با پرسش‌های کودک برخورد تمسخرآمیز و تحقیرآمیز نداشته باشید. از بیان عباراتی مثل این چه سؤالی است می‌پرسی یا این فضولی‌ها به تو نیامده یا خندیدن به سؤالات کودک جداً خودداری کنید. در مورد این اصل در طی مطلب جدیدی به‌طور مفصل توضیح داده خواهد شد.

۱۴. اصل قاطع و جدی بودن

در کنار تمام اصول برقراری رابطهٔ انسانی با کودک و نوجوان، اصل دیگری مطرح می‌شود و آن اصل قاطع و جدی بودن است. اکثر والدین یا قاطع هستند یا مهربان؛ در حالی که معدودی از والدین هم قاطع و هم مهربان هستند. تُن صدا نشان دهندهٔ تمایل شما به قاطع بودن و مهربان بودن است و همزمان پیگیری شما با عمل و رفتار مناسب، جدی بودن شما را نشان می‌دهد. هرگز قاطع بودن را با خشونت و سختگیری یکی ندانید. منظور از قاطع و جدی بودن این است که همواره میان شما و فرزندتان باید اصولی حاکم باشد و رعایت شود. زمانی که توصیه می‌شود با کودک خود دوست باشید به این معنا نیست که با آنها جدی نباشید و اجازه بدهید که کودک از دوستی با شما سوء استفاده بکند. کودک باید بداند از آزادی بی‌قید و شرط برخوردار نیست و در مواردی که پدر و مادر مشخص کرده‌اند اگر رعایت نکند منع می‌شود و پدر و مادر در این مورد با او جدی هستند و تسلیم‌گریه او نمی‌شوند. گاهی با قهر کردن موقت و چهره را در هم کردن می‌توان به کودک یاد داد از رفتار او راضی نیستید.

با توجه به مباحث ذکر شده، می‌توان جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد را که منجر به جذب نوجوانان به مسجد و فعالیت‌های متنوع عبادی - فرهنگی و حفظ ایشان در این مسیر می‌گردد را به شرح جدول زیر جمع‌بندی و اعلام نمود:

رفتارهایی که موجب تقویت یا تضعیف تعامل و ارتباط جذاب و اثربخش با کودکان و نوجوانان می‌گردد:

دفاعه‌های رفتاری اهالی مسجد	جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد
<p>۱- دارای چهره‌ای عبوس، اخمو و ابرو درهم‌کشیده باشند.</p> <p>۲- زبانی تندوتیز و بد داشته باشند.</p> <p>۳- توخه‌ی به صحبت‌های نوجوانان نکنند.</p> <p>۴- با گفتار و رفتار، موجب به خطر افتادن امنیت خاطر نوجوانان شوند.</p> <p>۵- احترام لازم را به نوجوانان قائل نباشند.</p> <p>۶- به نوجوان سوء ظن داشته و بدگمان باشد.</p> <p>۷- بی‌ملاحظه، نوجوان را سرزنش و تحقیر نموده و آبروی نوجوان را در بین سایرین ببرند.</p> <p>۸- بین نوجوانان رقابت ناسالم و نزاع ایجاد کنند.</p> <p>۹- در حضور جمع، مشکلات و نواقص نوجوانان را بگویند.</p> <p>۱۰- هیچ عذری را نپذیرند و خشن، برخورد سلبی کنند.</p> <p>۱۱- سخنان نوجوان را مکرر قطع کرده بی‌توجهی کنند.</p> <p>۱۲- نوجوانان را بی‌عرضه بدانند و هیچ کاری به کسی واگذار نکرده و همه امور متمرکز دست خودشان باشد.</p> <p>۱۳- نوجوانانی که لباس و ظاهری مناسبی ندارند را طرد کنند.</p> <p>۱۴- بین نوجوانان تبعیض بگذارد.</p> <p>۱۵- خیلی از نوجوانان را شایسته‌ی تعامل ندانند.</p> <p>۱۶- راجع به موضوع چیزی ندانند ولی اصرار بر اجرای حرف خودشان داشته باشند.</p> <p>۱۷- خودشان به آنچه می‌گویند، عامل نباشند.</p> <p>۱۸- فاقد برنامه بوده و هر لحظه یک جور رفتار کنند.</p> <p>۱۹- سریع قضاوت کرده و زود تصمیم بگیرند.</p> <p>۲۰- از القاب زشت و زننده و تحقیرکننده برای مخاطب قرار دادن نوجوانان استفاده کنند.</p> <p>۲۱- زیاد حرف بزنند و خیلی نصیحت کنند.</p> <p>۲۲- حضورشان موجب طرد و فرار نوجوان از مسجد شود.</p> <p>۲۳- دیگران را دعوت به ذکر خدا و عبادت کند و خودش وقتش را در سایر امور صرف کند.</p>	<p>۱- دارای چهره‌ای بشاش، خندان و معطر باشند.</p> <p>۲- با زبانی نرم، شیوا و شیرین، سخن بگویند.</p> <p>۳- به سخنان نوجوانان خوب گوش دهند.</p> <p>۴- با کرامت نفس با نوجوانان تعامل کنند.</p> <p>۵- احترام و ادب به نوجوانان را همچون بزرگان ابراز نمایند.</p> <p>۶- به نوجوان فرصت اندیشیدن بدهند.</p> <p>۷- نیازهای نوجوانان را درک کرده و متوجه آنها باشند.</p> <p>۸- تشویق و قدردانی به موقع در کارها را به عنوان ابزاری برای ایجاد رقابت سالم بکار گیرند.</p> <p>۹- در حضور جمع شایستگی‌های نوجوانان را بگویند.</p> <p>۱۰- عذر نوجوان را برای اشکالات کاری بپذیرد و دلسوزانه برای کارهای بعدی، او را راهنمایی کنند.</p> <p>۱۱- اجازه ابراز وجود به نوجوانان بدهند.</p> <p>۱۲- به هر نوجوانی متناسب با توانش کار و مسئولیتی را واگذار کنند.</p> <p>۱۳- نوجوانان را با هر لباس و ظاهری بپذیرند.</p> <p>۱۴- به همه با یک دید نگاه کند.</p> <p>۱۵- با همه ارتباط و تعامل داشته باشند.</p> <p>۱۶- به مسائل و موضوعات مطرح شده تسلط علمی و فکری داشته باشند.</p> <p>۱۷- آنچه را می‌گویند با عمل خود نشان دهند.</p> <p>۱۸- در تعامل با نوجوان، یک برنامه تربیتی مشخص داشته باشند.</p> <p>۱۹- پیش‌داوری و قضاوت عجولانه نداشته باشند.</p> <p>۲۰- از القاب زیبا برای مخاطب قرار دادن نوجوانان استفاده کنند که مورد پسند خودشان هم باشد.</p> <p>۲۱- سخنانشان ناظر به رشد نوجوانان باشد.</p> <p>۲۲- مجموع کردارها به گونه‌ای باشد که نوجوانان را از روی میل، عشق و رغبت درونی به مسجد جذب کند.</p> <p>۲۳- ایمان و ذکر و یاد خدا در سخنان، رفتار و کردارشان مشهود و ملموس باشد.</p>

نتیجه‌گیری

بررسی‌های میدانی، تجربیات شخصی و گفتگو با نوجوانان و اعضای فعال مساجد نشان می‌دهد، از جمله دلایلی که مانع جذب نوجوانان و جوانان به مسجد هست، سست شدن علایق و انگیزه‌های درونی، گرایش به معنویت‌های کذایی، جذابیت امور مادی و شهوانی، رفتارهای غیر جذاب و دفع‌کننده اهالی مسجد و برخوردهای سطحی آنها با نوجوانان، فقدان جهان‌بینی مطلوب و نداشتن باورهای صحیح و منطقی در این خصوص هست. اگر باورهای یک انسان، غیر منطقی، سراب‌گونه و غلط باشد، طبیعی است که رفتار، اعمال و کردار مبتنی بر آن باورها صحیح، متکامل و سعادت‌آفرین نخواهد بود. اعمال و حرکات، کنش و واکنش‌های رفتاری و جلوه‌های عملی فرد، نمودی از باورهای درونی اوست، به‌طور مثال کسی که انسان باورمندی به یکتایی خدا و معاد باشد، در حقیقت انسانی وارسته و مؤمن است، ایمان و باورهای دینی و مذهبی‌ش حتی در ظاهر اعمال، رفتار، حرکات، سکنت، نگاه و برخوردهای او اثر می‌گذارد. برای نمونه از پوشش نامناسب و حضور در مجامع یا از ورود به مواضع اتهام و موارد احتمال لغزش و گناه پرهیز می‌کند و ماز روی مشاهده این رفتارها به مجموعه باورهای ارزشمند وی پی می‌بریم.

به نظر بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی و متخصصان علوم تربیتی، انضباط اجتماعی، مستلزم کنترل و تسلط اجتماعی است و این پدیده خود متکی بر اجتماعی ساختن اعضاست، به‌گونه‌ای که آنان بخواهند مطابق انتظارات جامعه رفتار کنند. شناساندن انتظارات اجتماعی یک جامعه دینی به نسل نوجوان و جوان، آنها را قادر می‌سازد تا خود را در جایگاه پذیرش و مقبولیت اجتماعی ملاحظه نموده و برای ایفای نقش خود، آگاهانه وارد صحنه شوند. معرفی نهادها و مراکز اجتماعی به‌ویژه مراکز اعتقادی و هویت‌دهی دینی همچون مسجد، و کارکردهای آنها، برای نسل نوجوان یک ضرورت منطقی محسوب می‌شود. چراکه شناخت هر پدیده، مقدمه انس، الفت و در نهایت دل‌بستگی به آن است. ترغیب نوجوانان به بحث و اظهار نظر در خصوص زمینه‌های مشارکت اجتماعی و حدود مسئولیت‌های آنان در مسجد، موجب رشد و تعالی انضباط اجتماعی خواهد بود. زیرا عمل به قواعد و مقرراتی که برخاسته از تفکر و اراده نوجوانان باشد، پایبندی و تعهد عمیق‌تری را به دنبال خواهد داشت. پرورش اعتماد به نفس نوجوانان و تقویت حس «خودباوری» در آنان، علاوه بر این که توانایی‌های

عمومی را افزایش می‌دهد، دامنه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز توسعه می‌بخشد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَوْسَعُوا لِلشَّبَابِ فِي الْمَجْلِسِ وَأَفْهَمُوهُمْ الْحَدِيثَ فَأَتَهُمُ الخُلُوفُ وَأَهْلُ الْحَدِيثِ»؛ برای جوانان در مجالس جای باز کنید، و امور نو و جدید را به آنان تفهیم کنید، چرا که این گروه جایگزین شما و درگیر مسائل جدید خواهند شد. (الفردوس، ج ۱، ۹۸، ح ۳۲۰، به نقل از سایت تبیان)

نوجوانان و جوانان ما به‌طور طبیعی به کارهای نو و افکار جدید علاقه‌مند هستند. آنان شیفته مطالب تازه و سبک‌های نوین روزگار خود می‌باشند به سخنان جدید باکمال دقت گوش می‌دهند و درباره مطالب نو با علاقه فراوان گفتگو می‌کنند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا احْتَجَّتْ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ، فَاسْتَبِدْهُ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَأَتَهُمْ أَحَدُ أَذْهَانَا وَأَسْرَعُ حُدْسًا، ثُمَّ زِدْهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رِيِّ الْكُهُولِ وَالشُّيُوخِ لِيَسْتَعْقِبُوهُ وَيُحْسِنُوا، الْإِخْتِيَارَ لَهُ فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ»؛ هنگامی که در پیشامدی احتیاج به مشورت داشتی ابتدا به جوانان مراجعه نما، زیرا که آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند، سپس (نتیجه) آن را به نظر بزرگسالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند زیرا تجربه آنان بیشتر است. (شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ۳۳۷، ح ۸۶۶) مسجدی‌های ما باید متحوّل شوند و پاسخگوی نیازهای روز نوجوانان باشند. یکی از خلأهایی که نوجوانان اظهار می‌دارند این است که اطلاعات علمی و به‌روز آنها بیشتر از بزرگترهایشان است و در تعامل با آنها به دلیل فقدان اطلاعات لازم، عموماً با مخالفت کردن، تندخویی و به حساب نیاوردنشان، واکنش نشان می‌دهند. اما این واکنش نباید به‌گونه‌ای باشد که راهی برای برگشت وجود نداشته باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِئَلَّا يَحْمِلَهُ الخِرَاجُ عَلَى الْمُكَابَرَةِ» هرگاه جوان را توبیخ کردی، برخی خطاهای او را نادیده بگیر، تا توبیخ تو، او را به مقابله وادار نسازد. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ۳۳۳، ح ۸۱۹) روان‌شناسان معتقدند که؛ زیاده‌روی در هر احساسی روی توانایی فرد در داشتن تفکر منطقی و معقول اثر می‌گذارد. همان قدر که فکر می‌کنید سزاوارید نوجوانان به شما احترام بگذارند به آنها احترام بگذارید. برای جذب نوجوانان، اهالی مؤثر مسجد باید خلق خوش و روی باز خود را با همه مردم به‌ویژه نوجوانان، آشکار و پنهان به نمایش بگذارند. مسجدها باید به امکانات و ابزارهای آموزشی و اطلاع‌رسانی روز مانند کامپیوتر، انواع سراچه‌های مذهبی و فرهنگی، برنامه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف مجهز شوند و جاذبه‌های کافی را برای جذب

نوجوانان و جوانان به خود را داشته باشند. وضعیت ظاهری مساجد، طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، فعالیت کانون‌های فرهنگی، پایگاه بسیج، هیئت امناء و همه اجزاء حاضر در مسجد از عوامل مؤثر در جذب نوجوانان و جوانان به مساجد می‌باشند.

آموزش افراد مؤثر در مسجد (روحانی، هیئت‌امنا و سایر فعالان) در جهت شناخت و ویژگی‌ها و نیازهای نوجوانان، افزایش مهارت‌های اجتماعی و تغییر روابط، بسیار مفید و ضروری به نظر می‌رسد. توجه به نقاط مثبت، تقویت اعتماد به نفس و احساس خودباوری و خود ارزشمندی در نوجوانان از ویژگی‌های اولیای الهی و مربیان بزرگ است. امام راحل ز در طول عمر پر برکتشان همیشه بر نقاط مثبت و توانمندی‌های نوجوانان تأکید داشته، عزت نفس و اعتماد به نفس را در آنها تقویت می‌نمودند. تکریم شخصیت چیزی است که نوجوانان سخت بدان نیاز دارند. وقتی اعتماد نوجوان به دوستی پایدار با پدر و مادر جلب شد و نیاز او از این جهت به نحو شایسته‌ای ارضا گشت، دیگر او خود با همه وجود به دنبال معیارها و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مورد قبول و پذیرش «الگوی محبوبش» که اینک مادر، پدر، امام جماعت یا سایر اهالی مسجد است، خواهد بود. همچنین در بیچه قلب نوجوان به روی کسی که به او محبت کند باز است و برای کسی که محبت کند و اعتمادش را جلب نماید، سفره دلش را می‌گشاید. والدین از هر کسی به او نزدیکترند، اگر رازدار او باشند، می‌توانند به دنیای درون وی راه یابند و او را هدایت کنند. موفقیت در جذب نوجوانان آن قدر که به روابط مثبت، مهربانانه و اعتماد آمیز با نوجوانان وابسته است به هیچ مهارت، ایده، ابزار یا دستورالعملی بستگی ندارد. احساسات متعادل داشتن به معنی بی تفاوت بودن نیست. شور و شوق داشتن و با انرژی و علاقه کار کردن از ضروریات فعالیت‌های اعتقادی است. نوجوانی که نیاز شدید معنوی خود را در مسجد جستجو می‌کند و با شنیدن احادیث شریف، جذب برنامه‌های عبادی و معنوی می‌گردد. از جمله، رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنَ حَدِيثُهُ وَالْمَسْجِدَ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (وسائل الشیعه، ج ۳، ۴۸۱) هر کس که کلامش قرآن و خانه‌اش مسجد باشد، خداوند منزلی در بهشت برای او بنا می‌کند. امام حسن مجتبیٰ ؑ می‌فرمایند: «أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُوَاوُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى الْمَرْوَرِ التَّحَفُّةُ لِزَائِرِهِ» (کلمة الامام الحسن، ۴۱) اهل مسجد زائران خدا هستند و بر زیارت شونده است که به زائرانش هدیه‌ای بدهد. باید این اخلاق عملی را در ظاهر و رفتار اهالی مسجد نیز مشاهده کند.

پیامبر گرامی ﷺ اسلام، هدف از بعثت خود را تکمیل مکارم اخلاق معرفی می‌فرماید و قرآن کریم نیز به حضرت موسی ﷺ می‌فرماید برای جذب فرعون با قول نرم و نیکو سخن بگو، لذا از این فرمایشات ارزشمند که مناسب فطرت انسانی می‌باشد برای جذب نوجوانان که قلب نرم و آماده‌ای دارند، باید بیشترین بهره را برد. امام علی ﷺ می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالرَّضِي الْمَخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ» دل نوجوان مانند زمین آماده است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

دادن مسئولیت به نوجوانان، چندین نیاز از نیازهای اساسی آنان را ارضاء می‌نماید. باز خورد مثبت دادن به فعالیت‌های نوجوانان، مؤثرترین شکل جذب آنان می‌باشد. استفاده از باز خوردهای عاطفی مثبت مثل لبخند زدن، تشکر کردن، آرزوی موفقیت کردن یا وقتی نوجوانان از مسجد بیرون می‌روند به هر کدام جمله مثبتی بگویید حتی یک لبخند و خدا حافظ هم بی‌تأثیر نیست. اگر مجبورید صحبتتان را با نوجوانی قطع کنید تا رفتار نامناسب نوجوان دیگری را تصحیح کنید حتماً از او عذر خواهی کنید یا اگر مشغول صحبت با فردی هستید و تلفن همراه شما زنگ می‌زند و مجبور به پاسخ دادن هستید، حتماً از مخاطبتان عذر خواهی کنید. به جای اینکه روی اشتباه نوجوان تمرکز کنید او را به سوی انتخاب رفتار مطلوب هدایت کنید. داشتن رفتار مناسب را مهم‌ترین وظیفه خود بدانید و آن را در رأس امور قرار دهید تا نوجوان در عمل شما آن رفتارها را مشاهده کند. به نوجوان مرتباً باز خورد رفتار مناسبش را بدهید. برای این کار رفتار او را با استفاده از واژه‌های مثبت توصیف کنید. از تمرکز بیش از حد روی رفتارهای نامناسبی که از نوجوانی سر می‌زند خودداری کنید. به نوجوانان فرصت بدهید تا بر رفتارشان مسلط شوند و بتوانند به توصیه‌های شما پاسخ مناسب بدهند. مدام روابط کاریتان را با نوجوانان هر چه بیشتر مستحکم کنید. موقع عصیانیت قضاوت نکنید. قبل از آرام کردن دیگران خودتان را آرام کنید.

عمل کردن به مجموعه موارد یاد شده از مؤثرترین عوامل جذب نوجوانان به مسجد هست که باید به کار گرفته شده و اثر بخشی آن را ملاحظه نمود.

منابع:

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۲. اسلامیه، سمیرا، آموزش مسئولیت به کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۱.
۳. انصاری، عارفه، رابطه کیفیت مدیریت مرزهای خانواده بانوع هویت و سلامت روان نوجوان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۲.
۴. اون، هارچی، ترجمه فهیم، فرشته، مهارت های اجتماعی و ارتباط میان فردی، تهران، نشر زندگی، ۱۳۸۹.
۵. براندن، ناتالی، ترجمه قراچه داغی، مهدی، مسئولیت پذیری، تهران، انتشارات شباهننگ، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۶. برقی مقدم، جعفر؛ مشرف جعفری، بتول؛ مظفری، سید احمد و گروسی قرشی، میرتقی، ارتباط سبک های هویت با عوامل انگیزنده و احساس موفقیت، فصل نامه فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۱۳۵، ۱۳۸۸.
۷. برک، لورای، روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی، جلد دوم) ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۹۱.
۸. به پژوه، احمد، اصول برقراری یک ارتباط سالم و خوب با کودک، تهران، فصلنامه مادر، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.
۹. سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان: www.tebyan.ir
۱۰. تهذیب الأحکام، ج ۸.
۱۱. حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی ها و جنبه ها، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۱.
۱۲. خالقی ثمرین، عادل و شیخ پور، محمود، شیوه های ارتباط مؤثر، تهران، انتشارات تندیس علم، ۱۳۸۷.
۱۳. دژیانی، علی، راهبردها و راهکارهای جذب جوانان به مسجد، سازمان تبلیغات اسلامی اردبیل، ۱۳۸۹.
۱۴. رحیمی نیک، اعظم، تئوری نیاز و انگیزش، تهران، نشر زندگی، ۱۳۸۹.
۱۵. سالاری فرو محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، تهران، سمت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۶. شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان، تهران، منادی تربیت، چاپ ششم، ۱۳۸۳.

۱۷. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۲.
۱۸. شفیع آبادی، عبدالله، روش ها و فنون مشاوره، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۳.
۱۹. شهرآرا، مهرانز، روان شناسی رشد نوجوان «دیدگاه تحوّل» . تهران: علم، ۱۳۸۴.
۲۰. فیشر، رابرت، ترجمه کیان زاده، فروغ، آموزش یادگیری به کودکان، تهران: نشر رسش، ۱۳۸۶.
۲۱. کشاورزی، محمد علی، مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، نشر روزبهان، ۱۳۸۶.
۲۲. کمال نسب، مهدی، بررسی رابطه بین کمال گرایی مادران با سلامت روان دختران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
۲۳. کمالی، رضا، نشریه هموطن سلام، ۱۳۹۱.
۲۴. محمدخانی، شهرام، آشنایی با مشکلات روانی و اجتماعی شایع در بین کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات طلوع دانش، ۱۳۸۳.
۲۵. معتمدی، زهرا، رفتار با نوجوان. تهران: انتشارات لک لک، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
۲۶. منادی، مرتضی، عوامل مؤثر در بهبود زندگی، تهران: نشر آوای نور، ۱۳۹۱.
۲۷. نجفی، سید محمود، بررسی رابطه کارآیی خانواده و دین داری با بحران هویت دانش آموزان دختر و پسر پایه سوم رشته های تحصیلی نظری مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۲-۸۱. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۲.
۲۸. مشاهدات، تجربیات شخصی و گفتگوهای نویسنده مقاله با تعدادی از اعضای محترم هیئت امنای مساجد، دانش آموزان، نوجوانان مسجدی و غیر مسجدی.



الزامات نرم افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد

محمد حسین شریفی نیا^۱

چکیده

موضوع این جستار بررسی الزامات نرم‌افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مساجد است. الزامات نرم‌افزاری به آن دسته از اقدامات رفتاری و برنامه‌های عملیاتی گفته می‌شود که ما را به هدف مورد نظر نزدیک می‌کند. در موضوع مورد مطالعه، یعنی جذب کودکان و نوجوانان به مسجد جاذبه‌های شخصیتی، ظاهری، کلامی و رفتاری امام جماعت، فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد، نگرش هیئت امناء و سایر مسئولین مسجد و همچنین نوع رفتار خادم و نمازگزاران، از جمله الزامات نرم‌افزاری جذب گروه‌های سنی مذکور به مسجد می‌باشند. از این رو، پس از تبیین اهمیت انس کودکان و نوجوانان با مسجد، مهم‌ترین الزامات نرم‌افزاری انس این گروه‌های سنی با خانه خدا به اختصار بیان شده‌اند.

به گمان نگارنده، نگرش مثبت به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد، آشنایی با ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان و نوجوانان، درک نیازها و انگیزه‌های کودکان و نوجوانان، آگاهی از مهارت‌های ارتباط با کودکان و نوجوانان و وقت گذاشتن برای کودکان و نوجوانان، پیش شرط هر نوع اقدامی برای جذب و استمرار حضور کودکان و نوجوانان در مسجد است. پس از آن جاذبه‌های امام جماعت به عنوان رکن اصلی مسجد در سه بعد ظاهری، گفتاری و رفتاری مورد کنکاش قرار گرفته‌اند. در بعد ظاهری به اموری مانند آراستگی ظاهری، ژست و حالات بدنی، تماس چشمی و موقعیت اجتماعی اشاره شده است. در بعد جاذبه‌های گفتاری امام جماعت مؤلفه‌هایی نظیر رعایت احترام و ادب، هم‌زبانی و همدلی، اعتمادآفرینی، رازداری، زیبا سخن گفتن، خوب گوش دادن و پرهیز از پرگویی و نصیحت کردن مهم شمرده شده‌اند.

در بعد جاذبه‌های رفتاری بر مهربانی و صمیمیت، تواضع و فروتنی، همدلی و توجه به کودکان و نوجوانان، واگذاری مسئولیت به کودکان و نوجوانان، طولانی نکردن نماز و سخنرانی، تجلیل از کودکان و نوجوانان مسجدی، چشم پوشی از خطاهای کودکان و دعوت از فرزندان مأمومین تأکید شده است.

در بخش برنامه‌های مسجد، ضمن اشاره به خصوصیات برنامه‌های ویژه کودکان مانند شاد بودن، کوتاه بودن، متنوع بودن، پرهیجان بودن، متناسب با سطح شناختی کودکان بودن، پاسخ گوی نیاز کودکان بودن و همراه با تشویق و پاداش بودن، تعدادی از برنامه‌های مناسب کودکان از قبیل واگذاری اذان گویی و مکبری نماز جماعت به کودکان و نوجوانان، دکلمه خوانی و سخنرانی‌های کوتاه ویژه کودکان و نوجوانان، تلاوت قرآن و خواندن دعاها بعد از نماز توسط کودکان و نوجوانان، سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ مخصوص کودکان و نوجوانان، اجرای مسابقات علمی، دینی، هنری و ورزشی مناسب کودکان و نوجوانان، تشکیل گروه‌های کتاب خوانی برای کودکان و نوجوانان، برگزاری مراسم جشن یا عزاداری مخصوص کودکان و نوجوانان، کلاس‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی برای سنین مختلف، برگزاری اردوهای درون و برون شهری سیاحتی و زیارتی، تهیه روزنامه دیواری، حلقه‌های صالحین و اجرای تئاتر و نمایش فیلم به اختصار توضیح داده شده‌اند.

در پایان ضمن تشریح نقش نگرش متولیان مسجد، رفتار خادم و نماز گزاران مسجد، تشویق والدین و مربیان، ارتباط با مدارس و سایر اقدامات در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد، فنون برقراری ارتباط با کودکان معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: مسجد کودک محور، کودکان مسجدی، جاذبه‌های امام جماعت، برنامه‌های مسجد، ارتباط با کودکان، جذب کودکان.

مقدمه

در اسلام مسجد از جایگاه والا و بی بدیلی برخوردار است. مسجد خانه خدا نامیده شده و همگان از پیر و جوان، زن و مرد، خردسال و بزرگسال به حضور در آن فراخوانده شده‌اند.^۱ (مجلسی، ۱۴۱۲ق؛ حرالعالمی، ۱۴۱۶ق)

این امر بدان جهت است که از نخستین روزهای تأسیس مسجد در صدر اسلام برای آن کارکردهای گوناگون عبادی، آموزشی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی تعریف گردید پیامبر اسلام ﷺ به مسلمانان آموخت که مسجد هم محل عبادت است و هم محل تعلیم و تربیت. در قرون اولیه اسلامی اصلی ترین مراکز آموزشی و تربیتی نخست مساجد و سپس مدارس بوده‌اند. (منیرالدین، ۱۳۶۸) حتی در برخی روایات فضیلت تعلیم و تعلم در مسجد النبی با جهاد در راه خدا برابر شمرده شده است.^۲ (ابن حنبل، ۱۴۱۲ق)

همچنین پیامبر ﷺ کسانی را که در مسجد به تعلیم و تعلم پرداخته بودند را بر افرادی که در مسجد به نماز و عبادت مشغول بودند، ترجیح داد و فرمود: گروهی که به امر آموزش

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ؛ پیامبر ﷺ می فرماید: کسی که به قصد شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد گام برمی دارد، خداوند متعال در برابر هر گامی هفتاد هزار حسنه به او پاداش می دهد و به همین میزان درجات وی بالاتر خواهد رفت. (بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۴)

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَأْتِيَانِ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْزُورُهُ فَأَكْبَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ وَصَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنْ كَلَّ بُغْعَةً تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بر شما باد به رفتن به مساجد، زیرا مساجد خانه های خداوند در زمین هستند و کسی که با طهارت به سوی مساجد برود خدای متعال او را از گناهانش پاک می کند و از زوارش نوشته می شود، پس زیاد در مساجد نماز و دعا بخوانید و در مساجد های مختلف نماز بخوانید، چون در روز قیامت هر مکانی برای نمازگزارش گواهی می دهد. (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲)

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَاحَ إِلَى مَسْجِدِي لِعَلِّمْ يُعَلِّمُهُ كَانَ كَمَنْ غَزَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ پیامبر ﷺ فرمودند: هرکسی برای یاد گرفتن یا یاد دادن دانشی به مسجد من برود، گویا که در راه خدا جهاد کرده است. (مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۵۰)

پرداخته‌اند، برترند، زیرا من برای تعلیم و تربیت مبعوث شده‌ام.^۱ (مجلسی، ۱۴۱۲ق)

بنابراین، نباید گمان کنیم که مسجد تنها محل اجتماع بزرگسالان و کهنسالان است که در آن فقط به عبادت و راز و نیاز با حق تعالی پردازند؛ بلکه متعلق به کودکان و جوانان نیز هست تا در آن به تعلیم و تعلم پردازند و به درستی تربیت شوند. متأسفانه در زمان ما برخی مساجد فقط محل تجمع بزرگسالان شده و کودکان و نوجوانان کمتر مایل به شرکت در برنامه‌های مسجد هستند. در حالی که مساجد باید همه اقشار، به ویژه کودکان، نوجوانان، جوانان و حتی خردسالان را به خود جذب کرده و نقش تربیتی مؤثری را برای این گروه‌های سنی بر عهده بگیرند.

بدیهی است برای تحقق این هدف ارزشمند باید امکانات و لوازم سخت‌افزاری مورد نیاز و همچنین الزامات نرم‌افزاری لازم مهیا شود تا زمینه حضور این گروه آینده‌ساز در مساجد فراهم گردد.

الزامات نرم‌افزاری به آن دسته از اقدامات رفتاری و برنامه‌های عملیاتی گفته می‌شود که ما را به هدف مورد نظر نزدیک می‌کند. در موضوع مورد مطالعه، یعنی جذب کودکان و نوجوانان به مسجد، جاذبه‌های شخصیتی، ظاهری، کلامی و رفتاری امام جماعت، فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد، نگرش هیئت‌امنا و سایر مسؤولین مسجد و همچنین نوع رفتار خادم و نمازگزاران مسجد، از جمله الزامات نرم‌افزاری جذب گروه‌های سنی مذکور به مسجد می‌باشند. از این رو، اگر امام جماعت، متولیان مسجد و نمازگزاران علاقمند به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد هستند و مایلند آنها را به مسجد جذب کنند، بایستی علاوه بر داشتن نگرش مثبت به این امر و اعتقاد به لزوم حضور کودکان و نوجوانان در مساجد، با شیوه‌های برقراری ارتباط خوب و مؤثر با این گروه‌های سنی نیز آشنا باشند.

با توجه به این اهمیت حضور کودکان و نوجوانان در مساجد، در این مقاله نقش رفتارها و شیوه تعامل امام جماعت، متولیان مسجد و دیگر نمازگزاران با کودکان و نوجوانان در اشتیاق آنان به مسجد را بررسی می‌کنیم. علاوه بر این، ضمن بیان جاذبه‌های رفتاری و گفتاری آنان در ارتباط با کودکان و نوجوانان، مناسب‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی امام جماعت و مسؤولان مسجد در ارتباط با این گروه سنی را به اختصار توضیح خواهیم داد.

۱. حَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ: مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَلَّا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَيَّ خَيْرٌ أَمَا هُوَ لَا فَيَدْعُونَ وَأَمَّا هُوَ لَا فَيَتَعَلَّمُونَ وَيَتَفَقَّهُونَ الْجَاهِلُ، هُوَ لَا أَفْضَلُ، بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ؛ رَسُولُ أَكْرَمَ ﷺ وَارِدَ مَسْجِدَ شَدِيدِ دَعْوَةٍ رَأَى فِيهِ دَوْمَجْلِسَ تَشْكِيلِ شَدِيدِ اسْتِ، يَكِي مَجْلِسِ عِلْمِ كِه دَرَّانِ اَز مَعَارِفِ اسْلَامِي بَحْثِ مِي شُد وَ دِيْغِرِي مَجْلِسِ دَعْوَا كِه دَرَّانِ مَنَاجَاتِ مِي كَرْدَنَد. رَسُولُ أَكْرَمِ ﷺ فَرَمُود: هَر دَوْمَجْلِسِ خُوبِ وَ مَوْرِدِ عِلَاقَه مَن اسْت. اَن گِرُوه دَعْوَا مِي كَنَنَد وَ اِيْن گِرُوه دَرَسِ مِي خُوانَنَد وَ دَرَسِ مِي دَهَنَد؛ وَ لِي گِرُوه عِلْمِي بَر تَرَا ز گِرُوه دَعْوَا كَنَنَد هَسْتَنَد؛ چُون مَن بَرای تَعْلِيمِ مَرْدَمِ، مَبْعُوثِ شَدِيدِ اسْت. سِيسِ رَسُولِ أَكْرَمِ ﷺ بَه گِرُوه دَانِش پَرُو هَانِ پِيوسْت. (بَحَارِ الْاَنْوَارِ، ج ۱، ص ۲۰۶)

الف) اهمیت حضور کودکان و نوجوانان در مسجد

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های اصلی آینده هر جامعه‌ای هستند و پیشرفت و سعادت جوامع به تربیت سالم و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های آنان بستگی دارد. از سوی دیگر، این گروه سنی تأثیرپذیرترین و آسیب‌پذیرترین افراد جامعه نیز می‌باشند. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری بر روی این افراد و تلاش وافر برای جذب آنان به مساجد، ضرورتی انکارناپذیر است.

حضور کودکان و نوجوانان در مساجد دارای آثار و برکات فراوانی است که در حیطه فردی می‌توان به مواردی مانند فراگیری معارف اسلامی و احکام دینی، آشنایی با آداب معاشرت و ارزش‌های اخلاقی، تأمین نیازهای روحی و روانی، بیمه شدن در برابر آسیب‌های اجتماعی، غنی‌سازی اوقات فراغت و جلوگیری از اتلاف وقت آنان، کشف استعدادها و بروز توانایی‌ها و خلاقیت‌ها، آموختن نظم و انضباط و تقویت روحیه تعاون و همکاری اشاره کرد. در حیطه اجتماعی نیز مواردی از قبیل حفظ سرمایه‌های انسانی جامعه، ارتقاء امنیت خانوادگی و اجتماعی، بهسازی اخلاق اجتماعی، تحکیم ارزش‌های انسانی، کاهش بزهکاری و کجروی، افزایش صمیمیت‌های بین فردی و انسجام گروهی، ارتباط با همسالان و تشکیل گروه‌های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و خدمات‌رسانی و همچنین تقویت هویت دینی و ملی پاره‌ای از آثار ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد است.

افزون بر فواید فوق، کودکان مسجدی بهترین مشوقین والدین و همسالان خود برای حضور در مسجد و انس با خانه خدا هستند. چه بسیار فرزندان که باعث مسجدی شدن پدر و مادر و دوستان و هم‌کلاسان خود شده‌اند.

حضور کودکان و نوجوانان در مسجد از چنان اهمیتی برخوردار است که یکی از عالمان بزرگ که حدود یک قرن پیش می‌زیسته، در وقف نامه خود آورده است:

«با آنچه از من به جا مانده گردو بخرید و در مسجد نگهداری نمایید تا وقتی کودکان همراه با والدین شان به مسجد می‌آیند، به آنها هدیه دهید تا عشق و علاقه به خدا، مسجد و منبر از ابتدا در آنها جوانه زند و در بزرگسالی هم اهل مسجد و معنویت شوند». (شرفی، ۱۳۷۵) وقتی مسجد مملو از نوجوانان و جوانان باشد، خود به خود مسجد به یک پایگاه فعال و جوان تبدیل شده و سرشار از سرزندگی، پویایی و نشاط می‌گردد. در چنین مسجدی هیچ کس احساس خستگی و خمودگی نمی‌کند و محیط مسجد برای کودکان و نوجوانان به محیطی جذاب و پر نشاط تبدیل شده و عبادت برای آنان شیرین و دلچسب می‌شود و همان طور که امام علی علیه السلام می‌فرماید: نباید خود را به زور به عبادت وادار کرد، بلکه باید عبادت را با نشاط و شادابی انجام داد.^۱ (نهج البلاغه، نامه ۶۹)

پس به طور خلاصه می‌توان گفت حضور کودکان و نوجوانان در مسجد هم سبب گرایش مثبت آنان به مسجد، آموزه‌های دینی، روحانیت و انس و الفت با محیط‌های مذهبی می‌شود، و هم تقویت اعتماد به نفس و ارتقای ارتباطات اجتماعی آنان را در پی دارد. در بررسی عوامل نرم‌افزاری حضور کودکان و نوجوانان در مسجد نخست جاذبه‌های امام جماعت را مرور می‌کنیم، سپس به سایر عوامل نظیر نگرش هیئت امنا و مسئولین مسجد، رفتار خادم و نمازگزاران و اهمیت ارتباط مسجد و مدرسه می‌پردازیم.

۱. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: وَ خَادِعَ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ وَ اَرْفُقْ بِهَا وَ لَا تَقْهَرْهَا، وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نَشَاطَهَا؛ نَفْسُ خُودِ رَا بَغْرِيْبٍ وَ بَهْ عِبَادَتِش وَ اِدَارِوْبَا اَنْ مَدَارَا كُنْ وَ بَهْ زُوْرًا كِرَاهِ بَرْچِيْزِيْ مَجْبُوْرش نَسَا زُوْبَهْ هَنْگَامِ نَشَاطِ وَ شَادَابِيْ بَهْ عِبَادَتِ بِيْرْدَا ز.

ب) جاذبه‌های امام جماعت

امام جماعت به عنوان رکن اصلی مسجد، نقش والا و منحصر به فردی در اشتیاق کودکان و نوجوانان به مسجد ایفا می‌کند. او که در واقع رهبر و هدایت کننده مجموعه فعالیت‌های دینی، تربیتی و اجتماعی مسجد است، باید با تأثیر گذاری بر هیئت امناء، مسئولین و متصدیان امور مسجد و همچنین نماز گزاران، بستر مناسب را برای حضور نوباوگان در مسجد مهیا نماید. از این رو، باور شخصی او به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد، نحوه عملکرد او در ارتباط با کودکان و نوجوانان و سبک برخوردش با نونهالان در جذب یا دفع آنان به مسجد و شرکت در نماز جماعت و سایر برنامه‌های مذهبی بسیار مؤثر است. همچنین جاذبه‌های ظاهری، گفتاری و رفتاری او نیز در این امر نقش مهمی دارند. البته رفتار بقیه دست اندر کاران و متولیان مسجد هم در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد مؤثر است که در ادامه این نوشتار بر آن خواهیم پرداخت. در این قسمت نخست ویژگی‌های عمومی امام جماعت و مسئولین مسجد را که به مثابه پیش شرط حضور کودکان در مسجد می‌باشند، توضیح می‌دهیم و سپس جاذبه‌های ظاهری، گفتاری و رفتاری امام جماعت را تبیین می‌نماییم.

۱. ویژگی‌های شناختی امام جماعت

نخستین بخش از جاذبه‌های امام جماعت که وجود جاذبه‌های دیگر به آنها بستگی دارند، ویژگی‌های شناختی و ذهنی اوست. بی‌تردید امام جماعتی می‌تواند در امر جذب کودکان و نوجوانان موفق باشد که به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد باور داشته باشد و جذب این گروه‌های سنی را از وظایف خود بداند. چنین امام جماعتی باید واجد خصوصیات شناختی زیر باشد:

۱-۱. آشنایی با ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان و نوجوانان

امام جماعت بایستی تا حدودی با ویژگی‌های عاطفی، شناختی، رفتاری و هیجانی کودکان و نوجوانان آشنا باشد. زیرا هر نوع تعامل و اثرگذاری بر آنان نیازمند اطلاع از خصوصیات روحی-روانی و نیازهای خاص دوره کودکی و نوجوانی است. به عبارت دیگر بدون شناخت دقیق خصوصیات روانی و رفتاری کودکان و نوجوانان نمی‌توان با آنها ارتباط برقرار کرد و آنان را تحت تأثیر قرارداد. البته شناخت دقیق خصوصیات نوباوگان و آگاهی از تمام ابعاد و زوایای شخصیتی و رفتاری پیچیده آنان کاری تخصصی و دشوار است؛ اما اطلاع از برخی ویژگی‌های کلیدی آنان می‌تواند امام جماعت را در رسیدن به نتیجه مطلوب یاری دهد. در اینجا برای نمونه به چند خصوصیت اصلی آنان اشاره می‌کنیم.

۱. یکی از خصوصیات کودکان و نوجوانان عدم ثبات در حالات عاطفی و رفتارهای آنان است. آنان اغلب هیجانی، زودرنج و کم تحمل هستند و گاهی با کوچک‌ترین محرک ناخوشایندی، ناراحت و عصبانی می‌شوند. از سوی دیگر، آنها اغلب مایلند در کلیه امور به صورت مستقل عمل کنند، اما معمولاً خیلی زود خسته می‌شوند و از زیر بار مسؤلیت شانه خالی می‌کنند (بیابانگرد، ۱۳۷۶) که این امر موجب انتقاد اطرافیان می‌شود. در صورتی که این انتقادات ادامه یابند، آنان اعتماد به نفس شان را از دست می‌دهند در نتیجه نسبت به اطرافیان بی‌اعتماد شده و از آنها دوری می‌کنند. از این رو، امام جماعت در برخورد با نونهالان باید صبور و پرحمل باشد و کارهای ناروای آنها را با دیده اغماض بنگرد و تا جایی که امکان دارد، از آنها انتقاد نکند؛ چون ممکن است برای همیشه از مسجد و روحانی بیزار شوند.

۲. توان ذهنی و شناختی کودکان و نوجوانان محدود، اما رو به گسترش است. نوع تفکر در دوران کودکی عینی و در دوران نوجوانی انتزاعی است. (منصور و دادستان، ۱۳۷۴) این بدان معناست که کودکان وقتی می‌توانند چیزی را درک کنند که آن را به صورت عینی دیده باشند؛ به همین دلیل، لازم است بیان هر موضوع انتزاعی مثل خدا، عدالت، دین، اخلاق و... با مثال‌های عینی و قابل مشاهده ارائه شود تا کودکان بتوانند آن را درک کنند. اما نوجوانان قادرند با استدلال و استنتاج مفاهیم منطقی به نتیجه برسند و برای درک مطالب، نیازی به مثال‌های عینی ندارند. در این دوره نوجوان می‌کوشد خود را از امور جزئی رها کرده و به کلیات بپردازد. طی این مرحله گرایش او نسبت به مسائل معنوی و ماوراءالطبیعه بیشتر می‌شود و مایل است از اسرار هستی و مسائل بنیادین عالم سر در آورد. (افروز، ۱۳۷۵) به

همین دلیل در این مرحله، ذهن نوجوان آماده تفکر درباره دین و امور معنوی است و به مسائل فلسفی علاقه نشان می‌دهد.

۳. کودک و نوجوان دوست دارد همواره تصویر مثبتی از خود داشته باشد. این نگاه مثبت به خود، باعث می‌شود که او به دیگران و آینده نیز نگاهی مثبت داشته باشد. چنین احساس خوشایندی موجب رونق زندگی و نشاط و شادابی او می‌شود و اگر این چنین شد، بهترین زمینه رشد و تعالی او فراهم می‌شود. (ماسن^۱، ۱۳۸۲) به همین سبب، توصیه می‌شود امام جماعت در مواجهه با کودکان و نوجوانان خصوصیات خوب آنان را برجسته ساخته و آنها را نسبت به آینده‌شان امیدوار سازد.

۴. دیگر خصوصیت مهم نوجوانان تحول خواهی، نوگرایی، نشاط و شادابی، شجاعت، و پر انرژی بودن آنهاست. نوجوان مدام می‌کوشد تا با انرژی و نیروی فراوانی که در اختیار دارد، در شرایط خود دگرگونی و تغییر ایجاد کند و از این طریق، به موقعیت جدیدی دست یابد. این امر به او پویایی، طراوت، نشاط و شادابی خاصی می‌بخشد و او را به سمت کارهای گروهی و فعالیت‌های اجتماعی سوق می‌دهد. (افروز، ۱۳۷۵)

۵. کودکان و نوجوان دارای روحیه‌ای لطیف و حساس هستند و گاهی نسبت به اطرافیان و محیط خود بدبین شده و احساس بیگانگی می‌کنند و در نتیجه یک حس ناامنی و تنهایی آنها را فرا می‌گیرد.

۱-۲. درک نیازها و انگیزه‌های کودکان و نوجوانان

موضوع اساسی دیگر در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد، تشخیص نیازها و انگیزه‌های مخصوص شرایط سنی آنان می‌باشد. پر واضح است که آنها به مکان‌ها و محافلی می‌روند که به نوعی پاسخگوی نیازهایشان باشند. از این رو، امام جماعت و سایر متولیان مسجد باید، از نیازهای خاص این گروه‌های سنی آگاه باشند و آن را در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های مسجد مدنظر قرار دهند. وقتی امام جماعت به این نیازها و انگیزه‌ها واقف باشد، رفتار کودکان و نوجوانان را بهتر درک می‌کند و راحت‌تر با آنها کنار می‌آید. زیرا از نظر روان‌شناسان، نیاز مهم‌ترین عامل هر نوع رفتار و فعالیت است. (ریو^۲، ۱۳۸۷)

بنابراین آگاهی از نیازهای جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی، معنوی، اخلاقی و شناختی

۱. Mussen, P. H.

۲. Reeve, T. M.

کودکان و نوجوانان نقش مؤثری در جذب آنان به مساجد دارد. در واقع، تنها در صورتی برنامه‌ریزان امور فرهنگی مساجد، قادر خواهند بود برنامه‌های جذابی برای کودکان و نوجوانان تدوین کنند که این فعالیت‌ها در جهت ارضای نیازهای گوناگون آنان و مطابق با سلیقه‌ها و انگیزه‌هایشان باشد. بدون شک چنین برنامه‌هایی می‌توانند بستر مناسب برای جذب و پرورش کودکان در مساجد مؤثر باشد.

به عنوان مثال، یکی از نیازهای مهم کودکان شادی است. آنها در صورتی جذب مسجد می‌شوند که در آن برنامه‌های شاد و هیجان‌انگیز اجرا شود. ولی متأسفانه اغلب برنامه‌هایی که در مساجد اجرا می‌شوند، از فضای شاد و مفرحی برخوردار نیستند و این نیاز کودکان را برآورده نمی‌کنند. عدم ارضای نیاز به شادی نیز باعث کاهش انگیزه آنان برای حضور در مساجد شده است.

مثال دیگر، نیاز به تنوع است. کودکان و نوجوانان از امور تکراری و یکنواخت زود خسته می‌شوند و مایلند سخنرانی‌ها و برنامه‌های مسجد متنوع باشد. اما برخی مساجد در مراسم و برنامه‌های مناسبی کمتر از سخنرانان با سواد، خوش‌بیان و معروف استفاده می‌کنند و غالباً خود امام جماعت به ایراد سخنرانی می‌پردازد. این امر موجب دل‌زدگی و گریز نوجوانان و جوانان از مساجد می‌شود. متأسفانه متنوع نبودن برنامه‌های مساجد و نیز ناآشنا بودن گردانندگان آن با شیوه‌های نوین جذب کودکان و نوجوانان باعث دوری این عزیزان از مساجد و جذب آنان به مراکز تفریحی نظیر باشگاه‌های ورزشی، کافی‌نت‌ها، پارک‌ها و شهر بازی‌ها شده است.

سایر نیازهای کودکان و نوجوان که توجه به آنها شرط موفقیت هر برنامه دینی و فرهنگی است، بدین قرارند:

- نیاز به محبت، احترام و عدالت از سوی والدین و همه بزرگترهایی که با آنان سرو کار دارند.

- نیاز به احساس آرامش و امنیت در خانه، مسجد، مدرسه و هر جایی که حضور دارند.

- نیاز به ورزش، تفریح و بازی‌های فکری فردی و گروهی که سبب ورزیدگی، شادابی و کسب تجربه در زندگی آنان می‌شود.

- نیاز به آشنایی با دین و معنویت به زبان ساده و قابل فهم برای کودکان و نوجوانان که زمینه متدین شدن آنها در بزرگسالی را فراهم می‌آورد.

- نیاز به جامعه‌پذیری، فراگیری آداب معاشرت، پرورش حس تعاون، همیاری و مشارکت اجتماعی.

- نیاز به هنر‌نمایی، ابراز وجود، خودشکوفایی، کار و تحرک و فعالیت جسمی و روحی برای خدمت به خود و جامعه. (قائمی، ۱۳۷۰)

۳-۱. آگاهی از مهارت‌های ارتباط با کودکان و نوجوانان

از آنجا که مهم‌ترین وظیفه امام جماعت تأثیرگذاری بر اقشار مختلف مردم، از جمله کودکان و نوجوانان است و این امر بدون برقراری ارتباط سازنده و مؤثر با آنان ممکن نیست، لازم است آنها با فنون و روش‌های ارتباط مؤثر، به ویژه اصول ارتباط با کودکان و نوجوانان آشنا باشند و آن را در روابط میان فردی خود به کار گیرند.

مهم‌ترین اصولی که باید در هنگام گفتگو و ارتباط با کودکان و نوجوانان رعایت کنیم تا بتوانیم آنها را جذب کرده و به استمرار ارتباط با خود علاقمند سازیم، به شرح زیر می‌باشد:

- کودک و نوجوان شیفتهٔ احترام و محبت است. از این رو، به هر کس که با آنها محترمانه رفتار کرده و نسبت به آنها محبت نماید، جذب شده و دوست دارند با او رابطه داشته باشند.
- کودکان و نوجوانان از سرزنش و تحقیر بیزارند. آنها چون نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند، سعی می‌کنند با کسانی که آنها را سرزنش یا نصیحت می‌کنند، کمتر روبرو شوند.
- کودکان و نوجوانان با کسی صمیمی می‌شوند که بتواند آنها را درک کند و به آنها توجه کند. پس برای برقراری ارتباط با آنان بایستی علاوه بر هم‌زبانی، با آنان همدلی کنیم و آنان را همان گونه که هستند، بپذیریم.

- اگر بخواهیم بر کودکان و نوجوانان تأثیر بگذاریم باید نیازهای آنان را بشناسیم و بکوشیم ارتباط مادر جهت تأمین نیازهای آنان باشد. چون انسان‌ها در صورتی ارتباط را ادامه می‌دهند که طرف مقابل به خواسته‌ها و نیازهای آنها توجه داشته باشد.

- کودکان و نوجوانان بیش از بزرگسالان نیاز به احساس آرامش و امنیت دارند. از این رو، ارتباط با آنان بایستی در فضایی آرام، ایمن و سرشار از صفا و صمیمیت صورت پذیرد.

- کودکان و نوجوانان عاشق تعریف و ستایش‌اند. پس از رفتارهای خوب و ویژگی‌های مثبت آنان مخصوصاً در مقابل دیگران تعریف و تمجید کنید. به هر حال تعریف، تحسین و احترام به کودکان و نوجوانان، مخصوصاً اگر در جمع صورت گیرد، تأثیر شگرفی بر آنان خواهد گذاشت.

- کودکان نسبت به وسایل شخصی خود حساس هستند و مایل نیستند دیگران حریم خصوصی آنها را نادیده بگیرند. بنابراین، همواره به علایق و ارزش‌های کودکان و نوجوانان احترام بگذارید و هرگز بدون اجازه به وسایل خصوصی آنها مثل گوشی تلفن همراه و دفترچه یادداشت‌شان دست نزنید و به مکالمات تلفنی آنها گوش ندهید.

- کودکان سرشار از عواطف و هیجان‌های پاک و بی‌آلایشند و دوست دارند اطرافیان‌شان احساس آنها را بفهمند. پس سعی کنید احساسات آنها را درک کنید و به عواطف آنها واکنش مناسب نشان دهید.

- یکی از نشانه‌های دوستی و صمیمیت خودافشایی و بیان مسائل زندگی شخصی است. از این رو، گاهی برای آنها از خاطرات دوران کودکی و نوجوانی خود بگویید و بعضی تجارب خود با فرزندان‌تان را برایشان شرح دهید. این امر احساس دوستی و نزدیکی بین شما و آنها را افزایش خواهد داد.

- از آنها سوالاتی بپرسید که دوست دارند درباره آن به دیگران توضیح بدهند. مثلاً از موفقیت‌ها، افتخارات، مسافرت‌ها و خاطرات شیرین‌شان سؤال کنید. این امر بچه‌ها را شاد می‌کند و به آنها نشان می‌دهد که شما به مسائل آنها توجه دارید. (کامکاری، ۱۳۸۰)

۲. جاذبه‌های ظاهری امام جماعت

پس از ویژگی‌های شناختی، اولین عاملی که در جذب کودکان و نوجوانان تأثیر دارد، وضعیت ظاهری امام جماعت است. مهم‌ترین خصوصیت ظاهری که برای بچه‌ها بیشتر اهمیت دارد عبارتند از: آراستگی ظاهری، ژست‌ها و حالات بدنی و نوع نگاه کردن امام جماعت به آنها که در ادامه به تبیین آنها می‌پردازیم.

۲-۱. آراستگی ظاهری

آراستگی سر و صورت، طرز لباس پوشیدن، تمیزی لباس و بدن، بوی دهان و حتی لبخند زدن در جذابیت یا عدم جذابیت فرد تأثیر ناهشیار و عمیقی دارد. زیرا برای اغلب مردم، وضعیت ظاهری شخص بیانگر سطح سواد، طبقه اجتماعی و اقتصادی و عقاید و ارزش‌های اوست.

امام جماعت به عنوان روحانی و رهبر معنوی نمازگزاران باید الگوی خوبی برای کودکان و نوجوانان باشد. از این رو، او باید به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محاسن

مرتب داشته باشد، از عطر و ادکلن استفاده کند، مواظب نظافت دهان و دندان و احیاناً بوی بد دهان خود باشد و در مجموع از نظر ظاهری آراسته و زیبا باشد.

به یاد داشته باشیم که چهرهٔ باز و متبسم امام جماعت در هنگام گفتگو با نمازگزاران بیانگر آن است که او از ارتباط با نمازگزاران، به ویژه کودکان و نوجوانان خوشحال است و از گفتگوی با آنان لذت می‌برد.

۲-۲. ژست و حالات بدنی

شاید این جمله را شنیده باشید که صدای حالات بدن بلندتر از صدای کلمات است. ژست‌های بدنی ابزار قدرتمند است که می‌تواند باعث تحکیم یا تضعیف ارتباط با دیگران شود. چهره اطلاعات فراوانی از احساسات و هیجان‌های درونی ما ارائه می‌دهد. به طوری که برخی نظریه‌پردازان معتقدند پس از زبان، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی حالات درونی آدمها حرکات چهره آنهاست. حالت چشم، حرکات ابرو و دهان نشان‌دهنده احساس غمگینی، شادی، خشم، تعجب یا سردرگمی ما می‌باشد.

علاوه بر این، ژست‌های ما از قبیل طرز نشستن، ایستادن یا راه رفتن پیام‌های مهم را منتقل می‌کنند. برای مثال، دست به سینه نشستن حالت تدافعی را می‌رساند؛ اگر پاهارا روی یکدیگر قرار دهید گویا می‌خواهید بین خود و دیگران مانع ایجاد کنید؛ وقتی به جلو خم می‌شوید، یعنی آن موضوع برایتان مهم است و با دقت آن را دنبال می‌کنید؛ برعکس، دور شدن از گوینده و حالت لم دادن نشانه کم‌توجهی به گوینده و عدم علاقه به موضوع مورد بحث است. بنابراین با دقت به قرار گرفتن حالت‌های بدنی مناسب می‌توان علاقه و یا عدم علاقه به کودک یا نوجوان مخاطب را نشان داد.

۲-۳. تماس چشمی

در هنگام گفتگو با کودکان و نوجوانان به آنان نگاه کنید، زیرا تماس چشمی مستقیم و مناسب، بیانگر توجه شما به کودک و گفته‌های اوست. رسول خدا ﷺ هنگام گفتگو، نگاه گرم و صمیمانه خود را از مخاطبان دریغ نمی‌کرد و همواره نگاه‌های خویش را میان یارانش تقسیم می‌کرد و به طور برابر، تمام اهل مجلس را از توجه خود بهره‌مند می‌ساخت. (طباطبایی، ۱۴۱۹ق)

معمولاً تماس چشمی به دو منظور به کار می‌رود: نخست نشان دادن علاقه و توجه به مخاطب، و دوم تسلط بر مخاطب و کنترل وی. هر چه رابطهٔ بین دو فرد صمیمانه‌تر باشد،

طول مدت تماس چشمی آنها بیشتر است، در مقابل، هر چه موقعیت اجتماعی طرفین فاصله بیشتر داشته باشد، تماس چشمی کمتری بین آنها برقرار می‌گردد. (مایایوانوفا^۱، ۱۳۸۵)

امام جماعت با حفظ ارتباط چشمی خود با مخاطبان، به ویژه کودکان و نوجوانان می‌تواند بازخورد کلام خود را چهره و ژست‌های بدنی آنان دریافت کرده و در نتیجه، شیوه بیان مطالب خود را بهبود بخشد. مثلاً با کم شدن توجه مخاطبین و از دست دادن تمرکز و تماس چشمی آنان، به خستگی آنان پی برده و سخنان خود را جمع و به آن خاتمه دهد.

۳. جاذبه‌های گفتاری امام جماعت

جاذبه‌های گفتاری امام جماعت شامل مواردی است که به کیفیت بیان و گفتگوی او با کودکان و نوجوانان مربوط می‌شود. اموری از قبیل رعایت احترام و ادب کودکان، هم‌زبانی با آنان، جلب اعتماد آنان، حفظ رازهای نوجوانان، توانایی زیبا سخن گفتن و خوب گوش دادن در این حیطة قرار دارند که به اختصار آنها را توضیح می‌دهیم.

۳-۱. رعایت احترام و ادب

نحوه سخن گفتن ما با کودکان و نوجوانان، تأثیر عمیقی در نگرش و رفتار آنان نسبت به ما دارد. در واقع، الگویی که ما در حرف زدن با کودکان ارائه می‌دهیم، به آنها می‌آموزد که چگونه به ما پاسخ بدهند. از این رو، در سخن گفتن با کودکان و نوجوانان همیشه باید از کلمات احترام‌آمیز و مؤدبانه استفاده کنیم تا ضمن ارائه الگویی مناسب، مهر خویش را در دل آنان بکاریم و آنان یاد بگیرند که با ما و دیگران محترمانه سخن بگویند.^۲ از سوی دیگر، همان‌طور که می‌دانیم بدون رعایت ادب و احترام متقابل نه تنها گفتگو تأثیر مثبتی در پی نخواهد داشت بلکه غالباً بر مشکلات و تنش‌ها خواهد افزود. به همین دلیل امام علی علیه السلام می‌فرماید: «دم فرو بستن بهتر از بی‌ادبانه سخن گفتن است.» (مجلسی، ۱۴۱۲ق)

۳-۲. هم‌زبانی

توجه به زبان و سطح فهم مخاطب، یکی از مؤلفه‌های اصلی هر نوع ارتباطی است. امام جماعت در گفتگو با کودکان و نوجوانان باید سن، پایگاه اجتماعی و سطح درک آنان را در نظر بگیرد و طوری سخن بگوید که برای آنان قابل فهم باشد. همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

۱. Maiaivanovna, L.

۲. قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام إِذَا فَاتَكَ الْاَدَبُ فَالْزِمِ الصُّمْتَ؛ هرگاه ادب از تو رخت بربست، سکوت پیشه نما. (بحارالأنوار، جلد ۷۱، ص ۲۹۳)

«ما پیامبران مأموریم تا با مردم به اندازه درک و عقلشان سخن بگوییم»^۱ (الحرانی، ۱۳۶۳) درک محدود و روح لطیف آنان نیازمند گشودن زبان کودکانه و رعایت ظرافت در برخورد با آنان است. از این روی، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس با کودکی سر و کار دارد، با او کودکانه رفتار کند»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق) مولوی هم با اشاره به همین حدیث شریف می‌گوید

چون که با کودک سروکار افتاد هم زبان کودکی باید گشاد

(مثنوی، دفتر چهارم)

بر این اساس، تشخیص موضوعات مناسب و مورد نیاز کودکان و نوجوانان و باز زبان کودکانه سخن گفتن، هنری است که امام جماعت محبوب کودکان و نوجوانان باید از آن بهره‌مند باشد. چنین امام جماعتی موضوعاتی را انتخاب می‌نماید و آن را به گونه‌ای بیان می‌کند که با نیازهای نوباوگان هماهنگ بوده و توجه و اشتیاق آنان را به بحث برمی‌انگیزد. بدین منظور پیشنهاد می‌شود امام جماعت از خود کودکان و نوجوانان بپرسد که بیشتر به چه موضوعاتی علاقمند هستند. ضمناً او می‌تواند با طرح چند سؤال سطح فهم و درک آنها را بسنجد و متناسب با همان سطح، با آنان سخن بگوید.

۳-۳. اعتماد آفرینی

عنصر دیگری که از ارکان یک ارتباط خوب و سازنده، به شمار می‌آید، اعتماد متقابل است. وقتی یک نوجوان به امام جماعت نزدیک می‌شود و با او رابطه برقرار می‌کند که بتواند به او اعتماد کند و از جانب او هیچ نگرانی نداشته باشد. در واقع، پیش شرط هر نوع گفتگوی سازنده و مؤثری، ایجاد فضای امن همراه با اعتماد است. همان طور که تا نگرانی حضرت ابراهیم علیه السلام از فرشتگانی که برای نابودی قوم لوط آمده بودند، برطرف نشد، از گفتگو با آنان خودداری نکرد.^۳ (سوره هود، آیه ۷۴)

مهم‌ترین عناصر اعتماد آفرین در روابط گفتاری عبارتند از: راستگویی، خیر خواهی و خودافشایی. راستگویی اصلی‌ترین عامل در جلب اعتماد طرف مقابل است. وقتی گوینده با صداقت،

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرَنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ. (تحف العقول، ص ۳۷)

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَضَابْ لَهُ. (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، ص ۴۸۳)

۳. فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ؛ چون ترس از ابراهیم زایل شد و بشارت فرزند به او رسید، نمایندگان مادر با قوم لوط به گفتگو پرداخت.

واقعیت‌ها را بیان می‌کند و شنونده مطمئن می‌شود که به او دروغ نمی‌گوید، می‌تواند به او اعتماد کند. به همین دلیل، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «راستگویی را پیش از سخن گفتن بیاموزید».^۱ (کلینی، ۱۴۱ق)

دومین عنصر اعتمادسازی خیرخواهی است. ما انسان‌ها به کسانی که خیرخواه و دلسوز ما هستند، اطمینان می‌کنیم و حرف‌های ناگفته‌مان را بدون دغدغه، با او در میان می‌گذاریم. از این رو، پیامبران هنگام گفتگو با مردم، بر خیرخواهی و دلسوز بودن خود تأکید می‌کردند.^۲ (سوره اعراف، آیه ۶۸)

معرفی خود و سخن گفتن در باب مسائل شخصی هم عامل دیگری برای جلب اعتماد مخاطب است. وقتی امام جماعت خودش را معرفی می‌کند و اهدافش را به روشنی توضیح می‌دهد، راه را بر هرگونه پیش‌داوری و شایعات می‌بندد. به همین دلیل، پیامبران الهی در گام نخست به معرفی خود و اهداف خود می‌پرداختند.^۳ (سوره شعراء، آیه ۱۶)

۳-۴. رازداری

رازداری یکی از نشانه‌های خردمندی و امانت‌داری است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «سینه خردمند، صندوق راز اوست».^۴ (نهج البلاغه، حکمت ۶) چه این رازها مربوط به خودش باشد، چه مربوط به دیگران. در اسلام تأکید زیادی بر رازداری و ممنوعیت افشای اسرار دیگران شده است؛ به طوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ملا نمودن راز برادر دینی را خیانت به او شمرده است.^۵ (نوری، ۱۴۰۸ق)

بنابراین امام جماعت باید نسبت به حفظ رازهای دیگران اعم از خردسال و بزرگسال کاملاً مراقب باشد. این امر افزایش اعتماد دیگران به امام جماعت را به دنبال خواهد داشت.

۳-۵. زیبا سخن گفتن

زیبایی کلام موجب جذابیت و شیرینی آن و در نتیجه، پذیرش بهتر آن از سوی کودکان و

۱. قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: تَعَلَّمُوا الصِّدْقَ قَبْلَ الْحَدِيثِ (اصول کافی، جلد ۲، ص ۱۰۴).

۲. أُنْيَعُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ؛ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم در حالی که خیرخواه و امین شما هستم. مضمون این آیه در آیات ۷۹ و ۹۳ سوره اعراف، ۴۵ و ۴۷ سوره مریم و ۳۰ و ۳۳ سوره مؤمن نیز تکرار شده است.

۳. فَأَيُّهَا فِرْعَوْنُ قَقُولًا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ نزد فرعون بروید و بگویید ما پیام‌آور پروردگار جهان هستیم.

۴. قَالَ عَلِيُّ علیه السلام: صَدَرَ الْعَاقِلِ صَدْرُؤُقُ بِرَّه.

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: يَا أَبَا ذَرٍّ! الْمَجَابِشُ بِالْأَمَانَةِ وَإِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ؛ گفتگوها امانتند و افشای راز برادرت خیانت به اوست؛ پس همواره از آن اجتناب کن (مستدرک الوسائل، جلد ۸، ص ۳۹۸).

نوجوانان است. این هنری است که قرآن کریم به نیکی از آن بهره برده و با قرار گرفتن در اوج قله فصاحت و بلاغت در دل‌ها نفوذ کرده است. خداوند در قرآن مجید به همه انسان‌ها توصیه می‌کند که به زیبایی سخن بگویند. (سوره بقره، آیه ۸۳)

در تعالیم اسلامی توصیه شده که هرگز واژه‌های نامناسب و القاب زشت به کار نبرید، حتی هنگامی که از شخص یا موضوعی به شدت ناراحت هستید.

دلیل این امر روشن است. زیرا سخنی که با نرمی و عذوفت همراه باشد، همچون آهنگی گوش‌نواز، دلنشین و تأثیرگذار است، خداوند متعال به موسی و هارون علیهم‌السلام توصیه می‌کند حتی با فرعون که دعوی الوهیت داشت و بر پروردگار عالم طغیان کرده بود، به نرمی سخن گویند.^۱ (سوره طه، آیه ۴۴) البته ملائمت هنگامی ارزشمند است که با قاطعیت و شفافیت همراه باشد. چون نرمی گفتار، ابزاری است برای القای بهتر حقیقت و آنگاه که موجب زیرپا نهادن حق گردد، جلوه‌ای از نفاق و تظاهر و چاپلوسی خواهد بود. پس شایسته است امام جماعت در عین نرمی و ملائمت، از گفتن حقایق ابا نکند و سخن حق را با کمال قاطعیت و شفافیت بیان نماید. بدین منظور، امام جماعت می‌تواند با استفاده از روش‌های بیان غیر مستقیم مثل کنایه، تعریض، حکایت و کلی‌گویی در عین قاطعیت و شفافیت، از درگیر شدن مستقیم با مخاطب پرهیز کند. در این شیوه‌ها که قرآن کریم هم در پاره‌ای موارد از آنها بهره برده، یک موضوع ناخوشایند نظیر امر، نهی، توبیخ یا حقیقتی تلخ، بدون اشاره مستقیم به شخصی یا گروه مورد نظر بیان می‌شود به این وسیله مقصود خود را به طور غیر مستقیم به مخاطب یا مخاطبان القا می‌نماید. بدین ترتیب، امام جماعت در عین حالی که پیام خود را به فرد مورد نظر انتقال می‌دهد، اما به طور مستقیم با او درگیر نمی‌شود و آثار سوئی همچون دل‌آزردگی و نفرت از او را به دنبال ندارد و تأثیرگذاری ارتباط را دوچندان می‌سازد.

در مجموع، رعایت خلاصه‌گویی، بهره‌مندی از آرایه‌های ادبی مانند تشبیه و کنایه، تلفظ روان کلمات و جملات، برخورداری از ساختاری منظم و نیکو و توجه به جنبه‌های عاطفی مخاطب همه به شیوایی و رسایی سخن کمک کرده و فهم و درک آن را آسان‌تر می‌نماید.

۳-۶. خوب گوش دادن

در حالی که به نظر می‌رسد گوش دادن کاری بسیار ساده است، اما اگر خوب گوش دادن

۱. وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.

۲. قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْتًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ با او به نرمی سخن بگویند، شاید بپذیرد یا بترسد.

هنری است که از هر کسی بر نمی آید. گوش دادن فقط شنیدن کلام طرف مقابل نیست؛ بلکه توجه به گوینده و دیدگاه او نسبت به مسئله مطرح شده و درک احساسات و انتظارات او نیز از عناصر گوش دادن فعال است.

اگر امام جماعت بخواهد یک شنونده موفق باشد و با کودک و نوجوان ارتباط مؤثری داشته باشد، باید علاوه بر موارد فوق، به ژست‌ها و حالات بدنی گوینده هم توجه کند و خود نیز در هنگام گوش دادن با ژست‌ها و حالت بدنی مناسب و تکان دادن سر به او بفهماند که حواسش کاملاً به اوست و به او توجه دارد. مراقب باشید در هنگام حرف زدن طرف مقابل از رفتارهایی مثل خمیازه کشیدن، نگاه کردن به ساعت یا به اطراف و بی‌قراری، خود را نسبت به صحبت‌های گوینده بی‌اعتنا و کم‌حوصله نشان ندهید؛ بلکه برعکس، باید با تماس چشمی مناسب و حرکات چهره علاقمندی خود را به شنیدن سخنان کودک یا نوجوان ابراز کنید. مثلاً هنگامی که هیجان زده می‌شود و شادی، غم یا عصبانیت در چهره و گفتار او نمایان می‌شود، با عکس‌العمل مناسب و به موقع با او همدلی و همراهی نمایید.

در این شرایط، امام جماعت باید موقتاً از احساسات، خواسته‌ها، افکار و پیش‌داوری‌های خود چشم‌پوشد و گفتگوی درونی خویش را متوقف کند و در هنگام صحبت طرف مقابل، در ذهن خود به فکر آماده کردن او پاسخ نباشد تا بتواند کلام و حال او را به درستی درک کند. توجه داشته باشیم که اگر به جای گوش دادن، به فکر پاسخ دادن باشیم، بخش زیادی از حرف‌های شنونده را اصلاً متوجه نخواهیم شد و در نتیجه اطلاعات مهمی را از دست خواهیم داد.

نکته قابل توجه این که گوش دادن یک مهارت چندگانه است. یعنی علاوه بر شنیدن سخنان گوینده، برای درک صحیح گفتگوهای او تلاش کنیم و برای اطمینان از درستی برداشت خود، استنباط‌های خود را به صورت پرسشی با گوینده در میان گذاریم.

۳-۷. پرهیز از پرگویی و نصیحت کردن

پرگویی، مکرر گویی و امر و نهی مستقیم با ویژگی‌های دوره کودکی و نوجوانی سازگار نیست و آنها را زود خسته می‌کند. از این رو، سخنرانی‌های مسجد، به ویژه صحبت‌های بین دو نماز نباید طولانی باشد؛ چون باعث سر رفتن حوصله کودکان و ترک جلسه سخنرانی می‌شود. افزون بر این، امام جماعت و یا سخنران یا از لحن سرزنش‌گونه یا نصیحت مستقیم به کودکان و نوجوانان اجتناب کند؛ زیرا ممکن است آنان را نسبت به امام جماعت و مسجد دلسرد نماید و شوق آنها به حضور در مسجد و برنامه‌های آن از بین برود.

۴. جاذبه‌های رفتاری امام جماعت

آخرین تبلور جذابیت‌های امام جماعت در رفتارهای او نهفته است. همان طور که می‌دانیم رفتارهایی که بر مهربانی و صمیمیت، تواضع و فروتنی، همدلی و توجه به دیگران، پاداش کارهای نیک و اغماض از خطاها استوار است، برای همگان شیرین و جذاب هستند. در این بخش بعضی از این رفتارهای خوب و جذاب را معرفی می‌کنیم.

۴-۱. مهربانی و صمیمیت

بر خورد صمیمیانه و همراه با ملاحظت و گشاده‌رویی امام جماعت با کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین عوامل جذب و استحکام حضور آنان در مساجد می‌باشد. اگر امام جماعت چند دقیقه مانده به اذان در مسجد حضور یابد و گفتگویی دوستانه، خیر خواهانه و پدران‌ه با کودکان و نوجوانان داشته باشد، آنان مجذوب وی شده و با اشتیاق به مسجد می‌آیند. (موظف رستمی، ۱۳۹۱) گاهی یک لبخند، یک گفتگوی دوستانه، یک دست به شانه نوجوان زدن، یکی دو قدم با او راه رفتن و صحبت‌های نوجوان را شنیدن، می‌تواند مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

پس، همان طور که خداوند به پیامبر ﷺ خود می‌فرماید: «اگر تندخو و سخت‌دل بودی، همه از دور شما پراکنده می‌شدند»^۱ (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)؛ امام جماعت نیز اگر بدخلق و ترش‌روی باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند کودکان و نوجوانان را دور خود جمع کند. او باید با خوش خلقی، مهربانی، بردباری و آسان‌گیری با نوباوگان دوست شده و آنها را به مسجد و اماکن مذهبی جذب نماید.

در این صورت، رابطه امام جماعت و نوجوانان در چارچوب رسمی باقی نمی‌ماند، بلکه او یکی از دوستان کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید که در مشکلات به کمک آنان می‌شتابد؛ موفقیت‌هایشان را تبریک می‌گوید؛ به مناسبت‌های مختلف هدایای کوچکی به عنوان یادگاری به آنان تقدیم می‌کند؛ در سلام کردن بر آنها پیشی می‌گیرد و آنان را با القاب شایسته خطاب می‌کند. چنین امام جماعتی محبوب مردم، جوانان و کودکان خواهد بود.

۴-۲. همدلی و توجه به کودکان و نوجوانان

منظور از همدلی، درک احساس کنونی طرف مقابل از اتفاق یا مشکلی که برایش رخ داده

۱. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ خَوْلِكَ.

و نشان دادن حس مناسب با حال فعلی اوست. برای اینکه بتوانیم با دیگران همدلی نماییم، باید بتوانیم خودمان را به جای او قرار دهیم و مسئله را از منظر او ببینیم تا بتوانیم حس و حال او را درک کنیم. در مقابل، همدردی یعنی شریک شدن در غم و رنج دیگران و درگیر شدن با مشکل آنان. روان‌شناسان تأثیر همدلی را بیشتر از همدردی می‌دانند.

البته در برخی موارد این دو واژه را به جای هم به کار می‌روند. به هر حال، خوب است امام جماعت با نمازگزاران، به ویژه نوجوانان و جوانان همدلی کرده و در غم و شادی با آنان هم‌حسی نماید. یادآوری می‌شود در همدلی لازم نیست کاملاً با گوینده موافق باشیم؛ بلکه تنها کفایت خودمان را به جای او گذاشته و مسائل را از دریچه نگاه او بنگریم و او را به خاطر احساسش مذمت نکنیم، حتی اگر با او موافق نیستیم.

۴-۳. واگذاری مسئولیت به کودکان و نوجوانان

دادن مسئولیت به کودکان و نوجوانان یک راهکار مناسب برای علاقمند کردن کودکان و نوجوانان به حضور در مسجد است. کودکی که در مسجد به او مسئولیتی واگذار می‌شود، خود را متعلق به مسجد و مسجد را متعلق به خود می‌داند و تمام تلاش خود را برای انجام هر چه بهتر و وظیفه‌ای که به او سپرده شده، به کار می‌بندد. لذا ضروری است پاره‌ای از فعالیت‌های مساجد به دست آنها سپرده شود و امام جماعت و هیئت امناء مسجد نظارت و مدیریت کارها را بر عهده گیرند.

برخی مسئولیت‌هایی که می‌توان به کودکان و نوجوانان داد عبارتند از: مسئولیت کتابخانه، گفتن اذان، و تکبیر نماز، قرائت قرآن و دعای پس از نماز، مسئولیت کفشداری، پهن کردن سجاده‌ها، سیستم صوتی، برنامه‌ریزی و اجرای مناسبت‌ها، تزئینات و تبلیغات، زیباسازی مساجد، انجام برخی کارهای فنی مسجد و اموری که از عهده آنها بر می‌آید.

۴-۴. طولانی نکردن نماز و سخنرانی

از آنجا که آستانه تحمل کودکان و نوجوانان پایین است، امام جماعت باید در هنگام حضور آنان از طولانی شدن اقامه نماز و سایر برنامه‌های مسجد، نظیر سخنرانی و مراسم دعا و زیارت بپرهیزد. در این شرایط بهتر است امام جماعت در هنگام اقامه نماز، تنها به واجبات اکتفا کرده و از مستحبات نماز مثل قنوت مفصل یا رکوع و سجود طولانی چشم‌پوشی کند و برای جبران آن، پس از نماز به ذکر و دعا بپردازد.

۴-۵. تجلیل از کودکان و نوجوانان مسجدی

معرفی و تجلیل از کودکان و نوجوانانی که در نمازهای جماعت مسجد شرکت می‌کنند، یا در برنامه‌های مسجد فعال هستند، یکی از روش‌های مؤثر تشویق آنان به شمار می‌رود و بر تداوم حضور آنها در مسجد می‌افزاید. حداقل تجلیل آن است که بعضی مواقع بین دو نماز یا در پایان بعضی سخنرانی‌ها و مراسم‌ها، نام آنها توسط امام جماعت اعلام شده و از حاضرین خواسته شود برای سلامتی و موفقیت آنها صلوات بفرستند. این کار باعث تشویق آنان و دل بستگی بیشتر به مسجد و امام جماعت می‌گردد. ضمناً توصیه می‌شود با همکاری مؤمنین خیر کتاب‌های متناسب با سن و پایه تحصیلی دانش آموزان تهیه شود و در مناسبت‌های مختلف به عنوان جایزه به کودکان حاضر در مسجد اهداء شود. در هر صورت، تعریف، تحسین و تشویق کودکان و نوجوانان، مخصوصاً اگر در جمع صورت گیرد، تأثیر شگرفی بر کودکان خواهد گذاشت و همیشه از آن به عنوان یک خاطره شیرین یاد خواهند کرد.

۴-۶. چشم‌پوشی از خطاهای کودکان

نباید توقع داشت که کودکان و نوجوانان مثل افراد بزرگسال رفتار کنند و تمام آداب و شرایط نماز و مسجد را رعایت نمایند. طبیعی است که نوباوگان متناسب با شرایط سنی و نیازهای دوره رشدی‌شان رفتار می‌کنند و یقیناً گاهی دچار اشتباه و خطا می‌شوند. امام جماعت و سایر بزرگان مسجد باید بیشتر خطاها و لغزش‌های آنان را نادیده انگاشته و با سعه صدر و خوش‌رویی آنان را راهنمایی کنند تا دوباره مرتکب اشتباه نشوند. به یاد داشته باشیم بازی و شیطنتهای کودکانه نیاز طبیعی کودک است و ما باید با درک شرایط و نیازهای کودکان، با سعه صدر و تحمل بالا این موارد را نادیده بگیریم؛ اما در عین حال، با شیوه‌های جذاب و نو به آنان بیاموزیم که مسجد مکانی برای عبادت پروردگار و آموزش معارف دینی است و ما باید با سکوت و آرامش، حرمت این مکان مقدس را پاس بداریم. به هر حال، منطبق کردن توقعات و انتظاراتمان با شرایط سنی آنها، باعث تقویت دل بستگی آنان به مسجد و تعالیم دینی می‌گردد.

۴-۷. دعوت از فرزندان مأمومین

یکی از راهبردهای خلاقانه برای جذب نونهالان به مساجد این است که امامان جماعت از بزرگسالان و کهنسالان مسجدی بخواهند که گاهی فرزندان و نوه‌های کوچک خود را

به مسجد بیاورند. با توجه به این که غالباً افراد مسنّ به مسجد می‌آیند، اگر هر یک از آنها یک نفر از فرزندان یا نوه‌های خود را به مسجد بیاورند، حضور کودکان و نوجوانان در مساجد رونق می‌گیرد. (موظف رستمی، ۱۳۹۱)

ج) برنامه های مسجد

پس از جذب امام جماعت، مهم ترین عامل در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد فعالیت ها و برنامه های مسجد است. یک مسجد کودک محور برای جذب کودکان و نوجوانان، باید فعالیت های گوناگونی انجام دهد تا بتواند افراد با علایق و نیازهای گوناگون را به سوی خود بکشد. هر چند توضیح تمامی برنامه های مفید و جذاب در این مختصر نمی گنجد؛ ولی برای مثال، به چند نمونه از فعالیت های کم هزینه و قابل اجرا در اغلب مساجد اشاره می کنیم. اما پیش از توضیح این فعالیت ها لازم است. چند موضوع مهم را یادآور شویم:

- یک مشکل اساسی که در برنامه های بیشتر مساجد مشاهده می شود، این است که با وجود اینکه دختران بیش از نیمی از جمعیت کودکان و نوجوانان را تشکیل می دهند، ولی متأسفانه بیشتر برنامه ها و فعالیت ها، با نگاهی پسرانه تدارک دیده می شوند و دختران اغلب در حاشیه از آن بهره مند می گردند. امروزه در کمتر مسجدی می توان از برنامه های ویژه کودکان و نوجوانان دختر سراغ گرفت و در برنامه ریزی ها کمتر به روحیات، خواسته ها و علایق دختران توجه می شود. بنابراین، متولیان مسجد باید با نگاهی جامع الاطراف و مبتنی بر شناخت علایق و نیازهای همه مخاطبان، در تمام فعالیت ها و برنامه های مسجد، نیازها و شرایط ویژه دختران را نیز در نظر بگیرند.

- برنامه ها و فعالیت های مسجد باید مبتنی بر هدف های اصیل و واقعی مخاطبان باشد. هر گونه هدف تراشی، هدف سازی بیرونی و تحمیلی نه تنها اثر فعالیت و اصالت تربیتی آن را از بین می برد، بلکه خود به تدریج به ضد آن تبدیل می شود، برای مثال اگر کودک از فعالیت

مانند بازی که یک فعالیت طبیعی است و ذاتاً واجد لذت درونی است، از طریق مشوق‌های بیرونی و پاداش‌های مادی تقویت شود به تدریج لذت‌های بیرونی، جایگزین لذت‌های درونی می‌شود و این فعالیت خودانگیخته اثر تربیتی خود را از دست می‌دهد. همین‌طور اگر رفتارهای دینی و عبادی که خود ذاتاً واجد لذت معنوی هستند، با تشویق‌های بیرونی برای مدتی به شکل افراطی افزایش یابند، پس از چندی اساس و ریشه درونی این گونه رفتارها تضعیف می‌شود. (کریمی، ۱۳۸۱)

- بدیهی است کودک و نوجوان، هم باید بخندد و بازی کند و شاد باشد و هم باید به انجام تکالیف دینی خود بپردازد. نباید چنین به وی القا شود که مسجد جای خنده و شادی نیست، از این رو، لازم است برنامه‌های مسجد باز مینه‌ای شاد و لذت‌بخش اجرا شوند تا کودکان بدانند که در مسجد هم می‌توانند شاد و با طراوت باشند.

علاوه بر این، برنامه‌هایی مورد علاقه و توجه کودکان قرار می‌گیرند که کوتاه، متنوع و پر شور و هیجان باشند و در نهایت به تشویق و پاداش منجر شوند. بنابراین، برنامه‌های معرفی شده در مقاله حاضر در صورتی مورد استقبال کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرند که واجد شرایط فوق باشند.

نکته قابل توجه این که بین میزان علاقه‌مندی نونهالان به مسجد با میزان مشارکت آنها در فعالیت و برنامه‌های مسجد رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هرچه کودک علاقه بیشتری به حضور در مسجد داشته باشد، میزان مشارکت او در برنامه‌های مسجد بیشتر خواهد بود. بنابراین، برای تداوم مشارکت آنان بهتر است در حین اجرای این فعالیت‌ها، اقدامات جذابی مانند اهدای جوایز، دادن امتیاز با کارت تشویق، پخش شربت، شیرینی و شکلات و اموری از این دست صورت گیرد.

۱. واگذاری اذان‌گویی و مکبری نماز جماعت به کودکان و نوجوانان

سپردن نقش مکبری به کودکان اقدامی مؤثر در ترغیب آنان به حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت است. زیرا یکی از راه‌های علاقمند کردن نوجوانان و کودکان به مسجد همین تکبیر گفتن برای نماز جماعت است. البته نخست باید چگونگی تکبیر گفتن را به کودکان و نوجوانان آموزش داد تا آنان مکبر خوبی شوند. (موظف رستمی، ۱۳۹۱)

همان‌طور که می‌دانیم در گذشته تکبیرگویی در مساجد بسیار مرسوم بود؛ اما در حال

حاضر به دلیل استفاده از میکروفون‌های یقه‌ای، تکبیر گویی تا حدودی کم شده است. برای احیای این سنت نیکو باید امام جماعت و متولیان مساجد از کودکان و نوجوانان برای مکبری دعوت کرده و تعدادی از علاقمندان را آموزش دهند تا به صورت دوره‌ای و نوبتی این کار را انجام دهند.

افزون بر این، خوب است گاهی مؤذنین مساجد از بین کودکان و نوجوانانی که قبلاً تمرین مؤذنی کرده‌اند و اذان را با صوت زیبا و صحیح ادا می‌کنند، انتخاب شوند. برای تصحیح اذان و اقامه کودکان نیز می‌توان با در اختیار گذاشتن یک نوار یا سی‌دی اذان، مؤذنین خوبی برای مساجد تربیت نمود.

۲. برگزاری سخنرانی و جلسات پرسش و پاسخ ویژه کودکان و نوجوانان

یکی از اصولی که در نظام آموزشی کشورهای پیشرفته، مورد توجه قرار دارد، ایجاد تفکر انتقادی و تقویت روحیه پرسش‌گری و کنجکاوی هدفمند در کودکان و نوجوانان است. از آنجا که به خاطر گسترش وسایل ارتباط جمعی اعتقادات و باورهای دینی مردم، به ویژه نسل جوان و نوجوان، در معرض هجوم اندیشه‌های متفاوت قرار گرفته و سؤالات زیادی در ذهن نوجوانان و جوانان به وجود آمده، لازم است با اتخاذ ساز و کارهای مناسب، فضای پرسش‌گری در مبنای اعتقادی و عبادی دانش‌آموزان فراهم گردد. بدین منظور پیشنهاد می‌شود در کنار سخنرانی‌های مسجد یا به طور جداگانه جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ ویژه نوجوانان و جوانان منعقد گردد و در آنها از اساتید، معلمان و افراد تحصیل کرده و آشنا با معارف اسلامی برای سخنرانی و پاسخگویی به سؤالات دعوت به عمل آید.

۳. اجرای مسابقات علمی، دینی، هنری و ورزشی مناسب کودکان و نوجوانان

برگزاری مسابقه‌ها یکی از فعالیت‌های پر دامنه و کم هزینه مسجد است که در صورت مدیریت صحیح، درآمدزا نیز خواهد بود. کودکان و نوجوانان علایق گوناگونی دارند. برخی به ورزش، برخی به هنر و برخی به مطالب علمی و دینی علاقه‌مند هستند. برای مثال، در ماه مبارک رمضان پس از نماز جماعت و سخنرانی، هر شب می‌توان یک مسابقه در موضوعی خاص اجرا کرد.

مسابقاتی از قبیل احکام، قرآن، نهج‌البلاغه، حفظ حدیث، خطاطی، نقاشی، نویسندگی،

خاطره‌نویسی، تهیه روزنامه‌دیواری، عکاسی، طراحی و انواع مسابقات ورزشی مانند: دو، دوچرخه‌سواری، فوتبال، والیبال، تنیس، و ... نقش بسیار سازنده‌ای در ترغیب کودکان و نوجوانان به مسجد دارند. توصیه می‌شود این مسابقات در موضوعات مختلف و متناسب با مناسبت‌های مذهبی و در رده‌های سنی مختلف برگزار شود. حضور امام جماعت در هنگام برگزاری مسابقه‌ها یا اعلام نتایج در تقویت پیوند و ارتباط او با کودکان و نوجوانان اثرگذار است. همچنین اجرای مسابقه‌های حضوری به صورت پرسش و پاسخ در مسجد، هنگام برگزاری مراسم مذهبی و اهدای جوایزی مثل کتاب و سایر محصولات فرهنگی نیز هیجان‌آفرین و جذاب هستند.

۴. تشکیل گروه‌های کتاب‌خوانی برای کودکان و نوجوانان

البته علاقمند کردن کودکان و نوجوانان به کتاب و کتاب‌خوانی صرفاً از راه نصیحت و توجیه و اصرار و یا تشویق‌های مادی و کلامی بدست نمی‌آید؛ بلکه باید از دریچه‌نیاز و خواسته‌شخصی آنها به این مسئله پرداخت. یعنی کتاب‌خوانی را با مطالعه کتاب‌هایی شروع کنیم که آنها دوست دارند و کم‌کم آنها را به سمت کتاب‌های مفیدتر و پربارتر سوق دهیم. بدین منظور توصیه می‌شود تعدادی کتاب رمان و داستان مناسب و مفید تهیه شود و در اختیار بچه‌ها قرار گیرد. آنگاه آنها را در گروه‌های ۳ یا ۵ نفره سازماندهی کنید تا در زمان‌های خاصی در مسجد جمع شوند و با هم کتاب بخوانند.

۵. برگزاری مراسم جشن یا عزاداری مخصوص کودکان و نوجوانان

تشکیل هیئت‌های مذهبی ویژه کودکان و نوجوانان با عناوینی همچون هیئت علی اکبر علیه السلام، هیئت علی اصغر علیه السلام و هیئت حضرت قاسم علیه السلام برای پسران و هیئت حضرت رقیه علیه السلام هیئت حضرت سکینه علیه السلام و هیئت فاطمه زهرا علیه السلام برای دختران می‌تواند نقش برجسته‌ای در گرایش بچه‌ها به سوی مسجد ایفا نماید. از سوی دیگر، همکاری در جشن‌ها و چراغانی‌ها و سیاه‌کوبی در مراسم عزاداری و سینه‌زنی از اموری است که معمولاً نوجوانان و جوانان اشتیاق زیادی برای شرکت در آن از خود نشان می‌دهند. زیرا از این طریق حس مفید بودن، بزرگ‌شدن و توانایی انجام فعالیت‌های اجتماعی در آنها تقویت می‌شود. به علاوه، در طول این فعالیت‌ها بین آنها و بزرگ‌ترها تعاملاتی پیش می‌آید که باعث افزایش صمیمیت و

انسجام اجتماعی آنان می‌گردد. خصوصاً اگر در اثنای کارها پذیرایی هم بشوند، در آنها لذت و شادی خاصی ایجاد می‌شود. در این بین حضور بزرگ‌ترها و چگونگی برخورد آنان با کودکان و نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است.

۶. کلاس‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی برای سنین مختلف

یکی از مهم‌ترین خدمات مسجد به کودکان و نوجوانان، وجود انواع کلاس‌های آموزشی است. هر چند ممکن است بعضی بچه‌ها از کلاس و درس گریزان باشند، ولی برگزاری کلاس‌های مورد علاقه آنان نظیر آموزش سرود و تواشیح، روان‌خوانی و قرائت قرآن، کلاس‌های تقویتی رایگان، دوره‌های ورزشی، هنری، امدادگری و عقیدتی در جذب آنان به مسجد بسیار مؤثر هستند. علاوه بر این، می‌توان با امکانات اندکی کلاس‌های آموزش مهارت‌های زندگی یا آموزش حرفه‌آموزی در رشته‌های خیاطی، گلدوزی، گل‌سازی، هنرهای دستی، خطاطی، نقاشی و طراحی، عکاسی، فیلم‌برداری، ورزش‌های رزمی و شنا برای دختران و پسران برگزار کرد و بدین وسیله آنها را با فضای مسجد مأنوس ساخت.

۷. برگزاری اردوهای درون و برون شهری سیاحتی و زیارتی

کودکان و نوجوانان، روحیه پر شور، کنجکاو و جستجوگری دارند که می‌توان از آن برای هدایت و شکوفایی استعدادهایشان استفاده کرد. مسافرت و اردوهای درون و برون شهری ابزار مناسبی برای تحقق این هدف به شمار می‌آیند. مسافرت علاوه بر این که سبب شادابی روح و روان می‌شود، زمینه یادگیری ارزش‌های اخلاقی و جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان را فراهم می‌سازد.

مساجد می‌توانند با همکاری پایگاه بسیج و مدارس همجوار در ایام تعطیل و تابستان‌ها اردوها و سفرهای زیارتی و تفریحی برگزار کنند. شایسته است به منظور ترغیب و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان به حضور در مسجد، دانش‌آموزان ساعی و فعال در برگزاری نماز جماعت مدرسه و نیز دانش‌آموزان مسجدی در اولویت این اردوها باشند.

به منظور بهره‌برداری بیشتر از این موقعیت‌های ارزشمند، توصیه می‌شود اردوها و مسافرت‌های دسته‌جمعی با حضور امام جماعت، برخی از اعضای هیئت امناء و برخی اولیاء کودکان و مریبان آنها برگزار شود. بی‌تردید حضور امام جماعت در برنامه کوهنوردی،

بازی‌ها و اردوهای کودکان در جذب و تربیت دینی آنان بسیار مؤثر و سازنده خواهد بود.

۸. تهیه روزنامه دیواری

نوباوگان استعدادهای فراوانی دارند که استفاده بهینه از آن باعث شکوفاسازی و تقویت اعتماد به نفس آنان می‌گردد. یکی از فعالیت‌هایی که در پرکردن اوقات فراغت و رشد علمی و اجتماعی کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر است، تشویق آنان به تهیه روزنامه دیواری در باب موضوعات مورد علاقه خودشان می‌باشد. مطالب این روزنامه دیواری با نظارت بزرگترهایی که از طرف امام جماعت تعیین شوند و با نویسندگی، طراحی و نقاشی کودکان و نوجوانان تهیه و سپس در محل مناسبی در مسجد نصب گردد.

توصیه می‌شود این کار در قالب تیم‌های ۳ یا ۵ نفره انجام گیرد و برای هر تیم یک سرگروه بزرگتر تعیین شود. سپس آنها بین خود تقسیم وظایف نموده و هر کدام متناسب با توانمندی و علاقه‌اش، قسمتی از کار را بر عهده بگیرد. شایسته است در پایان کار، مطالب روزنامه دیواری توسط امام جماعت یا برخی افراد مورد تأیید ایشان بازبینی و نواقص و اشکالات احتمالی آن برطرف گردد. روزنامه دیواری می‌تواند حاوی مطالب متنوعی از قبیل احکام شرعی کودکان و نوجوانان، معارف دینی به زبان ساده، برخی آیات و روایات مناسب کودکان، آشنایی با شخصیت‌های بزرگ دینی و ملی، عکس‌های مناسب و سایر مطالب مورد علاقه دانش‌آموزان باشد.

۹. حلقه‌های صالحین

امام جماعت می‌تواند برای گروه‌های سنی مختلف حلقه‌های بحث و گفتگو تشکیل دهد و در آنها به کودکان آموزش‌های عقیدتی، اخلاقی، تربیتی و فرهنگی ارائه گردد. هر گروه باید توسط یک مربی تحصیل کرده و خوش فکر اداره شود و امام جماعت بر موضوعات مطرح شده در این حلقه‌ها نظارت نماید. بی‌تردید، این حلقه‌ها که امکان ارتباط چهره به چهره با کودکان و نوجوانان را فراهم می‌سازد، در رشد دینی و علمی آنها بسیار مؤثر است.

۱۰. اجرای تئاتر و نمایش فیلم

با توجه به روحیه کودکان و نوجوانان و این که معمولاً آنان حوصله و علاقه‌ای برای شنیدن سخنرانی و موعظه از خود نشان نمی‌دهند، بهتر است برخی اوقات به جای سخنرانی

از شیوه‌های تبلیغی دیگری استفاده شود. گاهی نمایش یک فیلم یا اجرای یک نمایش نامه اثر چندین سخنرانی را دارد.

از سوی دیگر، اجرای نمایش‌نامه‌های معنوی و مناسب با فضای مسجد می‌تواند در تحول فکری و رفتاری نوجوان مؤثر باشد. وقتی کودک یا نوجوانی در نمایش‌نامه‌ای نقشی را برعهده می‌گیرد و برای اجرای آن چند مرتبه آن نقش را بازی کند، کم‌کم نقش خود را باور می‌کند و آن را در رفتار خودش منعکس می‌سازد.

د) نگرش متولیان و مسئولان مسجد

اعضای هیئت امنای مساجد باید افرادی تحصیل کرده، روشنفکر، روزآمد و معتقد به حضور کودکان و نوجوانان در مسجد باشند. آنها بایستی برای برنامه‌ریزی و اداره امور مسجد به اندازه کافی وقت بگذارند و با تهیه وسایل و امکانات لازم، بستر مناسب را برای حضور کودکان و نوجوانان فراهم نمایند. علاوه بر هیئت امناء، مسئولین هیئت‌های عزاداری، کانون‌های فرهنگی و پایگاه بسیج نیز باید در این زمینه اتفاق نظر داشته باشند و از تعارض و رقابت منفی برای خنثی‌سازی فعالیت‌های یکدیگر اجتناب نمایند. زیرا، اگر بعضی متولیان و مسئولین مسجد با آمد و رفت کودکان و نوجوانان به مسجد موافق نباشند و وجود آنان را مخل آرامش نمازگزاران و به هم خوردن نظم و قداست مسجد بدانند، امکان جذب این گروه‌های سنی به مسجد دشوار می‌شود.

نکته قابل تأمل این که متولیان و اهالی مسجد باید کودکان و نوجوانان را همان طور که هستند، بپذیرند و نسبت به نوع پوشش، آرایش سر و صورت، سبک گفتار و برخی رفتارهای نامناسب آنها با سعه صدر و اغماض برخورد کنند. نباید به نوجوانان چنین القا شود که نوجوان مسجدی نباید شیک‌پوش و مرتب باشد، یا نباید اهل شوخی و خنده و شادمانی باشد؛ یا نمی‌تواند همانند سایر نوجوانان امروزی از لباس‌های شاد و متنوع و امروزی استفاده کند. ضمناً بر اساس سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که جوانان را مورد مشورت خود قرار دهید، چه خوب است که در ترکیب هیئت امناء مساجد از جوانان نیز استفاده شود تا در کنار افراد مسن به اداره امور مساجد بپردازند. مسلماً جوانان نیز لیاقت‌ها و توانایی لازم را برای این کار دارند و بهتر با کودکان و نوجوانان کنار می‌آیند.

۵ رفتار خادم و نمازگزاران مسجد

رفتار خادم و نمازگزاران با کودکان و نحوه برخورد آنان با این میهمانان خدا نقش مهمی در جذب یا دفع آنان به مسجد دارد. در صورتی که افراد مذکور با کودکان مهربان و خوش رفتار باشند و با روی گشاده، سعه صدر و تحمل بالا با آنان مواجه شوند، کودکان با شوق و اشتیاق به مسجد می آیند؛ ولی اگر آنها در مقابل بازی‌ها و رفتارهای کودکانه صبور نباشند و با کودکان رفتار خشن و تندی داشته باشند، کودکان از مسجد گریزان خواهند شد.

متأسفانه گاهی برخورد نامناسب و دور از احترام بعضی از بزرگترها با کودکان و نوجوانانی که به مسجد می آیند، باعث ناراحتی و دلزدگی آنان از مسجد می شود. نمازگزاران و خادم مسجد نباید با تندخویی و بداخلاقی مانع آمد و رفت کودکان و نوجوانان به مسجد گردند. در مقابل، نمازگزاران و خادم مسجد باید با رعایت حرمت کودکان و نوجوانان و پرهیز از تندی و خشونت در برخورد با آنان، نقش مؤثری در ترغیب این گروه سنی به حضور در مسجد ایفا نمایند.

و) ارتباط با مدارس

امامان جماعت مساجد باید تلاش کنند با مدارس نزدیک خود ارتباط صمیمانه‌ای برقرار نمایند. آنها می‌توانند با همکاری هیئت امنای مسجد، از مدیر و مسؤولان مدارس دعوت کنند تا در مسجد حضور یابند. از سوی دیگر، ائمه جماعات نیز باید گهگاهی به مدرسه‌های پیرامون مسجد سر بزنند و برای حضور دانش‌آموزان در مساجد با مدیران و معلمان همفکری نمایند. به علاوه، آنها می‌توانند با همکاری هم، زمینه حضور و مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌ها و مراسم‌های جشن و عزاداری مسجد را مهیا سازند. این کار باعث می‌شود هم مدارس معنوی‌تر و مذهبی‌تر شوند و هم حضور کودکان و نوجوانان در مساجد پررنگ‌تر گردد. برخی اقداماتی که می‌تواند در جذب دانش‌آموزان به مساجد و پیوند مستحکم‌تر آنها با این مکان مقدس کمک نماید به شرح زیر می‌باشد:

۱. امام جماعت مسجد حداقل هفته‌ای یک بار در نماز جماعت مدراس هم‌جواری دانش‌آموزان سخنرانی کند.
۲. حضور امام جماعت در جلسات ستاد نماز مدرسه، انجمن اولیاء و مربیان، شورای معلمان و برخی مراسم‌های مدرسه و همچنین شرکت در مراسم اهداء هدایا به دانش‌آموزان ممتاز مدرسه نیز مفید و راه‌گشا می‌باشد.
۳. مساجد تربیتی اتخاذ نمایند که از دانش‌آموزان مدارس هم‌جواری، به عنوان خادمین افتخاری مسجد بهره‌جسته و در مناسبت‌های مختلف، برای انجام کارهای مسجد مثل چراغانی کردن، سیاه‌پوش کردن، توزیع چای و شیرینی و مانند آن از آنان استفاده نمایند.
۴. چون دانش‌آموزان در مقطع سنی‌ای قرار دارند که نیازمند ابراز وجود و نشان دادن آثار و

هنر خود به دیگران هستند، مشارکت در برنامه‌های مسجد می‌تواند بهترین موقعیت را برای شکوفایی استعدادهای آنان فراهم نماید. مسئولین مسجد می‌توانند آثار دانش‌آموزان از قبیل نقاشی، عکاسی، خطاطی، طراحی، نشریه دیواری، شعر، قصه، خاطره، نمایش هنری و نظایر آن را در مناسبت‌های مختلف و برنامه‌های متنوعی که مساجد دارند، در معرض نمایش قرار دهند. این امر هم به فعال‌تر شدن و غنی‌سازی برنامه‌های مساجد کمک می‌کند و هم زمینه بروز استعدادهای بالقوه دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد.

۵. تجلیل از دانش‌آموزان ممتاز مدارس توسط امام‌جماعت و متولیان مساجد نیز تأثیر فوق‌العاده‌ای در ایجاد نگرش مثبت دانش‌آموزان به مسجد و برنامه‌های مذهبی دارد. بدین منظور توصیه می‌شود مسئولین مسجد هر ساله پس از پایان امتحانات و مشخص شدن نفرات ممتاز و برجسته مدارس همجوار مسجد در زمینه‌های علمی، اخلاقی، ورزشی و سایر زمینه‌های نامی کتباً از این دانش‌آموزان و والدین‌شان دعوت نمایند و در یک مراسم ویژه از آنان تجلیل به عمل آورده و هدایایی به آنان اهداء کنند. این امر موجب شکل‌گیری نگرش مثبت به مسجد در این دانش‌آموزان و اولیاء آنان خواهد شد.

۶. بعضی مدیران مدارس برای ایجاد پیوند دانش‌آموزان با مساجد برنامه‌های تشویقی و تجلیل از دانش‌آموزان ممتاز درسی و اخلاقی را در مساجد محل برگزار می‌کنند. طی این اقدام شایسته، دانش‌آموزان در مساجد حضور یافته و همراه با انجام سایر برنامه‌ها، هدایا و لوح تقدیر خود را از دست مدیر مدرسه و امام‌جماعت مسجد دریافت می‌نمایند.

۷. امام‌جماعت‌ها می‌توانند با همکاری سایر متولیان و مدیران مدارس، دانش‌آموزان مدارس پیرامون مسجد را در برنامه‌های مسجد مشارکت دهند و یک مدرسه را به عنوان میزبان و سایر مدارس را به عنوان میهمان تعیین نمایند. مثلاً برگزاری جشن نیمه شعبان را، به یک مدرسه واگذار نمایند و از دانش‌آموزان دیگر مدارس همجوار، برای شرکت دعوت به عمل آورند و این برنامه در طول سال به صورت چرخشی به دیگر مدارس واگذار شود. حضور والدین، معلمین و اولیاء مدارس و همچنین امام‌جماعت و مسئولین مسجد در این برنامه‌ها بسیار مفید و مؤثر است و ضمن تقویت روحیه دانش‌آموزان، باعث رونق مساجد خواهد شد. این روش، فواید و مزایای زیادی دارد که برخی از آنها بدین قرارند:

- دانش‌آموزان برای دیدن برنامه‌های اجرا شده توسط همکلاسی‌ها، هم‌مدرسه‌ای‌ها و یا همسالان خود با شوق و رغبت بیشتری به مسجد می‌آیند.

- از آنجا که دانش‌آموزان دارای سلیقه‌های مختلفی هستند، برنامه‌های مسجد متنوع و جذاب خواهد شد.
- معمولاً برنامه‌هایی که توسط دانش‌آموزان طراحی و اجرا می‌شوند، بیشتر با روحیات و سلیقه کودکان و نوجوانان سازگار و همسو می‌باشد و به همین دلیل بیشتر مورد توجه آنان قرار می‌گیرد.
- مسئولیت دادن به دانش‌آموزان در برنامه‌های مسجد موجب بالا رفتن اعتماد به نفس و تقویت عزت نفس آنان می‌گردد. این امر باعث جلب مشارکت فعالانه آنان در طراحی و اجرای برنامه‌های مسجد می‌شود و در نتیجه احساس تعلق کودکان و نوجوانان به مسجد را تقویت می‌نماید.

ز) سایر اقدامات

علاوه بر الزامات نرم افزاری فوق، چند عامل دیگر مرتبط با مسجد نیز در جذب و حضور کودکان مؤثرند که در اینجا فقط به سه مورد نسبتاً مهم تر یعنی نظافت و زیبایی مسجد، اطلاع رسانی مناسب و درک فلسفه نماز و آثار و برکات حضور در مسجد اشاره می کنیم.

۱. آراستگی، نظافت و زیبایی فضای مسجد

از آنجا که طبع کودکان و نوجوانان پاک و آرام است، آنها به مکان های پاکیزه، آرام، شاد، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش دارند و از مکان های کثیف، آشفته، غمبار و یکنواخت دوری می کنند. از این رو، برای جذب آنان به مساجد باید این مکان ها آراسته، پاکیزه، شاد و پرتنوع باشند. فرش های تمیز و پاکیزه، در و دیوار رنگ آمیزی شده با رنگ های ملایم و شاد، بهره مند از نور کافی و هوای مطبوع، حیاط بزرگ و زیبا و شبستانی معطر و خوشبو از مشخصات یک مسجد کودک و نوجوان پسند است.

علاوه بر زیبایی و تمیزی، لازم است مسجد از سیستم گرمایشی و سرمایشی مطبوع، جاکفشی خوب، سرویس های بهداشتی و وضوخانه تمیز، سیستم صوتی مناسب، مهرهای تمیز و تزئینات مناسب نیز برخوردار باشد تا کودکان در آن احساس راحتی و آرامش کنند.

۲. اطلاع رسانی مناسب

معمولاً یکی از مشکلات بیشتر مساجد، نحوه اطلاع رسانی برنامه ها و فعالیت هایشان به کودکان و به دانش آموزان است. متولیان امر به ویژه امام جماعت و هیئت امنا، باید با استفاده

از روش‌های نوین اطلاع‌رسانی، خانواده‌ها را در جریان فعالیت‌های مسجد قرار دهند. علاوه بر این، آنها می‌توانند با همکاری مدیران و مربیان مدارس، برنامه‌های مسجد را به اطلاع دانش‌آموزان برسانند و تبلیغات لازم در این خصوص را انجام دهند.

۳. آشنا کردن کودکان با فلسفه و احکام نماز

تعدادی زیاد از کودکان و نوجوانان نمی‌دانند چرا باید نماز بخوانند. و به همین علت، میلی به حضور در مسجد و نماز جماعت ندارند. از این رو، امام جماعت باید به زبان ساده و قابل درک برای کودکان، فواید نماز و آثار و برکات آن را در زندگی تشریح کند. شناساندن نماز به کودکان و نوجوانان به عنوان عامل ایجاد آرامش و رفع اضطراب، از بین بردن ردایل اخلاقی، بهترین و برترین یاد خدا و بهترین وسیله محبوب شدن در نزد پروردگار، باعث تحکیم اعتقاد کودکان به نماز و مسجد می‌گردد.

افزون بر این، حضور مدیران، معلمان و دبیران رشته‌های مختلف در نماز جماعت نیز عامل بسیار مهمی در جذب دانش‌آموزان به نماز و مسجد می‌باشد. دبیران عزیزی که از فرصت‌های خود در مساجد برای رفع اشکالات درسی دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، بدون شک باعث ترغیب آنان به حضور در خانه خدای می‌شوند. نصب احادیث مربوط به ثواب نماز جماعت با خط زیبا در مدرسه و مسجد، باعث شوق بیشتر کودکان به شرکت در مراسم نماز جماعت خواهد شد.

از سوی دیگر، تشکیل جلسات بحث و گفتگو پیرامون فلسفه نماز، فواید نماز، آثار نماز و اسرار نماز توسط مدارس و مساجد با دعوت از سخنرانان محبوب دانش‌آموزان می‌تواند سبب تشویق آنان به اقامه نماز و حضور در مساجد گردد. البته دعوت به نماز همواره باید با محبت، مهربانی و اخلاق خوش باشد و از هرگونه تندگی و پرخاش پرهیز شود.

ح) فنون برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان

با توجه به اهمیت آشنایی ائمه جماعات و سایر مسؤولین مساجد با فنون برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با کودکان و نوجوانان، در پایان این مقاله به اختصار برخی از شیوه های ارتباط با کودکان را معرفی می کنیم. به طور کلی به مجموعه اصول ارتباطی و تکنیک های رفتاری، گفتاری و چهره ای که موجب برقراری ارتباط سازنده و رضایت بخش با دیگران شده و آنان را به فرد علاقمند می سازد، مهارت های ارتباطی و فنون جذب مخاطب می گویند. در اینجا برخی از این فنون را فهرست وار بیان می کنیم؛ اما پیش از آن نگاهی به سبک های ارتباط با کودکان می اندازیم. به طور کلی بزرگترها به سه شیوه با کودکان ارتباط برقرار می کنند: برخی اغلب با کودکان به طور خشونت آمیز حرف می زنند. کودک را تحقیر می کنند و با جملاتی تهاجمی او را مخاطب قرار داده و به وی امر و نهی می کنند. در مقابل کودکان به شیوه های متفاوتی واکنش نشان می دهند؛ برخی می ترسند و خودشان را مخفی می کنند؛ بعضی بازیگوش و بی خیال هستند؛ و تعدادی هم با گستاخی، از آن سر می پیچند.

گروه دوم فقط با زبان ملامت، نرمی و محبت سخن می گویند. و هیچ گاه از خود قاطعیت و اقتدار نشان نمی دهند؛ اما گاهی ناگهان تغییر روش داده و با خشونت کلامی یا رفتاری کودک را وادار به انجام کاری می کنند.

و در نهایت افرادی که با روش برقراری ارتباط سالم آشنا هستند، به گونه ای مثبت، صمیمی، منطقی و قاطع سخن می گویند و ضمن احترام به کودک، به او می فهمانند که باید موقعیت و شرایط را در نظر بگیرد و درست رفتار کند. آنها می دانند که جملات و کلمات مثبت مانند: من به شما افتخار می کنم، عالی بود فرزندم و... به کودک و نوجوان اعتماد به

نفس و احساس شادی و خوشبختی می‌بخشد؛ رفتارش را بهتر می‌کند؛ و کوشش او را برای رسیدن به موفقیت افزایش می‌دهد.

اگر می‌خواهیم جزء گروه سوم باشیم، باید فنون ارتباطی زیر را که سبب بهینه‌سازی روابط ما با کودکان و نوجوانان می‌شود، مورد توجه قرار دهیم.

۱. نام کودک را با احترام صدا بزنید. مثلاً: آقا مرتضی، مطهره خانم و ... این امر باعث تقویت عزت نفس کودک و علاقمندی بیشتر او به شما می‌شود.

۲. در طول حضور کودک، هر چند دقیقه یک بار نام او را بپرسید. صدا کردن نام کودک توجه او را به حرف‌های شما جلب می‌کند.

۳. برای بیان مطالبان بیشتر از جملات مثبت استفاده کنید. مثلاً به کودک نگوئید: به مهر دست نزن یا توی مسجد ندو. در مقابل به او بگوئید: عزیزم! مهر را اینجا بگذار یا شما هم بیا با ما نماز بخوان. البته مثبت حرف زدن کار آسانی نیست؛ اما تلاشی ارزشمند و پرفایده است.

۴. هرگز از کلام سرزنشی یا تحقیر آمیز مثل: خجالت نمی‌کشی، پسر بد و ... استفاده نکنید. این نوع کلمات، احساس بی‌ارزشی را در آنها به وجود می‌آورد.

۵. با کودک یا نوجوان ارتباط چشمی برقرار کنید. تأثیر واژه‌ها را زمانی بهتر احساس می‌کنید که به چشم‌هایش نگاه کنید و با آرامش با او حرف بزنید.

۶. به تن صدا و لحن کلامتان توجه کنید. با کودکی که غم‌زده است، به تندی صحبت نکنید. زمانی که کودک آرام شد، با او حرف بزنید. بالا و پایین رفتن صدا باید متناسب با موقعیت باشد. به هر حال، با کودک با خشونت و داد و بیداد حرف نزنید.

۷. به کودکان و بچه‌ها ویژه نوجوانان فرصت دهید تا حرفشان را بزنند. اگر می‌خواهید همراه شما باشند، باید به آنها بگوئید که چرا باید به این روش خاص عمل کنند و به حرف‌هایتان گوش بدهند. کودکان اگر اهمیت و ارزش پیروی از حرف‌ها و دستورات شما را بدانند، خیلی راحت آن را می‌پذیرند. مثلاً به جای این که به آنها بگوئید: شما نباید صف اول نماز جماعت بایستید، بهتر است بگوئید: بعد از نماز همه جمع شوید تا اشکالات نمازتان را برطرف کنیم.

۸. همیشه در هنگام نهدن از عملی، رفتار جایگزین را به کودک نشان بدهید؛ برای مثال بگوئید: الان موقع نماز، نباید توی مسجد بدوی اما میتونی اینجا بنشین و نقاشی نماز رو بکشی و جایزه بگیری.

۹. کودکان نمی‌توانند چند دستور را به طور هم‌زمان انجام بدهند. پس خواسته‌هایتان را

یکی یکی بیان کنید. ابتدا کارهای ساده تر را از کودک بخواهید و سپس او را به انجام کارهای پیچیده تر تشویق کنید.

۱۰. به جای برجسته کردن ناکامی ها و ناتوانی های کودک و سرزنش کردن او، به ویژگی های جذاب و رفتارهای مثبت او توجه کنید و بیشتر در مورد آنها صحبت کنید.
 ۱۱. کودکان شدیداً الگو پذیرند و از رفتار نزدیکان خود تقلید می کنند. پس با کودک خوش رفتاری کنید تا او هم رفتار خوبی داشته باشد. خوش رفتاری شما با کودک به او یاد می دهد چگونه باید رفتار کند، چه رفتاری پذیرفتنی است و چه رفتاری نادرست است. به عنوان مثال، اگر توقع دارید کودکان محترمانه حرف بزنند، خودتان با همین شیوه صحبت کنید و آنها را با الفاظ دختر خوبم، پسر خوبم، عزیزم، گلم مورد خطاب قرار دهید.

۱۲. با کودکان هم مهربان و هم جدی باشید. اگر درخواستی از کودک دارید، یا چیزی را به کودک توصیه می کنید، باید روی آن پافشاری کنید. در عین حال سعی کنید سخت گیر نباشید و چیزی فراتر از توانایی کودک از او نخواهید. اگر می بینید کودک تلاشش را می کند، به او کمک کنید تا کارش را بهتر انجام بدهد.

۱۳. گاهی از کودکان سؤال پرسید تا آنها وادار به فکر کردن شوند. بهتر است سؤالات به گونه ای باشند که پاسخ آنها بله یا خیر نباشد و مجبور شود بیشتر حرف بزند و دیدگاه ها و احساساتش را بیان کنند.

۱۴. اگر احساس می کنید کودک واکنش درستی به درخواست ها و حرف هایتان نشان نمی دهد و گیج شده است، پرسش و درخواستتان را دوباره تکرار کنید تا منظور شما را خوب متوجه شود. می توانید از او بخواهید آنچه را به او گفته اید تکرار کند تا بداند منظورتان را درست فهمیده یا خیر.

۱۵. زمانی که می خواهید کودک کاری برایتان انجام دهد، به جای کلمات امری مثل تو باید ...، از کلمات خواهشی استفاده کنید. مثلاً بگویید: خیلی خوشحال می شم که هر روز قبل از نماز بیایی و نوارهای نماز را پهن کنی.

۱۶. در جمع کودکان، افراد خجالتی و کم حرف یا بچه های کوچک تر را تشویق به صحبت و مشارکت در بحث ها کنید. گاهی بچه های بزرگ تر یا رودارتر زیاد صحبت می کنند و به بچه های کوچک تر و کم روتر فرصت حرف زدن نمی دهند. شما سعی کنید با وادار کردن این افراد به صحبت، به همه فرصت اظهار نظر بدهید.

۱۷. کودکان را همان طور که هستند، بپذیرید. کودکی که تأیید می‌شود و دیگران، به خصوص امام جماعت مسجد به او بها می‌دهند، از اعتماد به نفس و احساس ایمنی بالاتری برخوردار می‌شود و در کارهایش موفق‌تر خواهد بود.

۱۸. وقتی کودک صحبت می‌کند، تا انتها به سخنانش گوش دهید و حرفش را قطع نکنید. اگر مدام وسط حرف کودک بپرید، ممکن است او از مطرح کردن دیدگاه‌هایش صرف نظر کند.

۱۹. گاهی کودکان در بیان افکار و احساساتشان دچار مشکل می‌شوند؛ گاهی، یافتن کلمات صحیح برایشان دشوار می‌شود؛ یا موقعیت چنان ترسناک به نظرشان می‌رسد که از بیان آن چه واقعاً احساس می‌کنند، می‌ترسند؛ یا نگران آن هستند که مورد تمسخر یا طرد دیگران قرار بگیرند. در همه این موقعیت‌ها، اصلی‌ترین کار آرامش بخشیدن به کودکان است.

۲۰. برای کودکان و نوجوانان حاضر در مسجد وقت بگذارید و تلاش کنید تا ارتباط دوستانه‌ای با آنها برقرار کنید. یادتان باشد که گفتگو با کودکان و نوجوانان یک مسیر دو طرفه است. با آنها حرف بزنید و منتظر شنیدن پاسخ‌ها و واکنش‌هایشان باشید. گوش دادن نیز به اندازه حرف زدن مهم است. (پت،^۱، ۱۳۷۶)

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران و قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن حنبل، احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۵. افروز، غلامعلی، چکیده ای از روان شناسی تربیتی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۵.
۶. بیابانگرد، اسماعیل، روان شناسی نوجوانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۷. پت، پتری، شیوه برقراری ارتباط با کودکان و بزرگسالان، ترجمه، جواد شافعی مقدم و نیره ایجادی، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۷۶.
۸. حرالعالمی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۶ق.
۹. الحرانی، حسن بن علی، تحف العقول، به تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۰. ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه، یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۸۷.
۱۱. شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۲. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۱۳. قائمی، علی، خانواده و نیازهای کودکان، تهران، نشر امیری، ۱۳۷۰.
۱۴. کامکاری، کامبیز، اصول روان شناسی ارتباط با کودک، تهران، نشر روان سنجی، ۱۳۸۰.
۱۵. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان شناختی تبلیغ، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۱۷. ماسن، پاول هنری و همکاران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه، مهشید یاسائی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲.
۱۸. مایا ایوانونا، لیزینا، الگوهای ارتباطی کودک - بزرگسال - همسالان، ترجمه، محمد جعفر مدبرنیا، تهران، نشر دنیای نو، ۱۳۸۵.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفا، ۱۴۱۲ق.
۲۰. منصور، محمود و دادستان، پریرخ، دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی، تهران، نشر بعثت، ۱۳۷۴.
۲۱. منیرالدین، احمد، نهاد آموزش اسلامی، آموزش و پرورش اسلامی و پایگاه اجتماعی دانشمندان تا

سده پنجم هجری در پرتو تاریخ بغداد خطیب بغدادی، ترجمه، محمد حسین ساکت، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

۲۲. موظف رستمی، محمد علی، روش های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۱.

۲۳. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، به تصحیح عبدالکریم سروش، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.

۲۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.



روش‌های تعلیم مفاهیم و آموزه‌های دینی به کودکان و نوجوانان

حسن خلجی^۱

چکیده

تربیت دینی فرزند یک ضرورت است کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را از وظایف خویش به حساب نمی آورند و بیشتر به امور روزمره خود می پردازند، باید منتظر پیامدهای این بی توجهی ها باشند.

آشنا ساختن کودکان با مفاهیم و آموزه های دینی آنها را از آسیب های اخلاقی و اجتماعی مصون می دارد؛ چرا که بسیاری از شرارت های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می باشد و آموزش صحیح کودکان و نوجوانان با ارزش های دینی باعث می شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با معارف دینی آشنا کنند و این امر را در آنان نهادینه سازند، باید از سنین کودکی و نوجوانی شروع کنند، زیرا فردا دیر است. در نظام تربیتی اسلامی آغاز تعلیم و تربیت با استفاده از روش شناسی و بررسی شیوه های صحیح تربیتی جایگاه ویژه ای دارد. درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می نشیند که نظریه های تربیتی در قالب شیوه های صحیح و درست به اجرا درآید. روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی و تحلیلی می باشد. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می دهد مربیان و والدین با استفاده از روش های تشویق، بصیرت بخشی، قصه گویی، الگویی و محبت می توانند کودکان را با مفاهیم و آموزه های دینی تعلیم دهند.

کلیدواژه ها: کودک و نوجوان، تعلیم، روش شناسی، تربیت، آموزه های دینی.

مقدمه

تربیت دینی فرزند یک ضرورت است، کسانی که تربیت کودکان و نوجوانان خود را از وظایف خویش به حساب نمی آورند و بیشتر به امور روزمره خود می پردازند، منتظر پیامدهای این بی توجهی ها باشند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «ولاتكونوا كجفاه الجاهلیه لا فی الدین یتفقہون ولا عن اللہ یعقولن کقیض بیض فی اداح یكون کسرھا وزرا و یخرج حضانھا شرا» (نہج البلاغہ، خطبہ ۱۶۶) مانند ستم پیشگان دوران جاهلیت نباشید که نه در پی آگاهی دینی بودند و نه در شناسایی خدا اندیشه می کردند، مثل تخم افعی در لانه پرنده گان که شکستن آن گناه است، زیرا گمان می رود تخم پرنده باشد، اما جوجه آن شر و زیانبار است. یعنی ظاهر شما به حکم محیط اسلامی با ایمان است، ولی در باطن، صفات جاهلیت را دارید.

بر این اساس می توان گفت یکی از دلایل مهم آسیب های فردی و اجتماعی که در آینده در افراد به وجود می آید بی توجهی و غفلت در تربیت دینی در دوره کودکی و نوجوانی است. با این استدلال که حضرت علی علیه السلام درباره تربیت پذیر بودن کودک و نوجوان به امام حسن علیه السلام می فرماید: «إنما قلب الحدیث کالارض الخالیه ما ألقى فیھا من شیئ قبلته» (نہج البلاغہ، نامه ۳۱) قلب نونهال مانند زمین خالی است که هر تخمی در آن افشانده شود، می پذیرد.

امام صادق علیه السلام درباره ضرورت و اهمیت تربیت دینی کودکان و نوجوانان می فرماید: «بادروا أولادکم بالحدیث قبل أن یسبقکم إلیهم المرئی» (کلینی، ج ۶، ص ۴۷) به این معنا که هر چه زودتر معارف اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید پیش از آنکه منافقان با آموزش های انحرافی بر شما سبقت گیرند.

بنابراین «... کودک در خطر اخلاقی را باید در ردیف انحرافات جوانی قرارداد، زیرا اگر از آن

جلوگیری نشود سقوط در تبهکاری او فراهم می‌شود.» (ژان پیاژه، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹)

مولوی راجع به اینکه هرچه انسان بزرگ‌تر می‌شود صفات او قوی‌تر و ریشه‌دارتر می‌گردد مثلی می‌آورد آنجا که می‌گوید: «مردی خاری در معبر کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند. او قول داد که سال دیگر آن را بکند و سال دیگر نیز کار را به سال بعد موکول کرد و سال‌های بعد نیز به همین ترتیب عمل کرد. از طرفی، درخت، سال به سال ریشه‌دارتر می‌شد و خار کن ضعیف‌تر می‌گردید. یعنی میان رشد درخت و قوت او نسبت معکوس برقرار بود. حالات انسان نیز مانند خاربن و خار کن است. روز به روز صفات در انسان ریشه‌های عمیق‌تری پیدا می‌کند و ارادهٔ انسان را ضعیف‌تر می‌کند، بنابراین قدرت یک جوان در اصلاح نفس خود، از یک پیر بیشتر است.» (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۷۹-۸۰)

سعدی نیز می‌گوید:

هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخواست
چوب‌تر را چنان که خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست

مولوی و سعدی نیز بر این عقیده هستند که آموختن فضایل و تربیت فرزندان باید از سنین کودکی و نوجوانی آغاز شود زیرا در این سنین آمادگی و صلاحیت‌های لازم برای امر تربیت در آنان به میزان کافی وجود دارد.

وقتی محور تربیت، تقویت و ارتقای رفتارهای دینی در کودکان و نوجوانان باشد، مسلماً فرزندان در برابر آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند زیرا که بسیاری از شرارت‌های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می‌باشد. والدین و مربیان اگر بخواهند کودکان را با معارف و آموزه‌های دینی آشنا کنند و این امور را به آنان تعلیم دهند، باید از سنین کودکی و نوجوانی شروع کنند، چرا که فردا دیر است.

اما برای آشنا ساختن کودکان با مفاهیم دینی چه باید کرد؟ از چه روش‌هایی استفاده کنیم؟ مؤثرترین روش‌ها و عوامل کدامند؟ پاسخ به این سؤالات موضوع و محتوای این مقاله می‌باشد.

الف) ضرورت داشتنِ روش

روش‌شناسی و بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تربیتی اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، درخت پرثمر تربیت، آنگاه به بار می‌نشیند که نظریه‌های تربیتی در قالب شیوه‌های صحیح و درست اجرا شود. برای موفقیت در هر کاری، آگاهی به اسباب و وسایلی که بتواند به گونه‌ای سریع و آسان، ما را در رسیدن به هدف یاری کند، لازم است. اتخاذ روش‌هایی که بتواند ما را به آسانی در پی‌موردن جاده موفقیت یار و مددکار باشد، از شرایط توفیق در انجام هر کاری است. در قرآن کریم آمده است:

«لِیْسَ الْبِرِّ اَنْ تَاْتُوا الْبِیَّوْتِ مِنْ ظَهْرِهَا وَلٰكِنْ الْبِرُّ اَنْ تَاْتُوا الْبِیَّوْتِ مِنْ اٰبِیْهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ» (بقره، ۱۸۹) نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآیید (چه این کار ناشایسته است) نیکی آن است که پارسا باشید و در هر کاری از راه آن وارد شوید. در تفسیر آیه فوق فرموده‌اند که «وَأْتُوا الْبِیَّوْتِ مِنْ اَبْوَابِهَا» یعنی باید هر کاری را از راه خودش انجام داد. (موسوی همدانی، ج ۳، ص ۸۰)

حضرت علی علیه السلام دربارهٔ ضرورت داشتن روش در کارها می‌فرماید: «ما خاصگان و یاران و گنجوران نبوت و درهای رسالت هستیم و در خانه‌ها جز از درهای آن نتوان وارد شد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴)

دراهمیت داشتن روش، امام صادق علیه السلام فرمود: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر طریق فلا تزیدہ سرعۃ السیر الا بعدا» (تحف العقول، ص ۳۷۹) عمل کننده بی بصیرت مانند ره‌نوردی است که به بیراهه می‌رود. سرعت حرکت او را به هدف نمی‌رساند جز آنکه دورش سازد. حضرت علی علیه السلام به مردم سفارش می‌کند که: «ای مردم آن کس که راه آشکار را بپیماید به

آب درآید و آن کس که راه بیراهه را در پیش گیرد، در بیابان بی نشان می افتد.» (نهج البلاغه، کلام ۶۰۲۰۱) بنابراین هر رشته ای از علوم شیوه و روش خاص خود را دارد که اگر درست به کار گرفته شود، نتایج مطلوبی به همراه خواهد داشت. تعلیم و تربیت نیز چنین است و مربیان و والدین می توانند با شناسایی بهترین شیوه ها و روش ها، در رسیدن به اهداف از آنها بهره ببرند.

ادخلوا الانبیات من ابوابها واطلبوا الاغراض فی اسبابها

(مولوی، دفتر اول، بیت ۱۶۲۸)

ب) روش تشویق

یکی از روش‌های بسیار مؤثر در آموختن مفاهیم و آموزه‌های دینی به کودکان استفاده از روش تشویق می‌باشد. تشویق یک شیوه مناسب در ایجاد انگیزش به سوی کارهای مثبت می‌باشد. تشویق در روح کودک و نوجوان ایجاد انگیزش می‌کند و آنان را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می‌نماید. امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی می‌فرماید: «خدای سبحان پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگانش را از عذاب خویش باز دارد و به سوی بهشت روانه سازد.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸)

مقصود از تشویق و تنبیه چیست؟

«مقصود از تشویق در پاسخ مثبت در برابر رفتار مطلوب کودک (متربی)، ابراز مهرورزی به او، واگذاری مسئولیت مناسب به او، وعده پاداش و ... جلوه گر می‌شود. نقطه مقابل تشویق تنبیه است که مقصود از آن پاسخ منفی در برابر رفتار نامطلوب متربی است و برای آن مصادیقی است، از جمله نگاه سرد، روی برگرداندن، بی‌اعتنایی، تغییر چهره، محروم ساختن، جریمه و تنبیه بدنی. با این بیان روشن می‌شود که تشویق، پاداش دادن به فردی است که تن به کوشش داده و سعی خود را کرده است و تنبیه مجازات نمودن [از راه‌های] مختلف است.» (بهشتی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۴۱)

ابن سینا فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلام تشویق را به منزله ضمانت اجرای تعلیم و تربیت، توصیه می‌کند و مصادیق تشویق و تنبیه را متنوع و متعدد می‌داند و معتقد است

واکنش مربی در برابر رفتار ناپسند مرتبی باید متناسب و تدریجی باشد. ابتدار و گردانی، سپس ترش رویی، پس از آن ترساندن و آنگاه توبیخ است و مربی در شرایط خاص می تواند به تنبیه بدنی روی آورد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۷)

برای ترغیب کودکان و نوجوانان به امور دینی، بهتر است اصلی ترین روش، تشویق باشد؛ زیرا تعلیم و تربیت اسلامی بر سهولت، محبت و ملاحظت تأکید دارد. وانگهی از طریق تشویق می توان انگیزه و میل فطری او را به مهر و محبت و قدردانی تأمین و اعتماد او را جلب کرد. البته در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشود و خطا و تخلفی از سوی مرتبی صورت گیرد به منظور آگاهی دادن به او و جلوگیری از اهمال کاری در انجام [امور دینی] می توان ابتدا به انداز و سپس به تنبیه روی آورد و منظور از تنبیه در اینجا تنبیه بدنی نیست؛ بلکه در درجه اول استفاده از روش هایی است که کودک را از انجام کارهای نامطلوب ناخنود کند. بی توجهی، قهر (کوتاه مدت)، سرزنش، محروم سازی و امثال آن از شیوه های تنبیهی هستند که جنبه انسانی داشته و برای تنبیه، بهتر است از آنها استفاده شود، نه تنبیه بدنی. (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳)

شرایط تشویق

برای اینکه امر تشویق، زیان و خطری را برای کودک به دنبال نداشته باشد، رعایت نکات ذیل حائز اهمیت است.

۱- باید عمل یا اخلاق نیک کودک را تحسین کرد، نه خود او را. در ضمن او را باید متوجه کنیم که آنچه ارزشمند است عمل و صفت اوست.

۲- تشویق باید به جا و به موقع و متناسب با نوع رفتار کودک و نوجوان باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن، یعنی زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و ... ملاحظه گردد.

غزالی تفاوت های قابل توجه در انواع تشویق و ترغیب را این گونه بیان می کند: «اگر کودک را گویند: به دبیرستان شو تا به درجه ریاست رسی، وی خود لذت ریاست نداند که چه باشد؛ لکن باید گفت: به دبیرستان شو تا شبانگاه، چوگان و گوی به تو دهم، تا بازی کنی، تا کودک به حرص آن به دبیرستان شود و چون بزرگ تر شود، وی را ترغیب کند به جامعه نیکو و زینت، تا دست از بازی بدارد. چون بزرگ تر شود وی را به خواجگی و ریاست وعده دهد و گوید: جامعه دیبا، کار زنان باشد و چون بزرگ تر شود آنگاه گوید: خواجگی و ریاست دنیا اصلی ندارد که همه به مرگ تباه شود؛ آنگاه وی را به پادشاهی جاوید وعده دهد.» (عطاران، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۹)

- ۳- تشویق باید به گونه‌ای باشد که باعث ترغیب دیگران بشود، نه دل سردی آنان.
- ۴- تشویق باید به اندازه و معقول باشد و به هیچ وجه از حد تجاوز نکند، زیرا در این صورت موجب غرور و تباهی شخص می‌شود و نیز نباید کمتر از اندازه باشد، زیرا نتیجه مطلوب خود را از دست می‌دهد.
- ۵- تشویق وسیله‌ای برای ایجاد انگیزه است؛ بنابراین نباید به صورت هدف در آید و تمام ذهن و فکر کودک را به خود مشغول سازد. زیرا در این صورت، نقش بازدارنده پیدا می‌کند.
- ۶- موقعی که کودک را تشویق می‌کنید باید علت آن را برایش بگویید و این عمل باید به گونه‌ای صورت گیرد که کودک خود را مستحق آن ببیند و آن را در درون تأیید کند.
- ۷- تشویق در حضور جمع، اثر بیشتری دارد.

ج) روش بصیرت بخشی

کلمه «بصیرت» به معنای رؤیت قلبی و ادراک درونی و باطنی است و در کتب لغت برای آن معانی مختلفی آورده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. ادراک قلبی: در مفردات راغب آمده است: «به ادراک قلبی، گاهی بصر و گاهی بصیرت گفته می‌شود.» (راغب، ص ۱۲۷)

۲. چشم: گاهی هم به دستگاه بینایی بصیرت گفته می‌شود.

۳. اعتقادات قلبی: باورهای قلبی دینی و حقیقت امور، بصیرت نامیده می‌شود.^۲ (فراهیدی، ج ۷، ص ۱۱۷)

۴. زره و سپر: زره، و آنچه از سلاح در بر گرفته می‌شود، بصائر نامیده می‌شود. گاهی به معنای ترس (سپر) هم آمده است.^۳ (ابن منظور، ج ۴، ص ۶۸)

۵. هوشمندی و عبرت: بصیرت، به هوشمندی و زیرکی راستین، هوشمندی بصیرت‌مندان، اطلاق می‌شود. همچنین به معنای حجت و دلیل، اعتقاد قلبی، ثبات در دین و عبرت نیز بکار رفته است.

در فارسی، «بصیرت» مترادف واژه‌هایی همچون: بیداری، هشیاری، آگاهی، روشن بینی، دانایی، بینایی و درک صحیح از ابعاد و نتایج امور و لایه‌های زیرین رخدادها بکار می‌رود. بصیرت چنین تعریف شده است: «قوه‌ای در قلب، نورانی به نور قدسی است که به واسطه آن حقایق و بواطن را می‌بیند، همان طوری که چشم، صورت اشیاء را می‌بیند.» (جرجانی،

۱. «یقال لقوة القلب المدركة بصيرة وبصر نحو قوله تعالى: ﴿فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ (ق: ۲۲).

۲. البصيرة اسم لما اعتقد في القلب من الدين و حقيق الأمر.

۳. البصيرة: الذرّ، وكل ما لبس جنة بصيرة. والبصيرة: الترس، وكل ما لبس من السلاح فهو بصائر السلاح.

التعريفات، ص ۲۰) دکتر شرفی در کتاب تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام بصیرت در تربیت را اینگونه معرفی می‌کند: «در حقیقت، بصیرت یا بینش به طرز تلقی آدمی از امور و حوادث نیز اطلاق می‌شود و به تعبیری دیگر، بینش، نوعی آگاهی عمیق و گسترده است.»

اهمیت بصیرت از آنجا روشن می‌شود که بصیرت، محور همه اعمال انسان است و عکس‌العمل‌های متفاوت انسان بر ساس بینش و بصیرت او شکل می‌گیرد و ارزش و اعتبار انسان، وابسته به نوع بینش اوست.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر دیده بصیرت، کور باشد نگرستن چشم سودی نمی‌دهد.»^۱ (آمدی، ص ۴۱)

بصیرت به انسان شناخت عمیق از جهان هستی و عالم آخرت می‌دهد که موجب ارتباط کامل و جامع انسان با آنها می‌شود. بصیرت و آگاهی نسبت به مسایل موجب می‌شود که فرد تعادل خود را در حوادثی که منتهی به فقدان‌ها و خسران‌ها می‌شود، از دست ندهد و محزون نشود و همچنین در رویدادهایی که منجر به کامیابی‌ها می‌شود، خودش را گم نکند.

چون نداند مسافره چون رود	با تردها و دل پر خون رود
هر که گوید: های این سوره نیست	او کند از بیم آنجا وقف و ایست
ور بداند ره دل باهوش او	کی رود هر های و هوی در گوش او

(مولوی، دفتر سوم، ابیات ۴۰۲۹ تا ۴۰۳۱)

۱. بصیرت بخشی در قرآن و روایات

در مکتب تربیتی اسلام برای بهره‌گیری بیشتر از دین و حاکم ساختن آن بر حیات عادی و مبارزه با تقلید در مبانی دین، ابتدا همگان را دعوت به تفکر و تعقل در مفاهیم و مبادی دین و کشف حقایق دینت الهی از میان ادیان سنتی و موروثی می‌نماید و از تقلید و متابعت کور کورانه از آباء و اجداد به شدت منع می‌کند. چنانچه می‌فرماید:

۱. نَظَرِ الْبَصْرِ لَا يُجِدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ.

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال / ۲۲)

بدترین جنبندگان نزد خداوند کسانی هستند که تعقل نمی کنند و از استماع و اظهار حق عاجز و ناتوان هستند.

یکی از محورهای اساسی در امر تعلیم و تربیت، توجه به روش معرفت و بصیرت می باشد، معرفت و بصیرت به معنای نوعی آگاهی عمیق و گسترده است که نتیجه آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر می باشد.

اساس هدایت اسلام بر اساس علم و معرفت استوار است، نه تقلید و پیروی کورکورانه. اسلام بر آن است تا آنجا که افراد بشر ظرفیت و استعداد دارند، دل هایشان را پر از علم و معرفت کند. معرفت به خدا، معرفت به قیامت، معرفت به جهان هستی و معرفت به همه پدیده های زندگی؛ شناخت انسان نسبت به مسایل زندگی و آگاهی او از موضوعات گوناگون، به ویژه اندیشه های دینی و مذهبی، تأثیر فراوان در رفتار وی دارد؛ زیرا با تجزیه و تحلیل وجود انسان، به این نتیجه خواهیم رسید که مهم ترین بخش وجودی او، بُعد معرفتی اوست. خداوند خود را در ۳۸ مورد، بصیر معرفی نموده و دعوت پیامبر و پیروانش به سوی خدای بصیر را، بر مبنای بصیرت دانسته است. (یوسف / ۱۰۸)

در قرآن کریم این روش مورد تصریح قرار گرفته است:

«قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» (انعام / ۱۰۴)

«آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف خدا آمد پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس کور بماند در زیان افتاد.»

اگر انسان بصیرت و آگاهی نداشته باشد نمی تواند تکالیف الهی را بشناسد تا به اطاعت از آنها تن در دهد و به هدف حیات خویش برسد.

پیامبر اکرم ﷺ در این خصوص می فرماید:

«کور آن نیست که چشم او نتواند ببیند، بلکه کور کسی است که بصیرتش کور

باشد.» (نهج الفصاحه، ص ۶۵۶، ح ۲۳۷۳)

پیامبر اکرم ﷺ از سوی خداوند مأمور می شود به صراحت اعلام کند که «حرکت او و

پیروانش بر مبنای بصیرت و روشن بینی است.»^۱ (یوسف، ۱۰۸)

۱. «لیس الاعمی من یمعی بصره انما الاعمی من تعمی بصیرته.»

۲. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي.»

۲. بصیر به چه کسی اطلاق می‌شود؟

در روایات، بصیر به کسی اطلاق می‌شود که بعد از شنیدن سخنان به تفکر می‌پردازد، بعد از مشاهده امور درباره آنها می‌اندیشد، و از مایه‌های عبرتی که در حوادث است عبرت می‌گیرد و تلاش می‌کند در راهی که دارای علایم و نشانه‌های واضح است، سیر کند و در اثر درک و بینش درونی حالتی برای او ایجاد می‌شود که از افتادن در مهالک پرهیز می‌کند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)

سوق دادن به سوی نور و روشننگری درون انسان‌ها که وظیفه پیامبران الهی بوده، بر مبنای روش بصیرت صورت می‌گرفت. زیرا در شناخت بر مبنای بصیرت و آگاهی و تعقل، انحراف و کج‌روی نیست. در آموزش مسائل دینی به کودکان و نوجوانان نیز باید شناختی صحیح از انسان و فلسفه خلقت داشت، زیرا هنگامی که فرد به فلسفه و منافع و مضرات موضوعات آگاهی و شناخت پیدا می‌کند با قدرت تشخیص خود، خیر، خوبی و صلاح خویش را انتخاب می‌کند. بنابراین اساسی‌ترین مرحله در تعلیم و آموزش مسائل دینی به کودکان و نوجوانان، ایجاد بینش و بصیرت است. اگر مبلغان، مربیان و والدین خواستار گرایش کودکان و نوجوانان به انجام امور دینی هستند، بهتر است به آنان مزایا و فواید این امور را آموزش دهند و فلسفه این کار را به زبان ساده برایشان تبیین کنند و مطمئن باشند اگر بتوانند به شیوه صحیح، دگرگونی درونی در کودک ایجاد کنند، تغییر رفتار و ترغیب کودکان و نوجوانان در رعایت آموزه‌های دینی را مشاهده خواهند کرد.

زنان که هستند از فواید چشم‌کور	کودکان را می‌بری مکتب به زور
جان‌ش از رفتن شکفته می‌شود	چون شود واقف، به مکتب می‌دود
چون ندید از مزد کار خویش هیچ	می‌رود کودک به مکتب پیچ پیچ

(مولوی، دفتر سوم، ابیات ۴۵۸۵ تا ۴۵۸۷)

۳. آثار بصیرت‌آفرینی

– بصیرت، نگاه فرد را از سطح و پوسته رویدادها می‌گذراند و به عمق و باطن آنها نفوذ می‌دهد.

۱. «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَهُ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَأَوْضَحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي.»

- بصیرت موجب تعادل و ثبات روح فرزندان می‌شود و آسیب‌پذیری در برابر حوادث و عوامل تهدیدکننده معنویت کمتر می‌شود.

- بصیرت مشکلات و سختی‌ها را آسان جلوه می‌دهد.

- توصیه‌های محقق نراقی^۱ درباره بصیرت‌آفرینی در متربیان؛

محقق و فاضل نراقی بسیاری از رفتارهای نابهنجار، غیراخلاقی و غیردینی و وسوسه‌های شیطانی را ناشی از عدم بصیرت و بینش صحیح تربیتی در مسایل اعتقادی، فکری، اخلاقی و اجتماعی و عدم شناخت وافی در افعال، رفتار و انگیزه‌ها و آثار و عوارض آنها می‌دانند و معتقد است با دادن بینش و شناخت درست می‌توان تربیتی را تربیت کرد و اخلاق وی را اصلاح نمود و از وقوع مشکلات روانی، رفتارهای زشت، و سرنوشتی ناخواسته پیش‌گیری کرد؛ از این رو این دو مربی و متفکر اسلامی در همه جنبه‌های تربیتی، بویژه تربیت اخلاقی، بر این روش تأکید می‌ورزند و معمولاً آن را پیش از روش‌های دیگر ذکر می‌کنند و اعتبار زیر بنایی برای آن قایلند.

محقق و فاضل نراقی برای اجرای این روش و تحقق بینش در تربیتی توصیه می‌کنند که مربی

به امور زیر بپردازد:

۱. متربی را از آیات و احادیث در مدح یا ذم صفات و رفتارهای مورد تعلیم و تربیت آگاه سازد و آثار و عوارض آنها را که در قرآن و کلمات معصومین علیهم‌السلام ذکر شده، به وی آموزش دهد و از وی بخواهد در باره آنها اندیشه و تأمل نماید.

۲. شناخت کافی از فضیلت و ردیلت ارايه دهد و حسن و قبح صفت یا رفتار را بیان نماید تا متربی به تشخیص درست از نادرست و اخلاق و رفتار نیک از اخلاق و رفتار ناپسند برسد و زیبایی یا زشتی رفتاری را که می‌خواهد از او سر بزند، بیابد.

امیر المؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هیچ حرکتی و فعالیتی نیست مگر آن که تو در انجام آن به علم و معرفت نیاز داری» (تحف العقول، ص ۱۷۱)

۳. ارتباط عینی بین کمال، شرافت و رفتار مطلوب با قوت و عزت نفس را برای متربی مکشوف سازد و رابطه نقصان، بیماری‌های روانی و صفات و رفتارهای ضدارزشی با ضعف و ذلت نفس را تبیین کند.

۱. ملا احمد نراقی، «فرزند مرحوم حاج ملا مهدی نراقی»، در سال ۵۸۱۱ هجری قمری، مطابق با ۱۳۹۱ شمسی در نراق متولد شد. او از بزرگان علمای دین، و مجتهدین شیعه می‌باشد، که در علم فقه، اصول، حدیث، رجال، نجوم، ریاضی، معقول و منقول، ادبیات و شعر تبحر داشته و علاوه بر علوم متداول عقلی و نقلی در بسیاری از علوم دیگر مهارتی بسزا داشته است.

یکی از مهم‌ترین عوامل گرایش و علاقهٔ کودکان و نوجوانان به انجام یک عمل اخلاقی، آگاهی و شناخت آنان از فواید انجام آن عمل می‌باشد.

«در یکی از تحقیقات از میان پانصد نفر بانوی کم‌حجاب، اظهارات هشتاد درصد آنان نشان داد که بی‌اطلاعی از فواید و آثار پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی، اصلی‌ترین عامل کم‌حجابی ایشان است؛ هر چند انگیزه‌های دیگری نیز در رفتار آنان تأثیر داشته است.» (غلامی، سایت باشگاه اندیشه، مبلغان و پدیده کم‌حجابی)

۴. از علل و اسباب بروز صفت یا وقوع عملی که به صورت ناخواسته از متربی صادر شده، پرده بردارد تا متربی به درک درستی از آن چه انجام داده است، برسد و در آینده از بروز چنین رفتارهای ناخواسته پیشگیری کند.

«در میان بانوان بی تفاوت به حجاب، برخی دخترانی از خانواده‌های مذهبی بودند که مادران ایشان در توجیه و تربیت آنان موفق نبوده‌اند. در نظرخواهی از مادران، آنها اظهار کرده‌اند که با همهٔ اعتقاد خود به خوبی حجاب، نتوانسته‌اند دلایل قانع‌کننده‌ای به فرزندانشان ارائه کنند.» (همان)

۵. شناخت درستی از عظمت، عزت، قدرت، محبت، رضایت، خشم، عدالت و رحمت خداوند و قضا و قدر آریه دهد تا با بینش صحیح راه عبودیت و صراط مستقیم را در نیل به هدف عالی تربیت ببیند و اگر عملکردهای نادرستی داشت، مایوس نشود و راه صلاح را طی نماید.» (بهشتی و همکاران، ج ۴، ص ۲۶۳)

۴. چگونه در کودکان بصیرت ایجاد کنیم؟

شاید این سؤال در ذهن ایجاد شود که برای ایجاد آگاهی در کودکان و نوجوانان چه اقداماتی باید انجام دهیم و چه شرایطی باید رعایت شود تا کودکان و نوجوانان از روی آگاهی، رفتارهای اخلاقی را انجام دهند؟ راه کارهایی که در زیر بیان می‌شود کمک خواهد کرد تا بینش کودکان افزایش یابد.

- قبل از هر اقدامی باید سطح درک و فهم کودک را به دست بیاوریم و بدانیم چه مقدار به مطالبی که می‌خواهیم مطرح کنیم، آگاهی و فهم دارد. سپس بر اساس سطح آگاهی آنان فلسفهٔ انجام فرایض دینی را به صورت دوطرفه بحث کنیم. البته این امر باید به صورت مباحثه و گفت‌و شنود صورت پذیرد زیرا کودکان در صحبت‌های یک طرفه زود خسته

می‌شوند و ممکن است در اثنای صحبت کردن شما به مسائل دیگری فکر کنند و به کلی حواسشان جای دیگری باشد.

چون که با کودک سرو کارم فتاد پس زبان کودکان باید گشاد

(مولوی، دفتر چهارم، بیت ۲۵۷۷)

- شایسته است قبل از شروع بحث و تبادل نظر با کودک، آمادگی ذهنی و روحی کودک را در نظر داشته باشیم، زیرا در غیر این صورت گفتگوی ما نتیجه مطلوب را در پی نخواهد داشت. به عنوان مثال تصور کنید با کودکی که مشغول دیدن یک کارتون جذاب است و یا چشم‌هایش غرق خواب است بخواهید درباره اهمیت نماز صحبت کنید. مطمئناً در این گونه مواقع ما نمی‌توانیم مطالب را به کودکان انتقال دهیم؛ زیرا او آمادگی پذیرش این مطالب را فعلاً ندارد. بنابراین آمادگی ذهنی و روانی یکی از کلیدهای موفقیت انتقال مطالب و یادگیری کودکان می‌باشد.

- هنگام آگاهی دادن به کودکان، ضمن بیان حکمت آفرینش انسان، فلسفه نماز، و... مسائل و مشکلاتی که باعث سرخوردگی و دوری انسان از انجام امور اخلاقی و دینی می‌شود را به آنها گوشزد نماییم. به عنوان مثال محیط‌ها، افراد و رفتارهایی که باعث سستی در انجام عمل نماز می‌شود را به آنها معرفی کنیم.

- قبل از گفتگو با کودکان حتماً مطالب را مرور کنیم تا دچار دگرگونی‌های گفتاری و تناقض در گفتار نشویم تا بتوانیم نتیجه جالبی از بحث به دست آوریم. زیرا مرور مطالب باعث انسجام در گفتار می‌شود.

- زمان و مدت گفتگو با کودک با توجه به علاقه و شور و شوق کودکان ادامه پیدا کند. به عنوان مثال گفتگوی مبلغان و مربیان با کودکان در مورد مسائل دینی، زمانی موثر خواهد بود که آنان به لحاظ روحی و جسمی آمادگی لازم و کافی داشته باشند.

- در هنگام صحبت با کودک از او نظر خواهی شود که چه عواملی باعث دوری کودکان از انجام امور معنوی می‌شود و بعد از آگاهی از این عوامل با یکدیگر در مورد علت به وجود آمدن این عوامل و درمان آن بحث کنید.

د) روش قصه گویی

قصه یکی از مقوله‌های هنر است که همواره در آموزش و یادگیری و تربیت نیروی اندیشه کاربرد موثری داشته است. «قصه بیان‌گر دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله‌ای برای انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر بوده است.» (دیویی چمبرز، ۱۳۸۰، ص ۵) در قصه با القای غیرمستقیم محتوای مورد نظر، به متربیان، کیفیت آموزش و پرورش را می‌توان به طور چشمگیری افزایش داد و با استفاده از آن می‌توان آگاهی و بصیرتی در انسان ایجاد کرد که رفتار و افکار

درج در افسانه‌شان بس سر و پند

کودکان بس افسانه‌ها می‌آورند

گنج می جو در ویرانه‌ها

هزل‌ها گویند در افسانه‌ها

پسندیده و ناپسند را از یکدیگر تشخیص دهند و درباره آنها به تفکر بپردازند.

(مولوی، دفتر سوم، ابیات ۲۶۰۲ و ۲۶۰۳)

قصه همواره منعکس‌کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات، و تاریخ یک نسل به نسل‌های دیگر بوده است. انسان به خاطر ویژگی‌های خاص روحی‌اش به قصه علاقه دارد و چه بسا راه و رسم قهرمانان آن را الگوی خود قرار می‌دهد. (دیویی چمبرز، ۱۳۶۶، ص ۵) پس با قصه نه تنها می‌توان انسان را با میراث‌های فرهنگی و آداب جامعه خود و جهان آشنا ساخت و قدرت

تفکر او را پرورش داد، بلکه می‌توان زمینه خودسازی و جامعه‌سازی را در او برانگیخت. (پورخالقی چترودی، ۱۳۷۱، ۱۶) محکم‌ترین دلیل بر ریشه‌دار بودن علاقه انسان به قصه، توجه کتاب‌های مذهبی و به خصوص قرآن مجید به قصه است. بسیاری از نویسندگان و شاعران و عرفا نیز افکار خود را در قالب قصه بیان کرده‌اند. (رهگذر، ۱۳۶۶، ۱۲) اصرار قرآن بر قصه‌گویی و قصه‌خوانی هر خواننده‌ای را به وجد و شگفتی وامی‌دارد. انسان از خود می‌پرسد که مگر قصه چیست و چه می‌کند که آفریدگار هستی در آخرین پیام به آفریده خویش این چنین قصه می‌گوید و او را به تأمل در قصه‌ها فرامی‌خواند. در واقع، پاسخ این پرسش را باید در مفهوم و معنای «قصه» در قرآن و «شیوه قصه‌نویسی قرآن» جستجو کرد. (حسینی (ژرفا)، ۱۳۷۸، ۱۸)

«به جرأت می‌توان گفت که در میان اقوام و فرهنگ‌های گوناگون، هیچ قالب بیانی به قدر قصه نافذ و مؤثر نبوده است. این تأثیر آن گاه که با بلاغت و اعجاز وحی همراه گشته، بسی افزون شده است. در طول تاریخ دعوت اسلامی، مردم از همین قصه‌های قرآنی درس گرفته‌اند، پیام آموخته‌اند، ادبیاتی مستقل بر نهاده‌اند، و با آنها زیسته‌اند. در همان آغاز دعوت نیز قصه‌گویی قرآن از ابزارهای تبلیغی آن بود. به همین دلیل که قصه جایگاهی بلند در تربیت نفوس و تهذیب جان‌ها دارد.» (همان، ۲۰)

تأثیر قصه در کودکان و نوجوانان

۱. عبرت‌آموزی در اثر قصه و داستان

داستان‌ها و قصه‌ها بیان حال اشخاصی است که در گذشته زندگی می‌کردند و با رعایت و عدم رعایت اصول الهی و انسانی به سعادت یا شقاوت رسیده‌اند. شنیدن و گذر بر احوال شخصیت‌ها و قهرمان‌های قصه و تطبیق شرایط خود با آنها به انسان بینشی می‌دهد تا ضمن سنجش و ارزیابی رفتار و اندیشه خود به اصلاح و تقویت آنها بپردازند. قصه‌ها بیان حال انسان‌هایی هستند که در گذشته مثل ما زندگی می‌کردند و اگر ما بتوانیم با بیان دقیق قصه‌ها به کودکان و نوجوانان کمک کنیم تا به خوبی اندیشه‌ها و اعمال قهرمانان قصه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و سپس به واکاوی رفتار خود بپردازند مطمئناً تغییرات قابل ملاحظه‌ای را در رفتار آنان مشاهده خواهیم کرد.

بشنوید ای دوستان این داستان
خود حقیقت نقد حال ماست آن
نقد حال خویش را گری بریم
هم ز دنیا هم ز عقبی بر خوریم

(مولوی، دفتر اول، بیت ۳۵)

قصه‌ها به بیان تجربه‌های تلخ و شیرین بشر می‌پردازند که یادآوری این تجربه‌ها باعث آگاهی و عبرت افراد می‌شود. بیان حکایات و داستان‌ها برای این است که انسان‌ها از آن عبرت بگیرند و در برابر احکام الهی سر تعظیم فرود بیاورند و در همه احوال از تصمیمات خداوند خشنود باشند.

(مولوی، دفتر سوم، ابیات ۳۲۵۵ تا ۳۲۵۷)

عبرت است آن قصه، ای جان مر تو را
تا که راضی باشی از حکم خدا
تا که زیرک باشی و نیکو گمان
چون بینی واقعه بد ناگهان
دیگران کردند زرد از بیم آن
تو چو گل خندان گه سود و زیان

قرآن کریم برای هدایت و عبرت مردم از روش بیان قصه استفاده کرده است؛ به عبارت دیگر، مقصود قرآن از قصه‌گویی، سرایش داستان با ذکر امور درشت و ریز آن نیست، بلکه برای هدایت و سعادت مردم از زبان قصه استفاده می‌کند: «وَكُلُّنْفُصٌ عَلَیْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران را که بر تو باز می‌گوییم چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در این اخبار حقیقت برای تو آمده و برای مومنان اندرز و تذکارتی است. (هود/۱۲۰)

(مولوی، دفتر سوم، بیت ۴۲۴۴)

حرف قرآن را بدان که ظاهری است
زیر ظاهر باطنی بس قاهری است

در سوره یوسف، بعد از اینکه به زحمت‌ها و رنج‌های کلی پیامبران و عکس العمل منفی اکثریت مخاطبین و سرنوشته برخی از کافرین اشاره می‌کند، حکمت تمام آن داستان‌ها را پندآموزی آیندگان عاقل و پویندگان خردمند اعلام می‌کند: «لقد كان في قصصهم عبرة لأولی

الالباب ما كان حدیثا یفتیری و لكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون؛ به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان پندی است، گفتاری دروغ نیست؛ بلکه توضیح تمام امور و برای گروهی که ایمان می آورند مایه هدایت و رحمت است» (یوسف/۱۱۱)

هست قرآن مر ترا همچون عصا کفرها را در کتشد چون ازدها

(مولوی، دفتر سوم، بیت ۱۲۰۹)

۲. ایجاد بصیرت و شناخت

یکی از محورهای اساسی در تبلیغ و تعلیم و تربیت، توجه به شاخص معرفت و بصیرت می باشد، قصه می تواند کمک شایانی در رسیدن به این شاخص بکند. ارایه قصه ها به شیوه صحیح می تواند نوعی آگاهی عمیق و گسترده که نتیجه آن ایجاد پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر است ایجاد نماید.

«قصه ها از ابزار بنیادین معنادهی و الگوی طبیعی تفکر محسوب می شوند که ما پیش از مدرسه از طریق افسانه ها، داستان های کودکان و تاریخچه خانوادگی خود، آنها را فرا می گیریم. قصه ها ترکیب قدرتمندی برای سازمان دهی و انتقال اطلاعات و معنادهی به زندگی دارند. در واقع در جریان یک قصه ممکن است، شخصیت های آن با بحرانی مواجه شوند و در صدد حل آن بر آیند. ارایه این روش به صورت مستقیم به افراد آسان نیست ولی می توان از طریق قصه گویی به این هدف دست یافت. (اسکندری، کیانی، زمستان ۱۳۸۶) «کودکان و نوجوانان ضمن داستان ها و افسانه ها با حقایق و تجارب زندگی آشنا می شوند: شادی و غم، کامیابی و ناکامی، امیدواری و نومیدی، محرومیت، ستم و ستم کار، عدالت و عادل، علم و عالم، دموکراسی و استبداد و خلاصه همه رنگ های زندگی را تجربه می کنند و آشنا می سازند.» (شعاری نژاد، ۱۳۶۴، ۷۵)

پیام ها و گزاره های مفهومی نهفته در محتوای قصه ها و حکایات را یکی از مهم ترین عوامل آگاهی و بینش متریبان می داند و نقش این پیام ها در تربیت و هدایت انسان ها بسیار مفید است، به گونه ای که تأمل و تفکر در محتوای قصه ها افراد را از گرفتار شدن در رنج ها و محنت ها می رهاند و راه کارها و مسیرهای صحیح را به آنان می نمایاند.

یک حکایت بشنو این جای پسر تا نگردي ممتحن اندر هنر

(مولوی، دفتر ششم، بیت ۲۷۳۶)

۳. آرایه‌الگوهای مناسب

در تعلیم و تربیت قصه‌گویی روشی است که به وسیله آن می‌توان به طور غیرمستقیم در اعماق متربیان تأثیر گذاشت. داستان‌نویس و قصه‌گو، ضمن بیان وقایع مهم اقوام، ملل و شخصیت‌های مهم تاریخ، روح خواننده و شنونده را به همراه خویش تا عمق تاریخ می‌برد، و الگوهای را برایش مجسم می‌سازد تا از گفتار و رفتارشان سرمشق بگیرند و پیروی کنند. «تأثیرات قصه و داستان، غیر مستقیم و نامرئی است. به طور غیرمستقیم راه‌را نشان می‌دهد و هدایت می‌کند، عبرت می‌دهد، موعظه می‌کند، تشویق می‌نماید، می‌ترساند، امیدوار می‌کند، همه اینها به طور غیرمستقیم القا می‌شود. و به همین جهت پایدار خواهد بود.» (امینی، ج ۲، ۱۳۷۹، ۱۰۹) «در واقع شنیدن قصه یکی از کارهای مورد علاقه (انسان‌ها) است. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند و خود را در اختیار قصه‌گو قرار می‌دهند که در این صورت به صورت غیرمستقیم تأثیرات لازم را می‌پذیرند. قصه، نه تنها پیام‌های مفیدی برای (انسان‌ها) دارد، بلکه اگر به گونه‌ای جذاب و مناسب طراحی و بیان شود، (مخاطبان) می‌کوشند خود را با شخصیت‌های آن قصه همانند سازند.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۴۹)

«دانشمندان تعلیم و تربیت، افسانه‌سازی و داستان‌سرایی را پلی می‌دانند که دنیای افسانه‌ای تخیلی کودک را به دنیای واقعی بزرگسالان ارتباط می‌دهد و چه بسا که انسان را به ارزش‌های اخلاقی راهنمایی می‌کند. داستان بزرگ‌ترین وسیله ظهور وجدان پاک و خوی و خصلت پسندیده در کودک است و ثبات این صفات در او به درجه نفوذ و تأثیر آن بستگی دارد. داستان یک معلم جذاب و دوست‌داشتنی است که کودک را با انواع فرهنگ‌ها و معرفت‌ها آشنا می‌کند.» (شعاری نژاد، ۱۳۶۴، ۷۶ و ۷۷)

۵) روش الگویی

یکی از مهم‌ترین انواع یادگیری‌های انسان، یادگیری مشاهده‌ای است. بر همین اساس، یکی از روش‌های تربیت، تربیت به وسیلهٔ الگو است، که می‌توان آن را روش الگویی نامید. این روش در سرتاسر زندگی و ابعاد مختلف آن کاربرد دارد و از آنجا که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی، بسیار مؤثر است. شاید به همین دلیل است که در منابع اسلامی، بر بهره‌گیری از الگو و پیروی از اسوه‌های حسنه تأکید شده است.

روش الگویی، یکی از شیوه‌های مؤثر و مطلوب در تربیت کودک است. در این روش، فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و با مشاهده رفتار دیگران از آنها پیروی و خود را با آن هم‌ساز می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: «الگو، پیروی عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون، برای رسیدن به کمال است.»

تربیت ابتدایی انسان، به طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همهٔ کارهایش را از الگوهای پیرامون خود الگوبرداری می‌کند که در درجهٔ اول پدر و مادر اویند، و با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. کودک بسیاری از رفتارها و عادت‌های خود را در مرحلهٔ آغازین زندگی از طریق تقلید از دیگران فرا می‌گیرد، و آن را جزئی از رفتارهای روزمرهٔ خود قرار می‌دهد. از این رو روش الگویی در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک نقش به‌سزایی دارد. به عنوان مثال کودک با تقلید از اطرافیان سعی می‌کند زبان را بیاموزد و از طریق والدین و سایر اعضای خانواده راه رفتن را فراگیرد.

باندورا، درباره تکرار رفتار الگو، تحقیق بسیار جالبی انجام داده است، در این تحقیق، وی «کودکان یک مهد کودک را به پنج گروه تقسیم کرد. در گروه آزمایشی اول، کودکان به مشاهده رفتار الگوی فرد بزرگسالی می پردازند که به طور فیزیکی و لفظی به یک آدم پلاستیکی حمله می کند. در گروه دوم، کودکان حوادث و رفتار فوق را در فیلمی مشاهده می کنند. در گروه آزمایشی سوم، کودکان رفتار تهاجمی شخصیت‌ها را در فیلم کارتون می بینند. در گروه آزمایشی چهارم، کودکان در هیچ یک از سه موقعیت فوق قرار نمی گیرند. و بالاخره در گروه آزمایشی پنجم، کودکان به مشاهده یک الگو با رفتار آرام، مطیع و غیر تهاجمی مبادرت می ورزند. بعد از مشاهده رفتارهای مختلف در زمان معین شده، تمام کودکان در موقعیت یکسانی قرار داده می شوند. آزمایشگر از طریق یک پنجره به مشاهده رفتار کودکان می پردازد و رفتارهای تهاجمی شفاهی و عملی آنان را یادداشت می کند. در تحلیل اطلاعات به دست آمده از یادداشت‌ها به این نتیجه می رسند که: الگوی پر خاشگری را که گروه‌های اول تا سوم دیده بودند، رفتار تهاجمی بیشتری نسبت به گروه چهارم از خود نشان می دهند (گروهی که هیچ موردی را مشاهده نکردند). برعکس، گروهی (گروه پنجم) که الگوی رفتار آرام، مطیع و غیر تهاجمی را مشاهده کرده بودند، رفتار تهاجمی کمتری نسبت به گروه کنترل (گروه چهارم) از خود نشان می دادند.» (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۶۳)

«کودک، مقلد خوبی است و به آسانی وبدون هیچ گونه زحمت و مشقتی، فقط از راه تقلید می آموزد. او می بیند، می شنود و پس از مدتی تکرار می کند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند از سنین تشخیص یعنی حدود شش سالگی، پسران از پدران تقلید می کنند و دختران از مادران، و این تقلید در آنان ناآگاهانه است.

کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری الگو می پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه اطرافیان به گونه‌ای در او اثر می گذارند و مدل و الگوی کودک هستند، ولی والدین و مربیان از همه آنها مهم‌تر و مؤثرتر هستند و این اهمیت و تأثیر در کودکان تا سنین نوجوانی همچنان تداوم دارد. بر این اساس، وظیفه والدین و مربیان در این دوران بسیار سنگین است و باید به فرزندان فرصت بدهند تا از اخلاق و رفتار خوب خود بهره‌مند گردند. اگر سخن ناروا خوب نیست نباید این گونه سخنان را در حضور کودکان و نوجوانان جاری کنند، اگر از آنها انتظار کار خوب دارند باید در کار خیر برای کودکان خود الگو باشند. اگر

دوست دارند کودکان و نوجوانان نماز اول وقت بخواند خود باید پیشگام باشند.» (مجموعه مقالات نماز و خانواده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۴)

۱. الگو در قرآن و سیره معصومین

در قرآن کریم، استفاده از الگو و اسوه یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی معرفی شده است. قرآن، نمونه‌ها و مثال‌های بسیاری را بیان کرده که بیان‌گر تأثیر فراوان این روش در یادگیری و شکل‌گیری شخصیت انسان‌هاست. به عنوان مثال آن جایی که داستان قابیل را نقل می‌کند که برادرش هابیل را کشت اما نمی‌دانست با جسد برادر چه کند، در اینجا خداوند کلاغی را فرستاد که مشغول کردن زمین شود تا کلاغ مرده را دفن کند. قابیل با دیدن این صحنه از کلاغ آموخت که چگونه برادرش را زیر زمین پنهان سازد.

کندن گوری که کمتر پیشه بود	کی ز فکر و حيله و اندیشه بود
گر بُدی این فهم مَر قابیل را	کی نهادی بر سر او هابیل را
که کجا غایب کنم این کُشته را	این به خون و خاک در آغشته را
دید زاغی زاغِ مُرده در دهان	بر گرفته تیز می‌آمد چنان
از هوا زیر آمد و شد او به فن	از پی تعلیم او را گور کن
پس به چنگال از زمین انگیخت گرد	زود زاغِ مُرده را در گور کرد
دفن کردش پس بپوشیدش به خاک	زاغ از الهام حق بُدِ علم ناک
گفت قابیل آه شه بر عقل من	که بُود زاغی زمن افزون به فن

(مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ابیات ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۸)

خداوند در قرآن به صراحت رسول گرامی اسلام ﷺ را الگویی ارزشمند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الْبَتَّةَ شِمَارًا دَرِ اِقْتِدَائِیْ بِهٖ رَسُوْلُ خُدَا چِه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو، خیر و سعادت بسیار است برای آن کسی که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.»

خاک نجد از فیض او چالاک شد
 دردل مسلم مقام مصطفی است
 وقت هیجا تیغ او آهن گداز
 در جهان آیین نو آغاز کرد
 از کلید دین در دنیا گشاد
 در نگاه او یکی بالا و پست
 آمد اندر وجد و بر افلاک شد
 آبروی ما ز نام مصطفی است
 دیده او اشکبار اندر نماز
 مسند اقوام پیشین در نور
 همچو او بطن ام گیتی نژاد
 باغلام خویش بریک خوان نشست

(اقبال لاهوری)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ الگویی شایسته برای اصحاب بودند و آنان چگونگی عبادت کردن را از طریق روش الگویی از ایشان می‌آموختند. از ابی حازم روایت شده است که یک بار پیامبر ﷺ بر روی منبر نماز خواندند، وقتی نمازشان تمام شد رو به مردم کردند و فرمودند: «ای مردم، من این کار را به این دلیل انجام دادم که شما از من پیروی کنید و کیفیت خواندن نماز را از من یاد بگیرید.»

بنابراین الگوهای پاک و با فضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در جوامع ایجاد می‌کنند و الگوهای ناپاک و بی‌فضیلت، جوامع را به ناپاکی‌ها و رذایل سوق می‌دهند. آن همه تأکیدی که بر نقش الگوها شده بدین دلیل است. الگوها چون مقبول واقع شوند دیگران را مطابق خود می‌سازند؛ چنان که هر هنری که استادی داشته باشد، جان شاگردش بدان هنر متصف می‌شود.

هر هنر که استا بدان معروف شد جان شاگردش بدان موصوف شد

(مولوی، دفتر اول، بیت ۲۸۲۹)

۲. مسئولیت الگوها

با توجه به نقش خطیر الگوها، مسئولیتی بس سنگین نیز متوجه آنهاست. والدین و مربیان زمانی می‌توانند از روش الگویی استفاده کنند و نتیجه بگیرند که موارد ذیل را رعایت کنند:

-والدین قبل از توصیهٔ کودکان باید خود در انجام امور دینی پیشتاز باشند. کودکان و نوجوانان همواره رفتار مربیان و والدین را مدّ نظر قرار داده و پیوسته این رفتارها را با امر و نهی آنها مقایسه می‌کنند و در صورتی از آنان پیروی خواهند کرد که خود آنها عامل به گفتارشان باشند.

امیر مومنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳) آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش بپردازد.

پروین اعتصامی در این باره نکته‌های زیبایی را به صورت شعر بیان می‌دارد:

ای آن که راستی به من آموزی خود در ره کج از چه نهی پا را
آموزگار خلق شدیم اما نشناختیم خود الف و بارا

-مربیان و والدین بکوشند به صورت عملی و رفتاری کودکان را به امور دینی دعوت کنند. امام صادق علیه السلام والدین را به این امر توجه می‌دهند؛ آن جا که می‌فرماید: «کونوا داعاه الناس بأعمالکم، ولا تکنوا داعاه بألسنتکم» (قرب الاسناد، ص ۷۷) مردم را با رفتار خویش به حق دعوت کنید نه با زبان خویش.

بزرگی سراسر به گفتار نیست دوصد گفته چونیم کردار نیست

(فردوسی شاهنامه)

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «مردم را باغیر زبان (یعنی عمل خود) به نیکی دعوت کنید.»

پند فعلی خلق را جذاب‌تر که رسد در جان هر باگوش و کر
اندر آن وهم امیری کم بود در حشَم تأثیر آن محکم‌تر بود

(مولوی، دفتر چهارم، ابیات ۴۸۵ تا ۴۸۶)

- مربیان و والدین همواره مراقب باشند، بین گفتار و عملشان تناقض به وجود نیاید، زیرا سلامت رفتار و گفتار مربیان و والدین اهمیت اعمال را در نظر فرزندان چند برابر می‌کند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «يَحْفَظُ الْاِطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ» (مجلسی، ج ۶۸، ص ۲۳۶) رفتار کودکان در اثر خوبی‌های رفتار والدین حفظ می‌شود.

- شایسته است اشتیاق مربیان و والدین در انجام امور دینی نسبت به کودکان چند برابر باشد. حضرت علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَرَامِي بِالْاَوْتَرِ» (نهج البلاغه، نامه ۱۳۷)؛ دعوت کننده بی عمل مانند تیرانداز بدون تیر است.
سعدی در این باره می‌گوید:

از من بگوی عالم تفسیر گوی را گر در عمل نکوشی نادان مفسری
بار درخت علم ندانم مگر در عمل با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری

(سعدی بوستان)

- الگوها، رفتارهایی را به کودکان توصیه کنند که آنها توان انجام دادنش را داشته باشند. به عبارت دیگر توصیه والدین و مربیان محترم به گونه ای باشد که کودکان ظرفیت و توان انجام دادن آن را داشته باشند.

- محبت و دلسوزی به متربیان: عشق به متربی و پسندیدن برای او آن چه مربی برای خود می‌پسندد از لوازم الگو شدن یا ارائه الگو برای متربی است. قرآن مجید از صفات بارز و مهم رسول خدا صلی الله علیه و آله این می‌داند که رنج و ناراحتی مردم برای ایشان سخت بوده و حضرت نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان بوده‌اند.

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (توبه، آیه ۱۲۸)؛ «به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

- شایسته این است که، فردی که الگوی دیگران است انسانی بردبار و صبور باشد تا بتواند برای متربی سرمشق خوبی باشد. قرآن کریم بر این نکته تأکید دارد که صبر و استقامت از پیش شرط‌های پیشوایان جامعه است.

«وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سوره سجده، آیه ۲۴)؛ «و

از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند؛ چون شکیبایی نمودند، و به آیات ما یقین داشتند.»

۳. چگونه از روش الگویی در آموزش مفاهیم و آموزهای دینی استفاده کنیم

۳-۱. الگوشدن (امر به معروف عملی)

مربیان و والدین برای به کار بردن روش الگویی، در جهت آموزش مفاهیم و آموزه‌های دینی بهتر است با استفاده از شیوه غیر مستقیم کودکان و نوجوانان را به نماز دعوت نمایند به این معنا که والدین و مربیان در موارد برگزاری امور دینی پیشرو باشند و به این وسیله در کودکان و نوجوانان زمینه‌های ترغیب و تشویق به این امور را فراهم نمایند.

«امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی که می‌خواهید امر به معروف یا نهی از منکر کنید، مستقیم وارد می‌شوید، حرف را مستقیم می‌زنید، یعنی اگر می‌خواهید کسی را وادار به کاری کنید می‌گویید: من از جناب عالی خواهش می‌کنم فلان کار را انجام دهید. ولی یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می‌کنید، که البته مؤثرتر و مفیدتر است، یعنی بدون آن که او بفهمد که شما دارید با او حرف می‌زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می‌کنید، کار او را توجیه و تشریح می‌کنید، می‌گویید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده و ... تا او بداند و بفهمد. این، بهتر در او اثر می‌گذارد کما این که عمل هم به طور غیر مستقیم مؤثرتر است.» (مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۴۵)

۳-۲. الگوسازی

گاهی اوقات شرایط به گونه‌ای است که استفاده از شیوه مستقیم در آموزش مفاهیم دینی امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین شایسته است از شیوه‌های غیر مستقیم استفاده کرد. برای الگوسازی در کودکان و نوجوانان می‌توان از روش‌های ذیل استفاده نمود.

- بیان داستان و قصه

قرآن کریم برای بهره‌برداری از این شیوه، بسیار غنی است، به ویژه آن که غالب الگوهای قرآنی که در قالب داستان آمده‌اند، نو و تأثیر گذارند. قرآن کریم از داستان در جهت تربیت اخلاقی انسان‌ها، بیش از ۱۲۲ بار استفاده کرده است. داستان برای همه مراحل سنی مفید و مورد توجه است و محتوای داستان‌های قرآنی متناسب با سطح اطلاعات خوانندگان و

شنوندگان است. خداوند در مورد اهداف قصه‌گویی، خود، در قرآن می‌فرماید: «بی تردید، در بیان داستان آنان عبرتی برای صاحبان خرد است. داستان‌های قرآنی سخنی به افترا نیست، بلکه تصدیق‌کننده است. همه آن چه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و بیان گر هر چیزی و هدایت‌گر و رحمت‌آور برای گروهی که ایمان می‌آورند.»

تاریخ، سرشار از وجود کسانی است که بار خطایی به دوش گرفته‌اند و در مسیر ناصواب پیش رفته‌اند. تأمل در آثار به‌جای‌مانده از گذشتگان، ما را متقاعد می‌کند که برای کناره گرفتن از هر خطایی لازم نیست حتماً خود به تجربه بنشینیم و کیفر ببینیم بلکه می‌توان از نتایج اقدامات پیشینیان، عواقب امور را پیش‌بینی کرد.

- استفاده از شیوه نمایشی

«نمایش، به عنوان یک وسیله بیانی، یک سلسله حرکات به هم پیوسته‌ای است که دارای مفهوم و پیامی خاص باشد و از طریق آن با مخاطبان و تماشاگران ارتباط برقرار شود. پس، نمایش، عملی است گویا و حرکاتی است ناطق، و بیشتر از جنبه «سمعی-بصری» برخوردار است و به همین دلیل، هم‌گیرایی خاصی دارد و هم‌تأثیرگذاری افزون‌تر و نیز ارشاد غیر مستقیم به مفاهیم مورد نظر می‌تواند داشته باشد.

در تئاتر، روی حرکت و رفتار و نوع سخن و کیفیت کلام و نحوه تئاتر حتی نگاه و صدا، دقت به کار می‌رود و این به خاطر تأثیری است که «چگونگی» هر عمل و حرکت و کلام روی بیننده می‌گذارد.

گاهی برای تفهیم یک موضوع و القای یک ایده، مؤثرترین راه، «نمایش» است و ایجاد صحنه‌ای که آن محتوا به عینیت بنشیند. در قرآن کریم نیز از این گونه تمثیل‌ها و نمایش‌ها و بیان قصه‌های عبرت‌آموز، فراوان یاد شده است.

خمیر مایه نمایش، در قالب بیان غیر مستقیم، یا باید تربیتی و آموزشی باشد یا به تفکر وادارد و یا بینش و بصیرتی بدهد، حتی در نمایش‌های کمدی نیز باید دارای «پیام» باشد. البته آن چه محتوای سیاسی و اجتماعی، یا تربیتی و اخلاقی دارد، یا به شکل بازآفرینی حوادث تاریخی و یا در قالب طنز و کمدی است یا از جنبه آموزشی و علمی برخوردار است، هر یک اسلوبی کاملاً متفاوت با دیگری دارد و با زبان خاص خویش است و سمبل‌های هم فرق دارد. باید دید تماشاچی پس از انجام نمایش، بیشتر تحت تأثیر صحنه‌های عجیب و

غریب آن است یا محتوای مورد نظر؟ هر چند که تأثیر گذاری باید بیشتر غیر مستقیم و نامرئی باشد و حالت موعظه مستقیم به خود نگیرد، ولی نسبت به بازتاب یک نمایش در روح و رفتار بیننده نمی توان بی تفاوت بود و در ملاک یابی و ارزش گذاری به حساب نیاورد.

جهت گیری و سمت دهی نمایش را در مجموع باید سنجید و نسبت به صحت بازده و سلامت تأثیرش اطمینان داشت و به دقت نظر خواهی کرد. چه بسا تماشا کنندگان یک نمایش برداشتی کاملاً مغایر هدف و پیام نویسنده و کارگردان داشته باشند.

درباره زبان نمایش هم باید توجه داشت که وقتی هدف نمایش، القا و انتقال یک پیام و اثر گذاری باشد، باید از زبانی برخوردار باشد که ویژگی وضوح و تبیین را داشته باشد، نه گیج کننده و مبهم و سمبل های دور از ذهن و فضای نا آشنا و بیگانه با فرهنگ مردم که مخاطب آند. برای قشرهای مختلف، نمایش های مختلف لازم است، متناسب با درک و زمینه مخاطبان. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱، ص ۲۰۷)

در این روش اعضای خانواده یا اعضای کلاس، موضوع منکر یا معروف را به صورت نمایش نامه تهیه کرده و آن را با همکاری فرزندان و یا هم کلاسی ها اجرا می کنند و از این طریق نتایج اجرا و عدم اجرای معروف یا منکر را به فرزندان و یا دانش آموزان متذکر می شوند.

«به عنوان مثال دانش آموز در حالی که ترش رو و عصبانی به نظر می رسد، پتویی را جمع می کند و با خود می گوید: اعصابم خرد و خمیر شده. دیشب دوباره میهمان آمده، میهمان برای من یعنی بالا. سپس روی پتو می نشیند و می گوید: چه می دانم؛ شاید پاهایش نجس بوده، مرطوب بوده، به پتو هم سرایت کرده. پس حالا پتوی ما را هم آلوده و نجس کرده است. باید بروم و آن را بشویم. دانش آموز در حالی که نارضایتی از سرو رویش می بارد، پتو را زیر شیر آب می گیرد و سه بار می شوید و فشار می دهد. سپس می گوید نمی دانم حالا پاک شده یا نه؟

در این نمایش دو اشکال هست: یکی این که با احتمال نجس شدن، نمی توان به نجاست پتو حکم کرد. دوم این که بر فرض هم که نجس شده باشد، با یک بار شستن و فشردن پاک می شود.» البته در پایان نمایش والدین یا مربیان شایسته است درباره موضوع توضیح ارائه کنند.

-شعروادبیات

بخش عظیمی از هنر، سوای آن چه به معماری و نقاشی، طراحی و خط، مجسمه سازی و صنایع دستی، فیلم و نمایش و ... مربوط می شود، در ارتباط با «قلم» و «بیان» است. آن ارزش های متعالی که در محتوای هنر مکتبی وجود دارد مثل بعد معنوی، کمال، هدف داری خلقت، مشیت الهی، ارتباط با خدا، شهادت طلبی، ایثار، ایمان، زیبایی معنوی و ... توسط قلم و بیان که شاخه ای از هنر است طرح می گردد و از طریق شعر، داستان، فیلم نامه، نمایش نامه، سناریو، تألیف و ترجمه و طنز و روزنامه نگاری، «بیان» می شود.

وقتی بنا شد که با استفاده از شیوه های هنری، در جهت انتقال یک فکر و احساس یا مکتب و ایدئولوژی کار کرد، و ایمانی را جوشاند و اندیشه ای را جهت داد، اینجا قلم و نوشته، نقش اول را به عهده دارد. اما در این رابطه توجه به این نکته لازم است که اگر به صحت و حقانیت ایده، به عنوان تنها تکیه گاه نفوذ و تأثیر، اعتماد شود، گاهی جاذبه های دیگری هم هست که آن را در اذهان عادی و ضعیف، تحت الشعاع قرار می دهد. باید در کار نویسندگی و اثر قلمی، زبان هنری و جنبه ادبی نیرومند و مؤثری هم باشد تا بر تأثیر «حق» بیفزاید. اگر کلام خداوند این همه مؤثر است، جدا از اصلتش، و این که کلام خدا و وحی آسمانی است، از نظر بیان و القاء، زیبایی و ظرافت هایی دارد که در هیچ کلام بشری یافت نمی شود و تاکنون هم، بشر از آوردن نمونه هایی چون قرآن عاجز بوده است.

یکی از مهم ترین ابزارها در رساندن پیام، شعر است زیرا شعر است که تخیل نیرومند ذهنی لازم دارد و در شعر، شناخت ابعاد مختلف کلمات، ظرفیت و برد و کشش و عمق و وسعت واژه ها از نظر مفهومی، ضروری است. در شعر شناخت و به کار بردن عنصر «وزن» حتمی است. رعایت اصول و قواعد شعری مثل قافیه و ردیف و اوزان عروضی مهم است. در شعر بیشترین حرف ها را در کمترین عبارات باید بیان کرد. باید کم گفت و گزیده گفت چون در کلاهی یک خلاقیت عجیب و آفرینش و ابداع و ابتکار، در شعر است که در بیان معمولی و کتاب نگاری و قصه نویسی نیست یا به مراتب کمتر است. این ها است که به شعر، بعد هنری می بخشد و آن را از حساسیت «شکل» و «محتوا» تا حد زیادی برخوردار می سازد.

در شعر، باید اصول شعری و قواعد ادبی رعایت شود، تا سخن علاوه بر موزون و آهنگین بودن، از صلابت و استحکام و ظرافت و صحت و درستی نیز برخوردار باشد. شعر ناپخته و نا استوار، اگر چه عده ای کم سواد و بی اطلاع و غیر متخصص را هم مجذوب کند ولی پیش

آنان که سخن شناس و نکته‌سنج و باریک‌بین‌اند، ارزشی نخواهد داشت و به صورت فرزندی ناقص‌الخلقه و معیوب جلوه خواهد کرد.

شاعر باید از طریق مطالعه آثار ادبی گذشته، آگاهی وسیع بر فرهنگ یک زبان، کار بی وقفه و پی‌گیر در زمینه کار خود، عرضه اثر خود به استادان و بزرگان، جهت نقد و تکمیل، به زبان شعر خود قوت و استحکام بخشد. (محدثی، ۱۵۱، ۱۳۷۲)

- فیلم

قهرمان جویی یا قهرمان پرستی یکی از جلوه‌های روانی است که در سرشت اولیه بشر نهاده شده است. بشر همواره در پی گمشده‌ای است که آن را جستجو می‌کند، «قهرمان پرستی را اصولاً یکی از تجلیات اصیل روانی انسان دانسته‌اند که در فطرت و نهاد انسان حضوری بارز دارد.» (ماسن، ۱۸۸، ۱۳۹۲)

قهرمان، انسانی است ممتاز که در نظر جستجوگر و انتخاب‌گر خویش، از صفات ویژه یک انسان متعالی، دوست داشتنی و شایسته تقلید و پیروی، بهره دارد. امتیاز، ویژگی، کمال، بایستگی و شایستگی قهرمان، ممکن است در یک جهت یا در جهات گوناگون باشد. الگو در جوامع مختلف، عامل مهمی در صلاح و فساد جامعه محسوب می‌شود. مؤمنان همواره انبیا را تجسمی کامل از مکتب یافته‌اند. علاوه بر این، از گفتارشان درس آموخته‌اند، آنها را قهرمان صحنه‌های مختلف می‌دانسته‌اند و به آنان تأسی می‌جسته‌اند. با نگاهی گذرا به قرآن، به اسوه‌های متعددی بر می‌خوریم. حضرت یوسف علیه السلام اسوه ایستادگی در برابر شهوت است. حضرت ابراهیم علیه السلام قهرمان توحید است. حضرت نوح علیه السلام نمونه و الگوی مقاومت و پایداری است. حضرت یعقوب علیه السلام اسوه صبر و تحمل، حضرت اسماعیل علیه السلام الگوی ایثار و حضرت خاتم علیه السلام اسوه حسنه و مقتدای همه است. این روش، یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیت و تبلیغ است.

«عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین وسیله تربیت، تربیت کردن با یک نمونه عملی و سرمشق زنده است. الگوبه مردم عرضه می‌شود تا هر کس به اندازه ظرفیت و استعدادش، از آن شعله فروزان نور برگیرد. اسلام، سرمشق دادن را بزرگترین وسیله تربیت می‌داند.» (قطب، ۱۳۸۹، ۲۵۱)

یکی از ابزارهایی که می‌تواند به مربیان و والدین کمک کند تا در آموزش مفاهیم و آموزه‌های دینی موفق باشند ارائه الگوهای موفق از طریق فیلم‌های آموزشی، سینمایی،

سریال‌ها، مستند زندگی بزرگان و کلیپ‌های آموزنده می‌باشد. فیلم و نمایش چون مبتنی بر مشاهده و دیدن است، می‌تواند نقش زیادی در آرایه‌الگوهای سازنده به کودکان و نوجوانان داشته باشد. چشم و گوش از سایر حواس، نقش مهم‌تری در یادگیری ایفا می‌کنند. سه درصد اطلاعاتی که ما از جهان پیرامون خود به دست می‌آوریم از راه حس بویایی، ۳ درصد از راه ذائقه، ۶ درصد از راه لامسه، ۱۳ درصد از راه شنوایی و ۷۵ درصد بقیه از راه حس بینایی است.

آن چه یک دیدن‌کننده ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

(مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۱۹۹۴)

در این مورد رعایت چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- انتخاب الگو باید با آگاهی صورت بگیرد نه از روی احساسات، یا غفلت و بدون تفکر.
- الگو باید دارای کمال واقعی (ارزشی و دینی) باشد تا در اثر پیروی از او به سعادت دنیوی و اخروی آسیب و ضرری نرسد.

روش محبت

یکی از ابزارهایی که می‌تواند ما را در هدایت کودکان به سوی آموزه‌های دینی در فرزندان به یاری کند محبت کردن است. محبت یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی فرد تربیت شونده عمیق و پایدار می‌باشد. در این مدت والدین می‌توانند منویات تربیتی خود را به افراد القا کنند و تغییر رفتار را در آنان مشاهده نمایند.

از محبت سرکه‌ها زرین شود

از محبت تلخ‌ها شیرین شود

از محبت دردها شافی شود

از محبت دُردها صافی شود

ز محبت شاه بنده می‌کنند

از محبت مرده زنده می‌کنند

(مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۱۵۲۹ تا ۱۵۳۱)

در دین اسلام، محبت به عنوان اساس و رکن در جذب و هدایت انسان‌ها به شمار می‌رود. ادیان الهی بر پایه محبت به دل‌ها رسوخ کرده و راسخ مانده‌اند یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های پیامبر اکرم ﷺ استفاده از این روش بوده است. زیرا با این روش هم جاذبه در افراد ایجاد می‌کردند و هم انگیزه آنها را افزایش می‌داند و اگر پیامبر اکرم ﷺ این روش را پی نمی‌گرفت، آن همه اعراب بادیه نشین به دورش جمع نمی‌شدند تا از بادیه نشینی و بربریت به تربیت و فرهنگ دینی پناه آورند. حضرت علی علیه السلام درباره اهمیت و تأثیر این روش می‌فرماید: «دوستی ورزیدن نیمی از خرد است.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲) و در جای دیگری می‌فرماید: «دوستی ورزیدن پیوند با مردم را فراهم می‌آورد.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱) در واقع نیروی

محبت از نظر تربیتی، نیرویی عظیم و کارساز است و بهترین تربیت آن است که بدین روش تحقق یابد، زیرا محبت با فطرت و سرشت آدمی سازگاری زیادی دارد و پذیرش آنها از ناحیه درون و بدون هیچگونه تحمیلی است. ضرورت و اهمیت به کارگیری روش محبت از این روست که محبت اطاعت آوراست و سبب همسانی و همراهی فرزند با والدین و مربی می شود. از علی علیه السلام نقل شده است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره روش و سنت آن حضرت پرسیدم، فرمود: «والحب اساسی»؛ محبت بنیاد و اساس (روش و سنت) من است. (الشفای بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۱۸۷)

چگونه محبت باعث علاقه کودکان به انجام رفتارهای دینی می شود؟

میان محبت و اطاعت رابطه ای بسیار قوی وجود دارد. با ظهور محبت هم‌نگی و اطاعت پیدا می شود. محبت هر کسی که در دل آدمی بنشیند مطیع و پیرو او می شود و از خواست او سرپیچی نمی کند. انسان اسیر محبت و محکوم آن است، تا جایی که گفته اند: «الانسان عبد الاحسان» (غرر الحکم، حدیث ۸۷۷۱) احسان و اظهار دوستی، می تواند بشر را تا سرحد بندگی به پیش ببرد و البته این نتیجه طبیعی محبت ورزی نسبت به انسانی است که فطرت بشری خویش را از دست نداده باشد.

اگر والدین و مربیان بین کودکان و نوجوانان رابطه توأم با مهر و محبت برقرار کنند بین خود و کودک یک حوزه عاطفی ایجاد خواهند کرد که به واسطه آن توجه کودک جلب می شود. وقتی توجه کودک جلب شد، پاسخ های مثبتی در برابر دستورات و راهنمایی ها از خود نشان می دهد و در صورت دوام این محبت و راهنمایی ها و پاسخ های مثبت، آموزه های دینی در کودک و نوجوان به صورت ارزش در می آید و در او نهادینه می شود.

سعدی معتقد است تأثیر محبت و مهرورزی و احسان، معجزه اساسی است. به گونه ای که علاوه بر انسان، حیوانات را هم تحت تأثیر قرار می دهد. او در این باره می گوید:

<p>به تگ اندر پی اش گوسفندی روان که می آرد اندر پی ات گوسفند چپ و راست پوییدن آغاز کرد که جو خورده بود از کف مرد و خوید مرادید و گفت ای خداوند رأی که احسان کمندیست در گردش نیارد همی حمله بر پیلان (۱۰)</p>	<p>به ره در یکی پیشم آمد جوان بدو گفتم که این ریسمانست و بند سبک طوق و زنجیر از او باز کرد هنوز از پی اش تازیان می دوید چو باز آمد از عیش و شادی به جای نه این ریسمان می برد با منش به لطفی که دیدست پیل دمان</p>
--	---

به وجود آوردن احساسات عاطفی و اخلاقی یکی از اصول مهم و اصلی است که باید بین کودک و پدر و مادر، یا بزرگسال به وجود آید؛ زیرا هر کدام به نوبه خود نقش مهمی را در سازندگی شخصیت کودک دارند و اگر این اصول بر پایه درستی در محیط خانواده استوار نباشد، بدون تردید ناهنجاری در رفتار و اخلاق کودک به وجود می آید. (ژان پیازه، ۱۳۶۹، ص ۱۱۹) ژان ژاک روسو در کتاب امیل در این باره می گوید: کودک دارای شخصیت مستقلی است، او نباید به طور آشکار و جابرانه تحت فرمان قرار گیرد. پدر و مادر باید با او مانند دوست و موافق باشند و یا لاقبل نباید بدانند که تحت فرمان قرار گرفته است و بایستی فرمان او را بپذیرد، فرزندان نباید فکر کنند که پدران و مادران به آنان دستور می دهند، فرمان اگر دوستانه باشد، کودکان با والدین شان دوست می شوند.

در واقع محبت نیاز مستمر و همیشگی کودک است و همواره باید کودک را با محبت کردن همراه خود کرد. بر این اساس می توان گفت که نگرش مثبت فرزندان نسبت به مذهب و امور دینی ریشه در مهرورزی و محبت والدین دارد. آنان می توانند با ایجاد فضایی آکنده از مهر و محبت، تجربه خوشایندی در ذهن کودک ایجاد نمایند و بین امور دینی و ذهن کودک ارتباط قوی برقرار نمایند.

البته محبت شرایطی دارد که عبارت است از:

- ۱- محبت به کودک باید راستین باشد.
- ۲- محبت را باید از دل و زبان آورد تا فرزند آنرا با تمام وجود لمس کند. ممکن است پدری

و مادری فرزند خود را در دل دوست داشته باشند اما اظهار نظر نکنند این نوع محبت تأثیر چندانی ندارد.

۳- محبت به فرزندان باید یکسان باشد.

۴- محبت نباید مانع امر و نهی گردد.

۵- محبت به کودک باید معقول و به اندازه صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با معارف و ارزش‌های دینی و مذهبی یکی از اصول مهم در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می‌شود و روز به روز با توسعه زندگی اجتماعی؛ علمی و سیاسی ضرورت آن بیشتر احساس می‌شود. بنابراین یکی از محورهای مهم و اصلی تربیت باید عمق بخشیدن به آموزه‌های دینی در کودکان و نوجوانان باشد، زیرا در این صورت است که فرزندان از هر نوع آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند. بسیاری از شرارت‌های افراد ناشی از نداشتن تربیت دینی و اخلاقی می‌باشد و تعلیم آموزه‌های دینی به کودکان و نوجوانان باعث می‌شود آنان در برابر این انحرافات مقاومت بیشتری داشته باشند.

تربیت دینی فرزندان را باید از کودکی آغاز کرد. زیرا روح آنان در این زمان انعطاف پذیری قابل توجهی دارد و هر چه انسان بزرگتر می‌شود از این انعطاف کاسته می‌شود. با توجه به اینکه کودک در این دوران از حساسیت‌ها و لطافت‌های خاصی برخوردار است، باید از بهترین شیوه‌ها بهره‌گرفت تا نتایج مفید و مؤثر حاصل شود. یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت تشویق کارهای خوب کودکان و نوجوانان است. تشویق راهی مناسب در ایجاد انگیزش به سوی کارهای مثبت می‌باشد. تشویق در روح آنان اثر می‌گذارد و آنها را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می‌کند. یکی دیگر از شیوه‌ها روش الگویی است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و تحت تأثیر مشاهده از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می‌کند. روش محبت یکی از عوامل بسیار مهم در جذب افراد می‌باشد که اثر آن بر روی فرد تربیت‌شونده عمیق و درازمدت می‌باشد. در این مدت مربی می‌تواند منویات تربیتی خود را به کودک القا کند و تغییر رفتار را در کودک مشاهده کند. داشتن بصیرت و آگاهی نسبت به انجام یک کار، دوام و قوام آن عمل را بیشتر خواهد کرد بنابراین روش بصیرت بخشی، روش مؤثری برای نهادینه کردن ارزش‌ها در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. با روش قصه‌گویی نیز می‌توانیم در اعماق روح کودک نفوذ کنیم و با بیان قصه‌های آموزنده و جذاب کودکان را با شخصیت‌های قصه همانند سازیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آشتیانی، محمدرضا، گنجینه آداب اسلامی، قم، انتشارات زهیر، ۱۳۸۴.
۴. احمدی، احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.
۵. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۹.
۶. بهشتی محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات سمت، ج ۲، ۱۳۷۹.
۷. پیازه، ژان، پیرهانری سیمون، ترجمه عنایت الله شکیباپور، روان شناسی کودک و اصول تربیتی جوانان، تهران، کتاب فروشی نیما، ۱۳۹۶.
۸. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات نماز و خانواده، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ج ۱ و ۲، ۱۳۸۶.
۹. حسینی زاده، علی، (زیر نظر علی رضا اعرافی)، سیره تربیتی پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه، ج ۲، ۱۳۸۳.
۱۰. خادمی، عین الله، بررسی عوامل مؤثر بر درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان، تهران، انتشارات اداره کل آموزش و پرورش، ۱۳۷۹.
۱۱. دفتر تحقیقات و برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، اخلاق و تربیت اسلامی، انتشارات چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۹.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشار دریا، ۱۳۸۲.
۱۳. شرفی، محمدرضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی ره، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، بیتا.
۱۴. شعبانی، حسن، مهارت های آموزشی و پرورشی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
۱۵. عطاران، محمد، آرای مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، تهران، وزارت آموزش و پرورش. دفتر امور کمک آموزشی و کتابخانه ها، ۱۳۶۸.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بیتا.

۱۷. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.
۱۸. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، انتشارات مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.
۱۹. مولوی، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲.
۲۰. نوری طبرسی، حسین، المستدرک الوسایل و مستنبط المسایل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.



تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه: با تأکید بر نقش محوری مسجد

جواد آقامحمدی^۱

چکیده

مسجد، سنگری است که در آن دل های مؤمنین به یکدیگر نزدیک تر و عزم آنان در دفاع از حریم مکتب، همه روزه به نمایش گذاشته می شود. در این سنگر الهی، هم سنگران، خویشان را برای مبارزه با نفس آماده می سازند و در زلال بندگی، روح خویشان را تطهیر می کنند.

هدف از پژوهش حاضر تدوین و تبیین عوامل ارتباطی مسجد و مدرسه با تأکید بر نقش محوری مسجد می باشد. نوع پژوهش براساس اهداف تعیین شده و سوالات تحقیق، کیفی است و در این رهگذر و با توجه به تحقیقات و مطالعات صورت گرفته، سه هدف و سه سوال اساسی و بنیادین مطرح و با استفاده از روش تحلیلی-استنادی و با بررسی متون دینی و آموزه های اسلامی و با استناد به آیات شریفه قرآن کریم و منابع معتبر و نتایج مطالعات پیشین، عوامل کلیدی موفقیت اثربخشی مساجد استخراج گردید. بر اساس مطالعات پیشین، آسیب های موجود در مدارس شناسایی و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت راهکارهای عملی و کاربردی در جهت حضور امام جماعت مسجد همجوار در مدرسه و حضور دانش آموزان در مسجد همجوار مطرح و ارائه گردید.

واژگان کلیدی: مسجد، مدرسه، اثربخشی مساجد، آسیب شناسی وضعیت مدارس، امام جماعت مدرسه.

مقدمه و کلیات

عملکرد بهینه و متعالی مسجد، نقشی شگرف در حفظ و ارتقای جایگاه دین در سطح جوامع اسلامی دارد. در سند چشم اندازی که برای مساجد کشور در ۲۰ سال آینده ترسیم شده: مسجد نهادی است فعال، اثرگذار، مسئولیت پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی، برخوردار از روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی، با بهره مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه های فرهنگی، اجرایی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی بر اساس تعالیم عالی اسلام و اندیشه های گوهر بار امام خمینی ره و رهنمودهای مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در جهت تربیت و هویت اسلامی انقلابی، وحدت ملی، الهام بخش، مؤثر برای جهان معاصر، به ویژه کشورهای اسلامی. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۸)

نقش کلیدی مسجد در شکل گیری و پیشرفت جامعه اسلامی در صدر اسلام، امری غیر قابل انکار است. به گواهی تاریخ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اولین اقدام برای پایه گذاری حکومت اسلامی در مدینه، به ساخت مسجد همت گماشتند. مسجد به عنوان مهم ترین پایگاه و مرکز گردهمایی مسلمانان در طول تاریخ، افزون بر کارکرد عبادی، کارکردهای دیگری نظیر کارکرد آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی نیز داشته است. این امر نشان از جایگاه و اهمیت والای این مکان مقدس در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی دارد. می توان تأکیدات قرآن، احادیث و روایات در مورد مسجد را نیز از همین منظر نگریست. ساخت و آبادانی مسجد بارها مورد تأیید دین قرار گرفته و نتایج و آثار رفت و آمد به مسجد نیز در کلام رهبران و پیشوایان به دفعات تکرار شده است.

مسجد هویتی بس عظیم و اصالتی به غایت برجسته دارد؛ زیرا تنظیم کننده تمامی شئون و امور مسلمانان است. در این تفکر، مسجد از حصار مادی یک بنا و مکان خارج شده و در اندیشه دارای نشانگاهی معنوی برای بیعت و میثاق هر لحظه می شود. مسجد مدینه در صدر اسلام نیز نه تنها محلی برای ادای فریضه نماز، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت های اجتماعی مسلمانان بود. گردهمایی ها برای اتخاذ تصمیمات بزرگ همگی در مسجد برگزار و نتایج آن در همان جا به اطلاع مردم می رسید. بنابراین، در دین مبین اسلام کارکردهای متعددی برای مساجد ذکر شده و شرایط متعددی برای زیبایی، آراستگی و پاکیزگی آن ها در نظر گرفته شده است که غفلت از آن ها ما را از اهداف عالی مساجد دور می سازد. (زنجیرچی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸) بنابراین عدم توجه به هریک از این موارد و موارد دیگر، خود آسیب های جدی را به همراه خواهد داشت، و اتفاقاً در محیط مدارس هم، همان گونه که اشاره خواهد شد از معضلات و آسیب های جدی که باعث عدم گرایش دانش آموزان به مسجد و نماز و نمازخانه های مدارس می شود همان آراستگی، پاکیزگی و زیبایی ظاهری و در کنار آن ها موارد دیگری خواهد بود که به بحث گذاشته خواهد شد.

از سوی دیگر، ضرورت تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی پارسا، کارآمد، توانا و متخلق به اخلاق اسلامی و دینی به مثابه یکی از شاخص های توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و بدون شک نیروی انسانی فعال و متعهد و با اخلاق و صفات عالیه رکن اصلی توسعه به شمار می آید. در رابطه با نقش و جایگاه نیروی انسانی فعال و متعهد در فرآیند توسعه ذکر این نکته کافی است که این قشر می تواند منشأ تحول در جوامع باشد، به خصوص اگر این قشر در دوران جوانی با مسجد و فرهنگ والا و غنی دینی مبین اسلام عجین شده و با این رویکرد دینی تربیت شده و شوند. دوران نوجوانی و جوانی، دوران بسیار مهمی در آموزش و تثبیت اعتقادات دینی فرد می باشد، از این رو دوران بسیار حساس و قابل توجهی است که اگر این فرصت از دست برود، دیگر امکان بازیابی آن وجود ندارد و بر همین اساس است که فرهنگ اسلام، جوان و نوجوان را در جایگاهی ارزشمند قرار داده و تعابیر والایی در شأن او آورده است که در این رابطه می توان به حدیث شریف نبوی اشاره کرد که می فرماید: «ما بعث الله عزوجل نبیا الا وهوشاب ولا اوقی عالم علما الا وهوشاب.» (جانی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۱) مدرسه به عنوان مرکز فراگیری می تواند به کنترل و درمان نابسامانی های دانش آموزان بپردازد. پژوهش ها نشان می دهند مدارس می توانند نماز را جدی گرفته اند، اضطراب ها

و ناهنجاری‌ها، ضد ارزش‌ها و مشکلات اخلاقی کمتری را شاهد و ناظر بوده‌اند. (نصر و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۶۵) بنابراین بر عموم و خصوصاً دست اندر کاران و مسئولین واجب است که با اقدامات مناسب و شایسته و بهره‌گیری از امکانات و توانایی‌های موجود و رفع برخی از معضلات و آسیب‌ها، پیوند محکمی بین مدرسه و مسجد برقرار نمایند، تا از این طریق بر تأمین سلامت آینده جامعه گامی مهم بردارند. تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مهم و تأثیرگذار پیوند بین مسجد و مدرسه و با تأکید ویژه بر نقش محوری مسجد به تبیین و تدوین برخی از عوامل مهم و اثرگذار می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت مسأله

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده؛ و سجده، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداوند است. در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال، مسجد است. بنابراین، در قرآن بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است: «وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا.»^۱ مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است: «واقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین.»^۲ مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است: «سبحان الذی اسرى بعیده لیلان المسجد الحرام الی المسجد الاقصی.»^۳ یکی از نقش‌های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت پر حضور و خالصانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال به معنای واقعی کلمه انس بگیرند. مسجد به عنوان یک مرکز اجتماعی، از طرق مختلف اجتماعی، سیاسی و آموزشی به مراجعان خود خدمت می‌کند. مسجد به دلیل در دسترس بودن، محل مناسبی برای برگزاری مراسم گوناگون اجتماعی و مذهبی مسلمانان شد. از همان اوایل، مسجد علاوه بر محل تجمع مسلمانان، محل امور سیاسی آنان نیز بود. خواست رسول اکرم ﷺ از ساختن مسجد هر چه بوده باشد، با پیشرفت اسلام، مسجد اهمیت بیش تری یافت و مرکز سیاسی و مذهبی جامعه جدید شد. در مسجد، مؤمنان برای عبادت به دور پیامبر ﷺ گرد می‌آمدند. ایشان سخنان خود

۱. سوره مبارکه جن، آیه شریفه ۱۸.

۲. سوره مبارکه حج، آیه شریفه ۴.

۳. سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۱.

را که شامل تسلیم شدن در برابر اراده خداوند و اصول مربوط به زندگی اجتماعی بود، بیان می کردند؛ امور مذهبی و سیاسی مسلمان به وسیله مسجد اداره می شد. مساجد، نهادهای اساسی آموزش در زمینه های: قرآن، احکام و اخلاق، و علومی هم چون: کلام و فقه بوده اند. در پیوند با همین نقش آموزشی، بتدریج مساجد عهده دار کتابخانه های عظیم و پر رونقی شدند که در برخی از شهرهای ایران امروز نیز وجود دارد. مساجد محل پرورش استادان بزرگی بودند که بعدها، خود از علما و مدرسان بنام اسلام و مسلمین شدند. مسجد در گذشته، همان نقشی را داشت، که دانشگاه ها و مراکز علمی آکادمیک کنونی دارند. بزرگان و علما حیات علمی خود را در رواق های مساجد سپری می کردند، و آن گاه که بهره کافی کسب می کردند حلقه های درس تشکیل می دادند. از این رو، می توان گفت که مساجد مسلمانان در هیچ دوره ای، از حلقه درس علما و طلاب خالی نبوده و نخواهد بود. (ضرابی، ۱۳۸۱، ص ۴۶)

بی شک یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه های آموزشی، تربیتی و فرهنگی وجود مساجد بود. علی رغم اینکه مساجد معمولاً در منظر عام به عنوان یکی از اصلی ترین کانون های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی قلمداد می شود، اما از تأثیر شگرف این مکان های عبادی در توسعه آموزش و فرهنگ نمی توان به راحتی گذشت. تا زمانی که مدارس به طور رسمی در دنیای اسلام موجودیت نیافته بود بار امور علمی و آموزشی به دوش مساجد بود. از همان اوایل، آموزش و تعلیم با مسجد مرتبط بود و مدارس در حقیقت از مساجد انشعب یافته بود، چرا که تعلیم و تربیت در دهه های اول تاریخ اسلام معمولاً در ارتباط با فرامین دینی بود و مسلمانان نیازمند آشنایی با معانی و مفاهیم مذهبی بودند و طبعاً برای فراگیری و آموزش راهی مساجد می شدند. بر طبق منابع و متون تاریخی، نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مساجد و محور این آموزش و پرورش، قرآن کریم بوده است. به نوشته استاد جلال الدین همایی در ابتدا مرکز تعلیم و محل درس مسلمانان مساجد بود. حوزه ها و حلقه های درس در جوامع و مساجد تشکیل می شد. احياناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که تعدادی از آنها کتابخانه های عظیم نیز داشتند. (ریاحی، ۱۳۸۹، ص ۱۳) با این اوصاف و احوال و دهها موارد مهم دیگر، می طلبید که در تحقیقاتی کاملاً علمی به بررسی و تبیین عوامل مؤثر در تعامل بین مسجد و مدرسه پرداخت و از این رهگذر راهکارهایی برای بهبود بخشی این امر مهم ارائه کرد، که تحقیق حاضر با هدف تدوین و تبیین عوامل مهم و تأثیر گذار در تعامل بین مسجد و مدرسه با تأکید ویژه بر

مسجد محوری در این راستا گام بر خواهد داشت.

هدف کلی تحقیق حاضر بررسی الگوی ارتباطی بین مسجد و مدرسه با تأکید بر نقش محوری اثربخشی مسجد خواهد بود و بر همین اساس، اهداف فرعی زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

* تعیین عوامل کلیدی موفقیت اثربخشی مساجد؛

* تعیین آسیب‌های موجود و احتمالی جذب و گرایش دانش‌آموزان به مسجد و نماز؛

* تعیین راهکارهای عملی حضور امام جماعت در مدارس و حضور دانش‌آموزان در مساجد.

با توجه به ماهیت موضوع مقاله و همچنین ساختار سؤالات تحقیق، روش پژوهش مورد استفاده، روش تحلیلی-استنادی خواهد بود، به این صورت که برای جواب هر یک از سؤالات بالا از متون علمی معتبر و نتایج تحقیقات مروری و پژوهشی و میدانی و از همه مهم‌تر از آیات، احادیث و روایات در جهت برجسته کردن مفاهیم و اصطلاحات استفاده شده است.

الف) ادبیات نظری

۱. مفهوم‌شناسی مسجد

مسجد واژه‌ای عربی از ریشه «س-ج-د» به معنای سجده گاه است، گرچه برخی آن را عربی شده واژه آرامی «مزگت» می‌دانند. سجده یکی از اجزای نماز است و شاید سجده گاه نامیدن مکان برگزاری نماز از باب مهم شمردن این جزء از نماز باشد. مسجد، در اصطلاح شرعی تعریف دقیق تری دارد: «المكان الموقوف علی كافة المسلمین للصلاة» یعنی مکانی که برای نماز گزاردن همه مسلمانان وقف شود. بر این اساس، سه ویژگی اصلی مسجد چنین است: موقوف بودن و در تملک فرد خاصی نبودن، ویژه عده خاصی نبودن و برای همه مسلمانان بودن، برای خواندن نماز استفاده کردن. (الویری، ۱۳۸۶، ص ۹۴) در فرهنگ دینی و قرآنی گاه از مسجد به عنوان «بیت الله» نیز یاد می‌شود. برای مثال از قرینه آیات زیر می‌توان به این مفهوم دست یافت: «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمہ یسیح له فیها بالعدو والاصال»^۱ و «ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ.»^۲ علامه طباطبایی نیز در کتاب شریف تفسیر المیزان می‌فرماید: «قدر مسلم از معنای بیوت همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خدا است و به همین منظور بنا شده و حتی خانه‌های پیامبران و ائمه اطهار نیز از مصادیق کلمه بیوت است.» (جانی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۵) قرآن کریم هم چنین کعبه را که برترین خانه خدا روی زمین است، خانه‌ای برای مردم به شمار آورده و می‌فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة.»^۳ بنابراین مسجد به معنی سجد و تعظیم بردن

۱. سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۳۶.

۲. سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۱۴.

۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۹۶.

در مقابل ذات اقدس الهی و در واقع جایگاه و محل عبادت و یاد خداوند متعال می باشد، که در سوره مبارکه جن به آن به طور صریح اشاره می فرماید.

۲. مسجد نهادی آموزشی

مسجد علاوه بر محل نیایش، ذکر، و عطا، خطابه و تجمع مؤمنان در ساعاتی خاص، از آغاز، محل ابلاغ احکام، دستورها و آموزه های دینی، و کاربرد آن ها در زندگی روزمره بوده است. مسلمانان هیچ گاه دین را به صورت پدیده شناخته نشدنی معرفی نکرده اند و نافی تلاش عقلی برای فهم تجربه و باورهای دینی نبوده اند. از این رو، مبنای آموزش و پرورش دینی را منکر نبودند، بلکه تلاش می کردند که با کمک عقل، با یکدیگر و پیروان دیگر ادیان ارتباط برقرار کنند. در برخی از فرقه ها و نحله های اسلامی این تلاش، پر رنگ تر و در برخی نحله ها کم رنگ تر است، اما هیچ نحله ای خود را در یک قفس نفوذناپذیر زندانی نکرده و از گفتگو با دیگران سرباز نزده است. پیامبر ﷺ در مسجد مدینه به تعلیم دین به اصحاب می پرداختند و به پرسش های آنان پاسخ می دادند. در تاریخ اسلامی نیز مطالعات متنوع و متکثر دینی، نشانگر اعتقاد به فهم پذیری و قابلیت انتقال مفاهیم در حوزه های گوناگون دینی بوده است. در آغاز، در جلساتی که در مساجد تشکیل می شد، افراد به ویژه کودکان به حفظ آیات و احادیث تشویق می شدند. اما اندک اندک، کار آموزش به فراتر از حفظ معلومات کشیده شد، و متناسب با نیازهای آموزشی، دانش مربوط هم، بسط و گسترش یافت. مکتب های آموزش قرآن و مدارس علوم معارف دینی، از دل این توسعه بیرون آمد و عمدتاً در کنار مساجد تأسیس شد. در برخی مناطق، این مدارس و مکتب خانه ها در دل مساجد تشکیل می شدند و زبان متون و نصوص (عربی) در جوامع، مانعی بر سر کار آموزش متون ایجاد نمی کرد.

پیش از شکل گیری مؤسسه ها و مراکز تحقیقاتی دینی در دنیای جدید و مدرن امروزی که عمدتاً به دانشگاه ها و نهادهای دولتی وابسته اند، کار تحقیق و مطالعه درباره باورها و رفتارهای دینی، در مساجد انجام می شد. در قرن های پر رونق تمدن اسلامی، جلسات مباحثه و گفتگو در مسجد صورت می گرفت. مسجد در تمدن اسلامی، جایی برای بررسی وجوه دینی امور بوده است؛ جایی که مردم در آن می توانستند حقایق، هنجارها و قواعد دینی را جستجو کنند و به معنایی کلی تر به هدایت دینی برسند. بنابراین، مساجد از آغاز

شکل‌گیری اسلام، به صورت مراکزی برای آموزش دینی عمل کرده‌اند. این آموزش، هم نقش تعلیمی (انتقال آگاهی‌ها و اطلاعات) و هم نقش تربیتی (ساختن شخصیت اخلاقی و اجتماعی فرد برای ورود به جامعه) داشت. (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۵۰) جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه رسول اکرم ﷺ به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا است؛ چنان که در روایت است که روزی رسول خدا ﷺ به مسجد وارد شدند، در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود گروهی در حال یاد دادن و فرا گرفتن دانش بودند و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند متعال مشغول بودند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «هر دو گروه به سوی نیکی گام برمی‌دارند؛ دسته‌ای خداوند متعال را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه (تعلیم و تعلم) کار برتری را انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده‌ام.» آن‌گاه رسول خدا ﷺ در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشستند. (سلیمانی، ۱۳۹۰، ص ۴۶) ناصر خسرو شاعر و نویسنده آزاده ایرانی در توصیف مسجد مصر به صورت تلویحی به نقش آموزشی مساجد اشاره می‌کند. آن‌جا که می‌گوید؛ در میان بازار مسجدی است که آن را باب الجوامع گویند و مدام در آن مدرسان و مقربان نشسته‌اند و سیاحت‌گاه آن شهر بزرگ، آن مسجد است و هرگز نباشد که در آن کمتر از پنج هزار خلق باشد. چه از طلاب علوم دینی و چه از غریبان و چه از کاتبانی که چک و قبالة می‌نویسند و غیر آن. (علی محمدی، ۱۳۹۱، ص ۳۸) پس با این وضعیت بین مدرسه و مسجد همیشه پیوند و ارتباط عمیقی برقرار بوده است و قبل از تشکیل و شکل‌گیری مدارس امروزی، آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در مساجد داده می‌شد. همان‌گونه که اشاره گردید در ابتدا فقط آموزش‌های دینی و عقیدتی داده می‌شد اما به مرور زمان آموزش‌های کلی در همه زمینه‌ها و متناسب با شرایط و احوال آن دوره در مساجد داده می‌شد، و به همین دلیل است که مساجد ما در طول زمان هیچ‌گاه تک‌بعدی نبوده و نخواهد بود.

۳. مسجد نهادی تربیتی

وجه تربیتی مسجد معمولاً در پیوند با وجه آموزشی مورد توجه قرار گرفته و هنوز مطالعاتی مستقل و مستوفی درباره آن صورت نگرفته است. گرچه نمی‌توان این پیوند و نیز پیوند مباحث تربیتی را با وجه عبادی مسجد نادیده گرفت، تردیدی نیست که به هر حال مقوله تربیت مقوله‌ای متفاوت با آموزش و عبادت است. مسجد کانونی برای رشد اخلاق فردی و

اجتماعی آحاد جامعه اسلامی و آشنا شدن آن‌ها با فضایل و رداییل اخلاقی و راه‌های منجلی شدن به فضایل و دوری جستن از رداییل است. (الویری، ۱۳۸۶، ص ۹۷) علاوه بر این و با توجه به ویژگی‌های نماز گزاران حقیقی، این افراد تربیت شده مسجد بوده و الگوهای تربیت دینی به شمار می‌روند و در هدایت به باورها و اعمال دینی در مورد دیگران مؤثر هستند. (منشی زاده نایینی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۶) از جنبه‌های دیگری که در حقیقت به ابعای تربیتی مسجد بر می‌گردد، نقش مؤثری است که این کانون مقدس در پیوند دادن دلدادگان خود با انسان‌های صالح و برگزیده ایفا می‌کند مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مردم با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی انسان فراهم می‌کند. با این وضعیت، مسجد همانند مدرسه به رشد درونی و تعالی فرد در زمینه‌های اخلاقی بسیار توجه دارد و چه بسا مسجد در این بعد به مراتب سخت‌گیرانه‌تر و وسواس‌تر از مدرسه عمل نماید.

۴. مسجد نهادی فرهنگی

پس از نقش عبادی، آموزشی و تربیتی، نقش فرهنگی در بین دیگر نقش‌ها و کارکردهای مسجد، دارای بیش‌ترین اهمیت می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ محیط مسجد را کاملاً فرهنگی می‌دانستند، تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان برخی مسابقات برگزار می‌شد و حضرت ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل از چنین مسایلی استقبال می‌کردند. گرچه امروز مراکز آموزشی و فرهنگی گسترش یافته است؛ اما نباید از این کارکرد مهم مسجد و بارور نمودن فرهنگی آن غافل شد. برگزاری جلسات شبی با قرآن، مسابقات کتاب‌خوانی و غیره از جمله برنامه‌هایی هستند که می‌توان با حمایت مسئولین منطقه به اجرا درآورد. (فجری، ۱۳۸۸، ص ۷۰) رسول اکرم ﷺ پس از فتح مکه بر ضرورت کارهای فرهنگی بسیار تأکید داشتند و پس از رحلت آن حضرت نیز، فعالیت‌های فرهنگی مسجد ادامه یافت و پایگاهی برای نشر معارف اسلامی گردید. به نظر می‌رسد که این نقش در حال حاضر و با توجه به هجمه‌های سنگین دشمنان داخلی و خارجی اسلام بسیار پر رنگ و حیاتی می‌باشد.

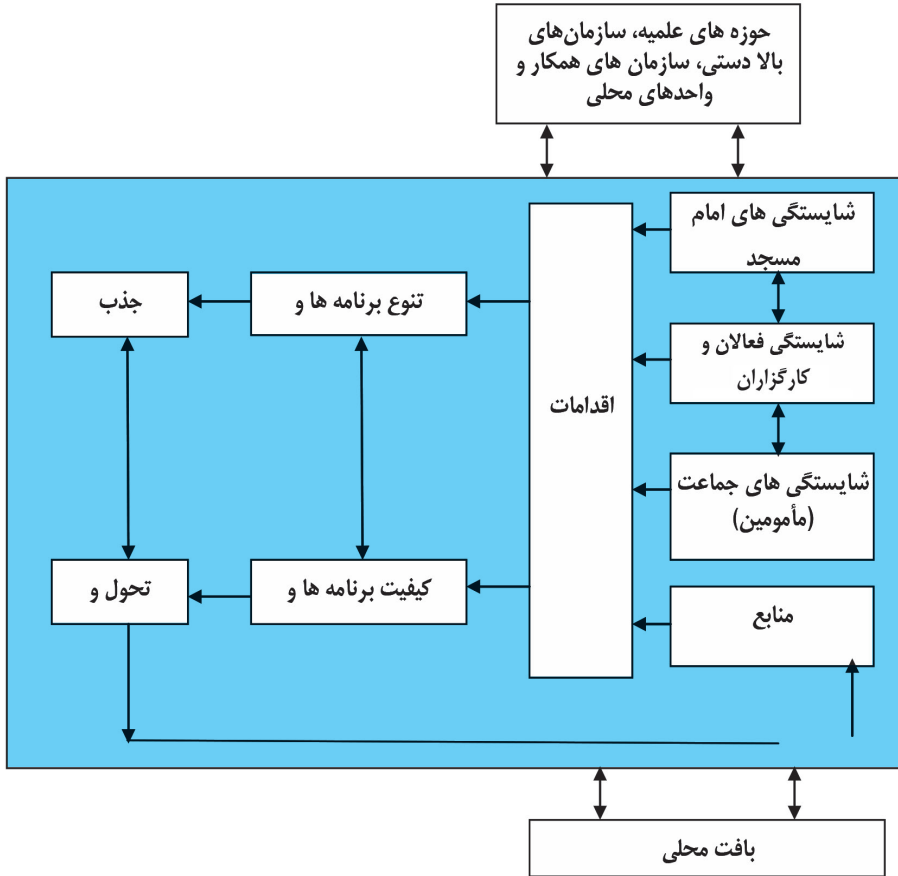
ب) عوامل کلیدی موفقیت اثربخشی مساجد

در طول تاریخ، جایگاه مسجد فراز و فرودهای فراوانی داشته است. نقطه اوج اثربخشی مسجد در جنبش‌های مذهبی و سیاسی تاریخ اسلام نمایان است؛ جنبش‌های مانند جنبش مختار، جنبش زیدبن علی و جنبش صاحب‌فخ از مسجد آغاز شده است. در قرون جدید و با پیشگامی روشنفکران و اصلاح‌گران اسلامی، مسجد پایگاهی مهم برای آغاز و هدایت جنبش‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. به نظر می‌رسد به رغم جایگاه برجسته مسجد در آموزه‌های دین و نیز در تحولات تاریخی جوامع اسلامی، در عصر کنونی با ظهور فزاینده فناوری‌های گوناگون اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش نفوذ این فناوری‌ها در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی، و نیز شکل‌گیری و گسترش نهادهای فرهنگی موازی و رقیب، تا حدودی جایگاه کانونی نهاد مقدسی مسجد، دستخوش تغییراتی شده است. امروزه در ایران اسلامی، مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه نشر دین، از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست. عدم اهتمام به ظرفیت‌های مسجد برای پیشرفت و عدم بهره‌گیری اقشار جامعه از ظرفیت‌های ارتباطی و اجتماعی مسجد، به عنوان اصیل‌ترین شبکه ارتباطی و زمینه‌ساز پیوند و اعتماد اجتماعی، سبب تنزل جایگاه و اهمیت این نهاد مقدس دینی در جامعه شده است. (کرم‌الهی و کاشانی زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۲)

عباسی و دیگران (۱۳۹۱)، در پژوهشی میدانی با عنوان «تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد» به تبیین و تدوین مدل اثربخشی مسجد با استفاده از نظر خبرگان و متخصصان پرداخته و طراحی آن را متناسب با تأسیس مسجد بر اساس تقوا و اخلاص مبتنی بر آیه شریفه ۱۰۸ سوره مبارکه توبه می‌داند. آن‌ها با این عبارت شروع می‌کنند که، پرستش و

عبادت، هدف مسجد است؛ همان گونه که قرآن کریم می فرماید: «وان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا» مساجد از آن خداوند متعال هستند پس باید احدی جز او را نپرستید. هم چنین تقوا اساس مسجد و نماز گزار است. همان گونه که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: «المسجد اساس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه رجال یحبون ان یتطهروا والله یحب المطهرین»^۱ آن مسجدی که از روز نخست بر اساس تقوا بنا شده شایسته تر است در آن به نماز قیام کنی، چه این که در آن کسانی هستند که دوست دارند پاک و منزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. بدون شک هر مسجد در جامعه اسلامی، یک سازمان منسجم معنوی است که دارای مأموریت، اهداف، کارکرد، تشکیلات و سیستم های مخصوص به خود است. تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی، تجاری یا اقتصادی نیست، بلکه مسجد سازمان الهی - مردمی است که رسالت هدایتی، معنوی، آموزشی، تربیتی و تبلیغی دارد که بار هبری معنوی و نفوذ کلمه و مدیریت امام جماعت و با حضور توده مردم و اقشار مختلف آن سازمان دهی می شود. ورودی های این سیستم (مسجد) اقشار مختلف مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان هستند که باید با فرایند تعلیم و تربیت اسلامی به انسان های شایسته، توانا، فرهیخته و مؤمن تبدیل شوند. عامل اصلی پذیرش مسئولیت و حضور نماز گزاران در یک مسجد، انسجام، نظم و اجرای دقیق رهنمودهای امام جماعت، شخصیت علمی، اخلاقی و معنوی امام جماعت و قداست مکان و در یک کلام انگیزه های معنوی است. بر اساس یافته های تحقیق آن ها، شخصیت علمی و معنوی امام جماعت مسجد بیش ترین تأثیر و اهمیت را در بین مؤلفه های کلیدی اثربخشی مسجد دارا می باشد.

« باز خورد (یادگیری و رشد)
 «نمودار شماره ۱: الگوی مدیریت اثربخشی مساجد»



برای یافتن عوامل کلیدی موفقیت اثربخشی مساجد، بر اساس مطالعات کتابخانه ای و بر مبنای نظری (نظریه ها، مدل ها، رویکردها و چارچوب ها) و مطالعه پیشینه پژوهش ها تعداد ۳۰ گویه استخراج گردید و این گویه ها در ۴ شاخصه کلی به شرح ذیل تدوین شد.

۱. شرایط و امکانات فیزیکی

تمییزی و بوی مطبوع فضای محیط داخلی مساجد، وجود وسایل گرمایشی و سرمایشی مناسب در فصول مختلف سال، وجود امکانات مناسب از جمله (ضبط صوت، رادیو، ویدئو پروژکشن)، وجود کتابخانه مناسب با تعداد کتاب های مختلف و متنوع (مذهبی و غیر مذهبی)، وجود تعداد کافی میز و صندلی برای برگزاری مراسمات مختلف، دارا بودن محل مناسب جهت مطالعه (سالن مطالعه)، وجود فرش و سجاده های تمییزی و رنگاو رنگ، وجود کفش کنی مناسب، داشتن مساحت کافی برای نماز گزاران در فصول مختلف (مخصوصاً ماه مبارک رمضان)، معماری زیبای بیرونی مسجد، فضای داخلی مسجد، نزدیک بودن به محیط و فضاهای آموزشی، محل استقرار مسجد در محل های خاص.

۲. مسئولان و متولیان امور مساجد

وجود روحانی در مساجد، میزان آمادگی علمی روحانی مسجد در مواقع مختلف (سخنرانی ها و پاسخگویی به سوالات)، وجود خادم یا خادمین خوش برخورد، داشتن هیئت امنای فعال و معتمد، تشویق افراد و مخصوصاً سنین پایین نماز گزاران در جمع و در صورت امکان با ذکر نام، خوشنامی و متعهد بودن روحانی.

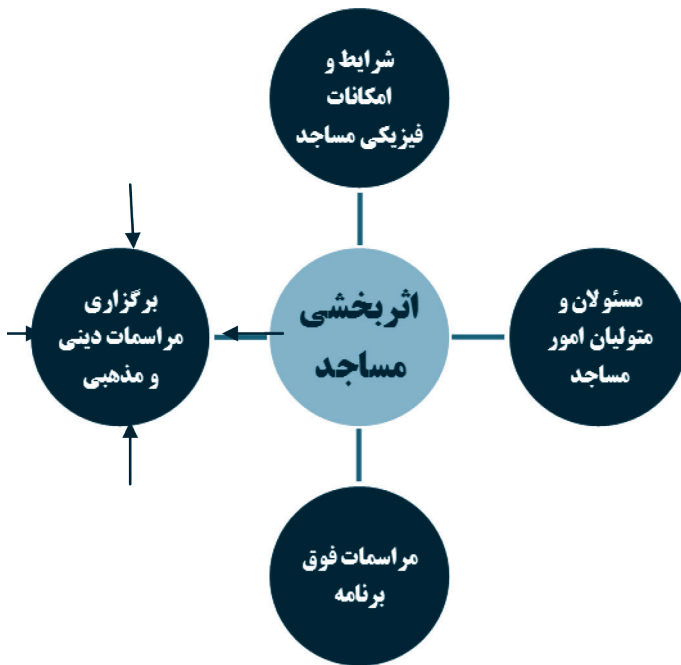
۳. برگزاری مراسمات و امور دینی و مذهبی در مساجد

برگزاری کلاس های مختلف (احکام و مسائل شرعی) در فصول مختلف سال، وجود جلسات پرسش و پاسخ، برگزاری مراسمات مختلف در مساجد (سوگواری و جشن های مذهبی)، برگزاری دوره های تلاوت و تفسیر قرآن کریم.

۴. مراسمات فوق برنامه

فراهم آوردن امکان برگزاری کلاس های کمک آموزشی در مساجد، نمایش فیلم های مفید و به روز و مذهبی و دینی در مساجد، برگزاری نمایشگاه، دعوت از چهره های شناخته شده و محبوب برای ارائه سخنرانی در مساجد در موضوعات مختلف، همکاری با دستگاه تعلیم و تربیت مخصوصاً مدارس جهت تعامل بیشتر، برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان با حضور دانش آموزان در مساجد به جای مدرسه.

نمودار شماره ۲: مدل ساده اثربخشی مساجد بر اساس یافته‌های تحقیق و مطالعات صورت گرفته



ج) آسیب شناسی وضعیت موجود در مدارس (گرایش و عدم گرایش دانش آموزان به نماز و مساجد)

در بیشتر نظرسنجی های انجام یافته در داخل کشور، ضعف مدیریت مسجد، دلیل اصلی گرایش نداشتن مردم و مخصوصاً جوانان و نوجوانان به مساجد عنوان شده است. ضعف آگاهی کادر اجرایی مساجد نسبت به شیوه های صحیح مدیریت و برنامه ریزی و چگونگی تعامل با جماعت مسجد از گروه های سنی مختلف، مخصوصاً سنین کودکی و نوجوانی، باعث کم رونقی مساجد و خالی شدن آن ها از طیف سنین پایین (کودکی و نوجوانی) شده است و حتی بعضی از آنها به نماز خانه های بسیار کوچکی تبدیل شده اند.

در تأیید این مدعا به بخش هایی از نتایج طرح تهیه شناسنامه اماکن مذهبی کشور اشاره می شود:

- مسجدهایی که سه نوبت نماز را اقامه می کنند حدود ۶ درصد از کل مساجد کشور را تشکیل می دهند.

- بسیاری از مساجد از جهت بهداشتی و نظافت ظاهری جاذبه ای برای کودکان و نوجوانان و جوانان ندارند.

- خادمان و هیئت های امنادر غالب مساجد کشور نه تنها جاذبه ای برای جوانان ندارند، بلکه خود مانع فعالیت ها و کانون های فرهنگی آنان هستند و بیشتر مساجد کشور تنها در موقع نماز باز بوده و نقشی در اجتماع و حل معضلات فرهنگی و اجتماعی ندارند. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۹)

بر اساس آیه شریفه «فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله»؛ انسان فطرتاً موجودی

خدا جو است و کنج کاوی از ویژگی های برجسته او به حساب می آید. از جمله سوالاتی که انسان همواره در جست و جوی پاسخی برای آن بوده، این است که چرا او باید به عبادت خدا می پردازد. آثار و شواهد تاریخی موجود نشان می دهد که بشر در زمان ها و مکان های مختلف با شیوه های گوناگون خدا را عبادت کرده است و البته دلائل و مدارک زیادی در این خصوص وجود دارد. به عنوان نمونه ساموئل کوئینگ جامعه شناس معروف معتقد است: «اساساً در جهان طایفه یا جامعه ای بدون نیایش، معتقدات و آداب و رسوم وجود ندارد. ما نتوانستیم از لایه های اوراق، تاریخ، لوحه ها و بقایای آثار تاریخی، بشر را از قید مذهب و نیایش و پرستش آزاد ببینیم.» (مرادی و موسی پور، ۱۳۹۲، ص ۲۷) خداوند متعال در قرآن کریم، درمان تمام نگرانی ها و اضطراب ها را یاد و ذکر خداوند معرفی می کند و آرامش دهنده قلب ها را توجه به خدا و یاد او می داند. آنجا که می فرماید: «الا بذكر الله تطمئن القلوب»؛ بدانید و آگاه باشید که یاد خدا و ذکر او آرامش دهنده دل ها است.

به تعبیر رهبری نظام، نماز و نیایش، ارتباط صمیمانه ای است میان انسان و خدا، آفریده و آفریدگار، تسلی بخش و آرامش گر دل های مضطرب و خسته و به ستوه آمده، مایه صفای باطن و روشنی بخش روان است، برنامه ای است برای باز یافتن و آن گاه ساختن خویش. (خامنه ای، ۱۳۷۴، ص ۷) نماز، تقدیم حمد و سپاس به درگاه خالق منان و کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان؛ یعنی کمال جویی است. نماز فرصتی برای طراوت بخشیدن روح و پلی برای نیل به اوج کمال مطلق و زینت بخش شخصیت و منش مؤمنان است. نماز یکی از اساسی ترین ارکان حیات، تمدن، فرهنگ، زندگی و تحرک جوامع انسانی است. (آقامحمدی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۷۹) با این اوصاف، نماز انسان را از پلیدی ها و زشتی ها دور نگه می دارد و در ضمن آرامش دهنده روح و روان و به تبع آن سلامت جسمانی را به دنبال خواهد داشت. همان گونه که تحقیقات بی شماری بر این مدعا صحه گذاشته اند.

ترکیب آسیب شناسی از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و در اصل به معنای علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی است و در اصطلاح علوم طبیعی به معنای مطالعه و شناخت عوامل بی نظمی ها در ارگانیسم انسانی جهت درمان بیماری های جسمانی است. برگر و لوکمان این اصطلاح را در حوزه مسائل اجتماعی به معنای وضعیت غیر متعارف و انحرافی که به اصلاح نیاز دارد، به کار برده اند. آسیب شناسی اجتماعی به شناخت علل و

عوامل، نشانه‌ها و علایم آسیب‌پذیری انسان در جامعه و زندگی اجتماعی، اعم از تربیتی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره می‌پردازد. در حوزه آسیب‌شناسی دینی نیز به معنای شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی است که بر دین و دینداری و غیره وارد شده یا ممکن است وارد شود. (چراغ چشم، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶)

از نظر اجتماعی سرمایه‌های واقعی هر جامعه‌ای نیروهای نوجوان و جوانی هستند که آینده جامعه را می‌سازند و مشی آینده جامعه را ترسیم می‌کنند. به خصوص در کشور ما که درصد بالایی از جمعیت کشور در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند، این سرمایه از ارزش و اعتبار بیش‌تری در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار می‌باشد. هم‌چنین از نظر فردی مرحله بسیار مهمی از رشد و تکامل انسان و شخصیت او در دوره نوجوانی و جوانی خواهد بود. این دوره با ارزش‌ترین و پرنرژی‌ترین دوران حیات انسانی است و تحولات کیفی و کمی فراوانی از نظر جسمی و روانی در این دوره به وقوع می‌پیوندد که شخصیت انسان و آینده حیات او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (نگارش و دامن پاک مقدم، ۱۳۸۸، ص ۳۸) از این رو چگونگی پرورش نسل جدید یکی از مهم‌ترین اصولی است که پیشرفت یک کشور بدان وابسته است. سرمایه‌گذاری برای تربیت سالم و دینی دانش‌آموزان یک جامعه در واقع سرمایه‌گذاری زیربنایی در جامعه است. زیرا همین نسل است که حاصل اصلی فرهنگ و تمدن جامعه بوده و پیشرفت در جنبه‌های گوناگون یک جامعه وابسته به آنان می‌باشد. بی‌تردید مدارس سهم‌انکارناپذیری در تعلیم و تربیت امروز جامعه و آینده آن دارند. (بخصوص تعلیم و تربیت دینی)، در این مکان علاوه بر تعلیم مطالب درسی، دینی و اخلاقی، مهارت‌های مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی نیز به دانش‌آموزان آموخته می‌شود. (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۴۶۵) اما متأسفانه نتایج برخی پژوهش‌ها که در جامعه دانش‌آموزان انجام گرفته، نشان داده است که شناخت نوجوانان و جوانان از دین بسیار سطحی و ابتدایی است و پژوهش‌ها در شناسایی علل ناموفق بودن نظام آموزش و پرورش در تربیت دینی؛ روش‌های سطحی و غیرکارآمد را مطرح کرده‌اند که نه تنها نتیجه مطلوب نداشته است و دانش‌آموزان مادینی نشده‌اند، بلکه گاهی فاصله‌ها بیشتر شده و نتیجه معکوس به بار آورده است. بر همین اساس یکی از موضوعاتی که نگارنده به بررسی و توصیف آن می‌پردازد همین آسیب‌هایی است که در درون مدارس وجود دارد و با استفاده از تحقیقات و مطالعات پیشین، آسیب‌ها و ضعف‌ها شناسایی و ارائه خواهند گردید.

کرم الهی و کاشانی زاده (۱۳۹۱) در تحقیقی پژوهشی با عنوان «تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی وضعیت مسجد در ایران» با استفاده از مصاحبه با ۲۳ نفر از استادان دانشگاه و حوزه و صاحب نظران و پژوهش گران حوزه مطالعات مسجد، با دیدی آسیب شناسانه به مسئله نگر بسته است. نتایج یافته های آن ها نشان می دهد که مسائل و آسیب های مربوط به نهاد مسجد در سه حوزه کلی قرار می گیرند: ۱. حوزه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ ۲. عناصر، سازمان ها و نهادهای مرتبط و دخیل در اداره مسجد؛ ۳. نهادها و سازمان های مذهبی و فرهنگی موازی با مسجد. این سه حوزه در بردارنده تمامی مسائل پیرامون مسجد است. بر اساس الگوی مفهومی پیشنهادی آن ها، بسیاری از آسیب ها، علل بروز، پیامدها، و راه کارهای رفع آن ها در این سه حوزه قرار می گیرند.

جدول شماره ۱: الگوی مفهومی آسیب شناسی مسجد در ایران

مدیریت کلان		حوزه مسایل فرهنگی		حوزه های مختلف مسجد	مسائل پیرامون مسجد
		حوزه مسایل اجتماعی			
		حوزه مسایل سیاسی			
		حوزه مسایل اقتصادی			
مدیریت مسجد	مدیریت خرد مسجد	بعد شناختی	امام جماعت	اجزا و عناصر دخیل در اداره مسجد	
		بعد کنشی			
		بعد شناختی	هیئت امنا		
		بعد کنشی			
		بعد شناختی	خادم		
		بعد کنشی			
	مخاطبان مسجد				
	فضای فیزیکی و ساختمان مسجد				
	مدیریت کلان مسجد	نهادهای و سازمان های متولی امور مسجد		سازمان ها و نهادهای متولی	
		نهادهای متولی امور فرهنگی			
تعامل و یا تقابل		حسینیه و اماکن مذهبی		سازمان ها و نهادهای موازی	
		فرهنگ سرا			
		رسانه			
		نمازخانه			
		مجتمع فرهنگی			
		مصلی			

با این اوصاف و با توجه به بررسی ها و مطالعات صورت گرفته در این زمینه، نگارنده مقاله حاضر آسیب های موجود در مدارس را این گونه نام می برد.

۱. عدم وجود روحانی بودن امام جماعت مدارس: در تحقیقات بی شماری به نقش تعیین کننده امام جماعت در گرایش و عدم گرایش به مسائل دینی اشاره گردیده است. تربیت الگویی، یکی از بهترین شیوه های تربیتی است. روحانی بودن امام جماعت که بیشتر از دیگران به احکام دینی و الهی پایبندند، به عنوان الگوی تربیتی به شمار می آیند. (گلستانی شیشوان، ۱۳۹۲، ص ۳۲) ذوالفقاری و خلجی (۱۳۹۰) در تحقیقی میدانی که بر روی دانشجویان

صورت دادند، نشان دادند که روحانی بودن امام جماعت در دانشگاه تأثیر بسزایی در شرکت دانشجویان در نماز جماعت داشته است. بنابراین وجود روحانی در مدارس به این مسئله کمک شایانی خواهد کرد و عدم وجود روحانی می تواند آسیب بسیار جدی برای مدارس باشد. چرا که بعضاً مشاهده شده است، مدارس می که از وجود امام جماعت روحانی سود می برند میزان حضور دانش آموزان آن ها در نماز و مساجد بسیار بیشتر از مدارس هستند که از وجود روحانی در مدارس خود بی بهره اند.

۲. دبیران و عوامل اجرایی مدارس: در این زمینه دهها تحقیق میدانی صورت گرفته است و همه آن ها نشان می دهند که دبیران مخصوصاً مربیان تربیتی و دبیران درس دینی و قرآن و معاونین و مدیران نقش بسیار اساسی و تعیین کننده در جذب و یا عدم جذب دانش آموزان به مسجد و نمازخانه بازی می کنند. که در این زمینه می توان به نتایج تحقیقات میدانی سواری و همکاران (۱۳۸۰) اشاره کرد که نقش دبیران و عوامل اجرایی مدارس را بسیار پررنگ می بیند. ۳. عوامل فردی و روان شناختی: بر اساس یافته های تحقیقات میدانی و مطالعات صورت گرفته در این زمینه مشخص گردیده است که نقش عوامل فردی و روان شناختی فرد تأثیر به سزایی در گرایش و یا عدم گرایش افراد به مسائل دینی و عقیدتی دارند. عواملی از جمله: امیدواری به زندگی، داشتن اعتماد به نفس، ورزش جسمی و روانی، دوری از گناهان.

۴. محتوای کتب آموزشی: متأسفانه در این زمینه تحقیقات زیادی به چشم نمی خورد اما آن چه که مسلم است، این است که محتوای کتب درسی چه به صورت متن و چه به صورت تصویر مخصوصاً در دوران ابتدایی نقش بسیار مهمی در این زمینه خواهد داشت. داشتن تصاویری زیبا و جذاب از مساجد در این مورد آموزنده است اما متأسفانه در کتب درسی ما کمتر از این تصاویر دیده می شود.

۵. امکانات فیزیکی نمازخانه های مدارس: اگر مدارس ما به نمازخانه های زیبا و جذاب مجهز باشند قطعاً و یقیناً دانش آموزان بیشتر به مساجد محلات روی خواهند آورد و تحقیقات پژوهشی میدانی هم این مدعا را اثبات کرده است. می توان به تمیزی و بوی خوش محیط داخلی، وسایل سرمایشی و گرمایشی، فضای روحانی، محل مناسب و بهداشت سرویس های بهداشتی و غیره اشاره کرد.

۶. همسالان و دوستان: بنا به گفته ژان پیاژه^۱ روان شناس معروف سوئیسی کودکان بیش تر از همسالان خود یاد می گیرند تا از دیگران گرچه دیگران هم در این زمینه نقش دارند. در تحقیقات مختلفی به واضح نشان داده شده است که نقش همسالان و دوستان در گرایش و عدم گرایش افراد مخصوصاً کودکان و نوجوانان در مسایل دینی بسیار تعیین کننده می باشد. به گفته بندورا^۲ روان شناسی معروف اجتماعی، افراد بسیاری از کارها و فعالیت ها و اعمال را از طریق الگو برداری و یا مشاهدات مستقیم انجام می دهند بنابراین نقش همسالان به عنوان الگو در این زمینه بسیار حائز اهمیت است.

۱. Jean Piaget.

۲. Albert Bandura.

د) راهکارهای حضور امام جماعت مسجد در مدرسه و یا حضور دانش آموزان در مسجد همجوار

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الآخره عذاب عظیم»^۱ کیست ستم کارتر از منع کننده از یاد خدا در مساجد الهی و تلاش گر ویرانی آن ها. آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آنها در آیند؛ در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است. خداوند متعال با این آیه شریفه قداست و عظمت مسجد را به خوبی برای مؤمنان روش فرموده است. با نگاهی به نقش مساجد از صدر اسلام تاکنون خواهیم دید که مسجد در تمامی فعالیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی نقش کلیدی داشته و دارد. مساجد با قدرت معنوی خود همواره توانسته است نیروهای متدین، فعال و عالم را پرورش دهد تا در مواقع خاص و ضروری از دین و اسلام عزیز در برابر هجمه ها دفاع نمایند. حضور در مسجد، مزین توجه به خدا است؛ گرچه عبادت در هر زمانی و در هر مکانی می تواند نیاز روحی انسان را به طور نسبی فراهم کند، ولی در بعضی مکان ها این نیاز بسیار بهتر و زیباتر تأمین می شود و آنجا، جایی نیست جز مسجد. (علی محمدی، ۱۳۹۱، ص ۳۶) با این اوصاف و با تأکید بر نقش محوری مساجد در هدایت کودکان و نوجوانان و احساس خطر دشمنان اسلام از این ظرفیت بسیار عظیم، لازم است تا پیوند عمیقی بین مدارس، خانواده و مساجد برقرار گردد و بر همین اساس ضرورت برنامه ریزی مناسب از سوی مسئولان امری بسیار جدی می باشد. بر همین اساس چندین راهکار پیشنهاد می گردد.

۱. سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۱۴.

■ حضور دانش آموزان در مسجد همجوار هفته ای حداقل یک بار و بالعکس حضور امام جماعت مسجد همجوار حداقل هفته ای یک بار در مدرسه برای اقامه نماز جماعت؛

■ برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان با حضور کلیه دانش آموزان و اولیای آنان در مسجد همجوار؛

■ حضور و دعوت از امام جماعت مسجد همجوار در مدرسه به مناسبت های مختلف مذهبی و ملی و سخنرانی در جمع آن ها؛

■ دعوت از امام جماعت مسجد همجوار در جلسات شورای معلمان و دبیران و شورای مدرسه با محوریت نماز و مسجد؛

■ حضور معلمان و عوامل اجرایی مدرسه مخصوصاً مربیان تربیتی و معاونان و مدیران در مسجد و حضور تک تک آنان در نماز جماعت مدرسه می تواند سودمند باشد؛ چرا که اکثر تحقیقات میدانی صورت گرفته به این حضور مثبت صحنه گذاشته اند؛

■ تجلیل و تشویق دانش آموزان برتر و ممتاز درسی و اخلاقی در مساجد با حضور والدین و امام جماعت مسجد؛

■ ارتباط صمیمی امام جماعت مسجد و کودکان؛ چرا که امامان جماعت از مقبولیت فراوانی نزد افراد و به تبع آن نزد کودکان و نوجوانان برخوردارند و این امر مهم باعث جذب آنان به مسجد خواهد شد؛

■ ایجاد تشکل های مختلف مذهبی و علمی و تشکیل جلسات آنان در مساجد مخصوصاً زمانی که مدارس تعطیل است و امکان برگزاری آن در مدارس وجود ندارد. و ترغیب و تشویق آنان به دعوت از امامان جماعت در جمع دوستانه و علمی آنان؛

■ دادن مسئولیت های خرد و کوچک مساجد از جمله جمع آوری کمک های مردمی به کودکان و نوجوانان و تشویق آنان در جمع نمازگزاران؛ چرا که باین کار فرد خود را متعلق به مسجد می داند و مسجد را متعلق به خود؛

■ بر اساس یافته های تحقیق و مطالعات صورت گرفته یکی از عوامل اثر بخشی مساجد ایجاد کتابخانه و سالن مطالعه می باشد که این امر در جذب دانش آموزان به مسجد نقشی مهمی می تواند ایفا کند؛

■ امکانات فیزیکی مساجد، نقش فوق العاده مهمی در زمینه جذب دانش آموزان به مسجد ایفا می کنند، همان گونه که تحقیقات زیادی در این زمینه بر این مدعا صحه گذاشته اند که در متن به تعدادی از آن ها اشاره گردید؛

■ بر اساس نظریات معتبر روان شناسی مدارس می توانند با استفاده از آن ها حضور دانش آموزان را در مساجد تقویت نمایند. تعیین ارزش جایزه و هدیه براساس تعداد دفعات حضور دانش آموزان در مسجد یکی از آن موارد می باشد که در نظریات رفتار گرایان روی آن تأکید فراوانی می شود؛

■ بر اساس مطالعات صورت گرفته که در بالا به آن ها اشاره گردید نقش متولیان امور مساجد در جذب و عدم جذب افراد مخصوصاً کودکان و نوجوانان بسیار حائز اهمیت است. آن ها باید دارای اخلاق حسنه باشند تا خاطره ای زیبا در ذهن مراجعین ثبت و ضبط نمایند؛

■ تشکیل جلسات مختلف توسط هیئت امنای مساجد و دعوت رسمی از کودکان و نوجوانان برای شرکت در این گونه مجالس و تکریم آنان.

مسجد و مدرسه می توانند در عین مجزا بودن، نهادهای مکمل یکدیگر هم باشند، به گونه ای که اگر مدرسه محل تجلی ارزش های اسلامی و ملی باشد مسجد رونق پیدا می کند و اگر مساجد در جذب و گرایش دانش آموزان موفق عمل نماید به سلامت محیط مدرسه، پر رونقی خود مسجد، سلامت خانواده و جامعه منتهی خواهد شد. بنابراین لازم است تا مدارس و مساجد برنامه های مناسبی را طراحی و اجرا کنند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر همان گونه که پیشتر بیان گردید با هدف بررسی عوامل ارتباطی بین مسجد و مدرسه و با تأکید ویژه بر نقش محوری مسجد تدوین و تبیین یافته است. طبق تحقیقات و مطالعات صورت گرفته و از لابه لای آنها عوامل کلیدی اثربخشی مسجد شناسایی و در چهار بعد بسیار کلی با عناوین شرایط و امکانات فیزیکی مسجد، مسئولان و متولیان امور مسجد مخصوصاً امام جماعت، برگزاری مراسمات دینی و مذهبی و برگزاری مراسمات فوق برنامه که هر یک از آنها دارای شاخصه های مخصوص به خود می باشند دسته بندی گردیدند. در بین ابعاد چهار گانه نقش امام جماعت در اکثر تحقیقات بسیار پررنگ بوده است. بنابراین هر چه مساجد دارای اثربخشی بیش تری باشند به همان اندازه دارای کارایی درونی و بیرونی خواهند بود. داشتن سعه صدر و خلق و خوی مثبت متولیان امور مساجد و امکانات فیزیکی مساجد در اثربخشی و هم چنین گرایش افراد مخصوصاً دانش آموزان به مسجد بسیار تأثیر گذار خواهد بود که در این زمینه می توان به نتایج تحقیقات میدانی ذوالفقاری و خلجی (۱۳۹۰)، زنجیرچی و دیگران (۱۳۹۱)، مرادی و موسی پور (۱۳۹۲) و نصر و دیگران (۱۳۸۷) نیز اشاره کرد.

بخش دیگر تحقیق به آسیب شناسی موجود در مدارس می پردازد که پس از بررسی مطالعات صورت گرفته و از لابه لای تحقیقات پیشین و منابع دیگر تعدادی آسیب بیرون آورده شد که عبارتند از: عدم وجود روحانی بودن امام جماعت مدارس؛ یعنی مدرسی که از وجود روحانی به عنوان امام جماعت سود می برند بسیار موفق تر از مدارسی هستند که این امکان را در مدارس فراهم نکرده اند. دبیران و عوامل اجرایی مدارس، محتوای کتب آموزشی، دوستان و همسالان، امکانات فیزیکی و ظاهری و عوامل فردی و روان شناختی می توانند به عنوان آسیب های موجود در مدارس نام برد که تحقیقات محققان از جمله سواری و دیگران (۱۳۸۰)، زنجیرچی و دیگران (۱۳۹۱)، جوادی و سادی (۱۳۷۶) و عباسی و دیگران (۱۳۹۱) بر آن صحنه گذاشته اند.

بخش پایانی تحقیق به راهکارهای حضور امام جماعت مسجد در مدرسه و حضور دانش آموزان در مسجد همجوار پرداخته است که در این زمینه چندین راهکار عملی و کاربردی ارائه گردیده است. و عملیاتی نمودن هر یک از آنها به طور قطع و یقین می تواند در اثربخشی

مسجد و همچنین در کاهش آسیب‌ها در مدارس کمک شایانی نماید. همان‌گونه اشاره گردید مساجد و مدارس می‌توانند و باید به عنوان دو نهاد قدرتمند و مکمل هم عمل نمایند و در این زمینه لازم و ضروری است که برنامه‌هایی مناسبی را طراحی و اجرایی نمایند.

منابع:

- قرآن کریم.
۱. آقامحمدی، جواد و دیگران، بررسی نقش والدین در هدایت فرزندان به نماز جماعت و مسجد، نشریه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳۹ و ۴۰، ۱۳۸۹، صص ۸۷-۷۸.
 ۲. الویری، محسن، مسجد؛ ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، شماره ۳۱، ۱۳۸۶، صص ۱۰۹-۹۳.
 ۳. انصاری، طاهره، راهبردهای اساسی و روش های کارآمد در برنامه های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش آموزان، مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد دوم، تهران، انتشارات محراب قلم، ۱۳۸۲، صص ۴۸۳-۴۶۵.
 ۴. بشلیده، کیومرث و دیگران، بررسی عوامل مؤثر درون مدرسه ای جذب دانش آموزان مقطع متوسطه استان خوزستان به نماز، سال دهم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۲، صص ۹۰-۶۳.
 ۵. جانی پور، محمد، راهکارهای تقویت و رشد فضایل اخلاقی و معنوی در جامعه با تأکید بر نقش مساجد، نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۵۹ و ۶۰، ۱۳۹۰، صص ۳۰-۲۰.
 ۶. جوادی، محمدجعفر و سادی، علی، بررسی عوامل مدرسه ای تأثیرگذار بر رغبت دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی و پسران مقطع متوسطه به نماز، چکیده تازه های تحقیق در دانشگاه ها و مراکز علمی تحقیقی ایران، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶.
 ۷. چراغ چشم، عباس، آسیب شناسی تربیت دینی در مدارس، فصلنامه کتاب نقد، سال پانزدهم، شماره ۶۸، ۱۳۹۲، صص ۱۶۸-۱۵۵.
 ۸. خامنه ای، سید علی، از ژرفای نماز، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
 ۹. ذوالفقاری، علیرضا و خلجی، حسن رضا، بررسی عوامل مؤثر بر میزان حضور دانشجویان در نماز جماعت دانشگاه آزاد اسلامی واحد تویسرکان، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۱، پیاپی ۲۹، ۱۳۹۰، صص ۷۷-۶۲.
 ۱۰. ریاحی، محمد حسین، جایگاه و پایگاه مسجد، فصلنامه معارف اسلامی، سال بیست و نهم، شماره ۸۱، ۱۳۸۹، صص ۲۲-۱۲.
 ۱۱. زنجیرچی، سید محمود و دیگران، شناسایی و عارضه یابی ابعاد کارکردی نمازخانه های دانشگاهی با

- رویکرد فازی، مجله مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۱۷۰-۱۴۴.
۱۲. سلیمانی، فرشته و اسماعیلی، غلامرضا، نقش مساجد در افزایش آگاهی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خانواده ها، نشریه پیوند، شماره ۳۸۳، ۱۳۹۰، صص ۴۸-۴۳.
۱۳. سواری، کریم و دیگران، بررسی دیدگاه های فلسفی- عقیدتی دانش آموزان پسر پایه سوم مقطع متوسطه شهراهو از در مورد نماز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، سال هشتم، شماره ۲، ۱۳۸۰، صص ۱-۱۰.
۱۴. ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، مجله مسجد، سال یازدهم، شماره ۶۳، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۴۶.
۱۵. عباسی، رسول و دیگران، تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد، دوفصلنامه علمی- تخصصی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۵۹-۳۷.
۱۶. علوی، سیدحمید رضا، عوامل مرتبط با اقامه نماز در دانش آموزان دبیرستان ها و دانشجویان دانشگاه های شهر کرمان، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۳، ۱۳۸۵، صص ۱۷۴-۱۴۱.
۱۷. علی محمدی، مجید، نقش های چندگانه مساجد در تربیت جامعه اسلامی از دیدگاه امام، نشریه پیوند، شماره ۳۹۷، ۱۳۹۱، صص ۳۹-۳۶.
۱۸. فتحی، امین و نوری زاده، عزت، بررسی جایگاه نماز و نیایش در مهندسی فرهنگی، نشریه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۴۹ و ۵۰، ۱۳۸۹، صص ۳۵-۱۹.
۱۹. فجرى، محمد مهدى، آشنایی با کارکردهای مسجد، مبلغان، شماره ۱۲۰، ۱۳۸۸، صص ۷۹-۶۸.
۲۰. کرم الهی، نعمت الله و کاشانی زاده، امیرمسلم، تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی وضعیت مسجد در ایران، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، ۱۳۹۱، صص ۴۸-۳۱.
۲۱. گلستانی شیشوان، محمد علی، نقش مساجد در سلامت فرد و جامعه، نشریه پیوند، شماره ۴۰۷، ۱۳۹۲، صص ۳۵-۳۰.
۲۲. محمدی، علی، مسجد و تعلیم و تربیت، فصلنامه شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۳۸۹، صص ۵۵-۵۰.
۲۳. مرادی، خدیجه و موسی پور، نعمت الله، راه های توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در بین دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال دوازدهم، ۱۳۹۲، صص ۴۳-۲۶.
۲۴. منشی زاده نایینی، مسعود، مدیریت مسجد دانشگاه، کارکردها، چالش ها و راه کارها، هفدهمین اجلاس سراسری نماز، جلد اول، ۱۳۸۷.

۲۵. نصر، احمد رضا و دیگران، بررسی فراتحلیلی عوامل مؤثر بر جذب و شرکت دانش آموزان در نماز جماعت مدارس، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۷، صص ۸۶-۶۳.
۲۶. نگارش، حمید و دامن پاک مقدم، ناهید، آسیب شناسی تربیت اسلامی در مدارس راهنمایی استان قم و راه کارهای مدیریتی درمان آن، مجله مدیریت فرهنگی، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۸۸، صص ۵۹-۳۷.
۲۷. هوشیاری، محمد مهدی و دیگران، گونه شناسی مسجد- مدرسه در معماری اسلامی ایران، دو فصلنامه معماری ایران، شماره ۳، ۱۳۹۲، صص ۵۴-۳۷.



ورزشِ نوجوانان و جوانان در مساجد بایدها و نبایدها

محمود رضا قاسمی^۱

چکیده:

از روزی که خداوند بشر را خلق فرمود، نیاز به تربیت جسم قوی در او وجود داشته است. چه از جنبه دفاع شخصی و یا کسب معاش و چه از جهت مقابله و رویارویی با طبیعت. نیاز بشر به ورزش و تربیت بدنی در طول تاریخ همواره وجود داشته و هیچگاه انسان خود را از داشتن بدنی سالم و قوی بی‌نیاز ندیده است. از همین رو اسلام نیز به ورزش و انواع مفید و کاربردی آن توجه ویژه دارد، اما نگاه ورزشی اسلام به جنبه جسم خلاصه نمی‌شود و به ابعاد روحی انسان نیز می‌پردازد. مسجد نیز که در اسلام در جایگاه نخست پرورش روح انسانی قرار دارد، در صدر اسلام دارای کارکردهای بسیاری بوده است که امروزه آن کارکردها رنگ باخته است؛ اما چنانچه نخبگان ما به دنبال ایجاد تمدن اسلامی نوین باشند، می‌باید پیوند بین اقشار مختلف جامعه به خصوص جوانان را با مسجد پایه‌ریزی کنند؛ زیرا که مساجد مهم‌ترین پایگاه فرهنگی در مقابل سیل تهاجمات فرهنگی انحرافی است، از این رو ورزش که جذابیت خاصی برای جوان و نوجوان دارد، می‌تواند با رعایت چارچوب‌هایی در کنار مسجد به جذب آنان پرداخته و از طفیلی حضورشان در مسجد ضمن ورزیدن جسم به پرورش روح نیز پردازند، تا مسیر ساختن انسان‌های مؤمن و متعهد با ذهن و جسمی سالم برای ایجاد یک تمدن نوین اسلامی فراهم شود. در این مختصر به اهمیت تربیت بدنی برای نوجوان و جوان و اهمیت مسجد با توجه به آیات و روایات پرداخته، سپس به برکات برگزاری ورزش‌ها در محیط‌های پیرامون مساجد می‌پردازیم و در ادامه با توجه به نظرات حضرت امام رحمته‌الله و مقام معظم رهبری به بایدها و نبایدهای ورزش جوانان و نوجوانان در مساجد می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: مسجد، ورزش، جوان و نوجوان، بایدها، نبایدها.

الف) اهمیت تربیت بدنی از منظر وحی

امروزه تربیت بدنی یکی از اموری است که به عناوین مختلف در جهان مطرح شده و گروه زیادی به اشکال گوناگون با آن سر و کار دارند. اسلام برای سلامت انسان و نقش ورزش در ارتقاء سلامت، جایگاه ویژه‌ای قائل بوده و در قرآن کریم هم آیاتی وجود دارد که بر اهمیت ورزش و نیرومند سازی جسم در کنار تقویت روح و بعد علمی دلالت دارد. قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» هر آنچه در توان دارید از نیرو و سوار برای نبرد با آنها «کفار» آماده کنید. (انفال/۶۰) ورزش از جمله مسائلی است که در تمامی ادیان، جایگاه ویژه‌ای دارد و پیامبر اعظم ﷺ هم دربارهٔ حق بدن بر انسان می‌فرمایند: پروردگارت بر تو حقی دارد و بدنت بر تو حقی و خانواده‌ات نیز بر تو حقی دارد. (عطاردی، ۱۳۷۸) پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جای دیگر می‌فرمایند: «به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید.» (نهج الفصاحه، حدیث ۵۶۷) این حدیث بیانگر اهمیتی است که دین و رهبران دینی ما برای ورزش و سلامتی جسمی و روانی مسلمانان قائل هستند و بیانگر نکات بسیاری است، از جمله:

۱. خطاب به کلیهٔ مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان بیان شده است.
۲. همهٔ افراد، اعم از دختر و پسر را در بر می‌گیرد نه تنها پسران.
۳. ورزش باید جذاب، مفرح و شاد باشد.
۴. امکان رقابت بین افراد وجود داشته باشد.
۵. در مواقع لزوم از آنها برای دفاع کردن از خود استفاده کنند.
۶. ورزش باید هدفمند باشد و نه پوچ و بیهوده.

نقش تربیت بدنی در ارتقاء سلامت نوجوان و جوان بر هیچ کس پوشیده نبوده و ورزش

کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی می‌کند و افرادی که به روش صحیح ورزش کرده و یا دارای کارهای پرتحرک می‌باشند سالم‌تر بوده و عمرشان از افرادی که کارهای بدون تحرک دارند بیشتر است. اسلام نیز همواره انسان را به ورزش در زمینه‌های مختلف ترغیب نموده و به موازات تقویت جنبه‌های علمی و ایمانی به تقویت جسمانی هم توجه کرده است. به صورتی که در قرآن بارها کلمه «اشد» به معنای نیرومند شدن و «استوی» به معنای کمال خلقت و اعتدال بیان گردیده که گویا یک نحوه ارتباط بین سلامتی و نیرومندی جسمانی و یاد گرفتن حکمت و دانش وجود داشته و بیان نشده که هیچ‌یک از پیامبران و امامان ضعف بدنی داشته باشند؛ در قرآن کریم آیتی به این مطلب تصریح دارد: «هنگامی که موسی نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم.» (قصص/۱۴) به عبارت دیگر تربیت بدنی از منظر اسلام می‌تواند به تعمیق باورهای مذهبی بیانجامد، حضرت علی (علیه السلام) بارزترین نمونه یک ورزشکار در اسلام است که قدرت بدنی ایشان بی نظیر بوده است و ایشان جهت حفظ آمادگی جسمانی خود همواره به شمشیرزنی و اسب سواری می‌پرداختند. اسلام به فراگیری اسب سواری، شمشیرزنی، پرتاب نیزه، تیراندازی، شنا، و ورزش‌های رزمی توصیه نموده و حتی برگزاری مسابقات آنها که نظر به یادگیری حرفه‌ای آنها بوده را مورد تأکید قرار می‌دهد و در آیات و روایات و در رفتار و گفتار پیامبر و ائمه معصومین به کرات به آنها پرداخته شده است؛ لذا باید با تمسک به آنها و در جهت ارتقاء سطح سلامت جامعه نسبت به آن توصیه به ورزش همگانی انجام گیرد.

تربیت دینی و بدنی نسبت به یکدیگر می‌توانند نقش متقابل داشته باشند. تربیت بدنی نقش مستقیم در تربیت دینی دارد، و به صورت شرط لازم برای تربیت دینی ایفای نقش می‌کند و شرط کافی آن ملازم بودنش با ایمان الهی است و تربیت بدنی در اینجا نقش پشتیبانی دارد. حتی تکالیفی که جنبه معنوی محض دارد، مانند روزه، نماز و حج در گرو سلامتی بدن است و ورزش نقش مؤثر و تعیین کننده در تأمین سلامتی دارد؛ از این رو دارای مطلوبیت و ارزش خواهد بود. از سوی دیگر بسیاری از تکالیف اجتماعی مانند جهاد و دفاع و حمایت از محرومان و مستضعفان در شکل‌های گوناگون، احتیاج به نیروی بدنی دارد و کسانی که نیرومند باشند بهتر می‌توانند از عهده این گونه تکالیف برآیند و از این جهت تقریب بیشتری به خدای متعال پیدا می‌کنند. بنابراین ورزش از آن جهت که موجب نیرومندی بدن می‌شود و زمینه را برای انجام بهتر تکالیف فراهم می‌کند، مطلوب و ارزشمند است و از اینجاست که تأکید اسلام بر برخی از ورزش‌ها مشخص می‌شود.

ب) مسجد از منظر اسلام

۱. اهمیت بنای مساجد

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»، مسجدهای خدا را کسانی عمارت می کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند و نماز می گزارند و زکات می دهند و جز از خدا نمی ترسند. امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند. (توبه/۱۸) مسجد، پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنابراین، هم متولیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه هایش سازنده و تربیت کننده، هم بودجه اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و با خدا، و گرنه اگر سازندگان مساجد، جباران و سلاطین باشند و پیش نمازان، افرادی سواد و ترسو، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند. یکی از جنبه های آبادانی، رونق دادن به حضور جوانان در مسجد است، یکی از راه های جذب جوانان و نوجوانان توسعه کارکردهای مسجد بوده به این گونه که جوان حس نماید نیازهای مختلف روحی و جسمی خود را در کانون صفای الهی مسجد می یابد و از این منظر برگزاری کلاس های ورزشی در محیط پیرامونی مسجد می تواند این زمینه را فراهم نماید.

۲. اهمیت و نقش مسجد از منظر قرآن و روایات

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ: الْمُصْحَفُ وَالْمَسْجِدُ وَالْعِتْرَةُ» روز قیامت سه چیز برای شکایت از مردم به صحنه می آید: قرآن، مسجد و اهل بیت (مجلسی، ج ۷، ۲۲۲) یکی از شاکیان در قیامت، مسجد است. (مجلسی، ج ۷، ۲۲۲) در حدیث می خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: روز قیامت مسجد به درگاه خداوند از

مسلمانان شکایت می‌کند و می‌گوید: «یا رَبِّ عَظِّلُونِي وَصَيِّعُونِي» (وسائل الشیعه، ج ۳، ۴۸۴) خدایا! مرا تعطیل و حقم را ضایع کردند.

خدا می‌فرماید: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج/۴۰) و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد. خرابی مسجد یعنی: محو اتحاد و تشکّل، قطع رابطه با امام عادل، فراموشی فقرا، عدم آگاهی از اوضاع و غفلت از خدا و لذا اگر دشمن بتواند، اول این مراکز را نابود می‌کند. «لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ...» این آیه شریفه در باب اهمیت مسجد مباحثی را مطرح می‌کند.

۱-۲. مؤمنان، وسیله تحقق اراده الهی هستند. «دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» (دفاع از خداوند است ولی به دست مؤمنین)

۲-۲. آنچه مهم است، دفاع از حریم مساجد است، خواه با جنگ باشد و خواه با قلم و بیان و یا برنامه‌های دیگر. «دَفْعُ اللَّهِ...»

۲-۳. مهم‌ترین برنامه دشمن، نابودی مراکز دینی بیدار کننده است. «لَهَدِمَتْ» (معابد، نشانه حضور دین در جامعه است).

یاد خدا هدف اصلی و روح اعمال در مراکز دینی است. «يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ» مساجدی مورد ستایش قرآن است که در آنها از خداوند بسیار یاد شود و به حداقل اکتفاء نشود. «كَثِيرًا» (در هر مکانی که بیشتر یاد او شود، مقدس تر است). امداد و نصرت الهی، بعد از حرکت و تلاش ماست. «لِيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۸، ۵۰)

۳. کارکردهای معنوی مسجد در کلام معصوم

۳-۱. هم‌نشینی با ملائکه

پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ لِمَسَاجِدِ أَوْلَادَ الْمَلَائِكَةِ جُلَسَاؤُهُمْ إِذَا غَابُوا افْتَقَدُوهُمْ وَإِنْ مَرَّ صُوا عَادُوهُمْ وَإِنْ كَانُوا فِي حَاجَةٍ أَعَانُوهُمْ» در مساجد انسان‌های ثابت قدمی همچون میخ وجود دارند که ملائکه با آنان مانوس و هم‌نشین هستند. هنگامی که از مسجد غیب می‌شوند در پی آنها هستند و هنگامی که بیمار می‌شوند به عیادت آنها می‌روند و هر وقت در کارها احتیاج به کمک داشته باشند به کمک آنها می‌شتابند. (مجلسی، ج ۸۰، ۳۷۳)

۲-۳. بازار بهشتی

رسول اکرم ﷺ می فرماید: «المَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ فِرَاهَا الْمُغْفِرَةُ وَتُحْفَمُهَا الْجَنَّةُ» مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است، پذیرایی آن مغفرت و هدیه آن بهشت است. (نوری، ج ۳، ۳۶۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۹، ۱۴۱۴)

۳-۳. فواید معنوی و مادی در مسجد

۱-۳-۳. پیدا کردن برادر معنوی

علی ﷺ می فرماید: «مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ» کسی که به مسجد رفت و آمد می کند، یکی از منافع هشت گانه نصیب او می شود: برادری مفید و با ارزش در راه خدا؛ علم جدید: «أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا»؛ نشانه محکم: «أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً» یا دلیل و برهان محکم؛ سخن هدایت کننده: «أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى» یا کلماتی که موجب هدایت شود؛ رحمت واسعه: «أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً» یا رحمت مورد انتظار؛ [شامل حال او می شود]. باز داشتن از فساد: «أَوْ كَلِمَةً تَزُدُّهُ عَن رَدِي» یا مواعظی که او را از فساد و گناه باز دارد؛ کسب حیا: «أَوْ يَتْرِكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حِيَاءً»؛ یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می کند. (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ۴۸۰)

۲-۳-۳. تسبیح زمین برای نمازگزار مسجد

امام صادق ﷺ می فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَيْهِ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا يُسَبِّحُ لَهُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ» هر کس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه اش برای او تسبیح می گویند. (ابن بابویه، ج ۱، ۲۳۳؛ مجلسی، ج ۸۴، ۱۳)

۳-۳-۳. مسجد تبلور زیبایی ها

امام حسن مجتبی ﷺ می فرماید: «إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَجْمَلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأَجِبْ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي» خيثمة بن ابی خيثمة گفت: امام حسن ﷺ هنگامی که به نماز برمی خاست، بهترین لباس هایش را می پوشید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا، چرا بهترین لباس هایت را می پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من نیز خود را برای پروردگارم می آریم، خدای تعالی فرماید: زینت خود را به هنگام عبادت در مسجد برگیرید. بنابراین، دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم. (مستدرک الوسائل، ج ۳، ۲۲۶)

۳-۳-۴. بنای مسجد بنای خانه بهشتی

از پیامبر ﷺ چنین نقل شده که فرمود: «من بنی مسجدا ولو کمفحص قطة بنی الله له بیتا فی الجنة» کسی که مسجدی بنا کند هر چند به اندازه لانه مرغی بوده باشد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا خواهد ساخت. (تفسیر المنار، جلد ۱۰، ۲۱۳)

۳-۳-۵. موجب استغفار ملائکه

و در حدیث دیگری از پیامبر ﷺ نقل شده: «من اسرح فی مسجد سراجا لم تنزل الملائكة و حملة العرش یستغفرون له مادام فی ذلك المسجد ضوءه» کسی که چراغی در مسجدی برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ در مسجد می‌تابد برای او استغفار می‌کنند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ۳۱۹) مخصوصاً باید توجه داشت مسجد، مرکزی برای جوانان با ایمان گردد، نه اینکه تنها مرکز بازنشستگان و از کار افتادگان شود. مسجد باید کانونی برای فعال‌ترین قشرهای اجتماع باشد، نه مرکز افراد بیکار! و این مطلب که ورود ورزش در محیط پیرامونی مسجد می‌تواند بر این امر تأثیر بگذارد که یک نوجوان یا جوان به واسطه حضور ورزشی از برکات مسجد بهره‌مند می‌شود مسلم است.

۳-۴. برکات حضور ورزشی در محیط پیرامونی مسجد

همان‌طور که بیان شد انجام تربیت بدنی در کنار مسجد می‌تواند روح پاک نوجوان و جوان را متعالی کند و این خود فرصتی است که فواید بسیاری برای نوجوان و جوان ما دارد، زیرا که این حضور کمکی مطلوب در جهت کسب معنویات برای اوست که همواره مورد تأکید بزرگان دین اسلام بوده است، امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان‌طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم شد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد. شما همان‌طور که ورزش می‌کنید و اعصاب خودتان را قوی می‌کنید و ان شاء الله برای مملکت و آتیه مملکت مفید واقع خواهید شد، لازم است که همه ابعاد وجودی خودتان را تحت تربیت ورزشی در آورید. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۳، ج ۷)

۳-۴-۱. تربیت و تقویت جسم مقدمه تقویت روح و اراده

لازمه عبودیت ایمان است، و چه بسا افراد قوی که فاقد ایمان بوده‌اند؛ اما در نگاه دینی تربیت بدنی زمانی که با ایمان عجین شود و به دنبال آن صبر بیاید شکست‌ناپذیر است. خداوند متعال می‌فرماید: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائین، و ان یکن منکم مائة یغلبوا

الفامن الذین کفروا! اگر بیست نفر از شما مردان با ایمان صبور و پایدار باشید، بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد، و اگر صد نفر بوده، بر هزار نفر از کافران غلبه خواهید کرد. (انفال/۶۵) این آیه، موازنهٔ قوارا در عدد نفی می‌کند و به روحیهٔ، ایمان و صبر تکیه می‌کند و برای اینکه گمان نشود پیروزی بیست نفر بر دویست نفر مبالغه است، تکرار می‌کند که صد نفر بر هزار نفر چیره می‌شوند، به شرط آنکه مؤمن و صبور باشند.

در جنگ‌های صدر اسلام، هرگز موازنهٔ آماری بین مؤمنان و کفار نبوده است. در جنگ بدر، ۳۱۳ نفر در برابر هزار نفر، در اُحد، ۷۰۰ مسلمان در مقابل ۳۰۰۰ کافر، در جنگ خندق، سه هزار نفر در برابر ده هزار نفر و در جنگ موته، ده هزار مسلمان در مقابل صد هزار نفر از کفار قرار داشتند. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۴/۳۵۹) بی‌شک حضور یک نوجوان ورزشکار در مسجد از جنبهٔ ایمانی او را تقویت کرده و به تبع آن صبر نیز در وی متجلی می‌شود همان که از آن به عنوان سِرِّ عبادات یاد شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: در آغاز کار، یک مؤمن مأمور بود که با ده مشرک جهاد کند و حق فرار و پشت کردن را نداشت. (کلینی، ۵/۶۹) در حدیث نبوی می‌خوانیم: «المؤمن القوی خیر و احب من المؤمن الضعیف» شخص با ایمان قوی و نیرومند، از شخص با ایمان ضعیف بهتر و دوست داشتنی‌تر است. (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ۶۴)

مقام معظم رهبری در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان در تاریخ ۱۳۸۶/۲/۱۹ در ضمن بیان فواید ورزش فرمودند: ورزش بدن را سالم، کسالت را از انسان دور، ارادهٔ انسان را قوی می‌کند، توان افراد را در انجام کارها افزایش می‌دهد، بعضی از اموری که در ذات انسان‌ها وجود دارد با ورزش محقق می‌شود.

امام خمینی علیه السلام ورزش را به تنهایی برای انسان کافی نمی‌دانند و تقویت قوهٔ جسمانی را در کنار تقویت روحانی دارای ارزش می‌دانند، یعنی همان ورزشی که دارای هدف باشد نه ورزشی که بیهوده و پوچ باشد. من وقتی شما جوان‌ها را می‌بینم، ماشاءالله جوان‌های برومند و پهلوان خیلی خوشم می‌آید و افتخار می‌کنم به اینکه جوان‌ها علاوه بر برومندی بدنی توجه به دیانت و اسلام دارند و همان طوری که ورزش کردند برای تقویت بدن ان شاءالله ورزش برای تقویت روح هم کرده‌اند و می‌کنند. وقتی این دو تا قوه با هم شد، قوهٔ جسمانی و قوهٔ روحانی، این ارزش پیدا می‌کند... این دو قوه وقتی مجتمع شد، یک انسان، به تمام معنا انسان می‌شود. (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۹) و این از برکات ورزش در کنار مسجد است که می‌تواند این دو بُعد انسانی را توأمان با هم تقویت کند. مقام معظم

رهبری در این باره می‌فرماید: یکی از مهم‌ترین کارهای ورزش این است که دائم میدان‌های تازه و افق‌های تازه‌ای را باز می‌کند و قابلیت‌های جسم انسان و قدرت پروردگار را در به وجود آوردن این جسم، در خلق این شیء بدیع که نامش انسان است، نشان می‌دهد. این جسم با این همه دارای تحرک، بایک عامل معنوی همراه است و آن عامل، خرد و اراده انسان است، که انسان می‌تواند این دورا به کار بگیرد و جسم را هدایت کند و در جهت‌های گوناگون آن را حرکت بدهد. آن اراده هم خودش یک چیز فوق‌العاده‌ای است. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار فاتحان قله اورست، ۸۴/۰۸/۳۰)

۳-۴-۲. تربیت جسم مقدمه عبودیت الهی

قرآن کریم در آیات متعدد، خداوند را قوی نامیده و همه قوا را از آن او می‌داند. همانند آیات ذیل: «إِنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» تمامی نیروها از آن خداوند است. (البقره/۱۶۵) «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً» آیا آنها ندانستند، خدا که آنها را خلق فرموده بسیار از آنان نیرومندتر است؟! «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف/۳۹) جز قدرت خدا قوه‌ای نیست. «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» همانا روزی بخشنده [خلق] تنها خداست که صاحب نیرومندی و سخت استوار است. (الذاریات/۵۸)

«عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى» (خدا) آن کسی که قدرت عظیمی دارد، او [پیامبر] را تعلیم داده است همان کس که توانایی فوق‌العاده و سلطه بر همه چیز دارد. (النجم/۵) اما معنای قوی این چنین آمده است: قوی، نیرومند و آن از اسماء حسنی است. همانند آیات ذیل: «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ» همانا خداوند توانا و سخت کیفر است. (الانفال/۵۲) «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ» همانا پروردگارت نیرومند و گرامی است. (هود/۶۶) اگر قوی بودن، صفت خوبی نمی‌بود، هرگز خداوند، خود را به آن متّصف نمی‌فرمود. صفت قوی در قرآن درباره انسان نیز به کار رفته است همانند «إِنَّ خَيْرَ مَنْ آسَأَ جَزَتْ الْقَوَى الْأَمِينُ»، بهترین کسی که می‌توانی استخدام کنی، کسی است که قوی و امین باشد. (قصص/۲۶) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «ان الله... يُحِبُّ أَنْ يَرَى أُمَّرْتَعَمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ» خداوند دوست دارد اثر نعمتش را بر بنده‌اش ببیند. (عاملی ۱۴۰۹ق، ۳۵/۵) و قطعاً سلامتی و قدرتی که مأنوس با فضای مسجد باشد، یکی از بزرگترین نعم الهی است که از آن در جهت عبودیت الهی استفاده می‌شود. در دعای روزهای اول ماه رمضان نیز می‌خوانیم: «اللهم قوئی فیهِ علی اقامه امرک» پروردگارا! مراد این روز برای انجام فرمانت قوت بخش. (مفاتیح الجنان، دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان) امیرالمؤمنین علیه السلام نیز

در این باره می‌فرماید: «الهی قوعلی خدمتک جوارحی.»

پروردگارا! اعضا و جوارح مراد را راه خدمت به خودت، قوی و نیرومند گردان. (مفاتیح الجنان؛ فرازی از دعای کمیل) و رابطه قوت با طاعت الله را این چنین بیان می‌نماید: «وإذا قویت فاقوعلی طاعة الله و إذا ضعفت فاضعف عن معصية الله» هر گاه توانا باشی، بر طاعت خدا توانا باش، و اگر ناتوان بودی، از معصیت خدا ناتوان باش. (عاملی ۱۴۰۹ق، ۱۵/۲۳۹) و چه جایگاهی بهتر و مطلوب‌تر برای توانا کردن نوجوان و جوان ورزشکار بر طاعت الهی می‌توان یافت. حضرت امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: مهم‌ترین اثر و فایده ورزش که شاید به آن کمتر پرداخته شده است، این نکته می‌باشد که ورزشکاران زودتر از غیر ورزشکاران آمادگی پذیرش معنویات و ایمان را دارند. حتی اگر ورزش فقط همین یک فایده را داشته باشد، برای گسترش آن هر اندازه سرمایه‌گذاری شود ناچیز است. آنها که جنبه ورزشکاری و مادی را دارند، آنها جوان‌هایی هستند که قوای جسمی‌شان به خاطر همین ورزش نشاط و آمادگی پیدا می‌کند، آن وقت روح آنها معنویات و ایمان را زودتر قبول می‌کند. یک وقت است که ورزشکاری تعلیم و تربیت در خدمت طاغوت است که این جز خسران برای یک کشوری به بار نمی‌آورد، ولی وقتی این دو قوه و نیروی بزرگ در خدمت خداست، آن وقت ایمان در آنها تقویت شده و برای پیشبرد مقاصد اسلام نیروی عظیمی پیدا می‌شود که هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. چنانچه به عیان دیدید که اجتماعات با قوای مادی و معنوی و نیروی ایمان پیش رفتند تا اینجا، و این نهضت عظیم را پیا کردند و آن قدرت‌های شیطانی را شکستند. «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می‌کند و سالم می‌کند، عقل را هم سالم می‌کند و اگر عقل سالم باشد تهذیب نفس هم بدنبال او باید باشد. شما همان طور که ورزش می‌کنید و اعصاب خودتان را قوی می‌کنید و انشاء الله برای آتیه مملکت مفید خواهید شد، لازم است که همه ابعاد روحی خودتان را تحت تربیت ورزشی قرار بدهید» (روزنامه کیهان، بیانات امام خمینی علیه السلام در جمع اعضای تیم ملی وزنه برداری تهران ۱۳۵۸/۲/۲۳)

همانطور که در کلام امام راحل منعکس است، ورزشکار آمادگی ذاتی بیشتری برای درک فضایل معنوی دارد که اگر از آن به هنگام استفاده شود می‌تواند تأثیر زیبایی بر صفحه دل نوجوان و جوان بگذارد، این شرایط در فضای پیرامونی مسجد مساعد است و قابل مقایسه با سایر مکان‌های ورزشی مثل باشگاه نیست.

۳-۴-۳. تربیت جسم و افزایش توکل:

بیان شد که تربیت جسم با تقویت روح و اراده ارتباط مسقیم دارد و این ارتباط در مسجد به راحتی امکان تحقق دارد، قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ إِنَّ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» زمانی که عزم و اراده‌ات را جزم کردی بر خدا توکل کن که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری می‌کند. اگر خدا شما را یاری کند، محال است کسی بر شما غالب آید و اگر به خواری و گذارد، آن کیست که بتواند بعد از آن شما را یاری کند؟ و اهل ایمان تنها به خدا (وقدرت و رحمت او) باید اعتماد کنند. (آل عمران/ ۱۵۹ و ۱۶۰) علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: و چون خدای تعالی تو را به خاطر اینکه به او توکل کرده‌ای دوست می‌دارد در نتیجه ولی و یاور تو خواهد بود، و در مانده‌ات نخواهد گذاشت و به همین جهت که اثر توکل به خدا یاری و عدم خذلان است، دنبال این جمله فرمود: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ...» و مؤمنین را هم دعوت کرد به توکل و فرمود: اگر خدا شما را یاری کند کسی نیست که بر شما غلبه کند، و اگر شما را در مانده گذارد کیست که بعد از خدا شما را یاری کند؟ آن گاه در آخر آیه با بکار بردن سبب توکل (که ایمان باشد) در جای خود توکل مؤمنین را امر به توکل نموده و می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» یعنی مؤمنین به سبب اینکه ایمان به خدا دارند و ایمان دارند به اینکه ناصر و معینی جز او نیست باید فقط بر او توکل کنند. (طباطبائی، ۴/ ۸۸)

پس ورزش و تربیت و تقویت جسمانی سبب تقویت اراده شده و اراده اگر همراه با ایمان الهی باشد و در بستری صحیح همچون مسجد، توکل بر خدا را به دنبال دارد و نتیجه توکل نصرت و یاری الهی است.

۳-۴-۴. تربیت جسم و روح زمینه رعب در دشمنان:

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» هر آنچه در توان دارید از نیرو و سوار برای نبرد با آنها «کفار» آماده کنید تا به وسیله آنها دشمنان خدا و دشمنان خودتان را مرعوب نمایید. (انفال/ ۶۰) کلمه «قوة» نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۲۲۲/۷) مسلماً بارزترین این قوه و قدرت، قدرت جسمی و بدنی است که با روحیه ایمانی توأم شده باشد و مانع از مساجد را در این باره در انقلاب اسلامی مان به خوبی

دیده‌ایم. آنجا که مساجد محل تجمع و آموزش نیروهای بسیجی و رزمی در دفاع مقدس قرار گرفتند و به عنوان اصلی‌ترین پایگاه جذب نیروهای مستعد و باایمان در دفاع از کیان اسلامی و مقابله با دشمنان نقش ایفا نمودند.

۳-۴-۵. تربیت جسم زمینه امانت و صداقت

در مواردی از آیات قرآنی قوی بودن با امین بودن قرین شده و گویا مکمل یکدیگر دانسته شده‌اند. یکی از آن موارد، داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران حضرت شعیب علیه السلام است. زمانی که دختر حضرت شعیب علیه السلام می‌خواهد حضرت موسی علیه السلام را برای استخدام شدن به پدر خود پیش نهاد کند، به دو ویژگی مثبت وی اشاره نموده و می‌گوید: «یا ایت استاء جره ان خیر من استاء جرت القوی الامین» (القصص / ۲۶) پدر جان! موسی را استخدام نما، زیرا بهترین کسی که می‌توانی استخدام کنی، کسی است که قوی و امین باشد. به طور کلی اگر کسی قوی باشد، ولی امین نباشد از کسی که ضعیف است، ولی او هم امین نیست، خطرناک‌تر خواهد بود. مسجد به عنوان مظهر صدق و صفا به نوجوان و جوان ورزشکار ما می‌آموزد که دروغ کلید همه بدی‌هاست و آنچه باعث نجات است صداقت و صفاست. امام رضا علیه السلام فرمود: حضرت شعیب علیه السلام از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن. تا مبادا به قامت من چشم بدوزد. (قرائتی ۱۳۸۳، ۴۰/۹) انسان قوی و نیرومند بهتر می‌تواند امانت را حفظ نماید. و «امین بودن» با «قوی بودن» دارای ارتباط نزدیکی است؛ از این رو در آیه قرآن، دو کلمه «قوی» و «امین» در کنار یکدیگر به کار برده شده‌اند، و مسجد هم می‌تواند پرچم‌دار قوت و هم امانت برای یک نوجوان باشد.

۳-۴-۶. تربیت جسمانی و کسب روحیه حماسی

تربیت بدنی می‌تواند؛ روحیه جنگاوری و سلحشوری را در فرد بالا ببرد؛ اگر چه سلحشوری تمام تربیت حماسی نیست و جزئی از آن است، اما مسجد که خود جایگاه حماسه است و امام جماعت آنسان که در پیشگاه خداوند می‌ایستد به محراب یعنی؛ محل حرب و محل جنگ با نفس خویش می‌رود، پس مسجد محل حرب با شیطان است و تنها کسانی از آن سربلند بیرون می‌آیند که این روحیه حماسی را در خود تقویت کنند. می‌توان ابعاد تربیت حماسی را در مسجد این گونه بیان کرد:

فتوت و جوانمردی:

در نزد مردم این سرزمین نام افرادی چون تختی‌ها و نیز همت‌ها، باکری‌ها، نامی آشناست. قرآن کریم اوج جوانمردی را در اصحاب کهف بیان کرده و از آنان به فتیه یاد کرده است. دو مشخصه فتوت؛ یکی تعجیل در کار خیر و دیگری دستگیری از مظلومان است. خداوند همچنین در توصیف پیامبرانی همچون ابراهیم، لوط، اسحق، یعقوب، نوح، داود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادریس، ذوالکفل، یونس و زکریا می‌فرماید: «انهم كانوا يسارعون في الخيرات»؛ (الانبیاء/۹۰) و دربارهٔ حمایت از مظلومان از زبان موسی علیه السلام می‌فرماید: «قال رب بما انعمت علی فلن اكون ظهیرا للمجرمین» موسی باز گفت: پروردگارا! به شکرانه این نعمت (نیرو) که به من عطا فرمودی، من هرگز یاور بدکاران نخواهم بود. (القصص/۱۷)

شجاعت:

شجاعت اگر همراه با سرکشی باشد، تهوّر است که خود آفتی برای آن می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَفَّةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ» آفت شجاعت سرکشی است. (تحف العقول عن آل الرسول، ج ۶) و نیز شخص شجاع اگر احتیاط را از دست بدهد شکست خواهد خورد. حضرت علی علیه السلام همین امر را آفت شجاعت دانسته و می‌فرماید: «أفة الشجاع اضعاف الحزم» آفت شجاع، از بین بردن احتیاط هوشیاری است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲۵۹) «أفة القوی استضعاف الخصم» آفت شخص قوی و شجاع، دشمن را ضعیف شمردن است. (همان، آفات متفرقة، ۳۴۷)

حکمت و بصیرت:

در قرآن حکیم، در این خصوص چنین می‌خوانیم: «وزاده بسطة فی العلم والجسم» و او را (طلوت را) در دانش و قوت جسم فزونی بخشیده است. (البقره/۲۴۷) دربارهٔ حضرت داوود علیه السلام نیز که جوانی نیرومند و با ایمان بوده و به همین مناسبت توانسته بود بزرگ‌ترین رهبر کافران را به قتل رساند، می‌فرماید: «وقتل داوود جالوت واتاه الله الملك والحكمة و علمه مما يشاء» و داوود، جالوت را کشت، و خداوند حکومت و دانش را به او بخشید، و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. همچنین دربارهٔ او می‌فرماید: «و شددنا ملکه و اتیناه الحکمة» ما پایهٔ حکومت او را محکم ساختیم و به او دانش دادیم. (البقره/۲۵۱) چنانچه ملاحظه می‌شود، داوود علیه السلام از ایمان و قدرت بدنی کافی برخوردار بوده است؛ بنابراین لازم است که از نظر دانش هم به اندازهٔ کافی نیرومند شود، تا آمادگی رهبری را پیدا کند. خداوند این علم و دانش را نیز خود به او تعلیم داده و ارزانی می‌دارد. گویا از نظر قرآن نوعی ارتباط بین کمال جسمانی و آمادگی جهت

کسب دانش، بینش، حکومت و قضاوت وجود دارد؛ از این رو درباره برخی از پیامبران بزرگ چنین می‌فرماید: «ولما بلغ اشدّه اتینه حکما وعلما» و هنگامی که (یوسف) به مرحله بلوغ و قوت رسید، ما حکم و علم به او دادیم. (یوسف/۲۲) «ولما بلغ اشدّه واستوی اتیناه حکما وعلما» هنگامی که (موسی) نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم. (القصص/۱۴)

عفو و بخشش:

امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکرًا للقدرة» هرگاه بر دشمن دست یافتی، پس بخشش و گذشت از او را شکر و سپاس (نعمت) توانایی بر او قرار بدهد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۰)

تربیت حماسی و تواضع:

«لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم» هیچ توان و نیرویی، جز از ناحیه الله که بلند مرتبه و والا مقام است، وجود ندارد.

خداوند متعال نیز همین مطلب را در قرآن مجید تذکر داده و می‌فرماید: «ان القوة لله جميعا» همه نیروها (بدون استثناء) از آن خداوند است. (البقره/۱۶۵) پس دلیلی وجود ندارد که یک نوجوان ورزشکار در محیط وابسته به مسجد به قوت و توان خود مغرور شده، خدا را از یاد برده، و از آن در راه‌های غیر صحیح و غیر انسانی استفاده نماید، زیرا اولین درس مسجد این است که همه قدرت‌ها از آن خداست و هر چه غیر او محکوم به فناست. حضرت سلیمان با قدرتی فوق العاده وقتی اراده نمود که تخت بلقیس را از کاخش در سرزمین سبا به کاخ خود آورد یکی از یارانش در کمتر از یک چشم به هم زدن، این کار را برایش انجام داده و به این قدرت و عظمت فوق العاده‌ای که در اختیار داشت مغرور نشده و می‌گوید: «هذا من فضل ربی لیبلونی اشکرام اکفر» (النمل/۴۰) این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جای می‌آورم یا کفران نعمت می‌کنم. مسجد در تقویت حس حضور در درگاه الهی نوجوان و جوان ورزشکار را یاری می‌کند.

تربیت حماسی؛ تربیت اندیشه و تعقل:

در تربیت حماسی که ناشی از تربیت جسمانی ملازم ایمان است صرفاً تکیه به زور بازو نیست و این نیرو می‌بایست به جا و به موقع به کار گرفته شود و افسار آن در دست اندیشه و تعقل باشد که این همه «افلا تعقلون»‌ها که در کلام الهی به کار رفته به نقش سازنده این پیامبر درون در جهت دهی به اعمال و افکار ما، و در این مورد خاص در سوق دادن تربیت جسمانی به سوی پیدایش روحیه حماسی دلالت دارد.

۴. باید‌ها در ورزش مساجد

حال که به اینجا رسیدیم که قرار گرفتن ورزش در محیط پیرامونی مسجد چه برکاتی دارد به الزاماتی که می‌بایست در این باره از سوی ورزشکار نوجوان و جوان مد نظر قرار گیرد اشاره می‌کنیم، در این قسمت سعی بر استفاده از کلمات امام راحل علیه السلام و رهبر معظم انقلاب در ترسیم این خط مشی است، در این باره این ویژگی‌ها عبارتند از:

۴-۱. توجه به خدا

مهم‌ترین مواردی که یک ورزشکار که در پیرامون مسجد به ورزش می‌پردازد، باید به آن توجه کند آن است که مسجد و فضای آن محل توجه به خداوند و ذکر نام اوست، حضور پیوسته در شرایط سخت ورزشی در محیط وابسته به مسجد سبب می‌شود که یاد خدا در تمام شئون زندگی ورزشکار تسری پیدا کند.

در این باره می‌بینیم که امام خمینی علیه السلام در توصیه به ورزشکاران به عدم غفلت از یاد خدا توصیه می‌کنند، بی‌شک ورزش در محیطی که متأثر از فضای مسجد است در توجه به ذکر الهی بسیار مؤثر است، ایشان در این باره می‌فرمایند: «ایمانتان را تقویت کنید، به اسلام پناه ببرید؛ همه‌مان به اسلام پناه ببریم، همه جا یاد خدا باشیم. من می‌دانم که ورزشکارها در گودهای زورخانه یاد خدا هستند، یاد امیرالمؤمنین علیه السلام هستند، تقویت کنید این یاد خدا را، تقویت کنید این یاد مولا را و همه با قدرت، همه با ایمان، ان شاء الله به پیش بروید.» (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ج ۸، ۳۵) بدون شک هیچ مکانی همچون در کنار مسجد قرار گرفتن به عنوان مظهر ذکر الله، این توانایی را ندارد که فعالیت بدنی و افزودن قوای جسمانی را با یاد خدا عجین سازد. امام راحل علیه السلام توجه به قرآن را به عنوان منبع ذکر الهی به ورزشکاران توصیه نموده و بنا به توصیه ایشان از مهم‌ترین الگوها برای ورزشکاران قرآن است، قرآن در کلام امام برای تمام اقشار جامعه توصیه شده و عمل به دستورات آن باعث تقویت بُعد معنوی همه اقشار جامعه و طبقه ورزشکار می‌گردد: «مملکت ما همان طوری که به علما و دانشمندان احتیاج دارد به این قدرت شما هم احتیاج دارد. این قدرت وقتی با ایمان باشد، وقتی که زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است. وقتی قهرمان‌ها، قهرمان‌های اسلامی باشند، پشتوانه یک ملت هستند، بازوی یک ملت هستند. آنها می‌خواستند قهرمان باشد لکن قهرمان آر بامهری باشد، آن پشتوانه ملت نمی‌توانست باشد. آنها همه چیز را می‌خواستند برای خودشان، و ما و شما همه چیز را می‌خواهیم برای

خدا، برای اسلام، آنکه پشتوانه ملت است، پشتوانه اسلام است آن، مردهای با ایمان هستند، ورزشکار با ایمان، روحانی با ایمان، دانشگاهی با ایمان، بازاری با ایمان، دهقان و کشاورز و کارگر با ایمان، اینها می‌توانند پشتوانه یک ملت باشند و نگذارند دست‌های خائنه کسانی که می‌خواهند همه چیز ما را ببرند، قدرت مادی ما، قدرت معنوی ما را از بین ببرند اینها ایند که نمی‌گذارند.» (همان، ۳۴) مسجد که مهم‌ترین کانون قرائت قرآن و درک مفاهیم آن است، نقش بنیادی در نهادینه کردن این امر در روحیه نوجوان و جوان ورزشکار دارد.

۴-۲. اقتدا به مولای متقیان ﷺ

مسجد به عنوان محلی که هم زادگاه امیرالمومنین علی ﷺ و هم محل شهادت آن بزرگوار است، با نام علی ﷺ در هم آمیخته و هیچ کس در اسلام در این شرف به پای ایشان نمی‌رسد. از طرفی علی ﷺ کسی است که نام او لرزه بر اندام قهرمانان و ابطال عرب همچون عمرو بن عبدود و مرحب انداخته است، هیچ کس در اسلام نمی‌تواند منکر این قضیه شود که پهلوان‌ترین سردار جنگ‌های رسول خدا ﷺ علی ﷺ است، اما علی ﷺ همان کسی است که در دل شب در پی ایتم، نان و خرما به دوش گرفته و اوج روح بزرگ انسانی خویش را به مردمان نمایان می‌کند، به راستی چه پیوندی بین نیروی جسمانی و روح متعالی علی ﷺ با مسجد و محل ذکر الهی وجود دارد! آنچه مسلم است از برکات حضور ورزشکار در فضای متأثر از مسجد اقتدا به مولای متقیان ﷺ است. حضرت امام ﷺ همواره، بهترین الگو و سرمشق را برای ورزشکاران حضرت علی ﷺ می‌دانند و همیشه به آنان توصیه می‌کنند که زندگی را در تمام شئون بررسی کرده و از شخصیت فراگیر و جامع ایشان تبعیت کنند: «علی ﷺ که در هر جا می‌رویم اسم او هست، پیش فقها وقتی می‌رویم فقه علی؛ پیش زاهدان وقتی که می‌رویم زهد علی؛ پیش صوفی‌ها وقتی که می‌رویم آنها هم می‌گویند تصوف علی؛ پیش ورزشکاران هم که می‌رویم آنها هم می‌گویند که علی و با اسم علی شروع می‌کنند. این علی همه چیز است، یعنی در همه ابعاد انسانیت درجه یک است، و لهذا هر طایفه‌ای خودشان را به او نزدیک می‌کنند و خاصیت هر طبقه را هم دارد. خاصیت قدرت ورزشکارها را به طور وافی دارد. می‌گویند که حضرت این بازوی ایشان مثل اینکه آهن بوده است! و قدرت‌هایی هم در شمشیرزنی به کار می‌برده است که ضربت‌های علی را می‌گویند که «یکی بوده»، از این طرف که می‌زده دوتا می‌کرده، از این طرف هم که می‌زده، دوتا می‌کرده، یک دفعه اگر به فرد می‌زد، دو نیم می‌کرد... این علی همه چیز است و همه چیز

ماست و ما همه باید تابع او باشیم. در عبادت، فوق همه عبادت کنندگان هست، در زهد، فوق همه زاهدان هست، در جنگ، فوق همه جنگجویان هست، در قدرت، فوق همه قدرتمندان هست. و این یک اعجوبه‌ای است که جمع، مابین متضاد با هم کرده است. آدم عابد دیگر نمی‌تواند ورزشکار باشد؛ آدم زاهد دیگر نمی‌تواند جنگجو باشد؛ آدم فقیه دیگر نمی‌تواند از این کارها داشته باشد. این یک موجودی است که نمونه است. در هر صورت، این علی... که می‌گویند این علی کیست، این علی است که همه چیز ماست، همه چیز است و من امیدوارم که شما ورزشکارها همان طوری که قدرت بدنی برای خودتان تحصیل می‌کنید. و ماشاءالله با بازوهای ستبر اینجا الآن نشسته اید و من هم خیلی خوشم می‌آید. همان طور به علی علیه السلام اقتدا کنید در آن مطالبی که او داشته؛ در آن زهدی که او داشته، در آن تقوایی که او داشته است. البته ماها هیچ کدام قدرت نداریم مثل او باشیم، ما تا یک اندازه‌ای که ماها قدرت داریم، تبعیت بکنیم از آن آقا و تهذیب نفس بکنیم و امیدوارم که برای ملت خودتان مفید باشید و موجب سربلندی کشور خودتان باشید. خداوند ان شاءالله به شما قدرت زیادتر، قوه ایمان، قوه تهذیب نفس، قدرت بر تسلط بر نفس عنایت کند. سلام بر همه شما جوانان برومند.» (همان، ج ۷، ۲۶۱-۲۶۳)

در بررسی که انجام شد بحمدالله به رشته ورزشی تحت عنوان رزم انتظاران رسیدیم که تنها فعالیت خود را در کنار مساجد انجام می‌دهد و اقتدا به مولی علی علیه السلام در آن نمود عینی دارد. این ورزش که تحت عنوان کمیته رزمی مساجد کشور زیر نظر فدراسیون کاراته جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند، به عنوان مثال حرکتی که رزمی کاران از آن به تخلیه سریع هوا یا «کیا» یاد می‌کنند. در آنجا همراه با گفتن کلمه علی بیان می‌شود و چون در یک بازه زمانی یک ساعت و سی دقیقه این کلمه به کرات برده می‌شود، تأثیر مثبت روحی در ورزشکاران ایجاد می‌نماید، از جمله ابتکارات این ورزش بومی که تلفیقی از چند رشته ورزشی است این است که بر خلاف روال مرسوم در ورود به باشگاه‌های کاراته که از کلمه «اوس» به معنای کسب اجازه برای ورود استفاده می‌کنند، از عبارت «یا حسین» استفاده می‌شود. (بررسی میدانی از سبک رزم انتظاران، مسجد هدایت، تهران)

۴-۳. ورزش مقدمه تهذیب نفس

یکی دیگر از بایدها و خصوصیات مهمی که ورزشکار باید به همراه داشته باشد، همسو شدن با اخلاق و آداب انسانی و اسلامی است. در این میان مهم‌ترین آداب اخلاقی برای یک

ورزشکار را می‌توان سه ویژگی مردانگی و محبت و پرهیز از اختلاف ترسیم کرد، امام خمینی رحمته در این باره می‌فرماید: «امیدوارم که پهلوان‌های عزیز ما همه جا سربلند باشند و همه جا با یک روح انسانی، یک روح اسلامی، یک نفس مهذب عمل کنند که هر جا بروند علاوه بر اینکه در پهلوانی مقدم بر دیگران بشوند، در اخلاق و در آداب و در انسانیت مقدم بر همه باشند.» (همان، ج ۱۲، ۱۰۴) «من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و... دو نفر که هم را دوست دارند با هم اختلاف نمی‌کنند، و شماها بینتان محبت رایج است و مردانگی، و امیدوارم که این صفت بزرگی - که هر دو آن صفت از طرف خداوند تبارک و تعالی است - این اسباب این باشد که اختلاف در کار نباشد. همه با هم، همه مان با هم.» (همان، ج ۷، ۵۴۴)

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «برای جوانان ورزش کردن یک سرمایه اندوزی است. من اعتقاد دارم ورزش برای همه یک فریضه عمومی است. البته منظورم ورزش حرفه‌ای نیست. ورزش حرفه‌ای را هم رد نمی‌کنم، اما توصیه نمی‌کنم که همه جوانان سراغ ورزش حرفه‌ای بروند؛ نه. ورزش برای سلامت و حفظ نشاط است. این هم سرمایه‌ای است که تا اواخر عمر، برای شما می‌ماند. تن‌پروری و بیکارگی، ضایع کردن آن سرمایه عظیم است. یک خصوصیت دیگر هست که اگر در شما باشد، هم در دوران عمر شما مفید است، هم برای دیگران مفید واقع خواهد شد و هم برای نشئه آخرت و دوران بی‌پایان زندگی بعد از مرگ مفید است. آن تهذیب نفس است؛ خودتان را پاکیزه کنید.» (بیانات در دیدار اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۸)

مهم‌ترین وظیفه‌ای را که حضرت امام رحمته برای ورزشکاران قائل هستند تقویت همزمان روح و جسم است. تأکید ایشان در تمام سخنرانی‌هایشان برای ورزشکاران بر این نکته است که جسم خود را همراه روح خود تقویت نمایید و پس از پیدا کردن قوای جسمانی به تقویت قوای روحانی خود پردازید که این امر سبب افزایش نیروی جسمانی شما نیز می‌گردد: «ورزشکارها دو وظیفه دارند: یک، ورزش جسمانی برای قوه پیدا کردن، قدرت پیدا کردن. وقتی قدرت جسمانی پیدا شد، دفاع از مملکت می‌تواند بکنند. یکی هم پرورش روحانی که اگر پرورش روحانی در انسان پیدا بشود آن وقت قدرت جسمانی‌اش هم مضاعف می‌شود و شما کوشش کنید که آن قدرت را هم، که قدرت الهی است، آن قدرت هم به برکت اسلام و به برکت مولا امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - در شما پیدا بشود که یک مرد روحانی قوی

و جسمانی قوی بشوید، که هم جانب روحتان قوی باشد و هم جانب جسمتان قوی باشد.»
(همان، ۲۵۲)

«به دوستان اسلام و مسلمین و دوستان ولی عصر - سلام الله علیه - و ورزشکاران آستان قدس عرض می‌کنم که همان طوری که با ورزش قوت جسمانی خودتان را تقویت می‌کنید، قوای روحانی‌تان را هم تهیه و تقویت کنید. همان طوری که کوشش می‌کنید که جسمتان قوی باشد، کوشش کنید که روحتان قوی باشد، آن قوت روح و قوت ایمان بود که شما را غلبه داد بر جنود شیطانی و بر طاغوت و باید آن قوت ایمان و قوت باطنی، شما را غلبه دهد بر جنود شیطانی که در باطن انسان، انسان را می‌خواهد اغوا کند. اصلاح کنید حال خودتان را، همان طوری که تقویت می‌کنید جسم خودتان را.» (همان، ج ۸، ۳۷۴) یکی از دلایلی که حضرت امام تأکید زیاد بر همراهی تقویت جسمانی و معنوی می‌کنند این است که تقویت همزمان این دو نیرو باعث می‌شود انسان به انسانیت واقعی دست یابد. و این مطلب می‌بایست مورد توجه مربیان ورزشی در مساجد باشد.

ایشان در جای دیگر درباره توأمان بودن ورزش بدنی جوان با ورزش روحی او می‌فرمایند: «[جوان‌ها] همان طوری که ورزش کردند برای تقویت بدن، ان شاء الله ورزش برای تقویت روح هم کرده‌اند و می‌کنند. وقتی این دو تا قوه با هم شد - قوه جسمانی و قوه روحانی - این ارزش خیلی پیدا می‌کند. قوه جسمانی برای خدمت و قوه روحانی هم برای هدایت. با قوه روحانی انسان هدایت کند خودش را و با قوه جسمانی خدمت کند. این دو قوه وقتی که مجتمع شد، یک انسان - به تمام معنا - انسان می‌شود.» (همان، ج ۷، ۵۴۱)

ارتباط دیگر ورزش با مسجد این است که ورزش کردن باعث نشاط روح شده و روح مستعد پذیرش بهتری برای درک حقایق الهی دارد. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «من از این خوشحالم که کسانی جهت معنوی را تقویت می‌کنند و اشخاصی هم جهت مادی را، و امید است هر دو آنها دو جنبه مادی و معنوی را جمع بکنند. شما معلمان محترم و آقایان ورزشکاران عزیز اگر این دو جنبه را تقویت کنید و همچنین در همه قشرهای کشور اگر این دو جنبه تقویت بشود، جنبه معنوی با آن تعلیمات معنوی که اسلام آورده است و جنبه‌های مادی با آن طرزهایی که لازم است، این ملت سعادت‌مند می‌شود. آنها که جنبه ورزشکاری و مادی را دارند، آنها جوان‌هایی هستند که قوای جسمی‌شان به خاطر همین ورزش، نشاط و آمادگی پیدا می‌کند، آن وقت روح آنها معنویات و ایمان را زودتر قبول می‌کند.» (همان، ج ۸، ۲۲۲)

حضرت امام علیه السلام همچنین به این نکته نیز اشاره دارند که در بعد تقویت روح و جسم نباید از توجه به قدرت لایزال الهی غفلت نمود و این توجه قطعاً در فضا و معماری روح بخش مسجد با پس زمینه رنگ لاجوردی کاشی‌ها، ایمان مؤمنین حاضر در مسجد، که نمادی از آرام شدن روح انسانی در پرتو انوار الهی است میسر است.

۴-۴. جهت دادن به نیروی جسمانی برای دفاع و مقاومت

امام راحل تقویت بنیه جسمانی بواسطه ورزش را مهم می‌دانند، اما در عین حال معتقدند که این قدرت نباید در راستای ظلم و ستم به دیگران قرار گیرد بلکه باید برای دفاع از مملکت و مظلوم به کار رود. به عبارت دیگر ایشان استفاده از نیروی ورزشکاران را فقط در راستای خدمت به کشور و مستضعفان مفید می‌دانند:

«وقتی قدرت جسمانی پیدا شد، دفاع از مملکت می‌توانند بکنند، دفاع از مخالفینی که می‌خواهند به آنها حمله کنند می‌توانند بکنند.» (همان، ج ۱۰، ۲۵۲) قطعاً یکی از الزامات ورزش در کنار مسجد این است که ورزشکار نوجوان و جوان ما به عنوان یک عنصر مکتبی، انقلابی و در راستای حفظ کیان نظام اسلامی گام بردارد که در این راستا مربیان ورزشی مورد استفاده در مساجد می‌بایست خود این گونه فکر کنند و این گونه عمل کنند.

۴-۵. معرفی و صدور انقلاب

وظیفه مهم دیگر ورزشکار نوجوان و جوانی که در مسجد به ورزش می‌پردازد معرفی و صدور انقلاب اسلامی و همچنین تقویت جمهوری اسلامی در زمان حضور در میادین بین‌المللی است. به عقیده حضرت امام علیه السلام این کار مهم و خطیر توسط ورزشکارانی صورت می‌گیرد که دارای دو خصوصیت مهم برخوردار با ارزش‌های اخلاقی و عمل به رفتار و کردار اسلامی هستند: «این چهره‌های شما و آن حال بشاشتی که در چهره‌های شما دیده می‌شود، این خودش پیروزی است و من امیدوارم که شماها انقلاب ایران را عملاً صادر کنید به کشورهای دیگری که می‌روید و امیدوارم که در جهان شما پیروز باشید و مهم این است که در کنار این پیروزی‌ها همان طور که توجه داشتید و دارید... با اخلاق خوش خودتان و با رفتار خودتان و با کردار خودتان ان شاء الله که این وجهه اسلامی جمهوری اسلامی را صادر کنید به خارج. وقتی که شما پهلوان‌های عزیز و شما قهرمانان در خارج از کشور رفتید و پیروزی چشمگیر به دست آوردید و دیدند مردم که شما وضع روحی‌تان هم

یک وضع خاصی است، با دیگران فرق دارد، اعمالتان هم با دیگران فرق دارد، این موجب این می‌شود که این همه بوق‌هایی که بر ضدّ اسلام و مسلمین و بر ضدّ ملت ما هست اینها خنثی بشود. شما می‌دانید که الآن همه کوشش‌های قدرت‌های بزرگ این است که ایران را منزوی کنند بکلی و اصلاً از نقشه دنیا ساقطش کنند و آنها نمی‌دانند که خدا را نمی‌شود منزوی کرد، اسلام را نمی‌شود منزوی کرد و این جوان‌های اسلام که بحمدالله در صحنه حاضرند و برای اسلام کوشش می‌کنند، برای پیروزی اسلام فداکاری می‌کنند اینها را نمی‌شود منزوی کرد و شما جای خودتان را در دنیا ان شاءالله باز می‌کنید و نام ایران و نام اسلام را همه جا مشهور می‌کنید و بیرق اسلام را سرافراز می‌کنید و ملت مسلمان را مفتخر می‌کنید.» (همان، ج ۱۵، ۴۲۲)

امام راحل رحمته الله در این بیانات بر روی رفتار و کردار ورزشکار و وضع روح خاص آنان اشاره می‌فرماید تا ثمره کار آنان بیرق اسلام را سرافراز کند، بی شک توجه به مسجد برای تأثیر گذاری معنوی بر روی رفتار و کردار ورزشکار نوجوان و جوان غیر قابل انکار است و ماتبعات دوری رفتار و کردار ورزشکاران از معنویات را در مجامع بین المللی دیده‌ایم تا آنجا که متأسفانه عده‌ای قلیل از ورزشکاران ملی که این روحیه الهی در آنان متبلور نبوده است حتی به دشمنان ایران اسلامی نیز پناهنده شده‌اند، در آسیب شناسی این حرکت غیر ورزشی و غیر الهی آنان بایستی گفت که این همان گسست بین ورزش و رفتار و کردار الهی است و چه مکانی بهتر از مسجد برای پیوند بین این دو در اختیار ما می‌باشد؟! مسجد به عنوان بزرگترین مؤسسه فرهنگی که خدای متعال به ما عنایت نموده با چند ده هزار شعبه در سراسر کشور بیشترین کار کرد را در پیوند بین روحیه ورزشی و رفتار و کردار الهی می‌تواند دارا باشد، و بتواند یک ورزشکار جوان را به عنوان نمونه اخلاقی و معنوی معرفی نماید، امام راحل در این باره می‌فرماید: «شما نمونه باشید در کشورهای دیگر که شماها از جمهوری اسلامی هستید. ما امروز احتیاج به این داریم که اسلام را در هر جا تقویت کنیم و در هر جا پیاده کنیم و از مملکت خودمان اسلام را به جاهای دیگر به آن معنایی که در مملکت الآن حاصل شده صادر کنیم و یکی از وجه صدورش همین شما جوان‌ها هستید که در سایر کشورها می‌روید و جمعیت‌های زیادی به تماشای شما می‌آیند، به تماشای قدرت‌های شما می‌آیند. باید طوری بکنید که این جمعیت‌های زیاد را دعوت کنید عملاً به اسلام. در اعمالتان، در رفتارتان، در کردارتان طوری باشید که نمونه باشید برای جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی با شما به جاهای دیگر هم ان شاءالله برود.»

(همان، ج ۱۶، ۸۱) «من امیدوارم که در پناه اسلام همه قدرت‌ها، همه قوه‌ها قدرتمندتر بشوند، قوت دارتر بشوند و شماها ان شاء الله برای مملکت آبرومندی تهیه کنید و مملکت ما را معروف کنید در همه جا، چنان که در این نهضت بحمد الله همه جا معروف شد و همه با چشم احترام به این ملت نگاه می‌کنند و عمده این است که از این به بعد هم ما این احترام را حفظ بکنیم، به اینکه همه با اخلاق اسلامی و با آداب اسلامی باشیم تا ان شاء الله این قدرت و این قوه در جای خودش خرج بشود و نهضت اسلامی ما به ثمر برسد.» (همان، ج ۸، ۲۵۰)

امام راحل به ورزشکار متعهد توصیه می‌کند که همواره در صحنه انقلاب و پاسداری از ارزش‌های آن باشد: «همان طوری که در ورزشکاری دارید قدم بر می‌دارید، برای ملتتان هم قدم بردارید و این هم برای ملت است، لکن امروز احتیاجات زیادی ملت دارد، پشت جبهه، در خود جبهه و شما بازوان قدرتمند این جامعه هستید... و ایران هم که هستید به خدمت این جامعه باشید. جامعه ما احتیاج به جوان‌ها دارد و خدمت جوان‌ها. اسلام امروز احتیاج دارد به اینکه این جوان‌ها که در اینجا هستند و زورمند هستند، قدرتمند هستند و قدرت روحی هم دارند، اینها همه کوشش کنند تا این کشور از شر مفسدین نجات پیدا کند. خداوند همه شما را موفق و مؤید و منصور کند و برای مانگه دارد شمارا.» (همان، ج ۱۶، ۸۱-۸۲) قطعاً نوجوان ورزشکار ما هیچ جایی را بهتر از مساجد و کانون‌های انقلاب برای انقلابی شدن و انقلابی ماندن پیدا نمی‌کند.

۴-۶. ورزشکار متعهد هوشیار

امام راحل رحمته الله بارها ورزشکاران را به هوشیاری در قبال توطئه‌های دشمنان فرا خواندند، مسجد به عنوان کانون اصلی بیداری و هوشیاری هر محله و شهر چنانچه جوانان پرشور ورزشکار را از دسیسه‌های دشمنان آگاه سازد در واقع به کادر سازی نیروهای انقلابی دست زده است و از پایه نیروهای ارزشی را تربیت نموده که در آینده بتوانند از کیان مقدّسات خویش با سلاح قوت و ایمان پاسداری نمایند. امام راحل در این باره می‌فرماید:

«در همه قشرهایی که یک احتمالی می‌دادند که شاید یک مقاومتی در اینها باشد، به یک وضعی وارد می‌شدند و یا آنها را منحرف می‌کردند و یا سرکوب می‌کردند. قشر شما پهلوان‌ها هم مستثنا نبود، قشر ورزشکارها هم مستثنا نبودند از این، برای اینکه اینها هم یک جمعیت متدین بودند، علاقه‌مند به اسلام بودند و قدرتمند اینها را هم به یک جوری سرگرم می‌کردند، نمی‌توانستند از اسلام منحرفشان کنند، گوش نمی‌دادند به حرفشان در آن

باب اما منحرف می کردند از مسائل اصلی. یک بساطی درست می کردند که سرگرم بشوند به آن بساط و از مسائل اساسی مملکت غفلت بکنند.» (همان، ج ۹، ۷۸)

جدا از تمام مسائلی که بیان گردید حضرت امام علیه السلام همیشه نسبت به ورزشکاران ابراز علاقه می کردند و ایشان رادعای فرمودند: «من وقتی که شما جوان ها را می بینم، ماشاءالله جوان های برومند و پهلوان، خیلی خوشم می آید و افتخار می کنم به اینکه این جوان ها علاوه بر برومندی بدنی توجّه به دیانت و اسلام دارند.» (همان، ج ۷، ۵۴۱).

۵. نیابدها در ورزش مساجد

با توجّه به اینکه ما در این مقاله با دلایل مختلف قرآنی و روایی در صدد پیوند بین مسجد و تربیت بدنی نوجوان و جوان بودیم نباید از نظر دور داشت که قطعاً بعضی از موارد نباید در این راستا اتفاق بیفتد زیرا که مسجد، مکانی است برای تمرین و ممارست خلق و خوی و رفتار و کردار پسندیده‌ی انسانی و محل مناسبی است برای پیاده کردن و عملی ساختن ارزش های والای اخلاقی و رفتاری در ابعاد گوناگون زندگانی و سکوی پرواز است به ملکوت، برای فراهم شدن عبادت در مسجد، به شرایط و عوامل فراوانی نیاز هست که مکان عبادت، یکی از آنهاست.

۵-۱. عدم هتک قداست مسجد

حال با توجّه به اینکه لازم است که پیوندی بین تربیت بدنی و تربیت دینی (مسجد) صورت گیرد آیا جایز است که این ورزش در فضای مسجد انجام شود؟ پاسخ مراجع بزرگوار بدین صورت است که: خیر چون این کار باعث وهن و هتک حرمت مسجد است، جایز نمی باشد. در این باره حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی می فرماید: «مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست و از کارهایی که باشآن و منزلت مسجد منافات داشته و با جهت وقف مخالفت دارد، باید پرهیز شود.» (وب سایت معظم له) حضرت آیت الله مکارم شیرازی علیه السلام نیز بیان می دارند: ورزش برای همگان، مخصوصاً برای جوانان و نوجوانان امر لازمی است؛ ولی مناسب مساجد و حسینیه‌ها نیست. لازم است مکان مناسب دیگری برای آن در نظر گرفته شود. حضرات آیات سیستانی و صافی علیه السلام به ترتیب بیان می دارند که: مناسب مسجد نیست. و انجام این امور در مسجد جایز نیست، (وب سایت معظم له) بنابراین نباید ورزش در محیط مسجد انجام شود و بایستی در محیط کناری یا پیرامونی آن انجام شود.

۲-۵. مانع ذکر الله نشدن

فعالیت بدنی ورزشکار نوجوان و جوان نباید در حین نماز جماعت ادامه پیدا کند و باید مربی در ساعاتی قبل از نماز کلاس را تعطیل و از ورزشکار بخواهد خود را برای اقامه نماز محیا کنند، زیرا در غیر این صورت این امر خود مانعی جدی در راستای تحقق وحدت بین تربیت بدنی و دینی نوجوان و جوان به حساب می آید و مصداق جلوگیری از یاد خداست و بنابر این مسجد باید از هر چه که جلوی یاد خدا را می گیرد پیراسته باشد قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و کیست ستمکارتر از کسانی که از ذکر نام خدا در مساجد او جلوگیری می کنند؟ اینان برایشان روانیست که در آنها در آیند جز در حال ترس؛ برای آنان در دنیا ذلتی در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. (بقره/۱۱۴)

زیرا ادامه فعالیت ورزشی در حین نماز از مصادیق مسلم باز داشتن از یاد خداست.

۳-۵. عدم پخش موسیقی در مسجد

در تعدادی از باشگاه های ورزشی برای تهییج بیشتر جوان و نوجوان از موسیقی استفاده می شود که تأثیر هم دارد اما این تحریک بیرونی بوده و خود جوش و متأثر از روحيات درونی نیست؛ ضمن آنکه مضرات روحی نیز در پی دارد؛ مثل عادت به موسیقی و در صورت نشنیدن موسیقی دلخواه بوجود آمدن حالت یأس در ورزشکار، که این امر در جای خود قابل بحث و بررسی است، اما در مورد مسجد اصولاً روح مسجد که فضای روحانی و قدسی است با موسیقی برگرفته از فضای مادی و زمینی همخوانی ندارد، و پخش موسیقی نیز به مصداق آیه فوق الذکر در مسجد جایز نیست و خود غفلت از یاد خدا را در پی دارد، البته جایگزین آن برای ایجاد تهییج می تواند جملات حماسی همراه با شور ورزشکار نوجوان و جوان ما باشد، در برخی ورزش های رزمی بومی شده خودمان بیان اسامی ائمه اطهار علیهم السلام فرستادن صلوات، بیان سرودهای متوالی و هماهنگ ورزشکاران و.. جایگزین خوبی است.

نتیجه‌گیری

ما در این نوشته در صدد اثبات این مطلب بودیم که پیوند بین تربیت بدنی و تربیت دینی در مسجد با حفظ حدود و شرایط مسجد امکان پذیر است، این امر نه تنها منافاتی با قداست مسجد ندارد بلکه اگر در محیط پیرامونی مسجد باشد بر کاتمی چون پیوند بین روح و جسم ورزشکار نوجوان و جوان، تقویت روحیه سلحشوری، تقویت روحیه دشمن ستیزی را نیز در پی دارد، اما در این بین باید توجه شود که ورزش که خود هدف نیست و ابزاری فرهنگی برای رسیدن به مقاصد عالییه است، مانع از ذکر خدا نشود و خود در مسیر دوری نوجوان و جوان از یاد الهی قرار نگیرد.

۱. قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، وصیته لأئمة المؤمنین علیهم السلام، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با ترجمه فارسی)، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم ودرر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.
۵. خرشاهی، بها الدین وانشاری، مسعود، پیام پیامبر، منفرد، تهران، ۱۳۷۶.
۶. روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۳/۹.
۷. سید رضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، (ترجمه موسوی همدانی)، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴.
۹. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت لاحیا التراث، قم، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. عطاردی، عزیزاله، ایمان و کفر (ترجمه ایمان و الکفر بحار الانوار)، تهران، عطارد، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. قرآنی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۲. قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.
۱۳. قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، پگاه، قم، ۱۳۸۲.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه کمره ای، اسوه، قم، ۱۳۸۵.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، موسسه نشر و تنظیم آثار امام، ۱۳۸۰.
۱۷. وب سایت www.Khamenei.ir
۱۸. وب سایت www.Sistani.org
۱۹. وب سایت www.saafi.org
۲۰. وب سایت www.makarem.ir



بازی کودکان در مسجد

فرشته روح افزا'

چکیده

در بررسی موضوع فوق دو محور اساسی وجود دارد، مسجد و بازی کودک. مسجد ستون جامعه اسلامی بوده و باید در تداوم نقش آن برای آینده تدبیر شود. کودک هم آینده جامعه و حیات آتی جامعه را رقم خواهد زد. پس بدیهی است که باید رابطه منطقی و همه جانبه و قوی بین این دو شالوده مهم جامعه تعریف و برقرار شود. در این مقاله ابتدا به نقش آفرینی هر یک از این شالوده‌ها پرداخته و سپس به رابطه‌ای که امروزه می‌توان بین این دو، به شکل جذاب به وجود آورد می‌پردازیم. در بخش انتهایی فواید این ارتباط برای کودک اشاره خواهد شد و کمک به اعتلای فرهنگ و آگاهی بخشی والدین در این زمینه و نیز ارائه راهکارها و وظایف اصلی والدین، پژوهشگران و نهادهای فرهنگی است.

واژگان کلیدی: ورزش، کودک و نوجوان، مسجد.

مقدمه

انسان به ناچار در نشئه دنیا درون دو فضا زندگی می‌کند. یکی فضای فیزیکی و دیگری فضای ارزشی، فکری و معنوی. فضای فیزیکی که انسان‌ها در آن به دنیا می‌آیند و تربیت می‌شوند خارج از اختیار ایشان است. فضای ارزشی و فکری هم که در آن رشد می‌کنند، معمولاً از کودکی بر آنها تحمیل می‌شود. از طرفی هم ساختار شناختی و دستگاه ادراکی انسان به گونه‌ای است که به دنبال شناخت و انتخاب یک الگو برای خویش است. یک گوهر در آنکه نیز در وجود انسان کار گذاشته شده است که طهارت و خبثت را تا حدودی درک می‌کند. برای زنده نگه داشتن آن گوهر لازم است که ارتباط انسان با محیط‌های معنوی و سالم بطور دائم حفظ شود، و این ارتباط دائمی شکل نمی‌گیرد مگر اینکه از دوران کودکی برای انسان ملکه شود. کودکان در این دوره حقوقی بر گردن والدین خود دارند که می‌بایست به آنها بپردازند و اگر آن حقوق را مراعات نکنند و ترک تکلیف کنند باید در آخرت پاسخگوی رفتار خود باشند.

الف) تعریف کودکی و اهمیت بازی

کودکی یکی از مراحل رشد انسانی است که از آغاز تولد شروع می‌شود و تا نوجوانی و جوانی ادامه می‌یابد. این مرحله از دو مرحله دیگر رشد وی بسیار مهم‌تر و اساسی‌تر است. از این رو آموزه‌هایش نیاز به توجه و اهتمام خاصی دارد؛ آینده هر شخصی به دوران کودکی او بستگی زیادی دارد. دغدغه اصلی اسلام تربیت انسان‌ها و ارائه جهان بینی اسلامی به اوست. دوران کودکی بقدری حساس است که اگر از فرصت آن استفاده نشده و طفل ساخته و پرداخته نشود، امکان بازسازی او هیچگاه چون اول نخواهد بود، و در بسیاری از موارد، دوباره‌سازی او، امری قریب به محال است. در حدود ۳ تا ۶ سالگی، رشد کودک بسیار سریع است، و در همین دوره بحرانی رشد است که می‌توان به پرورش شخصیت او همت گماشت، عادات نیکو و ضروری را در او ایجاد کرد، و او را به رعایت اصول و مقررات زندگی فردی و اجتماعی وادار نمود.» (قائم‌امیری، ۱۳۵۰)

ما می‌توانیم از طریق تدارک زمینه مناسب برای بازی، به کودک، چیزی را بدهیم که او را قادر می‌سازد تا بالغ شود. با شجاعت و اعتماد به نفس با زندگی رو به رو شده و احساس کفایت را در خود برای مشارکت در نظم اجتماعی رشد دهد. با فراهم نمودن زمینه مطلوب به او کمک کنیم تا از خود تصویری را که هماهنگ با انتظارات و مسئولیت‌های یک نظام اجتماعی آزاد باشد، بسازد. نظمی که در آن هر عضو باید یاد بگیرد که بار آزادی را تحمل کند و به عنوان یک شخصیت مستقل در دنیایی با ارزش‌های مشترک و هدف‌دار زندگی کند. (بازی درمانی، ۴۵)

یکی از منابع بسیار مهم در مسیر و عامل بنیادی در رشد و تکوین شخصیت کودکان،

«بازی» است. کودکان به کمک بازی و اسباب بازی با دنیای اطراف خویش آشنا می‌شوند، تا جایی که عشق و آرزوی کودک، در بازی و اسباب بازی خلاصه می‌شود و جهان بدون این دو، برای آنان زندانی بیش نیست. بنابراین، «بازی» و «اسباب بازی» سرمایه آنهاست. مدیریت صحیح این سرمایه به عهده والدین می‌باشد.

۱. کودک و بازی او از دیدگاه قرآن کریم

در آیه ۵ سوره حج داریم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ نُمْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقَرِّفِي الْأَرْحَامَ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْبِتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» دوران کودکی را مقدمه‌ای برای رشد و بلوغ و معرفتی می‌کند و در آیه ۲۰ سوره حدید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ زِينَتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزُورِ» چنان که دیدیم بر اساس آیه ۲۰ سوره حدید، خداوند، نخستین دوره رشد انسان را با بازی همراه کرده است. در روایاتی که از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده نیز سفارش بسیاری است که کودکان را تا هفت سالگی آزاد بگذارید تا بازی کنند. امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد، در هفت سال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سال سوم مراقب او باش. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ۱۹۳) علامه طباطبایی با اشاره به ویژگی‌های پنج‌گانه‌ای که در این آیه مطرح شده، آن را مطابق مراحل سنّ انسان از کودکی تا پیری می‌داند. (المیزان، ج ۱۹، ۱۶۴) بر اساس این تفسیر، دوران کودکی دوران بازی است و این بازی‌های کودکانه نقش اساسی در فرآیند رشد کودک دارد.

در داستان حضرت یوسف علیه‌السلام به این معنا می‌توان پی برد که بازی و تفریح یک ضرورت فطری است، و پیامبران الهی با این ضرورت فطری هیچ‌گاه مخالفت نمی‌کردند. از این رو برادران حضرت یوسف علیه‌السلام وقتی می‌خواستند او را از پدر جدا کنند، موضوعی را مطرح کردند که پدرشان با توجه به پیامبری و بینش الهی نتواند با خواسته آنها مخالفت کند. آنان در توجیه بردن حضرت یوسف علیه‌السلام به صحرا این‌گونه گفتند: ای پدر فردا یوسف را با ما به صحرا بفرست تا در چمن و مراتع بگردد و بازی کند. (یوسف/۱۲) حضرت یعقوب علیه‌السلام نیز با این درخواست مخالفت نکرد و فرمود که یوسف علیه‌السلام نباید به بازی مشغول شود.

از آن جایی که دوره کودکی دوران ضعف و سستی است، (حج/۵ و روم/۵۴ و غافر/۶۷) تأکید بیشتری بر حقوق کودکان شده است؛ زیرا آنها در این دوران نمی‌توانند از حقوق خویش دفاع کنند و خواهان اجرای عدالت و عمل به تکالیف از سوی والدین خود گردند. در اینجاست که خدانود خود کفالت کودکان را به عهده گرفته و از والدین خواسته تا به حقوق کودکان پایبند باشند و از هر گونه ضرر و زیان به آنان خودداری کنند. بازی را می‌توان یک حق برای کودک در نظر گرفت. این حق باید در یک محیط سالم شکل گیرد. همچنین از نیازهای طبیعی کودکان، بازی و گردش است. (یوسف/۱۲ و حدید/۲۰ و المیزان، ج ۱۹، ۱۶۴) بنابراین فراهم آوردن اسباب بازی و شرایط مناسب برای بازی و گردش کودکان از حقوق کودکان و وظیفه والدین، مؤمنان و دولت اسلامی است.

کودکان، نیازمند آموزش‌های درست و کاملی هستند تا بتوانند به رشد عقلانی دست یابند. از این رو در آیه ۶ سوره نساء از مؤمنان خواسته شده تا با آزمون‌های گوناگون شرایط رشد و بالندگی کودکان را در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصادی فراهم آورند. آزمون‌هایی که از سوی بزرگ‌ترها انجام می‌گیرد، می‌بایست در راستای رشد و بالندگی کودکان باشد؛ چنانکه بازی‌های کودکان نیز با این هدف مورد توجه قرار گیرد و از هر آن چه که موجب ناتوانی جسمی و روحی و روانی کودک می‌شود جلوگیری به عمل آید.

۲. بازی کودک از نظر روایی

حضرت محمد ﷺ با جمعی از یاران از محلی عبور می‌کردند، کودکان را در حال خاک‌بازی دیدند برخی از یاران خواستند آنان را از بازی کردن باز دارند. پیامبر ﷺ فرمودند: بگذارید بازی کنند که خاک محل پرورش کودکان است. (مجمع الزوائد، ج ۸، ۱۵۹) امام موسی بن جعفر ﷺ می‌فرمایند: شایسته است که کودک به هنگام خردسالی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی صبور و شکیبیا گردد. (مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۵۳) پیامبر ﷺ نیز می‌فرمایند: شیطنت و لجاجت کودک به هنگام خردسالی، نشانه زیادی عقل او در بزرگسالی است. (نهج الفصاحه، شماره ۱۹۴۰، ۴۲۰) نمونه‌ای از بازی‌های بدون ابزار و بر پایه فکر که در سیره ائمه گزارش شده است و می‌تواند الگوی بازی در دوران امروز نیز باشد در زیر آدرس داده شده است.

در مورد امام باقر ﷺ نیز آمده است که به فرزندش امام صادق ﷺ اجازه می‌داد تا با کودکان تفریح و بازی کند. امام صادق ﷺ در کودکی افزون بر شرکت در بازی‌هایی که با دویدن و

جهیدن همراه بود به بازی‌های فکری با دوستانش مشغول می‌شد. برای نمونه در یکی از بازی‌ها، امام جعفر صادق (ع) می‌نشست و استاد می‌شد و کودکان دیگر شاگرد او می‌شدند. او نام میوه‌ای را می‌خواست که برای نمونه بر درخت یا زمین می‌روید، رنگ آن قرمز است و طعم شیرین یا ترش دارد و فصل آن همین فصل است. هر کس نام او را می‌گفت، او استاد می‌شد و گروه را رهبری می‌کرد. گاهی بعضی از کودکان از روی شوخی نام میوه‌ها را عوض می‌کردند و پاسخ اشتباه می‌دادند. حضرت به دلیل صداقت نداشتن بعضی از هم‌بازی‌هایش، بازی را ترک می‌گفت، ولی با خواهش باقی دوستانش که می‌گفتند بازی بدون او رنگی ندارد، دوباره به بازی باز می‌گشت. در بازی دیگر حضرت، باز هم یک استاد و چند شاگرد بود. استاد کلمه‌ای مانند «الشراعیه» و کلمات هم‌وزن آن مانند «الصفائیة»، «الدعیة» را می‌گفت، اگر چه بی‌معنا باشد، در حالی که شاگرد مدام باید همان کلمه نخست را تکرار می‌کرد. بارخ دادن اشتباه، شاگرد از بازی خارج می‌شد و دیگری جای او را می‌گرفت.

۳. بازی کودک از نظر روانشناسان

به واسطه اهمیت بازی در زندگی انسان‌ها به ویژه کودکان، روان‌شناسان از دیرباز آن را مورد توجه قرار داده‌اند، دانشمندان به طور ریشه‌ای به مطالعه بازی کودکان و نقش آن در رشد ذهنی و فکری و زندگی اجتماعی پرداخته‌اند. در روان‌شناسی رشد و شخصیت کودک، بخشی از مباحث به موضوع نقش بازی در فرآیند رشد اختصاص یافته است. چگونگی برخورد با بازی، انتخاب بازی، اهمیت بازی و مانند آن، همگی نشان از چگونگی نگرش کودک به محیط خود و راهنمایی برای وابستگی و ارتباط با محیطش دارد. بازی‌ها به انواع مختلف جسمی، تقلیدی، نمایشی، نمادی، تخیلی و آموزشی دسته‌بندی شده‌اند که هر یک از انواع آنها در رشد جسمی، اجتماعی، شخصیتی، عاطفی کودکان نقش مؤثری دارند. بازی علاوه بر رشد عضلات و سلسله اعصاب و پرورش حواس، تأثیر بسیاری در رشد ذهنی مهارت‌های فکری و یادگیری کودکان دارد.

یکی از فرضیه‌های روان‌شناسی این است که بازی، رشد هوشی را تسریع می‌کند. در تأیید این فرضیه نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد کودکانی که فاقد هرگونه اسباب بازی می‌باشند و یا امکانات اندکی برای بازی دارند، از لحاظ شناختی از همسالان خود عقب‌تر هستند. آدلر از روان‌شناسان مشهور معتقد است بازی فرآیندی است که آماده‌سازی کودک

را برای آینده مشخص می‌کند. ویگوتسکی می‌گوید: بازی‌ها به رشد ذهنی و فکری، عاطفی، احساسی و اجتماعی کودکان کمک می‌کنند و در واقع بازی‌ها ابزار کنترل و تنظیم رفتار کودک هستند. ژان پیاژه به طبقه‌بندی بازی‌های کودکان دست زده و آن‌را به سه دسته تقسیم نموده است: ۱. بازی‌های تمرینی ۲. بازی‌های نمادین ۳. بازی‌های با قاعده. ویلیام استرن می‌نویسد: بازی یک گزینه برای رشد و نمو استعدادها بوده و یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی می‌باشد. (روانشناسی کودک، ۳۳۱) آنتوان سمیر نوویچ ماکارنکو مربی شوروی می‌گوید: کودک در هر بازی هر طور باشد، وقتی که بزرگ شد، در کارها هم همان‌گونه خواهد شد زیرا در هر بازی خوب، قبل از هر چیز کوشش کار و کوشش فکر وجود دارد. بازی خوب شبیه کار خوب است. در بازی احساسات و آرزوهای کودک ظاهر می‌شوند. به کودکانی که بازی می‌کنند بنگرید، ببینید چگونه در نقشی که برای خود انتخاب کرده‌اند، واقعی هستند. احساسات کودکان در بازی، احساسات واقعی و اصیل است و بزرگ‌ترها نباید هیچ وقت به آنها بی‌اعتنا باشند. (روان‌شناسی تجربی کودک، ۱۳۰)

۴. بازی کودک از نظر اندیشمندان شرقی

ابن سینا رحمته الله علیه سلب آزادی و جلوگیری از جنب و جوش و بازی کودکان را زمینه‌ای برای افسردگی آنها می‌داند و نتیجه این افسردگی‌های بی‌موقع و زودرس سبب می‌شود رغبت‌های کودکان از بین برود، و آنها بیمار شوند. خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله علیه ورزش و بازی را وسیله‌ای برای رفع خستگی از فعالیت‌های جدی می‌داند، او شرط بازی را آزادی عمل اطفال می‌داند و ممانعت از بازی‌های غم‌انگیز را وظیفه والدین می‌شمارد؛ به این معنا که اولیاء نباید بگذارند کودک به بازی‌های غم‌انگیز بپردازد. از نظر خواجه نصیر رحمته الله علیه بازی وسیله‌ای برای بروز توانایی‌های کودک، برانگیختن شور و نشاط در کودک و وسیله‌ای برای رسیدن کودک به سلامت جسم و روح است. محمد غزالی می‌گوید: بازی اختصاص به دوره کودکی ندارد، بلکه در دوره نوجوانی نیز پس از مطالعه کتاب، باید بازی کند تا خستگی ناشی از مطالعه از تن او جدا گردد.

۵. دیدگاه پرورشی در مورد بازی کودک

از نظر پرورشی نیز اثر و ارتباط بازی با حال و وضع جسمانی کودک به خوبی ثابت شده و ذکر شده که در انجام بازی‌های مختلف چگونه جسم کودک ورزیده شده و رشد می‌کند. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که بین بازی و آموزش و پرورش رابطه‌ای دقیق وجود دارد و می‌توان گفت این دو لازم و ملزوم یکدیگر بوده و موفقیت در امر آموزش و پرورش به معنای صحیح، مستلزم ارضای کلیه تمایلات و نیازهای جسمانی و روانی کودک در هنگام بازی و فعالیت‌های بدنی اوست. وقتی چنین ارتباط نزدیکی بین بازی و آموزش و پرورش احساس می‌شود، بدیهی است زمانی می‌توانیم در امر آموزش و پرورش قدمی مثبت برداریم که واقعاً کودکان را بشناسیم و به روحیات و عواطف و احساسات آنها آگاه باشیم. از اینجاست که نقش بازی در فرآیند رشد شخصیتی کودک به خوبی آشکار می‌شود. بازی از نظر جسمی سبب هماهنگی عضلات و اعضای بدن می‌شود. کودکانی که فرصت بازی داشته‌اند، چُست و چالاکنند و بیشتر برای رویارویی با سختی‌های زندگی آماده می‌شوند، بنابراین، در برابر مشکلات و ناملازمات صبور و پایدار خواهند بود.

ب) تربیت کودک

پیامبر اسلام ﷺ به پدران و مادران گوشزد می کند که هرگاه در کودکان خود فزون کنشی و به اصطلاح شیطنت و شلوغ بازی مشاهده کردند، مانع بازی و تحرک و فعالیت آنها نشوند؛ زیرا ممکن است همین شلوغ بازی ها و جنب و جوش ها که گاه موجب به هم ریختگی اسباب و وسایل، ناراحتی و عصبانیت والدین می شود، به اخلاق فاضله و رفتارهای بهنجار آنان در بزرگسالی بیانجامد. به استناد روایت فوق هنگامی که هم پدر و هم مادر و یا یکی از آن دو بی حوصله باشند و تحمل شلوغ بازی کودکان را نداشته باشند، نباید آسایش کودکان را از آنها سلب کرده و از بازی آنها جلوگیری کنند. در روایت دیگر از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «یُسْتَحَبُّ عِرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ». ثم قال: ما ينبغي إلا أن يكون هكذا» مرحوم مجلسی در ذیل این روایت، «عرامه» را به شیطنت، بازیگوشی و علاقه بیش از حد کودک به بازی معنا کرده است. بنابراین، معنای روایت این می شود که: شایسته است کودک به هنگام خردسالی، بازیگوش و پر جنب و جوش باشد، تا در بزرگسالی صبور و شکیبا و باهوش شود. سپس فرمود: البته انتظار نمی رود که کودک غیر از این باشد. اگر کودکی مطیع و آرام و به اصطلاح خوش اخلاق باشد، هنگام بزرگسالی، وابسته، کودک و کم هوش و ناشکیبا خواهد بود. پس بازی، شیطنت، شکستن و به هم ریختن، حق طبیعی کودک و نشانه هوش و زیرکی او در بزرگسالی است. والدین باید به آثار تربیتی بازی توجه کنند و با الهام از سیره عملی معصومین علیهم السلام که به فرزندان خود اجازه بازی و تفریح می دادند، به کودکان خود اجازه دهند تا به تفریح و سرگرمی مشغول باشند.

خداوند در آیاتی از جمله آیات ۵ و ۸ سوره نساء از مؤمنان خواسته تا بر خوردی شایسته و

سازنده در گفتار و رفتار با کودکان داشته باشند. امام صادق علیه السلام دوران کودکی را دوران سفاهت می‌شمارد که با تربیت‌های مریبان به وسیله ابزارهای گوناگون از جمله تغذیه و آموزش و پرورش، این سفاهت به بلوغ و رشد فکری و اقتصادی و جسمی و جنسی تبدیل می‌شود. (تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ۴۴۲، ح ۵۰)

کودکان نیازمند تربیت به ویژه از سوی والدین خود هستند. (اسراء/ ۲۳ و ۲۴) خداوند در آیه ۵۸ سوره نور پدر و مادر را موظف به تربیت فرزندان و تعلیم آداب می‌داند و از والدین می‌خواهد تا همه تلاش خویش را به این مبذول دارند که این امر باروش‌های بازی قابل تحقق است. آموزش کودکان به آداب زندگی این فرصت را به کودکان می‌دهد تا در جامعه بتوانند به مراعات حقوق دیگران پردازند و توانایی تحمل ایشان بالا برود. البته در این میان مادر نقش بسزایی در تربیت کودک دارد، لذا خداوند در آیه ۴ سوره طه و نیز آیات ۱۰ تا ۱۳ سوره قصص از مسئله کفالت مادر برای تربیت نیک کودک سخن به میان می‌آورد. هر کسی می‌کوشد تا بهترین کس را برای کفالت و سرپرستی کودک داشته باشد، در این میان مادر بهترین گزینه در این باره است. مادران با حوصله خاص خود به خوبی می‌توانند این وظیفه را انجام دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به والدین می‌فرماید: «هفت سال فرزندت را به بازی فراخوان.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرصت‌های مناسب با نوه‌های خود (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) بازی می‌کرد، و آنان را به بازی با همسالان خود تشویق می‌کرد.

۱. تربیت کودک در سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام

روزی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از کنار کودکانی گذشت که سرگرم بازی بودند. یکی از اصحاب، آنان را از بازی منع کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «بگذارید بازی کنند، خاک چراگاه کودکان است.» همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «دع ابنک یلعب سبع سنین» فرزند خود را آزاد بگذار تا سن هفت سالگی بازی کند و حتی در سنین بالاتر هم کودکان را به بازی توصیه می‌کرد.

در روایت است که مؤمنان می‌بایست به این چهار وظیفه اصلی در خانواده خود توجه داشته باشند: ۱. بدعائهم الی طاعه الله؛ دعوت به اطاعت خداوند ۲. و تعلیمهم الفرائض؛ آموزش واجبات ۳. و نهیمهم عن القبائح؛ نهی از محرّمات و زشتی‌ها ۴. و حثیم علی افعال الخیر؛ و تشویق

به کارهای خیر و نیک، (بحار الانوار، ج ۱۷، ۶۸) با عنایت به روایت فوق پر واضح است که بستر این تربیت در مسجد به نحو احسن فراهم می‌گردد.

می‌توان از مسجد و رهبران دینی بر تربیت کودک کمک گرفت و اولیا نیز خود تربیت کردن صحیح را بیاموزند. رسول خدا ﷺ در مورد تربیت از سنین کودکی فرموده‌اند: هر کس فرزندش را از کودکی تربیت کند تا او بتواند بگوید لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد کشید. تربیت دینی کودک در مسجد به دلیل تکرار و تنوع محیطی و گویشی راحت‌تر است. امام صادق (ع) می‌فرماید: هنگامی که کودک به سه سالگی رسید «لا اله الا الله» را به او بیاموزید و او را رها کنید. (همین مقدار کافی است). وقتی هفت ماه دیگر گذشت «محمد رسول الله» ﷺ را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن گاه صلوات فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده و بگویید سجده کند. آن گاه او را تا شش سالگی واگذارید. فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر گذاشت، وضو گرفتن را به او تعلیم دهید و به او بگویید نماز بخواند، تا هنگامی که نه ساله شد وضو و نماز را به نیکی آموخته باشد. هنگامی که آن دورا به خوبی یاد گرفت خدا پدر و مادر او را به خاطر این آموزش‌شان خواهد آمرزید. (وسائل الشیعه، ج ۱۵، ۳۹۱) و نیز می‌فرماید: «علموا صبیانکم من علمنا ما ینفعهم الله به لا تغلب علیهم المرجئه برابها»؛ کودکانان را به دانش ما آموزش دهید که برای آنان سودمند است تا مرجئه [و منحرفین] با دیدگاه‌های خود آنان را گرفتار دام خود نسازند. (الخصال، ج ۲، ۷۱) قواعد و اصول و مقررات بازی‌ها، کودک را با روح قوانین و اصول اخلاقی آشنا می‌سازد و او را آماده می‌کند که اصول و مقررات زندگی اجتماعی را درک کند و مسائل انضباطی و اخلاقی را درست و به موقع به کار بندد. بسیاری از اصول ارزشمند اخلاقی و اجتماعی مانند تعاون، همکاری، همدلی، مشارکت و مانند آن را کودکان به هنگام بازی می‌آموزند. از این رو، والدین و مربیان باید امکانات لازم را برای بازی‌های مفید کودکان فراهم کنند و به هیچ رو کودکان را منع نکنند و به این اصل توجه داشته باشند که شغل کودک تا هفت سالگی بازی است.

۲. نقش مسجد در روح و روان انسان

انسان امروزی علی‌رغم پیشرفت تکنولوژی بسیار خسته از زندگی و روزمرگی دنیاست و

دچار نوعی آشفتگی و عدم رضایت از تمام مراحل زندگی شده است. او نیازمند پناهگاه امنی برای بدست آوردن آرامش است. جایگاهی که بتواند به آن اطمینان کند و تکیه گاهش باشد و در آن فضا به حقیقت سکون روحی - روانی دست پیدا کند. مسجد مأمن امن الهی و پناهگاه انسان است. «ادخلوها بسلام آمین» (حجر/۴۶) این قطعه از زمین که مسجد نام گرفته بیشتر از هر مکان دیگری نظر رحمت الهی به آن است. به همین دلیل نور خدا را در این مکان به وضوح می توان دید. خانه ای به دور از مظاهر فریبنده دنیا و خسته کننده روح و روان، که نام خدا در آن بلند است. مسجد به عنوان پناهگاهی امن برای انسان است، چه در شرایط عادی و چه در شرایط بحران زندگی آدمی، می تواند کانونی مهم برای ایجاد خودباوری و آرامش انسان باشد.

این حریم پر نور و لبریز از صفا، این وادی مهر و صمیمیت و سرشار از معنویت و عشق، دوست داشتنی ترین جای زمین نزد خداست. این مکان محل استجاب دعا، رفت و آمد ملائکه، ارتباط با خدا و محل آموزش تعالیم وحی و محلی برای پاسخ گویی نیازهای روحی و روانی و معنوی انسان هاست. حال اگر در این فضای نورانی، شاکله شخصیت انسان شکل بگیرد و رشد پیدا کند، پیوستگی دائمی روح آدمی با این فضای پاک می تواند در تمام مراحل زندگی، سعادت ابدی را تضمین کند.

از مسائل مهمی است که راه شقاوت و یا سعادت انسان را رقم می زند، شکل گیری صحیح شخصیت انسان می باشد و پر واضح است که عمده شخصیت آدمی در سنین کودکی شکل می گیرد. رشد صحیح و مکتبی، اعتماد به نفس، پایه های اعتقاد دینی، به فعلیت رسیدن استعداد های نهفته در انسان، علم آموزی، ادب، تواضع و... تمام این مؤلفه ها برای نهادینه شدن شخصیت انسان عمدتاً در دوران کودکی شکل می گیرد.

۳. مسجد کانون ارتباط عبد و معبود

همان طور که عوامل متعددی در ایجاد روحیه خودباختگی مؤثر است، عوامل دیگری می تواند در ارتقای روحیه خودباوری اثر گذار باشد که از جمله آنها، «مسجد» است. با توجه به جایگاه مسجد در زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان، این نکته مبرهن است که در سخت ترین شرایط و بحرانی ترین حالات، انسان مؤمن، به خدا و مسجد پناهنده می شود و در این میعادگاه عاشقان، با معبود خود خلوت می کند. برای بهره مندی مؤثر از معنویات شخص نیاز

دارد هم مجهز به اعتقادات سالم و کامل باشد و هم در فضایی معنوی قرار بگیرد. مصداق آیه مبارکه «وَاذْكُرُوا فِي الْفَلَکِ دَعْوَاهُ مَخْلِصِينَ.»

۴. مسجد کانون ایجاد خودباوری فردی

پیامبر گرامی اسلام ﷺ همواره به کودکان احترام می گذاشت و دیگران را نیز به این امر سفارش می کرد. از سخنان آن حضرت است که فرمود: فرزندان خود را گرامی بدارید و با آداب نیکو با آنها معاشرت کنید. یکی از فلسفه های اصلی احترام به کودکان که در اسلام به آن سفارش شده، پرورش عزت نفس آنها است. مسجد به دلیل اینکه یک محیط اجتماعی می باشد اگر در آن با کودکان با احترام برخورد شود، موجبات عزت نفس و پذیرش دین را در کودکان به بهترین شکل فراهم می کند.

معمولاً در هنگام بازی بچه ها در مسجد به دلیل سر و صدا و یا شیطنت های خاص دوران کودکی شان مورد عتاب و یا رفتار خشن بعضی از بزرگسالان قرار می گیرند. از روایات بخوبی می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که احترام و درک آنان جز الزامات می باشد.

۵. ابراز محبت به کودکان

یکی از راه هایی که باعث می شود افراد، احساس ارزشمندی کنند، ابراز محبت به آنان است. محبت عامل بسیار نیرومندی در شکل گیری شخصیت در تمام دوره های رشد است؛ اما این نیاز در دوره کودکی، اهمیت و حساسیت بیشتری دارد، به گونه ای که شکل گیری و رشد شخصیت روانی کودک به ارضای این نیاز منوط است. از این رو، در آموزه های دینی، توجه ویژه ای به آن شده و از محبت به کودکان، به بهترین اعمال، وسیله رحمت الهی، و عبادت یاد شده و پیامبر گرامی اسلام ﷺ مکرر به محبت فرزند سفارش کرده است: «حَبِّوْا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَرُونَكُمْ إِلَّا أَنْتُمْ تَرَوْنَهُمْ» کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربانی کنید، و هر گاه به آنان وعده دادید، به وعده خود عمل کنید؛ زیرا آنان شما را روزی دهنده خود می دانند.

«خودباوری» یکی از خصائص مؤمنان و از علائم رشد آنان است و ریشه در عزت و کرامت انسان مؤمن دارد که خداوند متعال به او عطا کرده است. انسان مؤمن نسبت به دارایی ها و توانایی های خویش بی توجه نیست، بلکه نسبت به آنها حساسیت دارد و بر پایه آنها برای

آینده خود برنامه‌ریزی و حرکت می‌کند. خود را باور دارد و در عین حال نواقص، ضعف‌ها و کمبودها را نمی‌پوشاند.

احترام به کودکان و محبت به آنان در رشد شخصیتی آنها نقش کلیدی دارد و بازی نیز نیاز کودک است، هنگام بازی از صدا و شلوغ کردن گرفته تا گاهی درگیری بین کودکان و... از مسائلی است که نمازگزاران را آزار می‌دهد. به هر حال مسجد جایگاه عبادت و مناجات با معبود است و نمازگزار نیازمند آرامش است. اگر مکان بازی بچه‌ها با محل عبادت یکی باشد مسلماً تداخل بوجود می‌آید. لذا ضمن حفظ احترام مسجد به عنوان محراب و محل عبادت، باید بچه از کودکی قربایت با مسجد را تجربه نماید و مزاحمتی هم برای مراسم نماز و تمرکز نمازگزاران نباید به وجود آید. هم باید شخصیت و اعتماد به نفس بچه تأمین گردد و هم حوصله بزرگسالانی که تحمل سر و صدای کودکان را ندارند رعایت گردد. جمع بین این دو حالت این است که اگر همزمان بخواهیم هر دو را با هم داشته باشیم دو فضای مجزا اختصاص داده شود و اگر فضای لازم وجود ندارد زمان بندی حضور کودکان مدیریت گردد.

۶. مسجد کانون اجتماعات اسلامی که زمینه‌ساز روحیه مذهبی در کودکان است

مسجد نقش مهمی در اجتماعات مؤمنان دارد. بدین جهت، مسجد می‌تواند در گسترش فرهنگ و روحیه خودباوری جمعی مؤثر واقع شود.

اجتماعات در روح و روان انسان‌ها آثار ماندگار می‌گذارند و از نشاط خاصی برخوردارند و معمولاً خاطرات خوش و مؤثر، در همین اجتماعات شکل می‌گیرند. کودک به لحاظ داشتن روحیه اجتماعی در این‌گونه محیط‌ها شاداب‌تر، با نشاط‌تر و اثر پذیرتر می‌شود. دنیای کودکی که دنیایی سرشار از نشاط و یادگیری و تقلید است و با حضور کودک در اجتماعات مذهبی شاکله و بنیادش با باورهای مذهبی شکل می‌گیرد.

مسجد جایگاهی است که بر پایه عبودیت و پرستش خداوند متعال، صفوف مؤمنین را یکپارچه به وجود می‌آورد. پیوستن مؤمنان به هم در یک فضا، یک زمان و با یک هدف امری بسیار مقدس و دارای آثار فراوان تربیتی است. «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» بی‌شک اگر این استحکام صفوف به استحکام قلوب و همگرایی دل‌ها و ایجاد اخوت ایمانی منجر شود، نیرویی عظیم در روح مؤمنان ایجاد می‌کند که انسان مؤمن در مقابل ضعف‌ها، سختی‌ها و دشمنی‌ها هیچ بیمی به خود راه نمی‌دهد و تمرین اجتماعات باعث

تولید نیروی ثانویه دیگری می‌شود که می‌توان آن را ایمان اجتماعی نامگذاری نمود. «کم من فئه قلیله غلبه فئه کثیره باذن الله...» که حتی تعداد کم شما می‌تواند بر تعداد زیاد دشمنان به اجازه الهی پیروز شود.

این مهم می‌تواند در فرهنگ‌سازی جامعه نقش ایفا کند که اگر از دوران کودکی این نقوش در وجود انسان شکل بگیرد، پایه‌های شخصیتی روحی روانی و مذهبی انسان بطور صحیح ساخته می‌شود. برای رسیدن به این هدف لازم است از کودکی رابطه کودک با مسجد برقرار شود.

۱.۲. ایمان در کودک

مهم‌ترین کارکرد مسجد کمک به تقویت ایمان است. ایمان مذهبی نقش مهم و اساسی در زندگی بشر دارد. استاد مطهری می‌نویسد: «ایمان مذهبی در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند، تلخی‌ها را شیرین می‌گرداند. انسان با ایمان می‌داند هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر عکس‌العملش در برابر تلخی‌ها به نحو مطلوب باشد، فرضاً خود این غیرقابل جبران باشد به نحوی دیگر از طرف خداوند متعال جبران می‌شود.»

بدین جهت، کلیه برنامه‌های مسجد باید در راستای تقویت ایمان مؤمنان به داشته‌ها و ظرفیت‌های خود باشد؛ به خصوص تقویت ایمان مردم به دین و معارف ناب اسلامی که مهم‌ترین سرمایه انسان است. از این رو فضای معنوی و ربّانی مسجد نقش عمده‌ای در تقویت ایمان آدمی دارد.

۸. گسترش فضا برای خودشناسی کودک

در معارف اسلامی معرفت نفس جایگاه بسیار مهمی دارد. حفظ فطرت پاک کودک با فضا سازی مناسب برای تعلیم و تربیت و بازی مناسب و سالم امکان پذیر می‌باشد.

بروای خواجه خودرانیک بشناس که نبود فریبی مانند آماس

(شبستری در گلشن راز)

فضا و روح حاکم بر مسجد فضایی است که انسان را به خودشناسی و می‌دارد و به جای آن که انسان گرفتار زرق و برق فیزیکی بی‌حاصل باشد، محیط تفکر را فراهم می‌آورد و موجبات پی بردن فرد به حقیقت خود را فراهم می‌سازد. مسجد بهترین جایی است که

انسان نماز گزار می تواند در خلوت معنوی فرو رود. یکی از آثار بازی مناسب می تواند فکر کردن و تمرکز در فکر و درست فکر کردن باشد. اصولاً روی آوردن به تفکر آموزشی است که از کودکی تمرین می شود و تا آخر عمر دوام می آورد.

۹. استحکام قلوب مؤمنین

مسجد مهم ترین جایگاه در اسلام است که بر پایه عبودیت و پرستش حضرت حق صفوف، مؤمنین را به وجود می آورد. پیوستن مؤمنان به هم در یک فضا، یک زمان و با یک هدف امری بسیار مقدس و دارای آثار فراوان تربیتی است. بی شک اگر این استحکام صفوف به استحکام قلوب و همگرایی دل ها و ایجاد اخوت ایمانی منجر شود، نیرویی عظیم در روح مؤمنان ایجاد می کند که انسان مؤمن در مقابل ضعف ها، سختی ها و دشمنی ها هیچ بیمی به خود راه نمی دهد. چنان که در قرآن کریم آمده است: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ.»

ج) آسیب‌های ناشی از عدم حضور کودکان در مسجد و انقطاع از مسجد

۱. خودفراموشی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل خودباختگی، خود فراموشی یا عدم شناخت خویشتن است. انسان اگر به خویشتن خویش علم و معرفت نداشته باشد، ارزش خود را نادیده می‌گیرد و به دنبال این و آن می‌رود. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُ خَيْرَهُ» از کسی که برای خود شخصیتی قائل نیست، امید نیکی مدارید.

۲. عدم توانایی ابراز وجود

یکی از نیازهای انسان به خصوص نوجوان و جوان، علاقه به خود و نیاز ابراز وجود و اثبات خود است. از این رو همواره به دنبال آن است که خود را معرفی کند و از این طریق به خودش کوفایی برسد. مانند شرکت در مراسم جمعی، گفتن اذان در جمع، قرائت قرآن و... اما اگر جوان جایی را برای عرضه خویشتن نیابد به «منفی‌گرایی» روی می‌آورد و به مقابله و جبهه‌گیری در قبال دارایی‌های خود و یا اطرافیان اقدام می‌کند.

۳. ضعف ایمان

نداشتن ایمان قلبی به معنویت و آخرت، بی‌توکی و بی‌صبری به وجود می‌آورد و در نبود این صفات در انسان، خودباختگی تولید می‌شود.

۴. احساس تنهایی در طریق

یک انسان معمولی اگر همراه خود انسان‌هایی را مشاهده کند که با او هم‌دل و یک‌رنگ

هستند، راحت‌تر به حرکت ادامه می‌دهد تا انسانی که خود را تنها مشاهده کند. تنهایی موجب وحشت، یأس، ناامیدی و نهایتاً خود باختگی است.

۵. عدم مشاهده و لمس آثار کاربردی توانایی‌ها

انسان‌ها دوست دارند آثار و برکات توانایی‌ها و دارایی‌های خود را به‌طور ملموس و محسوس احساس کنند.

۵-۱. گسست نسل‌ها

عدم ارتباط خوب و سالم میان نسل جوان با نسل پیش از خود، موجب نوعی گسست و فاصله می‌شود. اگر این گسست‌ها و فاصله‌ها جبران نشود به تدریج موجب بیگانگی جوان با فضا و فرهنگی می‌شود که نسل پیشین ساخته‌اند.

۵-۲. نداشتن الگو و عدم آشنایی با اندیشمندان علمی فرهنگی خود

الگو داشتن نقش بسیار مهمی در تربیت انسان دارد. اگر جوان مسلمان از مفاخر خود اطلاع نداشته باشد و در عوض دانشمندان و مفاخر بیگانه و حتی هنرپیشه‌ها و ورزشکاران خارجی هر روزه به او معرفی شوند، نسبت به فرهنگ خود بیگانه می‌شود.

۵-۳. عدم اطلاع از پیشرفت‌های ملی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی

نداشتن اخبار و اطلاعات دقیق و گسترده از پیشرفت‌های ملی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی موجب ناامیدی می‌شود.

۵-۴. تبلیغات دشمن و تهاجم فرهنگی

دشمن با استفاده از نقاط ضعف ما و با استفاده از رسانه‌های خود موجبات خود باختگی ما می‌شود، و به تدریج غرب را به عنوان الگو و جامعه‌ایده‌ال معرفی می‌کند.

د) آثار و برکات حضور کودک در مسجد

۱. ثمره تلافی کودک و مسجد

بازی کودکانه‌ای که معقول و مشروع باشد موجب رشد کودک است. فضای معنوی مسجد به‌علاوه شادی‌های کودکانه و ابزارهای بازی‌های کودکانه می‌تواند فطرت بی‌آلایش کودکانه را بیدار و جذب نماید و ثابت‌قدم گرداند.

۲. الدرس فی الصغر کالنقش فی الحجر

روح و روان کودک در محیط سالم می‌تواند آرامش واقعی را تجربه نماید. در مکان امن و معنوی خاطراتش شکل می‌گیرد و نوع نگاهش به زندگی و جهان بینی‌اش شکل گرفته و تکمیل می‌شود. اگر فرزندان با ریشه‌های دینی و فرهنگی ما آشنا نشوند، با مشکلاتی که در بالا ذکر شد روبرو خواهند شد. آشنایی و دین‌داریشان رابطه مستقیمی با مراکز مذهبی از جمله مهم‌ترین آنها مسجد می‌باشد. برنامه‌های مساجد باید در راستای تقویت کودکان و رفع آسیب‌های فوق‌طراحی و اجرا شوند. اگر کودکان از دوران طفولیت جذب مسجد شوند و بیاموزند که پاسخ‌سؤالات و شبهات خود را همواره از محیط مسجد دریافت نمایند، در دوران بلوغ تا بزرگسالی نیز این ارتباط و پیوند برقرار خواهد ماند. ثمره شادابی و نشاط دوران کودکی تا پایان عمر در شخص باقی می‌ماند و مثلاً اگر خاطره پیروزی تیم ملی کشور را در مسجد و در کنار سایر دوستانشان تجربه نمایند، خاطره خوش و ماندگاری در آنان بوجود می‌آورد. در قسمت پیشنهادات راهکارهایی در این خصوص آمده است.

۵) پیشنهادهای جهت ارتباط کودک و مسجد و جذاب نمودن مسجد

۱. جذاب نمودن محیط فیزیکی مسجد

بردن طبیعت بداخل فضای حیاط مسجد مانند گل و گیاه و درختان میوه و داشتن حوض آب کم عمق و پاکیزه و یا آب نما موجب نشاط و جذب کودکان می شود. استفاده از وسایل بازی نظیر تاب و سرسره و استفاده از رنگ های شاد در محیط داخل مسجد.

ایجاد اطاق های مخصوص بازی کودکان متناسب با سن مجهز به وسایل بازی فکری و اسباب بازی های فکری، نقاشی، خطاطی، کاردستی و بی خطر و با حضور مربی ایجاد مهدهای قرآنی ویژه ساعات نماز جهت آموزش نماز و وضو و حدیث و قرآن (در ساعات نماز این حسن را دارد که کوتاه بودن زمان کلاس ها به جذابیت آنها می افزاید و موجب رجوع خانواده ها در ساعات نماز به مساجد می گردد.)

ایجاد مهدهای قرآنی جهت نگهداری کودکان در ساعات اداری و با محوریت آموزش نماز و وضو و حدیث و قرآن و ... (برتری چنین مهدهایی نسبت به مهدهای معمولی در این است که بجای آموزش موسیقی و موارد غیر ضرور و مضر، روح و روان کودک در محیطی مذهبی و شاد رشد می یابد.)

ایجاد کلاس های رفع اشکال درسی مانند ریاضی و فیزیک و ... برای سنین بالاتر توسط جوانان فارغ التحصیل یا دانشجوی محل به دانش آموزان و همچنین برای مقاطع مختلف تحصیلی.

فراهم نمودن مکانی برای ارائه خدمات آموزشی در مسجد

انجام آموزش توسط افراد مطمئن و متدین (مانند طلاب و دانشجویان محل) که خود یک

الگوی عملی برای آموزش بیننده فراهم می‌آورند.
جذب جوان به محیط مسجد و محیطی که فضای کار آموزی داشته و می‌تواند در ارتقاء توانایی کسب و کار آتی جوانان موثر باشد.
ایجاد پایگاه‌های تابستانی و برگزاری کلاس‌های هنری، معرق، خطاطی، نقاشی و ...

۲. جذاب نمودن محیط معنوی (نرم افزاری) مسجد

۱-۲. از جمله وظایف دولت اسلامی و مؤمنان آن است که کودکان را از محیط کفر و ظلم بیرون آورند و حتی با جهاد و شهادت اجازه ندهند تا کودکان در محیطی رشد کنند که فطرت ایشان لطمه ببیند و نتوانند کمالات بایسته و شایسته خویش را به دست آورند. خداوند در آیه ۷۵ سوره نساء، نجات کودکان از محیط کفر و شرک را به عنوان یک وظیفه و مسئولیت برای مؤمنان تعریف کرده است و بر همین اساس مسئولیت دولت اسلامی در این حوزه به سبب امکانات و توانایی‌ها به مراتب سخت‌تر و شدیدتر است.

۲-۲. برای جذب مردم به مساجد باید از طریق اخلاق، معنویت و ابزار هنری جذاب و زیبا، نظافت و برنامه‌های متنوع و خوب استفاده کرد که بسیار مؤثر است. به عبارت ساده ایجاد طهارت ظاهر و باطن بوجود آید.

و از برنامه‌هایی که در شأن مساجد نیست و انواع آهنگ و سبک‌ها برای مداحی‌ها و سرودهایی که به کار می‌رود و در شأن مسجد نیست اجتناب شود.

۳-۲. خاطرات دوران کودکی می‌تواند در شخصیت انسان بسیار مؤثر باشد. مکان‌ها و زمان‌هایی که این خاطرات برای انسان در کودکی شکل می‌گیرند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مکانی که احساس شادابی می‌دهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
در جذب کودکان به مسجد، در حالتی ممکن است نیاز به اولویت بندی شود که در این صورت کودکان یتیم و مستضعف از اولویت بالاتری برخوردار خواهند بود.

۴-۲. خداوند با تأکید بر حقوق کودکان یتیم، خواهان فرهنگ‌سازی در این زمینه است به گونه‌ای که همگان خود خواهان رعایت حقوق یتیمان شوند. مراعات حقوق کودکان یتیم به یک فرهنگ اجتماعی تبدیل می‌شود. از این رو خداوند در آیه ۸ و ۹ سوره نساء به این نکته مهم و اساسی اشاره می‌کند.

۵-۲. از نظر قرآن رعایت حقوق کودکان مستضعف از مصادیق خیرات آشکار و نیکی‌های

پایدار است. (نساء/۱۲۷) ناگفته نماند که کودکان مستضعف غیر از کودکان یتیم هستند هر چند که می‌تواند شامل آنان نیز شود. خداوند برای مراعات حقوق کودکان مستضعف حتی از مردم خواسته است تا پای جهاد و شهادت نیز پیش بروند. از این رو در آیه ۷۵ سوره نساء مردم را به جهاد و دفاع برای حفظ حقوق کودکان مستضعف تشویق می‌کند.

پیشنهاد عملی که از دو بند اخیر می‌توان گرفت این است که علاوه بر بنیادها و مراکز رسمی رسیدگی به مستضعفان و ایتام، به کمک مسجد و خیرین محل نسبت به سرپرستی و رسیدگی به امور کودکان یتیم و مستضعف اقدام گردد.

و جذب کودکان به مسجد از طریق احترام، بازی و ایجاد مراکز یادگیری

۱. از معصوم توصیه شده است که در مساجد به خاطر مراعات پیرمردان و کودکان نمازهای جماعت را سریع بخوانند تا کسی خسته و دلزده نشود.
۲. نمازگزاران باید با کودکان با محبت بیشتری برخورد کنند.
۳. پدران و مادرانی که کودکانشان را به مساجد می‌آورند، تحمل فرزندان را در نظر بگیرند تا موجب دلزدگی کودکان از مساجد شوند.
۴. رفتار روحانیون و هیأت امنای مساجد باید برای سایرین الگو باشد تا هیچ فردی جرأت نکند در مساجد کودکان را مورد بد اخلاقی قرار دهد.
۵. صدای بیش از حد بلندگوها در بعضی مساجد و یا عدم رعایت نظافت و بهداشت در مورد بوی بد پا، دهان یا بوی عرق بدن افراد که موجب عدم جذابیت و حتی موجب ایجاد دافعه برای کودکان، نوجوانان و جوانان می‌شود.
۶. به یاد دادن به جشن‌ها و ولادت‌ها به اندازه‌ای که کودکان مساجد را فقط جای عزاداری ندانند، موجب جذابیت بیشتر مسجد برای کودکان می‌شود و شادی ایشان در مسجد شکل بگیرد.
۷. ترتیب دادن برنامه‌های جذاب برای کودکان و نوجوانان مانند اردوها، برنامه‌های ورزشی، مسابقات فرهنگی، هنری و ... که موجب کشاندن کودکان و نوجوانان به مساجد می‌گردد.
۸. پرهیز از هر گونه صحبتی که موجب عدم اعتماد یا بی‌علاقگی فرزندانمان به مؤمنان اهل مساجد گردد.
- ۹- عدم حضور یا حضور به ندرت والدین به همراه کودکان در مساجد مضر و بی‌فایده خواهد بود پس به نظر می‌رسد کیفیت و کمیت حضور در مسجد باید مورد دقت والدین قرار بگیرد.

۱۰- بعضی مسائل ریز هستند که از نظر بزرگترها شاید هیچ جذابیتی نداشته باشند، اما برای کودکان جذاب و دوست داشتنی باشند. مثلاً فرض کنید در یک محفل قرآنی کودکانه، کودکان قرآن تلاوت می‌کنند، مثلاً همین قرائتشان با بلندگو انجام شود و یا در جایگاه خاص قرائت قرار بگیرند، جذابیت برنامه را برای کودکان افزایش می‌دهد.

ز راه‌های جذب کودکان به مسجد

۱. سلام کردن به کودکان

رسول خدا ﷺ خود به این سیره پایبند بود و همیشه آن را رعایت می‌کرد. انس ابن مالک می‌گوید: ما کودک بودیم که پیامبر ﷺ بر ما گذشت و فرمود: «سلام بر شما کودکان.» یکی دیگر از عوامل و زمینه‌هایی که باعث احساس ارزشمندی در کودک می‌شود و اسلام بر آن تأکید کرده، سلام کردن به کودکان است. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرمود: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ [...] أَلِيَّ أَنْ قَالَ] وَالتَّسْلِيمَ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي» پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد [...] تا اینکه فرمود] و (پنجمین عمل) سلام کردن به کودکان (است) برای اینکه سنتی باشد و پس از من (باقی بماند.)

۲. ایجاد ارتباط مفید بین جوانان محل از طریق بازی‌های محلی

بازی‌های محلی و مسابقات محلی و برگزاری این نوع مراسم از طریق مساجد می‌تواند در جذب جوانان به مسجد و ارتباطشان با یکدیگر بسیار مؤثر است.

۳. احادیث ورود کودکان به مسجد

در این باب دو دسته حدیث داریم:

احادیثی که ورود کودکان را به مسجد مکروه می‌شمارد.

احادیثی که دلیل بر جواز حضور کودکان در مسجد، و تشویق بدان امر است.

در دو سه حدیثی که به طرق مختلف در باب کراهیت حضور کودکان در مساجد وارد شده

است صرف نظر از اینکه تقدم در کلمات آنها مشاهده می شود چنین است: «جنباومساجدکم مجانینکم وصییانکم» رسول اکرم ﷺ می فرمایند: از مساجدتان دیوانگان و کودکان خود رادورنگه دارید. (نوری، ج ۲۳۰، ۱)

البته، شماری از علمای اهل سنت از این حدیث حکم عدم جواز ورود کودک را به مسجد استنباط کرده و بدان فتوی داده اند. قابسی از مالک نقل می کند: اگر کودک در سنین بازی و شیطنت است، من ورود او را به مسجد جایز نمی دانم. (داغ، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۲۳) اما در مقابل ما در مأخذ دینی شاهدیم که پیامبر ﷺ و اصحاب، بچه های خود را به مسجد می آورند. نه تنها بچه های سه چهار ساله بلکه زنان اصحاب با بچه های شیرخوار خود در نماز جماعت حاضر می شدند.

گاهی، پیغمبر ﷺ در حال سجده بودند، که امام حسن ﷺ می آمدند و بر پشت پیامبر ﷺ می نشستند. پیغمبر ﷺ به همان حال می ماندند و سجده را طول می دادند. (قرشی، ج ۶۸، ۱) شبی پیامبر ﷺ در نماز عشاء سجده ای بسیار دراز به جا آوردند. پس از پایان نماز، علت را از ایشان پرسیدند، پیامبر ﷺ فرمودند: پسر من بر پشتم سوار بود، و ناراحت بودم که پیاده اش کنم. (قرشی، ج ۱، ۶۸)

ابن عمر درباره پیامبر ﷺ چنین می گوید: «رایت رسول الله ﷺ علی المنبر یخطب الناس، فخرج الحسن فعثر، فسقط علی وجهه، فنزل علی المنبر یرید اخذه، فاخذه الناس فاتوا به، قال قاتل الله الشیطان: ان الولد فتنه والله ما علمت انی نزلت من المنبر حتی اتیت به» (رسول خدا ﷺ را دیدم که در منبر برای مردم سخنرانی می کرد امام حسن ﷺ در خروج از مسجد پایش لیز خورد و به زمین افتاد. حضرت از منبر پایین آمد تا او را بگیرد. مردم او را گرفتند و به ایشان دادند. حضرت ﷺ فرمودند: خدا شیطان را بکشد. واقعاً فرزند موجب آزمایش است. به خدا قسم، هیچ متوجه پایین آمدن از منبر نشدم، تا اینکه او به من رسانده شد. (هندی کنز العمال، ج ۱۶، ۲۸۹)

حضور نوه های پیامبر در مسجد مؤید این کلام است که نه تنها پیامبر با حضور کودکان در مسجد مخالف نیستند، بلکه بازی حسنین در مسجد هنگام نماز دلیل بر تأکید بر حضور کودکان است.

نتیجه گیری

به مصداق روایت شریفه از رسول اکرم ﷺ که نماز را به منزله چشمه‌ای تشبیه فرمودند که مسلمین روزانه ۵ نوبت خود را در آن می‌شویند، بهترین مکان برای این شست‌وشو مسجد است. در واقع با این شست‌وشو و کدورت‌ها و ناپاکی‌های نفس انسان شست‌وشو می‌شود و نفس اماره تربیت شده و تحت کنترل نفس لوامه یا همان نفس عاقله در خواهد آمد. انسان‌ها می‌توانند با مراقبت از رفتارهای خود در زمینه‌های مختلف، بهشت را نصیب خود کنند که این بسیار ارزشمند است.

و به مصداق روایات امیرالمؤمنین (علیه السلام) که فرمود هر کس بتواند عقل خود را بر شهوت خود قالب کند، از ملائک هم بالاتر است و هر کس که شهوتش بر عقلش قالب شود از حیوان کمتر خواهد بود. مسجد محلی برای شکوفایی باطن و پیروزی نفس مطمئنه انسان بر نفس اماره او خواهد بود که سعادت دنیا و آخرت شخص را تضمین می‌نماید. دوران کودکی دوران بازی است و این بازی‌های کودکانه نقش اساسی در فرآیند رشد کودک دارد. نمونه‌ای از بازی‌های بدون ابزار و بر پایه فکر که در سیره ائمه گزارش شده است و می‌تواند الگوی بازی در دوران امروز نیز باشد. بستر این تربیت دینی در مسجد به نحو احسن فراهم می‌گردد. می‌توان از مسجد و رهبران دینی بر تربیت کودکان کمک گرفت، و اولیا نیز خود تربیت کردن صحیح را با مشورت بیاموزند. تربیت دینی کودک در مسجد به دلیل تکرار و تنوع محیطی و گویشی راحت تر است. واضح است که عمده شخصیت آدمی در سنین کودکی شکل می‌گیرد. رشد صحیح و مکتبی، اعتماد به نفس، پایه‌های اعتقاد دینی، به فعلیت رسیدن استعدادها و نهفته در انسان، علم آموزی، ادب، تواضع و... تمام این مؤلفه‌ها برای نهادینه شدن شخصیت انسان عمدتاً در دوران کودکی شکل می‌گیرد.

مسجد به دلیل اینکه یک محیط اجتماعی می‌باشد، اگر در آن با کودکان با احترام برخورد شود، موجبات عزت نفس و پذیرش دین را در کودکان به بهترین شکل فراهم می‌کند. معمولاً در هنگام بازی بچه‌ها در مسجد به دلیل سرو صدا و یا شیطنت‌های خاص دوران کودکیشان مورد عتاب و یا رفتار خشن بعضی از بزرگسالان قرار می‌گیرند. از روایات به خوبی می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که احترام و درک آنان جزء الزامات می‌باشد.

احترام به کودکان و محبت به آنان در رشد شخصیتی آنها نقش کلیدی دارد و بازی

نیازش است، هنگام بازی از صدا و شلوغ کردن گرفته تا گاهی درگیری بین کودکان و... از مسائلی است که نمازگزاران را آزار می‌دهد. به هر حال مسجد جایگاه عبادت و مناجات با معبود است و نمازگزار نیازمند آرامش است. اگر مکان بازی بچه‌ها با محل عبادت یکی باشد، مسلماً تداخل به وجود می‌آید. لذا ضمن حفظ احترام مسجد به عنوان محراب و محل عبادت باید بچه از کودکی قرابت با مسجد را تجربه نماید و مزاحمتی هم برای مراسم نماز و تمرکز نمازگزاران نباید به وجود آید. هم باید شخصیت و اعتماد به نفس کودک تأمین گردد و هم حوصله بزرگسالانی که تحمل سر و صدای کودکان را ندارند رعایت گردد. جمع بین این دو حالت این است که اگر همزمان بخواهیم هر دو را با هم داشته باشیم دو فضای مجزا اختصاص داده شود و اگر فضای لازم وجود ندارد زمان بندی حضور کودکان مدیریت گردد. این مهم می‌تواند در فرهنگ‌سازی جامعه نقش ایفا کند که اگر از دوران کودکی این نقوش در وجود انسان شکل بگیرد پایه‌های شخصیتی روحی روانی و مذهبی انسان به‌طور صحیح ساخته می‌شود. برای رسیدن به این هدف لازم است از کودکی رابطه کودک با مسجد برقرار شود.

منابع

١. قرآن كريم .
٢. نهج الفصاحه .
٣. ابن بابويه ، محمد بن علي ، الخصال ، مترجم محمد باقر كمره اي ، تهران ، كتابچي ، ١٣٧٧ .
٤. استرن ، ويليام ، روانشناسي كودك .
٥. حسام الدين هندی ، علاء الدين ، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال ، ج ٥ ، بيروت ، نشر مؤسسه الرساله ، ١٤١٣ق .
٦. داغ ، محمد ، تاريخ تعليم وتربيت دراسلام ، دانشگاه تبريز ، ١٣٦٩ .
٧. سميرنويچ ماكارنكو ، آنتوان ، روانشناسي تجربي كودك .
٨. شيخ حر عاملي ، محمد بن حسن ، وسائل الشيعه ، مصحح مؤسسه آل البيت : قم ، مؤسسه آل البيت ، ١٤٠٩ق .
٩. طباطبائي ، سيد محمد حسين ، تفسير الميزان ، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني ، دفتر انتشارات اسلامي ، بيتا .
١٠. مجلسي ، محمد باقر ، بحار الانوار ، بيروت ، مؤسسه الوفا ، ١٤٠٤ق .
١١. نوري ، ميرزا حسين ، مستدرک الوسائل ، قم ، مؤسسه آل البيت ، لاهياء التراث ، ١٤١٤ق .
١٢. هويزي ، عبد علي بن جمعه ، تفسير نور الثقلين ، علميه ، ١٣٨٣ق .
١٣. الهيثمي ، نور الدين علي بن أبي بكر ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد دار الكتاب العربي ، چاپ دوم ، بيروت ، ١٩٦٧م .



مسجد به مثابه یک رسانه و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

امید نیک داد^۱

چکیده

رسانه در عصر حاضر جزء اساسی ترین دانش های بشری است که توانسته به عنوان عنصری کلیدی و تعیین کننده، دنیای کنونی را در عین وابستگی، تحت الشعاع خود قرار دهد. رسانه ها به ابزارهای انتقال پیام ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می شود، که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فناوری های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. رسانه به سبب داشتن ویژگی هایی همچون سرعت انتشار، نظم انتشار، گستردگی حوزه انتشار، تداوم انتشار، فراگیری و پوشش مخاطبان، دستیابی به قضاوت و داوری مخاطبان انبوه و آسانی دسترسی و هزینه ناچیز، داری نقش و اهمیت بسیار مهمی در عصر حاضر هستند. رسانه ها دارای کارکردهایی همچون خبررسانی و ابلاغ پیام، کارکرد نظارتی، کارکرد تعلیم و آموزش، سرگرم سازی و پرکردن اوقات فراغت، نوگرایی و توسعه، راهنمایی و رهبری، بحران زدایی و... است. در این میان تلویزیون به سبب داشتن مخاطبین بیشتر از اهمیت بیشتری در امر تربیت کودکان و نوجوانان برخوردار است. از جمله کارکردهای مهم تلویزیون می توان به پرکردن اوقات فراغت، اجتماعی شدن و کارکرد تعلیم و آموزش اشاره کرد. با توجه به این ویژگی های رسانه، مسجد نیز به علت داشتن شاخصه و ابزارهایی مانند منبر جزء رسانه های قدیمی محسوب می شود و دارای کارکردهای مشابهی، همچون کارکرد فرهنگی، (پرکردن اوقات فراغت) کارکرد اجتماعی و روان شناختی، کارکرد آموزشی، سیاسی، تربیتی و... است. با توجه به این مطالب این سؤال مطرح می شود که آیا مسجد به مثابه یک رسانه می تواند همان جایگاه و نقشی را که رسانه ای مانند تلویزیون در تربیت کودک و نوجوان را ایفا می کند، داشته باشد. مسجد از نخستین روزهای ظهور اسلام به

عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام و مکانی برای انجام فرایض دینی، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... از جایگاه والایی برخوردار بوده است. از این رو دارای اشتراکات زیادی از نظر کارکردها با دیگر رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون در تربیت کودک و نوجوان است؛ که در حقیقت می‌تواند با کمی برنامه‌ریزی و دقت در استفاده از این کارکردها، پایپای سایر رسانه‌ها در امر تربیت کودک و نوجوان پیش رود.

واژگان کلیدی: رسانه، مسجد، تلویزیون، کارکردهای رسانه، تربیت، کودک و نوجوان.

مقدمه

بشر همواره از وسیله‌ای برای برقراری ارتباط استفاده می‌کرده است، تا بتواند پیام خود را به دیگران برساند، او در ابتدای آفرینش با حیوانات تفاوت زیادی نداشت، زیرا اطلاعات را به شیوه آنان، یعنی از طریق لمس کردن، حرکات چهره و ...، مبادله می‌کرد؛ اما برای روحیه کنجکاو او، این وسایل ابتدایی ناکافی بود و نمی‌توانست نیازهای او را برطرف سازد. انسان‌های عصر گذشته در زمان‌های دور، از ارتباطات چهره به چهره و رودررو استفاده می‌کردند و از طریق کوبیدن بر طبل و دود، پیام‌هایشان را برای دیگران ارسال می‌کردند. بشر این دوره از دنیای بیرون بی‌خبر بود تا اینکه بعد از مدتی به زبان شفاهی دست یافت و ارتباطات جنبه مستقیم شنیداری و دیداری پیدا کرد و در این کار از ۵ حس خود استفاده می‌کرد؛ ولی حس غالب، حس شنوایی بود؛ این روند ادامه داشت تا در یونان حروف الفبا اختراع شد و عصر کتابت آغاز شد. بعدها اختراع چاپ توسط گوتنبرگ موجب شد انسان برای ارتباط برقرار کردن به نوشتار چاپی روی آورد. در اینجا حس غالب، حس بینایی بود و علاوه بر محتوا به رسانه و وسیله انتقال پیام توجه شد. مطبوعات یکی از محصولات مهم در جامعه صنعتی بود که به دلیل افزایش جمعیت انسان‌ها، تنها از مطبوعات و روزنامه‌ها نمی‌توانستند نیازشان را برآورده کنند. اختراع برق توسط توماس ادیسون و پیدایش تلگراف توسط ساموئل مورس سبب شد انسان برای نخستین بار اطلاعات را با سرعت بالا به مسافت‌های طولانی انتقال دهد، پس از مدتی تلفن توسط الکساندر گراهام بل و واتسون به وجود آمد که علاوه بر غلبه به زمان و مکان، صدای انسان دیگری که کیلومترها با آن فاصله داشت از طریق این دستگاه شنیده می‌شد؛ اما به دلیل استفاده از سیم، محدودیت در

ارتباطات ایجاد شد؛ با اختراع رادیو توسط مارکنی در قرن ۱۹، انسان وارد عصر الکترونیک شد و در آغاز کهکشان مارکنی، حس غالب، حس شنیداری بود در مرحله بعد سینما توسط برادران والدنر در آمریکا متولد شد. این وسیله ارتباطی در ابتدا هدفش سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت بود. بعد از جنگ جهانی دوم، تلویزیون به عنوان یک رسانه همگانی به وجود آمد که توانست پیام‌ها را برای میلیون‌ها نفر به طور همزمان ارسال کند. در سال ۱۹۵۷ روس‌ها، نخستین ماهواره به نام اسپوتنیک را به مدار زمین فرستادند، ظهور کامپیوتر باعث شد انسان بتواند اطلاعات فراوان در کامپیوتر ذخیره نماید. با راه‌اندازی شبکه‌های محلی و شبکه جهانی اینترنت، فیبرهای نوری بالاترین حجم اطلاعات را در کوتاه‌ترین زمان به فواصل مختلف ارسال می‌کردند و وسایل ارتباط جمعی وارد عرصه انتقال پیام‌های چندرسانه‌ای شدند. (تجری غریب آبادی، ۱۳۸۹، ۲)

با توجه به پیشینه رسانه، رسانه در یک تعریف شامل وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه؛ و واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است و دارای انواع گوناگونی مانند روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و... است. در این تعریف منبر نیز از جمله رسانه‌ها محسوب می‌شود. رسانه‌ها بنا بر تعریف یاد شده دارای کارکردهای گوناگونی همچون، خبررسانی و ابلاغ پیام، کارکرد نظارتی، آموزشی، آگاهی‌رسانی، اجتماعی، کارکرد تبلیغی، هدایتی و غیره هستند.

مسجد نیز در بین مسلمانان از صدر اسلام تا کنون از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار بوده است و آیات و روایات زیادی در وصف منزلت و اهمیت این مکان مقدس آمده است. مسجد از نخستین روزهای ظهور اسلام به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام و مکانی برای انجام فرایض دینی، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و... بوده است. در قرآن واژه مسجد ۲۸ بار به صورت مفرد و جمع آمده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع ذکر شده است. (میرنژاد ۱۳۹۱) با توجه به این مطلب بحث بر سر این موضوع است که آیا با توجه به کارکردهای رسانه‌ها و همچنین این نکته مهم که منبر و مسجد نیز از جمله رسانه‌ها محسوب می‌شود و همچنین با توجه به کارکردهای مشترک با رسانه‌های دیگر اساساً مسجد نیز می‌تواند همان جایگاهی که رسانه‌ها با کارکردهای تربیتی به‌ویژه در تربیت کودک و نوجوان دارد، (رسانه در اینجا تلویزیون مدنظر است و کودک و نوجوان از ۲/۵ سال تا ۱۸ سال مدنظر است) نیز داشته باشد

و اگر پاسخ مثبت است، نیاز به انجام چه کارها و برنامه‌ریزی‌هایی است. در این مختصر که در چهار بخش تدوین شده است ضمن تبیین رسانه و جایگاه و اهمیت و کارکردهای آن به بررسی نقش یکی از این رسانه‌ها (تلویزیون) در تربیت کودک و نوجوان پرداخته شده است. در ادامه نیز با توجه به رسانه بودن مسجد به بررسی اهمیت و جایگاه مسجد و همچنین کارکردهای مسجد پرداخته است و سپس به تطبیق اشتراکات کارکردی این رسانه با رسانه دیگر در تربیت کودک و نوجوان پرداخته است و در پایان نیز به ارائه راهکارهایی برای این مطلب که مسجد اگر بخواهد در شمار رسانه‌های قوی و مفید باشد چه کارها و برنامه‌ریزی‌هایی باید انجام شود.

الف) رسانه

۱. مفهوم شناسی رسانه

رسانه‌ها به ابزارهای انتقال پیام‌ها از فرستنده یا فرستندگان، به مخاطب یا مخاطبان گفته می‌شود؛ که شامل روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و ... است. این وسایل دارای ویژگی‌هایی مانند پیام‌گیران ناآشنا، سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند. (دادگران ۱۳۸۴، ۵۶) در حقیقت رسانه وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه، و واسطه‌ی عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است. (از کمپ، ۱۳۷۶، ۱۳۲) با توجه به این تعریف منبر نیز در ردیف رسانه‌ها شمرده می‌شود. رسانه با توجه به نوع ارتباط با مخاطب و همچنین نحوه‌ی این ارتباط دارای انواع گوناگونی است که در ذیل به این تقسیم‌بندی اشاره شده است.

۲. انواع رسانه‌ها

با توجه به گسترش روزافزون فناوری در دنیا، رسانه‌ها را می‌توان در انواع زیر طبقه‌بندی نمود:

- ۱-۲. رسانه‌های نوشتاری، مانند مطبوعات، کتاب و مجلات؛
- ۲-۲. رسانه‌های شنیداری، مانند رادیو؛
- ۳-۲. رسانه‌های دیداری، مانند تلویزیون، سینما، اینترنت، منبر؛
- ۴-۲. رسانه‌های ابزاری، مانند اعلامیه، بروشور، تابلوی اعلانات، کاتالوگ، پوستر، تراکت، شعارنوشته، آرم، لوگو، فیلم‌های تبلیغی، فیلم کوتاه و بلند، سخنرانی، همایش و تئاتر؛
- ۵-۲. رسانه‌های نهادی یا گروهی، همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای سینمایی؛

۲-۶. رسانه‌های فرانهادی همچون خبرگزاری‌ها، دفاتر روابط بین‌الملل، کارتل‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی و تراست‌های خبری، شرکت‌های چندملیتی سازه، فیلم‌های سینمایی، شبکه‌های ماهواره‌ای.

۳. اهمیت و ویژگی رسانه‌ها

رسانه در عصر حاضر جزء اساسی‌ترین دانش‌های بشری است که توانسته به عنوان عنصری کلیدی و تعیین‌کننده، دنیای کنونی را در عین وابستگی تحت الشعاع خود قرار دهد. بحث ارتباطات و رسانه‌های گروهی از چنان اهمیتی برخوردار است که در سدهٔ اخیر، اطلاعات و ارتباطات به کالایی قابل تبادل تبدیل شده است و محوری اساسی و مهم برای تعامل دولت‌ها و همگرایی ملت‌ها قرار گرفته‌اند؛ لذا امروزه بحث ارتباطات و رسانه‌ها مرزهای ملی را در نور دیده و به کالایی فراملی و فرامرزی تبدیل شده است، بنابراین دارای نقش مهمی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی در همهٔ شئون جامعه و اجتماعات است. عده‌ای مانند دانیل لرنر و لوسین پای معتقد به نقش رسانه‌ها در ایجاد هم‌فکری میان افراد جامعه و بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی و در نتیجه مشارکت وسیع‌تر و همه‌جانبه مردم هستند. (کازنو ۱۳۵۶، ۳۳۳) برخی دیگر چون ساموئل هانتینگتون بر تأثیر رسانه‌های گروهی در ایجاد توقع روزافزون میان مردم تأکید دارند و گروهی دیگر مانند ویلبر شران که عمدتاً منتقد نقش رسانه‌های گروهی هستند، از نقش تخدیری رسانه‌ها سخن می‌گویند. این نظریات را اگر در کنار نظریات دیگری مانند نظریه آینه‌ای [معتقدند که جایگاه رسانه‌ها مانند آینه است که باید تمام حقایق را بیان نماید] و نظریهٔ تحمیلی [در این دیدگاه وظیفهٔ رسانه‌ها تحمیل و القاء نوعی خاص از ارزش‌های سیاسی مذهبی یا ملی است] قرار دهیم، (محمدی ۱۳۷۰، ۱۲۵) به این نتیجه خواهیم رسید که جایگاه رسانه‌های گروهی و اهمیت آن بسیار قابل توجه و مهم است. رسانه به سبب داشتن ویژگی‌هایی همچون: سرعت انتشار، نظم انتشار، گستردگی حوزه انتشار، تداوم انتشار، فراگیری و پوشش مخاطبان، دستیابی به قضاوت و داوری مخاطبان انبوه و آسانی دسترسی و هزینهٔ ناچیز داری نقش و اهمیت بسیار مهمی در عصر حاضر هستند.

۴. کارکردهای رسانه

برای آنکه بتوانیم از رسانه‌های مختلف بهره کافی و درست را ببریم، ابتدا باید کارکردهای

رسانه را به طور کامل دانست تا بتوان از این ابزار مهم به نحو ایده‌آل و درست بهره برد. برای رسانه‌ها کارکردهای مختلف و گوناگونی بیان شده است که در این نوشتار به مهم‌ترین آنها به نحو اختصار اشاره می‌شود:

۴-۱. کارکرد خبررسانی و ابلاغ پیام

اولین و شاید یکی از اساسی‌ترین کارکرد رسانه، خبررسانی و ابلاغ پیام به مخاطبین باشد، این کار نیز می‌تواند به دو شیوه و شکل مستقیم و غیر مستقیم انجام شود. در حقیقت این ویژگی رسانه جزء فلسفه وجودی رسانه است.

۴-۲. کارکرد نظارتی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه خبری، نظارت بر محیط است. کارکرد نظارت و حراست از محیط، شامل رساندن اخبار توسط رسانه‌ها می‌شود؛ که برای اقتصاد و جامعه ضروری است؛ مانند گزارش اوضاع سهام، ترافیک و شرایط آب و هوایی. (انکارد، جیمز و سورین، ورنر ۱۳۸۶، ۴۵۱-۴۵۲)

۴-۳. کارکرد تعلیم و آموزش

یکی دیگر از کارکردهای مهم رسانه، کارکرد آموزشی یا انتقال دانسته‌ها و فرهنگ است. رسانه‌ها فراهم‌آورنده دانش و شکل‌دهنده ارزش‌ها هستند و مردم همواره از آنها تأثیر می‌پذیرند و دانش می‌آموزند؛ لذا بحث آموزش و تربیت جامعه می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین ویژگی‌های رسانه باشد. اهمیت وظیفه آموزشی و سبیل ارتباطی در جوامع معاصر، به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما و سایر رسانه‌ها، نقش آموزش موازی با آموزش دائمی قائل هستند. آنها معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید، دانستن‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و دانشجویان را تکمیل می‌کنند. (معتدناژاد ۱۳۸۵، ۵)

۴-۴. کارکرد سرگرم‌سازی و پرکردن اوقات فراغت

رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به شمار می‌روند؛ که با پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده بر الگوی رفتار اوقات فراغت انسانی اثراتی تعیین‌کننده دارند و از این طریق است که فرد از تنهایی و زندگی سخت روزمره‌اش رهایی می‌یابد و با

محیط بیرونی تماس برقرار می‌کند و به گفته برخی، سلیقه عمومی از نظر هنری بالا می‌رود. (دادگران ۱۳۸۵، ۱۰۶)

۴-۵. کارکرد نوگرایی و توسعه

فرآیند توسعه، رابطه پایداری با تعامل میان مردم و مشارکت فعال گروه‌های اجتماعی دارد که این امر صورت نمی‌گیرد، مگر در پرتو نظام جامع ارتباطی-اطلاعاتی؛ که می‌تواند تا حد زیادی در رفع اختلافات و تضادهای موجود در ارزش‌ها و رفتارهای مردم و فراهم آوردن محیط مساعد برای توسعه ملی مؤثر باشد. امروزه رسانه‌ها با انتقال اطلاعات و دانش‌های جدید و تبادل افکار و عقاید عمومی در راه پیشرفت و توسعه فرهنگ و تمدن بشری نقش اساسی بر عهده دارند. (باهنر ۱۳۷۸، ۱۳۱)

۴-۶. کارکرد راهنمایی و رهبری

نقش رهبری‌کننده رسانه‌ها و اثر آنها در بیداری و ارشاد افکار عمومی، امری واضح بوده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود، در نظام‌های دموکراسی، رسانه‌ها می‌توانند در راه گسترش ارتباط میان رهبری‌کنندگان و رهبری‌شوندگان، خدمات مهمی را انجام داده و به‌عنوان آئینه تمام‌نمای افکار عمومی در جلب همکاری مردم و شرکت دادن آنها در امور اجتماعی، تأثیر فراوانی به‌جای بگذارند. (معتمد نژاد ۱۳۸۵، ۵-۶)

۴-۷. کارکرد بحران‌زدایی

رسانه‌های گروهی می‌توانند در عرصه مقابله با بحران‌های اجتماعی، به ایفای نقش بپردازند و در کاهش بحران‌های مختلفی، مانند بحران هویت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی، کارکرد مؤثری داشته باشند. (کریمی ۱۳۸۲، ۸۴)

۴-۸. کارکرد آگاه‌سازی

از جمله کارکرد مهم رسانه‌ها کارکرد آگاه‌سازی است. هرچند این وظیفه با مقوله آموزش از طرفی و مقوله خبررسانی جمعی از طرف دیگر، تداخل دارد، اما رسانه‌ها باید علاوه بر انتقال اخبار و اطلاعات، به تحلیل درست اخبار و تشریح آنان نیز بپردازند. تحلیل علی پدیده‌های خبری و آگاه‌سازی انسان‌ها از این علل، موجب تغییر در جهان بینی انسان‌ها می‌شود. به همین سیاق وسایل ارتباط جمعی بایستی موجبات آگاهی انسان‌ها از کالاهای

مورد نیاز را فراهم سازند. این فرآیند می‌تواند نسبت به تمام مسائل مورد نیاز بشر صدق کند. (ساروخانی ۱۳۸۵، ۸۳)

۴-۹. همگن سازی و تقویت روحیه جامعه

رسانه موجب نزدیکی سلیقه‌ها، خواست‌ها و انتظارات تمامی ساکنان یک جامعه شده و جوامع را از عصر محدوده‌های جدا خارج می‌گردانند. ورود وسایل ارتباط جمعی به جامعه، خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص و مجزا را ناپدید کرده و به نوعی تشابه میان تمامی ساکنان یک جامعه به وجود می‌آورد و مردم آن جامعه، از سبک زندگی و علایق و خواسته‌هایی که رسانه‌های جمعی ارائه می‌دهند، پیروی می‌کنند. (همان، ۹۱-۹۲)

۴-۱۰. اعطای پایگاه اجتماعی

این وسایل با دادن معروفیت به اشخاص و گروه‌ها به آشکار کردن یا ارتقای پایگاه‌های آنان می‌پردازند. حمایت از هنجارهای اجتماعی؛ (وظیفه اخلاقی) انتقال میراث‌های فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، نقش و کارکرد بیان عقاید، ایجاد همبستگی میان اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی و کارکرد تبلیغی از دیگر کارکردهای مهم رسانه است؛ در تمام کارکردهای بیان شده ویژگی بارز رسانه، اصل جذابیت و تنوع است. (کرباسیان ۱۳۹۰)

ب) جایگاه رسانه در تربیت کودک و نوجوان

با توجه به مطالب بیان شده دربارهٔ رسانه و اهمیت و کارکردهای آن، در این مختصر برای تبیین مسئله به بررسی جایگاه یکی از این رسانه‌ها که اهمیت زیادی در تربیت کودک و نوجوان دارد، یعنی تلویزیون می‌پردازیم. در اینجا منظور از کودک از سن دو و نیم سال تا دوازده سال است که شامل نوجوان نیز می‌شود.

تلویزیون، در شکل‌گیری رفتار کودکان و نوجوانان، دارای اهمیت بسیاری است. اگرچه همهٔ رسانه‌ها از جمله مطبوعات و رادیو، در زمینهٔ تربیت کودکان و نوجوان نقش دارند؛ ولی تأثیر تلویزیون به دلیل برخورداری از جنبه‌های شنیداری، دیداری و حرکتی از بقیه بیشتر است. در طول تاریخ، دانشمندان زیادی از حوزه‌های مختلف، مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، اقتصاد و ... دربارهٔ تلویزیون و اثرات آن، مطالعه و پژوهش انجام داده‌اند. در این رسانه می‌توان از روش‌های گوناگونی برای تربیت دینی کودکان بهره جست. تلویزیون، تأثیرگذارترین رسانه‌ای است که در عرصهٔ اجتماعی و فرهنگی فعالیت می‌کند. این رسانه به خاطر برخورداری از ویژگی‌های خاص و با توجه به وسعتی که در میدان عمل خود دارد، می‌تواند جنبه‌های متعددی از زندگی فردی و اجتماعی افراد را در جامعه تحت تأثیر خود قرار دهد. تأثیر وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه تلویزیون بر کودک و نوجوان به حدی است که هیجانات و احساسات عمیق را برمی‌انگیزد و در جهت دلخواه خود، هدایت می‌کند و به این ترتیب عکس‌العمل‌های رفتاری افراد را بر اساس اهداف خود، شکل می‌دهد. شدت تأثیرپذیری از برنامه‌های گوناگون تلویزیون به عوامل متعددی بستگی دارد. به اعتقاد روان‌شناسان، کودکان و نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان، به دلیل محدودیت تجربه و

آگاهی از پدیده‌های جسمانی پیرامون خود، به میزان بیشتری از برنامه‌های تلویزیون متأثر می‌شوند. از این رو تلویزیون می‌تواند دارای کارکردهای مثبت و منفی در مواجهه با کودک و نوجوان داشته باشد که می‌توان به پر کردن اوقات فراغت کودک و نوجوان، کمک به اجتماعی کردن آنها (که شامل درک نقش جنسیتی، انتخاب شغل، نقش‌های خانوادگی، معلومات عمومی، سیاسی کردن، شکل‌گیری گروه همسالان و...)، آموزش و یادگیری، اشاره کرد که در ذیل به صورت مفصل توضیح داده شده است. (جک لایل و بی پارکر ۱۳۷۷، ۵)

۱. پرکردن اوقات فراغت کودک و نوجوان

انسان‌ها هر سنی که داشته باشند، یک فعالیت اصلی و محوری دارند که گذراندن زمان در آن سن، حول آن محور است. این فعالیت اصلی در طول زمان (به خاطر طبع خاص انسان) برای انسان ملال‌آور می‌شود. این تنوع، اولاً باید غیر از آن فعالیت اصلی باشد و ثانیاً در زمانی خارج از زمان آن فعالیت باشد تا آسیبی به این فعالیت اصلی نرسد. فعالیت اصلی کودک پیش از مدرسه، بازی و پس از مدرسه، درس است. طبیعی است که کودک از بازی و درس خسته شده و نیازمند یک فعالیت جانبی می‌شود تا اوقات خالی از فعالیت اصلی را پر کند و خستگی‌های خود را برطرف کند. تلویزیون یکی از بهترین وسائلی است که می‌تواند اوقات فراغت کودک را پر کند. (آذری ۱۳۷۷، ۷۷)

برخی از اندیشمندان با طرح پرسش‌های غیرمستقیم از کودکان و ربط دادن پاسخ آنها به رفتارشان، به این نتیجه رسیده‌اند که دلایل تماشای تلویزیون توسط کودکان، دست‌کم به سه دسته بزرگ تقسیم می‌شوند. اولین دسته از این دلایل که حجمی چندین برابر دسته دوم دارد، شامل گذراندن اوقات فراغت است. کودکان وقتی با این هدف به تماشای تلویزیون می‌نشینند، بیشتر، خواهان برنامه‌های شاد و سرگرمی‌های ساده و پرهیجان هستند. در این مرحله، توجه کمتری به برنامه‌های آموزشی شده و آرامش‌بخش‌ترین برنامه‌ای که موجب افزایش احساس خوش‌بینی و امنیت خاطر مخاطبان می‌شود، برنامه‌های خانوادگی است. (همان)

۲. تلویزیون و اجتماعی شدن

زندگی اجتماعی دارای شاخص‌ها و نمادهایی است. بدون شناخت نمادهای اجتماعی، نمی‌توان در اجتماع زیست. در واقع، مقدمه زندگی اجتماعی، اجتماعی شدن است. تولد کودک مقارن با اجتماعی شدن اوست. به همان نسبت که کودک رشد می‌کند، باید هم‌زمان

رشد اجتماعی نیز داشته باشد؛ زیرا رشد، پرورش و جامعه‌پذیری، سه ماهیت همراه در وجود کودک است. کودکی یعنی سال‌هایی که انسان، راه و رسم زندگی را می‌آموزد. اولین جایی که کودک، اجتماعی شدن را می‌آموزد، خانواده است. ولی توان خانواده برای پاسخ‌گویی به این نیاز بزرگ، ناچیز است. گرچه مدرسه در کنار خانواده تا اندازه‌ای خانواده را در این راه یاری می‌کند، ولی به دلیل آنکه نیاز کودک فراتر از این حد است، باز هم این کمبود به وضوح مشهود است ولی تلویزیون به خاطر برنامه‌های فراگیر و متنوع، بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند این نیاز کودک را برطرف کند؛ زیرا تلویزیون واسطه‌ای فراگیر است که در دسترس همه کودکان قرار دارد. کودکان از طریق تلویزیون، درباره خود، زندگی خود، چگونگی رفتار در شرایط گوناگون و چگونگی برخورد با مشکلات خانوادگی و شخصی، چیزهای زیادی می‌آموزند و این اجتماعی شدن از طریق تلویزیون با توجه به ویژگی‌های تلویزیون و کودک، از هر چیزی نافذتر است. (شرام و همکاران ۱۳۸۶، ۵)

برخی از جنبه‌های اجتماعی شدن کودکان عبارتند از:

۱-۲. **درک نقش جنسیتی:** جنسیت دربرگیرنده مجموعه‌ای از مفاهیم و باورهاست؛ درباره اینکه ما چگونه فردی هستیم، چگونه ویژگی‌ها و شخصیت خود را به نمایش بگذاریم، چگونه با دیگر مردم رفتار کنیم و چگونه باید باشیم؟

۲-۲. **انتخاب شغل:** مسیر واقعی انتخاب کار یا حرفه ممکن است با توجه به قابل رؤیت بودن شغل‌های خاصی که در قلمرو عمومی، به‌ویژه از طریق رسانه‌های عمومی از جمله تلویزیون میسر می‌شود، شکل گیرد. تلویزیون، باورهای قالب‌بندی شده شغلی، در کودک ایجاد می‌کند که این می‌تواند کوتاه مدت یا بلندمدت باشد. (گونز و آلر ۱۳۸۰، ۵۹)

۳-۲. **نقش‌های خانوادگی:** تلویزیون در شکل‌دهی به باورهای کودکان درباره زندگی خانوادگی، نقش مهمی دارد. تلویزیون، خانواده‌های نمونه را برای بینندگان از جمله کودکان معرفی می‌کند و بر ارزش‌های خاصی تأکید می‌ورزد یا برخی از مسائلی که برای اعضای خانواده (دختران و پسران) مهم هستند، به بینندگان ارائه می‌کند. در این میان، کودک، نقش‌های خانوادگی خود را در خلال برنامه‌های تلویزیون می‌یابد. بنابراین تلویزیون به یک معنا، نمایش‌دهنده خانواده و نقش‌های خانوادگی (نقش مادری، پدری، خواهری، برادری و روابط بین آنها) است که کودک آنها را می‌آموزد. (عزیزی ۱۳۸۳، ۱۰۷)

۴-۲. **معلومات عمومی:** بیشتر بینندگان در اتاق جزّاحی، دادگاه، پاسگاه پلیس، زندان یا اتاق

هیئت مدیره مؤسسه‌ای نبوده‌اند؛ اما درباره هر یک از اینها اطلاعاتی دارند. بیشتر چیزهایی که درباره این موارد می‌دانند از طریق تلویزیون به دست آورده‌اند. اطلاعاتی که کودکان از طریق صفحه تلویزیون کسب می‌کنند، شاید کمتر از اطلاعات بزرگترها نباشد، با این تفاوت که کودکان تجربه‌ای کمتر از بزرگسالان نسبت به زندگی دارند و به تبع آن، ممکن است راحت‌تر به وسیله چیزهایی که در تلویزیون می‌بینند، فریب بخورند. واقعیت این است که با وجود تمام مزایای مثبت تلویزیون از قبیل نقش برجسته آن در امر اطلاع‌رسانی و آموزش، فرهنگ‌پذیری، ایجاد تفنّن و سرگرمی، تماشای تلویزیون به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی کودک، اثرات بدی بر مهارت‌های فکری، ارتباطی، کلامی و حتی خلاقیت کودکان دارد. تماشای تلویزیون به‌صورت متمادی باعث می‌شود، کودکان از فعالیت‌هایی که می‌توانند و باید در زمان رشد خود انجام دهند غافل بمانند و در اصطلاح کودکی نکنند. به‌عنوان مثال، بازی، ارتباط با کودکان دیگر و حتی بزرگسالان که به تقویت مهارت‌های کلامی و ارتباطی و عاطفی کودک می‌انجامد اگر در زمان خود و به‌موقع صورت نپذیرد، کودکان امروز را با مشکلات عدیده در آینده روبه‌رو خواهد کرد؛ کودک به‌عنوان مخاطب منفعل، ساعت‌ها روبه‌روی تلویزیون می‌نشیند و به تماشای آن می‌پردازد و در واقع مهارت‌های لازم ضمن رشد را نیاموخته و تجربه نمی‌کند. (عزیزی ۱۳۸۳، ۹۳-۱۲۵)

۲-۵. سیاسی کردن: پیش‌تر بیان شد که در هر جامعه، یک ایدئولوژی حاکم وجود دارد که تمام فعالیت‌های آن جامعه باید در جهت آن باشد. بنابراین، تماشای منظم تلویزیون، خواسته یا ناخواسته در کودک یک چارچوب فکری-گرایشی ایجاد می‌کند که در کنار دیگر مسائل، می‌تواند زندگی سیاسی آینده او را شکل دهد. از این‌رو، این حوزه تأثیرگذاری به‌شدت مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته است تا جایی که هیتلر در سخنرانی‌های خود، چنین می‌گوید: هنگامی که یکی از مخالفان اعلام می‌کند: «من در کنار شما قرار نخواهم گرفت» من به آرامی به او می‌گویم: فرزند شما هم اکنون به ما تعلق دارد. شما چه هستید؟ شما در می‌گذرید، اما فرزندان شما اکنون در اردوی جدید قرار دارند. در زمانی کوتاه، آنها هیچ چیزی دیگری را به‌جز این اجتماع جدید نخواهند داشت. (راش ۱۳۸۳، ۱۰۳) او در جایی دیگر می‌گوید: ما تزریق روح این اجتماع را از سنین بسیار پایین به جوانانمان، وظیفه خود قرار داده‌ایم و این «گرایش جدید»، جوانان را به هیچ کس نخواهند داد، بلکه خود به جوانان روی می‌آورد و آموزش و تربیت خود را به آنان القای می‌کند. (همان)

تلویزیون می‌تواند در هر قالبی از برنامه‌ها، وفاداری به دولت و حکومت را در کودکان به وجود آورد؛ چنانکه در آلمان نازی، با استفاده از مدرسه، خانواده و ارتباطات جمعی به کودکان یاد داده می‌شد که در درجه نخست باید نسبت به دولت آن‌گونه که در پیشوا - یعنی آدلف هیتلر - تجسم یافته است، وفادار باشند. (همان، ۱۰۳)

۲-۶. شکل‌گیری گروه‌های همسالان: یکی از تأثیرهای روشن و مهم تلویزیون بر کودکان، ایجاد گروه‌های همسالان است. کودکان علاوه بر اینکه با تماشای برنامه‌های تلویزیونی تقلیدوار، دست به تشکیل گروه‌های همسالان می‌زنند، وجود خود تلویزیون نیز موجب تقویت این بُعد از زندگی کودک می‌شود. (امه دور ۱۳۷۴، ۱۵۲) البته جنبه‌های اجتماعی شدن کودک به وسیله تلویزیون منحصر در این موارد نیست، بلکه با دقت بیشتر می‌توان موارد زیادی را برشمرد؛ ولی به دلیل آنکه این مقاله درصدد بیان موارد مهم این جنبه است، از موارد دیگر صرف نظر می‌کند. لازم به ذکر است اجتماعی شدن کودکان به وسیله تلویزیون، در طبقه دوم از طبقه بندی سه گانه دلایل تماشای تلویزیون توسط کودکان قرار دارد که حجمی کمتر از طبقه اول و بیش از طبقه سوم را شامل می‌شود. (جوکار ۱۳۸۶)

۳. تلویزیون و آموزش و یادگیری کودکان

تلویزیون یکی از ابزارهای مؤثر در افزایش شناخت و آگاهی به شمار می‌آید. در حال حاضر، بر اساس نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده به روش مشاهده، یک معلم خوب با استفاده از تلویزیون به عنوان یک رسانه کمک آموزشی به مراتب، اطلاعات خود را بهتر منتقل می‌کند، تا صرفاً از طریق روش‌های معمولی تدریس در ایالات متحده آمریکا، بیش از ۴۰۰ مورد مطالعه تطبیقی میان ارائه آموزش‌های عادی کلاسی به دانش‌آموزان با آموزش از طریق تلویزیون صورت گرفته است. در تمام موارد، به دنبال بررسی نمرات امتحان پایان سال، اختلاف معناداری رؤیت نشد، اما چنانچه تفاوتی هم وجود داشت، همیشه به نفع کسانی بود که از طریق تلویزیون آموزش گرفته بودند. پس می‌توان چنین استدلال کرد که در صورت نیاز و کمبود متخصص آموزشی برای بچه‌ها، می‌توان از تلویزیون استفاده کرد؛ این‌گونه بهره‌وری، بخصوص در موارد آموزش‌های تخصصی، می‌تواند کارساز باشد و برای مثال، با استفاده از تلویزیون، آموزش زبان‌های زنده در سطح مدارس ابتدایی بسیار موفقیت‌آمیز خواهد بود. ضمن آنکه برخورداری از این ابزار در هر محلی که نیروی برق

داشته باشد، امکان پذیر است؛ به ویژه برای کشورهای بزرگی که امکانات آموزشی به تمام نقاط آن به طور کامل نرسیده باشد، کاملاً قابل استفاده است، به گونه‌ای که حتی می‌توان از تلویزیون به عنوان یک معلم سرخانه استفاده کرد و در منازل به بچه‌ها آموزش داد. (همان) البته در کنار مسائل مطرح شده، تلویزیون نقش زیادی در تعلیم و تربیت دارد. برخی از کارکردهای مثبت تلویزیون عبارت است از: افزایش آگاهی کودکان در زمینه جغرافیایی، علمی و مسائل بهداشتی، تشویق کودکان به کارهای خوب با نمایش دادن مهربانی، سخاوت؛ گسترش برنامه‌های آموزشی با استفاده صحیح از تلویزیون و تشویق کودکان، ایجاد دوستی چه با گردهم جمع کردن خانواده و چه با در اختیار گذاشتن مجموعه‌ای از دوستان خیالی برای کودک، ترویج و آموزش ارزش‌های اجتماعی و دینی، معرفی روش‌های دوست‌یابی و حفظ دوستی، ایجاد حس مسئولیت در کودکان، جلوگیری از رفتار خودخواهانه کودکان با به تصویر کشیدن رفتارهای جامعه‌گرایانه. (سعید ۱۳۹۱، ۴۳)

با توجه به مطالب بیان شده این مسئله مطرح می‌شود که آیا مسجد نیز به عنوان یک رسانه می‌تواند همان کارکردهایی که رسانه‌ها در امر تربیت کودک و نوجوان و همچنین جذب آنها به خود دارند، ایفا کند و اساساً چه عواملی می‌تواند باعث شود که همان جذابیتی که رسانه‌ها به ویژه تلویزیون در جذب و تربیت کودک و نوجوان دارد را داشته باشد. در ادامه این پژوهش ضمن تبیین اهمیت و جایگاه مسجد به عنوان یک رسانه به کارکردهای تربیتی این رسانه توجه می‌شود.

ج) مسجد به مثابه یک رسانه و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

اهمیت و احترام مسجد، در دین مبین اسلام بر کسی پوشیده نیست و در نزد مسلمانان دارای جایگاه و اهمیت خاصی است. مسجد از نخستین روزهای ظهور اسلام به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام و مکانی برای انجام فرایض دینی، برنامه‌ریزی در خصوص مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و علمی... از جایگاه والایی برخوردار بوده است. بی‌شک در فرهنگ اسلام، هیچ نهادی به اندازه مسجد دارای این اندازه اهمیت نیست؛ زیرا در قاموس اسلام، دین و دنیا در مسجد گرد می‌آیند؛ لذا آیات و روایات بسیاری درباره مسجد و لزوم پاسداری آن نقل شده است. علاوه بر اشارات قرآن در احادیث نیز بر اهمیت مسجد تأکید شده است. در حدیثی از پیامبر ﷺ وارد شده که «در دنیا همچون میهمان باشید و مسجدها را خانه کنید.» (سیدجوادی ۱۳۷۸) همچنین در تورات آمده است: «مساجد خانه‌های من در روی زمین هستند، خوشابه حال کسی که در خانه خود وضو گیرد، آنگاه در خانه من، مرا زیارت کند.» حضور در مسجد به عنوان مظهر عبودیت و بندگی انسان در برابر خدا و مکانی مقدس که اثری از زشتی در آن یافت نمی‌شود، افزون بر آنکه «خود توفیقی بزرگ و کمالی ارزشمند است، کمالات روحی دیگری را نیز در پی دارد. رحمت خاص خداوند، آمرزش الهی، بهشت برین، هم‌نشینی و همدلی با فرشتگان الهی از آن جمله است.» (درانی ۱۳۷۶) جان کلام اینکه اسلام به مثابه یک مکتب جهانی و جاودانی، مسجد را پایگاهی برای تفکر، تدبیر، تصفیه روح، خلوص و اتصال بنده به خالق یکتا فرض کرده است. (سلطانی ۱۳۹۰)

۱. مفهوم‌شناسی

واژه مسجد از باب «سجد، یسجد» مصدر میمی یا اسم زمان و مکان است و بر وزن مشرق

و مغرب و به معنی سجده گاه است. (لسان العرب) در قرآن و تمدن اسلامی، مسجد به مکانی گفته می شود که عبادتگاه مؤمنان است. از آن روی به عبادتگاه مسلمانان مسجد می گویند که سر به سجده نهادن، اوج فروتنی و کرنش در برابر خداوند است. در روایت های اسلامی، همه زمین مسجد و سجده گاه انسان است. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا» (صدوق، ۲، ۱۱۱) زمین برای من سجده گاه، پاک و پاک کننده قرار داده شد. قاضی عیاض گفته است: «مسجد بودن کل زمین از خصایص امت مسلمان است.» (زر کشی ۱۴۱۰ ق، ۲۷) در برخی دیگر از روایت ها، مسجد خانه دوم مسلمانان و تثبیت کننده فرهنگ جمع گرایی و پرهیز از خودمحوری بیان شده است. واژه ها، ضمیرها و فعل های به کار رفته در سوره حمد نیز که در نماز های روزانه تکرار می شود، به طور ضمنی، پنهان و غیر مستقیم مسلمانان را به جمع گرایی و پرستش جمعی فرامی خواند. مسجد قبلاً نخستین مسجد جهان اسلام است که بیرون شهر مدینه قرار دارد. نخستین سنگ های این مسجد را حضرت محمد ﷺ پس از مهاجرت از مکه به مدینه بنا گذاشتند. قبایم قریه ای در نزدیکی مدینه بود. پیامبر ﷺ این مسجد را در سال اول هجری و به پیشنهاد عمّار یاسر یا به تقاضای ساکنان محل در قبا بنا کردند. خداوند تعال در قرآن کریم می فرماید: «لَسَجْدُ أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّطَهِّرِينَ» (توبه/۱۰۹) مسجدی که از آغاز بر پایه تقوا بنا شده است، سزاوارتر است که در آن نماز بگزارى. مسجد در قرآن کلمه مسجد حدود ۲۸ بار در قرآن ذکر شده است؛ ۲۲ بار به صورت مفرد (مسجد) و ۶ بار به صورت جمع (مساجد) برای ما مسلمانان، مهم ترین معیار در ارزش گذاری مسجدها توصیف ها و شاخص گذاری هایی قرآن کریم است. در روایات متعددی نیز بر جایگاه و نقش مسجد تأکید شده است. (شاملی و یوسفی ۱۳۹۱)

اعمّ محورهای فعالیتی در مسجد شامل عبادت، تعلیم و تعلم، ذکر و یاد خداوند، اصلاح و تزکیه، خدمت و نفع رسانی به مردم و همچنین دعوت و آگاهی است. از این رو مسجد علاوه بر اینکه محلی برای عبادت است، همواره از صدر اسلام تاکنون دارای نقش های اساسی دیگری در بین مسلمانان بوده است. حال این سؤال پیش می آید که با توجه به این مطلب که منبر از ابزار رسانه و مسجد از انواع رسانه ها، یعنی جزء رسانه های دیداری است و با توجه به نقش و جایگاه مسجد، آیا می توان گفت که مسجد نیز مانند دیگر رسانه ها دارای همان کارکردهایی باشد که سایر رسانه ها از آن برخوردارند؟ و آیا مسجد می تواند مانند رسانه ها

به‌ویژه تلویزیون جایگاه تربیتی در تربیت کودک و نوجوان داشته باشد. برای فهم و درک این مطلب، نخست باید کارکردهای مسجد را بررسی و سپس با کارکردهای رسانه تطبیق داد و بعد نتیجه‌گیری کرد.

۲. کارکردهای مسجد

۲-۱. کارکرد تربیت عبادی مسجد (جایگاه عبادی)

عبادت و راز و نیاز با خداوند نیاز واقعی و فطری هر انسان است و مکمل یا حتی مقوم شخصیت اوست. گرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی این نیاز در مسجد و عبادت‌گاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. بر این اساس، انسان بنا به فطرت خویش معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می‌ورزد؛ تاریخ نیز به درستی این سخن گواهی می‌دهد. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که معبد با انسان همراه و هم‌زاد بوده است؛ از همین رو، معصومان: مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده‌اند؛ پناهگاهی که انسان از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش می‌رسد. در فرهنگ اسلام، نام مسجد یادآور بندگی در پیشگاه خداوند متعال است. با توجه به این مطلب مشخص می‌شود که یکی از کارکردهای مهم مسجد تربیت عبادی و محل عبادت بودن است. (همان)

۲-۲. کارکرد تربیت اخلاقی

مسجد مکانی است برای تمرین خلق و خوی پسندیده انسانی، محلی مناسب برای عملی کردن ارزش‌های والای اخلاقی و رفتاری در بُعدهای گوناگون زندگی و همچنین پس از خودسازی فردی و اجتماعی، سکوی پروازی است به ملکوت؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «فیه رجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَّطَّهَرُوا» (توبه/۱۰۸) در مسجدی که براساس تقوا و پارسایی تأسیس شده باشد، مردم دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند نیز پاکیزگان را دوست دارد. با اینکه گناه‌های دینی و اخلاقی در همه‌جا نکوهیده است، اما در مسجد زشتی آن دوچندان است؛ پس مؤمن باید تلاش بیشتری کند تا در مسجد به گناه آلوده نشود، سخنان ظالمانه بر زبان نیاورد، به آبروی دیگران تجاوز نکند، غیبت نکند، سخنان بی‌فایده را کنار نهد و از گفت و گوهایی که بوی دنیاپرستی می‌دهد پرهیز کند. درحقیقت، تلاش برای انجام‌دادن این کارها خود تمرینی برای انجام‌دادن کارهای خیر و دوری از بدی‌هاست. بنابراین دومین کارکرد مسجد تربیت اخلاقی افراد یک جامعه است. اخلاقی که در جامعه اسلامی از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است. (همان)

۳-۲. کارکرد تربیت اجتماعی مسجد (کارکرد همگن سازی و گروه همسالان)

از جنبه‌های دیگر تربیتی مسجد نقش مؤثر آن در پیوند دلدادگان خود با انسان‌های صالح و برگزیده است. از دید آگاهان مسائل تربیتی، نقش دوست خوب در سعادت انسان بسیار ممتاز است. مسجد میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه پیوند ایجاد می‌کند، و با این کار بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی آنها فراهم می‌کند. کسی که با خوبان در ارتباط باشد، دست کم از سر حیا از برادران دینی خود راه انحراف را در پیش نمی‌گیرد؛ حتی اگر به درجه‌ای از تکامل نرسیده باشد که به سبب ترس از خداوند به گناه دست نزند. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و درون‌گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می‌زداید. اگر خانواده‌های مسلمان در مسجد به هم پیوند بخورند بستر مناسبی برای همیاری‌های جمعی آنان فراهم می‌شود. این کارکرد مسجد با کارکرد رسانه‌های دیگر مانند همگن‌سازی و همونوع‌طلبی و اجتماعی شدن مشترک است.

۴-۲. کارکرد روان‌شناختی مسجد (کارکرد اجتماعی و عاطفی)

مسجد می‌تواند گرداننده‌ی راه از چهره و جان مسلمان بزداید و «افسردگی» وی را برطرف کند چراکه مسجد نشاط را به فرد مسلمان هدیه می‌کند. خانواده‌های مسجدی، در تعامل‌های خود، مشکلات و سختی‌های زندگی را در جمع دیگر خانواده‌ها بیان می‌کنند و تخلیه عاطفی می‌شوند و همچنین حس پذیرفتگی در جمع آنها را از احساس تنهایی، زمین‌گیر شدن و واماندگی نجات می‌دهد. حتی اگر خانواده‌ها نتوانند برای یکدیگر گره‌ای بگشایند، احساس همدردی و صفایی که در جمع یکدیگر پیدا می‌کنند، انگیزه تلاش دوباره و مبارزه با مشکلات را در آنها تقویت می‌کند. مسجد به طور معمول جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است. به طور طبیعی، حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی را در فرد می‌دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص نوعی مبارزه با روح بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی است؛ روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه - به‌ویژه نسل جوان - پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد. یکی از زمینه‌هایی که فرهنگ مسئولیت و همیاری را در مسلمانان رواج می‌دهد، حضور خانوادگی در مسجد است. در مسجد نیازها، کاستی‌ها، چالش‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها، برجسته و توصیف می‌شود و خانواده‌ها می‌توانند برای همدگر پشتیبان باشند. گذری بر جامعه خود مؤید خوبی برای این مطلب

است که ریشهٔ درمان بسیاری از افسردگی‌ها و مشکلات روحی و روانی در دور افتادن از این مسیر است. (شاملی، پیشین ۱۳۹۱)

۲-۵. کارکرد آموزشی مسجد (کارکرد تعلیم و آموزش و آگاه‌سازی)

از آغاز گسترش اسلام، خط و کتابت در مسجد آموزش داده می‌شد و این امر موجب بروز اشکال در فعالیت‌های عبادی نمی‌شد. شاید بتوان گفت که کارکردهای آموزشی و فرهنگی مسجد، پس از کارکردهای تربیتی و به‌ویژه تربیت عبادی، سرآمد دیگر کارکردهای مسجد است. آموزش‌های اسلامی با دعوت پیامبر ﷺ، نخستین مربی و معلم مسلمانان و از مسجد آغاز شد که در واقع پایگاه تعلیماتی مسلمانان بود. مسجد که در عصر نبوت و دورهٔ خلفای راشدین بنای بسیار ساده‌ای داشت، مجمع نو مسلمانانی شد که برای آشنایی با آموزه‌های اسلامی و حل و فصل مسائل جدید در آن رفت و آمد می‌کردند. اقامهٔ نماز، استماع سخنان پیامبر ﷺ در باب آیه‌های قرآن کریم، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، اعلان جنگ و جهاد و صلح، آموزش مهارت‌های زندگی، تقسیم غنایم جنگی، ارسال نامه‌ها، تشییع جنازه و مسائلی از این قبیل در مسجد انجام می‌شد که بیشتر آنها با هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه آغاز شد. در واقع، «مسجد» کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و اساسی‌ترین پایگاه تعلیم در تاریخ اسلام است. (همان)

۲-۶. کارکرد سیاسی مسجد (کارکرد رهبری و هدایت)

یکی از کارکردهای مهم مسجد، کارکرد سیاسی است که از زمان رسول خدا ﷺ بر آن تأکید شده و هم‌اکنون نیز اهمیت آن به خوبی مشاهده می‌شود. بر همین اساس، آن حضرت پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، به منظور دخالت مسلمانان در شیوهٔ حکومت و آگاه‌ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز کارکرد سیاسی مسجد فعال‌تر گردید و امور سیاسی آن روز مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و ... در مسجد صورت می‌گرفت. در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز پس از محور اعتقادی و عبادی، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین بخش کار مساجد در محور سیاست بوده است؛ چرا که مساجد در آگاهی و بیداری توده‌ها در دوران قبل و بعد از انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند و هم‌اکنون نیز استعمارگران جهان از مسجد بیش از هر نهاد انقلابی می‌ترسند.

۲-۷. کارکرد فرهنگی مسجد (برنامه و کارکرد اوقات فراغت)

پس از نقش عبادی و آموزشی، نقش فرهنگی در بین دیگر نقش‌ها و کارکردهای مسجد، دارای بیش‌ترین اهمیت می‌باشد. پیامبر اسلام ﷺ محیط مسجد را کاملاً فرهنگی می‌دانستند تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان برخی مسابقات برگزار می‌شد و حضرت ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل از چنین مسائلی استقبال می‌کردند. گرچه امروزه مراکز آموزشی و فرهنگی گسترش یافته است؛ اما نباید از این کارکرد مهم مسجد و بارور نمودن بُعد فرهنگی آن، غفلت نمود. برگزاری جلسات شبی با قرآن، مسابقات همچون کتاب‌خوانی و ... از جمله برنامه‌هایی هستند که می‌توان با حمایت مسئولین منطقه به اجرا درآورد. چنانکه ذکر شد حضور امام جماعت مدتی قبل و بعد از نماز در مسجد برای پرسش و پاسخ، مشاوره و ... شرایطی ویژه جهت رشد فرهنگی مردم را به وجود می‌آورد. همچنین مناسب است برخی برنامه‌های فرهنگی مسجد از درون مسجد به فضاهای دیگر مثل کوه، مکان‌های اردویی و ... گشانده شود تا علاوه بر جذابیت و اثر بخشی بیشتر، تبلیغی برای حضور دیگر افراد به سوی مسجد باشد. (رستمی ۱۳۸۲، ۷۵-۸۱)

۲-۸. کارکرد آگاهی دهی (اطلاع‌رسانی و هدایتی)

یکی از نیازهای مهم بشر، وسایل ارتباطی است تا انسان‌ها را از اخبار مهم مطلع ساخته و آنان را در حوادث به یاری یکدیگر طلبیده و از حمله دشمنان آگاهی داده، آنان را آماده دفاع نماید. دین مبین اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرفی کرده است. به تعبیر دیگر مسجد اصلی‌ترین مکان شکل دهی افکار عمومی، فرهنگ سازی و اطلاع‌رسانی در تمدن اسلامی بوده است. ندای «الصلوة جامعہ» در عهد پیامبر ﷺ و پس از آن یک فراخوان عمومی برای گردهم آوردن مسلمانان در مسجد و آگاهی از یک امر مهم بوده است. به همین دلیل کارکرد رسانه ارتباط جمعی با همه تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد که این ویژگی فقط در مسجد یافت می‌شود.

۲-۹. کارکرد ابلاغی و تبلیغی (اطلاع‌رسانی و ابلاغ پیام)

شاید هیچ پایگاهی به اندازه «مساجد» در تبلیغ اسلامی ایفای نقش ننموده باشد؛ از زمان

رسول خدا ﷺ تا کنون اذان، نماز، وعظ و خطابه از مهم‌ترین برنامه‌های مساجد بوده و هست. با توجه با کارکردهای مسجد و نگاهی به کارکردهای تربیتی رسانه در تربیت کودک و نوجوان حال این بررسی صورت می‌گیرد که در کارکردهای مشترک این دو رسانه همان‌طور که وظیفه و عملکرد رسانه در اینجا تلویزیون مشخص شد، عملکرد مسجد چگونه باید باشد. در ذیل به کارکردهای با رویکرد تربیتی نگاه می‌کنیم.

د) رسانه مسجد و جایگاه آن در تربیت کودک و نوجوان

همان طور که بیان شد یکی از کارکردهای مشترک این دورسانه کارکرد آگاهی بخشی است. مسجد می تواند از طریق دادن اطلاعات گوناگون مورد نیاز نوجوانان، در تعیین و انتخاب صحیح بینش نوجوان تاثیر گذار باشد. امام جماعت و متولیان مسجد، باید با برگزاری مباحث هستی شناسی و جهان شناسی و جلسات و حلقه های معرفتی درباره گزاره های دین و احکام دینی و بیان علل و فلسفه و حکمت گزاره ها و احکام خمسه و اثرات وضعی و تکلیفی احکام، در ایجاد یک بینش و نگرش درست و عمیق و منطقی در نوجوان کمک کنند. «مسجد» در قالب یک مکان بسیار مقدس و امنی که به سبب برخورداری از فضای معنوی و آرامش بخش که با نظام فطرت انسان و به ویژه نسل پاک نوجوان هماهنگ است، می تواند بسیاری از انتظارات و نیازهای درونی و بیرونی نوجوان را تأمین کند. ارتباط با خداوند، امنیت و آرامش، داشتن روابط اجتماعی و شرکت در گروه های سالم و فعالیت های دسته جمعی و مرکزی مهم و مطمئن برای دریافت پاسخ سوالات و شبهات گوناگون، از ویژگی های مهم مسجد است. مسجد و به طور خاص امام جماعت، می تواند با تأمین این نیازها، حس اعتماد نوجوان را جلب نماید و با تکیه بر این اعتماد، بر بینش و نگرش و رفتار نوجوان تأثیر گذار باشد و با ارائه اطلاعات درست و مبتنی بر دین مبین اسلام که همسو و همگن با فطرت است، نگرش نادرست و اشتباه نوجوان را اصلاح کند و بینش و نگرش جدیدی را از طریق تشویق و تحسین جایگزین نمایند.

از جمله کارکردهای مشترک این دو می توان به بحث اجتماعی شدن و تربیت اجتماعی اشاره کرد که در این باره «نقش مسجد» در تربیت اجتماعی نوجوان، بسیار مهم است.

نوجوان با حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت و جلسات بحث و مناظره، کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی، گروه‌های علمی، فعالیت‌های گروهی و غیر آن، می‌تواند به طور ناخودآگاه به رشد و تربیت اجتماعی دست یابد؛ زیرا در مسجد، کلیه ویژگی‌های اجتماعی یک جامعه فاضله و الهی وجود دارد. مسجد به عنوان یک محیط و نهاد مهم اجتماعی، در جامعه می‌تواند جنبه‌های گوناگون اجتماعی یک فرد را تربیت کند. فرد در مسجد، احترام به بزرگ‌ترها، سکوت و سخن گفتن به موقع، عمل بر اساس قوانین اجتماعی، برقراری نظم و انضباط، مسئولیت‌پذیری امور مختلف و غیر آن را می‌آموزد. مسجد به عنوان محیطی خارج از خانه، می‌تواند نیاز جامعه‌پذیری و برقراری ارتباط و رشد شخصیت اجتماعی نوجوان را ایفا کند و در امور مهم، کمک شایانی برای خانواده و والدین باشد. (کمالی لطف ۱۳۹۱، ۱۴-۱۷)

در کارکرد مشترک دیگر که بحث تربیت عاطفی و روانشناختی است، امام جماعت و فعالان مسجد، می‌توانند در این موقعیت بحرانی خدمت بزرگی به کودکان و نوجوان بکنند. در مرحله اول، روحانی مسجد باید نوجوان را با ویژگی‌ها و خصوصیات ذاتی و طبیعی آشنا کند. سپس با گفت و گوهای مستدل و منطقی به او کمک کند تا با در نظر گرفتن خصوصیات فردی به تعیین هویت، شخصیت، نیازها و استعدادهاش بپردازد. از رهگذر این مکان مقدس و آموزه‌های دینی و مذهبی، هویت دینی نوجوان که جنبه‌ای از هویت اوست، تربیت می‌شود. نحوه رفتار و عملکرد والدین و به خصوص روحانی مسجد در حوزه دین و مسائل دینی، می‌تواند تأثیری بسزا در گرایش و جذب نوجوان به دین داشته باشد. (همان)

در بحث کارکرد آموزشی مسجد؛ روزگاری مسجد، یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است. متأسفانه مسئله آموزش در مساجد کمرنگ شده و مناسب است با برنامه‌ریزی و متناسب با امکانات موجود و استفاده از کارشناسان، برنامه‌هایی از قبیل آموزش احکام و قرآن مخصوصاً برای بانوان و نوجوانان، پاسخ به سؤالات و ... برگزار شود. نکته‌ای که نباید از آن غفلت نمود آموزش بر اساس نوع مخاطب است. متأسفانه امروزه برخی سخنرانی‌ها بدون در نظر گرفتن نوع مخاطب صورت می‌پذیرد، در حالی که در نظر گرفتن سن، جنس و معلومات مخاطب علاوه بر جذابیت، اثر بخشی مضاعفی خواهد داشت. گاه لازم است برای هر یک از گروه‌های کودک و نوجوان، جوان، میانسال و پیر، بانوان و مردان جلسات مجزا برگزار شده و احکام و مسائل مرتبط با آنان بیان شود.

همچنین امام جماعت می‌تواند کلاس‌های کمک آموزشی عربی، معارف اسلامی و قرآن

را در مسجد برگزار نماید و برای کلاس‌های متعدّد دیگر مثل کلاس‌های کمک آموزشی در رده‌های تحصیلی مختلف و نیز آموزش خطاطی، کامپیوتر و... از نماز گزاران فرهنگی استفاده نماید. برگزاری اینگونه کلاس‌ها علاوه بر استفاده از ظرفیت آموزشی مسجد موجب تقویت و پویایی جوانان و نوجوانان مسجدی می‌گردد. جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا است؛ چنانکه در روایت است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی گام برمی‌دارند؛ دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه (تعلیم و تعلم) کار برتری انجام می‌دهد. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده‌ام. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.

در بحث فرهنگی که مسجد با برنامه صحیح می‌تواند برنامه‌های خوبی برای پر کردن اوقات فراغت بچه‌ها داشته باشد؛ رعایت اصل جذابیت در برنامه‌هایی فرهنگی و همچنین به‌روز بودن متولیان مسجد می‌تواند تا حدّ بسیاری به این مطلب کمک کند. تا ابتدا مثل رسانه‌ها اول جذب بعد القای اندیشه و باور دینی کند. در کارکردهای دیگر مانند کارکرد تبلیغی و سیاسی نیز مسجد می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. در اینجا یکی از مهم‌ترین کارکردها مشترک بین تلویزیون و مسجد، یعنی پر کردن اوقات فراغت می‌تواند تحقق یابد. همان‌طور که بیان کردیم یکی از عوامل جذب رسانه‌ها، برنامه داشتن برای این کارکرد است. برنامه‌هایی که از اصل جذابیت نیز کمک می‌گیرد و ساعت‌ها کودک و نوجوان را سرگرم خود می‌کند. مسجد نیز در این بخش (فرهنگی) می‌تواند با ظرافت و برنامه‌های درست و جذاب این کار را به نحو احسن انجام دهد و باورهای دینی و مسائل تربیتی را به آنها آموزش دهد.

اما برای اینکه مسجد بتواند پایاپای سایر رسانه‌ها به نقش و جایگاه خود بپردازد نیاز با برنامه‌ریزی‌های درست و مناسب دارد که در اینجا به ارائه برخی راهکارها اشاره شده است.

۱. داشتن امام جماعتی که دانش، تقوا، تعهد، دلسوزی، روزآمد بودن، سلامت و آراستگی بدنی و ظاهری داشته باشد.

۲. حضور شورای علمی و هیئت امنای مسجد که ترکیبی از مسجدیان کارآزموده، با تجربه،

جوان و کارآمد است؛ از عواملی که در جذب نسل جوان به مسجد نقش زیادی دارد، طولانی نشدن نمازهای جماعت است. امام جماعت با در نظر گرفتن این نکته که جذب و پس از آن حفظ جوانان در مسجد، به ظرافت‌های خاصی نیاز دارد، باید تلاش نماید تا رعایت حوصله و وقت نمازگزاران، به‌ویژه قشر جوان را بنماید.

۳. حضور کمیته‌های علمی و تخصصی درون هر مسجد، به‌ویژه کمیته مشاوره و مهارت زندگی.

۴. افزودن بر جاذبه‌های مسجد، مانند برگزاری کلاس‌های هنری و علمی در رشته‌های گوناگون، تأسیس مکان‌های مناسب ورزشی و دعوت از مربیان باتجربه برای آموزش، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر و مانند آن با رعایت موازین اسلامی.

۵. تقویت مساجد از نظر امکانات ظاهری، مانند رسیدگی به ساختمان مسجد، نظافت و امکانات لازم برای برنامه‌های مناسب.

۶. حضور اتاق فکر خانواده در مسجدها که درباره موضوع‌ها و محورهای زندگی خانواده و چالش‌های پیش رو گفت‌وگو می‌کنند.

۷. تشکیل انجمن هنر؛ مانند سینما، تئاتر، خطاطی، طراحی، نقاشی و ترویج هنرهای اصیل اسلامی.

۸. توسعه و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و ...

۹. تشکیل و تقویت کتابخانه مناسب برای مسجد و در اختیار داشتن کتاب‌های مفید و متنوع یکی دیگر از راهکارهای جذب جوانان به مسجد هست. برای جذب و استفاده بیش‌تر از امکانات کتابخانه، می‌توان به برگزاری مسابقات کتابخوانی، قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب و مانند آن اقدام کرد.

۱۰. راه‌اندازی صندوق مهر خانواده برای کمک‌رسانی‌های مالی و اعطای قرض‌الحسنه برای کمک به زندگی، ازدواج، بیماری، ایجاد شغل، تحصیل و مانند آن.

۶. کمیته آموزش و پرورش مسجد برای برنامه‌ریزی موضوع‌های گوناگون، به‌ویژه تربیت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جنسی. مسجد علاوه بر امور عبادی باید در فکر اشاعه فرهنگ و اخلاق زیبای اسلامی نیز باشد؛ احترام به علماء، افراد مسن و بزرگ‌ترها و محبت به کوچک‌ترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنان، باید از دیگر اهداف بانیان مساجد

باشد. لازم به ذکر است که مساجد آنگاه خواهند توانست نقش تاریخی خود را در تربیت عبادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفا کنند که بتوانند مخاطبان خود، به خصوص نسل جوان را جذب و حفظ نمایند. برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی صحیح انجام گیرد. در ایام تعطیلات، بیشتر وقت کودکان و نوجوانان و جوانان به بطالت می‌گذرد و با توجه به اینکه اکثر خانواده‌ها وضعیت مالی خوبی ندارند و نمی‌توانند به کلاس‌های مختلف بروند، باید بکوشیم که با برنامه‌های جذاب این قشر عظیم را به سمت مسجد فرا بخوانیم. نوجوان و جوان به دلیل عدم وابستگی و نداشتن علاقه بسیار به دنیا و مسائل مادی و آزاد بودن فکر و ذهن، بهتر می‌تواند مفاهیم دینی را درک کند و به همین سبب حافظ ارزش دستاوردهای مذهبی و اعتقادی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مختصر بیان شد، جهان امروز، جهان رسانه‌هاست و رسانه‌ها تأثیر زیادی در مسائل سیاسی، فرهنگی، علمی، تربیتی و ... دارند. رسانه‌ها با داشتن کارکردهای زیادی می‌تواند باعث تغییر و دگرگونی در رفتار و باورهای افراد یک جامعه داشته باشند. در این میان شاید نقش تربیتی رسانه‌ها به‌ویژه در بحث تربیت کودک و نوجوان بیشتر در رسانه‌ای مانند تلویزیون نمایان باشد. این نیز به این دلیل است که رسانه‌ها به علت داشتن ویژگی‌های بارزی همچون فراگیر بودن، سرعت انتشار مطالب، اصل جذابیت و ... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. با نگاهی به کارکردهای رسانه‌ها و همچنین این نکته که مسجد نیز با داشتن ابزار رسانه‌ای مانند منبر و همچنین کارکردهای مشابه با رسانه‌ها می‌تواند دوش به دوش سایر رسانه‌ها در امر تربیت کودک و نوجوان موفق باشد و در کنار رعایت یک سری اصول از جمله اصل جذابیت و به‌روز بودن در این کار پیشرفت خوبی داشته باشد؛ اما داشتن صرف این کارکردها بدون برنامه‌ریزی صحیح و مناسب کافی نخواهد بود و در صورتی این امر محقق می‌شود که از این ظرفیت‌ها به نحو احسن استفاده شود تا مسجد به همان جایگاه اصلی خود که همانا پایگاه عبادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی، تربیتی، تبلیغی و ... بودن در بین مردم برسد.

۱. آذری، سعید، «اثرات رفتای تلویزیون بر کودکان و نوجوانان»، مجله پژوهش و سنجش، ش ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
۲. ازکمپ، استوارت، روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، موسسه انتشارات به نشر، ۱۳۸۵.
۳. امه دور، تلویزیون و کودکان، رسانه‌ای خاص برای مخاطبان خاص، ترجمه علی رستمی، تهران، سروش، ۱۳۷۴.
۴. باهنر، ناصر، رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صداوسیما، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۵. بری گونزو و بیل مک آلر، کودک و تلویزیون، ترجمه نصرت فتی تهران، سروش، ۱۳۸۰.
۶. تانکارد، جیمز و سورین، ورنر، نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۷. جوکار، قاسم، «بررسی تأثیر تلویزیون بر کودکان»، قم، ماهنامه معرفت، سال شانزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۸۶.
۸. حاج سید جواد، فریبرز، «مسجد- مدرسه‌های قزوین»، مجموعه مقالات همایش معماری (معماری، مسجد، گذشته، حال، آینده)، ج اول، چ اول، دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۷۸.
۹. دادگران، محمد، مبانی ارتباطات جمعی، تهران، مروارید، چاپ نهم، ۱۳۸۵.
۱۰. درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش قبل و بعد از اسلام، سمت، تهران، ۱۳۷۶.
۱۱. راش، مایکل، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۱۲. رستمی، محمد علی و همکاران، آیین مسجد، تهران، انتشارات گویه، ۱۳۸۲.
۱۳. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد با احکام المساجد، قاهره، ص ۲۷، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، اطلاعات، چاپ هفدهم، ۱۳۸۵.
۱۵. سعید، زهره، «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تربیت و رشد کودک و نوجوانان»، قم، فصلنامه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، شماره دوم، ۱۳۹۱.
۱۶. سلطانی، ابراهیم، «بررسی کارکردهای مسجد در گذشته و حال»، بیستمین اجلاس سراسری نماز، بوشهر، تابستان ۱۳۹۰.

۱۷. شاملی، عباسعلی ویوسفی، ش، بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد به ویژه در حوزه خانواده، قم، امور مساجد دفتر مطالعات قم، ۱۳۹۱.
۱۸. شیخ الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، برگرفته از لوح فشرده‌ی جامع الاحادیث، نور ۲، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۹. عزیزی، شهلا، خانواده و تلویزیون، تهران، مرندیز، ۱۳۸۳.
۲۰. عزیزی، شهلا، خانواده و تلویزیون، تهران، مرندیز، ۱۳۷۳.
۲۱. کازنوو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقرساروخانی، چاپ هشتم، انتشارات اطلاعات ۱۳۸۴.
۲۲. کرباسیان، قاسم، کارکردهای وسایل ارتباط جمعی، قم، سایت پژوهش‌شکده باقرالعلوم، کتاب فرهنگ علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۲۳. کریمی، سعید، رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۲۴. کمالی لطف، نسرین، «نقش مسجد در تعلیم و تربیت نوجوانان»، قم، دفتر مطالعات امور مساجد قم، ۱۳۹۱.
۲۵. لسان العرب، واژه «مسجد»، برگرفته از لوح فشرده‌ی جامع الاحادیث، نور ۲، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۶. محمدی، مجید، «رسانه سینما»، فصلنامه رسانه، شماره پنج، بهار ۱۳۷۰.
۲۷. معتمدنژاد، کاظم، وسایل ارتباط جمعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۲۸. میرنژاد، مریم، «جایگاه مسجد در قرآن و روایات»، سایت مؤسسه فرهنگی جام طهور.
۲۹. ویلبرشرام جک لایل و ادوین بی پارکر، تلویزیون در زندگی کودکان، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما، ۱۳۷۷.



مسجد مجازی و نقش آن در تربیت دینی کودکان و نوجوانان

رحیم دهقان سیمکانی^۱

چکیده

امروزه سایبر و فضای مجازی، بستری را فراهم آورده که با بهره‌مندی منطقی و علمی از آن، می‌توان ضمن بکارگیری شیوه‌های نوین تبلیغی، با تعداد بی‌شماری از مخاطبان، بدون محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی، ارتباطی دوسویه برقرار نمود. با استفاده درست از این بستر، می‌توان جوانان، نوجوانان و حتی کودکان که اغلب فرصت‌های خود را با سرگرمی در فضای مجازی می‌گذرانند را با مولفه‌های اصیل اسلامی آشنا و تربیت نمود. بکارگیری ساز و کارهای مسجد در فضای مجازی و عرصه سایبر، از مهمترین اقدامات در این راستاست. «مسجد مجازی» یا به تعبیری؛ بخشی از کارکردهای مسجد واقعی که امکان ارائه در فضای سایبر را دارد، می‌تواند ضمن بکارگیری فناوری و امکانات ارتباطی، از جمله منبر مجازی، شبکه‌های اجتماعی، و بازی‌های رایانه‌ای و نیز با استفاده از محتوای درست و مستند، بستر مناسب برای الگوسازی و هدایت فرهنگی، هنری، آموزشی و اجتماعی کودکان و نوجوانان را فراهم نموده و در رشد تربیتی آنها تاثیرگذار باشد. این مقاله تلاش خواهد نمود تا ضمن تبیین ساز و کارها و ظرفیت‌های مسجد در فضای مجازی، نقش مسجد مجازی در تربیت کودک و نوجوان^۱ را بر مبنای برخی اصول تربیتی مهم در تربیت دینی، مورد بررسی قرار داده و آن را مقدمه و راهکاری برای ورود آنان به مسجد واقعی قلمداد نماید. روش مقاله، در تبیین محتوا، تحلیلی و در مراجعه با آراء، استنادی خواهد بود.

واژگان کلیدی: مسجد مجازی، تربیت، کودک، نوجوان، اینترنت، فضای مجازی.

۱. در این مقاله رده‌های سنی بین ۷ یا ۸ سال تا ۳۰ سال مد نظر قرار داده شده که هم کودکان نونهال [که در سنین بین ۷ تا ۱۰ سال قرار دارند]، هم نوجوانان و هم جوانان را شامل می‌شود. مادر عنوان این مقاله به اختصار از آنان به کودکان و نوجوانان تعبیر کرده‌ایم. این رده سنی، بیشترین مخاطبان فضای مجازی، اعم از بازی‌های رایانه‌ای و اینترنت را تشکیل می‌دهند. برای مطالعه بیشتر در رابطه با رده‌های سنی رک، (لطف آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد؛ ۲؛ نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، تهران، سمت، ۱۳۸۰)

مقدمه

در دنیای امروز که فناوری اطلاعات و ارتباطات جایگاه منحصر به فردی را در زندگی بشر پیدا کرده، نقش شبکه‌های اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای در انتقال و مبادله حجم عظیمی از اطلاعات روشن‌تر و بارزتر شده است. مهم‌ترین تغییری که فناوری اینترنت در جهان بوجود آورده را می‌توان به خوبی در این سخن مارشال مک لوهان خلاصه کرد:

«در این فضا، انسان آنچه را خطی، پشت سرهم، یکنواخت، و قابل تکرار است به دور می‌اندازد، و به جهانی کلی و همه‌جانبه قدم می‌گذارد. این جهان، الکترونیک است. در این جهان همه چیز می‌تواند با هم و در کنار هم اتفاق بیفتد و جهان به دهکده‌ای بزرگ تبدیل می‌شود.» (مددپور ۱۳۸۸، ۱۸۱)

در این فضا، مردم نقاط مختلف در سراسر کره زمین به مثابه یک دهکده، امکان برقراری ارتباط با یکدیگر و اطلاع از اخبار و رویدادهای جهانی در مدت زمان بسیار کوتاه را دارند. این ظرفیت، بستری را فراهم ساخته است تا هم منادیان دروغین صلح و دشمنان اسلام از فضای مجازی، ماهواره‌ها و رسانه‌ها برای دستیابی به اهداف شومشان در قالب هجمه‌های فرهنگی بهره‌برند و هم منادیان راستین دین و آنها که دغدغه هدایت بشر دارند، مفاهیم و آموزه‌های اصیل و مستند خود را برای هدایت جهانیان ارائه کنند. در این بستر، طبعاً آنها موفق خواهند بود که بر مبنای اعتقادات حق، و با بهره‌گیری از استدلال‌ات منطقی و متقن، نظام اخلاقی، دینی، معنوی و اعتقادی را به بهترین شیوه عرضه کنند. از این رو، نیروهای مسجیدی و جوانان باید با ورود به بخش فضای مجازی در راستای تبلیغ آموزه‌های اصیل اسلام گام بردارند. انسان‌های متعهد و با ایمان با حضور گسترده در فضای مجازی، باید

معنویت موجود در مساجد را در فضای مجازی نیز منتشر کنند. در حالی که دشمنان اسلام، تلاش دارند تا چهره خشنی از اسلام را به دنیا معرفی کنند، مبلغان اسلام باید سازوکارهایی اندیشیده و فضای معنویت، قرآن و مسجد و داشته‌های دین مبین اسلام را در ابعاد مختلف به جهان عرضه کنند.

یکی از ابعاد دین اسلام، بُعد تربیتی و اخلاقی است و از آنجا که امروزه از تأثیرات رسانه‌های جمعی بر هویت کودکان و نوجوانان گریزی نیست، (ملوین و همکاران ۱۳۸۳، ۳۰۰) و نیز از آنجا که استفاده از اینترنت در میان جوانان و نوجوانان، بیش از هر گروه سنی دیگر است، (بولن ۲۰۰۵، ۵) لازم است تا با ایجاد فضایی تربیتی در قالب مسجد مجازی، راهکارها، مفاهیم و آموزه‌های اصیل تربیتی به جامعه جوان و نوجوان که آمار قابل توجهی از کاربران اینترنتی را به خود اختصاص داده‌اند، ارائه گردد. مسجد مجازی با ارائه سازوکارهای مسجد در فضای مجازی، می‌تواند نقش قابل توجهی را در این زمینه ایفا کند، چرا که مساجد همواره مهمترین پایگاه‌های تربیتی در جوامع اسلامی بوده‌اند.

از این رو، در این نوشتار با توجه به نو بودن مطالب و برخی از واژه‌ها و اصطلاحات جهت تبیین و درک بهتر و بیشتر موضوعات مهم و مسائل مطروحه، در بخش اول مقاله به تبیین مسجد مجازی، ضرورت توجه به مسجد مجازی و بیان ظرفیت‌های مسجد مجازی جهت تربیت کودکان و نوجوانان خواهیم پرداخت. بخش دوم را به ضرورت توجه به تربیت کودک و نوجوان، جهت جذب نوجوانان و جوانان به سوی مساجد مجازی و سپس واقعی اختصاص خواهیم داد و در بخش سوم بر اساس اصول مهم در تربیت کودکان و نوجوانان، تلاش خواهیم نمود تا نقش مسجد مجازی و تاثیر آن بر تربیت نوجوانان را مورد تبیین و بررسی قرار دهیم. در ضمن مباحث، روش‌ها و شیوه‌های کاربردی و قالب‌هایی که در فضای مجازی، به منظور افزایش جاذبه برای جذب این قشر وسیع به سوی مساجد و نمازخانه‌ها قابلیت بهره‌گیری دارد را نیز مورد تبیین و تشریح قرار داده، در پایان راه کارهایی را برای نهادینه ساختن مساجد مجازی به اختصار بیان خواهیم کرد.

الف) مسجد مجازی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

۱. مسجد مجازی

واژه مسجد در لغت به معنای سجده‌گاه و پیشانی است. «ابن منظور» در لسان العرب دربارهٔ مسجد می‌نویسد «مسجد و مسجد جایی است که در آن سجده می‌کنند و مفرد مساجد است». (ابن منظور ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ۲۰۴) ابن اعرابی می‌گوید «مسجد به فتح جیم، محراب و نمازگاه خانه‌ها است و مسجد به کسر جیم، نمازگاه جماعات است و جمع آن مساجد (مسجدها) است». (زبیدی ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ۷) مسجد در اصطلاح به عبادت‌گاه مسلمانان اطلاق می‌شود. در این که چرا کلمه مسجد، برای مکان عبادت و محل نماز استعمال شده است، گفته شده که چون عظیم‌ترین عبادتی که در آن برگزار می‌شود، نماز و شاخص‌ترین جزء نماز نیز سجده است از این رو به آن مکان، مسجد می‌گویند. (دستی ۱۳۸۵، ۳۵۱) برخی معتقدند، این واژه، معرب «مزکت» است که از زبان آرامی وارد زبان عربی شده است و به جای سجده و محلی که مسلمانان در آن نماز می‌گذارند، اطلاق می‌شود. (معین ۱۳۸۸، ج ۳، ۱۴۰۶) راغب اصفهانی دربارهٔ واژه مسجد می‌گوید «مسجد محل نماز است و گفته شده که همه زمین مسجد است چون در روایتی آمده که زمین، مسجد و پاک‌کننده قرار داده شده است». (راغب اصفهانی ۱۴۰۴ ق، ۳۹۷)

واژه «مجاز»، گاهی در مقابل امر حقیقی معنا می‌شود، گاهی به عنوان امری وهمی و خیالی فرض می‌شود و گاهی در مقایسه با واقعیت محسوس به کار برده می‌شود. مراد از «مسجد مجازی»، مسجد در فضای مجازی اعم از تلویزیون، سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای است که به مرور زمان، فرد را به یک شبکهٔ معنوی اصیل متصل می‌کند.

مسجد مجازی در واقع سازو کارهای مسجد واقعی در فضای مجازی را داراست و از این جهت، می‌تواند در امر تربیت، به عنوان مقدمه‌ای برای ورود به مسجد واقعی، تاثیرگذار باشد. طبیعی است که تمام سازو کارهای مسجد واقعی قابل انتقال به فضای مجازی نیست و از این رو، مراد از مسجد مجازی، بخشی از سازو کارهای مسجد واقعی است که امکان عرضه در عرصه سایبر را دارد. منبر مجازی، تبلیغ و سخنرانی در فضای مجازی، اذان و اوقات آن، ایجاد کتابخانه مجازی، استفاده از امکانات ارتباطی بین کاربر و مبلغ دینی، همه در کنار هم مفهوم مسجد مجازی را متبلور می‌سازند. مسجد مجازی نیز در واقع در پی اهداف تربیتی مسجد واقعی است. رسول خدا فرمود «در مسجد هر نشستنی مگر برای سه چیز بیهوده است؛ نماز خواندن، ذکر گفتن، و بحث علمی کردن» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۸۳، ۳۷۰) و در مسجد مجازی، حداقل یکی از این موارد، یعنی بحث علمی کردن تحقق خواهد یافت، علاوه بر اینکه ذکر گفتن و نماز گزاردن را نیز اگر محصور در شکل ظاهری آن ندانیم، شامل خواهد شد.

«هر کس به مساجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز می‌رسد: یا برادری دینی که از او بهره‌مند می‌شود، یا دانش و نکته حکمت‌آمیز، یا آیت و نشانه‌ای محکم، یا رحمتی مورد انتظار، یا سخنی که او را از هلاکت باز می‌دارد، یا کلامی که او را به هدایت رهنمون شود، یا گناهی را به خاطر خشیت خدا ترک می‌کند.» (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۸۰، ۳۵۱)

با توجه به بیانی که از مسجد مجازی ارائه شد و با توجه بیان این حدیث شریف، به نظر می‌رسد غالب کارکردهای مسجد که در این حدیث بیان شده از طریق مسجد مجازی نیز قابل دسترسی بوده و مسجد مجازی ارائه دهنده پیام‌های دینی، و منبع حرکت‌های فرهنگی - معنوی، و هدایت‌کننده انسان‌ها خواهد بود. کارکردهای مسجد عبارتند از کارکردهای عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی و ارتباطاتی، اجتماعی، سیاسی، معماری و نقش‌آفرینی در فضای کالبد شهری و... (الویری ۱۳۸۶، ۹) که بیشتر آنها را می‌توان از کارکردهای مسجد در فضای مجازی نیز دانست. این فضا، حتی می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که کاربر را موظف سازد تا آداب و شرایط خاصی که برای ورود به مسجد واقعی لازم است را رعایت نماید؛ مثلاً می‌توان سازو کاری اندیشید تا هر کاربر برای ورود به فضای سایت با وضو باشد و اگر قصد خرید در این فضا را دارد، زکات را داده باشد. در این صورت، بیان شریف رسول خدا شامل حال کاربرانی که در این فضا قرار دارند نیز خواهد شد که فرمودند:

تا زمانی که در مسجد نشستنی، حق تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی، یک درجه

در بهشت به تو می دهد و فرشتگان بر تو درود می فرستند. (مجلسی ۱۴۰۳، ج ۷۶، ۳۳۶)

مسجد مجازی، رسانه‌ای دینی است که هر پیامی را اشاعه نخواهد داد بلکه به جهت اینکه رسانه‌ای دین محور است، واقعیت گرا بوده و تلاش می کند تا واقعیت‌های دینی را به صورت غیر حضوری و در فضایی مجازی ارائه دهد. از این رو، مسجد مجازی، «آن بخش از کارکردهای مسجد واقعی است که امکان ارائه در فضای سایبر را دارد.» (جهانگیری سهروردی ۱۳۸۸، ۷۲)

فضای مسجد و منبر مجازی را به صورت‌های متعددی می توان مهیا ساخت. علاوه بر طراحی این فضا از طریق سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، این فضا را می توان به صورت یک نرم افزار نیز طراحی کرد؛ نرم‌افزاری که امکانات دنیای مجازی رایانه‌ای را در جهت معرفی و شناسایی و اطلاع‌رسانی حوزه‌ها، بخش‌ها، عناصر و کارکردهای گوناگون و متنوع مسجد به عموم کاربران رایانه‌های شخصی، به کار می گیرد. با کمک گرفتن از امکانات رایانه‌ای از قبیل انیمیشن، پخش فیلم و عکس، استفاده از منابع اطلاعاتی در کنار فضای سه بعدی و مجازی مسجد، می توان بستری مناسب برای الگوسازی و هدایت فرهنگی، هنری، آموزشی و تربیتی فراهم نمود. با تهیه چنین نرم‌افزاری و در اختیار قرار دادن رایگان آن، هر کاربری می تواند با کمترین دانش فنی و رایانه‌ای، با قرار دادن یک لوح فشرده در رایانه خود، وارد فضای مجازی مسجد و سایر مراحل آن شود تا پس از ورود کامل به این محیط با تمامی قسمت‌های مسجد حقیقی، مساجد برتر و الگوی مطابق با سنت اسلامی آشنا شود.^۱

البته توجه به این نکته مهم لازم است که اهمیت دادن به مسجد در فضای مجازی، به هیچ وجه به معنای دست کشیدن از مساجد واقعی نیست. طبیعی است که نمی توان ادعا کرد، مسجد مجازی تمام کارایی مساجد واقعی را خواهد داشت. مسجد مجازی، هر چند بر کیفیت، تأثیر و رنگ و لعاب آن بیفزاییم، جای یک لحظه حضور در مسجد واقعی و مراسم حج یا نماز جمعه و... را نخواهد گرفت. با این حال، از نقش موثر مسجد مجازی، به عنوان مقدمه‌ای برای جذب جوانان آشفته در بازار دیجیتال و دنیای مجازی به مساجد واقعی و سنتی نباید غافل شد؛ چرا که کاهش استقبال جوانان از مساجد و فزونی استقبال آنان از اینترنت

۱. کودکان و نوجوانان با دیدن انواع تصاویر و عکس‌ها می‌توانند احساسات منفی و یا مثبت خود را بروز دهند. برای مطالعه بیشتر در این رابطه رک: (درانی، کمال، استفاده از رسانه‌های گروهی نزد دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه شهر تهران در رسانه‌های تصویری، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۱، ۴۷).

و فضای مجازی، امری غیر قابل انکار است. در واقع مجازی بودن، به هیچ عنوان از تأثیر واقعیت نمی‌کاهد بلکه تنها واقعیتی را به شکل مجازی بازنمایی می‌کند. چه بسا موازی با جهان واقعی، واقعیت مجازی تلاش می‌کند تا محیط‌های جدیدی خلق کند و از قلمروهای خیال گونه‌ای که به شیوه‌هایی منحصر بفرد «واقعی» به نظر می‌رسند، اما به صورت مستقیم با جهان، به صورتی که آن را درک می‌کنیم ارتباط ندارند، استفاده کند.

۲. ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مسجد مجازی

مسجد مجازی، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های خاصی دارد که می‌تواند در جهت جذب جوانان و انجام فعالیت‌های تربیتی و تبلیغی، مؤثر باشد. این قابلیت‌ها به بیان مختصر از این قرارند: ۱-۲. در فضای مسجد مجازی، مخاطبان و کاربران از سایر مناطق جهان به صورت تعامل دوسویه و گفتمان مجازی می‌توانند با مبلغ دین در ارتباط باشند. دو طرف گفتگو، می‌توانند اطلاعات و مطالب هدفمند را در قالب نثر ادبی، داستان کوتاه، حکایت، ضرب‌المثل، شعر، پند و اندرزهای جهت‌دار، در اختیار دیگر کاربران عام و خاص فعال در عرصه اینترنت قرار دهند. در این راستا، امکان راه‌اندازی وبلاگ و درگاه‌های تخصصی با موضوعات مختلف دینی مثل قرآن، احکام، آیات، روایات، ادعیه، و مباحث فقهی می‌تواند مسجد مجازی را به عنوان مهمترین ابزار تبلیغ دینی در دنیای مجازی اسلام معرفی کند.

۲-۲. در فضای مسجد مجازی می‌توان هم گفتگو کرد و هم گفتگورا آموزش داد که هر دو به قدر کافی ارزشمندند. این فضا می‌تواند، مقدمه‌ای را برای کندو کاو در جهت یافتن حقایق کامل‌تر (نسبت به بقیه عقاید) فراهم سازد. از این رو، برای محققانی که دنبال حقیقت هستند، این امکان فراهم می‌شود که در میان عقاید متکثر تفحص نموده و آگاهانه، بهترین عقیده را انتخاب کنند. با توجه به گستره بسیار وسیع اطلاعات، داده‌ها و محتوای متنوع و مختلف، فضای مجازی می‌تواند برای انسان‌های منصف، در زمینه تقویت مبانی دینی، اعتقادی، آموزشی و... نقش تکمیلی و جبرانی را ایفا نماید. علاوه بر اینکه در این فضا، تعامل بین فرستنده و مخاطب منجر به فعال شدن مخاطب در جریان ارتباط می‌شود؛ در عرصه‌ای که یک فرد هم می‌تواند فرستنده پیام و هم گیرنده پیام باشد. هابرماس در این زمینه معتقد است: نیازهای اساسی یا اصیل معینی وجود دارد که تمامی افراد کاملاً آزاد آنها را دارند و این نیازها توسط هر کس که صمیمانه وارد یک گفتمان عملی شود ضرورتاً کشف خواهد شد. (استیون ۱۳۸۰، ۷)

۳-۲. مسجد مجازی، امکان بهره‌مندی از کارکردهای تربیتی مسجد را برای ناتوانهای جسمی اعمّ از نابینایان و کسانی که نقص عضوی دارند و توانایی برقراری ارتباط با مساجد واقعی را ندارند، فراهم می‌سازد. فردی که به هر علتی توانایی حضور در مسجد را نداشته باشد، با تهیه نرم‌افزارهای متعدد که سازوکارهای مسجد را در فضای مجازی ترسیم نموده اند، می‌تواند، با قرار دادن یک لوح فشرده در رایانه خود، وارد فضای مجازی مسجد شده و از فضای معنوی آن بهره‌مند شوند.

۴-۲. با توجه به اینکه یکی از راه‌های انتقال پیام و مفاهیم، استفاده از تصویر، عکس و گرافیک و نقاشی می‌باشد، این موارد در فضای مسجد مجازی بسیار کاربرد داشته و در این فضا امکان استفاده را برای بی‌سوادان و کم‌سوادان فراهم می‌کند. علاوه بر اینکه وجود عناصری چون عکس، تصویر، گرافیک، و... نقش موثری در تبلیغ و انتقال مفاهیم دینی به کاربران ایفا می‌کنند و کودک یا نوجوان با دیدن این تصاویر، آگاهانه یا ناآگاهانه سرمشق و الگو می‌گیرند. (رشیدپور ۱۳۸۴، ۶۱)

۵-۲. یکی از ظرفیت‌های مناسب در فضای مسجد مجازی، امکان شناخت منطقه زندگی و محل تماس کاربران متفاوت از قاره‌ها، کشورها و مناطق مختلف می‌باشد که این امر موجب می‌شود تا مبلغ با شناخت درست از آنها، محتوا و اطلاعات متناسب با محیط‌های مختلف فضای مجازی را در قالب منبر مجازی و سخنرانی اینترنتی و یا وبلاگ و چت در اختیارشان قرار دهد. همچنین، مبلغ می‌تواند بسیاری از منابع و کتب مرجع برای پاسخگویی را در کنار خویش به صورت آنلاین داشته باشد و به محض نیاز به تبیین و تشریح موضوعی با دقت و صحت بالا آن را برای کاربر ارائه نماید. علاوه بر اینکه، در این فضا یک مبلغ می‌تواند تنها با یک کلیک و ارسال پیام، تعداد بی‌شماری از کاربران را در یک لحظه مورد خطاب قرار داده و با ارسال اطلاعات و محتوای مفید از طریق پست الکترونیکی، هم‌زمان با مخاطبان و کاربران مختلف به گفتگو و تبادل نظر بپردازد.

۶-۲. در فضای حاکم بر مسجد مجازی، امکان ذخیره‌سازی اطلاعات و محتوای ارائه شده و حتی مجموعه صحبت‌ها و حرف‌های رد و بدل شده بین مبلغ و کاربر وجود دارد که تمامی این پیام‌ها قابل استفاده و بهره‌برداری و آنالیز و بازآفرینی در آینده می‌باشند. علاوه بر اینکه امکان بهره‌گیری از چشم الکترونیکی، نیز وجود دارد که وقایع را ذخیره می‌کند که در صورت لزوم، می‌توان از وقایع ذخیره شده در حافظه چشم الکترونیکی استفاده نمود.

۲-۷. امکان دسترسی آسان و سریع برای هر مطلب یا اطلاعاتی که مورد نیاز کاربر باشد از طریق موتورهای جستجوگر اینترنتی از دیگر قابلیت‌هایی است که در اختیار مسجد مجازی است. نومسلمانی که می‌خواهد در مورد اسلام چیزی بیاموزد، در سهل الوصول‌ترین جای یعنی اینترنت دنبال کلیدواژگان اسلامی از جمله مسجد می‌رود و با فقدان فضای مناسب، ممکن است از همان ابتدا انحراف در تربیت او ایجاد شود. فضای مسجد مجازی می‌تواند او را در این زمینه، رهنمون باشد و او را در حداقل زمان ممکن به نکته دلخواه و اطلاعات مورد نیاز خود برساند.

۳. تهدیدهای پیش‌روی مسجد در فضای مجازی

علیرغم وجود قابلیت‌های چشمگیر مسجد مجازی، تهدیدهایی نیز برای آن وجود دارد که متولیان فرهنگی باید نسبت به آنها آگاه باشند. در واقع، عمده چالش‌های تربیتی که فضاهای مجازی از جمله اینترنت و شبکه‌های مجازی با آن مواجه هستند، دامن‌گیر مسجد مجازی نیز خواهد بود و مبلغ باید تمام این مطالب را مد نظر داشته باشد تا بتواند منبری موثر در فضای اینترنت داشته باشد.

۳-۱. خاصیت ذاتی فضای مجازی و مشخص نبودن نام و نشانی کاربران و تا حدودی کارگزاران، سبب وجود هنجارها و ارزش‌هایی می‌شود که قابلیت ظهور در جهان واقعی و اجتماع واقعی را ندارند و همین امر جرم و آسیب‌های اجتماعی - روانی و تهدید امنیت را در پی خواهد داشت. اساساً خلوت اینترنت، برای انسان‌هایی که در سطح قابل توجهی از رشد و تربیت قرار نگرفته باشند، آسیب‌زا است. شیطان در همه حال وسوسه‌انگیز است، ولی قدرت وسوسه‌انگیزی و تأثیر وسوسه‌های او در خلوت و در فضایی که فرد بدون آگاهی دیگران، به راحتی امکان دسترسی به انواع تصویرها و محتوای جنسی مستهجن را دارد، بیشتر می‌گردد. بنابراین، ماهیت اینترنت، ماهیت وسوسه‌انگیز است و در بسیاری از روایت‌های اسلامی از خلوت کردن، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که زمینه گناه فراهم است - مانند خلوت کردن با نامحرم - نهی شده است؛ پیامبر ﷺ در بیانی فرمود:

«لا یخلون رجل بامرأة فان ثالثهما الشیطان؛ مرد نامحرم با زن نامحرم خلوت نمی‌کند مگر اینکه شیطان در کنار آنها حضور خواهد یافت (محدث نوری ۱۴۰۸، ج ۱۴، ۲۶۶)؛ ای‌کم و محادثة النساء فانه لا یخلو رجل بامرأة لیس لها محرماً الا هم بها؛ از سخن گفتن با زنان نامحرم بپرهیزید، چرا

که مرد در صورت خلوت کردن با نامحرم تحریک خواهد شد». (حسام‌الدین هندی ۱۴۱۳ق، ج ۵، ۳۲۷)

در پژوهشی که برسون و فرون^۱ انجام داده‌اند، یک دختر نوجوان اظهار داشته است که «ارتباط از طریق اینترنت، مانند نقابی در برابر دنیا است؛ می‌توانید هر چیزی می‌خواهید بگویید و هر کاری می‌خواهید انجام دهید و هرگز هم کسی شما را نمی‌شناسد و از کار شما آگاهی نمی‌یابد. (بولین ۲۰۰۰، ۹۸) این اظهار نظر، هر چند سخن یکی از پاسخ‌دهندگان به پژوهشی درباره گمنامی اینترنتی است، اما یکی از مسائل مهم روان‌شناسی اینترنت، یعنی تأثیرهای گمنامی را بر بروز اعمال غیراخلاقی از سوی کاربران اینترنت نشان می‌دهد. ماهیت گمنام اینترنت می‌تواند سبب شود افراد کارهایی بکنند و چیزهایی بگویند که در خارج از آن فضا چنین افعالی را مرتکب نمی‌شوند. بولن و هاره (۲۰۰۰م.) در پژوهشی با عنوان «اینترنت؛ پی‌آمدهای آن بر سلامت و رفتار ۲»، از عواملی به عنوان آسیب‌هایی که کاربران اینترنت را تهدید می‌کند، نام برده‌اند که از جمله آنها؛ ماهیت سانسور نشده اینترنت و ناتوانی افراد در ارزیابی دقیق اطلاعاتی که با آن مواجه می‌شوند؛ پی‌آمدهای منفی دیدن هرزه‌نگاری‌ها و محتوای جنسی و غیراخلاقی؛ و پی‌آمدهای تحریک جنسی است. در این فضای مجازی، این احتمال هست که افراد به طور ناخودآگاه از داده‌ها و تصویرها تأثیر پذیرند. از نظر روان‌شناسی، ما می‌توانیم محرک‌هایی را ثبت کنیم که از ادراک آنها ناآگاهیم. در واقع، می‌توانیم به نوعی یادگیری و تأثیرپذیری از محرک‌های جنسی در اینترنت معتقد باشیم که آگاهانه نیست و افراد بدون قصد و آگاهی به ثبت آن اقدام می‌کنند. (اتکسیون ۱۳۷۱، ج ۱، ۳۰۲)

بر این اساس، آسیب‌های روانی کاربران به خصوص نوجوانان یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی ناشی از دنیای مجازی است و اگر قرار است در این فضا مسجد مجازی ارائه شود، باید آنقدر دقیق و در عین حال جذاب باشد تا در مقابل این مسائل مقاومت کند. در عین اینکه این همه مشکلات وجود دارد، اما با این حال رسانه‌ها و به خصوص رسانه‌های الکترونیکی، با توجه به کارکردها و قابلیت‌هایی که دارند می‌توانند در جهت حفظ سلامت و بهداشت روان کودکان و نوجوانان تأثیر زیادی داشته باشند. (اخگر ۱۳۸۸، ۵۲)

۱. Berson, Ferron.

۲. The Internet: Its Effects on Safety and behavior.

۲-۳. دنیای مجازی نه تنها سبب تغییر عادت رفتاری کودکان و نوجوانان شده بلکه به طور کلی سطح زندگی و حتی اصول و باورهای اخلاقی را نیز دچار دگرگونی کرده است. امروزه سایت‌هایی طراحی شده‌اند که مسائل غیراخلاقی در قالب تبلیغات و فیلم و حتی بازی‌های رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانانی که قدرت تشخیص و تمایز آن را ندارند که تشخیص دهند آیا اینترنت به آنها خدمت می‌کند یا خیانت، رواج می‌دهند. نیل پستمن جامعه‌شناسی امریکایی با اشاره به این مطلب، بر بسته شدن زمینه‌های رشد و پرورش کودکان به واسطه وجود چنین فضایی تأکید می‌کند:

«زمانی که کودک را از جهان کودکی دور می‌سازیم و زمینه‌های رشد و پرورش را از او می‌گیریم و او را به انواع بازی‌ها و فیلم‌های رایانه‌ای و اینترنتی سرگرم می‌کنیم راه را بر روح لطیف و جسم با نشاط او بسته‌ایم و آینده هدفمند، خلاق و پر بار و تعهدآور را بی‌چون و چرا از او و از جامعه انسانی گرفته‌ایم. (پستمن ۱۳۷۸، ۱۲)

آموزش نوجوانان در مدارس به عنوان یک نهاد فرهنگی و مجهز ساختن آنها به سواد رسانه‌ای لازم، می‌تواند یکی از بهترین راهکارها در پیشگیری از این آسیب‌های روانی باشد. نیل پستمن در این باره می‌گوید:

«یک محتوای نوین آموزشی با خصوصیات لازم خود بهترین امکانات را در اختیار یک فرهنگ می‌گذارد تا بتواند با مشکلات ناشی از تکنوبولی (تکنولوژی زندگی) برخیزد. مدرسه مهم‌ترین ابزار است که می‌توان با آن به تصحیح مشکلات پرداخت.» (پستمن ۱۳۷۸، ۲۵۶)

۳-۳. یکی از خاصیت‌های ویژه فضای مجازی، جاذبه و گرایش مستمر به سیر و گردش در آن توسط کاربران است که پس از مدتی افراد را به شدت به خود وابسته می‌کند تا حدی که برای برخی افراد اعتیاد می‌آورد و زندگی بدون اینترنت برای آنان غیرممکن می‌شود. بدین ترتیب فضای مجازی در کنار جنبه‌های مثبت آن سبب اتلاف وقت مفید کاربران بی‌هدف و بازداشتن آنها از فعالیت‌های هدف‌داری است که سبب تکامل فردی و اجتماعی می‌شود. در تعالیم اسلامی، هدر رفتن وقت جز تباهی عمر و پشیمانی حاصل دیگری ندارد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «از تباه شدن عمرها در آنچه برای شما باقی نماند پرهیزید که عمر رفته باز نمی‌گردد.» (محدث ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ۱۹۹) اعتیاد به اینترنت، مشکلاتی از جمله افسردگی، درون‌گرایی، خجالتی بودن، کم‌حوصله بودن، احساس ترس و اضطراب، و بیش‌فعالی را به دنبال خواهد داشت. (سامسون ۲۰۰۵، ۲)

۳-۴. خشونت مجازی یکی دیگر از نتایج مخرب حاصل از دنیای مجازی است. در هر جامعه‌ای بیماران روحی و روانی وجود دارند که از آزار و اذیت دیگران لذت می‌برند و به راه‌اندازی سایت‌های غیراخلاقی و خشونت‌آمیز می‌پردازند که هدف اصلی این سایت‌ها، جوانان و نوجوانان هستند. مطالعات انجام شده در زمینه قرار داشتن در معرض خشونت رسانه‌ای نشان می‌دهد که در این زمینه مسائل دیگری نیز مثل رواج خشونت و وحشت در محتوای رسانه‌های مختلف، موقعیت اجتماعی-اقتصادی، جنسیت و برخی از الگوهای گزینشی مؤثر هستند. (گرینر ۱۳۸۵، ۱۵)

۳-۵. گرچه امروزه با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی، تبلیغ معارف دینی بسیار آسان گشته و فضایی جدید فراهم آمده است، اما با این حال علیرغم اینکه دین مبین اسلام کاملترین دین بوده و از حیث منابع و مراجع دینی در بین دیگر ادیان از غنای بسیار زیادی برخوردار است متأسفانه هم‌اکنون کمترین محتوا و مطالب را نسبت به دیگر ادیان در فضای مجازی دارا می‌باشد. علاوه بر اینکه، تعداد آمار مربوط به سایت‌ها، وبلاگ‌های فعال، شبکه‌های مجازی اجتماعی، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ارتباط جمعی مجازی، چت روم‌ها و تالارهای گفتگو و... در حوزه دین به خصوص مساجد بسیار پایین بوده و نسبت به حجم بسیار بالای دیگر زمینه‌های فعال در فضای مجازی چندان قابل توجه نمی‌باشد. عدم حضور جدی و کم‌شمار کاربران، بلاگران، مدیران و متولیان سایت‌ها و وبلاگ‌های فعال در حوزه دین به ویژه در حوزه تخصصی مساجد در فضای مجازی جهت انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی و نیز پایین بودن آمار، اطلاعات، محتوا و مطالب در خصوص مسائل دینی و مذهبی مخصوصاً در مورد مساجد که پایگاه و بستر فعالیت‌های دینی و عبادی و مناسکی می‌باشد به زبان غیر فارسی، از دیگر عوامل تشدیدکننده این مساله هستند که از موانع اساسی در تبیین مفاهیم دینی و نیز ارتباط مبلغان و متولیان ترویج مباحث دینی در این فضا می‌باشد.

ب) ضرورت توجه به مسجد مجازی در جهت تربیت کودکان و نوجوانان

تأسیس مسجد در فضاهای مجازی با صرف نظر از تبلیغ آموزه‌های اسلامی و دینی، برای تربیت کودکان و نوجوانان ضرورت بسیار دارد و در صورت غفلت از این امر مهم، ممکن است نسل آینده جوانان که مسئولیت‌های آینده را بدست خواهند گرفت، به جهت انحرافات تربیتی ناشی از فضای مجازی در دوران کودکی و نوجوانی، نه تنها خود، بلکه جامعه را نیز با مشکلات اساسی مواجه سازند. این امر بدین دلیل است که شخصیت نوجوان و جوان، تحت تأثیر عوامل و مؤلفه‌های فراوان شناخته شده و یا ناشناخته بیرونی و درونی شکل می‌گیرد. در کنار مؤلفه‌هایی چون وراثت، خانواده، جامعه، ملیت، زیست بوم، طبقه اجتماعی، فرهنگ عصری ملی و جهانی، دیانت، و... حضور در فضای مجازی و اینترنت نیز میزان اثرگذاری بسیار عمیق و وسیعی دارد. فضای مجازی به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند بر دانش و اعتقادات ملی مخاطبان و گروه‌های سنی مختلف، به ویژه نوجوانان تأثیر زیادی بگذارد. (حسینی انجدانی، ۱۳۸۸، ۵۲)

تقریباً در اکثر کشورها، به ویژه کشورهای در حال رشد، تعداد نسل جوان بیشتر و دل‌بستگی آنان بر رسانه‌های جمعی فزونی‌تر است. نتایج تحقیقات انجام شده در ایالات متحده نشانگر آن است که استفاده از اینترنت در میان جوانان، بیش از هر گروه سنی دیگر است. (بولن و هاره ۲۰۰۰، ۵) کودکان نیز گروه سنی دیگری هستند که استفاده وسیعی از اینترنت دارند. در سال ۲۰۰۵، بیش از ۷۷ میلیون کودک وارد فضای سایبر شده‌اند. (غمامی ۱۳۸۴، ۴۵) تحقیقات انجام شده در شهر تهران نیز، حاکی از آن است که بیشتر تماشا کنندگان تلویزیون، کودکان زیر ۱۵ سال و بعد از آنان بانوان خانه‌دار و سپس جوانان بیشتر از ۱۵ سال هستند.

(شیخاوندی ۱۳۷۳، ۳۴۴) با توجه به اینکه بیشترین کاربران و مخاطبین در محیط سایبر و فضای مجازی را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، لازم است برنامه‌ای در محیط سایبر و فضای مجازی برای این قشر عظیم، طرح‌ریزی نمود که زمینه‌ساز سوق دادن آنها به سوی مساجد باشد و بهترین راه، تشویق آنها به سازوکارهای مسجد در فضای مجازی است. آشنا سازی قشر نوجوان با مبانی دینی و معرفت‌شناسی در فضای مجازی با محتوای غنی دینی و مناسب؛ آنها را در برابر هجمه فرهنگ بیگانه، مقاوم خواهد ساخت و می‌تواند آینده آنان و جامعه را، از حیث حفظ هنجارها و ارزش‌ها بیمه نماید. با توجه به اینکه آنها در مرحله‌ای از زندگی خویش به سر می‌برند که بیش از سایر اقسام در معرض تأثیرپذیری فرهنگی قرار دارند و عمدتاً نیز از استفاده‌کنندگان این پدیده هستند، این ارتباط می‌تواند در نگاهی مثبت، زمینه‌تعالی و افزایش آگاهی‌ها و نیز رشد مهارت‌های مختلف آنها را فراهم سازد.

علاوه بر این، خصایصی در وجود کودک و نوجوان است که به صورت طبیعی ضرورت برنامه‌ریزی در جهت استفاده از فضای مجازی را طلب می‌کند. جوهره وجودی نوجوان و جوان، تحوّل‌خواهی و تحوّل‌گرایی است. ایجاد تحوّل مثبت و رشد و حرکت به جلو از خصیصه‌های ذاتی آنان می‌باشد. (لطف آبادی ۱۳۸۰، ۱۱۲) حضور آنان در برنامه‌ریزی، برنامه‌سازی و تعامل دو سویه در فضای مجازی و نیز در نهایت فعالیت در مساجد، آنان را از فعالیت‌هایی که موجب روزمرگی خواهد شد، دور کرده و زمینه‌ساز تحوّل فکری آنها در زمینه‌های مختلف متناسب با محتواهایی که فضای مجازی در اختیار آنان قرار می‌دهد خواهد شد. بر این اساس، لازم است در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های هدفمند در حوزه تکنولوژی ارتباطی، به ویژه فضای سایبر و مجازی، جایگاه و نگاه ویژه‌ای نسبت به آن داشته باشیم.

ج) نقش مسجد مجازی در تربیت دینی کودک و نوجوان

۱. مسجد مجازی و اصول لازم در تربیت دینی

تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند. (داوودی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۶) آموزش گزاره‌های دینی، مبتنی بر اصول و ویژگی‌هایی از جمله زمینه‌سازی، اختیاری بودن، فطری بودن و... دارد که با توجه به آنها، می‌توان نقش فضایی را که پیشتر در رابطه با مسجد مجازی ترسیم نمودیم در جهت تربیت کودک و نوجوان مورد تبیین و تحلیل قرار داد. به بیان دیگر، روش‌ها و شیوه‌های آموزش مسائل دینی در کودکان و نوجوانان بر اصولی استوار است که با بکارگیری این اصول در فضای مسجد مجازی، می‌توان اصول تربیتی را در وجود کودک و نوجوان نهادینه ساخت. این اصول و ویژگی‌ها از این قرارند:

۱-۱. اصل زمینه‌سازی و آموزش تدریجی مسائل دینی: در بین متخصصان تعلیم و تربیت در مورد نقطه شروع پرورش مذهبی و آموزش برنامه‌های معنوی و تعلیمات دینی، دو نظر متفاوت دیده می‌شود. گروهی معتقدند کودک و نوجوان تا به حد بلوغ و رشد نرسد، استعداد درک آموزش‌های دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد؛ گروه دیگری عقیده دارند که کودک و نوجوان نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند و مربیان می‌توانند مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲) اسلام در این باره دیدگاه‌های متقن و دقیقی ارائه کرده است. بر اساس نظر شرع مقدس اسلام، کودکان تا به سن بلوغ نرسند، تکلیفی متوجه آنان نیست؛

اما هنگامی که به سن تکلیف می‌رسند و با مجموعه تکالیف شرعی مواجه می‌شوند، در صورت نداشتن آشنایی و آمادگی پیشین، پذیرش و انجام تکالیف دینی برای آنان دشوار می‌باشد. درست است که پسر بعد از پانزده سال و دختر بعد از نه سال به تکلیف می‌رسند و قبل از آن تکلیفی ندارند؛ اما انجام تکالیف دینی را نمی‌توان تا سن بلوغ به تأخیر انداخت. باید انسان از کودکی به انجام عبادات و تکالیف دینی عادت کند تا در سن بلوغ به آنها رغبت داشته باشد. (امینی ۱۳۸۵، ۱۵۶)

«بچه‌ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی‌تواند نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت سالگی می‌تواند به نماز عادت کند؛ چه پسر و چه دختر؛ یعنی همان اولی که بچه به دبستان می‌رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند؛ در خانواده هم باید به او یاد بدهند.» (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۰۰)

بر همین اساس، در واقع یکی از اصول تربیتی در تربیت دینی، اصل «زمینه‌سازی» و ایجاد آمادگی در کودکان از نظر روحی، روانی و عاطفی نسبت به مسائل دینی است؛ چرا که زمینه‌های گرایش به فضائل معنوی و اخلاقی در مقطع نوجوانی و جوانی ایجاد می‌شود. برای زمینه‌سازی اعمال عبادی در کودکان، باید تمهیداتی فراهم شود.^۱ همچنین باید زمینه‌ای فراهم شود تا حس و رغبت کودکان نسبت به تکالیف عبادی، به انگیزه و خواست درونی تبدیل شود و این علاقه از درون بجوشد، و لازمه این امر آشنا ساختن کودک و نوجوان با فضای عبادی است. از آنجا که پیشتر بیان شد که اکثر نوجوانان، اوقات خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، می‌توان ساز و کاری اندیشید تا این زمینه‌سازی، از طریق آشنا ساختن آنها با ساز و کارهای مسجد در فضای مجازی صورت پذیرد. عادت دادن و آموزش کودکان و نوجوانان به مسائل عبادی و اخلاقی، می‌تواند به نحو مؤثری از طریق فضای مسجد مجازی به تدریج حاصل شود. با قرار گرفتن در این فضای معنوی، به صورت ناخودآگاه، رفتارها و آموزه‌های اخلاقی در وجود آنها نهادینه می‌شود.

۱-۲. اصل فطری بودن مسائل دینی: نیاز به پرستش و نیایش یکی از نیازهای اساسی و

۱. به همین جهت، مستحب است هنگام تولد در گوش نوزاد، نوای ملکوتی اذان و اقامه نواخته شود. شاید این بدان علت باشد که این عمل آثار روانی و تربیتی بسیار مفیدی را در کودک به جای می‌گذارد، گرایش فطری کودک را به خدا و پرستش رشد می‌دهد و نخستین بذرنماز را در دل کودک می‌کارد. (علی نقی فقیهی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهرتابان، چاپ

عمیق است که در عمق روان بشر وجود دارد. در بررسی تاریخی، این موضوع ثابت شده است که پرستش جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. گاهی که این میل و روح پرستش در مسیر صحیحی قرار گرفته و به خداپرستی ختم می‌شود، اما گاهی بر اثر جهل، انحراف و لجاجت، موجودات و اشیای گوناگون مانند سنگ و چوب، ماه، خورشید و ... مورد پرستش قرار گرفته و یا به بی‌دینی منجر شده است.

«یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان‌ها حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد هر زمان، هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است.» (مطهری ۱۳۸۷، ۲۱)

لازمه پرورش این استعداد فطری و جلوگیری از انحراف آن، فراهم ساختن شرایطی است که متناسب با این استعداد فطری باشد. از آنجا که پیشتر بیان شد که اکثر نوجوانان، اوقات خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، مسجد مجازی به جهت اینکه برخوردار از ساز و کارهای مسجد واقعی است و نیز به گونه‌ای جذاب و متناسب با طبیعت زیبایی‌پسند انسان‌ها طراحی شده است، می‌تواند در جهت پرورش فطرت پاک، نقش قابل توجهی داشته باشد و اتفاقاً اگر کودک و نوجوان در این فضا قرار نگیرد، بیشتر اوقات خود را به صورت بی‌هدف، در سایت‌های مستهجن خواهد گذراند که در آنها مسائل غیراخلاقی در قالب تبلیغات، فیلم و حتی بازی‌های رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانانی که قدرت تشخیص و تمایز آن را ندارند، فراهم است. امروزه که نوجوانان، بیشتر اوقات خود را با بازی‌های رایانه‌ای و پرسه زدن در فضای مجازی می‌گذرانند، اگر مشاهده می‌شود که گروهی از کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل دینی از جمله نماز، رغبت و تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، به جهت مذهبی نبودن فضای مجازی است که فطرت کودک را از مسیر خود منحرف کرده است.

۳-۱. اصل اختیاری بودن مسائل دینی: انسان به اقتضای فطرت الهی خود و به دلیل آن که موجودی چندبُعدی است و به اعتبار کرامتی که خداوند برای او مقرر نموده، موجودی است مختار و کرامت خویش را می‌تواند با اختیار خود کسب نماید. در واقع، از دیدگاه اسلام، انسان موجودی است که دارای میل‌ها و جاذبه‌های معنوی است که سایر موجودات فاقد آن می‌باشند. انسان قادر است در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند و فرمان آنها را اجرا نکند یا به بعضی از آنها پاسخ گوید و بعضی دیگر را مهار نماید یا از آنها در جهتی خاص

استفاده کند. در قرآن و منابع تعلیم و تربیت اسلامی، دلایل متعددی وجود دارد که دال بر آزادی و اختیار انسان است.^۱

بر اساس این اصل، نباید هیچگاه کودکان و نوجوانان را مجبور به دین داری کرد بلکه همواره باید فضایی را برای او فراهم ساخت تا خود او با قرار گرفتن در آن فضا بتواند مسیر خود را انتخاب کند. فضای مسجد اعم از واقعی و مجازی، بهترین فضایی است که زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا فرد مسیر دین را انتخاب کرده و اعتقادی درونی یابد؛ اعتقادی که نه برای جلب منفعت، نه به دلیل ترس از اجبار بلکه بر مبنای تناسب با روح و فطرت الهی انسان است. وقتی نوجوان مجبور به دین داری نشود و دین به نحو منطقی و در شرایط و فضای مناسب به او عرضه گردد، هر چند با یک تفکر انتزاعی و در فضایی مجازی به این درک دینی رسیده باشد، دلایل قابل دفاعی را، هر چند در حد توان ذهنی خود برای اعتقادات مهیا خواهد ساخت و دین یا مذهبی را خواهد پذیرفت که نه وراثتی و ریاکارانه، بلکه خالصانه و از روی رغبت خواهد بود. از این رو، اگر والدین می‌خواهند فرزندان آنها نماز خوان و معتقد بآیند، باید سعی کنند که در دوران کودکی، آنها را با فضای مذهبی مأنوس سازند و یکی از فضاهای مذهبی مهم و پر کاربرد، مسجد مجازی است. حضور پررنگ نوجوانان در فضای مجازی اقتضاء می‌کند تا تدبیری هم‌سنخ با فضای مجازی در این راستا اندیشیده شود و به نظر می‌رسد که مسجد مجازی و نیز بازی‌های رایانه‌ای هدفمند، بهترین گزینه در این رابطه هستند که می‌توانند کاربران بی‌هدف در فضای مجازی را با استفاده از جذابیت‌های خود، به فضای دینی سوق دهند.

۴-۱. اصل مشاهده و تجربه محسنات مسجد: اسلام به مشاهده و تجربه اهمیت فراوانی می‌دهد؛ زیرا مشاهده، تجربه، تفکر و تعلیم، وسایلی هستند که به انسان قدرت تشخیص می‌دهند. کودکان اولین و بهترین درس دین داری و ارتباط معنوی با خدا را در محیط مذهبی از طریق مشاهده و تجربه به ارث می‌برند. این مشاهده و تجربه، می‌تواند در فضای واقعی حاصل شود؛ به این شکل که حضور کودکان در اماکن و برنامه‌های مذهبی، به‌ویژه نماز جماعت، آنان را به حضور در مسجد و اقامه نماز ترغیب می‌کند. مشاهده و تجربه همچنین می‌تواند در فضای مجازی نیز واقع شود؛ به این شکل که اعمال عبادی و دینی از طریق

۱. از جمله بیان شریف قرآن که فرمود: «إِنَّهَا هُدْيَةٌ إِلَى السَّبِيلِ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان / ۳)؛ ما راه راست را به او (انسان) نشان دادیم؛ یا شکرگزار خواهد بود یا کفران خواهد ورزید.

مسجد مجازی به نوجوانانی که بیشتر اوقات خود را با سرگرمی از طریق بازی‌های رایانه‌ای و ... در فضای مجازی می‌گذرانند عرضه شود تا از این طریق، معنویت را در فضای مسجد تجربه و مشاهده نمایند. قرار گرفتن کودکان و نوجوانان در محیط و فضای مسجد اعم از واقعی و مجازی [مشوق کودک و نوجوان به اعمال عبادی خواهد بود و زمینه‌گرایش به اعمال عبادی در او به صورت آگاهانه شکل می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۰۰)] در واقع هر چه میزان شرکت کودک و فعالیت‌های او در این محیط بیشتر باشد، به نگرش‌های دینی والاتری دست خواهد یافت. نکته جالب دیگر در این زمینه آن است که میزان علاقه‌مندی کودک به این محیط مقدس نیز با میزان شرکت او و ارتباط و فعالیتش در این محیط، رابطه مستقیم دارد. (باهنر، ۱۳۸۷، ۱۲۲)

۱-۵. اصل بصیرت‌دهی از طریق گفتگو در فضای مجازی: در دوران نوجوانی، سوالات زیادی از جمله در رابطه با مسائل اعتقادی و ماورائی در ذهن وجود دارد. نوجوان همواره به دنبال این است که بداند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت؟ او در خود احساس نیاز به پرستش و ارتباط با یک نیروی مطلق می‌کند؛ چرا که حس پرستش در فطرت او قرار دارد. (مطهری، ۱۳۷۳، ۱۰۰) با این حال، پرسش‌هایی مانند اینکه فلسفه و هدف این اعمال و عبادت چیست؟ چرا باید نماز بخوانیم؟ چرا باید به این شیوه نماز بخوانیم؟ فلسفه روزه چیست؟ همواره ذهن او را به خود مشغول ساخته است.

از طرفی، به جهت اینکه فاصله جوانان و نوجوانان با مساجد کم بوده و غالب اوقات خود را در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند، آنها تلاش می‌کنند تا پاسخ این سوالات را در فضای مجازی بیابند و اینجاست که اگر تمهیدات لازم توسط مبلغان دین و متولیان مسجد در فضای مجازی اندیشیده نشده باشد، نوجوان با پاسخ‌های انحرافی مواجه و گمراه خواهد شد. اگر فضایی برای او فراهم نشده باشد تا او را با فلسفه این امور آشنا کند، ممکن است در او نسبت به اعمال عبادی حالت بی‌رغبتی حاصل شود و چه بسا به تدریج اصل عمل را کنار بگذارد. در واقع به جرأت می‌توان گفت یکی از علل ترک یا استخفاف نماز، بی‌اطلاعی نوجوانان و جوانان از فلسفه عبادات است؛ اما اگر انجام اعمال عبادی در دوره دوم و سوم کودکی و نوجوانی بر اساس شناخت صورت گیرد، و با ایجاد بصیرت دینی، رفتار از حالت تقلیدی به حالت نگرش همراه با آگاهی تبدیل شود، او هرگز آن عمل را در مراحل بعدی ترک نخواهد کرد.

پس ضروری است ضمن اینکه تکالیف عبادی را به طور ساده و بازبان کودکانه به کودکان و نوجوانان انتقال دهیم، متناسب با رشد فکری و ظرفیت درک متربی، فلسفه اعمال و تعلیمات عبادی را نیز برای او بیان کنیم تا بر اساس شناخت و انس، به اعمال عبادی روی آورد. این مهم را، محتوای مسجد مجازی در اختیار کودک و نوجوان قرار خواهد داد. فضای مهیا شده در مسجد مجازی می تواند برای محققان کنجکاو که دنبال حقیقت هستند، این امکان را فراهم سازد تا در حداقل زمان ممکن به اطلاعات مورد نیاز خود برسند و برای سوالات خود پاسخی مناسب دریابند. در این فضا، تعامل بین کاربر و مبلغ دین که در قالب منبر مجازی فعالیت می کند، امکان گفتگو را بین آنها فراهم می سازد. یک مبلغ متخصص، به راحتی پاسخ های قانع کننده ای را به کاربر خواهد داد و از آنجا که کاربر پاسخ های خود را در یک تعامل فکری دوطرفه و در فضای گفتگو دریافت نموده است، طبعاً از روی انتخاب و بصیرت تن به پذیرش آن پاسخ خواهد داد و برای همیشه در وجود او باقی خواهد ماند. در واقع آنچه موجب حصول معرفت واقعی دینی می شود، تنها آموزش های نظری معارف دینی نیست؛ بلکه باید آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی و به تعبیر دیگر، ایجاد بصیرت معنوی و درونی سازی معارف دینی باشد، تا در نتیجه اعتقاد و علاقه قلبی به دین و تکالیف آن در وجود متربی نهادینه شود. اگر بر اساس اصل بصیرت دهی، احساسات مذهبی در کودک پرورش یابد و مورد تشویق قرار گیرد، او در مراحل بعدی یک فرد معتقد، متعبد و مؤمن خواهد بود و مهارت های سه گانه گرایش به معنویت، کسب معنویت و تقویت معنویت، با بهره گیری از فضای علمی، در او تحقق خواهد یافت. (کشانی ۱۳۸۸، ۱۲۶) به همین جهت، در دین اسلام، تأکید فراوان بر این مطلب می شود که اصول دین تقلیدی نیست، بلکه فرد باید با آگاهی و آزادی آن را بپذیرد. بنابراین، باید تلاش کنیم که کودک و نوجوان را به طریقی مثبت و ترغیب کننده، به دین دعوت نماییم و از مبلغین متخصص در جهت ایجاد فضای گفتگوی صمیمانه در فضای مجازی، کمک بگیریم. باید توجه داشته باشیم که کودک و به ویژه نوجوان، در مقابل برخوردهای آمرانه و آموزش های نظری صرف، مقاومت می کند. (کاظمی، ۱۳۷۷، ۸۷)

۱-۶. اصل برخورداری از سواد رسانه: سواد رسانه ای امری ضروری برای افراد، و به خصوص جوانان و دانش آموزان در جوامع معاصر است، زیرا بخش زیادی از اوقات خود را در اینترنت می گذرانند و رسانه ها تأثیری قدرتمند بر زندگی آنها دارند. جیمز پاتر می گوید

«سواد رسانه‌ای چشم‌اندازی است که با آن، ما خود را در معرض رسانه‌ها قرار می‌دهیم و معنای پیامی را که با آن مواجه می‌شویم، تفسیر می‌کنیم». (داویس، ۱۹۹۹، ۸) دی‌کیارا سواد رسانه‌ای را «توانا شدن برای فهم زبان رسانه‌ها» می‌داند (دکیارا، ۲۰۰۲) و زیل که از دیگر متخصصان در این زمینه است، سواد رسانه‌ای را فهم ساختار و کارکرد پیام‌های رسانه‌ای و سازمان‌هایی که آنها را ایجاد می‌کند می‌داند. (زیل، ۱۹۹۸، ۱۰)

مفهوم سواد رسانه‌ای مبتنی بر این مفروض است که در معرض فضای مجازی بودن، آثاری را بر مخاطب می‌گذارد که آن آثار را می‌توان تغییر داد، از آنها پرهیز کرد یا با انگاره‌ها یا برنامه‌های آموزشی و تربیتی متنوع آنها را به سوی اهداف بهتر و خلاقانه‌تر سوق داد.

از آنجا که فاصله جوانان و نوجوانان با مساجد و فضاهای مذهبی کم بوده و غالب اوقات خود را بی‌هدف در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند، طبعاً از آسیب‌های فضای مجازی آگاه نبوده و پس از مدتی انحرافات تربیتی در آنها بروز خواهد یافت. از این رو، باید چاره‌ای اندیشید و به نظر می‌رسد مسجد مجازی، به عنوان یک فضای قابل اعتماد می‌تواند در بطن فضای مجازی، راه‌کاری برای ایجاد سواد رسانه‌ای در نوجوانان و نیز والدین آنها محسوب شود و از طریق آن، می‌توان سواد رسانه‌ای لازم را در کاربران ایجاد نمود تا از آثار مخرب فضای مجازی جلوگیری شود. نقش مبلغان آگاه در ایجاد منابع مجازی و ارتباط یافتن با کاربران اینترنت و قرار دادن آنها در فضای گفتگوی دو جانبه، می‌تواند نقش قابل توجهی در بر ملا ساختن ایدئولوژی‌های نهفته در محتوای نمادین رسانه‌ها داشته باشد. این امر، هوشیار شدن افراد نسبت به آسیب‌های اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت و باعث امنیت آنها در فضای مجازی و در نتیجه قرار گرفتن در مسیر صحیح تربیتی، خواهد شد. در این صورت، به جهت برخوردار بودن نوجوانان از سواد رسانه‌ای لازم، و نیز با توجه به این اصل که کاربران بیشتر به دنبال آن نوع استفاده از اینترنت هستند که بیشترین خشنودی را برای آنها داشته باشد، (مک کوائیل، ۱۳۸۰، ۴۷) در صورت وجود فضای مناسب مذهبی با محتوای دقیق و متقن، کاربر به سوی دیگر فضاها نخواهد رفت و در عین اینکه همواره اوقات خود را در فضای مجازی می‌گذراند، در مسیر تربیت درست قرار خواهد گرفت.

۲. منبر مجازی و شکوفایی احساس مذهبی کودکان و نوجوانان

در بخش اول بیان شد که یکی از ظرفیت‌های مناسب در فضای مسجد مجازی، ایجاد

منبر مجازی است که از طریق آن، مبلغ دینی، محتوا و اطلاعات متناسب با محیط‌های مختلف فضای مجازی را در قالب منبر مجازی و سخنرانی اینترنتی و یا تنها با یک کلیک و ارسال پیام از طریق پست الکترونیکی هم‌زمان در اختیار مخاطبان و کاربران مختلف قرار می‌دهد. در واقع، نمود مسجد مجازی در فضایی محدودتر، منابر مجازی هستند. منبر، از جمله نهادهایی است که در کنار مسجد و از طریق آن، رفتارهای اخلاقی، معنوی و سیاسی جوانان، نوجوانان و حتی کودکان سازماندهی می‌شود. (لطیف پور، ۱۳۷۹، ۱۵۶-۱۵۷) با پیشرفت تکنولوژی و در دسترس بودن اینترنت و فضای مجازی در خانواده‌ها و سایر اقشار جامعه، منبر مجازی، همان کارکرد خود نسبت به تربیت کودکان و نوجوانان در فضای واقعی را می‌تواند در فضای مجازی ایفاء کند.

از آنجا که فاصله جوانان و نوجوانان با منبر در مساجد واقعی کم شده و غالب اوقات خود را در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند، و نیز به جهت اینکه علاقه به کارهای نو و شیوه‌های جدید از تمایلات طبیعی جوانان و نوجوانان است، (فلسفی، ۱۳۴۸، ۱۳۷) منابر مجازی می‌توانند عامل مؤثری در جهت شکوفایی احساس مذهبی و اخلاقی آنها واقع شود. در مرحله بلوغ، تمایلات ایمانی و اخلاقی و نشو و نماهای مذهبی، در جوانان و نوجوانان زنده می‌شود و آنها علاقه‌مند می‌گردند تا از علل و مفاهیم آن باخبر شوند. به عقیده برخی از روان‌شناسان (استانلی هال)، این احساس‌ها در حدود شانزده سالگی پیدا می‌شود و برخی دیگر دوازده سالگی را سن آغاز آن ذکر کرده‌اند.^۱ شکفته شدن این تمایلات اخلاقی، آنان را به سوی جست‌وجوی حق و پی بردن به حقیقت هدایت می‌کند و آنان را وامی‌دارد تا در این سن، به زهد و تقوا و عبادت روی آورند. آنها تلاش می‌کنند تا درهای معرفت را به روی خود گشوده و فطریات نهفته شده را در خود بیدار سازند. جهش‌های عارفانه‌ای در آنها پدید می‌آید و روابط انسان با خدا که برای آنان بی‌مفهوم بوده، در این سن مفهوم پیدا می‌کند. در این سن، آنان برای آنکه در فراگرفتن اخلاق پسندیده و رشد شخصیت به خطا نروند و دچار سیئات اخلاقی نشوند، نیاز به مربیانی دارند که به صورت غیر مستقیم و البته گاهی نیز مستقیم آنها را به خواسته‌هایشان برساند و از آنجا که بیشتر در فضای مجازی پر سه می‌زنند، تلاش می‌کنند تا مربیان خود را در همین فضا بیابند. وظیفه مبلغان دینی در این فضا این است که [با تأسیس منابر مجازی]، برنامه پرورش جوانان و نوجوانان را طوری

۱. برای مطالعه بیشتر در این رابطه رک: (علی قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳).

تنظیم نمایند که از طرفی، حاوی تمام ارزش‌های ایمانی و اخلاقی، علمی، عملی، جسمی، روانی، مادی و معنوی باشد و از طرف دیگر، کیفیت و کمیت مواد برنامه را طوری اندازه‌گیری کنند که اجرای آن برای جوانان سنگین و طاقت فرسا نباشد، وجد و نشاط آنان را درهم نشکند و به نیرو و قدرت‌شان آسیب نرساند. (فلسفی، ۱۳۴۸، ۴۶-۴۸) جوانان و نوجوانانی که از برنامه‌های دینی و عملی بی‌نصیب مانده‌اند و جوانانی که مربی لایق در این زمینه ندارند، همواره در معرض انحراف‌های اخلاقی و بیماری‌های روانی قرار دارند و احساس‌های پرشور و حساب‌نشده جوانی، آنان را به پر نگاه سقوط و تباهی سوق می‌دهد. در همین راستا، برخی از شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، فرار از خانه، روحیه استقلال‌طلبی غیرمنطقی در سنین نوجوانی، تنوع‌طلبی، عدم رعایت احترام نسبت به والدین، پرخاشگری نسبت به بزرگترها، ترویج فرهنگ فرزند سالاری و مادی‌گرایی و .. را ترویج می‌کنند که دامی برای کاربران و مخاطبانی است که از مربیان و مبلغان در فضای مجازی محرومند.

فضای مجازی این امکان را فراهم می‌سازد تا مربیان با خطابه‌های خود، یا از طریق منبرهای الکترونیکی و یا از طریق کرسی کلاس‌های علمی و فرهنگی در فضای وب، در فضایی مجازی و اتفاقاً با مخاطبان سراسر جهان به شکوفا شدن حس اخلاقی و معنوی در وجود کاربران، که غالباً نوجوانان سرگردان در شبکه‌های اجتماعی هستند، کمک کنند و آنها را به سوی سلامت فکر و اندیشه سوق دهد. البته ادراک منبر مجازی، شرایط خاصی دارد که حتماً باید مورد ملاحظه واقع شود. مبلغان دینی که مسئولیت منابر مجازی را بر عهده خواهند داشت، باید بدانند که اگر می‌خواهند حضور تبلیغی قوی در بین جوامع مختلف داشته باشند، می‌بایست ضمن یادگیری تکنولوژی‌های نوین، راه‌ها و روش‌های نوین ورود در عرصه فضای مجازی را به خوبی دانسته و بکار ببندند. مبلغ در فضای مجازی اولاً باید متخصص و صاحب‌نظر باشد و به نحوی نباشد که در مورد یک مسئله چندین نظریه و جواب مطرح کند که این خود باعث بی‌محتوا کردن مسائل و بی‌رغبتی کاربران می‌شود. او باید بداند که

۱. این شیوه‌ای مؤثر در عرصه تبلیغ محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد در صورتی که نگرش طلاب به تبلیغ اینترنتی متحول شود، شاهد رشد و شکوفایی هر چه بیشتر تعالیم دینی و تربیت اسلامی در فضای مجازی خواهیم بود و طلاب نیز می‌توانند سریع‌تر و آسان‌تر تبلیغات خود را به مردم و جویندگان تعالیم ناب دینی ارائه دهند. در همین راستا، ایجاد حوزه‌های علمیه و مدارس دینی مجازی، محیط مناسبی را در فضای مجازی ایجاد خواهد نمود تا مخاطبان و کاربران علاقمند به آشنایی بیشتر با مفاهیم؛ محتوا و اطلاعات دینی از سراسر دنیا به راحتی به آنها دسترسی پیدا کنند.

اگر فرایند تربیت در قالب مراحل تحوّل روانی کودک و نوجوان، با تسریع بیش از حد همراه باشد، یادگیری مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی - تربیتی ناپایدار خواهد بود تا حدی که کودک قادر به تعمیم اصول یادگرفته شده به شرایط جدید و موقعیت‌های تازه نخواهد بود. (کریمی ۱۳۸۱، ۱۸۱) ثانیاً برخوردار از اخلاق حرفه‌ای باشد؛ چرا که تربیت اینترنتی (مجازی) و توانایی در مدیریت منبر مجازی موفق و مؤثر، نیازمند برخورداری از اخلاق حرفه‌ای^۱ است. علاوه بر اینکه مواردی چون، مخاطب‌شناسی (شناخت دقیق مخاطبان خاص و مخاطبان عام) و برنامه‌ریزی متناسب برای هر یک از آنها، شناخت نیاز و خواسته‌های کاربران، به کارگیری روش‌هایی که از تأثیرگذاری بالا برخوردار هستند، شناخت اقتضائات زمانی، شناخت دقیق جغرافیای مکانی، زمان‌شناسی و... همه از مواردی هستند که برای داشتن یک منبر مجازی موفق باید مد نظر قرار داده شوند. علاوه بر اینکه برای گسترش دامنهٔ کاربران و مخاطبان منبر مجازی در سطح جهان، ارائه مطالب و محتوای منبر به زبان‌های پرمخاطب (عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و...) نیز ضروری است که مبلغ یا مرئی باید خود را بر آنها مسلط کند.

۱. تعاریف متعددی از اخلاق حرفه‌ای ارائه شده است از جمله: اخلاق حرفه‌ای، به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می‌دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است. (احد فرامرز قراملکی، اخلاق حرفه‌ای، ص ۱۳۷)

د) راهکارهایی برای نهادینه ساختن مساجد مجازی

با توجه به اهمیت سازوکارهای مسجد و منبر در فضای مجازی، به هدف تربیت نوجوانان و جوانان که فاصله آنها تا حد قابل توجهی با مساجد واقعی کم شده و غالب اوقات خود را در اینترنت و فضای مجازی می گذرانند، لازم است به برخی راه کارها جهت نهادینه شدن مساجد مجازی، جهت هموار شدن مسیر تربیت دینی در جامعه، اشاره شود:

۱. تشکیل هسته های مختلف علمی، ورزشی و خبری، ویژه دانش آموختگان و دانش آموزان مسجدی: تشکیل این هسته ها در فضای مجازی برای ارتباط و تعامل بیشتر کاربران این حوزه با یکدیگر، باعث ارتقاء سطح دانش علمی، و علاقه بیشتر مخاطبان و کاربران فعال حوزه مسجد به ورزش خواهد شد. در این صورت، ضمن فراهم سازی زمینه حضور نوجوانان و جوانان در فضای مسجد، می توان مقدمات هدایت هدفمند آنها را فراهم ساخت. علاوه بر اینکه، می توان بستری برای ورود نوجوانان و جوانان در عرصه اطلاع رسانی و فعالیت در نشریات و مطبوعات فراهم ساخت. این امر آنها را از گشت و گذار بی هدف در فضای مجازی باز داشته و باعث ایجاد نوعی حس فعالیت مثبت در وجود آنها می شود.

۲. اهمیت دادن به کتابخانه دیجیتال مساجد: یکی از عرصه هایی که حضور نوجوانان و جوانان در آن پررنگ می باشد، عرصه کتاب و کتابخوانی است. البته قبل از تشکیل این کتابخانه ضروری است برای دستیابی به نتایج مطلوب، شناخت کافی از سلیقه، ذوق و میزان علاقمندی نوجوانان نسبت به نوع کتاب و موضوعات مورد علاقه و ... صورت پذیرد. برگزاری مسابقات کتابخوانی، همراه با تعیین سیر مطالعاتی هدفمند برای کاربران و آموزش کتاب سازی در فضای مجازی و دریافت کتاب های مورد علاقه از سایت های مشخص و ...

نیز می‌تواند در تربیت نوجوانان و جوانان و آشنایی بیشتر آنها با مفاهیم دینی و اقبال به مساجد مؤثر باشد.

۳. تأسیس شبکه‌های اجتماعی مجازی ویژه نوجوانان و جوانان با محوریت مسجد و با موضوعات اعتقادی: با بهره‌گیری از ارتباطات چندرسانه‌ای صوتی و تصویری و با بکارگیری محتوا و داده‌ها و اطلاعات جذاب و مورد علاقه نوجوانان، می‌توان از حضور آنها را در شبکه‌های اجتماعی آسیب‌زا کاست و آنها را به مشارکت فعال در شبکه‌های اجتماعی دینی سوق داد. از جمله این شبکه‌ها می‌توان به شبکه خودکنترلی صحت نماز اشاره کرد که از طریق آن می‌توان فرهنگ قرائت صحیح و اعمال درست نماز را در فضای مجازی بسط و گسترش داد. این امر، به ترویج فرهنگ نماز در بین نوجوانان کمک می‌کند. در این فضا، کاربر بدون حضور فیزیکی فرد دیگری، صحت نماز خود را کنترل می‌نماید و دیگر مسئله خجالت و ترس، برای او معنایی ندارد. همین راهکار در رابطه با آشنا ساختن نوجوانان با اصول دین، احکام، اعمال مناسکی و افعالی، آموزش صوت و لحن قرآن و ... نیز مؤثر است.

۴. تأسیس «حسینیة مجازی» یا «حسینیة اینترنتی» با بهره‌گیری از هنر و معماری اصیل اسلامی: هنر و معماری اصیل اسلامی و ایرانی در طول تاریخ از جایگاه ویژه‌ای در بین جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی برخوردار بوده و ظرفیتی بسیار بالا برای بسط زمینه‌های جذب و جذابیت به اماکن مذهبی و انس بیشتر کاربران با پایگاه‌های ترویج دین را فراهم می‌سازد. علی‌رغم وجود این ظرفیت عظیم، متأسفانه نتوانسته‌ایم از این هنرهای زیبا و بسیار جذاب در جهت ارائه محتوا و اطلاعات دینی در فضای مجازی استفاده کنیم. ایجاد فضاهایی از جمله حسینیة اینترنتی و مراسم حج، با استفاده از این معماری سنتی و دینی می‌تواند در جذب کاربران مؤثر باشد به این شکل که قالب تارنما به گونه‌ای طراحی شود که با استفاده از کاشی‌کاری‌های مساجد و معماری اسلامی، و بکار گرفتن اشعار و جملات کلیدی اسلامی، فضای حسینیة و مسجد را تداعی کند. ایجاد چنین فضایی سبب می‌شود که کاربر فضای مجازی، احساس نزدیکی زیادی به فضای حسینیة واقعی داشته باشد. چنین فضایی، در صورتی که با محتوای درست، مثلاً با ارائه جدول سخنرانی‌ها و جدول نوحه‌خوانی در تمام شب‌های اول تا سی‌ام با انواع سخنرانی، نوحه، مراسم عزاداری و فیلم از حرم ائمه علیهم‌السلام همراه باشد، یک حسینیة اینترنتی تمام و کمال خواهد بود و می‌تواند ضمن از بین بردن محدودیت‌های زمانی و مکانی، فرد را در هر مکانی با هر فاصله‌ای در جریان اعمال دینی

همان لحظه و زمان قرار دهد.

۵. فراهم نمودن تمهیدات لازم جهت راه اندازی و گسترش برنامه وبلاگ سازی با موضوعات و محتوای مسجدی برای ترویج و بسط فرهنگ مسجد، از دیگر موارد جهت نهادینه ساختن کار کردهای مسجد در فضای مجازی است. اعضاء هیئت امنای مساجد، می توانند انجمن وبلاگ نویسان متشکل از نوجوانان و جوانان فعال را تشکیل دهند که در قالب های مختلف وبلاگ طراحی کنند. از جمله این قالب ها، می توان به وبلاگ های پرسش و پاسخ و رفع شبهات و وبلاگ های شخصیت محور اشاره نمود. در وبلاگ های پرسش و پاسخ و رفع شبهات، نویسندگان برای موفقیت باید ابتدا شناسایی کنند که مخاطب بیشتر در چه موضوعاتی دچار شبهه و اشکال است و در مرحله بعد با استدلال و استنتاج، سعی در روشن کردن موضوع نمایند. در وبلاگ های شخصیت محور نیز، به هدف الگوپذیری کاربران، باید عالمان و اشخاص متدین و مقدس شناسایی شده و اطلاعات وسیعی از آنان را در قالب وبلاگ ارائه کرد تا جوانان و نوجوانان از آنها الگوگیری نموده و در مسیر آنان قرار گیرند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل نقش سایبر و فضای مجازی در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان، از مجموع مباحث این‌گونه بدست می‌آید که امروزه به دلیل سلطهٔ سایبر و فضای مجازی، فاصلهٔ جوانان و نوجوانان با مساجد، کم شده و غالب اوقات خود را، بی‌هدف در اینترنت و فضای مجازی می‌گذرانند. این امر باعث شده تا آنها غالباً در فضای مجازی به دنبال پاسخ به سؤالات و ابهامات خود باشند. این مسئله، نشان دهندهٔ ضرورت توجه به منبرهای مجازی و ایجاد سازوکارهای مسجد در فضای مجازی جهت ارائهٔ بخشی از سازوکارهای مسجد واقعی است که امکان عرضه در عرصهٔ سایبر را دارد. بر این اساس، اگر تمهیدات لازم توسط مبلغان دین و متولیان مسجد در فضای مجازی اندیشیده شود، مساجد مجازی و یا به تعبیری دقیق‌تر، سازوکارهای مسجد در فضای مجازی، به مقدمه‌ای برای ورود نوجوانان و نسل آینده به مساجد واقعی خواهد بود و در حد قابل توجهی، زمینهٔ تربیت دینی و اسلامی آنها را فراهم خواهد ساخت.

اصول مورد نظر در تربیت دینی کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که مسجد، مکانی فقط برای انجام مناسک دینی نیست بلکه عاملی است که هویت افراد در آن شکل می‌گیرد. با اهمیت قائل شدن به مساجد مجازی، در زمانی که کودکان و نوجوانان از مسجد فاصله گرفته‌اند و بخش عظیمی از اوقات خود را در فضای مجازی می‌گذرانند، می‌توان زمینه‌ای فراهم ساخت تا آنها با هویتی دینی و اسلامی تربیت شوند. بر اساس اصول تربیت دینی کودکان و نوجوانان، از جمله اصل بصیرت‌دهی، اصل مشاهده و تجربه، اصل اختیاری بودن و نیز فطری بودن مسائل دینی، و اصل لزوم برخورداری از سواد رسانه، مساجد مجازی زمینه‌ای را فراهم خواهند ساخت تا احساسات مذهبی در کودک پرورش یافته و به فردی معتقد، متعبد و مؤمن تبدیل شود. مسجد مجازی به جهت اینکه برخوردار از سازوکارهای مسجد واقعی بوده و متناسب با طبیعت زیبایی‌پسند انسان طراحی شده، می‌تواند در جهت پرورش فطرت پاک کودکان و نوجوانان، نقش قابل توجهی داشته باشد. مسجد مجازی، در واقع مهم‌ترین راه ارضاء نیازهای معنوی در آن سوی مرزها از طریق معنویت شیعی بوده و پلی است برای کاربران اینترنتی سرگشته در دامان مدرنیته و گرفتار در میان معنویت‌های کاذب، تا از طریق آن بتواند خود را به معارف اصیل اسلام برساند.

از این رو، بر نهادهای متولی مساجد لازم است تا با استفاده از محیط سایبر و فضای مجازی به عنوان یک عرصه تبلیغی و اطلاع رسانی، راه کاری بیندیشند تا فرزندان و کودکان از فضای مذهبی دور نشوند. بر کانون های فرهنگی، متولیان مساجد و ائمه جماعات، لازم است تا علاوه بر رهبری و مدیریت منابر و مساجد واقعی، مفاهیم دینی و برنامه های مربوط به مسجد را در اینترنت و فضاهای مجازی نیز به نمایش بگذارند و یا در قالب بازی رایانه ای یا هر قالب دیگری به جامعه عرضه کنند. تشکیل اتاق های فکر قرآنی و دینی در فضای مجازی با عضویت نوجوانان فعال، برگزاری مسابقات و بلاگ نویسی با موضوع مسجد مجازی، فراخوان مسابقه و بلاگ نویسی با عناوین دینی، و پخش برنامه های مساجد مؤثر در فضای مجازی، از مهمترین راه کارها در جهت نهادینه ساختن مساجد مجازی و هدایت جوانان به فضای مجازی است که نهادهای فرهنگی باید بدان ها توجه داشته باشند. طبیعی است که اگر نوجوان امروز که بخش زیادی از وقت خود را با گردش بی هدف در فضای مجازی و سرگرم شدن با بازی های رایانه ای می گذراند، در این فضای تربیتی قرار نگیرد، بیشتر اوقات خود را در سایت های مستهجن و فضاهای نامناسب خواهد گذراند که عامل انحرافات اخلاقی است.

منابع و مآخذ:

۱. ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، لسان العرب، ج ۳، مجلّدت، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۲. اتکسیون، ریتال و هیلگارد، ارنست، زمینه روانشناسی، ج ۱، ترجمه محمد نقی براهنی و دیگران، تهران، رشد، ۱۳۷۱.
۳. اخگر، محمد، زن و رسانه، ماهنامه اطلاعات حکمت و فلسفه، موسسه اطلاعات، شماره ۴۰، تیرماه ۱۳۸۸.
۴. استیون، وایت، خرد، عدالت و نوگرایی، نوشته های اخیر یورگن هابرماس، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۰.
۵. الویری، محسن، مسجد، فصلنامه علمی نامه صادق، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، شماره ۳۱، ۱۳۸۶.
۶. امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، ۲، ۱۳۸۵.
۷. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۹، ۱۳۸۷.
۸. پستمین، نیل، زوال دوران کودکی، ترجمه صادق طباطبایی تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
۹. جهانگیری سهروردی، یحیی، مسجد مجازی، (به همت دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد)، قم، انتشارات نینوا، ۱۳۸۸.
۱۰. حسام الدین هندی، علاء الدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۵، بیروت، نشر مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۱۱. حسینی انجدانی، مریم و دیگران، نقش رسانه ها در رشد هویت ملی نوجوانان شهر تهران، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۲، پیاپی ۸۵، ۱۳۸۸.
۱۲. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، ج ۹، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
۱۳. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج ۲، تربیت دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱، ۱۳۸۳.

۱۴. درانی، کمال، استفاده از رسانه های گروهی نزد دانش آموزان دوره راهنمایی و متوسط شهر تهران در رسانه های تصویری، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره جدید، سال چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۱.
۱۵. دفلور، ملوین، ای دنیس اورت، شناخت ارتباطات جمعی، ترجمه سیروس مرادی، تهران، دانشکده صدا و سیما، ۱۳۸۳.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، الطبعة الاولى، قم، مکتبه نشرالکتب، ۱۴۰۴ق.
۱۷. رشیدپور، حمید، تربیت دینی و اخلاقی، نشریه پیوند، سازمان مدارس غیردولتی، توسعه مشارکت های مردمی و خانواده، شماره ۲۴، ۱۳۸۴.
۱۸. زبیدی، محب الدین و حسینی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، تصحیح و تحقیق علی شیری، بیروت-لبنان، دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ق.
۱۹. شیخاوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات آسیب شناسی جامعه، تهران، نشرمرندیز، سال ۱۳۷۳.
۲۰. غمامی، سید محمد مهدی، خطر سایبر برای کودکان، ماهنامه اصلاح و تربیت، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، شماره ۳۷، فروردین ماه ۱۳۸۴.
۲۱. فقیهی، علی نقی، شیوه های ترغیب و جذب به نماز، تهران، مؤسسه مهتابان، چ ۱، ۱۳۸۴.
۲۲. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۸.
۲۳. قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳.
۲۴. قراملکی، احد فرامرز، اخلاق حرفه ای، تهران، احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲.
۲۵. کاظمی، یحیی، آموزش و پرورش از خردسالی تا جوانی، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۷۷.
۲۶. کریمی، عبدالعظیم، تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه ای، تهران، سازمان انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
۲۷. کریمی نیا، محمد علی، الگوی های تربیت اجتماعی، قم، پیام مهدی، چ ۲، ۱۳۸۶.
۲۸. کشانی، مهدیه، برنامه درسی برای دست یابی به تربیت دینی، در، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم، مؤسسه امام خمینی ره، چ ۱، ۱۳۸۸.
۲۹. گرینر، جورج، خشونت و وحشت در رسانه ها، ترجمه داوود جعفری، فصلنامه فرهنگ رسانه، ۱۳۸۵.

۳۰. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد ۲؛ نوجوانی، جوانی و بزرگ سالی، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
۳۱. لطیف پور، ید الله، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۳، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۳. مددپور، محمد، دین و سینما، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸.
۳۴. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۳۵. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، تهران، صدرا، چ ۱۴، ۱۳۷۳.
۳۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۳۷. مککوایل، دنیس، مخاطب شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ای، ۱۳۸۰.
۳۸. نوری، محدث، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، قم، نشر آل بیت، ۱۴۰۸ ق.
39. Arpna Seth, The Internet ,Addiction or Hobby? Active Karma Ventures Pvt. Ltd, ۲۰۰۳.
40. Francis J Davis, Media Literacy. from Activism to Exploration, Background paper for the National Leadership conference on media Literacy, ۱۹۹۲.
41. Jeri Samson., and Beth Keen, Internet Addiction, Webmaster@notmykid. Org, ۲۰۰۵.
42. Karen Zill, Media literacy , Television meets the internet, March /April, volume ۱۹۹۸, ۹.
43. Pat Bullen., Niki Harré, The Internet. It's Effects on Fatety and Behaviour Implications for Adolescents, Department of Psychology, University of Auckland, November, ۲۰۰۰.
44. Tina Dechiara, Teaching Basic Concepts of Mass Communication with the Brain in Mind , An Enriched Approach to Introducing Media Literacy at the Middle Level, ۲۰۰۱.
45. Tori DeAngelis, Is internet addiction real? Monitor on Psychology, Volume ۳۱, No. ۴, April, ۲۰۰۵.



طرح صالحین، دستاوردها و پیشنهادها

روح الله حریراوی^۱

چکیده

طرح صالحین به عنوان یکی از طرح‌های گسترده فرهنگی - تربیتی اجرا شده در ظرف مساجد کشور، بخش عظیمی از نیروهای دغدغه‌مند انقلابی و روحانیون آگاه را سازماندهی نموده است. ابتکارات ساختاری، روشی و محتوایی در مقوله تعلیم و تربیت و توفیقات کسب شده در جهت گفتمان‌سازی و زمینه‌سازی برای کادرسازی نیروهای انقلابی از یک سو و موانع، ناکامی‌ها و کارشکنی‌ها از سوی دیگر؛ ضرورت کاوش و علت‌یابی در اطراف این حرکت عظیم فرهنگی را دوچندان می‌نماید. این مقاله در صدد است ضمن شناسایی نقاط قوت این طرح توصیه‌هایی در جهت تقویت آن ارائه داده و با بیان نقاط ضعف آن، نکاتی در جهت رفع آن ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها:

صالحین، مسجد، بسیج، روحانیت، تربیت، نوجوان، جوان، جذب، کادرسازی، انسان‌سازی.

مقدمه

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنِ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (توبه / ۱۸) بی شک اعمار مساجد به احداث ساختمان و گسترش بنای فیزیکی آن خلاصه نمی شود. آنچه آبادانی حقیقی مساجد خدا به شمار می رود، حیات معنوی، بالندگی و نشاط انسانی آن است. مسجد در فرهنگ اصیل اسلامی مرکز حکومت اسلامی و ملجأ تربیت مجاهدان راه خداست. به تعبیر امام خامنه‌ای علیه السلام «مسجد هم مدرسه است هم دانشگاه هم مرکز تفکر و تأمل است هم مرکز خلوص، مرکز ارتباط بنده و خداست، ارتباط زمین و آسمان است». (۷۵/۱۰/۱۹)

انقلاب اسلامی ایران به رهبری یک فقیه جامع الشرایط، زمینه را برای بازگشت به سنن اصیل اسلامی فراهم نمود. یکی از برنامه‌های اساسی اسلام تأسیس و تحکیم مراکز تربیت و سازماندهی نیروی انسانی سالک الی الله است. تاریخ انقلاب حاکی از آن است که در دوره تظاهرات و شکل‌گیری نهضت، مساجد با رهبری روحانیت نقش محوری داشته‌اند. در دوره جنگ تحمیلی نیز مساجد به عنوان مرکز رسیدگی به نیازهای عمومی مردم و به عنوان مرکز اعزام نیرو به جبهه‌ها نقش اساسی خود را ایفا نمودند. در انتخاب مسئولان خرد و کلان برای مناصب نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز همواره سابقه مسجدی مورد توجه بوده است.

اما سؤال اصلی اینجاست که در دهه هفتاد و به تعبیر دقیق‌تر با آغاز دوره تهاجم فرهنگی آیا مساجد نقش جدی خود را در تربیت نسل جوان و کادر سربازان مجاهد مکتب روح الله ایفا نمودند؟ با نگاهی گذرا به تاریخ دهه شصت در می‌یابیم که در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی نوعی سردی و افول در حرکت مساجد بوجود آمده است. پس از جنگ تحمیلی و

همزمان با افزایش ضربان سازندگی و اقتصادگرایی، شاهد ارائه نظریاتی در دولت هستیم که با حفظ احترام و قداست مسجد، در جهت ایجاد مراکز هم‌عرض با مسجد مثل فرهنگ‌سرا و خانه جوان تلاش می‌کند. این تفکر سکولار در دولت اصلاحات NGOها را به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد گسترش داد و هزاران نفر از جوانان را در این قالب دموکراتیک و بی‌روح غربی سازماندهی نمود و هر از گاهی نیز به نفع مقاصد سیاسی استفاده کرد.

در تمام این سال‌ها در گوشه و کنار کشور، دغدغه‌مندان اسلام و دلسوزان نظام سعی در حفظ نقش محوری مساجد در هدایت و تعالی نوجوانان و جوانان داشته‌اند و طرح صالحین یکی از ایده‌های موفق در این عرصه است. طرح صالحین رانه به عنوان یک طرح مصوب در یک نهاد نظامی، که به عنوان یک برنامه فرهنگی پیشرو در تربیت و رشد نیروی انسانی کارآمد برای حفظ دین خدا و حکومت اسلامی باید شناخت. صالحین رانه بعنوان یک ابلاغ و دستور، که به عنوان یک جوشش و ابتکار فرهنگی از عمق دغدغه‌مندی و درد دین باید دانست. صالحین رانه به عنوان یک گل‌خانه حمایت شده، که به عنوان یک حرکت فی سبیل‌الله و کاملاً مردمی و جوشیده از قلب تپنده طلاب و دانشجویان ولایی و انقلابی باید دید.

الف) تاریخچه صالحین

پس از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، رکود خاصی در مراکز فرهنگی پیدا شد. جریان کلی کشور به سوی سازندگی و بازسازی اقتصادی رفت و بسیاری از رزمندگان در صدد تأمین معاش و رسیدگی به امور زندگی برآمدند. پوشیده نیست که رکود نیروی انسانی در سال‌های پایانی دفاع مقدس به عنوان یکی از دغدغه‌های فرماندهان و متولیان جهاد و دفاع در سال‌های بعد از جنگ نیز جای نگرانی داشت. در همان سال‌ها بود که رهبر معظم انقلاب مسئله تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی را مطرح نمودند: «کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت یک شبیخون و یک قتل عام و غارت فرهنگی است.» (رهبر معظم انقلاب ۷۱/۴/۲۲)

این مطالبه حضرت آقا را می‌توان به عنوان نقطه عطف یک حرکت خودجوش فرهنگی دانست. نگارنده معتقد است این طرح عظیم فرهنگی در پنج مرحله اساسی شکل گرفت که هر کدام نقطه عطفی در تعالی و رشد آن به شمار می‌رود.

مرحله اول:

تاریخ شفاهی خوزستان حاکی از آن است که در سال ۱۳۷۰ تعدادی از رزمندگان مسجدی اهواز که بعد از اتمام جنگ وارد وادی طلبگی شده بودند، طراحی و برنامه‌ریزی ویژه‌ای برای فعالیت فرهنگی در عرصه کودک و نوجوان، را آغاز نمودند. عملکرد این گروه دغدغه‌مند، با اشراف حجت الاسلام والمسلمین پاکباز خاصیت ویژه‌ای داشت و آن انتخاب مسجد، به عنوان محور فعالیت فرهنگی بود. مسجدی که هم ظرف حرکت بود و هم محتوای آن. این

حرکت ظرف مدت کوتاهی در این شهر گسترش یافت و طلاب بسیجی بصورت خودجوش به عنوان امام جماعت یا مسئول واحد فرهنگی مساجد اهواز مشغول به کار شدند. این حرکت نوپای فرهنگی به مثابه هر حرکت نو مورد نقد فعالان فرهنگی سنتی قرار گرفت. مواردی چون مریدپروری و سطحی گرایی از مهم ترین ایرادات مخالفان بود. اما از آنجا که هدایت و رهبری این جریان توسط تعدادی طلبه زبده و خلاق انجام می شد تا حدود زیادی از آفت‌ها پیشگیری شد و کار به سرعت توسعه پیدا کرد.

مرحله دوم:

در سال ۱۳۷۹ و در اوج رخنه طبقه سکولار فرهنگی در قلب دولت وقت و همزمان با فعالیت منسجم روزنامه‌های زنجیره‌ای که رهبر فرزانه انقلاب آنان را پایگاه دشمن نامید، جمعی از روحانیون مبتکر و خلاق اهواز به فکر ملی نمودن برنامه فرهنگی تربیتی مساجد خود افتادند. در همان سال و در تاریخ ۷۹/۲/۱۷ رهبر معظم انقلاب در جلسه‌ای محرمانه فرماندهان وقت سپاه و بسیج را به یک طراحی نوین در عرصه فرهنگ و تربیت فراخواندند. در پی فرمان رهبر، مسئولان بسیج به سراغ طرح‌های موفق فرهنگی رفتند و در همان سال طرح ۳۰۰ صفحه‌ای منشور تشکیلات مسجد در عرض یک ماه بصورت شبانه‌روزی توسط جمعی از طلاب مسجد موسی بن جعفر علیه السلام اهواز تدوین و به تهران ارسال شد و پس از تأیید گروه ۱۴ نفره بازرسان بسیج مبنای شکل‌گیری طرح اسوه در بسیج قرار گرفت و به همین منظور حجت الاسلام دسمی عازم تهران گردید و تصدی این وظیفه خطیر را به عهده گرفت.

مرحله سوم:

همزمان با تبیین طرح اسوه در تهران و استان‌ها در سال ۱۳۸۳، اهواز به عنوان مصدر این طرح، شاهد انجام آن در بیش از یکصد مسجد فعال در بستر حوزه علمیّه و تحت نظر نماینده محترم ولی فقیه در استان خوزستان حضرت آیت الله موسوی جزایری بود. در این راستا جمعی از اساتید حوزه علمیّه با محوریت آیت الله فرحانی نماینده مرکز مدیریت حوزه‌های علمیّه، طرح پیوند حوزه و مسجد را تدوین و به عنوان طرح مسجدی با هویت حوزوی به دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام ارائه نمودند. پس از آنکه مسئول دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام، مسئول ارتباطات

حوزوی دفتر معظم له و رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه با حضور در خوزستان جامعیت این طرح را تأیید نمودند، اتفاقی ماندگار در تاریخ حرکت فرهنگی مساجد اهواز رقم خورد و آن دیدار تاریخی ۶۰۰۰ جوان اهوازی با مراد خویش یعنی حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای رحمته الله علیه بود.

رهبر فرزانه انقلاب در آن دیدار آکنده از شور و احساس، از خاطرات سال‌های جنگ یاد نمودند و به طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان مسجدی و بسیجی خود فرمودند: «همین راه مبارک را ادامه دهید؛ راه ارتقای علمی و عملی نسل جوان.» شنیده‌ها حاکی از آن است که طرح پیوند حوزه و مسجد توسط معظم له مورد مطالعه و تحشیه قرار گرفته و فیلم مستند کادرسازی پیوست، توسط ایشان مشاهده شده است.

مرحله چهارم:

در سال ۱۳۸۷ و پس از تغییرات در فرماندهی و ساختار تشکیلاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رویکرد جدید به مسائل فرهنگی و تربیتی در این نهاد مقدس انقلابی پدیدار شد. تولد «طرح صالحین» و تأکید فرمانده کل سپاه و رئیس سازمان بسیج بر آن و قلمداد شدن آن به عنوان محوری‌ترین برنامه خود، تحولی بزرگ در این مجموعه بزرگ انقلابی بود. حلقه‌های تربیتی به عنوان مهمترین رکن ساختار طرح صالحین و در قالب حرکت فرهنگی مساجد، مورد توجه جدی متولیان بسیج قرار گرفت و موجب شد با سرعت و شدت به سراسر پایگاه‌های مقاومت ابلاغ شود.

مرحله پنجم:

مسئولان بسیج با ارائه گزارش به محضر مقام معظم رهبری رحمته الله علیه، پیوسته از ارشادات معظم له بهره می‌جستند، تا اینکه در سال ۱۳۹۰ و در پی عنایت و حمایت این رهبر فرزانه «شجره طیبه صالحین» شکل گرفت. علت اطلاق لفظ شجره (متخدا از پیام تاریخی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه) بر صالحین این بود که شبکه تربیتی صالحین به شبکه روحانیت کشور متصل گردید و یک تشکیلات هر می را شکل داد. شنیده‌ها حاکی از آن است که رهبر فرزانه انقلاب ضمن تأکید بر تأسیس شبکه صالحین از بالا به پایین در سال ۱۳۹۱، اولویت را در دیدار سالانه هفته بسیج به دست‌اندر کاران و سرمر بیان اختصاص دادند. معظم له در این دیدار که در تاریخ

۷ محرم الحرام ۱۴۳۳ انجام شد فرمودند: «اصل تشکیل مجموعه‌های صالحین بر اساس همین دید به وجود آمد که از لحاظ معنوی، از لحاظ تربیتی و از لحاظ تعلیمی عمق بخشیده شود به فکر و به روحیه جوانان بسیجی مادر بخش‌های مختلف».

ب) ساختارشناسی صالحین

۱. شجره طیبه صالحین چیست؟

برنامه اصلی طرح صالحین تشکیل یک گروه تربیتی ۱۵-۲۰ نفره در یک مسجد با محوریت یک سرگروه بود. حال اگر سرگروه‌های چند مسجد تحت نظر یک مربی قرار گیرند، حلقه جدیدی به نام حلقه سرگروه‌ها شکل می‌گیرد و اگر مربیان یک منطقه یا یک شهر تحت نظر یک سرمربی قرار گیرند، حلقه جدیدی بنام حلقه مربیان شکل می‌گیرد و به همین منوال اگر سرمربیان یک حلقه تشکیل دهند، استادی فرزانه اشراف بر حلقه سرمربیان را بر عهده خواهد گرفت. در کتاب راهنمای سرگروه آمده است: «شجره طیبه صالحین، نظام تربیتی، معرفتی و بصیرتی در سطوح مختلف سازمان بسیج مستضعفین است که با استفاده از ظرفیت‌های علمی و معنوی نظام اسلامی، موجبات ارتقای آحاد بسیجیان را در ابعاد مختلف فراهم می‌نماید.»

۲. تعریف ماهیت ارکان شجره صالحین:

۱-۲. حلقه تربیتی: جمع محدودی از افراد هم‌سطح که به صورت هدفمند به وسیله شرکت در جلسات تربیتی و ارتباط اثر بخش خارج از جلسات، با هدایت‌گری، کنترل و جهت‌بخشی سرگروه با مشارکت تمامی اعضای حلقه و هم‌افزایی مؤثر، سیر مشخصی در عرصه‌های تربیتی، معرفتی و بصیرتی می‌گذرانند و مراتب رشد و تکامل خویش را با مطالعه، هم‌اندیشی، مشاوره و عمل صالح در ابعاد مختلف طی می‌نمایند.

۲-۲. سرگروه: فردی آگاه، دلسوز و آشنا به روش‌های تربیت اسلامی که مهارت‌های

تشکیل و اداره حلقه تربیتی را متناسب با مربیان دارا می باشد.

۲-۳. **مربی:** فردی با تجربه و مسلط به روش های تربیت اسلامی که توانایی نظارت و قدرت رشد و تعالی حلقه های تربیتی یا استفاده از ظرفیت سرگروه را دارا می باشد.

۲-۴. **سرمرئی:** فردی فاضل، آگاه و مسلط به اصول و روش های تربیت اسلامی است.

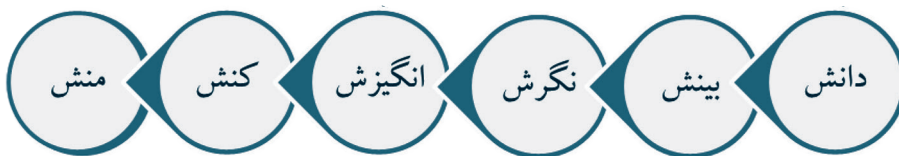
۲-۵. **استاد:** فردی اندیشمند و صاحب نظر در مبانی و اصول تربیت اسلامی است.

توضیح آنکه در ساختار فعلی بسیج محلات، اساتید غالباً مجتهد یا قریب الاجتهادند و در حیطه استانی یا بسیج فعالیت می کنند. سرمرئیان به عنوان عالمان دینی در حیطه شهرها و مربیان در حیطه مناطق مختلف شهری فعالیت می کنند.

۲-۶. **مرکز تولید اندیشه بسیج:** به منظور ایجاد هم گرایی فکری و هدایتی در قوه عاقله صالحین و خصوصاً رسیدگی به عمق و تعالی اساتید و سرمرئیان، مرکزی به نام مرکز تولید اندیشه و پاسخ گویی به شبهات (مرکز تابش ولایت) در قم تأسیس گردید و مأموریت اصلی این مرکز تولید اندیشه و محتوای مورد نیاز حلقات و پاسخگویی به شبهات آحاد بسیجیان است، و ۱۰ وظیفه مهم را بر عهده دارد. این مرکز که از سال ۸۹ تأسیس شده است زیر نظر شورای عالی تعلیم و تربیت صالحین فعالیت می نماید و رئیس آن با حکم رئیس سازمان بسیج منصوب گردیده است. شنیده ها حاکی از آن است که رهبر معظم انقلاب علیه السلام عنایت خاصی به تأسیس و انتخاب رئیس این مرکز داشته اند.

ج) روش شناسی صالحین

آنچه صالحین را در محافل فرهنگی و مجموعه‌های تربیتی متمایز کرده است ابداع و تبیین روش‌های نوین تربیتی ملهم از انسان‌شناسی اسلامی است. حقیقت آن است که در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی روش‌های سنتی در تشکیلات‌های فرهنگی رایج بود و نیاز چندانی به نوآوری و فرآوری متدولوژی تربیتی احساس نمی‌شد که شاید بتوان علت آن را غلبه شعارهای انقلابی و عدم هجوم فرهنگی همه جانبه دشمن دانست. اما با شدت گرفتن تهاجم فرهنگی دشمن و از رونق افتادن برخی از سبک‌های کار فرهنگی نیاز به بازنگری در این روش‌ها ضرورت دو چندان یافت. نظریه پردازان صالحین با عنایت به مراحل که انسان در دریافت و پردازش علم تا رسیدن به مرحله عمل و تعمیق آن طی می‌کند، برنامه خاص تربیتی خود را پایه‌گذاری نمودند. در انسان‌شناسی اسلامی مراحل تبدیل علم به عمل از این قرار است:



توضیح آنکه یک فاعل مختار و یک انسان عاقل ابتدا در خصوص یک پدیده کسب علم می‌نماید و سپس با تعمیق این علم، زمینه ایجاد باور و ایمان به آن معلومات را فراهم می‌آورد. ایمان که همان باور عمیق و دقیق است، مقدمه عمل است. بدین نحو که ذهن انسان با تأمل بر آن تصورات، آنها را تبدیل به تصدیقات می‌کند. توجه انسان به تصدیقات

موجب یافتن انگیزه برای عمل است و این همان اراده است. اراده و تصمیم باعث فرمان مغز به عضلات و صدور عمل است. نهایت آنکه هر عمل و رفتاری که از انسان سر می زند در صورت تکرار و توجّه به مبدأ علمی، تبدیل به ملکه می شود که جزیی از شخصیت و منش انسان است.

مرحله اول: جذب

نخستین مرحله تربیت، جذب است. اگر متولیان امر تربیت سعی کنند مقدمات فصل اختیاری را بر اساس آنچه گفته شد به درستی فراهم آورند، زمینه دین گریزی جوانان به حدّ اقل خواهد رسید و موجبات اتصال آنان به معنویت فراهم خواهد شد. اگر در مرحله اول تربیت سعی شود معلومات تبدیل به باور و ایمان شود و بجای تأکید بر افزایش اطلاعات (تعلیم) به تغییر رفتارها (به عنوان مقدمه تربیت) توجّه شود، رشد انسان در مسیر فطری و حقیقی خود قرار خواهد گرفت. صالحین سعی دارد این گفتمان را جا بیندازد که اگر جوانان به درستی جذب نشوند، زمینه رشد و تعالی وی فراهم نخواهد شد. لازم به ذکر است که جذب با جذاب ملازمه دارد. یعنی لازم است یک رابطه دو طرفه میان مربی و متربی فراهم شود که متربی به مربی جذب شود و مربی نیز متقابلاً زمینه مناسب و پذیرش لازم برای جذب شدن او را در خود فراهم آورد. این سخن حاکی از نوعی مطاوعه و اثرپذیری است که هم در خصوص مربی و هم در خصوص متربی صادق است.

از دیگر تأکیدات موجود در مباحث جذب، تفکیک میان نیروهای داوطلب و غیر داوطلب است. آنچه در محافل فرهنگی رایج است جذب نیروهای داوطلب است که راحت ترین نوع جذب است. نیروهای داوطلب با انگیزه های مختلف به عضویت مجموعه در می آیند و از باب «هر کسی از ظن خود شد یار من» پس از احساس عدم تحقق انگیزه اولیه خود، مجموعه را ترک می کنند. اما نیروهای غیر داوطلب از قبل انگیزه چندان ندارند. فلذا لازم است متولیان مجموعه پس از ارتباط اولیه و گفتگو پیرامون اهداف و برنامه های خود، در آنان ایجاد انگیزه نمایند و آنان را با انگیزه های متعالی و همگن جذب نمایند. طبیعتاً این گونه جذب، مدیریت شده تر و هدفمندتر است و دوام بیشتری خواهد داشت.

آخرین نکته قابل ذکر در این خصوص سطح جذب و مجذوب به می باشد. باید توجّه داشت که جذب نیروها چه مقدار دقیق است و اساساً نیروها به چه چیز جذب می شوند؟ به نظر می رسد غالباً در مرحله اول کار تربیتی مجموعه های فرهنگی، افراد، جذب به اشخاص

می‌شوند و رفتارهای فردی و حتی طرز لباس پوشیدن و خندیدن و لوازم شخص سرگروه و متصدی جذب مورد توجه و الگوگیری مخاطب قرار می‌گیرد. اما با پیشرفت حرکت تربیتی می‌توان انتظار داشت در مراحل آتی (تثبیت و رشد) جذب عمیق‌تر شود و افراد، جذب به باورها و اندیشه‌ها شوند و این همان هدف مورد انتظار از تربیت اسلامی است.

مرحله دوم: تثبیت

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی بر این باورند که ما مشکل جذب نداریم. آنان عنوان می‌کنند که در مرحله جذب می‌توانند تعداد قابل توجهی از جوانان و نوجوانان را به عضویت مجموعه خود در آورند، اما بعد از مدت کوتاهی با ریزش مواجه می‌شوند و به همین دلیل غالباً دچار یأس و ناامیدی می‌گردند. در گفتمان صالحین برای حل این معضل، اصطلاحی به نام تثبیت جعل شده است. نظریه پردازان تربیتی این گفتمان معتقدند که ریزش‌های شدید، ناشی از عدم توجه به ملزومات مرحله تثبیت است و چون اتفاقی که باید در مرحله تثبیت بیفتد، نمی‌افتد مقوله جذب دچار شکست می‌گردد. آنچه لازم است از لحاظ تربیتی مورد توجه متصدیان جذب قرار گیرد توجه به درونی‌سازی و باورپذیری مفاهیم دینی است و مهارتی که لازم است در امر تربیت مورد استفاده مربیان و متصدیان قرار گیرد، مهارت تبدیل علم به ایمان است. مرحوم استاد مطهری رحمته‌الله در کتاب انسان و ایمان بصورت مبسوط تفاوت‌های علم و ایمان را مورد مذاقه قرار داده است که طالبان را به آن نوشتار فوق‌العاده ارجاع می‌دهیم. آنچه در حوصله این مقاله است عبارتست از لزوم ایجاد بی‌قراری، عطش تربیتی برای ارائه مفاهیم دینی:

«آب کم جوشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست»

متأسفانه بسیاری از مبلغان دینی و حتی والدین به دلیل دلسوزی مفرط به رشد و کمال فرزندان و مخاطبان خود، به توزیع گسترده معارف دینی و ارشادات اخلاقی می‌پردازند؛ بی‌آنکه احساس نیاز لازم را در مخاطب فراهم آورند. این اشتباه تربیتی منجر به خام‌خواری و به اصطلاح بی‌اشتهایی تربیتی خواهد شد که نتیجه آن عدم هضم صحیح مفاهیم دینی است. مربی موفق کسی است که ابتدا در ذهن مخاطب ایجاد سؤال نماید، سپس ذهن وی را بی‌قرار نماید و در آخر با ذکر بخشی از جواب منابع مناسب را برای کشف پاسخ به جان‌های تشنه معرفی نماید.

آخرین نکته قابل ذکر در این مقوله تناسب بین علایق و نیازهاست. در مقالات تربیتی نگاشته

شده توسط محققین صالحین تأکید شده که در مرحله جذب لازم است به علاقه‌مندی‌ها و خواسته‌های مخاطبان توجه بیشتری نمود. این امر در مرحله تثبیت و سپس در مرحله رشد به صورت تدریجی، جای خود را به نیازهای حقیقی مخاطبان خواهد داد. اگر نوجوانان در مرحله جذب تمایل به تفریح سالم و ورزش زیاد دارند نباید با آن مخالفت نمود اما در مراحل بعدی با گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی، زمینه را برای توجه آنان به نیازهای روحی و معنوی فراهم آورد و اصطلاحاً به تغییر مبدأ میل آنها مبادرت ورزید. به نظر می‌رسد نفس توجه به اصل تدریج و تغییر هدفمند علاقه‌مندی‌های سطحی یک نوجوان به امور مفید و لازم‌الاکتساب مانند مطالعه، تحقیق، عبادت و خودسازی به مربیان تربیتی کمک ویژه‌ای خواهد نمود.

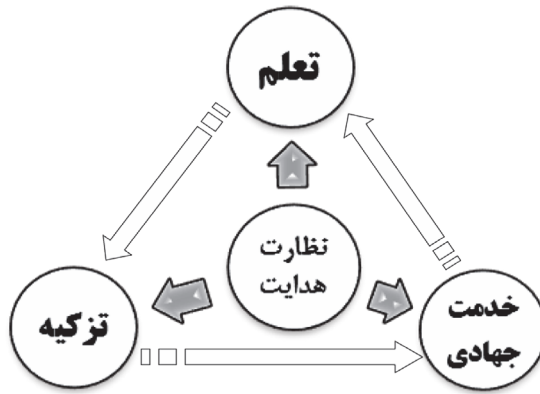
مرحله سوم: رشد

پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین مرحله تربیت، مرحله رشد است. در مراحل قبل مشاهده می‌شود که مخاطبان روحیات و رفتارهای متغیری دارند؛ اما در مرحله رشد رفتارها به نوعی استقرار و ثبات می‌یابند؛ ثباتی که خود زمینه‌ای برای کمال و سعادت حقیقی است. گاهی جوانان در مرحله جذب از نوعی بی‌اعتمادی به اهل ایمان رنج می‌برند؛ این حالت در دوره تثبیت به اعتماد نسبی و در مرحله رشد به اعتماد کافی تبدیل می‌شود. در مرحله جذب افراد از نوعی اعتماد به نفس کاذب و غیر سازنده برخوردارند؛ اما در مرحله تثبیت این اعتماد به نفس تبدیل به سوءظن به نفس اماره می‌شود و در مرحله رشد تبدیل به عدم اعتماد به آن می‌شود که ملازم با شناخت نفس مطمئنه و لوازمه و حرکت در مسیر هدایت الهی است. در طرح صالحین رشد افراد به صورت جامع مورد تأکید قرار گرفته و ابعاد رشد عبارتند از: رشد عقلانی، رشد عاطفی، رشد رفتاری. همچنین ساحت‌های رشد عبارتند از رشد فردی و رشد اجتماعی، و همچنین موضوعاتی که لازم است در آن رشد صورت پذیرد از این قرار است: رشد اقتصادی، رشد عبادی، رشد جنسی، رشد هیجانی، رشد مهارتی، رشد تحصیلی و.... یکی از تأکیدات جدی بنیانگذاران صالحین نقش بی‌بدیل مربی و مرشد در رشد جامع انسان است که ریشه در تأکیدات ائمه معصومین علیهم‌السلام دارد. امام زین العابدین علیه‌السلام می‌فرماید:

«هَلْکَ مِنْ لَیْسَ لَهُ حَکِیْمٌ یُرْشِدُهُ.» (بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۲۸)

در خصوص نقش مربی در تربیت، نظریاتی میان اساتید فن مطرح شده است: حجة الاسلام والمسلمین پاکباز تربیت را دارای ۳ ضلع می‌داند: فعالیت، آموزش، نظارت.

حجت الاسلام والمسلمین دسمی (مؤسس طرح صالحین در بسیج) نیز با تعبیری مشابه، وظیفه نوجوانان و جوانان را این چنین عنوان می‌کند: درس، کار، اخلاق. نگارنده معتقد است فرایند رشد انسان ترکیبی از نقش مربی و متربی است که مربی نقش نظارتی و هدایتی بر عهده دارد و متربی باید در سه حیطه مربوط به رابطه با خدا، با خود و با خلق خدا حرکت و تلاش نماید.



در خصوص مرحله رشد و ابعاد آن نکات ذی‌قیمتی در کتب مرحوم استاد شهید مطهری رحمته‌الله وجود دارد که طالبان تحقیق بیشتر را به کتاب‌های «تعلیم و تربیت در اسلام» «انسان کامل» «ده گفتار» و «گفتارهای معنوی (آزادی معنوی)» ارجاع می‌دهم.

مرحله چهارم: سازماندهی

توجه توأم به مسائل تربیتی و تشکیلاتی از امتیازات طرح صالحین است که شاید بخشی از آن مربوط به فضای تحقق آن یعنی سازمان گسترش بسیج باشد. بسیج به عنوان نیروی مدافع انقلاب و شبکه شریانی نظام مقدس جمهوری اسلامی، نیازمند برنامه‌ای است که نیروها را پس از آماده‌سازی تربیتی به خدمت درآورد و از ظرفیت آنان استفاده نماید. متأسفانه یک نگاه ناصواب نسبت به فعالیت و سازماندهی وجود دارد که ناشی از توجه صرف به نتایج و فواید آن است. برخی برای تبیین ضرورت فعالیت و خدمت، فقط به آثار و اهدافی که برای نظام و انقلاب و اسلام پدید می‌آید اشاره می‌کنند. غافل از آنکه اول کسی که از فعالیت و خدمت بهره‌مند می‌شود، خود فرد فعال است. آیت‌الله شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله در کتاب

تعلیم و تربیت در اسلام به نقش بی‌بدیل کار و فعالیت در تربیت انسان اشاره می‌کند و با استفاده از روایتی از نهج البلاغه تفاوت درخت بیابان و درخت باغ را در استقامت و صبوری بیان می‌کند: «والشجرة البرية أصلب عوداً والروائع الخضراء أرق جلوداً» (نهج البلاغه، من کلام له ۴۵)

بنابراین مسئله سازماندهی صرف نظر از ابعاد و فواید تشکیلاتی آن، از لحاظ تربیتی و معنوی واجد آثار ذی‌قیمتی برای جوانان و نوجوانان می‌باشد و از این جهت توجه به این معنی در طرح صالحین ستودنی است.

مرحله پنجم: کادر سازی

از منظر پایه‌گذاران صالحین، یک تشکیلات کوچک فرهنگی از همان بدو تأسیس لازم است به فکر تأمین نیروی انسانی کار آمد برای آینده خود باشد. این ضرورت برای همه مجموعه‌های فرهنگی و نهادهای انقلابی نیز پر واضح و میرهن است. کادر سازی فرایندی دو طرفه است که میان مربی و متربی اتفاق می‌افتد و ناشی از بروز استعدادها از یک سو و رصد توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها از سوی دیگر است. مربی موظف است از اوان جذب نیرو، توانایی‌ها و قابلیت‌های خاص افراد را شناسایی و آنها را به فعلیت برساند. لذا کار سپاری و مسئولیت‌دهی از وظایف مربیان تربیتی است که از بدو حضور نیروها در مجموعه باید مورد توجه قرار گیرد. در این مرحله نیز همانند مرحله قبل متربی نفع بیشتری از تشکیلات می‌برد و از رشد توانایی‌های فکری و اجتماعی خود سود می‌برد و این رشد را در خود احساس می‌کند. یکی از تفاوت‌های مجموعه‌های تربیتی با گروه‌های سیاسی و احزاب در این است که در تشکل‌های سیاسی افراد همیشه نگران سوءاستفاده و نردبان شدن خود می‌باشند؛ اما در تشکل‌های تربیت جوهر، هیچگاه چنین احساسی به وجود نمی‌آید؛ مشروط بر اینکه موازین شرع و اخلاق اسلامی رعایت شود.

مرحله نهایی: نخبه پروری

این مرحله جزو مراحل رسمی صالحین نیست و در اسناد این طرح ارزشمند مورد اشاره قرار نگرفته است و شاید از لحاظ مفهومی معادل همان مرحله قبل باشد. لیکن مطالبه جدی رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام از حوزه و دانشگاه ضرورت توجه به آن را دو چندان می‌نماید: «باید برای نخبگان حسابی باز کرد. ممکن است به نظر بیاید این یک تبعیض است؛ اما تبعیض

همه جا غیر عادلانه نیست... این حساب باز کردن برای نخبگان عین عدل است؛ به خاطر اینکه ما باید نخبه و هوشمند را در حدی که می‌تواند رشد کند، رشد بدهیم.» (۱۳۸۱/۷/۳)

از آنجا که شبکه گسترده شجره طیبه صالحین از اساتید، سرمرئیان، مربیان و سرگروه‌ها تشکیل شده است و در طرح اولیه نظام شجره‌ای ایده ارتقای رتبه ارکان شجره صالحین وجود داشت؛ می‌توان برنامه نخبه‌پروری را به عنوان یک برنامه منظم در طرح صالحین مورد اشاره قرار داد. لیکن از آن جا که هنوز محصولات انسانی صالحین تولید نشده است و صالحین ارکان خود را از ظرفیت‌های موجود جامعه حوزوی و دانشگاهی انتخاب نموده است؛ باید انتظار داشت در یک چشم انداز ۱۰ ساله نخبگان تربیتی و فرهنگی مورد انتظار تولید شود. بدیهی است در صورت طراحی چشم انداز نخبگانی برای صالحین و توجه به منویات رهبر حکیم انقلاب اسلامی در این زمینه موجبات ارائه طرحی نو در صالحین فراهم خواهد گشت. شایان ذکر است در حال حاضر برخی از تشکل‌های تربیتی و فرهنگی هم‌افق با صالحین مانند حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان یا طرح حکمت نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ضمن توجه به این رسالت خطیر اقدام به برنامه‌ریزی نخبگانی نموده‌اند، و بستر رشد نخبگان را دو عنصر تربیت و جهاد قرار داده‌اند. نگارنده بر این پندار است که در سالی که مطالبه حضرت ولی امر، حرکت ملی و جهادی به سوی اقتصاد و فرهنگ است، ضرورت هم‌افزایی جریان‌های تربیتی و فرهنگی ضرورت دو چندان پیدا کرده است و لازم است رویکردهای جامع شبیه آنچه توسط متولیان قرار گاه خاتم‌الاولیاء علیه السلام در صدد آن هستند، انجام پذیرد و کارهای موازی به حداقل برسد.

د) محتوای شناسی صالحین

۱. اندیشه‌های امام ورهبری

تمرکز صالحین بر مطالعهٔ روشمندان افکار و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی یعنی امام خمینی رحمته و امام خامنه‌ای رحمته و کشف نظام فکری این دو حکیم فرزانه، از ویژگی‌های منحصر به فرد طرح صالحین است. در کتاب راهنمای سرگروه که دستورالعمل تشکیل حلقات تربیتی می‌باشد، تأکید ویژه‌ای بر تعقیب و شناخت ابعاد فکری امام و آقا صورت گرفته است، تا جایی که یکی از وظایف سرگروه استماع سخنرانی‌های ولی فقیه و پیگیری مطالبات ایشان است. در این زمینه نکات قابل توجهی وجود دارد که از حوصلهٔ این نوشتار خارج است.

۲. اندیشه‌های شهید مطهری رحمته

طرح بینش مطهر که توسط جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان متعهد دانشگاه امام صادق رحمته ارائه گردیده است، به عنوان یکی از متون اصلی طرح صالحین پذیرفته شده و در دروس آموزشی مربیان و سرگروه‌ها ارائه گردیده است. کتب منتشره توسط دفتر این طرح در ابتدا با رویکرد خلاصه‌نویسی کتب استاد مطهری رحمته توسط دانشجویان در دانشگاه مزبور آغاز گردیده و در حال حاضر رویکرد موضوعی پیدا کرده است. هر چند، نفس طرح مطالعاتی بینش مطهر نوعی سیر مطالعاتی از آسان به مشکل است، اما ناشران این کتب معتقدند برخی از کتاب‌ها که پس از شهادت استاد مطهری رحمته توسط انتشارات صدرا چاپ شده است، فاقد موضوع بندی صحیح است و لازم است سخنرانی‌ها و یادداشت‌های استاد بر اساس

موضوعات دسته بندی شود. به همین جهت اقدام به تدوین و نشر کتبی از قبیل مسأله نفاق، آزادی انسان، امر به معروف و نهی از منکر و ... نمودند.

۳. مدرسه مجازی و پرتال صالحین

در سال های گذشته بیش از یکصد سایت خبری و محتوایی در جهت تأمین محتوای مورد نیاز حلقه های تربیتی و سرگروه ها و مربیان آنها طراحی گردیده است، مرکز آموزش های مجازی بسیج که با نشانی esalehin.ir فعالیت می کند دوره هایی تحت عنوان مفاهیم پایه فناوری اطلاعات، درس های قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر، کاربری کامپیوتر ICDL برگزار می نماید که در قیاس با نیازهای شبکه گسترده صالحین بسیار ناچیز می باشد. پرتال صالحین به نشانی salehin.ir نیز شامل بخش های شاخص، ثاقب، انعکاس و میزان است که بیشتر یک سایت ترویجی است و با رقبای مطرح و قوی پنجه تری در عرصه مجازی رقابت می نماید. البته در بخش ثاقب این پورتال محتوای متنوعی در چهار بخش معرفتی، بصیرتی، تربیتی و مهارتی وجود دارد که می تواند در حلقه های تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. مرکز تولید اندیشه و پاسخگویی

این مرکز بیش از ۴ سال است در قم راه اندازی گردیده است و دورکن اصلی دارد: یکی هیأت های علمی که با حضور چند تن از مجتهدین طراز اول در سه عرصه تربیتی، بصیرتی، معرفتی آغاز به کار نمود. رئیس بخش معرفتی آیت الله ممدوحی بودند که با استفاده از تعداد قابل توجهی از شاگردان خود (که از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم به شمار می روند)، کار تدوین و پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی و تربیتی را بر عهده گرفتند و به مدت ۲ سال فعالیت نمودند. رئیس بخش بصیرتی آیت الله کعبی بودند که با استفاده از چند تن از اعضای هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته و پژوهشگر فقه سیاسی مجلس خبرگان رهبری به فعالیت سیاسی بصیرتی مشغول بودند.

بخش تربیتی نیز قرار بود با تصدی حجت الاسلام والمسلمین صدیقی (امام جمعه موقت تهران) فعالیت نماید که این امر محقق نشد. متأسفانه با اختلاف نظر سازمان بسیج و حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه این سه بخش مهم از مرکز تولید اندیشه جدا شد و این مرکز

فقط در زمینه موضوعات مهارتی تحت نظر آیت الله فرحانی (معاونت آموزش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه) و جمعی از شاگردان ایشان به فعالیت مشغول است.

رکن دوم این مرکز، معاونت پاسخگویی به شبهات است که در دو بخش مجازی (آنلاین و آفلاین) به نشانی pasokhgooi.ir و تلفنی (صوتی و پیامکی) مشغول به خدمت است و تاکنون بیش از ۲۰۰۰ سؤال را پاسخ داده است. نگارنده که تأسیس و مدیریت معاونت پاسخگویی را به مدت شش ماه بر عهده داشته، معتقد است نیاز محتوای شبکه عظیم بسیجیان عضو در شجره طوبه صالحین، سرگروه‌ها، مربیان و سرمربیان آنها بسیار بیشتر از توان و فعالیت فعلی این مرکز است که به دلیل فراز و نشیب‌های مختلف مدیریتی، آن طور که باید و شاید به این شبکه عظیم متصل نگردیده است. هم‌اکنون بیش از ۴۰ مرکز پاسخگویی به شبهات در سطح کشور وجود دارد که برخی از آنها به مراتب از مرکز پاسخگویی بسیج توانمندترند و با هزینه‌ای به مراتب کمتر اداره می‌شوند. به عنوان مثال سایت پرسمان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در ۲ اتاق مدیریت می‌شود و یا سایت طلبه پاسخگو با هزینه شخصی یک طلبه دلسوز و دردمند در فضای مجازی مشغول به خدمت رسانی است و مخاطبین جدی و پرتعداد دارد.

۵. منشورات صالحین

صالحین در جنبه مطبوعاتی اقدام به انتشار چند مجله ترویجی تحت عنوان راه صالحین نموده است که به ارائه مقالات، گزارشات و مصاحبه‌هایی در موضوعات تربیتی و مهارتی، معرفتی و بصیرتی می‌پردازد. همچنین سالنامه صالحین به منظور استفاده سرگروه‌ها با بخش‌های متنوع منتشر می‌گردد. علاوه بر آن نرم‌افزارهای متعددی توسط مجموعه‌های مرتبط مانند مؤسسه اسوه صدیقین اهواز تولید شده است و در اختیار مربیان و سرگروه‌ها قرار گرفته است.

۶. مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

این مرکز با حضور تعدادی از دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق علیه السلام در تهران راه‌اندازی شده است و کانون‌هایی از قبیل تربیت و دانشگاه، مدرسه، مسجد، رسانه، اقتصاد و ... که همگی مضاف به تربیت هستند را در خود جای داده است. این مجموعه با همکاری دانشگاه امام حسین علیه السلام سعی دارد علاقه‌مندان دانشگاهی را تغذیه علمی کند. و اخیراً اقدام به تأسیس رشته مدیریت فرهنگی در این دانشگاه نموده است.

۲. مدرسه علمیه بقیه الله تهران

مؤسسان صالحین از بدو حضور در تهران، به منظور کادر سازی محتوایی و تربیت نیروی انسانی کار آمد و فاضل، اقدام به تأسیس مدرسه علمیه امام خمینی رحمه الله از گل تحت اشراف حجت الاسلام والمسلمین صدیقی نمودند. با گذشت ۷ سال از فعالیت این مجموعه حوزوی، تأسیس مدارس بقیه الله در تهران آغاز گردید که اکنون در چند مرکز حوزوی برادران و خواهران تحت نظر مرکز مدیریت حوزه های علمیه استان تهران به جذب و تربیت طلاب و فضلائشغال دارد. تلاش متولیان این مدارس علمیه بر تربیت طلابی فاضل و مجاهد است که دغدغه انقلاب و دردین داشته باشند و بتوانند دوره تحصیل را در حداقل زمان لازم طی نمایند.

۸. دوره های آموزشی صالحین

معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج مستضعفین با در دست داشتن چندین مرکز آموزشی در تهران، قم، مشهد و اهواز دوره های متعددی جهت رشد و ارتقای سرگروه ها، مربیان و سر مربیان شجره طیبه برگزار نموده است و بالغ بر ۵۰/۰۰۰ نفر در این دوره ها شرکت نموده اند که از دروس محتوایی در دو عرصه انگیزشی و بینشی بهره مند شده اند.

۵) دستاوردهای صالحین

تمامی طرح‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی توسط دغدغه‌مندان و دلسوزان نظام و روحانیت مجاهد طراحی گردیده‌اند، دارای امتیاز مختص به خود می‌باشند، چنانچه از ضعف‌هایی نیز برخوردارند. از آنجا که این نوشتار در مقام بررسی طرح صالحین می‌باشد، ناگفته روشن است که تجلیل از این طرح مستلزم نفی امتیازات دیگر طرح‌ها نیست و به تعبیر طلبگی اثبات شیء نفی ماعدانمی‌کند. در این مقام بر ۱۰ ویژگی برجسته که تا حدودی صالحین را از سایر برنامه‌ها و طرح‌ها متمایز می‌کند اشاره می‌کنیم و صد البته ممکن است امتیازات بیشتری قابل طرح باشد که از دید نگارنده مخفی مانده است که پیشاپیش عذر می‌طلبیم.

۱. گفتمان سازی تربیتی

همانطور که در مبحث روش شناسی صالحین مختصراً اشاره شد، علی‌رغم دغدغه‌های مبنایی معمار کبیر انقلاب و رهبر معظم انقلاب، تربیت به عنوان یک فضیلت فراموش شده نیاز به احیا داشته و دارد، مراجعه به تاریخ انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تلاش شهیدان رجایی و باهنر در جهت تأسیس امور پرورشی و تبدیل دانش سراها به مراکز تربیت معلم، حاکی از خلاء جدی تربیت در نظام آموزشی کشور است؛ ضرورتی که با روی کار آمدن دولت اصلاحات فراموش شد و از وزارت آموزش و پرورش ریشه کن شد. اما این عمق مصیبت نیست! مصیبت اصلی آنجاست که در نهادهای فرهنگی _ تبلیغی دیگر نظام نیز دغدغه تربیت و پرورش نفوس مهذب بسیار کم‌رنگ و کم‌فروغ شده است. سازمان تبلیغات و وزارت ارشاد و تمامی نهادهای اینچنین و حتی حوزه‌های علمی نوعی

رویکرد آموزشی و تبلیغی را وجههٔ همّت خویش قرار داده‌اند که شاید دلیل آن را بتوان ساده‌تر بودن، زود بازده بودن و قابل ارزیابی بودن فرایند تعلیم و تبلیغ دانست. تربیت یک فرایند پیچیده و دیر بازده است و غالباً مؤسّسین یک مجموعه تربیتی شاهد نتایج کار خویش نیستند؛ فلذا رغبت خاصی به این گونه فعالیت‌ها نیست. خصوصاً که ارزیابی کیفی فعالیت‌های تربیتی بسیار مشکل است و امکان تبدیل شاخص‌های کیفی به کمی معمولاً فراهم نیست. در حالیکه آموزش یک فرایند معین و مدرّج است که پس از پایان مراحل تحصیلی و اعطای مدرک قابل ارزیابی کمی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین خدمتی که طرح صالحین به انقلاب اسلامی و متولیان امر فرهنگ و تربیت نموده احیای گفتمان تربیت و انسان‌سازی است. صالحین توانست به مخالفان خود این ادبیات را منتقل کند که باید دست از روش‌های سنتی برداشت و به روش‌های اصیل بازگشت. باید به جای کلاس اخلاق، جلسهٔ اخلاق برگزار کرد. باید به جای معلّمی، مربّی‌گری کرد. باید کنار منبر، حلقه تشکیل داد. باید طیبی دوار بطبه بود. باید مانند رسول خدا ﷺ به سراغ بیماران رفت. باید برای هر مخاطبی متناسب با نیازهای آنان خوراک آماده کرد. باید سطح‌بندی نمود. باید مخاطب‌شناسی کرد. نباید به مجالس بزرگ و پر تعداد اکتفا کرد. نباید مسجد را با هیئت معاوضه کرد. نباید به تبلیغ و تدریس اکتفا کرد. نباید به ارتباطات مجازی قانع شد. نباید از کار چهره به چهره غافل شد.

۲. احیای نقش مسجد در تربیت

آنچه به تربیت هویت می‌دهد معنویت است. در غیر اینصورت غربی‌ها نیز سودای تربیت در سر دارند و تربیت سکولار را ترویج می‌کنند. تربیت اسلامی همان تربیت معنوی است که در غیر از مسجد محقق نمی‌شود. تربیت اسلامی در یک کلام تربیت مسجدی است. فرهنگ مسجد رنگ و بوی خاصی دارد. صبغه الله از آن استشمام می‌شود. به تعبیر یکی از دانشمندان، بازار مسجدی با غیر مسجدی متفاوت است. معلّم مسجدی با غیر مسجدی متفاوت است. پاسدار مسجدی با غیر مسجدی متفاوت است. حتی روحانی مسجدی با غیر مسجدی متفاوت است! فرهنگ مسجد شور و حرارت و سوزی ایجاد می‌کند که در غیر آن وجود ندارد. فرهنگ مسجد درد دین را در نهاد مسجدیان نهادینه می‌کند. فرهنگ مسجد درد غیر را در جان‌ها زنده می‌کند و بی‌تفاوتی را بر می‌کند. از آنجا که خاستگاه صالحین مسجد است و الگوی

ارتباطی مدرسه و مسجد را در بدو تأسیس توصیه نموده است می توان گفت این طرح وثیق، هویت تربیت دینی را در یک بستر صحیح قرار داد و در یک کلام تربیت را بیمه کرد و به اهلش سپرد. در حال حاضر نهادهای مختلف فرهنگی مانند کانون پرورش فکری کودک و نوجوان، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگ سراها و شهرداری های کلان شهرهای کشور و ... وجود دارند و سالانه میلیاردها تومان از بودجه بیت المال را صرف مقوله فرهنگ و تربیت می کنند؛ اما شاید بتوان ادعا کرد، هیچ یک به صورت مشخص دغدغه تربیت مسجدی را ندارند. صالحین باید افتخار کند که بستر تربیت را مسجد قرار داد و علاوه بر معرفی یک قالب مقدس، محتوای مربوط به این قالب را به مخاطب منتقل کرد. صالحین با عنایت به رهنمود ارز شمند امام خامنه ای علیه السلام که «امام جماعت رئیس طبیعی یک مسجد است» و با توجه به نقش بی بدیل علمای ربّانی در تربیت نفوس و با استفاده از بستر پاک بسیج، مثلث حوزه، بسیج و مسجد را با این رویکرد پایه گذاری کرد:

■ الف) حوزه علمیّه به عنوان پایگاه اندیشه دینی و پشتوانه فکری و محتوایی؛

■ ب) مسجد به عنوان ظرف تحقق اهداف تربیتی اسلام و تربیت نفوس؛

■ ج) و بسیج به عنوان ساختاری ولایی برای تربیت مجاهدان راه خدا.

۳. احیای کتب شهید مطهری

امام خمینی علیه السلام فرمود: «من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می کنم که کتاب های این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه های غیر اسلامی فراموش شود.» همچنین امام خامنه ای می فرماید: «یکی از عناصری که بنیه اصلی فکر اسلامی من را پایه گذاری کرده است، سخنرانی های بیست سال پیش آقای مطهری است ... آثار شهید مطهری مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی است ... اگر کسی آثار وی را با دقت و به طور کامل بخواند، کافی است که او را به یک سطح راقی از معارف اسلامی برساند.» (۶۹/۲/۱۲ - ۷۹/۶/۱۴ سایت دفتر رهبری)

جملات متعددی از حضرت امام و حضرت آقا وجود دارد که ناظر به ابعاد مختلف اندیشه های استاد شهید مرتضی مطهری علیه السلام است. افکار استاد مطهری علیه السلام نه به عنوان یک نویسنده و سخنران چیره دست، بلکه به عنوان معمار فکری انقلاب اسلامی و طراح مدل جدید جهان بینی اسلامی نیاز به توزیع گسترده و هدفمند داشته و دارد. آن چه تا کنون وجود داشته اهتمام به انتشار و توصیه علاقه مندان به مطالعه کتب شهید مطهری علیه السلام است. اما

صالحین توانست عده‌ای را علاقه‌مند به مطالعه روشمندان این کتب نماید. و علاقه‌مندان را نیز ملتزم به این کار نماید. می‌توان گفت صالحین مشکل جامعه جوان ما را به درستی تشخیص داده است. مشکل عمده جوان ما این نیست که نمی‌دانند کتب شهید مطهری رحمته‌الله یا علامه مصباح و علامه جوادی و سایر اندیشمندان اسلامی مفید است. بلکه مشکل اصلی آنها این است که انگیزه‌ای برای مطالعه کتب این بزرگان ندارند. صالحین با ایجاد یک ساختار گسترده و تزریق کتب شهید مطهری رحمته‌الله در آن توانست ضمن تبیین ضرورت مطالعه کتب استاد، مخاطبان خود را نسبت به ادامه مطالعه تشویق نماید و از طریق تشکیل جلسات مطالعاتی توسط سرگروه‌ها و مربیان استمرار این فعالیت علمی ارزشمندان را تا وصول به نتیجه دنبال نماید.

۴. ابداع روش‌های نوین تشکیلاتی

یکی از نیازهای نیروهای حزب الهی و انقلابی، آگاهی از روش‌های علم مدیریت و ابعاد آن می‌باشد. مقوله‌هایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و ارزشیابی و مهارت‌هایی چون تصمیم‌گیری، هدایت و رهبری، مدیریت زمان و از همه مهم‌تر مدیریت فرهنگی و مدیریت تربیتی، همگی اموری هستند که نیاز به مطالعه عالمانه و تخصصی دارند. یکی از امتیازات صالحین را می‌توان ترویج گفتمان مدیریت و تشکیلات و تعریف نسبت میان روحیه جهادی و نظم تشکیلات دانست. کما اینکه یکی از چالش‌های صالحین تحقق این نظم تشکیلاتی در بسیج است. یکی از آفاتی که در خصوص مجموعه‌های انقلابی مطرح است «تجزی نظم در بی‌نظمی» است که به تعبیر امام راحل رحمته‌الله از القای دشمنان اسلام است و بسیج از این آفت مستثنی نیست. به نظر می‌رسد صالحین توفیق زیادی در تبیین ضرورت و ماهیت تشکیلات اسلامی و نحوه تحقق مرحله‌بندی شده آن داشته است. نگارنده معتقد است تدوین و تبیین مراحل تربیت (جذب، تثبیت، رشد، سازماندهی و کادرسازی) توسط جمعی از طلاب انقلابی که در بخش روش‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت، نوعی مهندسی تربیت در ظرف تشکیلات فرهنگی است و در نوع خود ابتکاری ارزشمند است که نیازمند تدقیق و تعمیق بیشتر می‌باشد.

از ابداعات مرتبط با این مسئله می‌توان به ارائه بحث مبانی تربیتی تشکیلات و پافشاری برای گفتمان شدن آن توسط بنیان‌گذاران صالحین اشاره کرد. واقعیت این است که در

گفتمان نسل اول اساتید و طراحان صالحین بیش از دیگر مدافعان آن، توجّه و تأکید بر مبانی تربیت و التفات به هسته بیش از پوسته به چشم می‌خورد. آنان معتقدند تقوی، اخلاص و توکل فقط توصیه‌های اخلاقی نیستند، بلکه باید از اصول مدیریت اسلامی محسوب شوند. همچنین اصل «لا مؤثر فی الوجود الا الله» تنها یک اصل اعتقادی نیست، بلکه زیر بنای مهارت ارتباط است که توجّه به آن آثار شگرفی در تغییر نگرش و بینش مخاطب خواهد داشت.

۵. کادرسازی برای انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب در خصوص اهمیّت توجّه به نیروی انسانی می‌فرماید: «حقیقت این است که در طول ۳۵ سال از عمر انقلاب اسلامی، آن طور که باید و شاید، به مقوله کادرسازی و نیروسازی برای آینده نظام اسلامی توجّه نشده است.» شاهد این مدعی در حال حاضر دغدغه جدی بسیاری از نهادهای انقلابی نسبت به بازنشستگی ناگهانی نیروهای انقلابی و رزمنده و عدم وجود نیروی کافی برای سپردن سمت‌ها و پست‌های کلیدی به آنهاست. بحمدالله توجّه جدی طرح صالحین به مقوله کادرسازی و نظام پلکانی شجره طیبه، زمینه را برای تحقق این امر فراهم کرده است. در حال حاضر صدها دانشجو و طلبه فاضل، انقلابی و دغدغه‌مند در بستر صالحین تربیت شده‌اند و به عنوان مدافع، میمن و مدرس منویات امام و رهبری در مساجد و دانشگاه‌ها مشغول خدمت می‌باشند. متأسفانه نمی‌توان به ذکر نام تمام کسانی پرداخت که در طول بیست سال حیات صالحین رشد و نمو یافته‌اند و اکنون به عنوان اساتید مبارز حوزه علمیه و اعضای هیأت علمی دانشگاه یا مدیران برجسته انقلاب و ... مشغول به انجام وظیفه و خدمتند.

۶. هویت بخشی به بسیج

پس از پایان دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آرایش سازمانی جدید یافت. هویت بسیج همانند ۴ نیروی دیگر نظامی سپاه، تا حدودی نظامی تعریف شد و عمده توجّهات فرماندهان به سازماندهی دفاع محور این نیروی عظیم انقلاب معطوف گردید. تشکیل گردان‌های عاشورا و الزهراء (ع) و تقویت معاونت‌هایی چون آموزش و عملیات در نیروی مقاومت بسیج، شاهدی بر این مدعاست. فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی بسیج نیز در این قالب طرح‌هایی چون طرح میثاق (طرح تابستانه اوقات فراغت) ارائه می‌شد و تشکیل

معاونت‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد مبارزه با منکرات و تقویت مراکز اجرایی سپاه، خاطرات فراز و نشیب‌های دوران فعالیت کمیته‌های انقلاب اسلامی را تداعی می‌کرد. در این فضا بود که طرح اسوه و سپس طرح صالحین، باعث تغییرات اساسی در شاخص‌ها و معیارهای فعالیت بسیج گردید. اگر تا قبل از آن ملاک انتخاب پایگاه نمونه بسیج را تعداد ایست و بازرسی‌ها و نیروهای آماده رزم می‌دانستند، با روی کار آمدن اندیشه صالحین تعداد جذب فعال و تعداد حلقات تربیتی و مربیان توانمند، معیار اصلی انتخاب پایگاه‌های برتر گردید. نگارنده که سال‌ها تجربه فرماندهی پایگاه بسیج را دارد خوب به خاطر دارد که هنگام مراجعه به حوزه مقاومت بسیج برای میدان تیر پاسخ مثبت شنیده می‌شد ولی هنگام پیگیری یک دستگاه مینی‌بوس برای برگزاری اردوی فرهنگی تربیتی پاسخ‌ها منفی بود. طرح صالحین با حاکم کردن گفتمان تربیت و ایجاد نقش‌هایی چون سرگروه و مربی در نمودار سازمانی بسیج در همه سطوح، توانست روحی تازه در کالبد بسیج بدمد و زمینه را برای رشد و تعالی بسیج فراهم کند. امروزه ده‌ها هزار سرگروه، هزاران مربی، صدها سرمربی و ده‌ها استاد در ساختار بسیج دارای مسئولیت و جایگاه تعریف شده‌اند، و این امر هویت جدیدی برای بسیج به شمار می‌رود.

۷. بکارگیری طلاب و روحانیت

یکی از مسائل جدی نظام که از موضوعات اختلافی میان علما نیز به شمار می‌رود مسئله ورود روحانیت به عرصه‌های خدمت‌گزاری دینی و کیفیت آن است. ایده غالب این است که طلبه پس از اتمام لمعتین (سطح یک) معمم شده و در ایام تبلیغ به نقاط دور و نزدیک برود و به منبر و ارشاد مردم بپردازد. سؤالی که مطرح است اینکه آیا نمی‌توان زودتر از این موعد طلاب را به تبلیغ فرستاد و سؤال مهم‌تر آنکه آیا اساساً این روش سنتی تبلیغ نافع است؟ پاسخ روشن است. شاید صد سال قبل از این اگر یک مبلغ یک دهه از محرم را به روستایی می‌رفت و چند مسئله شرعی و حدیث را بیان می‌کرد، می‌توانست در دهه آخر صفر مطالب ارائه شده را تکمیل نماید. اما در دورانی که رسانه‌ها لحظه‌ای مردم را تنها نمی‌گذارند روش‌های سنتی تبلیغ ناکارآمد است. باید طرحی نو در انداخت و ارتباطات تبلیغی را بر محور ارتباط چهره به چهره بصورت پرتکرار و صمیمی برگزار کرد. باید روحانیت شیعه با حفظ جایگاه رسمی خود، به سراغ خانواده‌ها و اعضای آن برود و به مثابه عضوی از اعضای خانواده

به انتقال باورها و مفاهیم دینی پردازد. می‌توان گفت: صالحین با تأکید بر این تفکر، فصل جدیدی در مهارت‌های تبلیغی گشوده و با تعریف جایگاه مربیگری برای مبلغان، آنان را به قلب جامعه اسلامی فرستاده است. صالحین توانست بیش از ۵۰۰۰ طلبه را در سطوح مختلف تربیتی و مدیریتی در سطح کشور سازماندهی نماید و به یکی از نهادهای فعال در عرصهٔ اعزام و به‌کارگیری طلاب علوم دینی مبدل گردد.

هم‌اکنون چند مجموعهٔ مقتدر تبلیغی مانند دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقات، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه در زمینهٔ اعزام مبلغ به نقاط دور و نزدیک کشور فعالیت می‌نمایند که تنها مورد آخر در قالب طرح هجرت مستقر (بلند مدت) روحانیون را در مناطق محروم اسکان می‌دهد. لیکن صالحین با استفاده از شبکهٔ مویرگی بسیج، در تمام شهرها، روستاها، عشایر کشور از همه صنوف و اقشار نفوذ نموده و مبلغ رانه به صورت موقت بلکه به صورت مستمر و با عنوان مربی استفاده می‌نماید. شاید بتوان گفت این وظیفهٔ ذاتی حوزه‌های علمیه است که در صدد بازار کار فرهنگی تربیتی برای نیروهای خود برآید و در خلال آن دغدغهٔ معاش طلاب را نیز پاسخ‌گو باشد.

۸. ساماندهی و سازماندهی فعالان فرهنگی

مسئلهٔ سازماندهی و شبکه‌سازی نیروهای فرهنگی و دغدغه‌مند انقلابی اختصاص به طلاب و روحانیون ندارد؛ بلکه مسئله‌ای فراگیر است که لازم است در خصوص آن برنامه‌ریزی شود. در حال حاضر نوعی بی‌نظمی و لجام‌گسیختگی در زمینه امور فرهنگی وجود دارد و بسیاری از مجموعه‌ها به صورت منفصل مشغول به فعالیت‌های موازی هستند. صالحین به سهم خود توانست بسیاری از نیروهای فرهنگی دغدغه‌مند را در زمینهٔ تربیت اسلامی از لحاظ تشکیلاتی سازماندهی نماید و از جنبه فکری ساماندهی کند. همانطور که قبلاً اشاره شد با فعال شدن قرارگاه فرهنگی خاتم الاوصیاء علیه السلام حرکت قابل ستایشی در زمینهٔ سازماندهی جبههٔ فعالان فرهنگی انقلاب اسلامی با محوریت روحانیت به وجود آمده است که می‌تواند مکمل فعالیت‌های صالحین به شمار رود.

و) پیشنهادهایی به طرح صالحین

ما در این نوشتار، نقائص، ناکامی‌ها و ضعف‌هایی را که در حرکت ارزشمند صالحین مشاهده می‌کنیم تحت عنوان توصیه‌هایی مشفقانه با دست اندرکاران صالحین مطرح می‌کنیم. نگارنده که خود از نویسندگان و مدرّسان دوره‌های صالحین است و در مجالس مختصر، در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی نیز همکاری‌هایی داشته است، معتقد است طرح صالحین یکی از جامع‌ترین و بدیع‌ترین طرح‌های فرهنگی - تربیتی پس از انقلاب است که اگر ایرادات آن بر طرف شود می‌تواند تا آخر پیشرو بماند. بدیهی است که عیوب و مشکلات تابع موانع و عوامل متعددی است و متغیرهای مختلفی در تحقق آنها دست داشته است که برخی از آنها درونی و برخی دیگر بیرونی محسوب می‌شود.

۱. لزوم توجه به محدودیت‌های ساختاری

یکی از مشکلاتی که حرکت صالحین را با کندی مواجه کرده است ساختار نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این نهاد انقلابی به دلیل حساسیت‌هایی که ارگان‌های نظامی دارند سخت‌گیری‌ها و مراقبت‌هایی بر عملکرد مجریان و متولیان صالحین داشته است. البته سازمان بسیج مستضعفین به عنوان یک سازمان گسترده مردمی، نهایت تلاش خود را در جهت کاهش بار روانی مذکور مبذول داشته است. اما به هر حال برخی از نیروهای مذهبی و انقلابی به دلیل حساسیت‌های مربوط به نهاد متبوع بسیج از همکاری رسمی با آن استنکاف داشته‌اند.

۲. لزوم ارتباط با حوزه نمایندگی ولی فقیه

این مجموعه که نقش نظارتی و مشروعیت بخشی به اعضاء و فعالیت های سپاه و بسیج را ایفا می کند، از بدو تأسیس این طرح ارزشمند بر اساس وظیفه ذاتی خود اقدام به کنترل و مراقبت از افراد و برنامه های صالحین نموده است. یکی از ایرادات متولیان حوزه نمایندگی ساز و کار اجرایی حضور طلاب در سازمان سپاه است که باید با هماهنگی و نظارت آنها انجام شود. اشکال دیگر آن مجموعه، موضوعات موازی و مشترک صالحین و حوزه نمایندگی است و دخالت صالحین در حیطه وظایف آنهاست. به نظر می رسد ایراد اول که امری اعتباری است ارزش چندانی ندارد. لیکن در خصوص ایراد دوم باید گفت برنامه های حوزه نمایندگی نیازمند تحوّل و نوآوری است و با این انرژی و توان نمی توان پاسخگوی نیاز گسترده بسیجیان بود. نفس حضور و فعالیت صالحین نشان دهنده خلأ جدی در وضع جاری برنامه های فرهنگی و تربیتی است؛ البته اگر نگوییم که تقریباً هیچ برنامه تربیتی برای کادر سازی وجود نداشته است. حال این مانع موجب کندی کار صالحین گردیده و خساراتی را نیز در برداشته است و ضرورت تعامل دو طرفه صالحین و آنان را جدی تر می نماید.

۳. ضرورت توسعه منطقی

توسعه کمی و ابلاغ سراسری صالحین به تمام اقشار و پایگاه های بسیج کشور موجب شده تا ابعاد کیفی کار در برخی استان ها به شکل قابل توجهی کاهش یابد و به یک برنامه یکنواخت و قالبی تبدیل گردد. به نظر می رسد اگر متولیان امر قدری حوصله به خرج می دادند و به جای دستور همگانی از روش گلخانه ای (pilot) استفاده می کردند و در هر استان چند پایگاه را به عنوان مراکز صالحین انتخاب می کردند و رسیدگی های خاص انجام می دادند؛ آثار عمیق تری بر این حرکت ارزشمند تربیتی - فرهنگی می گذاشت.

۴. ضرورت گزینش دقیق

گسترش کمی و توسعه جغرافیایی و قشری طرح صالحین در تمام کشور منجر به نیاز شدید این شبکه تربیتی به سرگروه و مربی شد. برخی متولیان امر در سطح استان ها با دقت تمام، گزینش و انتخاب سرگروه و مربی را انجام دادند. اما بسیاری از استان ها افراد غیر ذی صلاح را برای تصدی این امر خطیر به دوره های آموزشی اعزام نمودند. نگارنده که طی

دو سال متوالی به عنوان مصاحبه‌گر صالحین مسئولیت بررسی صلاحیت شرکت کنندگان در دوره‌های مربیان را داشت، شاهد بود که افراد زیادی بدون توجیه و فهم صحیح نسبت به جایگاه خطیر مربیگری، به دوره‌های صالحین نگاهی چون سایر دوره‌های بسیج داشتند و آن را یک اردوی زیارتی تلقی می‌کردند و به دلیل عدم صلاحیت گاهی تا ۵۰٪ ریزش داشتند. در مراحل بعد نیز که آموزش و گزینش به استان‌ها واگذار گردید وضعیت تغییر چندانی نیافت و دغدغه حضور افراد ناتوان کماکان باقی ماند. البته اکنون که اهمیت صعوبت تربیت و هدایت مشخص شده است، دقت و وسواس بیشتری اعمال می‌شود و وضعیت قدری بهبود یافته است. شاید بتوان کمبود کادر توانمند و نیروی اثرگذار در استان‌ها را به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده ارزیابی کرد.

۵. ضرورت طراحی الگوی ویژه دانش آموزی و دانشجویی

قبلاً گفته شد که یکی از امتیازات صالحین توجّه خاص به جذب نوجوانان و جوانان به مسجد می‌باشد، لیکن به دلیل وجود دو سازمان بسیج دانش آموزی و بسیج دانشجویی و نظامات آموزشی و اداری حاکم بر آنها برنامه‌ها و ایده‌ خاص برای نفوذ طرح صالحین به این دو عرصه مهم لازم بود. در بسیج دانش آموزی طرح‌هایی مانند پیشگامان و در بسیج دانشجویی طرح‌هایی مثل ولایت وجود داشت که ماهیت آموزشی آنها بر کارکرد تربیتی آنها غلبه و ترجیح دارد. برای ارائه طرحی جامع در این دو عرصه، لازم است تمامی اقتضات محیطی مورد بررسی قرار گیرد؛ تاریخچه و ابعاد محتوایی طرح‌های حاکم دقیقاً مطالعه شود؛ نیروهای کارآمد و تازه‌نفس انتخاب شود؛ رایزنی لازم با همه ذی‌نفعان و فعالان در عرصه دانشگاه به‌ویژه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری صورت پذیرد و در نهایت طبق یک برنامه هماهنگ و مدوّن عملیاتی، عملیات فرهنگی آغاز گردد. ناگفته واضح است که عرصه دانشگاه و مدرسه به دلیل حساسیت بالا و روحیه لطیف نسل جوان و نوجوان به هیچ وجه عرصه آزمون و خطا نیست و نمی‌توان بدون ملاحظه اطراف تعامل وارد این عرصه گردید. نگارنده که به حسب موقعیت فعلی خدمتگزاری در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها از فعالیت‌های صورت گرفته عزیزان صالحین در دانشگاه‌های تهران کمابیش مطلع است، امید دارد اخلاص و تلاش طلاب فاضل و انقلابی فعال در این عرصه، زمینه را برای ارتقای قابل توجّه در محیط هدف فراهم آورد و توفیقات

این مجموعه‌ها نیز قابل ستایش است. در همین جا می‌توان به ضرورت طراحی مدل‌های اختصاصی برای سایر اقشار بسیج مانند هنرمندان، ورزشکاران، مهندسان، اساتید و ... اشاره کرد که فعالیت‌هایی در این زمینه صورت گرفته است.

۶. لزوم تعامل جدی با حوزه‌های علمیّه

بی‌شک یکی از منابع نیروی انسانی مورد نیاز حلقات صالحین، روحانیت و طلاب مجاهد است که لازم است به عنوان سرگروه، مربی، سرمربی، استاد و همچنین مدیر تعلیم و تربیت سپاه‌های شهری و استانی انجام وظیفه کنند و در صورتی که تعامل وثیق مدارس علمیّه و بسیج به صورت هدفمند و مستمر صورت پذیرد؛ تأثیر قابل توجهی در رشد و تعالی مجموعه‌های فرهنگی و تربیتی خواهد داشت.

متأسفانه اشتغال مدارس علمیّه به برنامه‌های آموزشی و تبلیغی مانع از تعامل ارگانیک آنها با نهادهای انقلابی گردیده است و موجب ضعف همکاری‌های فی‌مابین شده است. ضرورت دارد از هر دو سو، استفاده صحیح از ظرفیت آنان در شکل‌دهی و تعالی حلقات صالحین صورت گیرد. به نظر می‌رسد اگر یک طلبه از همان ابتدای طلبگی خود در یک جمع کوچک دانش‌آموزی به تدریس و تربیت پردازد، توفیقات قابل توجهی در مراحل آتی خواهد داشت.

۷. لزوم حضور جدی‌تر در عرصه مجازی

با مراجعه به سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی صالحین می‌توان دریافت که علیرغم هزینه‌های گزافی که در این زمینه صورت گرفته، توفیقات قابل توجهی کسب نشده است. شاید بتوان گفت سایت‌های صالحین به عنوان سایت مطرح در عرصه مجازی شناخته نمی‌شود. لازم است سیاست‌گذاران این طرح ارزشمند با برنامه‌ریزی‌های راهبردی، زمینه حضور در رقابت جدی‌تر را در دنیای مجازی فراهم آورند.

۸. لزوم تأسیس شبکه‌های اجتماعی

دنیای امروز، دنیای ارتباطات مجازی و حضور خیره‌کننده مردم در شبکه‌های اجتماعی است؛ تاجایی که شبکه فیس‌بوک ادعای تشکیل بزرگترین کشور جهان را نموده است. علاقه زاید الوصف ایرانیان به حضور در شبکه‌های اجتماعی و داشتن صفحه شخصی برای

خود و تعامل بی‌هدف، تهدیدی است که اگر تبدیل به فرصت نشود، بنیان‌های فرهنگ دینی و ملی کشور را دچار آسیب جدی خواهد کرد. ارتباط لجام گسیخته محرم و نامحرم، تبرج، نفاق، کذب و افترا از خلیقاتی است که سکه‌های رایج شبکه‌های اجتماعی است. در شبکه‌های اجتماعی بسیاری از افراد با نام غیر واقعی، جنسیت غیر واقعی و حتی عکس‌های دیگران حضور می‌یابند و ساعات ارزشمند عمر خود را صرف وبگردی و هرزه‌نگاری می‌نمایند. اضافه بر این معضلات، خطر جاسوسی و توطئه‌های سیاسی و فرهنگی متنوعی است که دشمنان اسلام و انقلاب از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای تحقق آن بهره می‌جویند.

شبکه‌های میلیونی صالحین در کنار ارتباطات چهره به چهره و حقیقی که اساس تربیت و انسان‌سازی را شکل می‌دهد، نیاز به شبکه‌سازی مجازی و ایجاد شبکه‌های اجتماعی متنوع برای مخاطبان متعدد خود دارد.

خاتمه

پرواضح است که جریان صالحین به‌عنوان یک ثمره‌مترقی انقلاب و نتیجه‌مجاهدتهای امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و شاگردان مجاهد ایشان به‌ویژه خلف صالح امام یعنی حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای مدظله‌الشریف دستاوردی برای تربیت سرباز مخلص و منتظر حقیقی امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف می‌باشد و می‌تواند به‌عنوان الگوی تربیت و کادرسازی در جهان اسلام مورد استفاده قرار گیرد. باشد تا با رفع موانع و تقویت عوامل موفقیت، زمینه رشد و بالندگی هر چه تمام‌تر شجره‌طیبه صالحین فراهم گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. بحار الأنوار.
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری دامت بقاءه رهبری رحمتهما الله.
۵. پایگاه اطلاع رسانی صالحین.
۶. سامانه پاسخگویی بسیج.